

مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء (52)

این مجموعه مکاتیب مبارک حضرت مولی الوری در شیراز از نسخه خطی متعلق بجناب ابوالقاسم افغان تسوید گردیده است

این مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ایران شیدالله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثیر شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمیباشد شهرالاسماء ۱۳۳ بدیع

* ص 1 *

هو

کتاب استنساخ الواح مبارک مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء ارواح من فی الوجود لرمسه اطهر فدا که باوامر مطاعه ولی امرالله حضرت شوقی ربّانی ارواح المحیین له الفدا از روی نسخه موجوده در شیراز که بنظر اعضاء محفل مقدس روحانی رسیده و تدقیق کامل نموده اند نوشته شده بتاريخ اول شهرالملك يوم البهاء سنه ۸۲ بیست و سوم رجب ۱۳۴۴ هیجدهم دلو سنه ۱۳۰۴

[در حاشیه صفحه آمده: خط کاتب و مهر مبارک است]

هوالله

شیراز بواسطه جناب حاجی محمد کریم جناب آقا میرزا آقای طیب علیه بهاءالله

هوالله الحمدلله الذی دلغ لسان الوجود بمحامده و النعوت - وانطق السن
الكائنات

بالتاء علیه فی حیز الملكوت و تجلی بشئون اللاهوت فی عالم الناسوت فاقتبست افئدة العارفين انوار العرفان من مطلع النور المبین و ذلت الاعناق و خضعت الرقاب و عنت الوجود و خشعت الاصوات بجماله المجلله بنور الجلال فعجزت الابصار عن مشاهدة ذلك الوجه المنیر و ابدع تحية و ثناء و تكبير و بهاء تهدي الى كوكب الاسرار و النیر البازغ فی افق الانوار

* ص 2 *

مصباح الملاء الاعلی و الكلمة العلیا و الحقیقة الساطعة فی الابهی النقطة الاولى و
 السدرة المنتهی و المسجد الاقصى و علی الذین اتبعو بشاراته المبشرة فی الایات بظهور
 الاسم الاعظم و الهیکل المکرم و شمس القدم عن مطلع العالم الساطعة علی افاق
 القبائل و الامم الی ابدالاباد یا من اتاه الله الحکمة والیبان در این عصر و اوان که
 حضرت یزدان بصفه رحمانیت تجلی بر کیهان نموده و قلوب را بفیض عرفان مه تابان
 فرموده اثار فضل و جود بعالم وجود احاطه نموده پس اهل سجود باید قدر این فضل
 مشهود را بدانند و بشکرانه الطاف رب ودود چنان شور و وهی در عالم وجود اندازند که
 شرق و غرب بجزب و طرب آید و جنوب و شمال بنور جمال منور گردد
 زیرا موهبت عظمی و حقیقت وفا و عبودیت آستان کبریا مانند اکیلی جلیل در اوج سماء
 موجود و مهیا تا چه سری لایق این افسر گردد و چه قامتی سزاوار این خلعت شود و چه
 زجاجی موقد سراج شود و چه افقی مطلع این کوکب وهاج گردد پس ای یار روحانی
 بجان بکوش تا پرتو نور مبین بر رخ افتد و بمیمنت این فیض قدیم فرخ شود قوه جاذبه
 این موهبت انقطاع و انجذابست و روح و ریحان و خضوع و خشوع است و محویت و فنا
 تبلیغ امرالله است و نشر نجات الله و اعلاء کلمة الله وعلیک التحیة و الثناء ع
 * ص 3 *

هوالله شیراز جناب میرزا آقای طیب علیه بهاءالله

هوالله یا طیبی یا حبیبی قد حزنت لحزنک الشدید و حننت علیک تحنن
 الطیر الغریب الی

الالف السعید و اجبت ان اعزیک فی هذا البلاء الجدید و الخطب الجسیم و الماتم
 العظیم و قد اضطرمت نار الحسرات و احاطت السکرات و نزلت العبرات من وقعه الالیم
 فلا تبئس ان ربک قد هدی ذلک الطیر الی سربه الجلیل و وکره الرفیع فی فردوسه
 البدیع و الف طیور القدس الصادحة فی حدیقة الانس علی لحن الحیب فاستمع له اهل
 الجنان و ارتفع منهم الضحیح بالتهلیل و التکبیر علی الرب الجلیل و علیک
 التحیة و الثناء ع ع

شیراز هوالله

بواسطه جناب حاج میرزا حسن و جناب حاج محمد کریم جناب آقا میرزا آقای طیب
 مناجات طلب مغفرت بجهت من فاز بملکوت الابهی آقا میرزا جلال علیه بهاءالله
 خط کاتب و مهر مبارک است

هو الله ربّ يا ذالمغفرت العظمى و الموهبة الكبرى تغفر لمن تشاء و تعفو عمن
تشاء و

تبدّل

* ص 4 *

السيئات بالحسنات لمن تشاء الهى اتى انثبث باحداب رداء كبرائك و الوفود بباب
رحمتك و علائك و امرغ جينى على التراب تذّلا الى عزّتك و جلالك و اناجيك ان
تغفر لعبدك الذى غلبت عليه اسرارك و هتكت له الاستار و كشفت عنه الحجاب و رفعت
له النقاب و رزقته لقاء و جهك عند الاياب الى دار الصواب ربّ انه طير خافض
الجنح طيره الى اوج الفلاح واجعله كنور الصباح يلوح من افق النجاح فى ملكوت
الارواح حيث انقذته من ظلام الاشباح و قدرّت له كل خير خصّصت به الاصفياء فى
الملاء الاعلى و ملكوتك الابهى انك انت المقدر الغافر العفو اللطيف الكريم الحنون
المتعال ع ع

خط كاتب و مهر مبارک است

جناب آقاميرزا آقاى حكيم و جناب آقاميرزا علاءالدين عليهما بهاء الله
الابهى

هو الله اى دو فرقدان افق محبت الله حمد خدارا كه آن دو برادر مانند دو
پيكر يعنى

جوزا از افق هدى لامعند و در انجمن احبّا دو سراج ساطع اخوت روحانى و جسمانى
هر دو موجود و الفت صورى و معنوى هر دو مشهود و اين از اعظم الطاف حضرت
مقصود

کنون بايد كه آئينه استعداد را مجلى نمود تا آنكه انا فانا انوار شمس حقيقت
* ص 5 *

بيشتر بتابد و عليكما بهاء الابهى ع ع
٤ (خط كاتب و مهر مبارک است)

شيراز جناب آقاميرزا آقاى طيب عليه بهاء الله الابهى

هوالله ای یار روحانی نامه شما رسید از عدم فرصت بنهایت اختصار جواب مرقوم میگردد

نامه نافه مشک بود معطر و معنیر بود رائحه محو و فنا در سیل جمال ابهی از آن منتشر بود بقول شاعر پرده چه باشد میان عاشق و معشوق سد سکندر نه مانع است و نه حائل قوه محبت الله قلب را چون آینه صاف و براق و از هر زنگی ممتاز و آزاد نماید لهذا جمال و کمال یاران از دو طرف در آن انطباع یابد و اما العلامتین لبلوغ العالم حال بیانش باید مبهم باشد حکمت چنین اقتضا میکند از روح و ریحان احبای آن سامان و تشکیل محافل انس بسیار سرور حاصل گشت بجناب اخوی میرزا

علاءالدین تحیت ابدع ابهی برسان طلب غفران و عفو گناهان از برای والدین آن یار مهربان گردید بوالده فرزندان امة الله المهیمن القیوم و آقا میرزا علی و آقا میرزا مصطفی و میرزا بها با نهایت اشتیاق تحیت ابدع ابهی برسان و علیک البهاء الابهی ۲۸ ج ۱۳۳۸ عبدالبهاء عباس

این لوح از روی اصل نسخه که بمهر مبارک حضرت عبدالبهاء ارواح العالمین فداه مزین بود نوشته شده

خط کاتب و امضاء مبارک است

هوالله

* ص 6 *

هوالله ای بنده بها در خبر است که در یوم رستخیز زمین بیکدیگر نزدیک گردد اما

ندانستند که صنایع بدیده شرق و غرب را همدم نماید و اکتشافات جدیده جنوب و شمال را

همراز کند گمان نمودند که بواسطه عصر و حصر اراضی نزدیک یکدیگر گردند و حال آنکه از آن چه ثمر بلکه در اینست که اقالیم شرق و غرب در نفسی از یکدیگر خبر گیرند و در یک محفل نشینند و مشورت و مصاحبت نمایند حال این قریبت محصور در اقالیم ارضیه نه بلکه امکان نزدیک لامکان شده و مرکز ادنی قریب ملاءاعلی گشته

اتصالات بین عالم خاک و جهان پاک حاصل شده یکسر سیم در مرکز صدور مرکوز و سر دیگر در ملکوت رب غفور و برق الهام واسطه کلام و قوه جاذبه محبت الله کاشف اسرار جهدی فرما که صدور مرکز الهام گردد و قلوب جولانگاه قوه جاذبه آسمان و عليك التحية والثاء ع ع

٦ خط کاتب و مهر مبارک است

٧ ج ١ - ١٣٢٨

بواسطه جناب بشیرالهی جناب آقا سید محمد رضای بواناتی علیه بهاءالله الابهی

هوالله رب رجائی و غایة املی و منائی قد مس الضربک الخاضع الی
جبروت

* ص ٧ *

الجلال المنجذب الی ملکوت الجمال المتوقد بنار محبتک المنشرح الصدر بایات معرفتک رب اکشف الغمه و اسبغ النعمه و اکمل الرحمه و تمم المنحه و انقذه من المحنه رب لا کاشف لها الا انت و لا مجیر لعبدک الا انت و لا غدیر له الا انت و لا سمیر له الا انت یا ملجأ المضطربین و یا ملاذ المبتهلین قدر له کل خیر فی ملکوت الاسرار و احشره مع الابرار و احفظه من طوارق اللیل و جوارح النهار لا اله الا انت العزیز الجبار و عليك البهاء الابهی ع ع
٧ بخط کاتب و مهر مبارک است

٨ خط کاتب و مهر مبارک است

بواسطه جناب بشیرالهی

شیراز جناب میرزا جلال زرقانی و آقا محمد صادق خباز علیهما بهاءالله الابهی

هوالله ای بنده آستان جمال مبارک مکتوب مختص شما بغایت مفصل بود
این ایجاز اعجاز

بود و این اختصار مفیدتر از اطناب و اسهاب زیرا مضمون دلیل جلیل بر استقامت بر امرالله بود و الیوم استقامت عین کرامتست بلکه اعظم معجزه در عالم بشریت در خصوص حضور ببقعه نور مرقوم نموده بودی این ایام محذورات متعدده موجود لهذا

مرهون بوقت دیگر نمائید و اگر چنانچه بنشر نور مبین پردازید عین
* ص 8 *

تشریف باستان مقدس است و اجر طائفین در حق شما مقررّ جمیع یاران الهی را
فرداً فرداً کمال اشتیاق عبدالبهاء ابلاغ نمائید و علیکما التحیه و الثناء ع ع
۹ خط کاتب و مهر مبارک است

هو ربّ ووقّ هولاء المنفقین علی کلّ خیر فی الملک و الملکوت بما انفقوا اموالهم فی
تأسیس اول مشرق الازکار فی قطب الدیار و بدلوا ما اعطیتهم فی بناء بیتک
المعمور بسعی مشکور و لهم الجزاء الموفور یا مؤید کل عبد شکور ربّ وعدت
عبادک فی کل حسنة عشرة امثالها فقدرّ لهولاء اضعاف امثالها العشره و اجعل البرکة
تحیط بهم من کل الجهات یا ربّ الایات انک انت المعطى العزیز الوهاب انک انت
الکریم الرحیم و قد سبقت منک الکلمات فی حقّ کل من قام علی نصره امرک من اهل
الارض و السموات یا ربّ الخیرات و قابل الحسنات و المبرّات

هو الله ای خباز پر نیاز حضرت روح بحوارین میفرماید انا خیر الذی نزل من السماء من
اکل من هذ الخبز لن یموت ابدًا میفرماید حقیقت مائده سمائیّه است و از آن مائده
سمائیّه هر نفسی بهره گیرد بحیات باقیه فائز شود و همچین شئون رحمتیّه
* ص 9 *

که از آن مظهر فیوضات ربانیّه ظاهر شد آن شئون نیز مائده سمائیّه حضرت بیچون
است پس تو خباز الهی باش و سبب حصول و وصول و نزول مائده سمائیّه گرد ع ع

۱۰ بخط و امضاء مبارک است

هو الله ای یاران رحمانی این زندانی جناب آقا محمد صادق علیه
بهاء الابهی بارض مقدس

وارد و باستان مقدس ساجد گردید فی الحقیقه شمعی بارق و بنور محبت الله رخی
شارق دارند در اوقات انس و الفت روحانی ذکر احبای رحمانی نمودند که
الحمد لله یاران فارس فارس میدان عرفانند و حارس حصن حصین رحمان توجه
بملکوت

ابهی کنند و تضرع بآستانه حضرت کبریا نمایند منجذبند و ناطق مشتعلند و بارق و موانسند و موافق محفل توحید بیارایند و شمع تجرید افروزند و آیات تقدیس ترتیل نمایند و بذکر بدیع مشغول شوند هر یکی گلشن الهی را گلی معطر و بوستان رحمانی را شکوفه ئی معنبر و حدائق قدس را بلبلی گویا و سیفر یوحنا را تعبیر رویا شب و روز بهدایت خلق کوشند و بیان حجج و براهین الهی نمایند و بگفتار و رفتار سبب تنبه خلق گردند آیات توحیدند و رایات تجرید از این اوصاف و نعوت نهایت فرح و سرور حاصل گردید ما را نیز امید چنین است و آرزو اعظم از این و یقین است * ص 10 *

که موطن آن نور مبین بهمتّ دوستان الهی عنقریب ترین یابد و غیبه بهشت برین گردد یاران الهی هر یک بقوه روحانی و پیرتو شمس حقیقت فائز و آئینه چون صفا یابد اشعه ساطعه جلوه نماید لهذا از الطاف دلبر آفاق منتظریم که آن خطه و دیار را مشکبار فرماید و آن اقلیم را روضه نعیم نماید شیراز پر آواز گردد و ندای الهی بلند شود و یاران الهی بساز و آواز دمساز شوند که جمیع اصوات خاضع گردد و هر ضوضائی ساکت و صامت شود تا مصداق شعر ادیب شیراز شود ولوله در شهر نیست جز

شکن زلف یار فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست باری عبدالبهاء بیاد یاران در نهایت روح و ریحان و بدل و جان جوهای روی دوستان دمی نگذرد مگر آنکه تضرع و زاری نمایم و عجز و بیقراری کنم و بکمال تتبّل طلب تأیید نامتناهی نمایم البتّه یاران نیز با این زندانی در عجز و زاری همدم و قرینند و جانفشان در سیل نور مبین و علیکم البهّاء الابهی یا الهی و محبوبی و مقصودی و مطلوبی ترانی مناجیاً فی الایام و اللیالی و متضرعاً الیک بقلبی و لسانی و مبتهلاً الی ملکوت بروح منجذب الی ملکوت الربّانی ان تؤید الذین سمعوا النداء و لبوا للدعاء و انجذبوا الی ملکوتک الاعلی و اشتعلوا بالنار الموقّده فی سدره سینا و وجهوا وجوههم الیک * ص 11 *

بین الوری و رتلوا آیات الهدی بین ملاء انشاء و نطقوا بالثناء و رفعوا رایت التقوی و سرعوا الی مشهد الغداء بقلوب خافقه بالحّب و الولاء و قاموا بالحجّ والبرهان بین خلقک علی اثبات امرک بقوّة ارتعدت به فرائض اولی النهی رب اجعل هولاء مصایح الدجی و مفاتیح ابواب السماء و رایات الکلمة العلیا و آیات الكتاب المبین فی زیر الاولین و صحف الاخرین حتی یتوکلوا علیک و یسرعوا الیک

و يَتَمَنُّوا الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنْتَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ ع ع ۱۱ خط کاتب و مهر مبارک است

بواسطة جناب آقا میرزا محمد صادق زائر شیراز احبای الہی علیہم بہاء اللہ
الابھی

جناب عندلیب جناب آقا سید محمد حسین جناب حاجی میرزا بزرگ جناب حاجی
میرزا حبیب اللہ جناب حاج میرزا ضیا اللہ جناب آقا میرزا لطف اللہ
مستوفی جناب سلطان محمد خان جناب آقا میرزا جلال خیاط جناب محمد تقی
خان جناب آقا میرزا غلامرضا جناب میرزا سیف اللہ جناب میرزا محمد جعفر
خان جناب آقا میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب آقا علی آقا اسانہ دار جناب
آقا محمد باقر نقاش جناب آقا میرزا حبیب حکاک جناب میرزا عبدالحسین ثابت
جناب آقا میرزا محمد جناب آقا میرزا محمد رضا جناب آقا میرزا محمود عطار
جناب آقا میرزا علیخان جناب آقا میرزا بهائی جناب شاهرزادہ محبعلی میرزا
جناب شاهرزادہ غلامحسین میرزا جناب آقا میرزا شکر اللہ جناب آقا میرزا سلیمان
جناب

* ص 12 *

جناب میرزا عبدالحسیخان جناب ناظم دفتر جناب آقا میرزا علیرضاخان جناب آقا
میرزا امان علی جناب علیمحمد بیگ جناب اسد اللہ بیگ جناب آقا میرزا بابا
جناب آقا محمد اسمعیل جناب میرزا مسیح اللہ جناب آقا شیخ آقا جناب آقا
میرزا حسن جناب آقا ملا محمد رضا جناب آقا محمد حسن جناب آقا علی آقا
جناب آقا میرزا یحیی خان جناب آقا میرزا علی محمد خان
علیہم بہاء اللہ الابھی

ہو اللہ ش جناب میرزا محمد صادق علیہ بہاء اللہ الابھی ملاحظہ نماید

ہو اللہ ای مقتبس انوار ہدی در این قرن عظیم خداوند کریم تمسک بعہد
قدیم جو و تشبث

بذیل رب رحیم کن و در امر اللہ خدمتی و در نشر اثار اللہ ہمتی بنما این اہام
پرا حزان پایان رسد و این انفاس معدودہ منتهی گردد بجان جوای حیات باقیہ
ابدیہ باش و بدل امید بلطف حضرت مجید داشتہ باش لطف او عمیم است و فضل او

عظیم عنایت او بینهایت است و موهبت او اساس هدایت با استعداد و استحقاق خویش
نظر

نما بلکه بغیض و فضل ربّ و دود بنگر بر عهد و پیمان ثابت و متین و رزین و رصین
باش ع ع

بواسطه جناب آقا میرزا محمود زرقانی

شیراز

۱۲ بخت کاتب و امضاء مبارک است

* ص 13 *

شیراز جناب آقا میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب آقا میرزا یوسف نقاش جناب آقا
میرزا عبدالحسین و جناب آقا میرزا محمد صادق علیهم بهاء الله ابهی

هو الله ای یاران عبدالبهاء الان در محفل احبّ و انجمن اصفیا حضرت حیدر
قبل علی حاضر و

ذکر شما گذشت از قرار معلوم از متولی باشی شاه چراغ اذیت و جفا دیده اید و محنت
بی منتها کشیده اید سبحان الله شاه چراغ روشن است ولی متولی بسیار تاریک و مظلم
این نادان با وجودی که پای چراغست عجیب است که در چنین ظلمتی حالک هالک عیب
ندارد

و همواره چنین بوده است که خادمان محلات محترمه معاندان بودند از جمله در ضریح
حضرت رسول علیه الصلوة و السلام الان نفوسی خادمند که شریکترین مخلوقند در
چند سال قبل حجاج ایرانیان ریختند جمعی را زدند و بستند و غارت نمودند حتی شش
نفر را کشتند و این ظلم و عدوان بسبب این بود که طمعی در مال بیچارگان داشتند
مقصود این است که شما دلگیر نشوید اینها متولی نیستند متعدی هستند از اهل
تعنت و بغضا هستند علی الخصوص که معهود بمرشد موجود نیز موسوم است باری اگر
ستمکار جفا آشکار نمود وفا نمائید و اگر او تعدی کرد شما تولی جوئید آتش
آن خصومت را بماء محبت خاموش نمائید

* ص 14 *

و آن تیغ تیز را صبر و تحمل سپر کنید تا توانید مهربانی کنید و رحمانی طلبد و
منتهای رعایت و عنایت مجری دارید و علیکم التحیة و الثناء ع ع امضاء

شیراز بواسطه امة الله ورقه رحمانیه والده آقا میرزا هادی حرم جناب آقا
محمد صادق خباز علیه التحیة و الثناء

۱۳ بخت کاتب و مهر مبارک است

هو الله يا امة الله نهایت ستایش از ایمان و ایقان و وله و انجذاب تو نمودند لازم گشت

بلکه واجب شد که بتو نامه نویسم و تشویق بر تزئید مغناطیس نمایم امروز سبب سرور قلب و تسلی خاطر مژده انجذاب و اشتعال نفسی که بگوش انتظار رسد زیرا شب و روز در نهایت انتظارم که از کجا آهنگ خوشی برآید و نفعه معطری بوزد باری ای امة الله نظر بضعف و ناتوانی تنها بلکه در این میدان بقوه محبت الله جولان نما و سبب شور و شوق در شیراز آن خلوتگه راز گرد تا اماء رحمان را بجدب و وله آری و محافل نسا را فخر مجامع رجال کنی این موهبت اسم اعظم روحی لاحبائه الفداء را از برای هریک از اماء رحمان آرزو مینمایم والله یختص برحمته من یشاء و الله ذو فضل عظیم و علیک التحية و التاء ع ع

۱۴ بخت کاتب و مهر مبارک است امضاء

* ص 15 *

هو الله

ش جناب شاعر ناظم آقا عبدالرحمن علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نماید

هو الابهی ای ناطق بثنای محیی عالم ای خوشا قریحه طبیعی که زلال محامد حق و سلسال ستایش

و ثای حق از آن چون چشمه حیوان نبغان نماید ای خوشا زبانی که بحمد جمالقدم بنغمات منظوم و منثور و بر شاخسار احدیت بسراید ای فرخنده گوش که آن الحان را بمیزان مقامات و آهنگ مزامیر ال داود استماع نماید قصیده بدیعه که در بلاغت و فصاحت چون دراری و لئالی مکنونه مخزونه بود به کمال روح و رحان قرائت شد و یوفور سرور تلاوت گردید از عنایات مخصوصه ملکوت ابهی امیدوارم که آثار تحسین این ستایش را از افق اعلی مشاهده نمائی و بعهد پیمان ثابت و محکم مانی ع ع مقابله شد خط کاتب و امضاء مبارک است

هو الله ورقه طیبه امة الله زهرا بی بی را از قبل این طیر هجران تکبیر ابداع ابلاغ

نمائید

خط کاتب

هو الابهی ش جناب عبدالرحمن علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نماید

هو الابهی

* ص 16 *

هو الابهی ای ناظر بمنظر اکبر در این ساعت که جمعی در این محضر از
بیگانه و محرم حاضر و

این عبد در محاوره و مکالمه مشغول و ناطق خامه برداشته که بنامه نگاشتن بآن عاشق
جمال ذوالمنن پردازم چون قلم گرفتم دریای محبت و الفت چنان موجی بر ساحل دل زد
که رشحاتش موجی از مداد شد و بر این صفحه هجوم برآورد ملاحظه فرما که این اثر
مداد اصلش روحی جذبات است که از فم روح القدس محبت الله دمیده و عاقبت در جمیع
مراتب جلوه نموده بهیئت حروفات در این ورقه جلوه گر گشته و البهآء علیک و علی کل
ثابت علی عهد الله و میثاقه فی هذا الکور العظیم ع ع مقابله شد
۱۶ خط کاتب و امضا مبارک است

شیراز ضلع جناب میرزا صادق زائر و صبیبه محترمه شان

هو الله ای ورقه جلیله پرتو شمس حقیقت شامل است و فیوضات جمال
مبارک متواصل لهذا

بنهایت اطمینان تضرع بملکوت ابهی کن و طلب شمول آن فیوضات نما و علیک
البهآء الابهی

ع ع مقابله شد

۱۷ خط کاتب و مهر مبارک است

هو الابهی

* ص 17 *

هوالبهی

ای خادم درگاه محبوب آفاق چندی بود که پاسبان آستان الهی بودی و در درگاه احدیت بخدمت بکمال همت کوشیدی و باین موهبت عظمی که منتهی آمال اصغیاست فائز

گشتی حال نیز باذن و اجازه بنده حق بسوی ایران عازم شو خدا شاهد و گواه است و عبد واقف و آگاه که بفرائض عبودیت قیام نمودی و در خدمت عزیز علام کمر همت بستنی شکر کن خدا را که در ایام الهی مبعوث شدی و بچنین فیض نامتناهی رسیدی اولیاء این مقام را غبطه نمایند و اصغیا بمنتها آمال و آرزو جویانند ع ع
مقابله شد

هوالبهی ای مظهر لسان صدق علیاً علیک فیوضات بهاءالله فی مبدئک و
مثواک در جمیع احوال

توجه بمنظر اعلی مشرق ابهی کن و در هر امری استمداد و استنصار از مدد غیبی آن عالم الهی کن اگر جنود قوت و قدرت الهیه تأیید نماید جمیع فرق و دول و ملل عالم چند ما هتالک مهزوم من الاحزاب واضح و مشهود گردد و الا وان یخذلکم من ذا الذی ینصرکم من بعده ظاهر و لائح شود پس جهد نما که مؤید گردی و موفق شوی والبهاء علیک ع ع
مقابله شد

هوالبهی

* ص 18 *

هوالبهی الهی الهی انی عبد آمنت بک و بایاتک و اقبلت الی وجه جمالک الاعلی و اخلصت وجهی لملکوتک الابهی و تشبثت بالعروة الوثقی و تمسکت بذیل رداء الکبریاء و

استقمتم علی شریعتک النورآء و ثبتت علی میثاقک العظیم الذی اخذته فی ظل الشجرة الانیساء ایرب احرسنی بعین رعایتک الوافیة الاحباء و انظر الی بلحظات رحمانیتک التی احاطت الاشیاء و احفظنی من کل البلاء و قنی التزلزل و الاضطراب یا رب الارباب انک انت الکریم الرحیم العزیز الوهاب ع ع
مقابله شد

۲۰ خط کاتب است

هوالله ای کنیز با تمیز ربّ عزیز جناب زائر از من رجای تحریر نامه نمود
من با وجود عدم

مجال بنگارش این ورقه پرداختم و از فضل و موهبت الهیه رجای ما را که شما را در
کفّ حفظ و حمایت خویش محفوظ و مصون فرماید و بنفحات قدس مؤانس نماید و بر
عهد

و میثاق ثابت دارد ع ع مقابله شد
۲۱ بخط مبارک است

هوالله
امه الله ضلع آقا سهراب علیها بهاءالله الابهی
* ص 19 *

هوالله ای ورقه مبتهله سهراب در این مدت بچنگ افراسیاب افتاده و بچنگ
نفس در تب و تاب

بود و بمدد افتاب فلک حقیقت غالب و بر هوای خویش فائق و قاهر گشت حال در
نهایت

تبتّل و تضرع و غایت توکل و توجه عازم آن دیار گردید تا بموجب اوامر الهیه
عمل نماید در این چند وقت که در اینجا بود بمنتهای خدمت مشغول و در پرستش و
عبارت حضرت یزدان نهایت کوشش را مجری داشت پس حمد کن خدای را که بچنین
موهبتی

موفق و مؤید گردیدی که منتسب بچنین شخصی شدی که در درگاه حق مقبول است ع
ع

مقابله شد

شیراز بواسطه بشیر الهی اعضاء محترمه مقدسه خادمین محفل پیمان علیهم
بهاءالله الابهی

هوالله ای نفوس مبارکه نامه شما رسید نامه نبود نافع مشک غزالان بر
وحدت بود زیرا

رائحه طیبه محبت الله از معانی و حقائق آن استشمام میشد حمد خدا را که در آن

موطن صبح هدی و مسقط الرأس جمال اعلى روحى له الفدا از چنین نفوس مباركى
محفل

نورانى تشكيل شد كه كل خادمان صادق مجلى طور و آفتاب حقيقى جمال ابهى
* ص 20 *

روحى لاحبانه الفدا هستند اين انجمن گلشن حقيقت گردد و گل و ريحان حقايق و
معانى و سنبل و ضيمران الطاف رحمانى در نهايت تزيين در آن جلوه نمايد ربّ انّ
هولاء عبادك النبهأ و اصفيائك بين الورى و امرآء نبلاء فى تلك البقعة
البيضاء و عظمآء خلقك و كبرآء برّيتك يهللون بذكرك و يتهللون بشأئك و
ينادون باسمك و يخضعون لكلمتك و يستبشرون بالطافك ربّ اجعلهم اوراق سدره
رحمانيتك و ازهار حديقه ربّانيتك و سرج افق محبتك و نجوم سماء موهبتك انك
انت الكريم و انك انت الرحيم و انك انت البرّ الرؤف العظيم
عبدالبهآء عباس

مقابله شد

بخط كاتب و امضاء مبارك است

شيراز بواسطه آقا حسن بلور فروش جناب آقا محمد رضاى بواناتى عليه بهآء الله

هو الله اى نفس مطمئننه الحمد لله نامه معانى بديعه داشت و نفحة معطره
جنت ابهى از

آن استشمام گشت امید شدید است كه البتّه تأييد و توفيق خواهد رسيد و عنايات
اسم اعظم از جهان قدم شامل و كامل گردد از عدم فرصت مختصر مرقوم گرديد معذور
دارى

و عليك البهآء الابهى

حيفا ٦ رمضان ١٣٣٨ عبدالبهآء

مقابله شد

عباس

خط كاتب و امضاء مبارك

* ص 21 *

هو الله

ش امة الله والده آقا سهراب عليه بهآء الله الابهى

هو الله ای امة الله جناب آقا سهراب مدتی بود که در درگاه احدیت بخدمت مشغول بود
از
غیر حق غافل زحمت و تعب بسیار کشید و مشقت بی‌شمار تحمل کرد از خدا می‌طلبم که
اجر جزیل مقدر فرماید و نعم بی‌بدیل می‌ذول کند حال اشتیاق شما را دارد لهذا عازم
آنسنت گردید و در اینمدت در اینجا دائماً بیاد و ذکر شما بود و بالتیابه از
شما طواف مرقد منور نمود و بر خاک افتاد و درخواست فیض و فوز عظیم نمود ان
ربک هو الفضال العظیم والبهاء علیک ع ع مقابله شد

۲۵ بخط مبارک است

بواسطه آقامیرزا هادی افغان شیراز بواسطه آقا محمد حسن بلور فروش علیه
بهاءالله

جناب فتح الله حجار و اخوان زرقانی علیه بهاءالله الابهی

هو الله ای بنده الهی چه عنوان شریفی مرقوم نمودی و چه خطاب پر
حلاوتی نگاشتی در مذاق

این آواره خطاب یا عبدالبهاء حلاوت دارد و مادون آن تلخکام گرداند الحمدالله
ایام فترت منتهی شد و صبح مخابره و تبادل انجذابات قلبیه و عواطف وجدانیه
بدمید و باین مواهب موفق و مؤیدیم اخبار خوش از فارس میرسد که یاران بنهایت
روح و ریحانند این خبر جان
* ص 22 *

پرور بود امید چنانست که این مژده پیاپی برسد الهی الهی طیب قلوب احبائک بصیب
هاطل من فیوضاتک و انعم برشحات سحاب رحمتک و اجعلهم آیات الهدی بین الوری
انک انت رب الاخرة و الاولی ای یار حقیقی چون طریق مغشوش و سهولت سفر ممکن
نه لذا

صبر نمائید و نیت زیارت را بوقت دیگر مرهون نمائید و علیک البهءالابهی

عبدالبهاء عباس ۲۱ شوال ۱۳۳۷

۲۶ خط کاتب و امضاء مبارک است

مقابله شد

بواسطه جناب میرزا احمد زرقانی جناب آقا استاد کاظم بنا علیه بهاءالله

بعرش اعلی از زیر حدید و پولاد بشدید مرصوص و مشید و مخصوص و مؤید اگر چنین
بنائی نمائی مهندسی و معمار و بنائی در نهایت اقتدار و الا بنیان بشر قاعاً
صفصفا گردد و لثالی صدف امکان خزف شوند مگر پرتو شمس حقیقت تابد و لطافت و
لمعان
بخشد و علیک البهء الابهی ع ع مقابله شد

شیراز زرقان اعضای محفل روحانی و احبای الهی علیهم بهاءالله الابهی
جناب استاد عبدالمحمد جناب ملا عباس بزّاز جناب مشهدی احمد جناب آقا فتح
الله جناب سیف الله جناب آقا علی مشهدی سمیع جناب استاد محمد کاظم بنا
جناب آقا یدالله جناب استاد محمد علی حدّاد جناب آقا فتح الله ابن مشهدی
حسین جناب آقا قاسم جناب استاد عباس

۲۷ خط کاتب و مهر مبارک

* ص 23 *

جناب استاد حیدر جناب استاد رضاقلی جناب استاد فتح الله جناب آقا لطف الله
جناب استاد حاجی علی جناب مشهدی عبدالله خادم جناب استاد حبیب الله جناب
آقا قنبر ابن مشهدی سمیع جناب ملا کدای قایض علیهم بهاءالله الابهی

هوالله ای یاران عبدالبهاء نامه شما رسید معانی روحانی بود و مضمون
مشحون باسرار

رحمانی زیرا دلیل جلیل بر توجّه بملکوت ابهی بود و تتبّل بملاء اعلی الحمدلله
زرقان روح و ریحان یافته جمعی از یاران در نهایت ثبوت و استقامت ناطق بحجّت و
برهان گشتند انجمن مبارکی تشکیل یافته و جمیع بموجب وصایا و نصایح الهی تمنّای
عبودیت آستان مقدس نمایند و بخدمت پردازند لسان تبلیغ گشایند و یرلیغ بلیغ
الطاف نامتاهی جویند تا هر یک افق ایمان و ایقانگرا ستاره درخشنده شوند و
حقائق حقائق و معانیرا گل صد برگ خندان گردند من بدرگاه اسم اعظم روحی لعنیه
ترتبه الغداء بکمال عجز و نیاز تصرّع و ابتهال کنک و شما ها را هر یک عزّت

ابدیه و حیات سرمدیه و توفیقات نامتناهی و موهبت ربّانیه طلبم و علیکم
البهاءالابهی اعانه مشرق الاذکار انشاءالله بامریکا ارسال میگردد ع ع
مقابله شد

شیراز بواسطه جناب بشر
جناب اردشیر جناب شاهویر و جناب رشید علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

* ص 24 *

هوالله ای یاران پارسی من دوستان قدیمید و هموطنان عزیز در این قرن
نازنین آفتاب

علیین از سپهر برین نور مبین بخشید تا پیرتو ایزدی دل‌های آن یاران دیرین رشک
بهشت برین گشت پس هزاران شکرانه پروردگار یگانه را که این پراکنده را بر این
چشمه روح بخشنده جمع فرمود و آن آوارگان را سر و سامان بخشید پارسیان را
بآرزو رسانید ایرانیان را سرفراز کرد نام نیاکان را تجدید فرمود پیام پیمبران را
آشکار نمود راز و خشوران را هویدا کرد پس باید قدر این نعمت بدانیم و ایزد دانا
را بستائیم و از شدت محبت او بگرییم و بزاریم و بملکوت ربّانی بنالی و بالطف
رحمانی بیالیم هزار آفرین ای یاران دلنشین که پی باین پیام بردید و صبحی
نورانی پس از آن شام کدر آشام یافتید خوشا بحال شما جاتنان خوش باد ع ع
مقابله شد

دستخط مبارک

همه مهر جوان خوش خو درخشنده رو مشکبو را بجان جوانم و پیام میفرستم ع ع
مقابله شد

بواسطه حضرت بشیر الهی جناب اردشیر شاهویر جناب رستم فولاد علیهما بهاءالله
الابهی

بخط کاتب و مهر مبارک است

* ص 25 *

هو الله ای دونفس نفیس آفتاب جهان تقدیس چنان اشراق بر آفاق نمود که
هر شخص خسیس از

موهبت کبری نفیس گردید و بیگانه آشنا شد آن یاران باید زبان بشکرانه گشایند که
دوباره کوکب سعادت کبری از مطلع ایران در نهایت شعله و ضیاء درخشید نام مرده
زنده گشت و جسم پژمرده تر و تازه گردید هیکل ایرانی بعد از پیری دور جوانی گرفت
و پس از ناتوانی موهبت آسمانی یافت عنقریب خواهید دید و شنید که خطه ایران و
اقلیم پارسیان چگونه بنور ماه و خورشید درخشنده و تابان گردند و علیکما البهآء
الابهی ع ع مقابله شد

۳۰ بخت کاتب و مهر مبارک است

هو الله ای سودائی دلبر آسمانی نامه مفصل ملاحظه گردید معانی بدیع
داشت و مضامین

دلنشین حمد خدارا که از سراب اوهام رهیدی و بسرچشمه راز و نیاز رسیدی از آب
حیات نوشیدی و جمال حقیقت پرستیدی بدرگاه داور مهربان و نیاز نمودم و ترا سکون
و قرار و استقامت و متانت و ثبوت و رسوخ طلبیدم و تأیید بروایت دیگران رجاء
نمودم و امید چنان که این حاجت روا گردد و این دعا مستجاب شود مهتر رشید را
بنواز شاید بملکوت راز پرواز نماید و همدم و هم آواز گردد و علیک البهآءالابهی
ع ع

* ص 26 *

هو الله

جناب حسن همدانی علیه بهآءالله الابهی ملاحظه فرمایند

هو الله ايها المتمسك بالعروة الوثقى چه نگارم كه قلب در نهايت جوش و خروش است و جان

زنده بنفحه الهی چه شوق و شعف جانبازان راه اله در اين صیحگاه ارکان وجود را چنان احاطه نموده است كه جان باميد وصل جانان حیات یافته و دل بآرزوی مشاهده روی دلبر حقیقی بوجد و طرب آمده و سرور و حبور جسته طير حديقه نوراء حضرت روح

الله ملاحظه نما كه بچه انجذاب در حبّ ربّ الارباب جانباخت و از حيز امکان بلامكان شتافت ع ع مقابله شد

۳۲ خط مبارك است

جناب طير ناطق آقا محمد صادق و جناب شمع انجمن ابوالحسن تكبير ابداع ابيي ابلاغ نمايند ع ع مقابله شد

* ص 27 *

بواسطه جناب منشادی جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهاءالله

هو الله ای ثابت بر پيمان نامه ئی كه بجناب منشادی مرقوم نموده بودی ملاحظه گرديد سبب

بهجت و انبساط شد زیرا مزاج نموده بودی و مداعبه فرموده بودی و از برای اولاد های خویش نامه مخصوص خواسته بودی. من نیز فرمایش شما را بجا آوردم و بنگارش نامه پرداختم بقول ملا غير تسليم و رضا كو چاره ئی زیرا ابدأ فرصت ندارم مهلت نیابم راحت نجویم استراحت نخواهم سکون و قرار ندارم راحت جان ندانم با وجود این نامه نگاشتم و عليك البهءالابهی بجناب آقا محمد صادق سلیل مرحوم آقا محمد حناساب تحیت مشتاقانه من برسان همیشه در یاد و خاطر است ابدأ فراموش نشود مورد فضل الهیست و مشمول الطاف و عنایت رحمانی و عليه البهءالابهی ع ع مقابله شد

۳۳ خط کاتب و مهر مبارکست

شیراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهاءالله

* ص 28 *

هو الله ای ثابت بر پيمان نامه شما رسید از مضمون چنان معلوم گردی كه آرزوی دل و جان

شما اینست كه سلیل جمیل در سبیل ربّ جلیل جانفشانی نماید و برفاقت حضرت طراز و

علی اکبر سیر و سفر در بلاد نماید لسان فصیح بگشاید و بشای ربّ جمیل پردازد
نطوق گردد و نصوص ظفر یابد و فتوح تشنگان را بمعین هدایت دلالت نماید و از عین
یقین بنوشاند و بحقّ الیقین برساند این نیت بسیار مبارکست و این مقصد بی نهایت
ارجمند امیدوارم که مؤید و موفق گردد امه الله المنجذبه حرم محترمه را از
قبل من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید ع ع
مقابله شد
بخط کاتب و مهر مبارک است

هو الله

جناب زائر مطاف روحانیان آقا محمد حسن علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله ای طائف حول مطاف ملاء اعلی دو دست شکر را بدرگاه احدیت بلند
نما

* ص 29 *

و بگو ای منتها آرزوی عاشقان ای دلیل گمگشتگان این بنده ضعیف را بالطف بی
پایان بنواختی و این بیچاره ذلیل را بدرگاه احدیت رساندی این تشنه سوخته را
از عین عنایت نوشاندی و این بیجان افسرده را بنسیم رحمت تر و تازه نمودی شکر
ترا که از فضل اکبر نصیب او فر عنایت فرمودی و بروضه مبارکه مشرف کردی از فیض
ملکوت ابهیت بهره بی پایان میطلبم موفق فرما عنایت کن ع ع
مقابله شد
خط مبارکست ۳۵

جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله الابهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید شکرانه بدرگاه الهی گردی که
الحمد لله یاران

فارس فوارس میدان عهد و پیمانند و حارس حصن حصین امرالله شیراز بحمدلله
آوازش بلند شد حرکتی نموده و برکتی یافته امرالله را انتشاری و احبب الله را
انتصاری عبدالبهاء از خمودت و جمودت و وطن حضرت اعلی روحی له الفداء
* ص 30 *

محزون و دلخون بود حال الحمدلله مسرور و خشنود است نهایت آرزو چنین بود و
امیدم و طید است که روز بروز خوشتر و دلکشر و بهتر و شیرین تر شود حلاوت محبت
الله مذاقها را شیرین کند و کامها را شکرین نماید و علیک البهء الابهی

یک دستگاه جار نه ۹ چراغ هدیهٔ جناب ارباب رستم بیت مبارک مقبول درگاه پروردگار
گشت و علیه البهَاء الابهی ع ع
مقابله شد
۳۶ خط کاتب و مهر مبارک است

۳۷ خط کاتب و مهر مبارک است
شیراز جناب آقا محمد حسن بلورفروش علیه بهاءالله الابهی

هوالله ای بهائی معروف و مشهور آن دل بلور الحمدلله مشکوة نور گردیده
و چون عرفان و

محبت هردو جمع شده نورعلی نور آشکار و پدید گشته جاهلان در پی حور و قصورند
ولی

عارفان مشتاق دیدار ربّ غفور آنان عبده بطونند و اسیر شهوات گوناگون ولی
عارفان آزادگانند و سالکان و آشفتهگان یعنی شیفته آنروی تابانند و آشفته آن زلف
پریشان دیدار یار بهشت برین است و مشاهدهٔ انوار روشنی چشم ابرار و سرور دل
احرار شکر کن خدارا که دیده حقیقی یافتی و در ملکوت دیرین
* ص 31 * مشاهدهٔ جمال آن دلبر نازنین نمودی و علیک التحیة والثناء ع ع مقابله
شد

هوالبهی

جناب آقا محمد حسن من اهل ها علیه بهالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی ای ناظر بملکوت الهی آنچه مرقوم نموده بودید مخصوص مطالعه
رفت و ملاحظه گشت

سبب ذکر خیر دراین محفل رحمانی شد لحظات عین رحمانیت متوجه شما و رشحات
غمام

مرحمت نازل بر شما الطاف الهیه از جمیع جهات محیط است و دریای موهبت رحمانیه
پر موج و فیض انگیز پس بجان مسرور و مستبشر باش و بدل مشروح و منبسط که باین
عین عنایت منظوری و باین لطف و احسان مخصوص در نهایت استعجال مرقوم شد و
علیک

البهَاء ع ع
مقابله شد

۳۸ خط مبارک است

هو الله

ط جناب آقا محمد حسین همدانی علیه بهاء الله الابهی
* ص 32 *

هو الابهی یا من آمن بالله و صدق بکلمات الله علم میثاق در قطب جهان بلند
است و پرچمش

از ارباب تأیید ملکوت پر موج و پر حمله و حرکت امم آفاق در ظلش داخل و جنود
ملاء علی در نصرتش متتابع پس ای یاران جانی کمر خدمت بر بندید و سمندر این
میدان برانید تا مانند هوشمندان سیل حق موقّق بنشر نجات شوید ع ع
مقابله شد

۳۹ خط مبارک است

شیراز بواسطه غلامحسین میرزا جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله الابهی
هو الله ای بنده الهی جناب شهزاده غلامحسین بی شین و مین بنده ربّانی
در نامه خود

ستایش از تو نموده و بتعریف و توصیف زبان گشوده که امر الهی را خادم صادقست و
احبابی رحمانی را غمخوار موافق و بجهة بیت مکرم دو ثریا و شش زجابه در نهایت
لطافت تقدیم نموده این هدیه مقبول افتاد و سبب حصول مقصود گردد عبدالبهاء
ترا محبت صادق است و از درگاه سبحانی از برای تو تأیید رحمانی جوید و علیک
التحیة والثناء ع ع مقابله شد

۴۰ خط کاتب و مهر مبارکست

* ص 33 *

هو الابهی

جناب آقا محمد حسن همدانی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی الهی و غفار ذنوبی انی اتوسل الیک و اتضرع بین یدیک و
اتشبث بذیل غفرانک و

ابتهل الی ملکوت عفوک و احسانک ان تشمل عبدک الذی سعد الیک و وفد علیک
بلحظات اعین رحمانیک و تخوض به فی بحار مغفرتک بسلطان فردانیتک و تجعله
مکلاً

باکلیل الصّفح بموهبة ربّانیتک و منورّ الوجه بعفوک و غفرک فی ریفک الاعلی یا ربّ
الابهی ای ربّ هذا ضیفک عامله برحمتک الکبری و ادخله فی جوار الطافک یا راحم
من فی الارض و السماء انک انت اعفو الغفور الرّحمن الرّحیم و البهّاء علیه من
حضرة قیومیّتک یا ربّی الکریم و غافر الذنوب العظیم ع ع مقابله شد

هو الله

٤١ خط مبارکست

ط امة الله والده جناب آقا محمد حسن علیها بهاء الله الابهی
* ص 34 *

هو الابهی ای امة الله بامداد است و هر کس بخیاالی مفتون و دلشاد و من
بقلم و مداد

پرداخته که شاید روح و فؤاد اماء و عباد الرّحمن مهتز و مسرور گردد و بروح و
ریحان آید و از آیات محبت جمال قدم روحی جدید یابد ای امة الله شعله میثاق
است که بحرارت عبودیت جمال ابهی در کبد آفاق تأثیر نموده ع ع مقابله شد
٤٢ خط مبارکست

هو الله

بواسطه جناب آقا محمد حسن بلوری سلیل جلیل آقا عبدالحسین علیه بهاء الله الابهی

هو الله ای همنام من پدر مهربان بالحاح تمام و اصرار و ابرام بلکه بقوت
بازو از برای

تو نامه خواسته من هم جز تسلیم و تمکین و اطاعت و اجراء چه چاره توانم پدر را
خاطر عزیز است و در ملکوت الهی مقرب ربّ عزیز پس تو قدر این پدر بدان و پسر
مهربان باش باطاعت او بکوش و اسباب سرور او باش تا الطاف جمال مبارک احاطه
نماید و هر دمی شبنمی از دریای فضل بها بگلشن

* ص 35 *

دل و جان رسد و عليك البهآءالابهی ع ع مقابله شد
٤٣ خط کاتب و مهر مبارکست

امة الله ضجیح آقا محمد حسن زائر مطاف ملاً روحانیان علیها بهآءالله
الابهی ملاحظه فرمایند

ای امة الله جناب آقا محمد حسن الحمد لله محفوظاً مصوناً بملجاً اعظم
رسیدند و

در پناه جمالقدم مدتی مقرر گزیدند و از رحیق مختوم نوشیدند و از حلاوت عنایت
حضرت معلوم چشیدند و در جمیع مواقع یادی از شما نمودند و در روضه مبارکه
درخواست خیر فرمودند پس خدا را شکر کن که چنین ضجیعی داری و چنین مونس
انیس

که در چنین آستانی یاد تو نمود و در چنین انجمنی ذکر تو کرد ع ع مقابله شد
٤٤ خط مبارکست

بواسطه جناب آقا محمد حسن بلوری نجل سعید آقا عبدالله علیه بهآءالله الابهی

هوالله ای نهال باغ الهی امیدوارم که همواره از رشحات ابر عنایت تر و
تازه باشی و

طراوت

* ص 36 *

و لطافت بیمتنها یابی برگ و شکوفه نمائی و فواکه مطلوبه بار آری پدر را
ملاحظه کن که چه قدر مهر پرور است که بقوه بازوی التماس و گرز رجا این نامه را
از عالم قوه بحیز وجود آورد دیگر از این مهربانتر خواهی ممنون لطف او باش و
متشکر عنایت او از خدا خواهم که پسر این پدر باشی و با اثر و ثمر گردی و علیک

البهآءالابهی ع ع مقابله شد
٤٥ خط کاتب و مهر مبارکست

هوالله جناب آقا میرزا عبدالحسین اگر بطرف هندوستان بجهت ترویج تجارت
شما سفر نماید

بهتر است و اگر ممکن نیست بامریکا اذن زیارت بقعه مبارکه را دارد تا از قبل

عبدالبهاء سر بر آن آستان بنهد و طلب غفران خطایا از برای او در این عتبه مقدسه
بنماید و عون و صون طلبد زیرا عبدالبهاء عازم امریک است ع ع

۴۶ خط مبارکست

ش جناب آقا محمد جواد علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی ای شعله نار محبت الله عليك بهاءالله و جوده و عنایتہ فی کل
الشئون اگر

بتوانی بقوت الهی دست از آستین برار و در این عرصه وجود و عالم شهود ید
بیضائی از محبت الله بنما آنچه بینی و خوانی و دانی همه وهم و خیال است و جهل و
ضلال جز آنچه من الحق ظاهر و الی الحق راجع کل ما فی الكون وهم و خیال او
عکوس فی

المرایا او ظلال و البهآء عليك یا ایها المقبل الی الله ع ع
۴۷ خط مبارکست

شیراز آقا محمد حسن بلور فروش عهدیه علی بهاءالله

هوالله ای ثابت بر پیمان نامه اخیر رسید ولی نامه های پیش نرسید حال
نامه ها از

یاران با وفا مانند باران میرسد لهذا جواب مختصر مرقوم میشود معذور دارید احبای
آباده سزاوار اجر جزیل و موهبت رب جلیلند الحمدلله ثم الحمدلله جسماً ممنوع
نشوند و روحاً فائز گشتند و آن عید مبارک را در شیراز بنغمه و شهناز گذراندند جناب
قابل را تحیت مشتاقانه برسان الحمدلله سبب هدایت نفوس طالبه گردیدند و آهنگ
ترتیل آیات از میرزا نصرالله بمسامع

لاهوتیان در ارض اقدس رسید امة الله المنجذبہ المشتعلہ بنار محبت الله صیبه ذبیح ملیح ضجیع حاجی علیخان فی الحقیقہ آیت ہدی است امیدم چنان است کہ سلطان عبدالحسین نظیر عم بزرگوار بخدمت امرالله قیام نماید امة الله لقا و امة الله روح انگیز را تحیت ابدع ابھی برسان و امة الله طیبه را بتحیت عبدالبہاء روح و ریحان بخش و جناب عبدالحسین و عبدالله و بہاءالدین و جلال الدین و امة الله حورجہان والدہ ایشان را نہایت مہربانی از قبل عبدالبہاء ابلاغ دار بشارت اہتزاز شیراز بنسیم بہار روحانی و ترتیب محافل و یدخلون فی دین الله افواجا بسیار سبب مسرت گردید جناب سلطان حبیب الله را از قبل من بنواز و بگو فی الحقیقہ تو سلیل پیک رحمانی ہستی زیرا منسوب بان قاصد امینی از عفو و غفران الہی امیدوارم کہ متصاعدین الی الله سنگ تراشہا بمقعد صدق عند ملیک مقتدر فائز و در جوار رحمت کبری بمشاهد کبریا واصل و علیک البہاء الابھی ۱۳ شوال ۳۷

حیفا عباس

۴۸ بخط کاتب و امضاء مبارکست

* ص 39 * (بواسطہ جناب محمد باقر خان) ۹
شیراز مغازہ مدبرالسلطنہ جناب آقا محمد حسن بلور فروش ہمدانی علیہ
بہاءالله الابھی

ہوالله ای ثابت بر عہد نامہ اخیر کہ ارسال نمودہ بودید وصول یافت
مضامین دلیل بر آن

بود کہ الحمدلہ احبای الہی در نہایت متانت و ثبات بخدمت عتبہ مقدسہ الہیہ موفق قلوب را منور و مشامہا را معطر و محافل را معنبر مینماید این خبر سرور پرور بود کہ الحمدلہ جمال قدیم بندگانی مقیم آستان دارد و بیدار و پاسبان کہ در نشر تعالیم الہیہ بکمال ہمت سعی و در تربیت نفوس بکمال قوت جانفشان این ایام کہ ابواب سرور مفتوح شد و صدور مشتاقان منشرح بآبات سرور و حبور گشت باید بقوتی آسمانی و قدرتی ربانی و تأییدی صمدانی و توصیفی سبحانی شب و روز کوشید و جوشید و خروشید تا این ظلمات دہمآء بنورانیت کبری مبدل گردد و این نزاع و جدال در بین ملل عالم بقوہ اسم اعظم زائل شود کوکب وحدت عالم انسانی طلوع نماید و علم صلح عمومی بر کل اقالیم سایہ افکند ترتیل آیات توحید شود و تبجیل نفوس جلیل گردد این گلخن

* ص 40 *

فانی گلشن باقی شود و روی زمین بهشت برین گردد باری از برای نفوسی که مرقوم
نموده بودید که بملاء الهی شتافتند و بملکوت ابهی پرواز نمودند بنهایت دل و
انکسار و عجز و نیاز طلب عفو غفران از حضرت بی نیاز شد و تجدید محفل روحانی
بهمت جناب محمد باقرخان و میرزا محمدعلیخان بسیار بموقع طوبی لهم و حسن مآب
آنجناب بخدمت قائم و جناب میرزا حبیب الله خان مظهر تأیید بی پایان و بترویج
تعالیم الهی موقّق و بهدایت نفوس مؤید از الطاف الهی سائل و آملمیم که این
نفوس مبارکه در جمیع شئون موقّق بتأیید حضرت بیچون گردند از ملکوت غفران طلب
عفو و احسان بجهت متعارج افق تقدیس مرحوم آقا حسین آقا گردید و از قبل عبدالبهاء
نهایت مهربانی و محبت بی پایان باسلاء اجلاء برسانید و همچنین بمیرزا سید
عبدالله نهایت اشتیاق از طرف عبدالبهاء ابلاغ دارید اسئل الله ان يجعلهم
آیات الهدی بین الوری و مؤیدین بجنود من الملائع علی و علیک و علیهم
البهء الابهی عبدالبهاء ۴۹ خط کاتب و امضاء مبارکست مگر شش کلمه فوق صفحه که
بخط مبارکست
مقابله شد

۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۷

* ص 41 * شیراز جناب آقا حسن بلور فروش علیه بهاء الله الابهی

هوا لله ای ثابت بر پیمان امیدم چنانست که بلطافت اخلاق و رقت قلب و
روحانیت کبری و
قوه انجذاب الماس فروش گردی و لیس ذلک علی الله بعزیز آنچه ارسال نموده بودید
از
حقوق وصول یافت الحمدلله که در صدف قلب جواهری موجود که هیچ سارقی دست
ندارد
از صعود حضرت عندلیب حزن و اندوه نصیب عبدالبهاء شد از این ماتم بسیار محزون
گردیدم زیرا حضرت عندلیب بدرگاه غفور خدمت موفور فرمودند و در محامد و نعوت
حضرت
مقصود لسان فصیح بگشودند و قصائدی غرّاً از قریحه جاری فرمودند این شخص جلیل
در
نزد حقّ مقربّ و مقامی بلند داشت که حال معلوم نیست مجهولست بعد مشهود و
مشهور

خواهد گشت بیستگان ایشان از قبل عبدالبها تحیت ابدع ابهی برسان و همچنین
بیاران دیگر که ثابت بر پیمان و راسخ در عهد و میثاقتند و علیک البهآء الابهی
عبدالبهآء عباس ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۳۸ حیفاً مقابله شد

۵۰ خط کاتب و امضاء مبارکست

* ص 42 *

شیراز جناب آقامحمد حسن بلور فروش علیه بهآءالله الابهی

هوالله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید معانی دلیل بر انجذاب روحانی
بود و جاذب

تأید سبحانی جواب آقامیرزا محمدرضا در جوف است الحمدلله فضلعلی خان بعد از
صعود عندلیب الهی قیام نمودند و بازماندگان آن بزرگوار را رعایت و معاونت
میفرمایند جناب آقامحمدباقر هشیار فی الحقیقه در نهایت تبتل و تضرع و انکسار
است طلب عفو و غفران بجهت متصاعد الی الله پدر مهربان ایشان گردید پروردگارا
آمرزگارا محمد هشیار موافق بود و از نار محبت افروخته و بیبصر و قرار مرکز خاک
بگذاشت و بعالم پاک شتافت و بدرگاه پناه برد امان بده غفران مبذول فرما و در اوج
عزت ابدیه درخشنده و تابان فرما از عدم فرصت مختصر مرقوم گردید و علیک البهآء
۶ رمضان ۱۳۳۸ عبدالبهآء عباس مقابله شد

۵۱ خط کاتب و امضاء مبارکست

۹

* ص 43 * شیراز جناب آقامحمد حسن بلورفروش علیه بهآءالله

هوالبهی ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید منطوق تضرع و ابتهال و
انجذاب و اشتعال بود

الحمدلله که موطن حضرت اعلی روحی له الفداء گلشن عرفان گردید و رائحه ایمان
و ایقان از آن ناحیه مقدسه مشام را معطر مینماید همواره رجای عبدالبهآء این
بود که آن اقلیم جلیل بنفحات قدس غبطه جنت نعیم گردد و پرتو شمس حقیقت چنان
بتابد که ابرهای تاریک بکلی متلاشی شود صبح هدی آن صفحات را روشن کند حال
الحمدلله فجر آن خطه مبارکه ساطع گشت و روز بروز روشن تر میگردد و این از علو

و سَمَّوْ خدَمَتِ نَفوسِ مَبَارَكِه ايسَت كِه در آن مَدِينِه مُؤَيِد و مَوْقَعَنَد لِهَذَا يَقِينِ حَتْمِي
 اِسْت كِه يَوْمًا فَيَوْمًا نَارِ مَوْقَدَهْ اَلْهِي شَعْلَه بِيَشْتَرِ زَنْد و بَرودَتِ غَفْلَتِ و ضَلالَتِ رُو
 بِاضْمِحْلالِ كِذارِدِ حَضْرَاتِ مَبْلَغِينِ فِى الْحَقِيقَه قِيَامِ بَرِ خَدَمَتِ نُوْرِ مَبِينِ دَارِنْدِ و اَلْبَتَّهْ
 تَأْيِيْدِ بَانَفَاسِ طَيِّبِه رُوْحِ حَيَاتِ دَمْنَدِ و بَه بَرَاهِينِ قاطِعَه زَبانِ بَگِشايِنْدِ و نَفوسِ
 مَخْمُودَه رَا تَر و تازِه نَمايِنْدِ و حَقائِقِ
 * ص 44 *

جامده را بحرکت آرند طوبی لهم و حسن مآب حضرت افنان سدره مبارکه حاجی میرزا
 محمد همتی فرمودند و از شما خواهش آئینه بجهت بیت مبارک شیراز خواستند
 انشاءالله عنقریب اطلاق عرشه بالائی بیت مبارک باین آئینه ها تزئین میشود
 مدرسه بنات که جناب سلطان حبیب الله خان تأسیس نمودند عملی مرغوب و مقبول و
 مبرور و مکافات اینخدمت از آمال مبارک موعود ان فضله مشکور و جزائنه موفور و
 ورقه مطمئننه قرینه جلیله ایشان الحمدلله مدیره این مدرسه است و تأئید شامل
 و توفیق کامل و اما جارهای هوائی که سفارش پیاریس نموده اید از برای بیت مبارک
 بغداد بسیار مقبول ببغداد بفرستید و از الطاف الهی خواهم که راحت و شفا حاصل
 گردد و بجناب میرزا محمد یزدی نامه مخصوص مرقوم گردید تأئید او را از رب
 مجید میطلبم و همچنین سایر احبا و علیک البهءالابهی
 لیلہ ۱۷ شوال ۱۳۳۹ عبدالها عباس مقابله شد
 ۵۲ خط کاتب و امضاء مبارکست

هوالبهی

بواسطه آقاسید اسدالله جناب آقا سید محمد علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند
 * ص 45 *

هوالبهیی ای ناظر بافق حقیقت چشم را بمشاهده انوار فیض احدیت
 روشن و منیر کن و گوش را
 باستماع الحان طیور قدس محظوظ و سمع دل را ببشارت غیب و فیوضات لاریب خلد
 برین
 نما و هوش را بالهام پیک امین عالم علین الیوم لسان کل اشیاء از صقع ادنی تا
 ملاء اعلی جمیع بمحامد و نعوت و فصائد و مدائح و تسییح و تقدیس جمالقدم و اسم

اعظم مشغول تو ساکت و صامت منشین و مخمور و منجمد مباش بلکه منجذب و
منصعق محشور

شو تا لوح منشور و کتاب مسطور ربّ غفور گردی ع ع مقابله شد

جناب آقا محمد حسن عليه بهاء الله الابهي اذن طواف ملأعلى را دارند ع ع
مقابله شد

۵۳ خط مبارکست

هو الابهي

جناب آقا سيد اسدالله عليه بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند

هو الابهي الهی و محبوبی و مقصودی قد سعی عبدك هذا من بلاد
الشاسعه و انحائها الواسعه و

قطع السباب

۵۴ خط مبارک

* ص 46 *

والمفاوز و القفار و مرّ على الجبال والتلال والديار و تمثّل بساحة قدس البقعة
النورا و الخطة مباركة البيضاء مطاف الملاءعلى روح الوجود لتلك العتبة
السامية فدا و مرّ وجهه بترتبه الطاهره و عفرّ جبينه بغبرته الزكية المسكية
الفاخرة و قام لدى الباب خاضعاً خاشعاً متضرعاً و يطلب فيوضات رحمتك و غيوث
مغفرتك لأخيه الذي آمن بآياتك الكبرى و صدّق بكلمات صحفك الاولى و زبرك
الاخري و انجذب بنفحات جمالك الابهي و اشتعل بنار محبتك في قميصك الاعلى و سعد
الى ملكوتك الاسمي و استظل في ظلال سدرتك المنتهى في جنتك العليا و حدائقك
الغلبا اي ربّ شرّفه باللغاء و اجلسه على سرير مواهبك العظمى في الرقيق
الاعلى و ثبت اقدام اهلهم و اولادهم و من تخلق من احفادهم و اسباطهم على عهدك و
ميثاقك الذي ما سبقه عهد و ميثاق في ملكوت الانشاء ع ع مقابله شد

ط جناب آقا محمد صادق عليه بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند

هوالبهی * ص 47 * یا من صدق بکلمات الله جوهر صدق و راستی
شئونست منبعث از حقیقت اشیاء

مطابق واقع چه از ملفوظ چه از مسموع چه از معلوم و در این لطیفه ربّانیه فکر
دقیق باید تا مفهوم گردد پس اعظم کل تصدیق کلمات الله است چنانچه از اعظم
مناقب سید حضور و مصدق بکلمه منه اسمه المسيح است پس ای صادق انشاءالله در
جمیع مراتب صادق باشی لعمری ان هذاهوالفضل العظیم و الحمد لله رب العالمین
ع ع
مقابله شد

۵۵ خط مبارک

همّت آباد هوالبهی

جناب میرزا ابوالحسن نیریزی معلم اطفال نجل محترمشان جناب میرزا محمد رضا
ورقه موقنه ضلعشان بی بی سیده ورقه نورانیه صبیّه شان مریم و دیگری ورقه
مومنه رضیهء علیه و علیهم بهاءالله الابهی و عموم احبای آباءه و درغوک و همّت
آباد رجلاً و نساء علیهم و علیهن بهاءالله الابهی

هوالبهی ای احبّاء الهی کوکب امرالله در جمیع آفاق ساطع و لامع و نداء
یا

بهاءاللهی از حنجر کیهان بلا مکان مرتفع نغمه سبحان ربّی الاعلی بسمع ملاأعلی
میرسد و بانگ و آهنگ سبحان ربّی الابهی
* ص 48 *

هوالبهی ربّی الابهی بسموات علی متواصل با وجود این کران محتجب و ناقصان چون
کرم مهین در زیر زمین محتبس و این الکلمه و علوها و این الشریعة السّمحة البیضاء و
سموها بر زبان میرانند ع ع
مقابله شد ۵۶ خط مبارک

هوالله

همّت آباد جناب میرزا ابی الحسن نیریزی مکتب دار علیه بهاءالله

هوالله ای ادیب دبستان جمیع اهل زمین طفلان مهانند و فرزندان نادان سبق
خوان پس در
مصطبه معرفت بنشین و ادیب عشق شو و درس اشتیاق بنما و از فیض و اشراق نیر

آفاق بیان کن و از جور و ستم فراق ناله و فریاد آغاز کن که آنروی چون مه تابان در پس پرده غیب ملکوت پنهان شد و در جهان پنهان اشراق کرد ولی شکر حضرت احدیثش را که فیض عنایت مستمر است و سریر سلطنت مستقرّ اول تجلی از عالم ملک یعنی در حیز امکان داشت حال اشراق از ذروه لامکان له الحمد و الفضل و الجود و له اسلم من فی السمّوات و الارض طوعا او کرها و البهآء علی البهآء جمیع دوستان را فرداً فرداً
* ص 49 *

تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید و بگوئید از دلائل وفا باستان مقدس جمال ابهی اینست که بجمیع شئون یعنی گفتار و رفتار و کردار و تقدیس و تنزیه و تجرید و تفرید و اتحاد و اتفاق و خشیه الله و تقوی نصرت امرالله نمائید و بخدمت بپردازید تا آیات باهره سلطان احدیث گردید و البهآءعلیک ع ع ۵۷ خط مبارک چون حضرت سلطان بعدالت در این اوان حکمران است باید در جمیع محافل و مجامع عادی

تأیید سریر سلطنت نمایند ع ع مقابله شد

هوآله

جناب ابوالحسن نیریزی امة الله بی بی سیده ضلعشان جناب میرزا محمد رضا ولدشان امة الله مریم صبیّه ایشان امة الله رضیه امة الله فاطمه علیها و علیهن بهآءالله الابهی

هوآلابهی ای دو بنده الهی و ای امآء آستان ربّانی عبدالبهآء را چنان آرزو که بهر یک

از احبّای الهی و امآء رحمانی فرداً فرداً نامه ئی مرقوم نماید ولی جمال مبارک شاهد حالست که ابدآ فرصت نیست و این قضیه در این ایّام ممتنع و محال لهذا جمعآ مکتوبی مرقوم میشود و مقصد ظهور انعطافات وجدانیه است و روابط روحانیه و این را جمعآ و تفرقآ بنگارش بیان ممکن لهذا بیک نامه اکتفا میروود و شما نیز باید
* ص 50 *

قناعت نمائی باری در این ایّام باید عبادالرحمن و امآء یزدان بروش و سلوک بین خلق محشور شوند که آیات هدی کردن و بشارت ملأ اعلی شب و روز بکوشند تا از این جهان و جهانیان بکلی منقطع گردند در هوای تقدیس پرواز کنند و باواز و آهنگ جدید مقامات توحید بخوانند و بسرایند الحمدلله منظور نظر عنایت جمال ابهائید و

ملحوظ عین الطاف حضرت اعلیٰ هر موهبتی از برای شما مقدر است و هر فضلی ممکن و

میسر باید بجان و دل بشتابید و روح و روان را نثار آن دلبر مهربان کنید تا خونهای خویش را از ان محبوب دلنشین در اعلیٰ علین بیابید و علیکم و علیکن
البهَاء ع ع
مقابله شد
۵۸ خط کاتب و مهر مبارک

هَمَّتْ آبَاد و حوالی بواسطه جناب ابی الحسن معلم
هوالله

جناب کربلانی حسنخان جناب عباسخان و دوستان جناب حاجی علیخان جناب عبدالکریم
جناب آقامیرزا عطاءالله جناب بانی جناب مشهدی حسین جناب آقا حسین و جناب فتح
الله جناب میرزا محمدرضا ابن میرزا ابی الحسن علیهم بهاءالله

هوالله

ای یاران عبدالبهاء و ثابتان بر پیمان جمال ابهی جناب ابوالحسن علیه بهاءالله
در نامه خویش بافنان

* ص 51 *

سدره مبارکه ذکر آن دوستان حقیقی نموده که الحمدلله احبای جمال رحمن در نهایت
استقامت و اطمینان در عبودیت آستان یزدان قائمند و هیچ فکر و ذکری جز خدمت عتبه
مبارکه ندارند گهی از درد عشق جمالقدم چون ابر بهمن گریانند و گاهی از بشارت
حضرت احدیت چون چمن خندان گهی در میدان عرفان جولان نمایند و گاهی در تبلیغ
امرالله در محافل چون عنده لب خوش الحان باری این خبر مورث روح و ریحان گشت و
این

اثر محرک حاسیات وجدان باری ای یاران روحانی در پناه حضرت رحمانی از هر فتنه و
آفتی محفوظ باشید و همیشه مورد عنایات ملکوت غیب جمالقدم گردید و مهبط فیض
اسم

اعظم و عبودیت در آستان جمالقدم و بندگی درگاه نقطه تقدیس روحی لاجبائهما
الفدا شریک و سهیم عبدالبهاء گردید ع ع
مقابله شد

جناب آقامیرزا ابوالحسن نیریزی
علیه بهاءالله الابهی

هوالله ای یار شورانگیز الحمدلله از بادهٔ محبتِ الله جام لبریزی و مشام
بنفحات جنت

ابهی مشکبیز نامہات دلالت بر سرور و حبور و فتوح قلوب یاران سروستان مینمود بلده
طیبہ و ربّ غفور بجمیع یاران تحیت ابدع ابھی ابلاغ دار و فرط اشتیاق
عبدالبهاء را برسان اگر بدانند این قلب چگونه بیاد و ذکر یاران ابھی
* ص 52 *

در جوش و خروش است البتہ نہایت سرور حاصل نمایند و علیہم بہاءالابھی
عبدالبهاء عباس
مقابلہ شد
۶۰ خط کاتب و مهر مبارک

۹

شیراز جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی علیہ بہاءالله الابھی

هوالله الھی الھی انّ عبدک التجأ بباب احدیتک مستغیثاً الی ملکوت
رحمانیتک مستضیئاً

من شمس وحدانیتک مستجیراً بعتبة قدس فردانیتک ربّ قدر له کل خیر فی ملکوتک
و ووقه مادام حیاً علی تحریر آیاتک و تمینق کلماتک و احفظه فی صون حمایتک و
احرسه بعین رحمانیتک و کلائتک انک انت القوی العزیز المقتدر المتعالی البرّ
الرؤف الرحیم ع ع
مقابلہ شد

۶۱ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطہ جناب آقا محمد حسن بلور فروش شیراز جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی
علیہ بہاءالله الابھی

بر امر مبروری

اطفال بیمہال کور

* ص 53 *

بدیع را تعلیم میفرمائی و نہالہای تر و تازۂ حدیقۂ یزدان را برشحات ابر معارف

مپروروانی این خدمت منقبت عظیم است و فوز مبین جاذب فیض ربّ کریم است و جالب الطاف خداوند رحیم همّت را بگمار و این مشقّت را زحمت مشمار زیرا مورث قریبت درگاه است و منتج موهبت عظمی محفل روحانی شیراز امیدم چنان است که بر جمیع محافل تفوق یابد زیرا این محفل در منبت شجره مبارکه تأسیس شده حضرت اعلیٰ روحی له الفدا تائید میفرماید و جمال قدیم روحی لاجبائنه الفدا توفیق میبخشد بجناب کربلائئ اکبر از اهل مسجد بردی مهربانی برسان ۲۹ ع ثانی ۳۸ حیفا (عبدالبهاء عباس) مقابله شد ۶۲ خط کاتب و امضاء مبارکست

۹

بواسطه جناب آقامیرزا محسن افنان
 نیریز جناب آقامیرزا ابوالحسن نیریزی
 یا من ایده الله علی الایمان و وجهه الی ملکوت الرحمن و اغرقه فی بحر الفضل و الاحسان و جعله آیه حبه و ناطقاً بذکره و مرتلاً لآیاته و اختاره للعرفان بین نوع الانسان اشکرالله علی هذه اللطاف و الاسعاف
 * ص 54 *

من الله العزیز المقتدر الوهاب و علیک البهآء الابهی ۷ تموز ۱۹۱۹
 عبدالبهآء عباس
 مقابله شد
 ۶۳ خط کاتب و امضاء مبارک

۹

شیراز جناب میرزا ابوالحسن نیریزی
 علیه بهآء الله الابهی
 هوالله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید ولی فرصت مفقود با وجود این بذکرت مشغولم
 مزده ثبوت احباً و ترتیب محافل علیا چون شاهد رعنا بی پرده جلوه نمود امروز ملأعلیٰ از مزده ثبوت و رسوخ احباً محظوظ گردد جواب نامه بوالده حیب الله در جوف است امیدم چنانست که مسئول مستجاب گردد و آرزوی دل و جان حاصل شود
 و

عليك بهاء الابهي ٢٥ ع اول ١٣٣٨ (عبدلبهآ عباس) مقابله شد

٦٤ خط كاتب و امضاء مبارك

هو الله

بواسطه جناب سرتيب بوشهر جناب آقاميرزا مصطفى شيرازى عليه بهاء الله الابهي
* ص 55 *

هو الابهي يا من استمسك بالعروة الوثقى لعمر الله ان سرب الورقاء فى ايكه
السنة و

حديقة الشاء قد رفعت اصواتها بالتهليل و التكبير و التسيح و التمجد
لرب الجليل و السلطان الجميل و تغرد على الفروع باصول الالخان و ابدع الانغام
و اطرب ترتيل و الذ تقطيع و احلى تفسير و اطيب تاويل سبحان ربى الابهي سبحان
ربى الاعلى سبحان قدوس رب الجنود و المقام المحمود و الظل الممدود و
الرفد المرفود و الورد المورود و انك انت فاستمع نغماتها و نقراتها و ايقاعها و
اعرف معانى كلماتها و استبشر بما فزت بالطاق ربك الكريم الرحمن الرحيم تالله
الحق ان الوجود يسجد لالطاف ربك فى هذا اليوم المشهود ع ع مقابله شد

٦٥ خط مبارك

هو الله اى هزار بوستان ذكر الهى الحمد لله كه عالم ارواح و قلوب بپرتو انوار
نير اعظم

روشن و عرصه كور الهى بفيض سحاب جود و موهبت غيرمتناهى گلزار و گلشن بحر
عنایت در موج است و شمس رحمت مشرق از اوج نسائم كوى دوست مشكوبيست و
روانح صباى احدیت خوشبوى و دلجوى پس طاقت و توان
* ص 56 *

موجود بايد كوشيد و جوشيد و خروشىد كه نصيبى از اين رياض الهى برد و بهره
از اين موهبت رحمانى و البهآ عليك ع ع مقابله شد
٦٦ خط مبارك. مخاطب معلوم نيست

هوالله

دهج جناب آقا غلامحسین بواناتی از اهل سریان علیه بهاءالله

هوالله ای بنده اسم اعظم هر چند مشغله مانند باران بهمن است با وجود این سرور یاران

منظور است و محبت دوستان موفور چه خوشدمیست که بیاد منجذبان روی جمال ابهی همدم و چه مبارک نفسی که نفعه مشکبار گلشن ملکوت ابهی در مشام هر ثابت قدم باری در هرآن حمد و ثنا کن حضرت یزدان بی نشان را که بچنین فیض و فوزی موفوق گشتی

والبهاءعلیک ع ع مقابله شد

۶۸ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطه جناب توانگر جناب میرزا محمود خان علیه بهاءالله الابهی

هوالله ای محمود محمود در درگاه احدیت ممدوح و محمودی و در آستان حضرت رحمانیت محبوب

و مقبول امیدوارم که مستفیض از مقام محمود گردی و بحیز شهود در آئی و بسر وجود واقف شوی و باعلی * ص 57 *

ذروه صعود فائز گردی و لیس ذلک علی الله بعزیز و اینمقام بانقطاع و انجذاب و محو و فنا و محبت و مهربانی و صلح و صفا بعموم نوع انسانی حاصل گردد امیدوارم که بان موفوق و مؤید گردی ع ع مقابله شد

۶۹ خط مبارک مخاقب معلو نیست

هوالله یا من اخلص وجهه لله این شخص که فی الحقیقه مبتهل چند صباحی یعنی بقدر یک ماه

در اسکندریه متوقف خواهد بود این چند روز در آنجا او را در دکان خیاطی بگذارید تا بخیاطی مشغول گردد بعد باید که او را روانه ایران یعنی شیراز نمایم والبهاءعلیک احباء الله ع ع مقابله شد

۷۰ خط مبارک مخاطب معلوم نیست

هو الابهی ای زنده بنفحات رحمن در این عصر مجید و عهد کریم جهدی کن
و همّتی نما که منشأ

خدمتی شوی و بعبودیتی قائم گردی در این مقام فانی اثر جاودانی گذاری و در این حیات
فانی زندگی باقی یابی در این خاکدان ترابی از جهان الهی خیر گیری در انجمن
عاشقان شوری افکنی و در جهان مشتاقان فتنه و آشوبی اندازی دبستان عشق بیارانی و
اطفال ملکوت را سبق بیاموزی سست عنصران را مرد میدان کنی و کاهلان را چابک و
چالاک

نمائی بیماران را درمان شوی و مجروحان را مرهم دل و جان گردی تشنگان را منهل
عذب فرات
* ص 58 *

فرات شوی و گمگشتگان را دلیل نجات گردی پیر سالخورده را جوان نمائی و عاجز
ناتوان را مقتدر و توانا کنی این مقام از فیوضات ملکوت ابهی میسر گردد و
البهآء و الروح علیک و علی احبآء الرحمن (ع ع)
مقابله شد

۷۱ خط مبارک

هو الله جناب زائر آقا علی آقا بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای زائر الطاف ملاء علی شکر کن حضرت قیوم را که بچنین بخششی موفق و مؤید
شدی

که این مسافه بی پایان را بیمودی و بساحل محیط الطاف رسیدی و در محط رحال آمال
جواهر مقدسه از رجال وضع رحال کردی و در انجمن روحانیان حاضر شدی و با
مشتاقان و

مسجونان الفت نمودی قسم بان جبین منور بنور مبین اگر بدانی که بچه فضل و جودی
موفق گشتی البته از فرح و سرور بر پری و از کثرت شادمانی چون ابر بگری و چون
برق و چمن بخندی بشری لک من هذا الفضل العظیم باری چون بدباد الهی مرور
نمائی

تکبیر این عبد برسان و بگو طوبی لکم یا احبّاء الله من هذا
* ص 59 *

الفضل العظيم بشرى لکم یا ارقآء الله من هذا الجود المبین لعمرکم انّ سحاب
موهبة الله تمطر علیکم غیثاً هاطلاً مداراً غدقاً طبقا و البهآء علی کل من ثبت
على عهد والميثاق الصراط المستقیم ع ع
مقابله شد

هو الله

ش جناب آقا علی آقا اخوی جناب محمد حسن خیاط علیه بهآء الله

هو الابهی

ای بنده الهی این عبد با کمال خجلت بتحریر این نامه پرداخت زیرا جواب شما
بتأخیر افتاد این قصور برگردن اهل فتور است زیرا از هجوم و شرور مهلت نمیدهند
که عبدالبهآء بجواب نامه احبّاء برسد ولی انقدر بدان که دل و جان مشغول و
مؤانس یاد و خاطر دوستانست آنی فراموش نشده اید (ع ع)
مقابله شد

۷۲ خط مبارک

هو الله

بوشهر جناب آقا مصطفی علیه بهآء الله الابهی
* ص 60 *

هو الله

ای بنده جمال الهی شکر حیّ قدیر را که در ملکوت عزیزش مذکوری و در انجمن
دوستان
شهر و جهی از نور عرفان داری و مشامی از رائحه ایقان معطر و این موهبت مخصوص
خواص اهل بصر از بشر قدر این عنایت را بدان و البهآء علیک (ع ع)
مقابله شد

۷3 خط مبارک

هو الله

بوشهر جناب مصطفی علیه بهآء الله الابهی

هو الابهی

یا من استنشق رائحة الوفاء اسمع نداء من یناجیک بروح وریحان و قل انی وجّهت
و جهی لمن دعانی الی ملکوتہ الابهی و ذکرنی بآیاته الکبری و انطقنی بشائہ بین
العالمین و ایدنی من ملکوت غیبہ و رزقنی مائدة الثبوت علی الميثاق ع ع
مقابله شد

۷۴ خط مبارک

هو الابهی

الهی الہی هذا عبدک تمسک بذیل عطانک و نشبث بحبل ولانک و قام
* ص 61 *

علی خدمة احبائک ایربّ وفقه علی کل خیر فی ملکک و کل خدمة فی حبک و کل
اشتغال بذکرک انک انت الکریم (ع ع)
مقابله شد

هو الابهی

ای بندہ حقیقی جمالقدم خَلَقْتَ انسانی و خَلَقْتَ رحمانی جناب شیخ نہایت رضا مندی
را
از شما دارند کہ در خدمات امر و احبای الہی نہایت ہمت را دارید الیوم سرور
عالم نفسی بود کہ بخدمت یاران الہی پردازد و در عبودیت آستان مقدس قیام نماید
و عبودیت حق و عبودیت عبادش (ع ع)
مقابله شد
[هر سه در یک صفحہ]

هو الله

جناب آقا علی آقا من اهل شین رفیق جناب شیخ سلمان علیہ بہاء اللہ ابھی ملاحظہ
نمایند

هو الله

یا من تشرف بتمرغ و جہہ بتراب العتبتہ السامیہ در آستان حضرت یزدان حاضر گشتی
* ص 62 *
و روی و موی را بآن خاک معطر نمودی و توجّہ بملکوت کردی و مبتهل بساحت

قدس شدی و در ظلّ سدره مبارکه در آمدی پس بعزمی ثابت و نیتی خالص و توجّهی تام و تضرّعی و تعلقی و تعشّقی توجّه بديار الهی نما و تبتلی بدرگاه حضرت غیرمتناهی تاموفق بر خدمت امرالله و عبودیت احبّاءالله گردی اینست فضل عظیم و جود مبین و صراط مستقیم و نعیم مقیم و موهبت ربّ العالمین ربّ اید هذا العبد علی میثاق و الثبات فی عهدک یا مالک یوم الطلاق (ع ع) مقابله شد ۷۵ خط مبارک

۹

بواسطه جناب بشیرالهی و آقا میرزا جلال ابن عبدالله زرقانی احبّای الهی جناب مشهدی ابوالقاسم جناب حاجی محمد رضای خیّاط مرحوم حاجی حسینعلی خیّاط جناب میرزا علی آقا جناب میرزا محمد حسین ابن المرحوم آقا محمد حسن خیّاط ضلع مرحوم حاجی حسینعلی صاحب سلطان ضلع مرحوم آقاعبدالوهاب صغیه سلطان ضلع حاجی محمد رضای خیّاط خانم ماه ضلع مرحوم حاجی حسینعلی سکینه بی بی ضلع آقاعلی آقا ابن مشهدی ابوالقاسم خانم نصرت * ص 63 *

صیبه مشهدی ابوالقاسم خانم طلعت ضلع آقامحمد حسین خانم جمال دو صبايی مرحوم آقامحمد حسن خانم حیا و خانم طوی علیهم و علیهن البهآء الابهی

هو الله ای ثابتان بر پیمان جناب جلال نامهای مبارک شما را

آن مذکور فرستاده چون تلاوت نمودم نهایت مسرت یافتم زیرا دلیل بر انجذاب قلوب بود و انشراح صدور الحمد لله رویها بنور محبت الله شمع انجمن و خویها از شدت لطافت مانند گلشن این دلیل بر شمول فیض ابدیست و مواهب سرمدی شایان شکرانست و

لایق صد هزار حمد و ثنا لله المنه آن خاندان و دودمان عموماً از صهباء الست سرمسند و در خمخانه محبت الله پیاله بدست و می پرست ای پروردگار این نفوس از ابرارند و سرمست جام سرشار آشفته روی تواند و آواره کوی تو و پویان سوی تو فضل

و عنایت روا دار و از قید دون خودت برهان بر عهد و پیمان ثابت بدار و در امرت مستقیم کن و باین عبد در عبودیت استان شریک و سهیم نما و علیکم البهَاء الابهی ای پروردگار برخی از این نفوس بکوی تو شتافتند و سوی تو توجه نمودند * ص 64 *

نمودند و ضیوف تو گشتند آنچه سزاوار بزرگواری درگاهست رایگان کن و علیهم البهَاء الابهی (ع ع) مقابله شد ۷۶ خط کاتب و مهر مبارک

هو الله

جناب حاجی ابوالقاسم جناب آقامحمد حسن جناب حاجی محمد رضا جناب حاجی حسینعلی جناب آقامحمد کریم جناب رجبعلی جناب آقامحمد جواد جناب آقا علی اکبر جناب آقا میرزا محمود کتاب منوچهر جناب حاجی عبدالله جناب حاجی میرزا فضل الله جناب آقامیرزا علیرضا خان جناب حاج میرزا محمد افشار جناب آقا سیف الله جناب آقا میرزا جلال جناب آقا محمد حسین جناب آقا غلامرضا جناب آقامیرزا اسدالله جناب محمد حسین علیهم بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

جناب آقا داراب بیگ جناب آقا فلامرز

هو الله ای یاران روحانی در این عهد جلیل و قرن عظیم که آفتاب میثاق چون نیر اعظم آفاق

از اشراق ملکوت وجود را منور نموده و محیط اکبر امواج فیوضاتش از ملکوت ابهی بساحل قلوب متواصل * ص 65 *

و نسیم عنبرین و شمیم مشکین از ریاض الهی منتشر و اریاح فلاح از مهب عنایت متهیج و بشارات الهیه از افق اعلی متتابع باید یاران ربانی و دوستان الهی بقوتی ملکوتی و قدرتی جبروتی و عون الهی و صوتی ربانی و لسانی ناطق و علوی شائق و انقطاعی فائق و فیضی عظیم و نوری مبین و جذبی شدید و ولهی لبس علیه مزید

مبعوث گردند چه که این انتساب بدرگاه الهی را این شئون رحمانی لازم و این اکتساب عبودیت استان جمال باقی را اجتلاب انظار عنایت نامتناهی واجب هر سبزه که از فیض نیسان رحمت نصیب برد البته سبز و خرم گردد و هر شجره که از عین الطاف

بهره گرفت البته تر و تازه شود و هر مشکاة که از انوار جمال رحمانی اقتباس کرد البته منور و مستضیء گردد و این شئون مابه الامتیاز بین الابرار و الاشرار در جمیع قرون بوده فریق فی الجنة و فریق فی العسیر پس حال باید ما دست بدامن حضرت یزدان زینم و بر عهد و پیمان محکم شویم و بر صراط رحمن ثابت و مستقیم گردیم و بعون و عنایت جمالقدم بکوشیم و بجوشیم تا مراکز سنوحات رحمانیه شویم و مطالع انوار توفیقات ربّانیه بعروه و ثقی تمسک و تثبت نموده جمیع همّت را حصر در نشر برهان الله نمائیم و جمع اوقات را وقف سطوع رائحه ریاض کبریا تا شرق و غرب مطلع آیات توحید

* ص 66 * توحید گردد و جنوب و شمال مهبط اسرار تغرید و جوه بنضره رحمن مزین شود و صدور بنور ایقان و آثار ظهور در کل مراتب وجود ظاهر و باهر شود و عالم ملکی آینه ملکوت گردد آنوقت جهان جنت ابهی شود (ع ع)
مقابله شد ۷۷ خط مبارک

هو الابهی قد رتل اهل الفردوس بالحن القدس تلك القصيدة الفريدة الغراء
الفصحی التي

خریده یتیمه بدیعة نورآء لله در ناظمها و منشئها و ناطقها و ثاقب تلك اللبالی المنتشر المكنونة و الدرر المنصودة المخزونة و لمثله ینبغی ان یتنفس بنفس الرحمن اذا عسعن لیل الهجران و احاط جنح الظلام و غسق الحرمان من فی الامکان تالله الحق ان الملاء الاعلی یتباهی الیوم بنفس تقوم علی ذکرا لله و ثنائه و اعلاء کلمة الله و برهانه و اظهار قدرة الله و سلطانه و نشر نفحات قدسه التي اذا عبقت تعطرت منها الافاق و عادت الارواح الی اجساد الاموات فیا بشری للمخلصین و یا طوبی للمجاهدین و یا بیاهاً للقائمین و یا حبذا للناشرین و الناشرات نشرا فالفرقات فرقا فالملقیات ذکرا و انی لابتهل تصرعاً و تبلاً الی حضرة رحمانیه ان تقر عینی بمشاهدة وجوه

* ص 67 *

نضره ناظرة الی ربّها یتستضی بانوار ملکوت الوجود من الغیب و الشهود بما توجهت الی شمس الهدی فی ملکوت الابهی و اشتعلت بنار الله الموقدة فی الشجرة المبارکه و استفاضت الانوار من النیر الاعظم الذي غرب من آفاق الامم و هو مشرق من افقه الاعلی و ملکوته الابهی علی اهل البهاء و السلام علی من اتبع الهدی ع ع
مقابله شد خط مبارک مخاطب معلوم نیست

بواسطه جناب آقاعلی محمد

شیراز آقاعلی اکبر خادم علیه بهاءالله الابهی

هوالله ای آواره حق اگر از خانمان دور و از خاندان مهجور و بیسر و سامان
شدی ولی در

پناه حق ایمنی و در ملکوت ابهی منزل و مأمنی این بیوت اوهن از بیت عنکبوتست هر
معموری مطمور گردد و پناه حق اشرف قصور الحمدلله آن میسور و غیر معسور و علیک
التحیته والتناء ع ع ۷۹ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ علیه بهاءالله
شیراز جناب آقاعلی اکبر خیاط علیه بهاءالله

هوالله

* ص 68 *

ای بنده الهی الحمدلله آگاهی و گواهی که عبدالها را مشاغل و غوائل غیرمتناهی
موجود با وجود این ملاحظه نما که جان و دل چگونه بمحبت یاران در اهتزاز است که
جمع کارها را گذاشته بیاد تو پرداختم و این نمیقه را وسیله ساختم تا روح و ریحان یابی
و بفضل و احسان حضرت یزدان بر سرور و فرح بیفزائی ذلک من فضل الله یؤتیه من
یشاء والله ذو فضل عظیم و علیک التحیته والتناء ع ع مقابله شد ۸۰ خط کاتب و
مهر مبارک

شیراز هوالله بواسطه افنان سدره مبارکه

جناب میرزا بزرگ جناب مشهدی علی اکبر خیاط علیه بهاءالله الابهی

هوالله ای خادم صادق جانفشان هر چه در خدمت یاران بیشتر کوشی کأس
عنایت بیشتر نوشی و

آنچه بعبودیت شان بیشتر پردازی بالاتر پروازی زیرا این مجاز قنطره آن حقیقت است و
این عجز و نیاز رابطه قرینت آن بی نیاز خدمات ممدوح و بندگیت
* ص 69 *

مشهود ربّ ودود علیک التّحیّه والتّناء ع ع مقابله شد ۸۱ خط کاتب و مهر مبارک

هوالله

ش شاهزاده محب علی میرزا علیه بهاءالله الابهی

هوالله ای بنده الهی یکی از احباب ذکر ترا در این انجمن نمود و
بستایشت لب کشود

که بمحبت دلبر حقیقی گریبانی چاک دارد و بتجلی عرفان سینه چون آئینه افلاک
این سرگشته کوی الهی نیز خامه برداشته و نامه نگاشته بلکه نسیمی از ریاض قلوب بوزد
و مشام مشتاقان را معطر نماید پس ای طالب روی حق مشام مستعد نما تا آن بوی
جانپور در دماغ آید و روح حیات تازه یابد و البهاء علیک ع ع مقابله شد ۸۲ خط
مبارک

هوالابهی

ش جناب شاهزاده محب علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند
* ص 70 *

هوالابهی ای محب مطلع انوار محبت را مراتب اربعه مذکور و مشهود
اول محبت من الله الی العبد است آیه یحبهم شاهد این مطلب ثانی محبت
من العبد الی رب است و
یحبونه دلیل این مقام ثالث من العبد الی العبد آیه رحماء بینهم حجت این مقال رابعاً من
الحق الی الحقیقت فاحیبت کن اعرف مثبت این مآل محبت مظهر نفس الله
و مطلع الهام هر چند من العبد ال العبد است ولی بحقیقت من الخلق الی الحقیقت چه

که من احبّه فقد احبّ الله پس چون نامت دلالت بر محبت من سمی بعلی فی ملکوت الاسماء دارد امید که بآنچه از لوازم این اسم مبارک و خصائص این رسم مجلل است قیام نمائی و موفق گردی و آن همت بر نشر نفعات الله و غیرت در ثبوت و رسوخ بر میثاق الله است والیهاء علیک و علی کل ثابت علی العهد القديم ع ع مقابله شد

ش جناب محبّ علی میر علیه بهاء الله الابهی
* ص 71 *

هواشه ای محبّ بهاء نور محبت چون در زجاجة احدیت اشراق نمود عاشق و معشوق دست در

آغوش گشتند و احدیت حکمش چنان نافذ و قاطع که گوئی معشوق بود نه عاشق یا عاشق بود نه معشوق و اسماء و صفات و تشخصات و تعینات و نسب و اضافات شنون ذات بودند بنحو اشرف بکمال بساطت و وحدت و چون آن نور هویت در زجاجة واحدیت جلوه فرمود اسماء صفات پدیدار گشت و صور علمیه الهی اعیان ممکنات نمودار گردید پس بکوش و جانفشانی کن و جهد نما و پریشانی تا حقیقت ناطقت و عین ثابت از مقام واحدیت بصحرای دلگشای احدیت توجه نماید چه که سالک در آن مقام از کثرت محویت و قوت فنا از شنون حضرت بیچون گردد و کلمه انا لله و انا الیه راجعون گوید وجود شهود اوست و عبودیت مقام محمود او و انعدام محض غایت مقصود او پس تا توانی پای را در بندگی استوار کن تا بازادگی یگانگی پی بری و از بیگانگی بیزار شوی و شب و روز کمر خدمت بر بندی و بیان آیات بینات پردازی و کار جهانی بسازی و باهنگ ملکوت نغمه پردازی که حجاب

* ص 72 * حجاب از جمیع ابصار براندازی ع ع مقابله شد ۸۴ خط مبارک

ش شاه جناب محب علی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی ای محبّ جمالقدم و اسم اعظم هیکل عالم چون بحقیقت نکری بمثابه شخص انسانیت یعنی قالب جسمانی و امر مبارک و آثار ظهور مشابه روح حیات در این جسم عظیم و

مغناطیس اکبر قویم اگر جهان و کیهان باین جان که شنون و کمالات جانان و حضرت رحمن است زنده نبود و باین نفعات الهیه تر و تازه نکشته بود حکم جسم میت داشت و سمت جیفه و جسد غیر متحرک لطف روحست که هیکل عالم مظهر فتوحست و قوت

جانست که این جسم در طیرانست ولی چون نشو و نمای کالبد از فیض جان بتدریجست تا تدرج در مراتب خلقت از نطفه و علقه و مضغه ز کسأ لحم و انشاء خلق آخر و فتبارک الله احسن الخالقین نماید لهذا هیکل عالم نیز از این روح مفخم در بدایت درجات در حیات خلقت است عنقریب آثار باهره فیض روح القدس الهی را در این هیکل نورانی بقسمی مشاهده نمائید که عقول حیران و ابصار خیره نگران گردد پس بجان * ص 73 * و دل بکوش که تو بمنزله گوش و هوش گردی و بمثابه نظر و بصر این عالم اکبر شوی قوای اعظم حیات باشی و شفای نجات از اسقام و عوارض از ممت درباق اعظم حب جمالقدم و داروی ثبوت و استقامت بر امر مبرم و معجون قوت و صحت ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان حضرت رحمن است والبهاء علیک عبدالبهاء ع مقابله شد ۸۵ خط مبارک

جناب محب علی میرزا

هو الابهی یا من حی فواده بنفحات محبت الله قد انشرح الصدور بذکرک فی هذا المحفل

المشکور و المقام المبرور والمحضر المشهور والبيت المعمور فی هذا اليوم المشهود و بسطت اکف الضراعة مبتهلاً متبتلاً الى الله ان یغیض علی حدائق کینونات احباء الرحمن غمام فضله المدرار و سحاب جوده و الطافه فی هذا الاوان ع ع مقابله شد ۸۶ خط مبارک

جناب میرزا هدایت الله خان

* ص 74 *

هو الابهی یا من اشتعل بالنار الموقدة فی السدرة الربانیة بخ بخ لک یا ایها الناطق

بالثناء والناشر لشرع الوفاء الشارب من رحيق الولاء الناظر الى الملكوت الابهی لمثلک ینبغی اليوم اطلاق العنان فی میدان العرفان والجولان فی مضمار البیان حتی تجعل الوجوه متوجهة الى الحی القیوم فی الجبروت الاعلی والبهاء علیک ع ع مقابله شد

۷۸ خط مبارک

جناب ملا امیر خان

هوالبهی

ای امیر کشور عرفان آن یار مهربان اگر بید اراده پرده از رخ یاران حقیقی خویش براندازد و کشف غطاء فرماید آن وقت خیل دلیران بینی که فتنه آفاقند و آشوب و ولوله دوجهان مطالع عالم از انوار جمالشان روشن است و مشارق و مغارب امکان از فیض کمالشان گلزار و گلشن اگر باین موهبت الهیه که در انجمن وجود رخ گشوده کماهی حقها اهل عالم واقف گردند خیل عاشقان بینی کف زنان پا کویان بقربانگاه بشتابند

مقابله شد

ع ع

۸۸ خط مبارک

* ص 75 *

هوالله

ای بنده الهی تا توانی در هدایت خلق کوش و سقاییت بوستان حق نماید عنایت در مزرعه آفاق تخمی پاک افشانده و البته این کشت دهقان حقیقت جهان را بهشت نماید و این تخم پاک ارض را زینت افلاک بخشد و احبای الهی در این جویبار آبیاری و آب فیض حضرت پروردگار پس تا توانی آبیاری کن تا فیض حضرت باری کامکاری بخشد و نور احدیّت بدرخشد و یگانگی علم افزارد و بنیان بیگانگی براندازد محبت عمومیه رخ بگشاید و جهان آئینه فیض یار مهربان شود و علیک التحیة والثناء ع ع

شیراز بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ جناب حبیب الله میرزا این محب علی میرزا علیه بهاءالله مقابله شد ۸۹ خط کاتب و مهر مبارک

هوالله

ای نهال باغ محبت الله نامه در نهایت روح و ریحان قرائت گردید و از مضمون مفهوم شد که خود را مهجور دانی و محروم شمیری و محزون مانی و مغموم هستی زنهار چنین گمان منما زیرا

* ص 76 *

پرتو شمس حقیقت مشمولی بالطاف و عنایت مقرون غریق دریای الطافی و اسیر روی آن دلبر بدیع الاوصاف فیض هدایت یافتی و فوز رحمانیه جستی و در ظل حضرت احدیت درآمدی جام سرشار محبت الله نوشیدی و دیده از ماسوی الله پوشیدی و حلاوت شهد محبت الله چشیدی و آنچه منتها آرزوی اصفیا بود رسیدی حال آئینه را هرچه جلا بیشتر دهی پرتو فیض شمس حقیقت بیشتر تابد و فزون تر جلوه نماید من در حق تو بدرگاه الهی عجز و زاری نمایم و الطاف بینهایت جویم جمیع یاران الهی را تحت ابدع ابهی ابلاغ داری تا توانی بهدایت نفوس پرداز و در تحصیل علوم و فنون الهی بکوش و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد ۹۰ خط کاتب و مهر مبارک

شیراز بواسطه حضرت افنان آقاسید حسین امة الله الموقنه سکینه
والده باقر علیها بهاء الله الابهی

هو الله

یا امة الله قد اتنی الورقة الناطقه بتوجهک الی الله فکونی مطمئننه بفضلہ راضیه بحکمہ
مرضیه

* ص 77 *

لديه صابرة على البلاء ناطقة بالثناء و انى بملاء السرور اذکرک عند ما
اناجى ربى الغفور و اطلب لوالدتك التى رجعت الى الله ان يكرم منواها و يدخلها فى
نزل كريم و يخلدها فى جنة النعيم و يشرح صدرها بمشاهدة انوار اللقاء فى مشاهدة
الكبرياء و بلغى تحيتي الوافره الى امة الله الباهره فاطمه بي بي ثم القى كلمة التحية
من قبلى على امة الله الرضية رقيه سلطان و كذلك امة الله المنجذبه بهيه ثم ضياء الله
المتربى فى حجر محبة الله ثم بلغى
تحيتي و ثنائى و اشتياقى الى رفيع الرفيع المترنم فى رياض المعانى بلحن بدیع زاده الله
عرفانا و شغفه حبا و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد ۹۱ خط کاتب و مهر
مبارک

هو الله

شیراز ورقه موقنه امة الله سکینه بیگم علیها بهاء الله الابهی

هوالبهي

ای امة الله محزونه در این خاکدان فانی بقا بجهة نفسی ممتنع و محال شبهه و انکار نه این کأس نصیب هر نفس و این صعود محتوم بر هر وجود کوکب ساطع روح البته از افق امکان

* ص 78 *

افول نماید و این سراج وهاج البته از زجاج اکوان صعود نماید امریست محتوم و حکمیست معلوم در این صورت دیری و نزدیکی را حکمی نه و جوانی و پیری را مدخلی نیست علی الخصوص آن سراج بزجاج عالم بالا شتافت و آن نجم بافق بقا شتافت و آن غنچه در گلشن ابدی شکفت و آن آواره بوطن اصلی رفت چرا محزون و پریشانی و آشفته و نالان توجه بملکوت ابهی کن و توسل بجبروت علی اعلی تسلی تام حاصل میشود و استراحت قلب میسر گردد و انشاءالله اسباب راحت جان و آسودگی میسر میگردد

مقابله شد ۹۲ خط مبارک

(ع ع)

والده عیال حاجی

هوالبهي

ربی ورجائی هذه امة آمنت بك و بآياتك و ابتلت بمصائب السفر فی سبيلك و اشتاقت جوار رحمتك و تافت الى جمال وحدانيتك اي رب اسقها رحيق الطافك بفضلك و احسانك انك انت الكريم الرحيم ع ع

مقابله شد

۹۳ خط مبارک

* ص 79 *

هوالبهي

زوج حاجی

الهي هذه ورقة خضرة في رياض العرفان افض عليها من سحب رحمتك و غيث الفضل و الاحسان لتكن ريانة بمياه الوجود بين اهل السجود ياذا الجود و الامتان و تصبح متحركة بنسائم الروح والريحان في جنة الرضوان (ع ع)

مقابله شد

۹۴ خط مبارک

ابن حاجی

هو الابهی

اللهم یا الهی هذا عبد نسبتہ الی عبدک الذی و طرد و نُفی فی سبیلک الی ارض السودان و نحل جسمه من شدائد الحرّ کالنیران حتی نجیة بفضلک ای رب هذا ابنه اجعله آیت احسانک و رایت امتانک و سراج حبّک و نور محبتک و ورد ریاض عرفانک بین بریتک و ریحان حدیقة الایمان بک و بآیاتک بین خلقک انک انت الکریم ع ع
مقابله شد

۹۵ خط مبارک و این لوح در یک صفحه است

شیراز بواسطه حضرت بشیرالهی جناب آقا میرزاضیاء الدین
خادم مشرق الازکار علیه بهاءالله الله الابهی

هو الله

* ص 80 *

هو الله

ای بنده حق نامه شما رسید مختص جواب تحریر میگردد بدگاه احدیت تضرع و زاری شد که آنچه نهایت آروزی تست حصول یابد میسر گردد و قوه حافظه ترقی نماید حضرت اعلی روحی له الفدا گاهی کندر و نبات میل میفرمودند شما نیز متابعت نمایند و علیک
البهاء الابهی ع ع
مقابله شد

شیراز بواسطه جناب آقامحمدبنی قصاب جناب آقامیرزاضیاءالدین خادم مشرق
الاذکار علیه بهاءالله الابهی

۹۶ خط کاتب و مهر مبارک

هو الله

ای بنده بها نامه شما رسید الحمدلله خبر هدایت میرزا فرخ خان داشت که آن مشتاق دلبر آفاق راه طلب پیمود تا بسر منزل حقیقت پی برد و از نورانیت امر مبارک دیده روشن نمود و از فیض ابدی ساحت خاطر را رشک گلزار و چمن کرد نامه‌ئی مخصوص بایشان

مرقوم شد در جو فست برسانید و بستایش شمس حقیقت پردازید که بنور هدایت آفاق
قلوبرا روشن نموده و یاران دلیل این سیلند و هادی این طریق بوالده مهربان امة الله
خدیجه و برادر

* ص 81 *

مهر پرور میرزا بهاءالدین از قبل من تحیت ابدع ابهی برسان و علیک البهآء الابهی ع ع
مقابله شد ۹۷ خط کاتب و مهر مبارک

هو الله

ای فرخ الهی الحمد لله رخ را فرخ نمودی و بنور هدایت روشن فرمودی سعادت کبری
یافتی و میمنت عظمی جستی دیده مشاهده آیات کبری نمود و گوش استماع ندای
ملاء اعلی کرد دل بدلدار پیوست و جان بجانان رسید شایان هزار شکر است و سزاوار
نغمه و ترانه پروردگارا آمرزگارا ابوبن فرخ از این جهان ناسوت بخلوت لاهوت شتافتند و
از این جهان نیستی بفضای عالم هستی ابدی پرواز نمودند زاد و توشه نی ندارند حرفه و
پیشه نی نداشتند توکل بر تو نمودند و بعتبه عالی توجه کردند ای پروردگار بر نجل مؤمن
ایشان منت گذار از خطای آنان بگذر گناه پیامرز پناه بده و بارگاه درآر و در دریای عفو و
غفران مستغرق فرما توئی غفور و توئی ودود و توئی رؤف و توئی بخشنده ذنوب و
مقابله شد
قصور ع ع

۹۸ خط کاتب و مهر مبارک

* ص 82 *

بواسطه جناب زائر درویش روشن جناب ملا قنبر

هو الله

ای بنده حق جناب روشن در این انجمن بنور محبت الله مانند شمع روشن شد حال
مراجعت بوطن مینماید از من خواست که نامه‌ئی تحیر نمایم و محبت قلبی روحانی تقریر
کنم این بسی واضح که قوه جاذبه ملکوت وجود این مفقود و جمیع یاران را در محفل
تجلی جمع نمود از یک اشراق نوریم و از یک نفعه معطر از یم بحر سیراییم و از یک
حرارت پر تب و تاب در اینصورت بیان لازم عیانست و واضح و نمایان تو دانی که در این
قلب الآن چه هیجانست و اگر مطلع نیستی از خدا خواهیم که واقف گردی و علیک التحیة
و الثناء ع ع
مقابله شد
۹۹ خط کاتب و مهر مبارک

شیراز بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ علیه بهاء الله
الابهی

هو الله

من انجذب بنفحات الله قد تلوت آیات شکرک لله علی ما هدائک و نجاک و اجاب دعائک
اعلم

* ص 83 *

ان ربک الرحیم سیشمل لحظات عین رحمانیة کل من اتی الله بقلب سلیم و یجعله آیه
الهدی و رایة التقی و شهاباً ثاقباً فی اوج العلی و نجماً بارعاً می الافق الاعلی و لمثک
یلیق ان یداوی القلوب و الارواح و یشفی النفوس عن مرض الجهل و العمی و یجعل سبباً
لهذه العظمة الكبرى و المنحة العظمی معالجة الاجسام مستمداً من فیض الرحمن
والتائید من العزیز العلام و یتحقق لک ذلك اذا انجذبت الی الله انجذاباً تبذل الروح للارواح
و الحیات للقلوب فیعالم الاشباح و ان کنت تحب التائید العظیم و الموقفیة فی هذا الامر
الجسیم تخلق بهذه الاخلاق و هو الانقطاع و الانجذاب و الاشتعال و الرأفة و الثبوت
و الاستقامة و القيام بسر الغداء اللهم یا الهی اید هذا المنکسر المتذل بعتبة قدسک
السامیه علی احياء الارواح و شفآء الاجسام و نشر آثارک بین الوری و اعلاء کلمة التقوی
بقوة الهدی انک انت الکری العزیز المهیمن المقدر المحبوب اگر چنانچه در آن صفحات

امر معیشت صعب و بقدر قناعت کفایت ننماید مجرد به نیت نشر نفعات الله ببلاد دیگر
عزیمت نیز جائز ایدک الله و شیدک و علیک التحیة والثناء ع ع
مقابله شد ۱۰۰ خط کاتب و مهر مبارک
شیراز

* ص 84 *

شیراز جناب ضیاءالدین خادم سابق مشرق الاذکار علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه ملاحظه گردید عبارت پر حلاوت بود و دلالت بر استقامت مینمود
بامه الله طلعت تحیت برسان و بشارت بموهبت الهی ده تا سرور موفور یابد و کنیز صبور
و شکور ربانی شود از عنایات حضرت خفی الالطاف خواهش آموزش از برای میرزا
بهاءالدین و میرزا آقا و امه الله خدیجه مینمایم ای خداوند بیمانند بهاءالدین را صدر نشین
بهشت برین فرما و میرزا آقا را در ملکوت ابهی بموهبت کبری سرافراز کن و مرقد امه
الله خدیجه را درجه بملکوت الهی بگشا ای آمرزگار این بیچارگان را در جوار رحمت
کبری ملجأ و پناه در و این ملتجنین را بفردوس برین در آر عفو و مغفرت مبذول دار و
فضل و عنایت ارزان کن توئی بخشنده و آمرزنده و مهربان و علیک البهائالابهی ۲۲
رمضان ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس

مقابله شد

هوالابهی

جناب زائر حاجی حسینعلی علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

۱۰۱ خط کاتب و مهر مبارک

* ص 85 *

هوالابهی

یا من احرم لیطوف بمطاف ملائكة القدس من الفلك الاعلی فاشکر الله ربک علی هذه
المواهبه التي هی اعظم فريدة و ابهی جوهرة تتلأ فی هامتك العلیا حیث تشرفت
بالمثول بمقام هو مختلف الملائكة من الملائک الاعلی و عفرت و عبرت خودک بغبار هو
کحل الابصار و شفاء علة الابرار و برد لوعة الاحرار فیا طوبی لک من هذا الفیض المدار

و یا بشری لک من هذا الشرف الذى تغتخر به بين اهل الانوار اي ربّ هذا عبد توجّه الى ملكوت رحمانک و تشبّث بحبل ربّانیتک و تشرفّ بالبقعة المبارکه ایربّ اجعله مشمولاً بلحظات عين رحمتک انک انت الکریم الرحیم (ع ع)
مقابله شد

۹

امة الله خانم طلعت عليها بهاءالله

هو الله

الهی الهی انّ عبدتک هذه تسترضیک بكل عجز و انکسار مبتهلة الیک فی خفیات فؤادها ربّ وفقها علی ما تتمنی و ارض عنها و ایدها علی حبک انک انت الکریم الوهاب (ع ع)
مقابله شد

۱۰۳ خط مبارک

* ص 86 *

هو الله

ورقه مؤمنه ضلع عبدالوهاب عليها بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای امة الله هیچ دانی که کنیزی جمال مبارک را چه مقامی است و چه درجه احترام قسم بروی و موی و خوی دوست که تاج و هاج ملکه های آفاقست و سراج زجاج قلوب بانوهای اعظم اینقدر و قیمت در ملکوت ابهی مشهود گردد و این علویّت در افق اعلی واضح شود و البهائعلیک (ع ع)
مقابله شد

هو الله

شیراز مناجات طلب مغفرت بجهت راجع الی ملکوت الوجود حاجی رجبعلی خیاط

هو الله

ربّ و رجائی انّی مع فرط عصیانی و وفور خطیباتی و کثرة ذنوبی التضرع الی رحمة رحمانیک و افزع الی فناء عتبه فردانیتک و اشفع لعبدک الذی آمن بک و بآیاتک و دخل

فی ظل ریانتک و اعف عنه السبّات و بدلها
* ص 87 *

ادرك ...¹ و بیناتک ربّ اغفر له خطیّاتک صدرت منه و

بالحسنات و البسه حلل العطاء و ارزقه اللقاء و ادخله فی مشهد الجمال یا ربّی
المتعال انک انت الرّحمن (ع ع) مقابله شد ۱۰۵ خط مبارک

بواسطه حضرت عندلیب علیه بهاءالله الابهی

هوالله

جناب حاجی رجعتلی خیاط علیه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای بنده مخلص حق از فضل جمال ابهی کنز ملکوت بجهه احباً مهیباً لهذا انفاق سبب
حصول برکت از تیر آفاق پس تا توانی معاونت یاران نما و اعانت دوستان لن تتالوا البر
حتی تنفقوا ممّا تحبون معاونتی که در حق جناب میرزا عبدالغفار مجری داشتید محبوب
و اگر ممکن باشد که از مبرات بشمارید و در صورت عدم امکان امهال الی میسره بسیار
مقبول و البهّاء علیک (ع ع) مقابله شد
* ص 88 *

هوالله

اخت حرم حاجی رجعتلی علیها بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای امة الله تمسک بعروه و نقی جو و تشبث بحبل متین حضرت کبریاء آن عروه محکم و
حبل وثیق میثاق الهیست و پیمان حضرت رحمانی بسبب جان و وجدان تمسک و تشبث
نما تا بمقام انجذاب رسی و بارگاه حضرت ربّ الارباب راه یابی و البهّاء علیک (ع ع)
مقابله شد

¹ کلمه‌ای خوانده نشد.

هوالبهی

ای سرمست جام الست هنگام غروبست ولیکن انوار صبح هدی از مطلع افق ابهی
ظاهر و باهر نظر بعالم بالا و ملکوت اعلیٰ کن طلوعی مشاهده کنی که غروب از پی
ندارد و نهاری ملاحظه نمائی که لیلی در عقب نیاید جمیعش طلوع و اشراقست و ظهور
و انوار چه که شمس حقیقت مقدس از طلوع و غروب نظر بعالم خلقتست نه حق
والبهاءعلیک

(ع ع) مقابله شد

۱۰۸ خط مبارک مخاطب معلوم نیست

* ص 89 *

هوالبهی

حرم حاجی حسینعلی علیها بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ای ورقه طیبه این جهان بسی عرصه تنگ و تاریک و آن جهان بغایت روشن و وسیع و
نزدیک در طرفه العینی از اقلیم جسمانی بجهان الهی توان شتافت و از این حیز تنگ
بعالم پرنگ بتاخت پس تا توانی در فکر آنجهان باش نه این جهان و از آن جام سرمست
باش نه این ساغر کدر آشام والبهاءعلیک ع ع مقابله شد

۱۰۹ خط مبارک

هوالله

داراب جناب آقا مشهدی محمد ابراهیم شیرازی جناب آقا نصرالله ولد ایشان علیهما
بهاءالله الابهی

هو الابهی

ای دو بنده حق درایندم بدرگاه احدیت اسم اعظم مناجات مینمایم که ای پروردگار این
دو نفس نفیس را مؤانس و انیس ذکر ت نما و این دو مشتاق را بگلستان حقایق و معانی
دلالت فرما این دو ماهی را ببحر
* ص 90 *

فرا ت هدایت نما و این دو غزال بر وحدت را بچمن موهبت برسان توئی توانا و
توئی مقتدر و بینا ع ع
مقابله شد

هو الله

ا مة الله ضلع حاجی حسنعلی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای ورقه مبتله شمع روشن است و شهد مکرر و آن شاهد روحانی بریطی در دست
دارد و باهنگ خوش ملکوت ابهی در نغمه و آواز است چنگش قوه ملکوتی مضرا بش
بشارت الطاف جمال غیبی لاهوتی آهنگش مردگانند در این انجمن اندر ره دوست ای
مسیحای زمان هان نفسی گرم برآر
ع ع
مقابله شد

هو الله

بواسطه جناب طیب آقامیرزا لطف الله هو الله

جناب آقامیرزا محمد باقر علیه بهاء الله

هو الله

یا من توجه الی ملکوت التقدیس انی اخاطبک من هذه الناحية المقدسة المباركة وانت
فی تلك
* ص 91 *

العدوة القصوى و اقول اطلق عنان اللسان بالثناء على ربك الرحمن و اشكر الله على هذا
الفضل العظيم بما هداك الى الصراط المستقيم و المنهج القويم و ...² فيكل آن و حين
من فضل مولاك القديم والحمد لله رب العالمين (ع ع)
مقابله شد

هوالبهى

ش جناب آقا محمد كرم عليه بهاء الله الابهى ملاحظه نمايند

هوالبهى

اي ناظر بملكوت ابهى حضرت افنان در مکتوب خویش ذکر آنجناب نموده و خواهش
تحریر این صحیفه کرده که ذکر آنجناب در این انجمن گردد و بیاد آن مشتعل بنار محبت
الله مشغول گردیم اینقدر بدان که در جمیع احیان مذکور بوده و هستی و در آستان
مبارک مستدعی نزول الطاف و عنایت در حق آن منجذب نفات ریاض احدیت بوده و
هستیم و از فضل عمیم و کرم جلیل مستدعی هستم که چنان سرمست صهای محبت
الله گردید که آتش بقلوب اهل امکان زنی و شعله در حقیقت اکوان افکنی و ولوله در
این ارض و سما اندازی و بحر عالم را بموج آری و اوج ملکوت اعلی گیری و چون
بملکوت ابهى
* ص 92 *

شتابی رخ برافروزی و چشم روشن باز کنی و مظهر الطاف بی پایان گردی و مهبط
طبقات انوار شوی و این مقام بثبوت بر عهد و پیمان الهی میسر گردد و بتمسک بعروه
و ثقای رحمانی حاصل شود ع ع
مقابله شد
۱۱۳ خط مبارک

ش جناب حاجی رجبعلی عليه بهاء الله الابهى ملاحظه نمايند

² کلمه ای خوانده نشد.

هوالابهی

ای آشفته روی دوست در اینجهان بسا عاشقان رخ رنگین و موی مشکین و لعل نمکین که پرتوی از فیض جمال مبین است پدیدار و رسوای کوچه و بازار شدند جان فشانی را راحت جان یافتند و بی سر و سامانی را مسرت وجدان ذلت را عزت کبری دانستند و مصیبت و مشقت را موهبت عظمی تو که خریدار جمال یوسف الهی هستی و سودائی و شیدائی

معشوق حقیقی آیا باید چگونه پاکباز و جان فشان و بیباک و قربان و حیران و بیسر و سامان و رسوا و شیدا و اسیر و حقیر در سیل جانان باشی ولی کار بسیار مشکل و پاها در گل است مگر آنکه ملکوت ابهی مدد فرماید والبهاء علیک ع ع
مقابله شد

۱۱۴ خط مبارک

* ص 93 *

هوالله

همشیره جناب آقاعلی ضلع حاجی محمد رضا ایضاً امة الله طلعت امة الله ضلع
اخویشان امة الله ضلع حاجی رجبعلی امة الله ضلع حاجی حسینعلی امة الله ضلع
آقا عبدالوهاب امة الله ضلع حاجی غلامحسین علیهن بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای امآء رحمن در هر کوری از مطالع مقدّسه چند نساء منجذبه از مرقد طبیعت مبعوث شدند و در محشر روحانیت عظیمه محشور جام سرشار صهای هدایت را از ید ساقی عنایت نوشیدند و تأییدات الهیه را از مظهر آثار قدرت ربّانیه گرفتند پس با نطقی فصیح و بیانی ملیح و شوری یزدانی و شوقی رحمانی در قطب عالم منتشر گردیدند پس ملاحظه فرمائید که در عهد مظاهر شمس حقیقت چون چنین نسانی مبعوث شدند حال که الحمدلله این کور کور شمس حقیقت است و این عهد عهد سلطان احدیت که ذرات موجودات در شور و شوقند و سرور و ذوق پس ورقات سدره باید بشنونی و آثاری و اطواری و انجذابی و اشتعالی و بیانی و تبیانی و روحی و فتوحی و متن و شروحو مبعوث گردند که قوت و نفوذ و آثار

* ص 94 *

و انوار ایشان بر ورقات سائر دورها فائق آید و این مقام عالی و عزت قدیمه بسهولت میسر نگردد شعله نار که سبب اشتعال شود انوار ساطعه شاید که عالم روشن کند فیض ابر و باران لازم تا چمن و دمن سر سبز و خرم گردد ای امآء الرحمن بکوشید تا چون مردان در این میدان چوگانی زنید و گوئی بریائید قسم بجمالقدم که جنود ملکوت ابهی چنان تأیید نماید که در مضمار عرفان صفدر و صف شکن گردید و قوت تأیید شما را برجال عالم غالب گرداند و این فیض بثوت و رسوخ بر عهد و پیمان حاصل گردد ع ع ع
مقابله شد ۱۱۵ خط مبارک

شیراز جناب میرزا محمد باقر هشیار علیه بهاءالله

هوالله

ای حبیب روحانی نامه مشکین ملاحظه گردید پریدون ان یخمدوا نار محبة الله بالبهتان العظیم فتزداد التهاباً و تاجحاً و اشتعالاً در قرآن میفرماید کما اوقدوا ناراً للحرب اطفاها الله باری شما مطمئن بفضل و موهبت حق باشید ان ربک یؤید المخلصین باعمال ینتشر بها نجات الله و لكن الفاسقین فی خسران مبین (عبدالبهاء عباس)
مقابله شد

116 خط مبارک

* ص 95 *

هوالله

شیراز جناب میرزا محمد باقر هشیار علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای هوشیار بیدار سرورش یار بود که بهوش آمدی و ندا بگوش رسید سمع اصم البتّه ندای الهی نشنود و نطق ابکم بشاء ربانی نبردازد الحمدلله قوه سامعه شدید بود که اذن صاعیه کلمه الهی استماع نمود حمد خدا را از سرگردانی نجات یافتی و بمرکز هدی النجا نمودی البتّه پی در پی کشف اسرار گردد و واقف باثار شوی و هتک استار نمائی و غلبه سر آشکار شود محوالموهوم گردد و جمال معلوم جلوه نماید امیدم چنانست که یوماً فیوماً ترقی نمائی تا بجوهر مقصود رسی و غنای حقیقی یابی و بکنج روان پی بری و حجج و برهان بنمائی و دلیل جلیل اقامه کنی سؤال از لوح زبرجدی و لوح محفوظ

نموده بودی این لوح زبرجدی کتاب عهد است و لوح محفوظ است که محفوظ بود و
مکنون بود ظاهر و آشکار گردید و در بواطن کتاب عهد لوح زبرجدی مندرج و مندمج است
و علیک البهآءالابهی ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۳۸ حیفا
AbdulBaha abbas مقابله شد 117 خط کاتب و امضای

مبارک بانگلیسی

هوالابهی

* ص 96 *

هوالابهی

ش جناب الشیخ بهآئی علیه بهآءالله الابهی

هوالابهی

ای سراج وهّاج این دم بوی جانبخش حدائق ملکوت قدم مشام روحانی را چنان مشکین
و عنبرین نموده که بی اختیار قلم برداشته و بیاد آن یار مهربان پرداخته که شاید از الفت
قلب و روح خامه و نامه نفحات انس قدیم بساحت دل و جان یاران محفل ربّ کریم رسد
و حقیقت فؤاد از قیود هجران و حرمان برهد و حجاب مرتفع گردد و پرده افتد و گرفتار
فراق خویشرا در وثاق بیند و مبتلای هجران خود را در جنت رضوان مشاهده نماید این
مراتب فصل و وصل و بعد و قرب عنصری ابداً حکمی نداشته بلکه وصلت
حقیقت روح چون میسر گردد حکمش چون روح در عروق و شریان سریان کند و حجاب
بکلی زائل گردد و جمال مشهود و آشکار شود والبهآء علیک و علی کل ثابت علی الميثاق
ع ۴ مقابله شد

۱۱۸ خط مبارک

* ص 97 *

هوالله

ش جناب بهآءالدین و نورالمخلصین المنتسب الی استقرّ فی اوج العلیین

هو الابهي

يا من توجه بكليته الى ملكوت الابهي تالله الحق ان علياً من الملاء الاعلى يناديك و
يخاطبك بصوت جهورى و يقول ابشر يا روحى و سبب سرورى و مورث جهورى بما
حفظت حقوقى و استمعت لوصيتى و ثبت على الميثاق و تورث بآية الاشراق و انتبذت
من اهل الشقاق ابعد عدوة فى الافاق و توجهت الى النور المحمود و استطلت فى
الظل الممدود و ثبتت و نبتت و خطوت و صوت الى الجمال المجلل بسحاب الغياب
ع ع
مقابله شد

هو الابهي

ش ورقه طيبه موقنه بقيه من عرج الرفيق الاعلى امة الله صبيّه الشيخ
عليهما بهاء الله الابهي

الله ابهي

اي امة البهاء و عليك الثناء يا بقية تلك النفس القدسيه المتصاعدة الى الله استبشرى
بمواهب
* ص 98 *

ربك و افرحى بفضل مولاك القديم توجهي الى ملكوت ربك الابهي و ناجى مولاك و
قولى لك الحمد يا نور السموات و الارضين بما خلقتنى من صلب من شرحت صدره بانوار
التوحيد و اعليت درجته فى العليين و جعلتنى بضعة منه تذكارة منه بين العالمين و نور
وجهى بين امانك يا مقصود العارفين الهى ايدنى و ضجيعى على خدمة امرك و التبتل
اليك و اتضرع الي باب احديتك و وقفنى على الضجيج فى محافل امانك بنعتك و ثنائك
و نشر نجاتك انك انت الكريم الرحمن الرحيم
ع ع
مقابله شد ١٢٠ خط مبارک

اي امة البهاء تمسك بذيل كبرياء جو و تشبث بعروه و تقى و توكل بر خدا كن و شب و
روز در ترويج امرالله باش چه كه ايام بسر آيد و حيات دنيا نپايد و اعتماد نشايد عنقريب
فانى گردد و چون سراب بقيق شود پس در آنچه علو و سمو در ملكوت ابهايست بكوش تا

غياض الافق الاعلى الخائضة فى حياض الجنّة الماوى لقد ثبت و ظهر ظهور الشمس
 فى رابعة النهار بانجذابك الى ملكوت الاسرار و اشتعالك بالنار الموقدة فى سدره العزيز
 الجبار انك بضعة ذلك البطل الرشيد و فلذة كبد ذلك السرى المجيد و من عنصر روحه
 الشديد و ذريته التى يتناهى بها فى ملكوت الابهى و ينشرح بها صدرًا فى لاهوت البقاء و
 يخاطبك من ملكوت الابهى بوجه مثللاً ككوكب الضحى و ينادى باعلى النداء احسنت
 احسنت يا بضعتى و قطعة كبدى و نور بصرى بما وفيت بالميثاق واقتبست الانوارالمشرقة
 على الافاق و ثبتت قدماك على الصراط و شربت كأساً دهاقاً فى محفل الاشراق والبهاء
 عليك و على كل ثابت و ثابتة على امرالله و متشبّثة بالعروة الوثقى ع ع
 مقابله شد ۱۲۲ خط مبارك

۱۲۳

هو الله

اي يادگار آنشخص جليل پدر بزرگوار معدن اسرار بود و مهبط انوار در ساحت اقدس
 مقرب بود و در ايمان و ايقان ممتحن و مجرب نظر عنایت حق از هر جهت شامل بود و
 موهبت کامل حال تو يادگار آن بزرگوارى واضحست که چقدر مقربى و از صعود ميرزا
 نصرالله نهايت حزن موجود ولى تسلى خاطر باينست که آن طير چون باوج
 * ص 101 *

اعلى پرواز نمود و باز اشهب گشت و عقاب اعظم گرديد و آن قطره چون از حيز امکان
 بگذشت بفضای لامکان شتافت بحرى بپايان شد مطمئن باش که غريق بحر غفرانست و
 در حق تو از درگاه الهى تأييد ربانى طلبم تا در جميع شئون مظهر فيوضات نامتناهيه
 گردى و عليك البهاءالابهى ۲۹ ربيع الثانى ۱۳۳۸ مقابله شد

عبدالبهاء عباس

شيراز جناب احمدابن بهاءالدين ضيبيّه زاده من صعداى الله شيخ على ميرزا عليه
 بهاءالله الابهى

هو الله

ای یادگار آنشخص جلیل ورق مسطور ملحوظ و منظور گردید الحمدلله چراغی در آنخاندان روشن گشت و از سلاله آن نفس مبارک موفق بهدایت پیدا شد جد بزرگوار قلبی پر از انوار داشت و مشامی مشکبار و جانی مستبشر بفیض حضرت پروردگار در ساحت اقدس مذکور بود و در آستان مبارک مقبول از فم مطهر بکرات و مرات ذکر آنجان پاک استماع شد حال تو باغ آمال او را نهال تازه وتر گرد و گلشن آرزوی او را گلی لطیف و طری باید بجان بکوشی تا آن گلشن را روشن کنی و علیک البهآءالابهی

عبد البهآء عبّاس مقابله شد

۱۲۴ خط کاتب و امضاء مبارک

* ص 102 *

ش ورقه سدره مبارکه امة الله والده آقامیرزا هادی علیهما
بهآءالله الابهی

هو الابهی

ایورقه مقدسه مبارکه صد هزار ملکه های آفاق آرزوی جاروکشی آستان اولیا داشتند و فائز نشدند و تو از اوراق سدره مبارکه محسوب و معدودی ملاحظه کن که بچه فضلی فائز شدی پس بشکرانه الطاف حق در تقدیس و تنزیه و عرفان و ایقان امآء رحمن

بکوش ع ع مقابله شد

۱۲۵ خط مبارک

هو الابهی

ش ورقات مطمئنات امآءالرحمن علیهن بهآءالله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای امآء رحمن و ورقات طیبه موقنه مطمئنه بفضل یزدان هزاران هزار دختران شهرباران و بنات سروران و بزرگان ترک پرند و پرنیان نموده و از آسایش و راحت جان و

کام دل و آرایش گذشته و از پدر و مادر چشم پوشیده و از هر شادمانی و خوشی و کامرانی

* ص 103 *

منقطع گشته و لباس رهبانیت در بر کرده راهبه گردید و شب و روز را عبادت و ریاضت و خلوت و ضراعت گذرانده که شاید مشاهده پرتوی از نور حقیقت نماید و در حسرت این موهبت جان بداد و بلمعه از انوار طور فائز نگشت حال شما بشکرانه قیام نمائید که الحمدلله نجوم این نور مبین را طالع از افق جبین دارید و ظهور این آثار باهره را در حقیقت زاهره دارید و اکیلل این نعمت را بر فرق مطالع محبت الله هستید و انشاءالله ناشرات هدایت الله و شکر این فضل بی متتها ثبوت و رسوخست بر میثاق الله بقسمی که باید چون جبال راسیات ثابتات باشید و مقاومت طوفان اعظم نمائید و چنان مشتعل و متوقد و منجذب گردید که جمیع نسا را منقلب نمائید در آستان مقدس حضرت دوست اماء الرحمن بذر شما مشغول و ما بدعای تائید مالوف والبهاء علیکن یا اماء الله ع ع مقابله شد ۱۲۶ خط مبارک

۹

ظهر پاکت

شیراز اماء رحمن علیهن بهاء الله الابهی (بواسطه ورقه مبارکه امة الله والده آقامیرزا هادی افنان بواسطه آقامیرزا هادی)

این چند کلمه خط مبارکست

* ص 104 *

شیراز اماء رحمن امة الله والده مرحوم اسکندر خان ضلع جناب افنان مرحوم آقامیرزا آقا با صیبه شان طوی خانم امة الله ضلع جناب شیخ بهائی صیبه شان منیره خانم عیال آقا میرزا بزرگ با صیبه شان روح انگیز خانم عیال جناب میرزا محمدصادق خباز با صیبه شان میرزاییگم سه همشیره زاده های مرحوم حاجی ملا کاظم نصرآبادی خانم بهتری خانم شریعت طناز خانم عیال جناب عندلیب با صیبه شان نورا خانم و عیال بردرش بهیه خانم صباپای جناب میرزا نصرالله علیه و عالیه خاله جناب ملا احمد علی والده رحمت همشیره زاده والده رحمت عیال حاجی حسینعلی صیبه حاجی محمد رضا خیاط جمالیه خانم فاطمه خانم مریم سلطان سلطنت طلعت عیال حاجی حسینعلی میرزا بیگم منیره عیال جناب عبدالوهاب صیبه آقامحمد حسن خیاط حیا صیبه آقامحمد جواد

علیا صبیّه مشهدی ابوالقاسم طلعت خانم حاجی بیگم خیاط مادر رحمت ورقه مبارکه امة
الله والده أقامیرزا هادی افنان

هوالله

یا امّآء الرحمن از قرار مسموع محفلی آراستید و بخدمت آستان مقدّس بر خواستید
طوبی

* ص 105 *

ثمّ طوبی که در عصر ربّ بذكر حق پرداختید و در این میدان بجان و دل شتافتید تا بمنزل
مقصود رسیدید و بسر وجود پی بردید و جمال موعود یافتید و حقیقت شهود ادراک
نمودید پرتو انوار شمس حقیقت فائض و الطاف جمال مبارک شامل حال مؤمنات و
موفقات در هر دمى موهبتى جلوه نماید امّآء رحمن باید فرصت این ایام را غنیمت شمرند
و هر یک جهدى نماید تا بدرگاه ربّ اله تقرّب جوید و استغاضه فیض از مبدء وجود کند
حالتی پیدا کند و قوتی مؤید گردد که هر شخص ذلیل را بمجرد القاء کلمه نفس عزیز کند
و محروم را محرم لاهوت نماید و مایوس را امیدوار نماید و بی نصیب را از موهبت
کبری نصیب دهد و جاهل نابینا را دانا و بینا کند و غافل کاهل را بیدار و هوشیار نماید
اینست صفت امّآء رحمن اینست شیم کنیزان درگاه کبریا ای ورقات موفقات در صفحات
اروپا و امریکا امّآء رحمن گوی سبقت و پیشی را از میدان رجال ربوده اند و در تبلیغ و
نشر نفعات الله ید بیضا نموده اند عنقریب مانند طیور ملا اعلی در اطراف و اکناف دنیا
پرواز آیند و هر نفسی را هدایت کنند و محرم راز گردانند شماها که ورقات مبارکه شرفید
باید بیش از
* ص 106 *

آنان شعله زبید و بنشر نفعات الله پردازید و ترتیل آیات الله کنید پس تا توانید بنصایح و
وصایای جمال مبارک قیام نمائید تا جمیع آرزوها میسر گردد و آن جویبار و چمن گلشن
احدیّت شود و علیکم و علیکن البهآء الابهی ع ع

هوالله

ای دوستان جمال ابھی اگر بدانید که این خطاب چه قدر عظیمست و مخاطبها چه قدر عزیز البتہ از کمال سرور و حبور مانند طیور پر بگشائید و در این اوج موهبت کبری پرواز نمائید زیرا این خطاب عنوان ملاءعلی است و این عنوان موهبت ملکوت ابھی چه قدر باید احباً از این خطاب مسرور و مشعوف و پیرانجذاب گردند عنقریب پرتو این حقیقت بر جهان بتابد و روشنائی کونین گردد فسوف تری المخلصین فی فرح عظیم حیف صد حیف که بیهوشان از بشارت این

بیخبرند و بیوفایان از این موهبت بی نصیب و ثمر این تاج وهاج را بجوی فروختند و این اکلیل جلیل را بنار غفلت سوختند یا حسرةً علیهم بما بدلوا نعمة الله علی انفسهم و كانوا قوم سوء اخسرین و علیکم التحیة والتناء ع ع مقابله شد

۱۲۸ خط حضرت ولی امرالله و مهر مبارک (شوقی) مخاطب معلوم نیست
* ص 107 *

بواسطه شوقی افندی شیراز ورقه مبارکه سدره رحمانیه زیور سلطان علیها
بهآالله الابهی

هوالله

ای ورقهء سدره منتهی مدتی بود که راه مقطوع بود و ابواب مسدود لهذا نگارشی نشد ولی قلب و روح بذکر شما مشغول و از الطاف بیابان حضرت مقصود رجا میگشت که در صون حضرت احدیت مصون و در سایه الطاف محفوظ باشید امة الله ضیا در این ایام زفاف بحضرت محمود شد الحمدلله بتمام سرور اقتران و سور حصول یافت بسیار بموقع واقع شد و این از حسن نیت آنورقه مبارکه گشت از الطاف الهی امیدوارم که در نهایت ائتلاف با یکدیگر زندگانی نمایند بحضرت فرع سدره منتهی جناب آقا سید حسین از قبل من تحیت محترمانه برسانید و همچنین سایر یاران و اماء رحمن را و علیک البهآ الابهی (عبدالبهآ عباس) مقابله شد

۱۲۹ خط حضرت ولی امرالله و امضاء مبارک
شیراز

* ص 108 *

شیراز امة الله زیور سلطان علیها بهآالله الابهی

هو الله

یا امة الله من الدوحة المبارکه اگر چه سالهای چند است بیک و پیامی از بقعه مبارکه بآن اقلیم رحمانی نرسیده ولكن همیشه بتل و تضرع بعتبه مقدسه مینمودم و تأیید و توفیق میطلبیدم تا احباء الله و اماء رحمن در صون حمایت حق از سهام شبهات محفوظ و مصون مانند و ثابت و مستقیم بر دین الله الحمد لله فضل شامل شد و قوهء ملکوت ابهی معجزه کبری نمود که جمیع طوائف و امم در نائرهٔ حرب سوخته و بنیانهای عظیم برافتاد و لكن این حزب مظلوم در جمیع آفاق در صون رب الميثاق در نهایت روح و ریحان باقی و برقرار جمیع اماء رحمن را تحیت ابدع ابهی ابلاغ داری حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سید حسین را احترامات فاتحه ابلاغ نمائید و علیک البهآء الابهی
عبدالبهآء عباس ۳ اذار ۱۹۱۹ مقابله شد

* ص 109 *

شیراز بواسطه جناب تیرانداز جناب آقا محمد صادق جهرمی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بندهٔ صادق حق جناب تیرانداز نامه شما را پرواز داد تا بدست اینعبد پر عجز و نیاز رسید مضمون مشحون ببیان ایمان و ایقان بود و برهان ثبوت و استقامت بر امر حضرت رحمن طوبی لک ثم طوبی و یا فوزاً لک من هذه البشارة الکبری طلب غفران از برای پدر مهربان گردید یقین بدان که از فضل جمال مبارک مرحوم و مغفور خواهد بود زیرا پور غیور در نهایت تضرع و ابتهاج است و بجناب استاد رضا تحیت ابدع ابهی برسان و جناب درویش ابن شهید ابلاغ دار یوم بعثت حضرت اعلی و یوم هفتادم نوروز و روز بیست و هشتم شعبان و یوم اول محرم و یوم ثانی محرم و یوم نوروز و سه روز رضوان اشتغال بامور حرام است و علیک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

۱۳۱ خط کاتب و مهر مبارک بواسطه

* ص 110 *

بواسطه جناب قابل جناب رضا قلیخان علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای مهندی بنور هدی هر چند مرا مجال مفقود با وجود این بذکر تو مشغول شدم تا وجد و سروری یابی و بشکرانه الطاف حضرت بیچون پردازی که بدرقه عنایت رسید و نور هدایت درخشید و در شیستان دل و جان سراج موهبت رحمن روشن گردی از الطاف حضرت احدیت امیدم چنین است که روز بروز آن نهال تازه نشان حدیقه هدی برشحات ابر الطاف نشو و نما نماید و بشکوفه و نمر رسد و علیک البهآء الابهی
ع ع
مقابله شد

۱۳۲ خط کاتب و مهر مبارک

هوالابهی ط ابن من سعد الی الله جناب آقا حسنعلی علیه بهآءالله الابهی
ملاحظه نمایند

هوالابهی

ای مشتعل بنار موقده و سدره ربانیّه جناب ابوی چند سال بود که در جوار جمالقدم پناه یافته و در ظل سدره منتهی آرمیده و از کأس قرب سرمست و مخمور شده و بفیض

* ص 111 *

اعظم مخصوص گشته مدتی مدیده در اکثر اوقات از موائد قریبه آلهیه محفوظ بود و از شراب وصل مخمور و باحسن اخلاق و اطوار و اعمال در بین احبّ الرحمن محشور و مشهور جوهر تکوین بود و سازج محبت جمال قیوم از نفعه قدس عرفان دماغی عطرناک داشت و از عشق جمال ذوالجلال گریبانی چاک در شب و روز بذکر حق مشغول بود و بنسائم روح مانویس و مشعوف چشمی روشن داشت و جانی چون گلزار و چمن تا آنکه مصیبت کبری و رزیه عظمی رخداد جمیع کمرها شکست و عظمتها رمیم شد دیده ها ناپینا و لسانها گنگ و لال گردی جگرها خون شد و دلها پاره پاره و محزون آن متذکر بذکرالله چنان از حرمان و هجران برآشفت که در اکثر اوقات حیران و سرگردان بود عاقبت حرقت فراق چنان شعله برافروخت که تب دائمی و حمای مطبقه مستمری عارض شد در مدت بیماری در جمیع اوقات بذکر الهی مشغول بود و در شدت حرقت و حرارت تب بیاد حق سیراب و پر مسرت بود در نهایت زیادتی مرض و علت در بستر صحت و راحت آرمیده بود و هر نفسی بعبادت میرفت آثار منتهای مسرت در بشره و طلعتش

* ص 112 *

مشاهده مینمود تا آنکه خندان و مزده خوان با کمال بشاشت و بشارت بافق
اعلی و ملکوت ابهی شتافت طوی له و حسن ماب بشری له و نعم الثواب عراً و شرقاً و
فخرآ و سرورآ له من هذا الاياب والبهآء علیک یا تذکار ذلک الجناب عبدالبهآء ع
مقابله شد ۱۳۳ خط مبارک

بواسطه بشیر الهی

جناب آقا حسینعلی سلیل مرحوم آقامحمد جواد اصفهانی و امة الله حرم محترمه علیها
بهآء الله الابهی

هو الله

ای سمی محبوب آفاق و ای امة الله
المقربه نامه شما مضمون بدیعی داشت و سبب سرور جدیدی گشت که الحمدلله در امر
الهی ثابت و مستقیمید و در عبودیت استان جمال ابهی مستدیم و در ظل عنایت مستریح
از عدم فرصت مختص محرر میگردد سلیل ثانی خویش را نام جد بزرگوار بنهید و صیه را
خدجه نامیست مبارک و علیکما البهآء الابهی
مقابله شد ع ع

۱۳۴ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطه جناب آقامیرزا طراز و آقا میرزا علی اکبر
جناب محمد حسن خان علیه بهآء الله الابهی

* ص 113 *

هو الله

ای ثابت بر پیمان الحمدلله نطقی فصیح داری و بیانی بلیغ قلبی طیب و طاهر خواهی و
جانب مستبشر بملکوت باهر توجه جمال ابهی جوئی و تشبث بذیل کبریا طلبی یقین بدان
که چنین نفوس موفق و مؤیدند باری توجه بملکوت ابهی کن و نصرت و فتوح از حضرت
کبریا طلب تا ابواب گشوده یابی و در کھف حفظ و حمایت الهی آسوده گردی حضرت

منصور را مسرور کن و بشارت فضل موفور ده که ربّ غفور مؤبّد حضرت منصور است و
علیک البهآء الابهی ع ع

۱۳۵ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سید میرزا علیه بهآءالله
جناب محمد حسن خان علیه بهآءالله الابهی

هوالله

ای یار حقیقی عبدالبها را مضمون نامه مسرور نمود زیرا دلالت بر شعله نور هدایت
مینمود که در زجاج دل و جان افروخته و نفعه ریاض معانیش بمشام رسید الحمدلله آن
قلب مشکاة محبت الهیست پس از هجوم بیگانه و خویش میندیش بلکه صبر و تحمل
پیش گیر العاقبه للمتّقین خوششان بیگانه عنقریب آشنا شوند و پشیمان گردند و بایمان و
ایقان آن

۱۳۶ خط کاتب و مهر مبارک

* ص 114 *

سرمت صهای محبت الله افتخار کنند و مباحی شوند تفکر در حال پیشینان نما حقیقت
جلوه نماید و عاقبت آشکار گردد اولاد و احفاد از آباء گنه کار بیزار شدند و از نسبت آنان
نگ و عار داشتند عنقریب خواهید مشاهده نمود که عزت ابدیه در دنیا و آخرت بعبودیت
آستان مقدّس است و علیک التحیه والثناء ع ع

مقابله شد

بواسطه آقا میرزا عزیز الله خان زائر

جناب منصور السلطنه و جناب محمد حسن خان و امة الله المنجذبه والده ایشان
علیهما البهآء الابهی

هوالله

ای مظاهر تأیید الهی امروز قرن عظیم مبین است و روز تأیید و توفیق حضرت ربّ
العالمین مقربین درگاه الهی همواره آرزوی چنین روز مینمودند و نفوس مقدسه در ایام

قدیم تمنای ساعتی از این عصر رحمان و رحیم میفرمودند حال الحمدلله که آن دوسالار آزادگان در این ایام بالطف حضرت یزدان مؤید پس باید از مشرق عرفان چون مه تابان بدرخشند و سبب تربیت نفوس و بزرگواری نوع انسان گردند جهان از نادانان مانند شب تاریک است باید مردان میدان چنان پرتوی برافروزند که این ظلمت ضلالت مبدل بنور هدایت گردد و نفوسیکه مانند بهائمند بتربیت الهی چنان پرورش یابند که مدار افتخار و مباحث قبائل عالم گردند اخلاقی بجویند که جهان از نفعه اش معطر گردد و رازی * ص 115 *

بگویند که جان و دل زنده شود و راهی بپویند که بسرمنزل مقصود رساند
وعلیکم البهء الابهی ع ع
مقابله شد

۱۳۷ خط کاتب و مهر مبارک

هوالله

ش ورقه مبارکه والده جناب افنان حضرت حاجی میرزا علی علیهما بهاءالله
الابهی ملاحظه نمایند

۱۳۸ خط مبارک

هوالله

ای ورقه مبارکه اگرچه آن کوکب نورانی از افق امکان افول نمود ولی از مطلع
لامکان طلوع فرمود آن بلبل گلشن الهی در حدائق رحمانی آغاز نغمه نمود آن شاخ
مبارک بسدره الهیه متصل گشت و آن جوی دلجو بدریای حقیقت ملحق شد آن ماهی لب
تشنه بدریای وصال پی برد و آن طوطی شکرشکن بشهد و قند مکرر رسید آن عاشق دل
سوخته بمعشوق رخ افروخته واصل شد و آن حبیب نجیب بمحبوب دلفریب نصیب بقا
یافت پس محزون مباحش و مغموم مباحش و افسرده و پژمرده مگرد از خدا بخواه که
تأسی باخلاق او نمائی و در عهد و میثاق چون او ثابت گردی ع ع
مقابله شد

حضرت افنان شجره مبارکه جناب حاجی میرزا علی را تکبیر ابداع ابهی ابلاغ فرمائید
از عنایات خاصه جمال مبارک سائلیم که در جمیع شئون موفق باشند

هو الله

* ص 116 *

ش ورقه مبارکه والده جناب اقا میرزا علی افنان علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای ورقه طیبیه روحانیّه تا توانی بکمال قوت بسدره الهیه تمسک جو تا نسبت قدمیه و تعلق ابدی و تحقّق سرمدی حاصل گردد دست بدامن میثاق زن و از ربّ الاشراف طلب تأیید نما تا از تزلزل و اضطراب محفوظ مانی ع ع مقابله شد

۱۳۹ خط مبارک

بواسطه جناب آقاسید مهدی امة الله درخشنده علیها بهاء الله الابهی

هو الله

ای درخشنده بنور محبت الله تابنده باش و در گلشن معرفت الله سازنده و خواننده شو تا حلقه اماء رحمن را زینده گردی و بحیات ابدیه پاینده شوی و علیک البهاء الابهی عبدالهآء عباس

مقابله شد

۱۴۰ خط کاتب و امضاء مبارک

بواسطه جناب عندلیب علیه بهاء الله الابهی

هو الله ش جناب امیر آفاخان علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای امیر اقلیم اثیر زیرا بندگان استان نصرت یزدان امروز هر یک جهانگیرند

* ص 117 *

و امیر فلک اثیر فجر منیرند و نور بسیط و بحر محیط سلطنت جهان دارند و کام دل رانند سریرشان عرش برین و اکیلیشان پرتو تأیید ملکوت ربّ جلیل سراجشان وهّاج و تاجشان درخشان چون مه تابان پس ای امیر جهانگیر شو یعنی بقوه جنود حقایق و معانی هجوم بر سپاه چهل نما و قلاع حصون قلوب را مسخّر نما و سلطنت ملکوتی تأسیس کن که حکمش نافذ است و فیضش دائم و غمامش فائز و عرقش نابض و سیفش شاهر و کوکبش باهر و حکومتش قاهر فیا بشری لک من هذا الفضل العظیم ع ع مقابله شد ۱۴۱ خط مبارک

شیراز بواسطه محمد رضا میرزا رئیس پست جناب آقاخان علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده درگاه الهی نامه سابق و لاحق هر دو رسید ولی کثرت غوائل مانع از سرعت جواب شد دقیقه آرام ندارم از کثرت قرائت و کتابت جسم و چشم بینهایت زحمت میکشد لهذا معذور دارم حال مختصراً جواب مرقوم میشود که مطمئن باش که نهایت حب و تعلق بشما دارم و از الطاف الهی طلب تأیید و توفیق مینمایم بعد از صعود جناب عندلیب مناجاتی مرقوم گردید و ارسال شد البتّه رسیده در فکر آنم که مبلغی بآن صفحات ارسال دارم مطمئن باش مطمئن باش و علیک البهّاء الابهی

ع رجب ۱۳۳۸ حیفا عبدالبهّاء عبّاس مقابله شد

* ص 118 *

شیراز بواسطه شاهزاده محمد رضا میرزا علیه بهاءالله الابهی
جناب منصور آقاخان علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده حق نامه شما رسید و ملاحظه گردید الحمدلله در فکر و ذکر حقیق و آرزوی اعلاى کلمه الله و انتشار نجات الله مینمائید امیدم چنان است که تمام قوی مؤید گردید الیوم احبّای الهی باید بگفتار پر حلاوت و رفتار در نهایت تنزیه و تقدیس و رأفت بهدایت کبری پردازند لسان بلیغ بگشایند و روش بدیع نمایند تبلیغ باعمال اعظم از تبلیغ به اقوال است زیرا این سبب انتباه است و آن سبب انجذاب البتّه انجذاب فوق انتباه است اعمال و رفتار و اطوار حقیقت است و گفتار مجاز اگر این مجاز مطابق حقیقت باشد نار

محبّت الله شعله زند و آن نفس مؤید گردد و مانند نجم از افق حقیقت درخشنده شود
امیدوارم که جمیع یاران باین موهبت مؤید گردند در این اثنا حضور به این کشور نورانی
صعب و پر زحمت و مشقّت و از مسافری که مراجعت مینمایند مطلع خواهید شد بعد از
رفع این صعوبات جائز از الطاف رحمانی استدعا مینمایم که حسن خاتمه عنایت شود و
علیک البهآء الابهی

۱۳ صفر ۱۳۳۸ حیفاً مقابله شد

۱۴۳ خط کاتب و امضاء مبارک

امة الله ورقه مقبله همشیره و امة الله ورقه منجذبه قرینه از قبل عبدالبهاء
نهایت مهربانی ابلاغ دار الحمد لله
* ص 119 *

مومند و موقن و مشتعلند و منجذب و در محافل نساء ناطقند و مبتهل و علیهما
بهآء الله الابهی عبدالبهآء عباس مقابله شد

طهران جناب میرزا حاجی آقا علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای بنده الهی نامه شما رسید و از قرائتش اطلاع بر مضمون حاصل گردید محافل بسیار
مقبول ولی باید جمیع مجالس محافل تبلیغ باشد این تأیید دارد این سبب اعلاء کلمة الله
است و این سبب عزت امرالله محفلی که تو آراسته ئی چون محفل ذکر الهیست و تلاوت
آیات و مناجات و امید است که نفوس تبلیغ گردند لهذا این محفل محفل سرور و حبور
است بجناب آقامیرزا نبی خان و جناب میرزا علی خان تحیت ابدع ابهی برسان نامه ایشان
نرسیده ولی من جواب مختصر در همین نامه مینگارم زیرا علیم ابدآ دانایان تجویز تحریر
کلمه نمی نمایند زیرا این سفر بی پایان بنیان بدن را متزلزل نموده الان بقوه تأیید ملکوت
ابهی تحریر میشود نه بقوه عالم امکان بامه الله حدیقه خانم تحیت ابدع ابهی برسان و
علیک البهآء الابهی

عبدالبهآء عباس مقابله شد

۱۴۴ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالله

حضرت میرزا نبی خان و جناب آقامیرزا علی خان ای دو یار مهربان جمیع بندہ درگاہیم
لہذا پیوستہ ایم دل بستہ ایم لہذا ارتباط از جمیع جہات محکم گوئی باہنگ دل و جان
دھید مسرور گردید وقور گردید موهبت موفور یابید عبدالہیاء عباس
مقابلہ شد
این سه سطر خط مبارک
۲۷ ربیع

* ص 120 *

۲۷ ربیع ۱ بواسطہ جناب آقامیرزا علی اکبر میلانی جناب آقا میرزا علیخان
علیہ بہاء اللہ الایہی

هوالله

ایدوست حقیقی عبدالہیاء بہمت و خدمت و حسن سلوک و استقامت و حسن سیاست
ثابت و محقق فرمودی کہ دوست حقیقی عبدالہیائی و در عبودیت آستان مقدس سہیم و
شریک و در نہایت ثبوت و رسوخ جاہ و منصب را محض خدمت باستان احدیت خواهی و
عزت و ریاست را بچہت قیام عبودیت و حفظ و صیانت خلق جوئی شخص خیر خواه
بہائی باید چنین باشد و مقلان درگاہ ربانی را روش و سلوک موافقت بنور مبین لازمست
الحمدلہ تو بان مؤید و موقفی لہذا امید چنانست کہ در ملکوت ابہی روشن نمائی و در
جنت ابہی گلشن شوی و شاهد انجمن گردی و سبب راحت و آسایش دولت و ملت شوی
و علیک بہاء الایہی ع ع
مقابلہ شد
۱۴۵ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالله

ای یار قدیم نامہ کہ بجناب آقا سیداسد اللہ مرقوم نموده بودید ملاحظہ گردید
تفاصيل معلوم بوده و ہست امید چنانست کہ از شخص محترم معاونت در حق میرزا
احمد علیخان مظلوم حاصل گردد جمیع این فسادہا از صدرالہیاء بوده او ریشہ فساد و
فتنہ بود کہ شب و روز آرام نداشت و میکوشید تا ہر یار را بی یاور

* ص 121 *

نماید و هر مانوس را مایوس کند باری شما امیدوار باشید ایام سختی ایشان البتّه منتهی
گردد علیک البهَاء الابھی عبدالبهَاء عباس
مقابله شد
۱۴۶ خط کاتب و امضاء مبارک

بواسطه حضرت حیدر قیل علی مناجات طلب مغفرت بجهة ورقه متصاعده حرم جناب
میرزا
حاجی آقا علیه و علیهما البهَاء الابھی

هوائه

ربّ لك الحمد بما اشراق نیر الاحسان من افق العفو والغفران و اضاء و ازال ظلام
الذنوب و العصیان و تموج بحور عنایتک علی العباد و الاماء و هاج نسیم الطافک علی
اهل البهَاء ربّ ان امتک الصادقة قد ترکت الثیاب الرثیث و تقمصت بقمصی الصعود الی
ملکوتک العظیم ربّ اخلع عنها ثوب الخطاء و البسها رداء الفضل والعطاء و اجعل لها
مقعد صدق علیاً ربّ انها آمنت بک و بآیاتک و تمكنت من دلائک و بیناتک و سلك فی
سبیل هدایتک و وفدت علی باب عنایتک فاغرقها فی بحور عفوک و غفرانک و ظلل علیها
شجرة رحمانیتک و جرّعها من اقداح موهبتک و نور وجهها بنور فضلک حتی يتهلل وجهها
فی بحوحة الجنان و يتهلل لسانها بالثناء علیک فی جنة الرضوان انک انت الکریم انک انت
الرحمن الرحیم

مقابله شد
طهران

عبدالبهَاء عباس
۱۴۷ خط کاتب و امضاء مبارک

* ص 122 *

طهران بواسطه جناب میرزا حاجی آقا علیه بهَاء الله الابھی امة الله حرم میرزا
نبی خان امة الله حرم حاجی سلیمان کلیمی مرحوم امة الله عطیه خانم امة الله
حرم علیخان امة الله روحیه خانم امة الله قدسیه خانم علیهن بهَاء الله الابھی

هوالله

ای ورقات منجذبات جناب میرزا حاجی آقا خواهش نگارش نامه نمود که این ورقات مؤمنات انجمن اماء رحمن را زینتند و شمع‌های افروخته بنار محبت لهذا سزاوار خطابند و شایسته صدور کتاب باری من چون اسمای آن اماء رحمن را متتابع خواندم شکست خوردم فوراً بتحریر این نامه پرداختم تا مقصود دل و جان آنان حصول یابد و سبب سرور گردد ولی از صعود امة الله سلطنت محزونم و طلب عفو و غفران مینمایم که ای مهربان پروردگار این ورقه منجذبه را در ملکوت خویش بزرگواری نما و در دریای غفران غرق فرما و در زمره کنیزان نامدار محشور کن و از سلطنت ابدیه نصیب بخش زیرا در ایام حیات خدمات مألوف بوده بزحمات مشغول فی الحقیقه حق خدمت عظیمه دارد مورد عنایت جلیله فرما تویی بخشنده و آمرزنده و مهربان و علیکن البهآء الابهی
عبدالبهآء عباس مقابله شد

۱۴۸ خط کاتب و امضاء مبارک عباس

* ص 123 *

بواسطه جناب بینش

شیراز جناب استاد غلامرضای ارسنجانی علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای مؤمن ممتحن الحمد لله که آهنگ ملاء اعلی بگوش هوش رسید بیدار شدی شنوا گردیدی بینا شدی از این مصائب و بلایا که در سبیل جمال ابهی بان گرفتار شدی دلیل بر تقرب درگاه کبریاست چنانچه شاعر گفته هرکه در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش میدهند شکر کن خدا را که زهر را مانند شهد نوشیدی طوبی لک من هذا الفضل العظیم هر وقت ممکن شد که برفاهیت و راحت عزم کعبه مقصود نمائی مأذونی و علیک البهآء الابهی عبدالبهآء عباس مقابله شد

۱۴۹ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالابهی

جناب آقا غلامرضا ارسنجانی علیه بهآء الله الابهی

هوالله

يا ربّ السموات العلى انّ عبدك المبتلى فى سبيلك غلامرضا بطلب الرضا فى الصباح و المساء و لا يفتّر فى ذكر الاحباء عشيّاً و اشراقاً ربّ ثبت قدميه على امرک و استقمه على حبّک و اجعل له مقعد صدق عليا و عليه البهاء الابهى عبدالبهاء عباس
مقابله شد

بواسطه

۱۵۰ خط مبارک

* ص 124 *

بواسطه جناب زائر غلامرضا ارسنجانی جناب افنان حضرت عندليب آقاميرزا فضل الله خان ميرزا مصطفى خان فتحعلى خان شمس آبادی محسن خان شهریار وفادار جناب بينش آقامحمد حسن بلورفروش آقا سيد محمد صادق آقا قاسمعلی آقاميرزا محمد رضا آقا محمد جناب ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب ميرزا ابوالحسن نيريزی جناب نورالله سعدي جناب آقاميرزا رحيم جناب آقا ميرزا محمود عطار استاد على كلاه مال جناب محمد رضا خان بواناتی جناب ميرزا عباس بواناتی احبای فاروق و شمس آباد و مرودشت و سروستان و شیراز عليهم بهاء الله الابهى

هوالله

ياران مهربانا جناب آقاغلامرضا وارد و بر علو منزلت و سمو منقبت دوستان شاهد و استدعای نگارش این نميغه مينمايد گفتم که از قلم ميثاق خطاب بآن اهل وفاق مکرر صادر ولی او غير قانع که من در سبيل الهی چوب زياد ميل فرمودم و مورد توهين و تحقير گشته‌ام و بلای شديد ديده‌ام لهذا این نامه درمان من است و شیر و شهد من است و شعف و سرور من است و مرهم جرح موفور من من نیز بکمال فرح و شادمانی بتحریر این نامه بمهربانی پرداختم که الحمدلله احبای فارس فارس میدانند و پر روح و ریحان در امر جمال قدیم و مستقیمند و در وجد

* ص 125 *

و طرب مقيم و مستديم اعلاء کلمه تغريد خواهند نشر آیات توحيد جویند لهذا احساس اهتزاز جديد از شیراز ميشود و امید آنست که از آن کشور مبارک شهناز کلمه الله بآفاق رسد زیرا مثبت شجره مبارکه است ای ياران مهربان جميع بساطهای وسيع عنقرب منطوی گردد و انبساط شديد بماتم و اندوه تبديل شود مگر بساط الهی و انبساط رحمانی لهذا هر چیز موقت ابداً اهميت ندارد ولو در نهايت جمال جلوه نماید بلکه فيض

ابدی و فوز سرمدی اهمیت دارد پس بکوشید تا آفرینش را آرایش گردید و جهان را سبب
 آسایش اینست موهبت کبری اینست رحمت عظمی اینست الطاف بی‌منتها ربّ ان هؤلأء
 الاحبأ من اخص الاصغیا و احبّ النقبأء النجبا قد اقبلوا الى الافق الابهی و قاموا على
 الحمد والثناء لقوة تحیرت منه اولی النهی باسطين اکف الضراعة و الابتهاال متذللین و
 منکسرین الى العتبة العلیآء و متوقدین بنار محبتک بین الوری ربّ اجعلهم آیاتک الکبری و
 رایاتک الشاهرة فی الذروة العلیا و جنودأ مجندأ لحصن الميثاق و جيشأ عرمرمأ لمعقل
 العهد و الوفاء یرمون اهل النفاق بسهام الاستقامة الکبری و یردون اهل الشقاق بسیاط
 الثبوت و الرسوخ على الملاء انک انت المقتدر المؤید الموفق العزیز الکريم

۱۰ ربیع الاول ۱۳۳۸

مقابله شد

حیفا عبدالبهآء عبّاس

۱۵۱ خط کاتب و امضاء مبارک

* ص 126 *

ص جناب هاشم لنجانی صهر مرحوم متصاعد بملکوت ابهی آقا شیخ سلمان علیه
 بهآء الله الابهی

هوالله

ای شاعر فصیح و بلیغ قصیده ملاحظه گردید فی الحقیقه اگر خواهی مذاق عبدالبهآء
 شیرین گردد و روحش فرح خلد برین یابد قصیده انشا نما و بنظم آور که سراپا عبودیت و
 محویت و تذلل و انکسار و نابودی و نیستی و خاکساری و فناى عبدالبهآء باشد و الا قسم
 بجمال قدم روحی لتراب اقدام احبائه الغدا هیچ مدح و ثنائی در کامم شیرین نیست و
 مخالف عقائد دینیہ این عبد است بلکه محزون میشوم باری بزودی غزلی باین مضمون
 انشا نما و بفرست تا جانم شادمان گردد و روحم باهتزاز آید ع
 مقابله شد

۱۵۲ خط مبارک

هوالابهی

جناب میرزا هاشم علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ای متوجه بمنظر اکبر آنچه مرقوم نموده بودی قرائت شد در انجمن یاران الهی ذکر
مذکور و احوال و اشتعال مشهور گشت از لطف عظیم محبوب کریم منتظریم که باشراق
انوار
* ص 127 *

شمس عنایت رویت روشن گردد و دل و جانت چون گلزار و چمن شود در ظل کلمه
جامعه توحید که آثار قدرت ربّانیه است بهر مرادی واصل شوی و در تمسک بشریعة الله
القاهره بهر مقصدی نائل گردی عون الهی مؤید احبای رحمانیست و فیض غیر متناهی
ناصر یاران حقیقی والبهاء علیک ع ع مقابله شد ۱۵۳ خط مبارک

هوالله

جناب میرزا هاشم لنجانی علیه بهاء الله الابهی

هوالبهی

ای بنده الهی جناب شیخ رحمانی با کمال ناتوانی مسافات بعیده را قطع نموده و
رحمات و مشقات سفر را تحمل کرده تا آنکه بشاطی ساحل ارض مقدسه وارد گشت و
بتراب آستان روضه مقدسه بقعه مبارکه مشام را معطر نمود و چون این عبد بر عبودیت
درگاه احدیت قیام کرد حال متوکلا علی الله مراجعت مینماید قدر این پیر مرد را بدانید و
چون پروانه دور او بگردید فی الحقیقه زحمت کشیده است قصیده مرسوله ملاحظه
گردید بلیغ و فصیح بود ولی اگر کام مرا شیرین خواهی و مذاقم را شکرین قصیده در
عبودیت این عبد و فقر و فنیای بخت این رفیق باستان مقدس انشا کن تا روح مهتر گردد و
جانم روح و ریحان یابد
* ص 128 *

دیده روشن گردد و صحن خاطر گلشن نسیم جانبخش بوزد و نفعه روح پرور منتشر
شود قسم بان روی و خوی جمال قدم که هیچ وصفی جز عبدالبهاء نخواهم و هیچ
نعنی جز رفیق البهائ نجویم

خاک آستانم و ادنی پاسبان باین مفتخر و متباهیم و مشتهر و متناهی پس ای دوست
زبان بعبودیت محض این عبد درگاه جمال ابهی یک قصیده بساز و باهنگ چنگ و دف
ملکوت ابهی بنواز ع ع مقابله شد ۱۵۴ خط مبارک

بواسطه جناب میرزا آقا عنایت الله علیه بهاء الله الابهی جناب میرزا هاشم
صهر پیک رحمانی آقا شیخ سلمان علیه بهاء الله الابهی
۱۵۰ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالله

ای بنده حق نامه شما رسید و از صعود حضرت اخوان صفا نهایت تأثر حاصل گردید زیرا
آن روح مجرد ایام خویش را وقف نجات الله نمود دمی آرام نگرفت نفسی راحت نیافت
خدمات فائقه از او صدور یافت لهذا ذکری مفصل از ایشان شد و زیارتی مکمل از برای
سلطان الشهداء و محبوب الشهداء و جناب وزیر و حضرت اخوان صفا مرقوم گردید و
ارسال نزد خوانین شد ترجمه حال ایشان که بقلم خود در روزنامه خودشان نگاشته‌اند
ارسال دارید از الطاف الهی امیدوارم که والد ماجد و والده محترمه شما را غریق بحر
عفو و غفران
* ص 129 *

فرماید بجناب حاجی عبدالغفار تحیت برسانید و بگوئید عبدالههآ فرصت تحریر یک سطر
ندارد با وجود این چگونه بتفسیر آیات پردازد مختصر اینست که مدلول آیه مبارکه انست که
نار جهیم بشره را یعنی روی را دگرگون مینماید تر و تازگی نمیکارد سوخته و بد رنگ
مینماید یعنی نیران اعراض و انکار روی انسان را میسوزاند و تعرف المجرمون بسیماهم
میگردد لطافت و بشاشت و نظارت و نور ایمان نمیکارد چنانچه در آیه دیگر میفرماید و
وجوه علیها عبرة ترهقها قتره میفرماید در یوم قیامت بر بعضی وجوه غبار می نشیند و
موکلین این نار که نفوس مستحقه را در آتش اندازند در یوم قیامت کبری ۱۹ نفر ملائکه
عذابند و عده این نوزده ملائکه عذاب نظیر عده ملائکه رحمتند و خازن جنت رضوان که
حروف حیند بجناب حاجی میرزا حسین و ملا رمضان نهایت محبت و مهربانی از قبل من
ابلاغ دار و اما تاریخ حضرت پیک رحمانی حالات او را در اصفهان و در شیراز تحقیق بنما
که چه روشی و سلوکی داشت و از کجا بود و در چه زمان مؤمن و موقن گشت و در چه
سال پیک رحمانی شد و مدت حیات چگونه قاصد امین بود این تفصیل را تحقیق بنما بعد
بنویس اما خیلی دقت کن که حشو و زوائد نداشته باشد از الطاف الهی میجویم که
بازماندگان حضرت شیخ را مورد الطاف بی پایان نماید و اما اعضای محفل روحانی باید
بانتخاب تعیین شود احباً هر کسی را که موافق می بیند انتخاب نمایند خواه
* ص 130 *

پیر یا جوان خواه توانگر و خواه بیسر و سامان والسلام علیکم بهآء الابهی
عبدالبهآء عباس ۲ آب ۱۹۱۹

ای صهر حضرت پیک ابدأ فرصت یک کلمه تحریر ندارم با وجود این نامه مفصل مرقوم
شد وفاء عبدالبهآء عباس
این یک سطر خط مبارکست مقابله شد

بواسطه محفل روحانی اصفهان و جناب آقامیزهاشم علیه بهآءالله
قریه چادگان فریدن جناب حسینعلی خان سرهنگ جناب بهاقلیخان با اولاد امجاد الله
قلیخان و محمد قلیخان جناب ارباب بهمن فارسی قریه پوده سیمرم جناب میر علی
محمد خان قریه طالخونچه جناب میرزا عبدالکریم جناب احمد آقای معلم جناب میرزا
ابراهیم خان قریه نادگان فریدن جناب لهراسب خان قریه خونسار جناب مظفرخان
قریه چال چهار محال جناب حیدرقلی خان گلپایگان جناب مصطفی خان قریه قمشه دائی
غلامرضا آقا یدالله آقا حسین محمد علی استاد ابراهیم درویش خداداد قریه اسفرجان
کربلای هاشم درویش عوض قریه هوسنجان غلامحسین امة الله فاطمه جناب طاهر
امة الله روحانیه قریه قشقائی جناب سروعلی جناب نوروزعلی قریه قمبون سیمرم
جناب نایب رضاقلی جناب میرزا اسحق جناب عباسقلی سلطان قریه شریف آباد لنجان
سید نورالدین سید جلال سید علی کربلای مرتضی سید مصطفی سید عبدالحمید
کربلای خلیل سید ابوالقاسم
* ص 131 *

قریه ده نوسمیرم سلطان باقر کربلای حسین حاجی آقا نایب عبدالله قریه ریز
درویش حسن درویش نوران محمد جواد محمد رحیم قریه لنجان آقاسید غفور آقا
سید مصطفی سید جواد استاد عباسقلی کربلای کریم مهدیقلی جناب آقا سید
عبدالغنی برات علی کربلای عبدالوهاب آقا سید عبدالباقی قریه چال جناب قلیخان
قریه چم گردان جناب اسدالله کدخدا جناب نعمت الله جناب حاجی اسمعیل جناب
مشهدی علی محمد جناب حیدرعلی جلیل آقا قریه کله سفلی مشهدی هاشم قریه باغ
بادران سید مجتبی قریه بن جناب میرزا باقر حکیم قریه سعید آباد لنجان جناب حاجی
میرزا محمود جناب میرزا رضا جناب آقا محمد جناب میرزا مرتضی جناب ملاحسنعلی
کرچکانی قریه سامان جناب نیسان جناب اسکندر قریه چادگان جناب سید هادی جناب
میرزا محمد علی منشی جناب محمد امین اجودان جناب محمد قلیخان غلامرضا مشهدی
محمد جناب الله قلیخان جناب قلیخان محمد باقر دم کمری میرزا ابوالفتح منشی جناب

لهراسب نادکانی جناب میرزا محمود صدر جناب جلال خان جناب استاد باقر بنا
 غلامرضای فروشانی خانہ میرزا بختیاری جناب اسکندر خان ضیغم الدولہ جناب میرزا
 جعفر منشی جناب مهدیقلی اردلی مشہدی آباد علوی حاجی عباس سلیمان نجف آباد
 علی ولد حسن میرزا نصراللہ استاد عبد الخالق عنایة اللہ و سایر احباً قرہ قلعه سفید
 جناب میرزا امراللہ
 * ص 132 *

میرزا امراللہ جناب شیخ جواد یزدی جناب آقامحمد یزدی قرہ بروجن چہارمحل جناب
 میرزا مهدی خان جناب میرزا محمود خان جناب حاجی میرزا میرزا خلیل منشی خداکرم
 میرزا علی اکبر میرزا محمود جناب محمد حسین ارباب شیرلدنی و جناب اسفندیار علیہم
 بہاء اللہ الابھی

ہوائے

الہی الہی لک الحمد بما رفعت رایۃ فردانیتک و اربت الکل آیۃ رحمانیتک و ہدیت ہؤلاء
 النفوس الی الماء المعین و عین التسنیم فی ریاض ربانیتک رب لک الشکر بما نورت
 الابصار و الہمت الاسرار و اسمعت الآذان و القیت کلمۃ الہدی علی قلوب الابرار فاقبلوا
 الیک بصدر مشروح و قلب مجذوب و روح مستغرق فی بحار رحمتک و نفوس مستبشرة
 بآیات وحدانیتک رب ثبت اقدامہم علی هذا الصراط و قو قلوبہم باسرار الکلمات و ایدہم
 بجنود لم یروہا فی نشرالنفحات و احرسہم و احفظہم من السکرات و اجعل لہم سبیلاً
 قویماً ممدوداً الی ملکوت السموات انک انت العظیم انک انت الرحمن الرحیم ای یاران
 مہربان عبدالہیاء چندی بود چون باد بادبہ پیما بودم و آوارہ کوه و صحرا و دریا ہیچ
 صبحی آرام نیافتم و ہیچ شبی سر و سامان نجستم محرم ہر محفلی شدم و در ہر
 * ص 133 *

مجمعی در آدم و در ہر انجمنی فریاد نمودم و بملکوت ابھی بشارت دادم تا کوران بینا
 گردند و کران شنوا شوند ذیلان عزیز گردند گمراہان پی بدلیل برند بینوایان بانوا شوند
 محرومان محرم راز گردند غریبان شرفیان شوند و نومیدان امیدوار گردند سہ سالست کہ
 دقیقہ ئی آرام ندارم الحمد لله بفضل و عنایت جمال مبارک افواج تأیید مانند امواج پی در
 پی رسید و جنود ملاء اعلیٰ نصرت نمود صیت امراللہ بجمیع مسامع رسید و ذکر الہی در
 جمیع مجامع انتشار یافت ید غیبی و قوہ معنوی تخمی پاک در آن کشتزار افشاند و
 سحاب رحمت الہی امطار نیسانی مبدول داشت و شمس حقیقت ضیاء حرارت بخشید
 حال عبدالہیاء در نہایت خاکساری جبین بر زمین نہادہ تضرع و زاری مینماید کہ آن کشت

الهی بعون و عنایت دهقان آسمانی بسرعت انبات گردد و آثار باهره‌اش آفاق را احاطه کند سبحان الله اهل باختر با وجود دوری بیدار گشتند و بیانان ایران هنوز بخواب غفلت گرفتار آنان فریاد یا بهاء‌الابهی زندد ایرانیان و بزرگان ایشان این الملاذ و این المناص برآوردند شمس حقیقت از افق ایران طالع شد ولی ایرانیان در جستجوی چراغی هستند ابر نیسان بر ایران فیضان نمود ولی ایرانیان در پی قطره ئی دوان این چه بلاهت است این چه بلادتست اهالی غرب چون نام شرق برند سجده نمایند ولی شرقیان را نهایت آمال که قدمی در راه غریبان نهند و پیروی آنان کنند تا ترقی نمایند کشور

* ص 134 *

مطمور معمور گردد ملت مندرسه تازگی و وجود یابد هیئات هیئات این درختان کهن پوسیده دیگر ثمری نبخشند بلکه این نهالان بیهمال تر و تازه ایران عنقریب در جویبار حقیقت نشو و نما نمایند و گل و شکوفه فرمایند و برگ و بار دهند و برائحه طیبه الهیه جهان را معطر نمایند و مشام اهل غرب را معنیر کنند زیرا سلطان گل در گلشن ایران رخ برافروخت و رسم تاجگذاری در گلزار پاریس اجری فرمود اول بلبان ایران آشفته آن گل شکفته گشتند و آهنگ ملا اعلی بلند نمودند و جانفشانی کردند و بقربانگاه عشق الهی شتافتند از فیض عظیم ربّ جلیل امید چنانست که آن مبارکه در ارض صاد و حوالی آن چنان حرکتی مردانه و جنبشی فرزانه بکمال حکمت در خدمت امرالله نمایند که جمیع آفاق آن کشور منور گردد بیازماندگان بیک رحمانی

حضرت سلمان الهی معاونت و نگهداری لازم و علیکم البهآء‌الابهی عبدالبهآء عباس
مقابله شد ۱۵۶ خط کاتب و امضاء مبارک

هو الله

بواسطه مریم سلطان صبیّه بیک رحمانی شیخ سلمان امه الله فاطمه سلطان امه الله
حبیبه سلطان امه الله فاطمه امه الله نور جهان بگم امه الله عمه
امه الله گوهر سلطان امه الله خدیجه سلطان امه الله مریم بگم امه الله
ربابه سلطان امه الله ام لیلی امه الله عطیه خانم علیهن
بهاء الله الابهی

* ص 135 *

هو الله

ای اماء رحمن شکر کنید خدا را که در چنین عصر میمنت حصری بعرضه وجود قدم نهادید و در مهد وجود پرورش یافتید که آفتاب انور قرون و اعصار است الطاف بیابان انوار فیض عیان نور احدیت نمایان پس تا توانید در محافل ذکر بتسییح و تقدیس حضرت یزدان زبان و لسان بیارائید و علیکن التحیه و الثناء ع ع مقابله شد
۱۵۷ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و از مضمون فوت مرحوم ضیاء معلوم گردید سبب تأسف و احزان گشت ولی حرم مرحوم شیخ و امة الله مریم سلطان را از قبل من تحیت محترمانه برسان و بگو در این ایام اگر نفسی ثابت و راسخ بر پیمان از این جهان بجهان دیگر شتابد اعظم موهبت الهیه است زیرا امتحان و افتتان بسیار حسن خاتمه فاتحه الالطاف است لهذا شما محزون مباشید بلکه دل بالطاف الهی بریندید و از فیوض نامتناهی عفو و غفران بخواهید من نیز بنهایت تضرع و خشوع قلب آمرزش از برای ضیا نمایم مطمئن بعنایت الهی باشید جزع و فزع نکنید انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب و جناب آقا محمد جواد

* ص 136 *

و آقا محمد رحیم را از قبل این مشتاق تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید از صدماتی که در سیل الهی کشیده‌اند بسیار متأثرم ولی ایشان را اگر دومرتبه اخراج کردن ما را چهار مرتبه سرگون کردن تاسی بجمال مبارک نموده‌اید این مورد شکرانه است که بچنین فیض رحمانی و موهبت آسمانی موفق شده‌اید و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد
۱۵۸ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

اصفهان بواسطه آقاهاشم لنجانی جناب سید محمد جواد جناب فتح الله جناب صادق جناب جلال جناب سیدهاشم جناب محمدعلی ن جناب عطا جناب سید اسدالله جناب سید زین العابدین جناب علی نقی خان جناب جعفر جناب علی خان جناب سید تقی جناب یعقوب بغدادی جناب علی اکبرخان ف جناب داراب جناب عبدالله ایضاً جناب عبدالله خان جناب مشهدی جعفر ن جناب محمد جواد جناب ابوالقاسم جناب

سید محمد جناب سیف جناب عبدالحسین جناب تحویلدار جناب محمد چاپار جناب
یوسف جناب مصطفی جناب سید مهدی جناب حاجی حید ن جناب حاجی کلبعلی ن
جناب اسدالله ن جناب استاد مهدی علیهم بهاءالله الابهی
* ص 137 *

هو الله

ای یاران الهی هر چند نامه های متعدده در این مدت مدیده باحبابی قدیمه و جدیده
نگاشته شد ولی نامه تازه وارد و اسماء آن سروران کشور محبت الله در آن مذکور از
قرائت آن اسماء حالتی دست داد که زمام از دست رفت بی اختیار بذکر ابرار مشغول
شدم تا شوق و شغف این قلب پرتوی بر جهان دل و جان آزادگان زند و شرق و غرب
روشن گردد اگر بدانید که بچه شور و شغفی الان باملای این نامه پرداختم البته از وجد و
طرب در قمیص حسد ننگجید ارواح بیرواز آید جانها همدم راز گردد و دلها بسرور ابدی
دمساز شود این نیست مگر از فضل و احسان حضرت یزدان و علیکم التحیه و الثناء الهی
الهی اید هولاء العباد علی رفع رایة الميثاق و اعلاء کلمتک فی الآفاق و اغفر یا ربی
الجلیل لعبدک عباسعلی من اهل ریز لنجان الذی شرب کأس البأساء و الضراء فی
سیلک و ابتلی باضطهاد المبغضین من اعدائک و جرعه کأس العذاب و زجره اشد
العقاب حتی عرج الیک و وقد ببابک مبتهلاً الیک ساجداً بین یدیک رب انزلهُ نُزْلاً مبارکاً و
قدر له کل خیر فی ملکوتک الاعلی انک انت الکریم المقدر الوهاب ع ع
مقابله شد

۱۵۹ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک هو الله

* ص 138 *

بواسطه جناب آقامیرزا جلال و جناب میرزاهاشم صهر پیک رحمانی جناب حاجی
میرزا صادق جناب میرزامحمد علی جناب میرزا عبدالحسین محرر جناب
میرزا عبدالحسین اردستانی جناب سیف الذاکرین جناب میرزا فتح الله خان جناب
میرزا عبدالله خان جناب غلامحسین میرزا جناب آقاسید برکات جناب میرزا عطا جناب
میرزا عبدالله خان مشرف جناب میرزامحمد خان نایی جناب استاد ابوالقاسم
جناب میرزا جعفر جناب میرزا باقر خان جناب سید اسدالله جناب سیدهاشم جناب آقاسید
هادی جناب میرزا عبدالحسین جناب محمد جواد جناب آقاسید مهدی جناب آقا سید
اسمعیل خیاط جناب امین الله جناب ضیاء الله جناب میرزا اسدالله جناب آقامحمد مهدی
علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

أيها المقربون أيها المنجذبون أيها المشتعلون بنار محبة الله في هذا اليوم المشهود الحمد لله بعون و صون و عنایت حضرت احدیت ارض صاد بنفحات قدس آباد شد بعد از سکون بحرکت آمد و بعد از خمود شعله برافروخت بهشت برین گشت و جلوه گاه صورعالمین احباً هر يك حياتي تازه یافتند و اصغیا بمیدان فدا شتافتند آهنگ تقدیس مرتفع شد و انوار توحید لامع گشت

* ص 139 *

مطرب الهی با چنگ و دف و نی نغمه هی هی چنان بناوخت که هیاکل روحانی را بوجد و طرب انداخت نسیم ارض صاد مشکبار است و رائحه محبت الله از آن گلشن منتشر در این دیار شکر کنید خدا را که در چنین عصری موفّق و مؤید گردیدید حقاً که یاران و فائید و سزاوار فدا عنقریب چنان ولوله ئی در آفاق افتد که نور اشراق از قلوب عشاق بدمد و ناقوس آفاق فریاد یا بهاءالابهی برآرد و کوس شرق و غرب نغمه یا ربی الاعلی بگوید جهان جهان دیگر گردد و کیهان کیهان دیگر شود روی زمین بهشت برین گردد و توده غیرا جنت ابهی شود و رایت یا بهاءالابهی بلند گردد از جمیع آفاق نغمه یا بشری بعنان آسمان رسد و از شرق و غرب بانگ یا طوبی برخیزد هنالك یفرح المؤمنون و یحزن الخاسرون تبيض وجوه و تسود وجوه ان هذا الحق معلوم و وعد غیر مکذوب و علیکم التحية و التناء

۱۶۰ خط کاتب و امضا و مهر

مقابلہ شد

ع ع

مبارک

اصفهان جناب میرزا هاشم صهر حضرت شیخ بزرگوار علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه شما وصول یافت و جزع و فزع از فراق معلوم گردید این ناله و فغان از جمیع آفاق بلند است ولی عبدالههء باقلیم یوسف کنعان سفر نموده انشاءالله

بعد

* ص 140 *

از رجوع این آرزو حصول خواهد یافت از خیر التهاب نار محبت الله در آن صفحات نهایت روح و ریجان حاصل گردید امیدوارم که همواره بتأییدات الهیه بنشر نفحات رحمانیه و اعلاء کلمه ربانیه مشغول و مألوف باشند و علیک البهءالابهی ع ع

۱۶۱ خط کاتب و امضاء مبارک

مقابلہ شد

نجف آباد بواسطه اقامیرزاهاشم محمد جعفر صباغ قنبر علی حاجی آخوند شهید
حاجی عبدالکریم آقاعلی حسن محمد آقاعلی مشهدی رضا اقامیرزا ولد مشهدی
جعفر اقامیرزا آقا بگم خانم واعظه عیال مرحوم کربلانی محمد علی ریزی گوهر بگم
منور خانم مریم سلطان ربابه سلطان خانم کوچک عیال مرحوم آقامحمدحسن شهید

هوالله

ای یاران روحانی و اماء رحمان این خاکدان فانی جفدان نادان را سزاوار و این گلخن
ظلمانی طیور ترابی را لایق بلبل معانی را آشیان گلشن الهی است و مرغان اوج عزت
را لانه و مکان ملکوت رحمانی بیخردان چون نظر بالآیش این عالم فانی نمایند گمان
آسایش کنند و در آزمایش افتند منجذب ظل و سایه گردند و از ذی ظل غافل مانند زیرا
جهان ناسوت ظل زائل ملکوتست و عالم ارضی اثری از عالم آسمانی سبحان الله شیفته
قطره گردند و از دریای محیط بی بهره شوند و مشتاق ذره گردند و از شمس حقیقت
بی نصیب مانند دل

* ص 141 *

بحیة دنیوی بندند و از زندگانی سرمدی بگذرند و از جهان جان و دل غافل مانند وصایا و
تعالیم الهیه انسان را از شئون فانیه بیزار کند و از جهان تاریک و تنگ فرار دهد و بعالم
انوار رساند ملاحظه در جمیع طوائف و ملل و قبائل و دول نمائید که کل مانند موران در
تحت اطلاق تراب لانه و آشیانه نمایند و آذوقه نی اندوخته کنند بارانی آید و سیلی برخیزد
و خانه و لانه و آشیانه و آذوقه جمیع را از میدان برد و محو و نابود کند اینست مثل اهل
دنیا چنانکه واضح و آشکار مشاهده مینمائید ملاحظه در ایران و مجلسیان نمائید که در
مدتی قلیله چه طوفانی و چه انقلابی ظاهر و عیان شد با وجود این باز غافلان و
جاهلان و بیخردان دل باین دنیا بندند و بفکر کم و بیش افتند از اقبال بوجد و طرب آیند و
از ادبار محزون و دلخون شوند الا انهم فی خسران مبین پس عاشقان جمال رحمن و
مشتاقان انوار طلعت یزدان را لایق و سزاوار چنانست که در جمیع شئون از این خلق
ممتاز باشند و محرم راز و نیاز

گردند جمیع کائنات را بظل خویش آرند در جهان دیگر پرواز کنند و در عالمی دیگر سیر و
تماشا نمایند آیات هدی گردند و رایات ملأعلی شوند مرغان چمنستان حقیقت گردند و
در گلستان وحدتیت و احدیت بابدع الحان بتسییح و تقدیس حیّ توانا پردازند و علیکم

* ص 142 *

بواسطه جناب آقاميرزا هاشم اصفهان جناب ميرزا مسيح خ جناب روخانوس جناب
على اكبر جناب عباسقلى جناب ميرزا عبدالحسين جناب ميرزا على جناب ميرزا عطاالله
عليهم بهآء الابهى

هوالله

اى ياران من از خداوند ذوالمنن چنين آرزو نمايم و عجز و زارى كنم و ناله و
بيقرارى نمايم كه آن نفوس مباركه را موفق برضاى مبارك نمايد و آنچه سبب سرور
معنوى و فرح الهيست فائز فرمايد هر يك را در افق هستى ستاره روشنى كند و هر
كدام را در اين جنت ابهى درخت بارورى نمايد و شكوفه و قمرى بخشد رشحات سبح
عنايت الحمدلله رياض قلوب را شبنم است و فيض ابدى حضرت احديت مانند طمطام و
يم چون چنين است عاقبت موهبت نور ميبين است در آغاز هر چند زحمت و مشقت و آزار
است و سهام كين كمان نفوس بى دين در پرواز اما انجام ايام سرور و حبور است بلكه
نورعلى نور است اگر چنانچه ملاحظه نماييد در اين اوقات افق وجود بغمامى تاريخ
پنهان و مستور است بيقين بدانيد كه عنقریب مشرق نورانى از اين ابرهاى كئيف ظلمانى
پاك گردد و چنان صفا و لطافت و روشنائى بنمايد كه آفاق نورانى گردد پس احزان و
كدورت را بكنار نهيد و بمسرت و بشارت

* ص 143 *

موانس و همدم شويد و عليكم التحية والثناء ع ع مقابله شد

۱۶۳ خط كاتب و امضاء و مهر مبارك

اصفهان بواسطه جناب خان و ميرزا هاشم منسوب سلمان قميشه ميرزا عبدامجيد خان
ميرزا رحمت الله خان ميرزا محمود ده كردى شريف آباد جناب سيد ابوالقاسم جناب
سيد خليل جناب سيد احمد جناب سيد محمود جناب سيد على جناب سيد مصطفى
جناب سيد ابراهيم جناب سيد جواد جناب سيد عبدالوهاب جناب سيد اسدالله جناب سيد
ميرزا جناب سيد نورالدين جناب كريلائى مرتضى جناب كريلائى عبدالخالق جناب

کربلائى عبدالخليل جناب مشهدى صادق جناب مشهدى عباس حڪيم جناب استاد حسين
 جناب آقاعلى جناب ميرزا احمد
 سده جناب سيد عبدالغنى جناب كربلائى عبدالوهاب جناب ميرزا براتعلى جناب جلال
 آقا جناب امين الله جناب حيدر على جناب اسماعيل جناب غلامحسين اماء رحمن
 شيرين جان فاطمه بگم كوكب بگم خاتون جان ام ليلى فاطمه سلطان سكينه سلطان
 بگم خانم

هوالله

سبحانك اللهم يا الهى انك لتعلم ذلى و افتقارى و ترى اضطرامى و اضطرارى و تسمع
 حنينى و انينى
 * ص 144 *

و ضجيجى و نياحى انى ابتهل الى عتبتك العالیه و ساحتہ قدسك الساميه و اتدلل بكل
 ذل و انكسار الى ملكوت الاسرار و ادعو ليتوقفوا على الخدمة بين الاحرار و ياووا الى
 كهف حمايتك من الاشرار رب انهم اسراء فى ايدى الاغيار يصوبون اليهم سهام الضر
 بكل استكبار و يشرعون عليهم الاسنة و يطلقون عليهم الاعنة و لا يخشون باسك و لا
 يخافون نعمتك هولاء الاوغاد الادغال رب ارحم احبتك و احفظ صفوتك فى حصن
 حمايتك و معاقل حفظك و كلاتك و افتح على وجوههم ابواب رحمتك و اشرح
 صدورهم بايات موهبتك و انزل عليهم بركة من عندك انك انت الكريم انك انت العظيم و
 انك انت الرحمن الرحيم ع ع
 مقابله شد

۱۶۴ خط كاتب و امضاء مبارك

هوالله

خولنجان لنجان جناب آقاسيد مرتضى جناب عباسقلى جناب مشهدى حيدر جناب
 آقاسيد على جناب ميرزا محمد على جناب آقا سيد ابراهيم جناب آقا سيد ميرزا جناب
 ميرزا محمد جناب عبدالمطلب جناب آقا سيد مهدي جناب آقا سيد هادى عليهم بهاءالله
 الابهى
 سده لنجان جناب آقا سيد عبدالغنى جناب آقا سيد بركات جناب كربلائى

عبدالوهاب جناب میرزا براتعلی جناب محمد باقر جناب مشهدی اسمعیل جناب
عبدالرحیم علیهم بهاءالله الابهی چم کردان لنجان جناب آقا محمد مهدی جناب آقا
عباسقلی
* ص 145 *

جناب آقا مشهدی حسن جناب نوروز جناب حاجی محمد علیهم بهاءالله الابهی ریز
لنجان جناب جواد جناب محمد رحیم جناب درویش عبدالله جناب درویش حسینعلی
جناب میرزا سید محمد جناب کربلانی فتح الله علیهم بهاءالله الابهی جناب سلطان باقر
دهنوی جناب میرزا عبدالمنظر تالخنوچه جناب حسینعلی کرچکانی علیهم بهاءالله الابهی
ص جناب ضیاءالله جناب هدایت الله جناب آوانس عکاسی جناب آوانی من اهل جلفا
جناب آقا سید اسمعیل خیاط جناب میرزا آقا جناب عبدالحسین جناب میرزا عبدالجواد
معلم علیهم بهاءالله الابهی

هو الابهی

ای احبای الهی و یاران عبدالبهاء جناب هاشم تحریری با فصاحت تقریر و ابداع تعبیر
ارسال نمودند و چون گشودم کتاب ابرار بود اسماً احرار و اخبار در آن مذکور از قرائت آن
نهایت روح و ریحان حاصل گشت زیرا نقشه بود که از کتاب علین حکایت میکرد چه
اسماء مغربین در آن مسطور و در ختام نامه خواهش نگارش مکاتیب بجهت آن یاران
الهی نموده بود مشاغل ذهنیه و شواغل عظیمه و امور متفرقه و ورود اوراق غیر متناهی
از شرق و غرب مانع و حایل که بهر یک از یاران منفرداً مرقوم گردد لذا مجبوراً مجتمعاً
مرقوم میشود ای یاران روحانی عبدالبهاء الحمدلله
* ص 146 *

الحمدلله کل در ملکوت ابهی و ساحت کبریا مذکورید و در انجمن عالم بالا معروف و
مشهور و در قلب این مستغرق بحر فنا موجود هر یک از ملکوت غیب منشوری از فیض
در قلب و طغرائی از موهبت کبری در صدر پرتو عنایت بر سر دارید و خلعت هدایت در بر
مورد لطف پی پایانید و مهبط ملائکه رحمت بیکران نظر عنایت شامل است و فیض
حضرت احدیت کامل بشکرانه این نعم جلیله و الطاف خفیه همواره بترتیل آیات توحید
پردازید و بابدع الحان ترانه عاشقانه بنوازید و فریادی مشتاقانه بر آرید از بلاء و محن
ملول نگردید و از شماتت اغیار اشکبار نشوید زیرا در سبیل محبت جمال ابهی بلاء رحمت
کبری است و جفا موهبت عظمی تالان و تاراج تاج و خراج است و زندان و زنجیر ایوان و

سربر فلک اثر سهم و سنان مرهم دل و جان است و سم قاتل دریاق و درمان عاشق
مجازی گفته

هیچ صبحم خفته یا خندان نیافت هیچ شامم با سر و سامان نیافت
گر در آتش رفت باید چون خلیل ورچه یحیی میکنی خونم سیل
ورچه یوسف چاه زندانم کنی ور ز فقرم عیسی مریم کنی
سر نگردانم نگردم از تو من بهر فرمان تو دارم جان و سر

این صفت عاشقان و سمت مشتاقان است باری امید از فیض الهی و موهبت ربانیه چنین
است که از شدائد بلاباء و اعظم رزایاء نار محبة الله در قلوب افروخته گردد و انوار
حقیقت روشن تر شود جهان جلوه گاه وفای روحانیان شود و هر یک جان و دل بکف
گیریم و نثار راه مهربان
* ص 147 *

نمائیم و علیکم التحية والثناء ع ع مقابله شد ۱۶۵ خط کاتب
و امضاء مبارک

هو الله

اسکندرون بواسطه جناب آقا عبدالمهدی جناب آقا میرزا هاشم صهر متصاعد الی الله
پیک الهی علیه بهاء الله

هو الله

ای بنده حق آنچه نگاشته بودی ملاحظه گردید همین است که مرقوم نموده بودی از
پیش جمیع وقایع چه در اصفهان و چه در یزد و چه در اطراف کل بتأیید جمال ابهی
روحی لاجبانه الفدا از قلم عبدالها جاری گشت و هنوز بساط امتحان منطوی نگشته باز
در گوشه و کنار هیجان حاصل خواهد شد ولی اگر استقامت گردد تأثیری ندارد در هر
صورت کلمه الله نافذ و امر الله غالب و احزاب شیطان مغلوب و حزب الله مؤید و منصور
الحمد لله حکومت عادلۀ پادشاهی حامی مظلومانست و معین ستمدیدگان باید احباً
باعلیحضرت شهرباری دعا نمایند متعلقین آن پیک الهی را از قبل من تحیت نواز شکارانه
برسانید از حق میطلبیم که کل در پناه حق محفوظ و مصون مانید و علیک التحية والثناء
مقابله شد

ع ع

۱۶۶ خط کاتب امضاء مبارک

* ص 148 * بواسطه آقامیرزا هاشم حسین خان حسن خان مهدیخان میرزا امین
الله آفاکمال نعمت الله حبیب الله عطاخان میرزا ابوالفضل اطفال جناب هاشم علیهم
بهاء الله الابهی

هوالله

ای تلامیذ دبستان حمد خدا را که در امتحان حسن استعداد و قابلیت ظاهر و عیان
نمودید اطفال بهائی باید در تحصیل علوم و فنون از سائر اطفال ممتاز باشند زیرا
مشمول نظر عنایتند آنچه اطفال دیگر در مدت یکسال تحصیل نمایند تازه نهالان جنت
عرفان کودکان بهائی باید در مدت یکماه تحصیل کنند آرزوی دل و جان عبدالبهای مهربان
این است که نورسیدگان بهائی هر یک در علم و عرفان شهیر آفاق گردند و البته نهایت
همت و سعی و غیرت در تحصیل علوم و فنون خواهند نمود و علیکم البهاء الابهی ع ع
مقابله شد

۱۶۷ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب آقامیرزا هاشم علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای یادگار بیک الهی نزد من بسیار مقرّبی آنی فراموش نشوی و همچنین بستگان
حضرت سلمان در حق شما ها دعا نمایم و عنایت طلبم و امیدم چنانست که اندک
وسعتی حاصل گردد البته بهیچوجه قصور نشود و علیک البهاء الابهی عباس
مقابله شد

۱۶۸ خط کاتب و امضاء مبارک

* ص 149 * اصفهان جناب میرزا هاشم داماد حضرت بیک رحمن علیه بهاء الله

هوالله

ای ثابت بر میثاق از فضل و موهبت پروردگار امیدوارم که همواره موفق بخدمت دربار
آمرزگار باشی دمی نیاسائی و نفسی براحت نکشی بلکه مدّت حیات در سیل نجات
بکوشی و هر طالبی را کأس هدایت بنوشانی امة الله المقربّه مریم سلطان را تحیت
عبدالبهاء برسان و همچنین آقا ضیاء و امة الله طوبی و امة الله قدسیه و امین الله را کلاً
از قبل این مسجون نوازش نما و جناب کربلائى حسین را تحیت مشتاقانه عبدالبهاء ابلاغ
نما حال حکمت اقتضای حضور نمی نماید و بیش از این فرصت نگارش نه و علیکم
مقابله شد

التحیة والثناء ع ع

۱۶۹ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب خان جناب آقا سید محمد جناب میرزا احمد جناب میرزا شیخ جناب
میرزا عبدالحسین محرر جناب آقا سید زین العابدین جناب آقاسید عبدالغنی جناب میرزا
عبدالحسین جناب میرزا فرج الله جناب میرزا عبدالله خان جناب سید هاشم جناب میرزا
ضیاءالله جناب میرزا هاشم صهر جناب شیخ سلمان جناب آقاسید هادی جناب آقاسید
مهدی علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

* ص 150 *

ای یاران مهربان عبدالبهاء چندی بود که خاطر این آواره از بلایای وارده بر
اولیای حق آزرده بود و هر دم بملکوت قدم ناله و زاری منمود و ره عجز و بیقراری می
پیمود که ای پروردگار جمعیت ابرار پریشان گشت و محافل انس از بنیان بر افتاد چه شود
که فضل جدیدی بنمائی و تائید بدیعی بفرمائی تا یاران انجمن گردند و محفل انس را
بسراج ذکر روشن نمایند ای خداوند این پراکنده گی میسند و ای مهربان این حزب
پریشان را مجتمع فرما تا آنکه برید جدید رسید و مزده الفت آن انجمن سبب خفت حزن
شدید شد از رب فرید آرزوی این قلب جریح آنست که یاران محترم هر دم در کمال حکمت
در محفل قدس همدم گردند و بذکر جمالقدم حیات تازه یابند و سبب شوق و ذوق و
طرب یکدیگر گردند تا بشارت جهان انسانیت را خلعت جدید بخشد و هیکل عالم را ردای
بدیع بیوشد ای یاران این عبدالبهاء همواره از مصائب و بلایای شدید محزون ولی این
موهبت نصیب هر محروم نگردد زیرا این بلا بهره اهل وفاست و این محن و آلام

مخصوص کرام اصفیاء هر چه هست بگذرد ولی عاقبت موهبت بهر عاشقان جمال کبریا
و مشتاقان روی جمال ابهی روحی لاجبانه الفدا ای هاشم منتسبین پیک ربّانی را از
عبدالبهاء نهایت محبت و مهربانی ابلاغ نما و بگو هر چند آیامی چند بتنگی گذرد عنقریب
گشایش رخ دهد و آسایش خواهید یافت

* ص 151 *

و علیکم التحیة والتّناء ع ع مقابله شد ۱۷۰ خط کاتب و
امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب حاجی یدالله سه دهی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید مضامین دلیل جلیل بر ثبوت بر امر نور مبین بود
الحمدلله در چنان موقعی که جولانگاه بیخردان بود نفوسی مبعوث گشته که بعون و
عنایت حق در نهایت ثبوت و اطمینان آن قریه در آیام حضرت مقصود مورد الطاف بود
حال نیز امید شدید است که بهمت و روحانیت یاران با وفا معمور و مظهر الطاف موفور
گردد تا توانید بکوشید که سه ده صد ده گردد و نفوسی در نهایت انقطاع و مقتدر و توانا
و منجذب ملکوت ابهی و مروّج دین الله مبعوث شوند اما مسئله افتران صیبه
آقامیرزاهاشم بمیرزا فضل الله سلیل سید برکات بسیار مبارکست و هرچه در پیش شما از
حقوق موجود بتمامها صرف این عروسی نمائید حضرت شیخ سلمان ثانی اثین سلمان
فارسی بود بلکه در خدمت بیشتر موفّق آنچه در حقّ خاندان او مجری گردد خدمت
بدرگاه احدیتست و بشما در این سالهای حرب ستمکاران دست تطاول گشودند و آنچه
توانستند قصور نمودند و عبدالبهاء متأثر از این وقایع جانگداز ولی هرچه واقع در سیل
دلبر آفاق بوده لهذا باید شما در سیل تسلیم و رضا سلوک نمائید در این سالهای جدال و
قتال جمیع اهل عالم در اشدّ وبال علی الخصوص ایرانیان

* ص 152 *

که مورد جمیع آفات شدند ولی مشقّات آنان در سیل نفس و هوی و اما احبّا در عبودیت
درگاه کبریا آن رزایا محسوب بشنون دنیا و این محن و آلام معدود از جانفشانی در راه
حضرت بهاءالله بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا و بجمیع احبّا فردا فردا از قبل من
نهایت اشتیاق ابلاغ دارید

و عليك بهاءالابهى ٢٤ صفر ٣٣٩ عبدالبهاء عباس مقابله شد ١٧١ خط
کاتب و امضاء مبارک

اصفهان بواسطه جناب ميرزاهاشم فریدن احبای الهی عليهم بهاءالله الابهي جناب
ميرزا احمدخان جناب لهراسب جناب حسينخان جناب شيخ حسين جناب محمد علي
جناب درويش علي جناب آقارضا جناب محراب بيک جناب آقاباقر جناب ملا حسين
جناب محمد رضا جناب ملا علي جناب ميرزا محمود صدر جناب ميرزا علي کاتب جناب
علي اکبرخان عليهم بهاءالله الابهي

هوالله

ای یاران الهی شکر کنید خدا را که مورد نظر عنایت شدید و مظهر الطاف حضرت احدیت
از پرتو هدی روشن گشتید و برشحات عنایت پر طراوت و لطافت اندر این گلشن فیض
عظیم را ملاحظه نمائید که مانند نسیم بهشت برین این کشت زار را سبز و خرم نمود و
هر یک آن نفوس را از اشجار جنت فرمود هر چند این موهبت چنانکه باید و شاید در
معرض شهود
* ص 153 *

جلوه گر نگشته و قدرش معلوم نیست اما عنقریب فراز و نشیب عالم از این نور مبین
بهره و نصیب گیرند آنوقت معلوم و مشهود شود که سر وجود چه موهبتی در عرصه
شهود ظاهر فرمود و هر یک از یاران مانند مه تابان در افق عزت جاودان رخشنده و
درخشنده و ظاهر و عیان گردند قسم بان روی روشن و جبین ساطع بنور مبین تاجهائی
بر سر نهاده اید که گوهر و لئالی آن اعصار و قرون را روشن و منور نماید شکر کنید خدا
را و عليكم التحية والتناء ع ع
مقابله شد

اصفهان داماد رحمانی هوالله اقامحمد هاشم عليه بهاءالله الابهي

هوالله

ای بنده الهی از کثرت مشاغل ابداً فرصت ندارم چند روز پیش نامه خطاباً بحرم پیک
رحمانی ارسال شد در خصوص بناء مرقد آن قاصد امین سنوال نموده بودید چون

بشیراز برسید با دوستان محترم الهی مشورت نمائید هر نوع که احبای الهی مصلحت بدانند بناء نمائید و مصروف بناء را این عبد بعد ارسال میدارد ع ع
مقابله شد

۱۷۳ خط کاتب و امضا و مهر مبارک

از قرار مکتوب سابقاً از شیراز مرقد آن قاصد الهی را تعمیر نموده اند ع ع

این یک سطر دستخط مبارکست مقابله شد

بواسطه جناب آقا محمد هاشم صهر جناب سلمان جناب مشهدی حیدر جناب آقاسید
مرتضی جناب آقا محمد جواد جناب آقا محمد رحیم جناب آقا عبدالوهاب جناب آقاسید
عبدالغنی جناب آقا محمد مهدی

* ص 154 * جناب آقا سید حسن جناب میرزا عبدالجواد جناب میرزا آقا جناب
عبدالحسین علیهم بهاءالله الابهی

هو الله

ای یاران عبدالها حمد خدا را که از کأس عنایت سرمست شدید و در بزم الست محرمان
می پرست گشتید از جام عنایت نشئه یافتید و از صهای موهبت حیات تازه جستید ثابت
عهدید و راسخ میثاق و مشتاق مشاهده انوار نیر آفاق هر چند سر حلقه عشاق پر
احتراقید و مبتلای بنار فراق ولی الحمدلله بعد از صعود از این عالم فانی وصال دائمی
مقدر و خلود در جنت لقای ابدی محتوم و مقرر از حوادث این جهان ظلمانی محزون
نگردید و از مصائب این حیات فانی دلخون نشوید بالطف رحمانیه خوشنود شوید
الحمدلله در ظل ظلیلید و در پناه ربّ جلیل اینست رحمت عظمی اینست موهبت کبری و
علیکم التحية والتناء ع ع مقابله شد

۱۷۴ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب آقامیرزا هاشم داماد شیخ سلمان علیه بهاءالله

هوالله

ای بنده بها مکتوب واصل گشت و مضمون معلوم گردید یاران الهی را تحیت عبدالبها برسان که در نهایت در بحران بذکر یاران مشغولست چندیست که از ارض صاد هلهله

* ص 155 *

مناجات بسمع مشتاق نرسید هرچند ستمکاران نه چنان جفائی روا داشتند که تحمل بتوان نمود بالطبع آن جمع آزرده اند و دلشکسته و مظلومند و بال و پر بسته با وجود این امید چنین است که این سختی سبب سستی نگردد و این تداول و عدوان سبب سکون و اطمینان شود زیرا همیشه عادت چنین بود و قرار بر این که آب سبب شعله آتش عشق گردد و جفا علت ازدیاد وفا شود حال نیز چنین است این مظلوم در هر دمی هدف سهم مسموم با وجود این سینه آئینه گردد و انوار محبت الله بیشتر جلوه نماید از عسرت خاندان پیک امین حزن حاصل شد و در آنچه باید و شاید قصور نخواهد گشت
وعلیک التحية والثناء ع ع
مقابله شد
۱۷۵ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب میرزاهاشم داماد پیک روحانی علی بهاء الله الابهی

هوالله

ای صهر سلمان نامه شما رسید هیچ میدانی که عبدالبها بچه درجه غریق دریای مشاغل و غوائل و شواغل است با وجود این از کثرت محبت مجبور بر جواب و اجرای خواهش شماست حضرت محترم مقرب درگاه اسم اعظم جناب وزیر فی الحقیقه آیت هدی و موفق بخدمت و عبودیت جمال ابهی و شریک و سهیم عبدالبهاست من از او بسیار راضیم الحمدلله اصفهان بغور آن آمده آن برودت و خمودت زائل و شعله و حرارت حاصل شده از عنایات حضرت خفی الالطاف

* ص 156 *

امید چنانست که روز بروز این شعله روشن تر گردد و این حرارت محبت الله شدید تر شود به امین الله و قدسیه خانم و طویبی خانم و منیره خانم از قبل عبدالبها نهایت مهربانی

ابلاغ دارید و بگوئید حال بر نظام و قواعد موجوده مرعیّه در مدارس تحصیل نمایند
انشاءالله هروقت فرصتی شد در این خصوص چیزی مرقوم میگردد حال ابدأ مهلت نیست
فی الحقیقه در اصفهان تأسیس مدرسه ئی بجهت اطفال بهائی فرض و واجب است اگر
یاران الهی در این خصوص همتی مینمودند سبب وصول برضای حضرت رحمانی است
اطفال چون در مدارس دیگر بتحصیل علم و هنر پردازند هم مشرب و هم خوی بی
ادبان گردند و علیک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ۱۷۶ خط
کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب مرتضی قلی جناب شیخ حسین جناب جلال جناب اجودان جناب
خلیل جناب میرزا مهدی جناب اسفندیار جناب حاجی میرزا جناب اسدالله جناب حاجی
احمد جناب عبدالغفار جناب الیاهو جناب فرج الله جناب عبدالخالق جناب عدرا جناب
موسی جناب هرمز جناب آقامحمد جناب عبدالرسولخان جناب استاد علی جناب سید
حسین جناب میرزا هاشم صهر پیک رحمانی علیهم بهآءالله الابهی

هوالله

ای یاران الهی حمد خدا را نور هدی از افق ارض صاد در نهایت ثنلا پدیدار گشته در
قلوب شوق
* ص 157 *

و شوری جدید افتاده و در نفوس اهتزاز تازهئی آشکار گشته مدتی بود در نهایت سکون
بود حال بحرکت منتهی شد یاران آغاز آوازی نمودند و در این گلشن تقدیس شهنازی زدند
انسان اگر بکلی مفقود گردد بهتر از آنست که مخمود شود مرده البته بهتر از افسرده و
پژمرده است زیرا مرده معذور است حول و قوتی ندارد ولی افسردگی و پژمردگی از
سیئات سابقه و لاحقّه حاصل گردد حال حمد خدا را که این تیرگی مبدل بروشنائی شد و
این افسردگی با فروختگی منتهی گشت ایام جمیع انام در نهایت ظلام
میگذرد در ظلمات ثلاث که در قرآن مذکور است مستغرقند لایعلمون المبداء و لالمنتهی
و لایطلعون بحقایق الاشیاء و العاقبة یرجعون الی الحفرة الظلمات و الدرکات السفلی
قد خسروا الحیوة الدنیاء و حرموا من النشئة الاخری فیا اسفاً لهم من هذه الغفلة العمیاء
اسئل الله بان یهدیهم الی سبیل الرشاد و ینور ابصارهم بالنور الساطع من افق الاعلی
باری ای یاران این اوان وقت همتست و سعی و اجتهاد تا بجهد بلغ آن اقلیم را باهتزاز

آرند و بنفحات قدس زنده نمایند ترویج وحدت عالم انسانی کنند و تأسیس یگانگی بشری نمایند یار و اغیار بنوازند و کار هر دردمند بسازند و در این گلشن جنت ابهی بابدع الحان نغمه و آوازی بنوازند که گوشها محرم راز گردد و جمیع بشر همدم و هم آواز شود
تائیدات غیبیه پیایی میرسد و توفیقات
* ص 158 * صمدانیه متابعت اگر نفسی کلال آرد و یا آرام جوید خود را محروم
نماید وعلیکم الهباء الابهی ع ع
مقابله شد ۱۷۷ خط کاتب و امضا و مهر
مبارک

اصفهان جناب میرزا هاشم صهر حضرت شیخ سلمان هندیانی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده آستان الهی نامه شما رسید و تالان و تاراج معلوم گردید این سنین گذشته ایام انقلاب بود در ایام انقلاب سراب آب شمرده میشد لهذا سختی و پربشانی از لوازم ایام نا امانیست هرچه بود گذشت بمتعلقین حضرت شیخ نهایت مهربانی از قبل من ابلاغ دارید شما باید تأسیس مکتبی در اصفهان یا در دهات بفرمائید و بتربیت اطفال مشغول گردید این امر مهم را از مهم امور شمردید و چون راهها باز شود و مخابره متتابع گردد سفارش در حق باز ماندگان حضرت شیخ خواهد شد
۹ جمادی الثانی ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس
مقابله شد

۱۷۸ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

بواسطه جناب حسنعلی خان

جناب رضاقلی میرزای شیرازی علیه بهاءالله الابهی

هوالله ای مهتدی بنور هدی فافرح بذكر مولاک بما ایدک و هداک و انقذک
* ص 159 * و نجاک و اسمعک و احیاک و انعم علیک و اعطاک و اکرم مثواک ان
ربک یهدی من یشاء الی صراط مستقیم طوی لک من هذه الهدية الكبرى بشری لک
من هذه الموهبة العظمی و طوعاً لک من هذه المنحة التي یتغیها اولی النهی و فرحاً
لک من هذه العطية التي هی کنز لا تنفی و سروراً لک من هذه الاشراق الذي انارالافاق

فاشكر ربك العظيم على هذا الفضل الجليل والغوز الممين والفيض القديم ان فضله عليك
كالغيث الهاطل المدرار من سحب رحمة ربك الرحمن الرحيم
ش م و عليك بهاء الابهي ع ع مقابله شد

خط كاتب و مهر و امضاء مبارک

جناب ميرزا علی خادم حرم

هو الابهي

ای خادم درگاه حق این خادمی تو از شهنشاهی عالم برتر است و این بندگی تو از
سلطنت جهان بهتر زیرا این شهریاری جهان سراب بقیع است بلکه سم نقیح ولكن
خادمی تو سلطنت باقیه است و حکومت سماوات عالیه فنعم ما قال عیبه ولكن الملوك
عیبدهم و عبدهم اضحی له الكون خادما باری این جامه عبودیت رداء عزت قدیمه است
و این خاک بندگی تاج و افسر شهنشاهی جهان باقی اینست که اکلیل جلیل این عبد ذلیل
در درگاه جمال ابهی مقام عبودیت و اعظم مباحات قیام بر بندگی این عتبه علیاست اللهم
وفقنی علی

۱۸۰ خط مبارک

* ص 160 *

ذلك و حقنی بذلك انك انت الموفق القدير ع ع مقابله شد

هو الابهي

ای سلیمان وقت سلیمانیت و هنگام کامرانی و دم شادمانی چه که کشور الطاف در
نهایت وسعت و حشمت عرفان در غایت عظمت و سریر محبت الله در کمال رفعت
بفضل جمال ابهی بر این سریر جلوس نما و تاج سروری بر سر نه اینست شهریاری
اینست بزرگواری ع ع مقابله شد

۱۸۱ خط مبارک

هو الابهي

ابوشهر جناب علی ن ق ی بیک علیه بهاء الله الابهي ملاحظه نمایند

هوالبهی

سبحانک الهم یا الهی انت الذی یتجلی من انوار احدیتک احییت الموجودات و باسراق من
مطلع رحمانیتک نورت الممكنات اسئلک باسمک الاعظم و نورک الاقدم و جمالک الانور
و صراطک المستقیم و منهجک القویم و واسطتک العظمی و وسیلتک العلیا و آیتک
* ص 161 *

الکبری ان تؤید عبدک هذا علی التمسک بعروتک الوثقی و موهبتک الجلاء و منحتک
العلیاء ثم قدر له کل قدرته لخیره خلقک و هیئته لبررة عبادک و اعطیته لسفرة کرام
الکلماتک و اجعله ثابتاً مستقیماً علی امرک و حبک انک انت الکریم و ذوالعطاء و الرحیم
بالارقاء تفعل ماتشاء و تحکم ما ترید و انک انت الغفور العظیم ع ع مقابله شد
۱۸۲ خط مبارک

هوالبهی

ای حمامه حدائق معانی تجلی الله علیک باسراق انوار جمال بهاءالبهی اگر چه بظاهر
در وادی فرقت و هجرانی و مبتلای حرقت و حرمان لکن فی الحقیقه در محفل یاران
الهی و دوستان معنوی یادت ذکر و فکر انجمن است و روی دلجوی محبان حقیقی حاضر
چون شمع روشن پس ای یاران بجان مستبشر یاشید و بقلب خوش و امیدوار که فضل
ملکوت ابهی عظیم است و روابط بین احبب الله از فیوضات رب قدیمست و شدید
والبهاء علیک یا من اشتعل بنار محبة الله ع ع مقابله شد

۱۸۳ خط مبارک

هو الله

ای بنده آستان الهی از فضل حضرت بیچون در دو آستان پاسبانی و هر دو مقبول درگاه
احدیت ولی در یکی پاسبان حقیقی و دیگری مجازی از حق میطلییم که مجازت را نیز
حقیقت نماید و لیس هذا
* ص 162 * علی فضل ربک بعزیز از خدا بخواه که توفیق بر عهد و میثاق عنایت فرماید
ع ع

مقابله شد ۱۸۴ خط مبارک

هوالله

ای خادم قبر مستور آن جدت مقدس و رمس مبارک را محافظه نما و ملاحظه دار چه که صد هزار چراغ آن مصباح را طائف و صد هزار شاه بنده آن درگاه مرتفع اگر چنانچه حال نور آن مصباح از انظار مستور است و از اشار محجوب اما عنقریب آن نور جهان افروز شود و آن شعاع حرارتش عالم سوز قدر این فضل و جود را بدان و بشکرانه قیام نما و البهآ علیک و علی کل ثابت علی میثاق الله ع ع مقابله شد

۱۸۵ خط مبارک

هوالله

شیراز جناب میرزا شکری علیه بهآالله الابهی

هوالابهی

ای بنده شکور ربّ غفور عنایاتش غیر متاهی و الطافش بیپایان عواطفش محیط است و رحمتش منبسط و بسیط نورش ساطعست و نیرش لامع از جمله الطافش ایمانست ایقانست
* ص 163 *

عرفانست پس چگونه بشکرانه این عنایت بی نهایت قیام توان نمود مگر بقدر وسع بشر و مقدار اطاعت زبان و بیان چون در و گهر پس بقدر مقدور بشکرانه پرداز ع ع مقابله شد

۱۸۶ خط مبارک

هوالله

شیراز جناب میرزا علی علیه بهآالله الابهی

هوالبهی

ای بندهٔ الهی علو و سمو جسمانی امر تصویری و اعتباریست بلکه نسبی و اضافی علو حقیقی در عالم جانست و سمو واقعی در جهان وجدان پس توجه بملکوت ابهی کن تا بلندی حقیقی مشاهده نمائی و ارتفاع ذروهٔ اعلی مشاهده کنی ان ربک لبالفق الاعلی و البهاء علیک ع ع

۱۸۷ خط مبارک

هوالبهی

جناب آقامیرزا خادم علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

یا من اشتعل بالنار الموقدة فی برّیة السیناء هرچند در کمال استعجال مرقوم میشود چه که بهیچوجه مجال نیست ولی انجذابات قلبیه بمحبت احباء رحمن نچنان در شدت فورانست که امواج بحر اعظم مشغولیات از ذکر احباء رحمن مانع و حائل گردد ربّ ایدک هذا

* ص 164 * علی الابتهاال الی باب احدیتک والضراعة الی سماء الوهیتک و الاشتغال بذكرک والانجذاب بنفحاتک و التمسک بعروتک و الثبوت علی عهدک و میثاقک و الاستقامة علی صراطک والاستصانة من انوارک و التسییح لامرک و النشر لطیب ذکرک و ثنائک انک انت الکریم الرحیم الوهاب و بعبادک رؤف رحمن ع ع

۱۸۸ خط مبارک

ش جناب میرزا علی خادم حرم ربّانی علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ای خادم مطلع انوار اسم اعظم در پیش چیزی مرقوم شد و حال نیز این نامه نگاشته میشود شکر کن حضرت احدیت را که باین موهبت مفتخر گشتی و باین عنایت مشتهر خادم درگاهی که مزار نفوس مقدسه است و مطاف ارواح مجرده نفحات انقطاع از تراپش استشمام میگردد و نسائم روح بخش حیات از غبارش استنشاق میشود مطلع انوار حب الهیست و مشرق الطاف غیر منتهای طوبی لنفس زار ذلک المقام المقدس طوبی

لمشام تعطر من النفحات المعطرة المنتشرة من ذلك الموقع الاقدس و بشاره لنفس
قد تدندن حوله بقلب خاضع و هيكل خاشع و قلب محترق و حشآء ملتهب و دموع منجسم
و كيد مضطرم على تلك المظلومة المقدسة التي احترقت بنار محبة ربها و ذابت من شدة
حرقه الفراق عبدالبهاء ع
مقابله شد

خط مبارك ١٨٩

* ص 165 *

آنچه منتها آمال مقرّبين و غایت مقصود ملائکه علیین است جناب شیخ بالوکاله مجری
نمود از قبل شما در روضه مبارکه بالنیابه شمعها روشن کرد و همچنین ما کل در یوم
مخصوص بالنیابه از جناب رفیع رفیع و شما و جمیع دوستان و یاران ارض شین در روضه
منوره زیارت مخصوص نودیم فاستبشروا بهذه البشارة العظمی و هذه المنحة الجلاء و
هذه العطية النورآء و البهآء علیک و علی احبآء الله عبدالبهاء ع
مقابله شد

هوالبهی

جناب میرزا محمد علیہ بهآءالبهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

الهی و ربی و رجائی و غایة آمالی اسئلک بفضلک و رحمتک التي خصصت بها خيرة
خلفک و نزلها علی اعزة عبادک و بموهبتک الكبرى التي استضاء بها وجوه احبائك و
بنورک القديم و جمالك الذي تجلج بغمام الخفی عن ابصار الناظرین و يلوح و يضي في
ملكوت الاعلى رفيقه البهى جبروت الغيب لاهوته الاسمى بان تنزل على عبدک هذا كل
رحمتک و جودک و احسانک و تؤيده على الاستقامة على امرک و الثبوت على كلمتك و
تؤتيه حسنة الدنيا و الآخرة و تبارک له في كل شئونه و تجعله محفوظاً مصوناً في صون
حمايتک و مشمولاً بلحظات

* ص 166 *

عين رحمانيتک انک انت الفضال الجواد الکریم الرحيم ربّ ثبت قدمی و اشدد ازرى على
خدمة امرک و اجعلنى من عبادک الراسخين عبدالبهاء ع
و بلغ تحيتی و تکبيری الى حضرت رفيعی الرفيع و اسئل ربی ان يوفقه على
اعلاء كلمة بين العالمين عبدالبهاء ع
مقابله شد ١٩٠ خط

مبارک

هو الله

شیراز جناب کریمانی حاجی علیه بهاء الله الابهی

الله ابهی

ای هادی سبیل هدایت پیک عنایت است و اعظم موهبت و ثمره شجره رحمت چه بسیار نفوس که در طلب هدایت گریستند ولی چون خلوص نبود محروم ماندند و بسا نفوس که بمجرد استماع در شاهراه هدی دویدند و از کوثر عطا نوشیدند و از شهد صفا چشیدند چون تو از آن نفوسی شکر خدا کن ع ع ع مقابله شد
۱۹۱ خط مبارک

هو الله

بواسطه آقامیرزا علی خادم حرم مبارک جناب خواجه محمد اسمعیل عیه بهاء الله

هو الله

ای مهدی بنور هدی دو دست شکرانه بدرگاه خداوند یگانه بلند نما و ستایش
* ص 167 *

نما که بثمره آفرینش فائز گشتی و دیده بینش گشودی و روش یاران الهی پذیرفتی و در ظل عنایت پرورش یافتی حال سزاوار اینست که دمی نیاسائی و نفسی راحت نجوئی شب و روز مانند شمع بسوزی و نور هدایت بجمع مبذول دار بجان و دل در فکر نشر نفعات الله باش ع ع ع مقابله شد
۱۹۲ خط مبارک

هو الابهی

جناب کریمخان علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای بنده درگاه الهی چشم بگشا تا مشاهده آیات کبری نمائی و گوش بگشا تا استماع نغمات ورقاء کنی فجر وجود بسیار روشن و منیر است و کوکب عزت امرالله در شدت سطوع چون تیر فلک اثیر بحر الطافست که مواجست و نسائم یزدانست که متحرک از

مهب احسانست این ایام را غنیمت شمار و این فرصت را از دست مده عنقرب طيور
وحدت باشيان ربّ احدیت پرواز نماید والبهاءعليک ع ع

۱۹۳

از فضل ملکوت ابهی امیدواریم که آنجناب چون شمع روشن در انجمن عالم بنور هدی
ساطع و لامع گردد و بنفحات قدس مجلس انس بیاراید فی الحقیقه انتساب عنصر
جسمانی و عنصر روحانی داشته‌اید

* ص 168 *

لهذا باید بعون و عنایت جمالقدم چنان بشور و ولوله و شوق آئی که هر نفسی را ملاقات
فرمائی روح بخشی و جان عطا نمائی و بروح و ریحان آری البهَاء علیک ع ع
مقابله شد

۹

شیراز جناب آقا میرزا ضیاءالدین خادم مشرق الاذکار علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه نی که در نهایت عجز و انکسار مرقوم نموده بودی واصل باین دیار
شد معانی صرف تبیل و تضرع بود و مقصد و آمال موقفیت بر خدمت امر ذوالجلال و
این اعظم موهبت عالم انسان الحمدلله نور هدایت کبری را ابا عن جد میراث داری و بر
منهج قویم و صراط مستقیم سالکی از کأس تسنیم سرمستی و از ماء معین سیراب و
بخدمت مشرق الاذکار مشغول و از مادون بیزار جناب میرزا آقا عمّ کامکار را بالطف
ربّ مختار امیدوار کن و همچنین کنیز الهی والده محترمه خدیجه را بنفحات قدس بیدار
کن و اخوی میرزا بهاءالدین را بالطف دلبرنازنین مژده ده و امید از ربّ کریم چنانست که
جد بزرگوار میرزا محمد در جهان ابد سرمد غرق الطاف ربّ واحد احد گردد و همچنین
پدر مهر پرور میرزا باقر در انوار ملکوت عفو و مغفرت مستغرق شود باری تو و برادر
مهربان باید هر دو چنان
بخدمت

* ص 169 *

قیام نمائید که روح مقدّس آن دوجان پاک در عالم تابناک مسرور و فرحناک شود و
علیکما البهَاء الابهی ع ع مقابله شد ۱۹۴ مهر و امضاء مبارک

ش جناب میرزا ابو قاسم ساعت ساز علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ای مشتعل بنار محبت الله ساعت که جسم منجمد و فلز متطرقتست بسبب نظم و ترتیبی ماهرانه حرکت منظمانه دارد با وجود آنکه جسم ثقیل است اوقات انتقالات کوکب جلیل را معین نماید و بشیر قرب طلوع تیر فلک اثیر گردد و چون حرکتی خفیف و ضعیف در جسم ثقیلی حاصل شود چنین ثمر جلیل حصول یابد پس اگر حرکت شوقی روحانی در جسم انسانی که بمثابة روح این عالم عنصریست ظاهر شود چه آثار باهره و کمالات لامعه تحقق یابد پس از خدا بخواه بترتیبی الهی و قوهئی روحانی سبب حرکت وجدانی هیاکل انسانی گردی و رصد حرکات ملاأعلی و نجوم ملکوت ابهی شوی و چون روح پر فتوح علت حرکت و اهتزاز جسم عالم امکان باشی والبهاء علیک و علی کل من ثبت علی عهدالله و میثاقه عبدلبهء ع

مقابله شد

۱۹۵ خط مبارک

* ص 170 *

هوالبهی

ای عاشق جان سوخته جمال رحمانی ایدک ربک علی ابتغاء مرضاته و اعلاء ذکره درسیل حق جان و مال و عزت و منال اگر از دست رود اعظم آمال اولیاء الهیست اینست که حضرت اعلی روح العالمین فداه در احسن القصص قیوم اسماء خطاباً لجمال الله الابهی میفرماید یا سیدنا الاکبر قد فدیت بکلی لک و ما تمنیت الا القتل فی سبیلک و السبب فی محبتک و انت الکافی بالحق و الروح و البهء علیک ع

مقابله

شد

۱۹۶ خط مبارک

ش جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ای بنده حق هرچند بظاهر تو در شینی ما در سین یعنی ولایت سوربه اما فی

الحقیقه در ظل یک شجریم و متعمّم بیک ثمر در محفل السّیّم و از جام عهد سرمست در
جنت ابهی داخلیم و در گلشن الطاف وارد پس حمد کنیم خدا را بر این همدمی والبهاء
علیک ع ع
مقابله شد

۱۹۷ خط مبارک

هوالله

جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیه بهاءالله الابهی

* ص 171 *

الله ابهی

الهی انت تعلم حالی و تری تشّنت شملی و تفرّق جمعی و تلهّف قلبی فی هجرانی من
قربک و وصالک و بعدی عن ملکوتک و حسراتی و سكراتی فی بیداء الحرمان من قرب
جواریک ایربّ ایدنی علی ذکرک و ثنائک و انطقنی بمحامدک و نعوتک بین خلقتک و اخلص
وجهی لوجهک الکریم یا ربّی العظیم انک انت الرحمن الرحیم ای ربّ هذا عبد توجّه
بملکوتک الابهی و نطق بالثناء و اعرض عن الهوی و سرع الی بحر الهدی و شرب کأس
الوفاء ادرکه بفضلک و جودک یا ربّی الاعلی . ع ع

۱۹۸ خط مبارک

از سرّ تنکس لرمز رئیس سئوال نموده بودید این عبارت از جمله عبارات شیخ
مرحومست که در جواب سئوال از قائم مرقوم فرموده اند جمیع فقرات در آن ورقه
جوابیه جناب شیخ مفصّل شرح و تفصیل و تفسیر شده است و موجود است مقصود
اینست که رؤسای شیخیه کل اقرار نمایند که بیانات شیخ را نمیفهمند آنوقت شرح و تفسیر
نشر شود یا آنکه شرحی رؤسای شیخیه مرقوم کنند در هر دو صورت جهلشان ثابت گردد
حال شما باین رؤسا مثل پسر حاجی محمد کریمخان و غیره متصل و متتابع مراجعت
نمائید که شرحی در این بیانات جناب شیخ مرقوم نمایند و یا آنکه اعتراف بر عدم فهم
کنند چه که مشهور شد که از حاجی محمدکریمخان سئوال
* ص 172 *

نموده بودند گفته بود که من نمیفهمم و هرکس بفهمد من خاضع میشوم لساناً گفته بود
باید خطاً بنویسد ع ع
مقابله شد

هو الله
جناب آقامیرزا ابوالقاسم علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای زائر مطاف ملأ علی شکر کن جمال قدیم ربّ کریم را که مسافت بعیده را طی نمودی و تا بظل ممدود و مقام محمود آستان حضرت معبود وارد شدی و بصر را بمشاهده آیات کبری در آن عتبه مقدّسه روشن فرمودی پس ارمغانی از نفحات قدس این روضه مقدّسه بردار و ببلاد الله توجه نما و هری کرا از پیام الهی که در صحائف عهد و میثاق ربّانی مندرج و مندمج است بهره مند کن یعنی کل را بثبوت بر میثاق دلالت فرما تا جیوش تأییدات از ملکوت ابهی بجوش آید ع ع مقابله شد

هو الله جناب آقامیرزا ابوالقاسم علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

الهی الهی انّی عبد آمنّت بک و بآیاتک و اقبلت الی وجه جمالک الاعلی و اخلصت وجهی
* ص 173 *

بملکوتک الابهی و تشبّهت بالعروة الوثقی و تمسّکت بذیل ردآء الکبریآء و استقمّت علی شریعتک النوراء و ثبت علی میثاقک العظیم الذی اخذته فی ظل الشجرة الانیسآء ای ربّ احرسنی بعین رعایتک الواقیة للاحباء و انظر الی بلحظات رحمانیتک الی احاطت الاشیآء و احفظنی من کل البلاء و قنی التزلزل و الاضطراب یاربّ انک انت الکریم الرحیم العزیز الوهاب ع ع مقابله شد ۲۰۰ خط مبارک

هو الابهی

شیراز جناب میرزا ابوالقاسم علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای جناب ابوالقاسم در ارض مقدّس بودی و مشاغل عظیمه دمبدم مرا دیدی با وجود این هنوز بمنزل نرسیده استدعای مکاتبه نموده اید ولی چه چاره باید بقدر امکان سبب سرور و حبور قلب یاران و حکمشان را مجری داشت و این قوت و قدرت و سطوت و سلطنت را بفیوضات محبت جمال قدم یافته اند نعم الاقتدار هذا الاقتدار مقابله شد

هو الله

جناب حسین سلیل جناب آقامیرزا ابوالقاسم علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای حسین جانها فدای اسم تو این نام محترم در کور فرقان علم بر مظلوم مکرم بود و در این کور رکن اول از اسم اعظم ملاحظه کن که چقدر مبارک است هر چند بظاهر تصغیر حسن است ولی در حقیقت شمس افق کبریاء و عظمت جمیع اسماء طائف حول این اسم و کل صفات مشتق از لفظ این اسم تفکر لتعرف اسرار الله المقتدر المهیمن القیوم

مقابله شد

ع ع

۲۰۲ خط مبارک

هو الله

امة الله ضلع جناب آقامیرزا ابوالقاسم علیها بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای امة الله ورقه موقنه با جناب آقا میرزا ابوالقاسم در کمال روح و ریحان وارد بقعه نورا ارض بیضاء گشت و چون خاک در نهایت خضوع و خشوع در آستان مقدس حول روضه مبارکه نشست و بغایت تضرع و تبتل طلب الطاف بجهة احباء و استدعای مغفرت بجهة متصاعدین نمود و در جمیع احوال بیاد متعلقان بود و بالنیابه نیز * ص 175 *

زیارت نمود از درگاه احدیت بمنتهای عجز و نیاز استدعای قبول زیارت او را مینمائیم و لابه و زاری کنیم انه یقبل الشفاعة و یتوب علی عباده المخلصین والحمد لله رب العالمین

۲۰۳ خط مبارک

مقابله شد

ع ع

هو الله

ورقه مهتره صبيّه جناب آقاميرزا ابوالقاسم امة الله لقايتيه عليهما بهاء الله الابهي

هو الابهي

اي ورقه مهتره شكر كن حضرت ربّ عزّت را كه چنين پدري بتو عنایت فرمود كه از عشق الهی گريبانی چاك دارد و همّتى بلند تر از افلاك با وجود اين در خضوع و خشوع چون مركز خاك اين نيست الا فيض الطاف مخصوصه ربّ قديم اولاً سبب وجود تو بود ثانياً علت هدايت بنور شهود و توجه بمقام محمود و در حول مركز دائره غير متناهيه بياد تو مشغول بود ديگر بهتر از اين پدر تصور توان نمود لا والله والبهاء عليك ع ع
مقابله شد

۲۰۴ خط مبارك

هو الله

جناب محمد رضا ابن مرحوم اختر عليه بهاء الله الابهي

الله ابهي

يا من تعلق باهداب رداء الكبرياء سبح و قدس و هلل باسم ربك
الحى القديم
* ص 176 *

القديم و قل سبحان من انشأ النشأة العظمى و قدر الآخرة و الاولى سبحان من اقام
القيامة الكبرى سبحان من مد الصراط و رفع السموات العلى سبحان من وضع الميزان
و حشر من فى الوجود فى النشأة الاخرى و ادخل الذين آمنو فى رحمته و غافلين فى
جحيم و عذاب و بس عقى الذى كذب و افترى ع ع
مقابله شد
۲۰۵ خط مبارك

هو الله

ش جناب آقامحمد رضا عليه بهاء الله الابهي

هوالبهی

ای بنده راضی بفضاء حقیقت رضاء اعظم موهبت جمال ابهاست ولی تحقق این صفت که اعظم منقبت عالم انسانست مشکل است چه که بسیار صعب و سخت است حین امتحان معلوم و واضح گردد اسئل الله ان یوفقک علی هذاالفضل العظیم و الحمدلله رب العالمین والبهاء علیک ع ع
مقابله شد
۲۰۶ خط مبارک

هوالبهی

ش جناب آقامحمود ابن اختر علیه بهاءالله الابهی

هوالبهی

ای محمود محمود مباش محسود باش ثلج در یخچال و برف در قتل جبال فراوان و بهائم بارده
* ص 177 *
و وحوش شارده در کوه و صحرا و خشکی و دریا بیحد و حساب ولی سمندر آتش خوار و قنفس آتش خواه نادر و کمیاب بیا تو سمندر پر سوز و ساز شو و قنفس آتشکده راز آتشی بجان مخمودان زن و صلائی بر محتجبان اگرچه مخمودان و منجمدان در یوم میثاق چنان افسرده و یخ کرده و مرده اند که جز نیران شعله نی در آنها تأثیر نماید
۲۰۷
مقابله شد
ع ع
خط مبارک

شیراز جناب آقامیرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه رسید و مضامین معلوم گردید حمد کن خدا را که در سبیل آن دلبر نازنین منزوی و خانه نشین گردیدی و اوقات عزیز را بتحریر کلمات و ترتیل آیات محصور فرمودهئی این نعمت عظمی شایان هزار شکرانه است نامه های سابق از جهت عدم امنیّت راه نرسید و الا لابد جوابی مختصر اقلّاً بر یکی از آنان مرقوم میگردد حال الحمدلله این نامه رسید و از معانی حلاوت روحانی حاصل شد کام جان شیرین گشت و

مذاق وجدان شکرین شد الهی الهی انّ عبدک هذا قد تجرّع كأس البلاء فی سبیلک و
ذاق مرّ الرزایا فی محبتک قد استهدف سهام الجفا و صبر علی جمر الغضاء و اضترم
بنار محبتک بین الملا منسجم الدموع من العیون حباً
* ص 178 *

حباً بجمالک الاعلی ربّ الله منزو من الخلق منجذب الی الحق متوجّه الی ملکوت الجمال
شائق تائق الی محفل الوصال ربّ ایدہ فی جمیع الشئون و الاحوال و یسرّ له الامال و
احشر مع الابرار و انطقه بثنائک بین الاحرار انک انت العزیز المختار و انک انت الرحمن
الرحیم و علیه بهاء الله الابهی ع ع
مقابله شد ۲۰۸ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

بواسطه آقامیرزا هادی و توسط امة الله زبور سلطان حرم جناب میرزا ابوالقاسم
ساعت ساز علیها بهاء الله

هو الله

ای امة الله محزون مباش مغموم مگرد روی مخراش و سرشک از دیده مپاش آه و
انین مکن و فغان و حنین منما آزردہ مگرد افسردہ مشو پژمرده مباش زیرا فرزند
دلبندت باغوش پدر آسمانی شتافت و در ملکوت رحمانی رخ بتافت و حضرت ربّ قیوم او
را بکمال نوازش بنواخت طول حیات را اهمیتی نه اصل نجاتست الحمد لله به نتیجه
زندگانی در ملکوت رحمانی فائز گشت چه که مقصد از حیات جسمانی حیات روحانی و
زندگی جاودانی در عالم یزدانیت آن موهبت میسر
* ص 179 *

شد و آن منقبت مقرر گشت اینست اعظم شادمانی و اتم کامرانی در جهان ربّانی و
علیک التحية والثناء ع ع مقابله شد ۲۰۹ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

ش جناب محمد الشهير باقا بزرگ علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهى

يا من احترق من نار الفراق قد تلوت الورقة الناطقة بمحبة محبوب الآفاق و بثوتك على العهد و الميثاق و تجرّعتك من كأس الوفاق و تجنّبتك من اهل النفاق و اشتياقك للعروج الى الملاء الاعلى و الصعودك الى ملكوت الابهى و تتلّك و تضرّعتك الى الحضرة الرحمانيه ان يطيرك فى هواء القدس و فضاء الانسس و يجيرك فى جوار رحمة الكبرى و ينزلك فى نزل الوفا فى جبروة الاسمى طوبى لك من هذه النبىة الخالصة والهمة العلية الكبرى ولكن يا حبيب اشدد ظهرك و قوازرک و شمّر ذيلک لاعلاء كلمة الله و نشر نفحات الله و سطوع انوار الله و احاطة كلمة الله و بعد ما يؤيدك الله على هذه المنحة العظمى و يوفّقك على هذه الموهبة الكبرى فانشر الاعلام و نقرّ فى الناقر و اقصد ملكوت ربك بجنود الخدمة فى امرالله و ادخل الرفيق الاعلى و الحديقة الغلبا و الروضة الغنّاء بوجه نورانى و قلب رحمانى و روح ربانى والبهاء عليك وعلى

* ص 180 *

كل من تشبّث بعهدالله و ميثاقه الغليظ ع ع
مقابله شد
٢١٠ خط مبارك

هو الله

ش جناب محمد الشهير باقابرگ عليه بهاءالله

هو الله

اي مهتر از اهترزاز اوتار محبت الله آنچه مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد و حقيقت مقصود مشهود بود احبای الهى در جميع اقطار بخدمت آستان مقدس قائم و در نشر رايحه قميص يوسف رحمن جان فشانى مينمايند و تائيد از كل جهات متواصل متتابع يؤيد من يشاء بفضله و جوده و احسانه و ينصر من يشاء بجنود الهامه و جيوش فيضه و انعامه انه هو القوى القدير ملاحظه نمائيد كه عبارت بان صريحى كه فرموده و ناعق را معين کرده باز اين محتجبان در حجات غفلت محتجب ذرهم فى خوضهم يلعبون و دعهم فى غمراتهم يخوضون ع ع

٢١١ خط مبارك

امة الله ضجيع محترمه را تحيت برسان و همچنين دو نهال بوستان محبت الله را ع ع

جناب آقامیرزا خلیل حبیب عبدالبهاست و خلیل اهل ملاء اعلیٰ تحیت ابھی برسانید و به
عنایت حضرت کبریا مطمئن باشند والبهآء علیهما ع ع
مقابلہ شد
* ص 181 *
هوالابھی

ش جناب حاجی میرزا اسداللہ علیہ بهآء اللہ الابھی ملاحظہ نمایند

هوالابھی

ای ضرغام اجمہ ملکوت جمال قدم و اسم اعظم روحی لاجبائہ فدا در جمیع اوقات ذکر
اقلیم فارس و شهر شیراز را میفرمودند و کمال عنایت و نہایت مرحمت را اظہار
میفرمودند کہ اہالی یعنی احبای الہی فدیتہم بروحی و ذاتی و کینوتی مظهر رحمتند و
ملحوظ بلحاظ عین عنایت و میل مبارک ہمیشہ در این بود کہ آن نفوس مبارکہ مظاہر
آیات توحید باشند و مطالع آیات تجرید در اعلآء کلمۃ اللہ رایات منشورہ باشند و در نشر
نسائم محبت اللہ آیات معروفہ حال باید احبای الہی بر نصرت امراللہ یعنی ہدایت نفوس
چنان قیام نمایند کہ ندای تحسین و آفرین از ملکوت ابھی متتابع برسد کہ طوبی لکم یا
نصرآء الرحمن . طوبی لکم یا ہدات الوری طوبی لکم یا کمات میدان التقی ع ع
مقابلہ شد

هوالابھی

ش جناب حاجی میرزا اسداللہ علیہ بهآء اللہ الابھی ملاحظہ نمایند

هوالابھی

ای ناطق بشای الہی لسان را ذکری و عقول را فکری لازم لکن اذکار و افکار مختلف و
متفاوت قومی
* ص 182 *

بذکر حقائق موهومہ و انعکاسات شیحیہ مشغول گردند چون اوہام زائل و آن
انعکاسات ظلیہ آفل گردد خائب و خاسر شوند و جمعی آن اوہام را از بدایت زائل و
آفل بینند و حقیقت شاخصہ و ذاتیت قائمہ طلبند و بکوشند و بجوشند و بشتابند تا برسند و
البهآء علیک ع ع
مقابلہ شد

۲۱۳ خط مبارک

بواسطه ورقه مبارکه والده آقامیرزا هادی افنان علیها بهاءالله الابهی
شیراز امة الله صبيه آقامیرزا اسدالله شیرازی علیها بهاءالله الابهی

هوالله

ای کنیز عزیز الهی نامه تو رسید بسیار خوش مضمون بود زیرا دلیل بر اشراق نور هدی
و تأییدات ملکوت ابهی و انجذاب بنفحات الله و خلوص نیت و پاکی فطرت بود لهذا بدرگاه
احدیت تضرع نمودم و ترا موهبتی آسمانی خواستم و نعمتی جاودانی طلبیدم تا
مشمول الطاف و عنایت باشی و منظور نظر حضرت احدیت گردی از عدم فرصت
مختصر مرقوم شد و علیک البهَاء الابهی ع ع
مقابله شد

۲۱۴ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هو الابهی

ای مدهوش جام خلت الهی علیک بهاءالله و فضله و جوده المتوالی آفتاب دم غروب و
افول است و هوا تاریک و چشم از صدمات مصیبت کبری بکلی ضعف بر آن مستولی
* ص 183 *

گشته با وجود این محبت احبای الهی چنان محیط و مستولیست که بحرکت دست این نامه
مرقوم میشود چه که بذکر شما قلب را روح و ریحانست دیگر ملاحظه کن چقدر عزیزید و
چه مقدار مکرم و محترم و البهَاء علیک ع ع
مقابله شد
۲۱۵ خط مبارک

هوالله

شیراز جناب آقا محمد الشهیر باقا بزرگ علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه آن یار روحانی ملحوظ این بنده فانی شد از صعود آن فائز بمقعد
صدق در جوار رحمت کبری یعنی چراغ بها محزون باشید زیرا آن سراج در زجاج
مغفرت عظمی بر افروخت و در انجمن بالا روشن گشت مناجاتی در طلب مغفرت تلاوت

شد بنجل مجید ایشان برسائید اما از جهت فتور در ارسال رسائل اینعبید را البتّه معذور خواهید داشت زیرا ندانید که چه طوفانی و چه موج و هيجانیست البتّه منشیان و مملیان چند و کتبه و سفره کرام برّره از عهدۀ قرائت اوراق وارده بر نیابند تا چه رسد بتحریر جواب یا خطاب من دون سؤال ولی جمال قدیم آگاه این قلب سلیم است که لحظه از یاد یاران فراغت نه و دمی از همدمی ذکر دوستان غفلتی نه اصل اینست و چنین است لهذا خود را محروم شمارید و مرا معذور

* ص 184 *

دارید نامه من مسلسل الورد و الوصول بان یار مهربانست در وقت فراغت در حالت توجّه ببقعه مبارکه دقت فرما که چگونه نامه های روحانی و کتاب مبین بواسطه پیک امین میرسد و هذا حقّ لاریب فيه اسئل الله بان يجعل التوفیق رفیقک و التأیید محیطاً بک حتّی تنال المنی فی الآخرة و الاولى و بلغ تحیتی الوافره و اشواقی المتکاثره الی سلیلک السعید و الق کلمة التکبیر من قبلی علی ضجیعک المحترمة المذكوره عند ربّک المجید و علیک التحیة و الشاء ع ع

مقابله شد ۲۱۵ خط کاتب و مهر مبارک

هو الله

مناجات طلب مغفرت بجهت چراغ بها علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ربّی ربی و ملاذی و موئلی و معتمدی انی اتّضرّع الیک بروحی و قلبی و فؤادی ان تدرك عیدک چراغ البهاء برحمتک الکبری و تحفظه فی زجاج عفوک من ارباح العذاب و قواصف العقاب ربّ ربّ انا خطاة و انت الغفور الرحیم و نحن عصاة و انت العفو الکریم فلا تعاملنا بما نستحق و عاملنا بعفوک و صفحک و فضلک یا رحمن یا رحیم ربّ ربّ ان عیدک الوافد علیک القاصد باب حطتک لم یزل عاش متعطّشاً لکأس لقائک مشتاقاً لمشاهدة جمالك مهتزّاً بنفحاتک استماع خطابک الوصول ربّ ربّ قدرّ له الفوز العظیم و اطفح

صفحه ۱۸۵

کأسه بالماء المعین و ارزقه مشاهدة النور المبین و ادخله فی فردوسک العظیم و آنسه بلطفک الجلیل و اجعله مستغرقاً فی بحار رحمتک یا رؤف یا کریم یا غفور یا رحیم ع ع

مقابله شد ۲۱۷ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

هو الابهی

ای شارب سلیل عنایت الهی نورالله جبینک بنضرة النعیم بین وجوه العالمین قد تشرّفت
رقیمک بساحة قدس محبوبک و محبوب العارفين انه یخاطبک من ملکوتہ الابهی و
جبروته الاعلی و یقول و نریکم من اقصی الابهی و ننصر من قام علی نصره امری بجنود
من الملائکة الاعلی و قبیل من الملائکة المقربین الیوم یوم استقامت کبری و ثبوت و رسوخ
بر امرالله است و حفظ و صیانت حصن امراست از نعیق ناعقین و تمسک تام بعهد الهی
فطوبی لمن لاتأخذه فی الله لومة لائم والبهاء علیک ع ع مقابله شد ۲۱۸ خط
مبارک

نیریز سروستان محله تَزَنگ جناب آقا مرتضای زائر علیه بهاءالله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه که چند سال پیش فرستاده بودی امسال رسید از مضمون مفهوم
شد که احبای سروستان و آن صفحات جمیع خاضع و خاشع بملکوت آیات و عبدالبهاء را
در عبودیت آستان مقدس شریک و سهیم امید شدید
* ص 186 *

آنست که آن نفوس نغیسه اوراق شجره طیبه باشند و همواره محفوظ از رواج خبیثه و
راسخ و مستقیم در بین برّه ضلع محترمه و صبایای مکرّمه و عبدالکریم کریم و
عبدالخالق فائق را تحیت و مهربانی برسان از خدا خواهم که همواره موفق باشی و از
درگاه احدیت مغفرت خطایا از برای والدین شما طالب و آملم و همچنین نهایت محبت و
اشتیاق را ببندد نیر آفاق جناب آقامحمد علی مکتب دار برسانید و علیک التحیة والثنا ۲۴
ک ۱۹۱۹ عبدالبهاء عباس مقابله شد ۲۱۹ خط مبارک حضرت شوقی افندی و
امضای حضرت عبدالبهاء

بواسطه جناب آقامرتضی زائر سروستانی

اخوی ایشان آناب آقامحمد نبی و اخوی ایشان جناب حاجی بابا و اخوی زاده ایشان
جناب آقا اسمعیل و اخوی زادگان ایشان و امةالله والده خیرالنساء و امةالله اخت

صغری و امة الله ضلع شاه بی بی و امة الله بنت کلشاد و امة الله بی بی لقا علیهم و
علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

ای منتسبین جناب زائر آقامرتضی برضای الهی فائز و بفضل و موهبت ربّانی حائز از خدا
خواهم که مانند آقامرتضای شهید روحی له الغداء جانغشان گردد و بقربانگاه عشق
شتابد تادر جهان دیگر علم افرازد و موهبت دیگر ببندد و از جام دیگر نوشد و د عالم بالا
ملکوت ابهی بیاساید در
* ص 187 *

اینجا بعثتیه مقدسه التجا نمود و از برای هر یک از شما موهبتی جدید رجا و آرزو نمود
من از فضل اسم اعظم روحی لاحبّانه الفدا نیز امیدوارم که هر یک از شما آیت کبری
گردد و نشانه نبی از ملاء اعلی شود با رخی منور و قلبی مطهر و روحی مبشر با خلق
معاشرت نماید و با یاران آمیزش کند تا جمیع مشامهای باز رانحه جنت ابهی استشمام
نمایند و کل ناظرین آثار ملاء اعلی مشاهده کنند اللهم یا الهی و محبوبی و منائی قد
شاع ذکرک و ذاع امرک فی اقلیم انتسب الی مظهر رحمانیتک و اهتدی فیہ نفوس طیّبة
طاهرة فانجذبت بانوار الجمال و اشتعلت بنار الوصال و خضعت لآیات الجلال و نطقت
بالثناء و نادت باعلی النداء و ترنحت من صهباء الوفاء ربّ اجعلهم مستغرقین فی
بحارالعتا و خائضین فی غمار الموهبة الكبرى لیخرجوا لئالی الحقائق و المعانی من
اصداف هذاالبحر الذاکر المواجه علی الشواطی انک انت المقتدر العزیز المتعال لا اله الا
انت السیّوح القدوس العزیز الکریم ای جناب زائر علیک بهاء الله و ثنائه صبیّه صغیره را
مقابله شد

۲۲۰ خط کاتب امضاء و مهر مبارک

شیراز و سروسنان بواسطه جناب آقامحمد زائر احبابی الهی عیهم بهاء الله الابهی
جناب آقامیرزا عبدالوهاب جناب آقامیرزا کوچک جناب حاجی محمد ابراهیم جناب
آقاعبدالغفار جناب آقامیرزا محمود جناب آقامیرزا احمد علی جناب آقا منوچهر فارسی
جناب آقا رستم پولاد جناب محمد باقر
* ص 188 *

آقامیرزا فتحعلیخان آقاحیدرعلی آقامیرزا عیحمّد آقاعلی

نقی

آقامصطفی	آقا غلامعلی	آقامیرزا حسینعلی	آقامحمد حسنخان
آقا عباسعلی	آقا محمد حسین	آقامشهدی اسدالله	آقاعلی نقی
آقا علی	آقاسلیمان	آقا فیروز	آقامحمد حسن
حاجی محمد	آقامیرزا باقر	آقا مصطفی	آقامحمد باقر
آقامحمد حسن	آقا بقا	آقامحمد رضا	حاجی خان
آقاملامحمدعلی	آقاسبزیعلی	کربلانی شکرالله	استاد حسین
آقاعلی حسین	حاجی محمدشفیع	آقاعلی	آقاقبانعلی
آقاعزیزالله	آقاصادق علی	آقاعلی محمد	آقامیرزا حسین
عبدالله بهائی	آقامحمدباقر	آقامشهدی صفر	آقامشهدی خسرو
آقاعلی محمد	آقااستاد حسن	آقاقبادخان	آقاعوض
آقامیرکریم	آقامیرزا اسمعیل	آقامیرتاج الدین	آقامحمد علی
ملاآقای اصطهباناتی	خواجه زینالعابدین	میررسول	آقامیرغفار
آقاعباسعلی	آقاحسن	عبدالرحیم	جهانگیر جهرمی

* ص 189 *

آقاجی آقاعطالله آقامسیح آقا عنایت الله والده قیاد خان
والده مسیح الله والده میرزامحمدعلی صبیہ حاجی محمد ابراهیم
صبیه مرحوم حاجی عبدالباقی همشیره زاده

هوالله

ای یاران الهی خطه شیراز منسوب بحضرت بی نیاز و موطن کاشف اسرار بر اهل راز
از آن کشور ماه منور طلوع نمود و از آن اقلیم صبح منیر سطوع یافت مبشر جمال
مبارک ندای الهی را از آن ارض نورانی بلند فرمود و مژده موعود بیان را در احسن
القصص بابدع تبیان گوشزد شرق و غرب کرد اول ندا در آن خطه و دیار اوج گرفت و
نفوس مبارکه نعره ربنا انا سمعنا و منادیا ینادی للایمان ان امنوا بریکم فامنا برآوردند
حال الحمدلله آن کشور بنور عرفان منور است و آن خاک پیرتو عنایت حق تابناک. نفوسی
در آن ولایت مبعوث شده اند که منوعت مخلصینند و مغبوط جمیع روی زمین حال نهایت
آمال عبدالیهاء چنان که در جمیع شئون مظاهر موهبت حضرت بیچون گردند علمی
برافرازند که موج بر آفاق زند پری باز کنند که باوج اعلی رساند نطقی بگشایند که
بعظام رمیمه جان بخشد روحی بدمند که نفوس

میته را حیات جاودان مبذول دارد شجرهٔ غرس نمایند که سایه برامکان افکند خبائی بلند نمایند که آفاق را در ظل آرد موجی بزنند که در مکنون و لؤلؤ مخزون نثار کند گلشنی بیارایند که بنافه
* ص 190 *

که بنافه اسرار مشام مشتاقان را مشکبار کند شمعی برافروزند که روشنی ابدی بخشد جیشی برانگیزند که مدائن قلوب فتح نماید عیشی مهیا سازند که فرح و سرور ابدی مبذول دارد پس باید که هر یک از احبای الهی عود و رودی در دست گیرد و باهنگ بدیع در این گلشن الهی نغمه و سرودی زند و وله و شوری انگیزد ناطق باشد و منادی ناظر باشد و در کمال فرح و شادی ترتیل آیات هدی کند و تفسیر کلمات منزله از سما تهلیل و تکبیر بملکوت ابهی رساند و تسبیح و تقدیس بعالم بالا ابلاغ دارد وعلیکم البهآء الابهی الهی ان احبائک الاصفیاء و اولیائک الاتقیاء مشتبین الشمل فی البلاد و مفرقین الجمع بین العباد یضطهدهم اهل الجفاء و یفرط فیهم اهل الضغیة والبفضآء لم یزل یا الهی یکمنون لهم بالمرصاد و یرمونهم بسهام حداد و یرشقون علیهم السیوف بکل عناد رب احفظهم بملائکة کلاتک و احرسهم تحت رعیة عین عنایتک و اشملهم بلحظات طرف رحمانیتک و ایدهم علی هدایة خلقک و وفقهم علی خدمة عتبة قدسک و انصرهم بجنود الغیب و اکفهم شرور اهل الرب و طیهم بصیب سحاب عنایتک انک انت الکریم انک انت الرحیم و انک انت الله ذو الفضل العلیم ع ع
مقابله شد
۲۲۱ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

ص ۱۹۱ شیراز امة الله جماليه صیبه من ادرك لقاء ربه مرحوم میرزا عبدالحمید علیهما
بهآء الله

هوالله

ای ورقه موقنه نظم و نثر که از کلک و قریحه آن سرگشته و سودائی دلبر آفاق جاری شده بود ملاحظه گردید فی الحقیقه در نهایت ملاحظت بود بثنای جمال ابهی پرداز که ترا موفق بر نغمه سرائی در گلشن عشق الهی نمود و هذا من فضل من الرب الودود فی هذا الیوم المشهود فی ظل المقام المحمود امة الله المنجذبه والده را تحت ابهی برسان و همچنین سائر امآء رحمن را و بگو الیوم روز فیروز اشتعال و انجذاب و خرق حجابتست ع ع
مقابله شد

شیراز جناب حاجی محمد علی زائر علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای بنده آستان حق نامه شما رسید ولی از عدم فرصت مجبور بر اختصار جوابم و معذورم ای ثابت بر پیمان نامه جناب رستم فولاد و جناب بهرام رسید محض حبور شما و سرور ایشان چند سطری جواب مرقوم میگردد بجناب میرزا علی آقا تحیت ابدع ابهی ابلاغ داری هر چند عبدالها نهایت اشتیاق بملاقات ایشان دارد ولی چون موسم تابستانست * ص 192 *

تابستانست و گرمای این صفحات شدید لهذا بوقت دیگر مرهون دارند بجناب آقاعلی اصغر و جناب آقاشکرالله و جناب آقاعبدالغفار و جناب آقامحمدابراهیم زائر و جناب محمود عصّار و جناب عبداحسین خیاط از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید و تحیت ابدع ابهی برسانید و بگوئید ای یاران ایام ایام امتحانست و وثبات و استقامت مانند آب حیوان سبب زندگی سرمیست و حیات ابدی الحمدلله شما از پادۀ ثبوت سرمستید و در بزم استقامت ساغر عهد و پیمان در دست لهذا بدرگاه احدیت شکرانه نمائید که بچنین موهبتی موفّعید و بچنین عنایتی فائز ای جناب زائر یکسفری بسروستان بنمائید و یاران را از صهباء میثاق نشئه بدیعی ببخشید و تحریرص و تشویق استقامت بر امر نور مبین بنمائید و تحریرص بر تبلیغ و نشر نجات الله بفرمائید بلکه انشاءالله سروستان سروهای بیهمال باغ الهی گردد و آن کشور بنفحات قدس معطر و بنور هدی منور شود و علیک البهّاء الابهی ع ع
مقابله شد

جناب حاجی محمد علی زائر علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید مضمون چون دلالت بر عبودیت حضرت * ص 193 *

بیچون مینمود سبب فرح و سرور گردید از الطاف حضرت حیّ قیوم امیدوارم که روز بروز بر استقامت و ثبوت پیفزائی اما حضرت منشادی از این جهان فانی آزادی یافت و بجهان الهی شتافت از شدت احتراق و کثرت اشتیاق سراج در زجاج امکان گنجایش نیافت لهذا بجهان بیبایان عروج نمود یا لیت کنت معه فافوز فوزاً عظیما باری فرشهای حاضر مقام اعلی را ارسال دارید و یک قالی بزرگ که منقوش باینکلمه باشد مقام اعلی بافته

بعد ارسال دارید اما الوان قرمز و زرد در آن نباشد و طرح هرنوع که مصلحت میدانید و جناب میرتاج الدین صباغ با دو سلیل اجازه دارند که یک قطعه فرش بجهت مقام اعلی ارسال دارند و جناب محمود را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید و جناب میرکریم ماذون حضورند و علیک البهآء الابهی ع ع
مقابله شد
۲۲۴ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

ش جناب عبدالغفار علیه بهآءالله الابهی

هوالبهی

ای بنده حق بعبودیت آستان جمال ابهی چون عبدالبهآء قد بغراز و به بندگیش قیام کن تا پیام الهی بگوش جان بشنوی و پیک سروش را متتابع الورد بینی قسم باسم اعظم روحی لاحیاته الفداء
* ص 194 *

عبدالبهآء آرزوی عبودیت آستانش مینماید ولی افسوس که چنانچه باید و شاید تا حال موقف نگشته بلکه بدعای دوستان و تصرع یاران موقف بر این موهبت عظمی گردد استدعای حضور زیارت تربت پاک نموده بودی الان قدری موانع حاصل علی العجاله بنشر نفعات مشغول شوید تا زمانش آید و علیک التحیه والتشاء ع ع
مقابله شد ۲۲۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهآءالله الابهی
جناب آقاعبدالغفار شیرازی علیه بهآءالله الابهی

هوالله

ای بنده جمال ابهی مکتوب واصل شد و فریاد و فغان مسموع گشت جمیع مراتب و شئون را فدای حضرت بیچون کن و از جمیع قیود وارسته باش و بتأیید جنود حق دلپسته ایام میگردد و هر حال منقضی شود و هر عزت و راحتی منقرض گردد جان و جان و وجدان و روح و ریحان و فضل حضرت یزدان باقی و بر قرار جناب آقا محمد علی عمو را تکبیر ابدع ابهی برسان و علیک التحیه والتشاء ع ع
مقابله شد

۲۲۶ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

هو الله
شیراز بواسطه
عبد الغفار
آقامیرزا هادی
علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده الهی آنچه مرقوم نموده بودی ملحوظ گردید الحمد لله مؤمن بحضرت
* ص 195 *

پروردگاری و موقن بخداوند بیهمتا ثابتی و مستقیم و متضرعی و مستدیم دلگیر مشو
اسیر مگرد زیرا ربّ خبیر ترا دستگیر شود و اجر جزیل عنایت فرماید تا توانی رضای پدر
بطلب و از عدم التفات ملال مجو زیرا حقوق ابوبن مقدّس است ولو جفا روا دارند و
نظر بقدردانی منما بلکه اعتماد بر وعد پروردگار کن او خبیر است و علیم ان ربک لعلی
صراط مستقیم از حق میطلبیم که آنچه خیر است از برای تو مقدر فرماید و بالطف
خداوندیش بنوازد و اجر خدمت مهیا سازد ولی تو باید چنان آتشی از محبت الله در دل
برافروزی که در هیچ حالتی ملال نیاری چه که عالم کون اساسش بر تبدل و انقلابست و
بسبب کون و فساد از حالی بحالی انتقال نماید و استمرار ممتنع و محال کن ناراً موقده
نورانیّه تحرق کل حجاب و تلتهب فی ارکان العالم هذا هو الفوز الاعظم و علیک التحیه
والتشاء ع ع
مقابله شد

۲۲۷ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطه جناب بشیر الهی جناب عبدالغفار شیرازی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و نهایت سرور حاصل گردید الحمد لله یاران الهی در
وجد و طربند و بخدمت مشغول و میکوشند تا قبالة خانه حضرت حجت علیه بهاء الله را
از ورثه بهر
* ص 196 *

بهر وسیله است اتباع نمایند و ارسال کنند قضیه خانۀ حضرت حجّت بسیار مهمّ است و مراد ما چنین است که مشرق الاذکار گردد لهذا البتّه همتّ فرمایند در خصوص مکاتیب مرقوم نموده بودید این عید تا بحال بجان عزیزت فرصت نیافته انشاءالله عند الفرصه قصور نخواهد گشت مطمئن باش ع ع
مقابله شد
۲۲۸ کاتب مهر و امضاء مبارک

هوالله

شیراز سروستان جناب حاجی محمد علی علیه بهاءالابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه مسطور ملحوظ شد مزده ترقی و انتشار امرالله در سروستان داده بودی که بهشت برین شده و باغ علیین گشته و احبای الهی جمعند و ترتیل آیات میگردد و مستمعین در نهایت وله و انجذابند امید است که سروستان بوستان سروران گردد و گلستان حقایق و معانی شود و حدیقه انبیه اسرار گردد همواره فقرا در ساحت کبریا معزز و محترم بوده و هستند زیرا مورد بلا و معرض انواع ابتلا هستند با وجود این در یوم ظهور صابر و شکور و در نهایت سرورو حبورند امة الله الموقنه والده را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید و همچنین ضلع محترمه را ذکر سید ابرار شعله انوار حضرت مرتضی نموده بودید آن نام مبارک چون

* ص 197 *

قرائت گردید چنان حالتی دست داد که بی اختیار بتحریر جواب پرداختم والا ابداً فرصت نداشتم این از برکت نام مبارک آن شهید سبیل جمال ابهی است علیه التحیه و علیه البرکه و علیه السلام و علیه الثناء و علیه فی الملاء الاعلی مناجاتی در ذیل این نامه بخط خود مینگارم و هذه من برکه ذلك الشهيد السراج الوهاج المتلئلاً فی الزجاج الابدی
مقابله شد
على القرون والاعصار و عليك البهاء الابهی

۲۲۹ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالبهی

یا ربّ العهد و الميثاق تری عبدک اسیر الاشواق ملتهب الاحشاء بنار الفراق فی اشدّ
احتراق قریب المحاق قلیل الخلاق خلیع العذار بحبّک فی الآفاق خلیف الجوی عظیم
الاسی سمیر اهل الاشراق ربّ ثبت قدمی علی صراط الوفاق و احفظنی من العاق و
اجعل لی مخرجاً وارزقنی و احبّک من رحمتک و احرسنی فی کھف حمایتک و هل لنا
غیرک من واق ربّ اجعل المعسور میسورا و البیت المظمور معمورا و الید المغلوله
مبسوطه و القلب المكسور مجبورا و السراج المخمود موقوداً انک انت المقتدر العزیز
الکریم ع ع

مقابلہ شد
مناجات خط مبارک است

* ص 198

جناب حاجی محمد علی زائر علیہ بہاء اللہ الابھی
سروستان

هواللہ

ای یار مہربان نامہ مسطور وصول یافت و مضامین دلنشین سبب فرح و سرور قلوب
مشتاقین گشت زیرا دلیل بر خلوص نیت و سمو مقصد و ارتباط قلبی و انجذاب وجدانی
بود یقین است کہ مورث شادمانیست قالیہائی کہ بجهت مقام اعلی ارسال نموده بودید
رسید و متممش انشاء اللہ نیز میرسد جمیع یاران را تحیت ابدی ابھی فرداً فرداً برسان و
بیان اشتیاق کن تصرع بملکوت ابھی شد و از برای جناب محمد رفیع رجای عفو و غفران
گشت و همچنین بجهت امه اللہ زکیہ طلب بخشش و آمرزش گردید و علیک بہاء اللہ
ع ع

مقابلہ شد
۲۳۰ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطہ جناب بشیرالہی

جناب حاجی محمد ابراہیم زائر شیرازی علیہ بہاء اللہ الابھی

هواللہ

ای زائر مشکین نفس نامہ شما رسید بشارت بھودی از علیلی بود سبب سرور قلبی
گردید در پناہ حفظ و حمایت حق ہموارہ محفوظ و مصون باشید ہیچ قصوری نداری
* ص 199

و فتوری نمودی مظهر الطاف موفوری و مشمول نظر عنایت ربّ غفور عدم ارسال
مطلوب از کثرت مشاغل و غوائل است بجان عزیزت قسم که ابداً فرصت ندارم و این
نامه‌ئی که الآن مرقوم میشود از کثرت محبت است والا مجال معدوم جمیع یاران الهی را
تحت ابداع ابهی برسان و علیک البهآءالابهی ع ع
مقابلہ شد
۲۳۱ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

سروستان جناب میرزاآقا بابا علیہ بہآءاللہ الابہی

ہواللہ

نامہ شما رسید و چون قرائت گردید بدرگاہ احدیت تضرع و زاری شد و طلب تأیید
نامتناہی گردید مطمئن بفضل باش و معتمد بر الطاف حضرت رحمن آقاسہراب اجازہ
زیارت بقعہ مبارکہ دارد ولی در زمستان آیندہ و علیک البهآءالابهی ع ع
مقابلہ شد

۲۳۲ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

۱۵ ج ۱

۱۳۲۸ سروستان جناب میرزا حسینعلی علیہ بہآءاللہ الابہی

ہواللہ

ای یاران حقیقی لوح مسطور منظور گردید و قلب مشتاق فرح و انبساط یافت الحمدللہ
آن نفس نفیس منجذب ملکوت انوار شد و مطلع بر اسرار گردید پرتو شمس حقیقت
مشاہدہ نمود و مائدہ آسمانی آمادہ یافت از چشمہ حیات ابدیہ نوشید و از الطاف ملیک
وجود بہرہ
* ص ۲۰۰ *

و نصیب برد دیدہ بینا گشود و مشاہدہ آیات کبری کرد و بآنچہ متہی آمال
اولیا و اصغیا بود فائز گردید طوی لک من هذا الفضل العظیم بشری لک من هذا الفوز
المبین و علیک البهآء الابهی ع ع
مقابلہ شد
۲۳۳ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

ای پروردگار پدر این بندہ جدید را در ملکوت عزیز نما و مادر این محرم راز را در اوج
اسرار پرواز دہ غریق دربای غفران نما و رفیق اہل ایمان کن پرتو عنایت بخش و فیض

عفو و احسان رایگان فرما توئی آمرزنده و غفور و رؤوف و مهربان لاله انت الرحمن الرحیم

جناب زبیرا محمد علی خان را از خوان نعمت آسمانی برخوردار کن و تحیت مشتاقانه عبدالبهاء برسان و جناب میرزا نظام را بالطف عزیز علام نوید بخش و بعنایت مخصوصه امید ده امیدم چنانست که جناب آقامحمد صادق نخلی باسوق گردد و نوری بارق شود و نجمی بازغ گردد و جناب جهانگیر خان را طالع کوکب منیر است وحی قدیر مجیر و دستگیر و جناب آقا سلمان ثابت بر عهد و پیمان و مظهر الطاف رب رحمان و جناب خلیل در این بساط جلیل است و مشمول الطاف حضرت رحمان و رحیم میرزاعلی آقا مورد

الطاف بیمتھی و مشمول عنایت جمال ابھی ع ع مقابله شد

شیراز سروستان بواسطه جناب بشیرالهی
جناب حاجی محمد علی زائر شیرازی علیه بهاءالله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه مرسول رسید دلالت بر مسرت دل و جان و فرح
* ص 201 *

و شادمانی وجدان داشت بدرگاه احدیت بشکرانه پرداختم اما شکایت فرموده بودید که مدت چهار ماه است که بنامه ئی موفق نگردیدم ای یار عزیز این قصور از من نیست از کثرت اشغال جمهور است اگر بدانی عبدالبهاء در چه دریا مستغرق البتّه معذور داری اگر جمیع اوقات خویش حصر در قرائت نامه نمایم البتّه از عهده بر نیایم دیگر ملاحظه فرما که مشاغل و شواغل و مشاکل سائره چه خبر است اجازه حضور برای جناب غلامرضا و جناب آقا حسین و اولاد امجاد خواسته بودید حال وقت مناسب نه انشاءالله در سنه آتیه اجازه داده خواهد شد جناب آقا شکرالله و جناب آقامیرزا محمود عصار و جناب آقامیرزا احمد و جناب آقا علیمحمد و جناب حاجی محمد ابراهیم و جناب آقامیرزا رجبعلی و جناب آقا میرزاعلی آقا و جناب میرزا ابوطالب عصار و جناب آقامیرزا سیدعلی جمیع را از قبل من با نهایت اشتیاق تحیت ابدع ابھی ابلاغ دارید ع ع مقابله شد

۲۳۴ خط کاتب و مهر وامضاء مبارک

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاسید حسین
سروستان جناب حاجی محمد علی زائر شیرازی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ایثابت بر پیمان نامه شما رسید الحمدلله دلیل جلیل بر استقامت در سبیل الهی بود و
برهان شوق و اشتیاق جانفشانی در سبیل تیر آفاق سئوالی نموده بودید در قرآن
میفرماید خذوا حذرکم اگر

* ص 202 *

اگر قافله بی کوه و صحرای پر خطری طی خواهد البته باید محافظه خویش را ملاحظه
نماید و آنچه سبب حفظ است منظور دارد احبای الهی باید با جمیع ملل و طوائف عالم
بنهایت محبت و مهربانی جانفشانی کنند و با کمال صبر و تحمل حذر از تعرض ناگهانی
نمایند خلق بغایت بی انصافند و طبیعتشان مجبول ظلم و اعتساف احبای سروستان فی
الحقیقه از راستانند و عاکفان آستان عبدالههء نهایت رضا از آنان دارد که بکمال حب و
خلوص بخدمت آوارگان نبریز پرداختند فی الحقیقه جان عزیز فدا نمودند و در جمیع
موارد از هیچ بلایی خوف و پرهیز نمودند اینست صفت ثابتان اینست سمت راسخان بر
عهد و پیمان جناب آقامحمد باقر و جناب میرزا رجبعلی و جناب میرزاعلی آقا و جناب
میرزا اسمعیل را از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید

روزی بالنیابه از ایشان زیارت روم و سر باستان نهم و طلب عون و عنایت کنم که تأییدی
جدید رسد و توفیقی بدیع حاصل گردد و همچنین جناب حیدرعلی سروستانی را از قبل
این فانی محبت و مهربانی مجری دارید و عذر نامه مخصوص منفرداً بخواهید بجان عزیز
او ابداً فرصت ندارم والا مکتوب مفصل مرقوم مینمودم و علیهم و علیک بهاءالله الابهی ع
مقابله شد ۲۳۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه بشیر الهی

سروستان جناب حاجی محمد علی زائر شیرازی ساکن سروستان علیه بهاءالله
الابهی

* ص 203 *

هوالله

ای زائر مشکین نفس نامه شما رسید و مضمون مفهوم گردید معلومست سزاوار باران
عبودیت آستان است و خدمت بعتبه مقدسه مبشر جمال رحمان چهار پارچه فرش که

بجهت مقام اعلی فرستاده اید میرسد و انشاءالله بیافتن خامس موقّعی میشوی مرقوم نموده بودی که سروستان گلستان بهائی شده این خبر روح و ریحان آورد امید و طید است روزبروز این موهبت مزداد گردد جناب آقامیرزا اسمعیل را از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغدارید و امة الله بهیه خانم را تحیت ابدع ابهی برسانید و امة الله والده بهیه خانم را احترامات لازمه مجری دارید و جناب کربلائی آقا شکرالله و جناب علی آقا و جناب عطا و جناب فیروز و جناب آقامیر فتحعلیخان و جناب آقامیرزا رجبعلی و جناب آقامیرزا آقا و جناب غلامحسین را از قبل من نهایت محبت و مهربانی و غایت اشتیاق وجدانی ابلاغ دارید دانمّا بذکر ایشان مشغولم و از الطاف خفی الالطاف امید عنایت دارم این ابّام حکمت اقتضای حضور نماید انشاءالله در وقتش اذن داده میشود ای ثابت بر پیمان نامه شما درخصوص اعانه بازماندگان شهدا قرائت گردی بموجب دستورالعمل جناب افنان آقامیرزا خود به نیریز بردید و آن مبلغ اعانت را بااطلاع جناب حاجی محمد رحیم و اعضای محفل روحانی

* ص 204 *

تقسیم بین فقرا بازماندگان شهدا نمایند و هرچه زودتر تقسیم و توزیع گردد بهتر است و اما حرکت بعضی از دوستان یزدان باین سمت حال موافق حکمت نیست دو نفر در موسم بهار بیابند تا پیش از تابستان مراجعت کنند ای پروردگار علی ناکام هدف رصاص گردید او را بدخول در ملکوت خویش بزرگوار کن و بیامرز و ببخش و در جهان خویش سرافراز کن انک انت الکریم العزیز الوهاب ای ثابت بر پیمان سنوال نموده بودی که اگر نفسی چیزی نذر عبدالبهاء نماید نتایج و مداخل آن باید ارسال شود یا بغفرا توزیع گردد صرف آن باید در هر صورت باذن و اجازه باشد و همچنین صرف حاصلات اوقاف حال باید باذن و اجازه عبدالبهاء باشد بجناب والده تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار علیک البهءالابهی ع ع مقابله شد ۲۳۶ خط کاتب و مهر و امضای مبارک

هو

ای زائر مشکین نفس نصف شب است اندک فرصتی حاصل چند کلمه تحریر می گردد آنورقه مظلومه مقتوله در پناه حضرت مقصود مرحومه و مغفوره است اما انقلاب احزاب عاقبت نماند و اضطراب زائل گردد ولی بعد از مشقّات زیاد ع ع مقابله شد ۲۳۷ خط مبارک

* ص 205 *

ش جناب حاجی ابراهیم علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند

ہوالابہی

الہی تری ان اسراء سبیلک عطاشاً ظمآء بسلیل عنایتک فقرآء باب احدیتک جیاعاً لنوال
نعمآء التی نزلت من سماء رحمتک ای ربّ اید عبدک هذا علی ما تحب و ترضی و
الانقطاع عما سواک بحولک و قوتک و نور وجهہ بین ملاء الانشاء بنورک الذی تختص
برحمتک من تشاء و اجعلہ آیة توحیدک و رابۃ تغریدک و منشأ انوار حبک بین خلقک انک
انت العزیز المحبوب والہیاء علیک ع ع
مقابلہ شد
۲۳۸ خط مبارک

ہوالابہی

بواسطہ حضرت عندلیب جناب عبدالغفار شیرازی و احبابی سروستان جناب استاد نجف
جناب آقاعلی جناب آقامحمد باقر جناب آقامحمد حسنخان جناب مشہدی نظرعلی
جناب مشہدی خسرو جناب آقاغلامحسین جناب مشہدی صفرعلی جناب حاجی
محمد ابراہیم
علیہم بہاء اللہ الابہی

ہوالابہی

ای ثابتان ای راسخان فیض میثاق آفاق را زندہ کرد و اہل اشراق را بشوق و شغف
آورد
* ص 206 *
آورد ولی اہل شقاق را بلآء عظیم و عذاب الیم بود چون بوم مشنوم بانگ شوم بلند
نمودند و در زوایای خرابہ ہا یعنی قلوب اہل نفاق شبہات نمودند پس شماہا کہ
بازہای سپید اوج اعظمید و عقابہای کہسار میثاق جمالقدم نگذارید کہ این جغدان
بیحیا میدان گیرند و صوت مشنوم را در آن مرز و بوم بلند نمایند اگرچہ جنود ملکوت
جمال معبود مهاجم براین قوم عنود است و عنقرب لاتسمع لهم صوتاً و رکزاً و لاهمساً
و ترونہم فی خسران مین ع ع
مقابلہ شد
۲۳۹ خط مبارک

شیراز بواسطه بشیرالهی
آنا ب میرزا ابوالحسن نیریزی جناب آقا عطاءالله جناب آقا امان الله جناب
آقا عزیزالله علیهم بهاءالله الابهی
مناجات طلب مغفرت بجهت ابوی این نفوس مبارکه
در اینجا باید لوح نمره نوشته شود لوح چهل و یک نوشته شده

هوالله

الهی الاهی هذا عبدک الذی اشتعل بنار محبتک و انجذب بنفحات قدسک و لبی لندآک و
خدم عتبتہ رحمانیتک و ترک سلالة طيبة متضرعة الی ملکوتک فصعد الیک راجياً فضلك و
عطآک متمنياً قرب جوارک مستغراً للآثام معتمداً علی عفوک یا عزیز و یا علام رب
اغرقه فی بحرالعفران و طهره من وضر العصیان واحفظه من النیران و ادخله فی
بحبوحة الجنان واخلده فی جنة الرضوان و ارزقه لقآک یا عزیز یا مآن و انزل البركة
علی سلالته الطيبة و اجعلهم من سهام الشبهات و اشرح صدورهم بالآیات البينات و
انطقهم بالثناء علیک و التوجه الیک و التصرع بین یدیک آک انت الکریم آک انت الرحمن
الرحیم عبدالبهاء عباس مقابله شد ۳۴۱ خط کاتب و امضا
مبارک

بواسطه بشیرالهی جناب حاجی محمد علی علیه التحية والثناء
۲۴۰ خط کاتب و امضا مبارک

هوالله

نامه شما رسید ذکر مطلوب خویش را نموده بودی که هزار و پانصد تومان سند در
دست داری اگر چنین است آنشخص در حق شما بنهایت تمکین خوشرفتاری مینماید و
بکمال خوشی دین شما را میدهد زیرا حسن رفتار دارد و البته شما بحسن رفتار موقفید
در اینصورت میان شما و او خلافي نخواهد ماند من ایشان را سفارش مینمایم که
بهیچوجه کوتاهی ننماید و علیک التحية والثناء عبدالبهاء عباس مقابله شد
بواسطه جناب بشیرالهی جناب حاجی محمد علی زائر علیه بهاءالله الابهی

هو الله

ای بنده جمال مبارک نامه شما رسید در وقتی که نهایت اشتغال
* ص 208 *

موجود با وجود این مختصر جواب مرقوم میگردد شش پارچه قالی مقام مبارک
حضرت اعلی را بفرستید با یک پارچه یک ذرع و نیم ولی بواسطه شخصی که بهمراه
خود نقل نماید اگر تسلیم کشتی شود دو سال طول میکشد تا برسد و شاید نیز گم شود
بجناب میرزا محمود عصّار و جناب رستم جوانمرد و جناب فریدون رستم و جناب حاجی
محمد ابراهیم و جناب شهریار فارسی جمیعاً تحیت ابدع ابهی با نهایت اشتیاق ابلاغ دارید
و علیک البهَاء الابهی عبدالبهَاء عبّاس مقابله شد ۲۴۲ خط کاتب و امضاء
مبارک

شیراز بواسطه جناب آقاسید حسین افنان علیه بهَاء الله جناب حاجی عبدالغفار علیه
بهَاء الله الابهی
مناجات طلب مغفرت بجهت مرحوم حاجی محمد ابراهیم و حاجی محمد علی و امة الله
عشرت بیگم علیهم بهَاء الله الابهی

هو الله

الهی الهی انّ هولاء تبتلوا الی ملکوتک الابهی و تضرعوا الی جبروتک الاعلی و تمنوا
الفناء شوقاً للقا و ترکوا الحیض الادنی توقاً الی الارج الاعلی ربّ انهم ضعفاء قوهم
بقدرتک و فقراء اغنهم بموهبتک و اذلاء عرزهم بسلطتک لیس لهم ملجأ الا انت و لا
ملاذ الا انت انت کفهم المنیع و ملجأهم الرفیع الهی ارجوک الرحمة و الغفران لاناس
ترکوا الاوهام و تطهروا من العصیان و تبرؤا من اهل الطغیان و تنزهوا ممّا لا ینبغی فی
ایام ظهورک بین
* ص 209 *

الانام ربّ اکرم لهم المثوی و وسع لهم المأوی و اقض لهم المأرب و هبّ لهم
الرجائب و لاتحرمهم من اللطاف و لاتجعلهم محرومین من ابداع الاوصاف جللهم یا الهی
و کملهم و اوف بعدک و تمّم وعدک و خض بهم فی بحار الغفران و اغرقهم فی العمق
الاکبر بالفضل و الاحسان حتّی یرتلوا آیات عفوک فی ملکوت الاسرار و ینشروا بالفیض
المدرار فی عالم الانوار انک انت العزیز الغفار عبدالبهَاء عبّاس مقابله شد

۲۴۳ خط کاتب و امضاء مبارک

۲۸ ع ثانی ۱۳۳۸ حیفا

جناب حاجی محمد علی شیرازی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر عهد الحمد لله موفق بر آن شدی که خدمتی بمقام اعلی نمائی این فرش در
ساحت عرش مفروش شد و تا ابد الآباد خدمات معروف مذکور فاشکر الله علی هذا
الفضل المشهود و علیک البهَاء الابهی ع ع
مقابلہ شد

۲۴۴ خط مبارک

هو الله

بواسطه حضرت رفیع علیه بهاء الله الابهی جناب حاجی محمد حسین بزّاز علیه بهاء الله
الابهی

هو الابهی

ای بنده حق شفقّت خداوند را دقت نما که یارانش فراموش نکردند
* ص 210 *

تفقد دلها کند و و تطیب خاطر یاران مدد فیضش رسد و جان پژمرده را تر و تازه فرماید
سکوت را تبدیل بنطق کند و سکون را مبدل بانجذاب و شوق درخت امید را طراوت و
لطافت جدید احسان کند و فقدان شدید را وجدان بدیع بخشد مرغ سحر را دو باره نغمه
روح پرور بخشد و خزان حرمان را بنوبهار گل وریحان مبدل فرماید شکر کن خدا را که باز
طوطی شکر شکن گشتی و یعقوب آسا دیده از یمن پیرهن گشودی و رائحه قمیص
یوسف الهی مشام معطر نمودی و علیک التحیة والثناء ع ع
۲۴۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک
مقابلہ شد

هو الله

جناب ملا قاسم کناره ئی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده آستان مقدّس در نامه آرزوی خدمت یاران الهی نموده بودی از این جهت جواب نامه را بخط خود بکمال تعجیل و سرعت مرقوم مینمایم زیرا این آرزو نهایت آمال عبدالبهاست امیدم چنانست که هر دو موفق باین موهبت گردیم ع ع
مقابلہ شد
۲۴۶ خط مبارک

هو الله

جناب زائر آقامحمد حسین علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

الهی الهی هذا طیر طار من اوکار الاوطان قاصداً مطار طیور القدس فی البقعة النورآء
* ص 211 *

و کلت اجنحته و تعبت قوادمه و اباهره حتّی نزل بهذه الحديقة الغلبا و تشرف بالانتقال
الی هذه الغیاض و الریاض المبهجة للاعین و الابصار ای ربّ هذا الطیر منکسر الجناح
خافض الابهار و الخوافی لاجبائک فیکل الاوان اجعل له وکراً فی فروع ایکتک التی
اخفیته عن ابصار الغافلین عن الطافک الظاهرة للابرار ای ربّ خصتصه بنعمتک السابغة
و رحمتک السابغة انک انت الکریم الرحیم الوهاب ای ربّ ثبته علی دینک و ایده علی
الاستقامة الکبری انک انت المؤید الموفق العزیز الرحیم الوهاب ع ع مقابلہ شد ۲۴۷
خط مبارک

بواسطه حضرت بشیر الهی

جناب آقا فضل علی شمس آبادی علیه بهاءالله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه رسید و بدرگاه احدیت عجز وزاری گردید که اسباب راحت و آسایش
دل و جان از برای تو مهیا گردد تعلق باین عالم جائز نه و تعمق در این دریا لزوم ندارد
باید انقطاع الی الله یافت تا راحت جان و آسایش دل و فراغت قلب و اطمینان نفس
حاصل گردد از برای ایامی چند زندگانی اندوه و غم و ناکامی جائز نه فنعم ما قال
بگذرد این روزگار تلختر از زهر بار دگر روزگار چون شکر آید از فضل حق راحت اینجهان
نیز از بهر تو طلبم

۲۴۸ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 212 *

و علیک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

شیراز بواسطه جناب بلور فروش
جناب فضلعلی علیه بهآء الله

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه رسید دست تضرع و ابتهاج بدرگاه ذوالجلال بلند گردید و از برای آن ثابت راسخ طلب عفو و غفران از درگاه احدیت شد و طلب تائید گردید تا موفق بخدمت یاران الهی شوی مؤید بغیض نامتناهی این ایام سفر بسهولت ممکن نه لهذا مرهون بوقت دیگر فرمایید و از درگاه حضرت رحمن عفو و غفران از برای ابوبن و قرینه محترمه و امها شد امیدوار بفضل حق باشید از احبای شمس آباد ستابش زیاد نموده بودید من نیز از الطاف خدا طلب موهبت و عنایت از برای یاران شمس آباد مینمایم بفریدون پسر رستم از قبل من تحیت محکم برسان زیرا بسیار او را دوست دارم و امیدم چنانست که فیض و برکت حاصل گردد و علیک البهآء الابهی

۱۲ شوال ۱۳۳۷ عبدالبهآء عباس مقابله شد
شیراز بواسطه حضرت بشیرالهی جناب فتحعلیخان علیه بهآء الله الابهی

۲۴۹ خط کاتب امضاء مبارک

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و از وقایع مؤلمه شمس آباد اطلاع حاصل گردید
الحمد لله
* ص 213 *

بیک درجه بعضی از یاران محفوظ ماندند و البته تا بحال دست تطاول عدوان کوتاه گشته و بقول سعدی پلنگان رها کرده خوی پلنگی این عصبه اشقیا ایران را ویران نمودند و عنقریب بزبان و خسران مبین مبتلا گردند عبدالبهآء نتایج این محن و رزایا را در بدایت انقلاب مشروح و مفصل بکل نگاشت حتی باعظام رجال و وزراء طهران ولی گوش اگر گوش من و ناله اگر ناله تو آنکه البته بجائی نرسد فریاد است چنانکه در

قرآن میفرماید فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا آنچه ما بیش گفتیم آنها کمتر شنیدند عاقبت بخسران مبین افتادند علماء رسوم یعنی آیات متشابهات غیر محکمت و حجج غیر بالغه مداخله در امور جمهور نمودند و در سیاست ریاست یافتند و عاقبت کار را باین درجه رساندند هنوز مردم متنبه نمیشوند ضعف الطالب و المطلوب و یعدون من دون الله ما لا ینفعهم و لایضرهم بنس المولى و بنس العشير و علیک البهآء الابهی ع ع مقابله شد ۲۵۰ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه امة الله زائرہ جمیلہ علیہا بهآء الله الابهی
شمس آباد تخت جمشید جناب فضلعلی خان جناب کربلانی عباسعلی جناب میرزا آقا
جناب میرزا ابوالحسن جناب میرزا عبدالحسین جناب حسنخان جناب محمد حسن
جناب آقامحمد جناب آقامحمد ابراهیم جناب شاه مراد جناب محمد میرزا جناب استاد
جعفر جناب جمعه و سعدی و نوروز علی و کربلانی خلیل و کربلانی ملک محمد و
محسن و سید کاظم و قربان و قاسم و مصطفی خان و مرتضی خان و ضیاء الله
* ص 214 *

و ضیاء الله خان علیهم بهآء الله الابهی

هوالله

ای یاران مهربان عبدالبهآء نامه جمعی از شما وصول یافت و سبب حصول سرور گردید در نهایت حلاوت و ملاحظت بود زیرا دلیل بر رقت قلوب و انشراح صدور بود عبدالبهآء بنهایت خاکسار بحضرت باری عجز و زاری مینماید که آن نفوس بزرگوار مورد الطاف پروردگار گردند واله و شیدا و سرگشته و پر سودا آهنگ عشق جمال ابهی بنوازند و در آن اقلیم شور و ولهی پردازند تا نفوس مرده زنده گردند و گیاههای پژمرده برشحات ابر عنایت تر و تازه شوند و علیکم البهآء الابهی ۹ محرم ۲۳۸ عبدالبهآء عباس مقابله شد ۲۵۱ خط کاتب و امضاء مبارک

بواسطه جناب میرزا هادی افنان و حضرت محمد میرزا شمس آباد صهر حضرت میرزا فضلعلی علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان از عدم مجال مختصر مرقوم میگردد مطمئن بفضل و عنایت حضرت مقصود باش که زراعت پر برکت گردد عاقبت نهایت راحت حاصل شود تا توانی بر ثبات و استقامت بیفزای
* ص 215 *

از امتحانات فتور میار پر سرور و حبور باش و امید بفضل موفور دار بامه الله روحا صبیّه جلیله حضرت عندلیب تحیت ابدع ابهی برسان و بصیایای صغیره و اولاد کوچک آن مقرب درگاه کبریا نهایت نوازش نما از الطاف الهی امیدوارم که موفّق پیروش آنان گردی و علیک البهآءالابهی ۲۷ محرم سنه ۱۳۳ بهجی (عکا) عبدالبهآء عباس مقابله شد ۲۵۲ خط کاتب و امضاً مبارک

هوالابهی

بواسطه علیرضاخان

ش جناب فتحعلی خان شمس آبادی علیه بهآءالله الابهی

هوالابهی

ای بنده حضرت احدیت ناری از محبت الله در دل و جان بر افروختی تا جهانی را پر شعله نمائی مطمئن باش که چون شعله طور دلیرا بوله و شور آرد چنان حرارتی ظاهر نماید که عاقبت آن شعله جهانگیر گردد و آن روشنائی بفلک اثیر رسد پس ای یار رحمانی تا توانی آتش را مدد از نفحات قدس ملکوت ابهی خواه و شدت حرارت بطلب تا تأثیرش بدورتر رسد و بحر و بر را احاطه کند والبهآء علیک ع ع
مقابله شد

۲۵۳ خط مبارک است

* ص 216 *

امه الله ضلع حاجی میرزا علیها بهآءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ایورقه طیبه امآء الهی و کنیزان حریم رحمانی باید بصفتی و سمتی در بین

نساء عالم مشهور گردند که مشار بالیان باشند و مشهوره بین طوائف نسوان یعنی بعفتی فائق و عصمتی ثابت و ایمانی کامل و بیانی واضح و نطقی فصیح و برهانی بدیع و علوی رفیع معاشر شوند تو از خدا بخواه که جمیع این مواهب را دریابی ع ع مقابله شد

۲۵۴ خط مبارک است

هو الله

ش جناب اسدالله علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای متوجه الی الله شمع هدایت چون بغیض جمال مبارک در زجانه امکان روشن شد انوار ساطعش آفاق را احاطه نمود و شعاع لامعش ابصار را بصائر کرد قوت قدیمه قدرت حادثه را البته فائق آید و تجلی نور ظلمات دیجور را مهلک و کاشف گردد والیهاء علیک ع ع مقابله شد

۲۵۵ خط مبارک است

* ص 217 *

هو

ربّ ووقّ هؤلاء المنفقین علی کلّ فی الملک و الملکوت بما انفقوا اموالهم فی تأسیس اول مشرق الذاکر فی قطب الدیار و بذلوا ما عطیتهم فی بناء بیتک المعمور بسعی مشکور و لهم الجزاء الموفور یا مؤبّد کلّ عبد شکور ربّ و عدت عبادک فیکل حسنه عشره امثالها فقدّر لهؤلاء اضعاف امثالها العشره و اجعل البرکة تحیط بهم من کلّ الجهات یا ربّ الآیات انک انت المعطی العزیز الوهاب و انک انت الکریم الرحیم و قد سبقت منک الکلمات فی حقّ کلّ من قام علی نصره امرک من اهل الارض و السموات یا ربّ الخیرات و قابل الحسنات و المبرّات ع ع مقابله شد ۲۵۶ خط کاتب و امضاء مبارک

جناب افنان آقاسیدآقا علیه بهاء الله الابهی

هوالبهی

ای افنان سدره منتهی چندیست که بهیچوجه خبری از شما نرسیده و روشنی از اففتان ندیده البتّه مشغولیت زیاد دارید الحمدلله از خمودت نیست زیرا افنان این شجره مبارکه باید انشاءالله بثمراتی مثمر باشند که مظهر من اثمارهم تعرفونهم گردند ای شاخ شجره لاشرقیه و لاغریه بکوش و بجوش که شئون تقدیس این اصل مبارک در این فروع بجمع فنون ظاهر و هویدا گردد تا لطائف و بدائع و کمالات اعراق بشهادت اخلاق ثبوت و محقق

* ص 218 *

و محقق شود والبهاء علیک و علی اخوتک یا افنان شجره مبارکه ع ع
مقابله شد ۲۵۷ خط مبارک

جناب افنان میرزابزرگ ابن حضرت افنان آقامیرزا آقا علیهما بهاءالله الابهی

هوالبهی

ای فرع بدیع لطیف سدره مبارکه اگرچه بظاهر از این سجن اعظم و عتبه مبارکه جمال قدم روحی لافنائه دوری لکن فی الحقیقه در این بهشت برینی و شب و روز مؤانس و همنشین آنی از یادت فارغ نیستیم و از حضرت مقصود مسئلت مینمائیم که آن فرع محبوب را گل گلشن روحانیت جمال اعلی روحی له فدا فرماید و نهال بیهمال روضه الطف احلی از خدا بخواه که موقّ باطوار و کردار و رفتار و گفتاری گردی که در درگاه جمالقدم و اسم اعظم فدیت افنانه بروحی و ذاتی مقبول و محبوب گردی والبهاءعلیک

ع ع مقابله شد

۲۵۸ خط مبارک

هوالله

ای افنان شجره مبارکه نامه شما وصول یافت با وجود عدم مجال بجواب سنوال پرداختم البتّه عکس بیت مقدّس را بجهت جناب شیخ علی اکبر قوچانی بکمال سرعت بیادکوبه بفرستید ورقه مبارکه والده و همشیره را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید

* ص 219 *

هوالله

ای افنان سدره مبارکه در خصوص اجازه طواف رمس مطهر مرقوم فرموده بودید از کثرت مشاغل فرصت جواب نشد حال مختصر مرقوم میشود که مأذونید جناب آقامیرزا حبیب الله را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید والبهاء علیک ع ع مقابله شد

۲۶۰ خط مبارک

پورتسعید حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقابزرگ و جناب میرزا حبیب علیهما بهاء الله الابهی

هوالابهی

ای دو شمع روشن اگر فتوری در ارسال سطور رود از کثرت اشغالست و شدت احزان نه حصول نسیان دائماً در خاطر بوده و هستید جواب نامه های حضرت ابوی ان شاء الله این روزها خواهد رفت تا خودایشان تشریف نیارند امور انتظام نیابد والبهاء علیکما یا افنان سدره المنتهی ع ع مقابله شد

۲۶۱ خط مبارک

* ص 220 *

هوالله

ایها الفرع اللطیف من سدره الالهیة پوست در حرکت است و جناب آقاسیدتقی مستعجل فرصت تفصیل نیست مکتوب جوف را سریعاً ارسال دارید و در نزد شخص امینی بفرستید که برساند و مکتوب را سکورته نمائید چه که مکتوب مهمست باید احتیاط نمود که مبادا نرسد جناب میرزاحیب را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید ع ع مقابله شد ۲۶۳ خط مبارک

هوالابهی

جناب افنان سدره بقا حضرت میرزابزرگ علیه بهاء الله الابهی ملاحظه فرمایند

هو الابهي

ايها الفرع المتوجّه الى الشجرة الرحمانيه فيا فرحاً لك من هذه النسبة التي تلوح انوارها و تتموج بحارها و تطفح كؤوسها و قاطعة نصوصها و انت يا ايها الفرع النجيب و القصيب المجيد فاتبع السدره المنتهى في نصارتها و طراوتها و ريانيتها و بهجتها و اطلب من الله ان يجعلك آية باهره و راية لامعه في امره واسع
* ص 221 *

لكي تكون ناطقاً مضيئاً بصيرا سميعاً عليماً بليغاً كريماً ثابتاً على عهد والميثاق ع ع
اذن طواف روضه مباركه را خواسته بوديد كه با اخوي حاضر شويد مأذونيد ع ع
مقابله شد ۲۶۳ خط مبارك

هو الله

حضرت افنان سدره منتهى جناب ميرزابزرگ عليه بهاء الله الابهي ملاحظه
نمايند

هو الله

اي شاخ شجره عنایت آنچه مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد مکتوب حضرت والد نیز مطالعه شد في الحقيقه در مصيبت عظيمه گرفتار شدند ولي حق عنایت و حمايت فرمود عاقبتش خير بود انشاء الله از اين بهتر نیز خواهد شد جواب مطالبشان در همين پوسته رأساً خواهد رفت حضرت اخوي را تكيير برسانيد و همچنين سائر دوستان را والبهاء عليك
ع ع
مقابله شد
* ص 222 *

هو الابهي

اسكندريه حضرت افنان سدره منتهى جناب ميرزابزرگ عليه بهاء الله الابهي
ملاحظه نمايند

هو الابهي

ايها الفرع البديع من السدره الالهيه اگرچه بهيچوجه فرصتي نه كه بيان محبت والفتي شود دقيقه راحتی نه و آني آسائش نيست باوجود اين نفحات قدس سدره الهيه چنان حقيقت وجود را مهتّز و منجذب دارد كه بي اختيار بذكر و فكر و ياد فروع مجبور مينمايد لعمر الله هذا من اعظم مواهب الله آنچه مرقوم نموده بوديد معلوم گرديد از الطاف

سلطان وجود امید چنانست که یوماً فیوماً ترقی نمائید تا بالفعل مشهود و واضح گردد که از سدره مقدسه روئیده‌اید فرصت بیش از این نگاشتن نیست خدایا این شاخ تر و تازه را در حدیقه روحانی پرتراوت و لطافت فرما ع
مقابله شد ۲۶۵ خط مبارک

شیراز محفل روحانی

هو الله

ای یاران عزیز عبدالهآء نامۀ شما رسید از مضمون معلوم گردید که عکس بیت
* ص 223 *

مباک را از بادکوبه خواسته‌اند در نهایت اتقان عکس برداشته و از برای ایشان بفرستید زیرا از پطرسبرغ خواسته‌اند دیگران نیز در این خصوص استیذان نموده بودند جواب مرقوم گردید که عکس گرفتن و دادن ضرری ندارد الحمدلله شما بتأییدات ملکوت مؤیدید و بتوفیقات ربّانیّه موفق بجان و دل بکوشید تا کأس الطاف الهی از ید ساقی عنایت بنوشید هرچه در خدمت همت نمائید بیشتر موفق و مؤید گردید و بدرقه موهبت عالم بالا بیشتر رسد و سرور و فرح بیمتمهی حاصل شود فرصت بیش از این نیست معذور بدارید و علیکم بهاءالابهی ع
مقابله شد ۲۶۶ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه آقامیرزا بزرگ
شیراز جناب آقاعلی ولد مرحوم حاجی محمد صادق علیه بهاءالله الابهی

هو الله

ای منجذب بنفحات الله حمد کن خدارا که پرتو هدایت کبری بر بصیرت و دیده بینا زد ظلمت ضلالت زائل و نور موهبت روشن و لایح گشت دل آگاه شد و جان انتباه حاصل نمود این اشراق اولست پس بجان و دل آرزوی اشراقات متابعه فرما تا انوار تأیید ساحت قلب را گلشن توحید نماید و این باب عنایت وقتی گشوده گردد که قمیص هویت تجدید
شود

* ص 224 *

شود و خلق جدید گردد و اعظم وسیله حصول این الطاف نشرفحات الهیه در جمیع اطراف زیرا امروز فیروز است پس بنغمه جان سوز آتش عشق الهی در قلوب برافروز تا

جهان افروز گردی و مبین اسرار و رموز شوی تا توانی همت را در تحصیل این موهبت
مذول دار تأییدات ملکوت ابهی بینی و مظهر تحسین ملاء اعلی گردی و علیک التحیة
والثناء ع ع

مقابله شد
۲۶۷ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

قطر مصر دوفرع سدره مبارک آقامیرزابزرگ و حضرت آقامیرزا حبیب
علیها بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

ایها الفرعان المحترمان من السدرة المبارکه مکاتیب آن دو فرع لطیف واصل و از
مضمون ثبوت مشحونش روح و ربحان حاصل گردید نظر عنایت همیشه با شما بوده و
خواهد بود مطمئن باشید در نزد من مکرم و محترمید و از خدا میطلیم که در ملکوت
ابهی سبب رو سفیدی جمیع افنان سدره الهیه گردید و بثبوت و رسوخی مبعوث شوید که
ندای تحسین از ملاء اعلی بسمع ظاهر بشنوید و لیس ذلک علی الله بعزیز از جهت آن
واقعه

* ص 225 *

محزون مباشید اینگونه امور عرضیست و چون سراب فانیست میگذرد آنچه در ملکوت
الهی مقدر بجهت شما باقی و مقدر مکتوبی به آقازین العابدین مسطور شد و نزد آقا
سید علی اکبر فرستادم باو برسانند در این خصوصات بحضرت ابوی چیزی مرقوم ننمائید
قابلیت ندارد باری بکمال استقامت بر امرالله مشغول تحصیل کمال شوید و بکسب و
تجارت خود پردازید و البهآ علیک و علی کل ثابت راسخ علی عهد الله و میثاقه ع ع
مقابله شد ۲۶۸ خط مبارک

هو الابهی

مصر حضرت افنان جناب میرزابزرگ علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو القیوم

ای شاخ لطیف از سدره الهی آنچه مرقوم نموده بودید مشاهده گردید و ملاحظه شد
سبب روح و ربحان شد و باعث امیدواری حصول موهبت رحمن زیرا فروع شجره مبارکه
باید در جمیع احوال و احیان بنفحات تقدیس اصل دوحه مقدسه مهتر باشند تا فرع تابع

اصل باشد و جزء متفرع از كل هر عضوی آیت باهره هیکل مکرم گردد و مظهر موهبت روح مجسم تا فرعیّت اخلاق با عضویت اعراق جمع گردد و متفرع از عنصر جان و دل شود آنوقت موهبت و رفعتنا مقاماً علیاً جمال
* ص 226 *

جمال بگشاید و کوکب عنایت از مشرق الطاف رخ بنماید والبهاءعلیک و علی کل من ثبت
علی الميثاق ع ع مقابله شد ۲۶۹ خط مبارک

هو الابهی

ربّ اجعل صدر هذا الافنون منشراحاً من كل الشئون بنفحات قدسک یا حیّ قیوم و نور
وجہ بشعاع ساطع لائح من فیض تیرک الاعظم و احی قلبه بنسیم منیعت من حدائق
قدسک یا ربی الاکرم و اجعله ثابتاً علی عهدک ثبوتاً لا یزعزعه الزوابع فهذا الیوم المشهود
یا ربی المعبود انک انت العزیز المحبوب ع ع مقابله شد

هو الابهی

حمداً لمن اشرق و لاح و ظهر و باح و قدر و سمح و اباح لكل کینونة نورانیة و حقيقة
رحمانیه ان تستفیض من فیض غیوث رحمته و تزرر کالیوث فی غیاض موهبة و تسبح
کالجیتان فی حیاض نعمته و تترنم کالهزار فی ریاض عنایة و النور الساطع من الافق
الابهی یغشی و یحفّ بالسدرة المنتهی والشجرة الثابتة الاصل المرتفعة الفرع المستمرة
الزهر الدائمة الاکل و الها و اوراقها و اثمارها ع ع مقابله شد
* ص 227 *

هو الابهی

یا ایها القصیب الرطیب ان شئت ان ترتفع الی الملاء الاعلی و تنشا و تنموا
نموا شاهقا تمسک بالعروة الممدودة بین الارض و السماء و اخضر باوراق ذکر ربک
لتزهر بازهار تعبق رائحة فی شرق الارض و غربها و تحیی افئدة الذین انجذبوا بنفحات
الله و استبشروا ببشارات الله و تنورت وجوههم بانوار الله المهیم القیوم ع ع مقابله شد
مثل کلمة طیبه کشجرة طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء اعلم ان حسن

الاخلاق و لطف الشَّيم الشائعة الذائعة فى الآفاق اذا وافق شرف الاعراق النسبة كَلِيَّة
رحمانِيَّة و البضعِيَّة حَقِيقة نورانيَّة فالفرع مطابق الاصل فى جميع الشئون و الاحوال
والجزء موافق الكل فى كل المراتب والاسرار عند ذلك يظهر ظهور الشمس فى رابعة
النهار انَّ الفِض ممتد الاثار و انَّ النور الفائض من شمس الحقيقه نورالنجوم و الاقمار ع
ع
مقابله شد

شيراز جناب آقاميرزا فضل الله ابن بنان الملك على بهاء الله الابهي
يك نسخه از اين نامه را بجهت جناب ايدى حضرت ابن ابهر ارسال داريد زيرا ايشان نيز
از مسئله حضرت صادق و سابعيت سنوال نموده بودند بعضى اوقات از كاتب اوراق سهو
حاصل ميشود يا كلمهئى حذف ميگردد ولي معلوم ميشود ع ع
مقابله شد

۲۷۰ اصل اين سه سطر بخط مبارکست
* ص 228 *

اي بنده آستان مقدس نامه بيست و نهم ذى حجة ۱۳۲۸ رسيد و نامه هاي ديگر
بواسطه سفر و حرکت و اغتشاش راه چاپار نرسيد ولي چندی پيش بشما نامه ئى نگاشته
گشت و سفارش و توصيه تامه گرديد که با شخصى که مستخدم در نزد او هستيد نهايت
امانت و ديانت و صداقت و همت را در حق او مجرى داريد زيرا از آنان در خراسان در
حق جناب فروغى نهايت رعايت مجرى گرديده درمقابل اين انسانيت شما هم بايد بصدق
نيت سلوک و حرکت نماييد عجيب است که آن نامه نرسيده از عنايات رب اللطاف استدعا
ميشود که محفل درس اطفال منتظم گردد و متعلمين ترقى و نجاح و فلاح بيابند مرقوم
نموده بوديد که الحمدلله در شيراز قلوب در پرواز است و انشاء الله در آينده با ملاًعلى
هم آهنگ و هم آواز سنوال از رئيس که در آيه مبارکه مذکور است نموده بوديد اين
رئيس عالى پاشاست که سبب نقل از عراق به حدود ايفلاق و از آنجا بسجن عکا شد و
مقصود از جبل تينا و زيتا دو جبل مقدس است که در قرآن به تين و زيتون ناميده شده و
در ارض مقدسه واقع شده اند و اما ک و ظ حروف مقطعه که در بدایت لوحى از الواح
مبارک صادر مقصد اسم کاظمست و ارض حمرا و کتيب احمر مقصد مقام قضاست زيرا
در اصطلاح اهل الله بيضا مقام مشيت است و خصا مقام قدر است و حمرا مقام قضاست
و صفرا مقام امضا پس ارض حمرا مقام شهادت کبراست اينست که حضرت اعلى روحى
* ص 229 *

له الفداء در احسن القصص خطاباً بجمال مبارک ميفرماييد يا سيدنا الاکبر قد فدیت بکلى
لک و ما تميت الا القتل فى سيلک و اما مقام فنا در نزد صوفيّه آنان را گمان چنان که

حقیقت حادثه ممکن است تجرّد از عالم حدوث نماید و باوصاف قدیم متصفّ گردد نظیر آتش در آتش و آهن که از صفت حدیدی تجرد حاصل نماید و صفت نار در او ظاهر و آشکار گردد و این مقامرا گویند بریاضت و سلوک حاصل گردد و ظهور آنرا بتوهم تصوّر در خود مینمودند لهذا اناالحق میگفتند و حال آنکه حادث از صفت حدوث که لازمه ذاتی اوست تجرّد نتواند چه که لزوم ذاتی اوست و لزوم ذاتی انفکاک از ذات شیء ننماید اما در الواح الهیه ذکر مقام فنای از خود و بقای بالله هست مقصود از فنا در الواح الهیه اینست که انسان بکلی خود را فنای حق کند یعنی منقطع از هر چیز گردد و روح و قلب و جسم و راحت و سرور و نعمت و عزّت جمیع شئون شخصی خویش را فدای حق نماید و از لذائذ و هواجس عالم ناسوت در گذرد و تجرّد از شئون بشری خویش نماید و بنابر محبت الله برافروزد و لسان بذکر و ثنای حق بگشاید و باوصاف تقدیس و تنزیه متجلی گردد و بتربیت خویش و هدایت نفوس پردازد یعنی جمیع شئون متعلق بخود را فدا و فنا نماید چون باین مقام رسد ابته پرتو عنایت برافروزد و حجابات بیگانگی بسوزد و اراده و مقصدی از برای او نماند در تحت اراده الهی متحرک گردد و بنفثات روح القدس زنده شود * ص 230 *

شود اما آتش و حدید هر دو از عالم عنصر است ممکن است متصفّ بصفات یکدیگر شوند ولی قدم و حدوث را اتصال و اتحاد و مشابهت ممتنع و محالست و اما مسئله امام جعفر صادق که سابع چهارده معصومست چون از حضرت رسول حساب نمائی سابع میشوند و اما کلمه موسی ابن جعفر ابو موسی جعفر بوده ابو حذف گشته و اما مسئله قائمیت ایشان و بدا در بحار الانوار از عثمان ثوری روایت شده از حضرت صادق که فرمودند این امر در خصوص من بود یعنی از مشیّت الهی چنین گذشته بود که من خروج کنم و زمین را پر از عدل و داد نمایم ولکن بدا واقع شد و همچنین مجلسی در بحار از حضرت صادق روایت کرده که فرمودند وقت این امر در سال صدو چهلم بود لکن آنوقت بشما خبر داده شد شما آنرا فاش نمودید از این جهت بود خداوند آنرا یعنی آنوقت را تأخیر نمود ایضاً روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمودند یا ابا اسحق این امر دربارۀ من بود وقتش بتأخیر افتاد و اما در خصوص حضور من بشیراز هذا امر موکول علی تأیید ربک الرحمن ع ع مقابله شد ضمیمه لوح ۲۷۰ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب بشیرالهی

جناب میرزا فضل الله شیرازی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای بنده اسم اعظم نامه مفصل باعدم فرصت بدقت ملاحظه گردید لهذا مختصر
* ص 231 *

جواب مرقوم میشود باید شما بکوشید که بجهت حضرت شاهزاده کار دیگر پیدا نمائید
بلکه انشاءالله موفق گردید ع ع
مقابله شد
۲۷۱ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب جواد علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای ناظر بملکوت وجود اهل سجود را جبین روشن چون آفتاب انوار از فیض مقام
محمود باید و موقنین آیات کبری را رخی نورانی از الطاف سبحانی شاید سرمست جام
الهی را نشئه و سرور لازم و مستبشر بموهبت ملکوت را فیض حبور واجب های و هوی
سرمستان لازم و جوش و خروش عاشقان واجب و الا سنگ سخت به از دل مرده و
وجود افسرده و البهائ علیک ع ع مقابله شد
۲۷۲ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب حاجی عبدالله علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای ناطق بذکر الهی گویند انسان ناطقست یعنی مدرک بدرک حقایق کلیه و واقف اسرار
معانی
* ص 232 *

معقوله ولی در نزد حکمای حقیقی الهی درگاه حضرت نامتناهی نطق ثنای جمال
قدمست و بیان اوصاف اسم اعظم والا حیوان صامت به از انسان ناطق نادان فخر

دانایان و سرگشته و حیران به از مدعی علم و عرفان ربّ زنی فیک تحیرا والبهاء علیک
و علی کل ثابت علی میثاق الله ع ع
مقابلہ شد

بمبائی بواسطہ جمشید خداداد
بلوچستان کویتہ میرزا فضل اللہ خان علیہ بہاء اللہ الابہی

ہوائے

ای یار مہربان نامہ ئی کہ بجناب منشادی مرقوم نموده بودی ملاحظہ گردید چون آن
ثابت پیمان بجهان پنهان شتافت و از پیمانہ لقا نشئہ یافت لہذا این آوارہ جواب مینگارد
چندی پیش جواب نامہ شما ارسال گردید عجیبست کہ تا حال نرسیدہ در این ایام از
تأییدات ملکوت اللہ الحمدللہ بند و زنجیر از گردن آوارگان برخواست و سلاسل و اغلال بر
رقاب اہل عدوان قرار یافت ستمکاران گرفتار ناکامی شدند و ظالمان مقهوراً مذموماً
مدحوراً اسیر زندان شدند حال ببقعہ مبارکہ از ہر طرف یاران از ایران و ترکستان و
شرق و غرب و اروپا و امریک متتابعاً وارد و بھیچوجہ مانع
* ص 233 *

و حائلے نہ کل بزیارت عتبہ مقدّسہ در نہایت تضرّع و ابتہال با عبدالبهاء
ساجدند و استفاضہ فیوضات نامتناہی مینمایند یاران در سرور و جور و بدخواہان
مایوس و مذموم و مدحور از فضل و عنایت حق امید چنانست کہ شما مشمول نظر
عنایت شوید و در نہایت فرح و مسرت ایام بسر برید بجناب آقامیرزا عزیزاللہ تحیت
مشتاقانہ برسان امیدوارم کہ در جمیع امور موفق و مؤید گردند و علیک البهائے الابہی ع
ع مقابلہ شد ۲۷۴ خط کاتب و مہر و امضاء مبارک

۹

جناب آقامیرزا فضل اللہ خان زائر علیہ بہاء اللہ

ہوائے

ای اسیر محبت آن دلبر آسمانی شکر کن خدارا کہ ببقعہ نورا رسیدی و بتراب عتبہ
مقدّسہ جمال ابہی تیمن و تبرک جستی مطاف روحانی را یافتی و مرکز ربانیان را
شناختی و ایامی با آوارگان الفت نمودی و با مشتاقان ہمداستان گشتی حال باید بطہران
شتابی و درس تبلیغ بخوانی و در براہین و حجج الہیہ چنان مہارت یابی کہ اہل علوم و

فنون را عاجز نمائی چون چنین اکیلیل جلیل بر سر نهی سبب فخر و مباهات پدر گردی و
علت سرور و حبور جمیع خاندان شوی و چنان ثبات و استقامتی بنمائی که دیگران
حیران شوند و جمیع بصورت
* ص 234 *

واحد گویند که این جوان خلق جدید است و این نهال نورسیده سرو آزاد حویبار ربّ
مجید جمیع یاران را از قبل من تحیت ابدع ابهی برسانید و علیک بهاء الابهی ع ع مقابله
شد ۲۷۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه آقامیرزا فرج الله خان
اصفهان جناب میرزا باقرخان علیه بهاء الله

هوائه

ای جناب باقر ماهر بر نفس قاهری و بقلب طاهری و بدیده ناظری و بروح حاضری
خوشا بحال تو که از کثرت بواحد حقیقی پی بردی و از حجابات ضلال نجات یافتی و بسر
چشمه حیات رسیدی و کأس هدایت نوشیدی و بموهبت عظمی موفق شدی پس روش
و سلوکی گیر که سبب هدایت دیگران گردی و علیک التحية والثناء ع ع مقابله شد
۲۷۶ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

جناب آقامیرزا عزیزالله خان و جناب آقامیرزا فضل الله خان
و جناب آقاعبدالصمد خان علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوائه

ای یاران مهربان وثیقه اتحاد و اتفاق که بانشاء یکی از بندگان مقرب کبریا
مرفوم شده بود تقدیم
* ص 235 *

عبدالبهاء نمودید لهذا این عبد در نهایت سرور تضرع بملکوت وجود نمود که این اتفاق و
اتحاد الی الابد در جمیع عوالم الهیه باقی و برقرار ماند الهی
الهی ثبت قلوب هؤلاء علی الحب والوفاء و اجعلهم آیات الوحدة و الألفة
و الثبات بین کائنات حتی یرتلوا کلمات الحب فی سائر الجهات و یدعوا الکل الی الحی
القیوم فی هذا الیوم المشهود و یرفعوا رایة الوداد بین العباد و یصبح

الاقانيم الثلاثة نفساً واحدة في جميع الشئون و الاحوال ربّ ايدهم على الوفاق و جنبهم
عن النفاق و احفظهم من الشقاق و ثبتهم على الميثاق و احلهم منجذبين الى
نيرالافاق و طائعين حول كوكب الاشراق انك انت الكريم الرحيم العزيز المنان ع ع
مقابله شد ٢٧٧ خط كاتب و مهر و امضاء مبارك

شيراز بواسطه بشير الهی بواسطه جناب آقاميرزا جلال ابن مرحوم ملاعبده الله
زرقانی بهائی جناب ميرزا محمد باقر خان اصفهانی عليه بهاء الله الابهي

هوالله

اي بنده صادق جمال ابهي شكر كن خدا را كه بعون و عنايت حق موقفي و بخيرخواهي
احبای الهی مؤيد ياران را شايان چنان كه جان را يگان در سبيل يكدیگر فدا كنند و بخدمت
و اعانت و صيانت پردازند شمع را روشنی بايد و طاوس عليين را جلوه در بهشت برين
* ص 236 *

شاید تا شهپر تقدیس گشاید و گلزار و گلشن بیاراید حمد كن خدا را كه
مؤمنی و موقن و ثابتی و راسخ و انشاء الله جور و جفاي ستمكاران را سدّ حائلی
امروز هر يك از احبای الهی بايد حفظ و حمايت دیگری نماید و بقدر امکان قلوب را
شادمانی بخشد و نفوس را انشراح روحانی دهد و عليك البهء الله الابهي ع ع
مقابله شد ٣٧٨ خط كاتب و مهر و امضاء مبارك

بواسطه جناب آقاميرزا محرم عليه بهاء الله الابهي
جناب باقر ماهر اهل الصاد عليه بهاء الله الابهي

هوالله

اي ثابت بر پيمان نامه ات رسيد آنچه آه و فغان نمائی و مضطرب و پریشان باشی حق
با تست ولی سزاوار اينست كه در نهايت اطمینان و ثبوت و ايقان خدمت بآستان رحمان
نمائی زیرا اين محن و بلايا در سبيل كبرياست و تحمل اين جام تلخكام در محبت جمال
ابهي بايد بنهايت سرور و شادمانی نوشيد و بدرگاه ستايش و نيايش و شكرانه نمود كه
الحمد لله موهبت هدايت بخشيد و فضل و عنايت فرمود و در سبيل محبتش گرفتار بلايا و

مصائب کرد این عین موهبتست و مقام رحمة من یشاء و علیک البهآء الابهی ع ع
مقابله شد

۲۷۹ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 237 *

شیراز بواسطه حضرت افنان جناب میرزا بزرگ
جناب محمد باقرخان من اهل الصاد علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای بنده الهی صدمات شدیده دیدی و مشقات عظیمه کشیدی حمد کن خدارا که لائق و
سزاوار این موهبت بودی که مورد عقوبت در سبیل حضرت احدیت شدی جهانیان کلاً و
طراً نشانه تیر قضایند و هدف سهام بلا شاعر ترک گفته یو قدر سپر بو گنبد فیروز فامده
ذرات جمله تیر قضایه نشانه در اعظم ملوک امپراطور روس بود با طبل و کوس
ملاحظه نما که چگونه مایوس شد و جمیع خاندان سلطنت با خون دل همدم و مانوس
و همچنین سائر بزرگان و سروران نوبت هر یک رسد مقصود اینست که اول رجال عالم
ملوکند و ملوک چنین دیگر قیاس حال دیگران نما اما تفاوت اینجاست که جهانیان در
سبیل هوی و هوس آزرده گردند و دل و جان پژمرده و افسرده
دارند هریک مورد بلا و مبتلای آلام و جفا گردند و شما نیز هدف تیر بلا و لکن این در
سبیل جمال ابهی و آن در ره نفس و هوی بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا مقصود
اینست باید از بلا یای وارده شکرانه نمود زیرا در ره جانان بود نه جان و در عشق گل
بود نه تعلق بگل امیدوارم که انجال اجلاء در کف حفظ و حمایت ربی الاعلی محفوظ
و مصون و محفوظ

* ص 238 *

ماند و پرتوی از نور هدایت بر بصر و بصیرت والده شان زند و لیس ذلک علی الله بعزیز و
علیک التحية والثناء ع ع
مقابله شد ۲۸۰ خط کاتب و مهر و امضاء
مبارک

شیراز جناب میرزا فضل الله خان ابن بنان الملک

هوالله

ای یار مهربان نامہ شما رسید بجان عزیزت قسم کہ عبدالبهاء فرصت تحریر یک سطر ندارد این سنوالاتی کہ شما فرموده بودید یک کتاب جواب میخواهد لهذا گذاشتیم بلکه انشاءالله وقتی ملاقات حاصل شود شفاهاً جواب داده شود والا بتحریر ممکن نیست
وعلیک بهاءالابهی ع ع
۲۸۱ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب آقارضا

شیراز جناب میرزا عبدالصمدین رفیع البدیع جناب میرزا ابراهیم جناب میرزا مسیح
جناب میرزا فضل الله خان جناب میرزا عزیز الله خان علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

اناجیک یا مناجی الناجی فی جنح اللیالی و اذکرک فی صباحی و مسائی و انتضرع الیک
یا ربّ الاسرار فی الاسحار بعین بآکبه و نار حامیه و دمع وافق و قلب خافق و روح
شائق ان تؤید المخلصین علی التأسی بالنور المبین والانجذب الی مرکز الانوار والانتهاج
بالتار

۲۸۲ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 239 *

الموقدة فی قلوب الابرار ربّ اجعلهم مراكز للسوحات الرحمانیه و مصادر للشئونات
الربانیة مطالع للانوار الرحمانیه و مهابط للالهات الصمدانیة و انطقهم کطیور القدس
فی روض مشکور و وفقهم علی کل عمل مرور حتی تشرق منهم الوجوه اشراق النور
بسطوع موفور ربّ اجعلهم آیات الهدی و کلمات التقوی و اشجاراً طیبة اصلها ثابت و
فرعها فی السماء مزینة باوراق الاسرار مؤنقة بازهار التذلل و الأنکسار محلیة باثمار
الاثار دائیة القطوف مرتفعة الفروع خضرة نضرة ربانة بغیض الملكوت و رشحات فضلك
فی يوم النشور انک انت الکریم الغفور و انک انت العزیز الرحیم علی کل عبد شکور لاله
الانک الکریم المجید المشکور ع ع
مقابله شد

شیراز بواسطه آقامیرزا علی اکبر و آقامیرزا طراز علیهما بهاءالله الابهی
جناب آقا محمد باقر مهاجر از اهالی اصفهان علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه تُو رسید مضمون آیت استقامت بر امر حق بود و نشانه شناسائی یار بی نشان جمیع بشر هر چند بطراز خلعت انسانی مزین ولی از حقیقت آن بیخبر این موهبت کلیه در حقیقت انسانی جلوه نموده ولی انسان غافل و ذاهل یک معنی از معانی آیه مبارکه
* ص 240 *

آنه کان ظلوماً جهولاً اینست الحمد لله احبای الهی متنبه باین الطاف و احسان و منجذب این موهبت بیپایان اذن حضور خواسته بودی اگر بنهایت روح و ریحان ممکن و در حضور و رجوع راحت دل و جان مهیا مأذونی و الا تا آنکه اسباب فراهم آید و علیک البهَاء الابهی
ع ع مقابله شد ۲۸۳ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

۲۸۴ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک
شیراز جناب عطاء نظام محمد حسن میرزا علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای عطاء نظام حمد کن خدارا که عطاء عزیز علام گردیدی و شهد بقا چشیدی صبح هدی دیدی اشراق انوار ملاحظه نمودی خاموش بودی روشن شدی مدهوش بودی هوشیار گردیدی محمود بودی پر جوش شدی این از مواهب عظیمه حضرت پروردگار است شکر نما و علیک البهَاء الابهی ع ع
مقابله شد

طهران بواسطه جناب حاجی میرزا عبدالله
جناب فضل الله شیرازی جناب عبدالحسین بنا جناب محمد علی قمی جناب لطف الله
بزاز جناب سید ابراهیم بنا جناب عزیز الله شیرازی جناب میرزا حسن بروجردی علیهم
بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه مبارک یاران با نهایت رقت تلاوت
* ص 241 *

گردید بدرگاه حضرت احدیت تبّتل و تضرّع شد که ای پروردگار این یاران صادق را از امتحان فارغ کن و این بندگان لائق را بعنایت خویش فائق نما هر یک را جبل راسخ

فرما و طود باذخ کن تاج عبودیت بر سر نه و سلطنت ابدیه احسان کن وسعت معیشت
بخش و عزت ابدیه ارزان فرما توئی دهنده و بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و
پذیرنده و عزیز و مستعان ع ع
مقابله شد
۲۸۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بمبئی لاهور
جناب عزیز الله خان و جناب فضل الله خان و جناب هندوی بهائی علیهم
بهاء الله الابهی

هوائه

ای یاران روحانی مکاتیبی که بجناب منشادی من ادراک لقاء ربّه و بعدالبهآء مرقوم
نموده بودید ملاحظه گردید از عدم مجال باختصار جواب مرقوم میشود که اگر چنانچه
اسباب سفر مهیا من استطاع الیه سیبلا که در کمال راحت و خوشی و مسرت بارض
مقصود مشرف شوید و بروح و ربّحان مراجعت نمائید و ببشارت پردازید و نشر نجات
الله در آنصفحات کنید مأذون حضورید و علیم البهآء الابهی ع ع
مقابله شد

۲۸۶ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک بواسطه

* ص 242 * بواسطه آقا محمد حسن بلوری
جناب آقا میرزا فضل الله خان علیه بهاء الله الابهی

هوائه

ای بنده حق نامه شما ملاحظه گردید و مطلب معلوم شد ولی عبدالبهآء باید خیر شما
خواهد نه میل شما خیر شما در اینست که در شیراز و یا طهران بقدر امکان بکار و عملی
پردازید و در ضمن در لسان انگلیسی نهایت مهارت پیدا کنی و اگر ممکن در دستگاه
انگلیسیها ولو مأموریت جزئی باشد قناعت نمائید تا لسان را چنانکه باید و شاید تحصیل
نمائید بعد به مسافرت پردازید ارض مقصود دائماً منقلب است ناقضان هر روزی فسادی
نمایند اسباب سکون و قرار نه تا انسان تحصیل نماید و یا آنکه بخدمت پردازد در آنجا
بهتر بخدمت توانی پرداخت نیت خدمت بنمائید اسباب فراهم آید و تائید میرسد مطمئن
باش وعلیک البهآء الابهی ع ع
مقابله شد

۲۸۷ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

سروستان جناب استاد حسن کوزه گر علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای منجذب روی بها هر چند خانه بتلان دادی و کاشانه بتراج
* ص 243 *

لانهات بروفتند و آشیانهات بسوختند غم مخور و آزرده مشو تو مرغ آشیانه توحیدی لانه
در شاخسار سدره منتهی داری و بیسر و سامان در سیل رحمانی خانه و کاشانه در جوار
یزدان خواهی این تالان نبود چه که خانه را معمور و آبادان کرد تراج نبود معراج خواهد
گشت چه که خفیف خواهی شد لطیف خواهی شد در اوج انقطاع عروج خواهی نمود
مالی که در راه حق بتلان و تراج رفت گنج روان خواهد شد و کنز آسمان خواهد گردید
ع ع مقابله شد ۲۸۸ خط مبارک

جناب زائر آقا غلامحسین خان سروستانی

زیارت من استشهد فی سبیل الله جناب کربلانی صادق اخوی کربلانی حسنخان علیهما
بهاء الله الابهی

هو الله

التحیة و الثناء من الملاء الاعلی علیک یا من استشهد فی سبیل الله و انجذب
بنفحات الله و صدق بکلمات الله و آوی الی الرکن الشدید و الحصن الحصین و الکهف
المنیع و احتمل فی سبیل البهآ کل مشقة و بلاء و شماتة الاعدآء و شتائم الزنماء و ما
اخذته سطوة الظالمین و لاخوفة صفوف الملحدین بل دعا الی سبیل ربّه تحت سلاسل
المشرکین و نطق بالحق فی محافل المنکرین اشهد بانک اقمت الحجّة و حدّثت بالنعمة
و قومت المجحة واجتنبت النعمة و ما وهنت فی الثبوت و الاستقامه و استهدفت
* ص 244 *

و استهدفت السهام و الاستة و لم تفتر فی التحدیث بالرحمة قد قاموا علیک
اولوا النفاق و ظلمک اهل الشقاق و لم یتروکوا اذی الا اجره علی جسمک العزیز و
عذبوک العذاب الشدید فی هذا السبیل و اودعوک فی السجن العظیم و ضربوک بالسیاط
لحک ربک الوحید الفرید طوبی لک من هذا الفضل العظیم بشری لک من هذا الجود

المبين اسئل الله ان يجعل مشامى معطرًا بالمسك الذكى الذائع من مرقدك المنير و عليك البهآءالابهى و على اخيك الذى نبد الهوى و اخذ بالتقوى و آمن بربك الاعلى و انجذب الى الملكوت الابهى و ما نحل ببذل الروح و ما خوله الله من متاع الدنيا و عليه البهآء و عليه الثناء و عليه التحية فى النشأة الكبرى و عليكما البهآءالابهى ع ع مقابله شد ٢٨٩ خط كاتب و مهر مبارک

بواسطه جناب آقاميرزا اسدالله
جناب آقا مرتضای سروسنانى عليه بهآءالله الابهى

هوائه

اي ثابت بر پيمان الحمدلله نفعات رحمن در انتشار است و صيت ملكوت در اشتهار دوستان مانند كشت پر برکت در ازديادند و ياران مانند اوراق و ازهار شجره مبارکه در نشو و نما از جمله سروسنان چنانکه مرقوم نموده ايد در باره آن نفوس مومنه جديده از محله تزنگ و هفتو که در ازديادند بدرگاه جمال مبارک عجز و نیاز نمايم آنان را فيض بيمتها خواهم فضل بيمثال جويم عون و عنایت طلبم جود
* ص 245 *

و موهبت خواهم بشارت اين دعا را بايشان برسانيد بامه الله المحترمه ضلع و دو صيبه مكرمه گلشاد و عطيه تحيت بهي ابلاغ داريد انشاءالله مانند پدر و مادر آن دو دختر نیز منجذب محبت الله باشند و مشتعل بنار هدايت الله بجناب آقاميرزا آقا و جناب امرالله و جناب شكرالله و جناب ذكرالله و بديع الله
بنهايت اشتياق و تحيت ابدع ابهى ابلاغ داريد و عليك البهآءالابهى ع ع مقابله شد ٢٩٠ خط كاتب و مهر و امضاء مبارک
جناب حاجى محمد باقر را از قبل من تحيت مشتاقانه و تكبير محترمانه برسان ع ع مقابله شد

سروسنان جناب ميركريم زائر عليه بهآءالله الابهى

هوائه

اي ثابت بر پيمان نامه شما رسيد و از مضمون واضح گرديد که الحمدلله ياران سروسنان در بوستان محبت الله سرو روانند و در گلستان معرفة الله گل و رياحين در نهايت روح و ربحان قدمی ثابت دارند و قلبی راسخ و لسانی ناطق فى الحقيقه ياران

آن دیار مستفیض از انوار الطافند و مستتیر از مصباح یوقد و یصنی من شجرة مبارکه فیکل الدیار این عبد نهایت سرور از آن حزب مشکور دارد و در شام و بکوی بدرگاه رب غفور عجز و زاری نماید و آن یاران را نجاج و فلاح و رستگاری خواهد امید چنانست که سروستان لانه و آشیانه طیور آسمانی گردد و چمنستان اهل حقیقت شود و لیس هذا علی فضل ربی الرحمن بعید جناب میرتاج از خدا خواهم که تاج موهبت بر سر نهد و امة الله گوهر بنور محبت الله در نهایت تئلاً گردد و میر محمد اسمعیل آرزوی قربانگاه عشق * ص 246 *

نماید و میر عبدالغفار از حزب ابرار محسوب شود و میر عبدالرسول در آستان مقدس مقبول گردد و میر محمد مهدی آیت هدی شود و کریلانی شکرالله بشکرانه خداوند یگانه پردازد که بخدمت امر موقّست و ملاعلی مظهر لطف خفی و جلی گردد و جناب حیدرعلی زائر در میدان عرفان صغدر شود و آقا رضا برضای حق موقّق گردد و آقا غلامحسین خان مرحوم در دریای رحمت پروردگار مستغرق شود و بر ورد مورود وارد و بر فرد مرفود فائز و از کوثر عفو سیراب و در عتبه ربّ الارباب مغبوط اولی الالباب گردد و جناب درویش ابن محمد علی شهید ابن شهید را از قبل من نهایت مهربانی مجری دارید از الطاف ربّی حقیقی جمال مبارک رجا مینمایم که خلعتی بدیع عطا فرماید تا هر دم خلقتی جدید گردد و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد ۲۹۱ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز سروستان جناب آقامحمود ابن آقا شکرالله علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده حق نامه شما رسید و بدرگاه حضرت عهدیت تبّتل و تضرّع گردید و طلب آمرزش بجهت پدر و مادر آن بنده الهی شد ای پروردگار بنده درگاه محمود آرزوی غفران پدر و مادر کند و در نهایت شرمساری و خجلت رجاى آن دارد که ابوبن غریق بحر رحمت گردند و برفیق موهبت مؤید شوند پروردگارا عبدالبها نیز این رجا نماید پس حاجت دو ذلیل را در ملکوت

* ص 247 *

جلیل قبول فرما ای بنده حق بجناب درویش ابن شهید ابن شهید نهایت نوازش از قبل من بنما که دعا نمایم و او را راحت از زحمات و مشقات دیون خواهم بامه الله ضلع

محترمه تحیت ابدع ابهی ابلاغ نما و علیک البهآء الابهی ع ع
کاتب و امضاء مبارک

بواسطه جناب بشیر الہی

جناب حاجی خان و جناب خان بابا سروستانی و علیخان و نورجان و بدع اللہ و قدسیہ
خانم و ملامحمد علی معلم و مرتضی و ستارہ خانم و آسیہ خانم و شمائل خانم و
عطاء اللہ و حاجی آقا و کربلائی امام قلی علیہم و علیہن بہآء اللہ الابهی

ہواللہ

ای یاران و امآء رحمن مفتون محبت الہی حاجی خان و خان بابا نامہ نگاشتند و ذکر
جمع شما را داشتند تائید و توفیق طلبیدند و بر تحریر نامہ بنام نامی کل رجا و تشویق
نمودند عبدالہیآء با وجود مشاغل نامتناہی مجبور بر آنست کہ جمع را بیک نامہ یاد و
ذکر نماید و البتہ یاران معذور میدانند زیرا مجبورم مقصود اینست کہ باید از جمع افکار
و اطوار و آراء در کنار بود و فکر و دل و جان را محصور در خدمت حضرت پروردگار کرد
زیرا آن دلبر آفاق نہ چنان جلوہ نمودہ کہ انسانی باوجود انتباه و اشتیاق آشفته و
رسوائی نگردد اگر نفسی تکاہل کند یا

* ص 248 *

تجاهل نماید دلیل مردگی و پژمردگی و افسردگیست چشم بینا البتہ مفتون آفتاب گردد و
گوش شنوا یقین است کہ متلذذ از نغمات ملأ اعلی شود تشنہ بیتاب البتہ آب گوارا جوید
و علیل دانا لابد طیب حاذق توانا خواهد امیدوارم کہ کل مؤید و موفق باین موهبت
عظمی گردید و علیکم و علیکن البهآء الابهی ع ع
مقابلہ شد ۲۹۳
خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب بشیر الہی

سروستان جناب حاجی محمد علی ابن استادحسن فخار

ہواللہ

ای ثابت بر پیمان نامہ ئی کہ بجناب بشیر تحریر نمودہ بودی ملاحظہ گردید و معلوم شد
کہ جواب نامہ شما کہ چندی پیش ارسال شدہ بود از نامنی راہ از میان رفته ضرری
ندارد تا قوت تحریر موجود و فرصت میسر تقصیر نخواہد شد و تلافی خواہد گشت

در جمیع احوال بیاد یارانیم و مشتاق جمال دوستان اگر فتوری در مکاتبه حاصل شود این از عدم فرصت است ملاحظه فرمائید یک زبان و یک بنان باید با جمیع احبای جهان را فرداً فرداً مکاتبه و مخابره نماید البته شیر زبان و پیل دمان نیز از عهده برنیاید تا چه رسد این لسان و بنان فانصفوا یا اهل الانصاف عسل و نسل زنبور منذور بفروشید و ثمن بفقرا دهید بیت مسکون در هر صورت مال بکر است خواه از میت چیز دیگر باقی ماند * ص 249 *

یا نماند و ولد از سایر اموال نیز سهم خویش میبرد هذا ما فرضه الله ولی خود مورث قبل از وفات مختار است در تصرف اموال که بهر قسم بخواهد مجری دارد و همچنین ولد بکر باید خود ملاحظه وراثت دیگر را بنماید و انصاف دهد و فی الحقیقه هر انسانی بنص قاطع الهی باید وصیت نامه بنگارد تا بموجب آن بعد از او مجری شود و هذا هو الحق المبین و اگر لاسمح الله اطاعت امر نکرد یعنی وصیت ننماید باید چنین مجری داشت ع ع
کاتب و مهر و امضاء مبارک
مقابله شد ۲۹۴ خط

سروستان جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای دوست عزیز من نامه شما را بنهایت دقت قرائت نمودم و از قسم شما نهایت بشاشت حاصل گشت لهذا جواب مرقوم میگردد هر چند در اینجهان فانی شادمانی نیافتی و کامرانی ننمودی هیچ صبحی خفته و خندان نبودی و هیچ شامی با سر و سامان نگشتی ولی خبر نداری که همه رفقا گرفتار این بلا گمان مفرما که در این دنیا نفسی نفس راحتی کشید و یا دمی شبنمی از دربای راحت یافت حوادث زمان و وقایع امکان همواره در کمین است و صیاد تقدیر و قضا گوشه نشین با وجود این چگونه انسانی غریق آسایش و راحت گردد علی قول شاعر پارسی نوک خاری نیست کز خون شهیدان سرخ نیست آفتی بود آن شکار افکن کز این صحرا گذشت و شاعر ترک
* ص 250 *

گفته یو قدر سپر بو گنبد فیروز فامده ذرات جمله تیر قضایه نشانه در شاعر عرب گفته عش خالیاً فالحبّ راحتہ عناً فاو له سقم و آخره قتل باری الحمد لله یاران تسلی عظیم دارند و تشفی صدور در موارد بلاء عقیم زیرا از راحت جان و کام دل در اینجهان منقطعند بجهان دیگر پی برده اند در مورد بلا چون الطاف جمال

ابهی بخاطر آرند هر تلخی شیرین گردد و هر سمّ نقیع شهد و انگین شود امیدم چنانست که دعای شما نیز مستجاب گردد یارانی مبعوث گردند که هر یک شمع روشن شوند و گل گلشن گردند و در حدائق الهی بلبل معانی گردن و گلبنگ معنوی زنند و سبب انتشار نجات الله در آن اقطار گردند ع ع مقابله شد ۲۹۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه آقامرتضای سروستانی

احبای قدیم و جدید تزنگ و هفتو و احبای سروستان محله شیخ یوسف جناب مشهدی محمد حسین جناب کربلایی باقر زائر جناب آقا بابا جناب شکرالله جناب محمد رضا جناب غلامرضا جناب محمد جناب محمد نبی جناب حاجی بابا جناب حاجی حسین جناب مشهدی قربانعلی جناب فتحعلی جناب آقا بابا جناب باباخان جناب گلعلی جناب حجی علی جناب مصطفی جناب زین العابدین جناب قربان جناب مشهدی نادعلی جناب آقاجان جناب اسمعیل جناب نجف جناب محمد ابراهیم جناب عبدالرضا جناب مرتضی جناب آقاجان
* ص 251 *

جناب نوروز جناب علیخان جناب قربان جناب علی حسین جناب فتح الله جناب محمد رضا جناب حسن جناب سلیمان جناب رمضان جناب علیخان جناب محمد جعفر جناب فتحعلی جناب غلامعلی جناب لطفعلی جناب سیاوش جناب ابوالقاسم جناب خداداد جناب موسی رضا جناب حسینعلی جناب خداداد خدم احباء الله جمال جناب کربلایی شکرالله جناب محمد علی جناب علیخان جناب مرتضی جناب قربانعلی جناب محمد حسن جناب ملا محمد علی معلم جناب سبزعلی جناب فتح الله جناب زینل ابوالقاسم جناب کاکاجان جناب مرتضای زائر .

هوائه

ای یاران عبدالبهاء جناب آقا مرتضی نامه نگاشته و نامه‌های مبارک اهل بها را در آن درج نموده چون نظر بان دفتر افتاد ملاحظه شد که ماشاءالله دفتر ماکان و یکون است قلم اعلی باید که باصابع قدرت حضرت بیچون از عهده نگارش آن برآید والا این کلک شکسته عبدالبهاء البته از عهده بر نیاید که بجمیع مکتوب بنگارد لهذا جمیع را بیک نامه خطاب مینمایم که ای احبای الهی گویند که علین کتابیست که اسماء مقربین در آن مثبتست و

حقایق مخلصین در آن موجود پس بیقین بدانید که نامهای مبارک شما در ملکوت ابهی در لوح محفوظ و رق منشور مثبت و مسطور و هر یک * ص 252 *

بمبارکی عبودیت ملیک وجود در ملکوت شهود بعزت ابدیه مرزوق ستایش خداوند و آفرینش را که لوح محفوظ عالم امکان را و اوراق منشور اکوان را بنامهای مبارک یاران مزین فرمود این قید ابدیست و این ثبت سرمدی قرون واعصار منتهی گردد و نامهای فرخنده ابرار باقی و بر قرار ماند و علیکم البهآءالابهی ع ع مقابله شد ۲۹۶ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالابهی سروستان

جناب خواجه لطفعلی جناب آقا هادی جناب آقا میرزا عبدالله جناب عبدالرزاق جناب حاجی علی جناب آقامحمد علی جناب آقاعلی جناب آقا احمد جناب فتح الله جناب حاجی خان جناب باباخان جناب آقامحمد اسمعیل جناب آقاعبدالکریم جناب آقاعبدالغفار جناب آقاعبدالله جناب آقاعبدالرسول جناب آقامحمد مهدی جناب آقا محمد رضا جناب آقا میرزا علیخان جناب آقامیرزا عبدالباقی جناب آقامیرزا آقا جناب بقاءالله جناب آقاعباسعلی جناب آقاصادقلی جناب آقاقنبرعلی جناب عبدالبهآء الشهیر به عوض آقا علیهم بهآءالله الابهی

هوالابهی

ای یاران معنوی اهل ملاءعلی و سکان ملکوت ابهی در صباح میثاق بشکرانه الطاف زبان * ص 253 *

گشودند و در ساحت قدس سر بسجده نهادند که ای پروردگار مهربان ستایش و نیایش تراست که مرجع مخصوص را منصوص فرمودی و مرکز میثاق را مشهور آفاق نمودی آیت عهد قدیمت را ثابت کردی و رایت عظیمت را بلند و مرتفع نمودی شمع روشنت را شاهد انجمن کردی و سرو گلشن را طراوت و لطافت و نصارت بخشیدی ای پروردگار جانهارا بشارتی بخش و دلها را مسرتی عنایت فرما ابصار را روشنائی ده و بصائر را ضیاء رحمانی عنایت نما انک انت الکریم الرحیم و انک انت الرحمن القدیم ع ع مقابله شد ۲۹۷ خط مبارک

سروستان جناب آقاغلامرضا

هو الله

ای بنده حق نامه شما رسید و بدرگاه جمال مبارک لابه و انابه گردی تا بعنایت حق بقدر امکان وسعتی حاصل آید و بخدمت یاران پردازید و جناب میرزا ابوالفضل را از قبل من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید و علیک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

۲۹۸ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطه بشیرالهی

سروستان جناب حسن ابن حاجی حسین عطار علیه بهآءالله

هو الله

* ص 254 *

ای بنده حق نامه شما رسید مضمون تبتل بدرگاه حضرت رب الملکوت بود عبدالبهآء نیز بعثبه مقدسه جمال ابهی عجز و نیاز نمود و از برای تو عون و عنایت و صون و حمایت طلید تا در کھف منیع و ملاذ رفیع خداوند مهربان از شر اهل طغیان در حفظ و امان و ثابت بر پیمان باشی نجل مجید آقا عطاءالله را از قبل عبدالبهآء تحیت و ثنا برسان تا مانند غصون ریاض بنسیم جنت احدیت باهتر از آید و بمثابه طیور حدائق بالحن معانی و حقائق پردازد و علیک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب میرزا محمد حسین ابن میرزا احمد علی نیریزی

جناب آقا محمد حسن ابن حاجی حسین سروستانی علیه بهآءالله الابهی

۲۹۹ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

ای ثابت بر پیمان شکر کن خدا را که کأس هدی از دست بقا نوشیدی و بمنتها آمال مقرین رسیدی چشم پینا گشودی و مشاهده آیات کبری فرمودی و بکعبه مقصود پی بردی و در ظل مبارک حضرت مقصود راحت جان و آسایش وجدان یافتی حال باید در آنصفحات بنشر نفات قدس پردازی و نفوس را بملکوت وجود هدایت فرمائی بعد اذن

حضور ببقعه مبارکه داده میشود جناب آقاعلی محمد و جناب حاجی خان و جناب حاجی آقا را از قبل این عبد تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار
* ص 255 *

بانهایت اشتیاق ذکر ایشان را مینمایم و علیک البهآءالابهی ع ع مقابله شد
۳۰۰ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطهء جناب بشیر الهی

جناب حاجی خان و جناب خان بابای سروسنانی علیهما بهآءالله الابهی

هوالله

ای دو بنده صادق جمال مبارک الحمدلله درگاه احدیت را پاسبانید و سر باستان منجذب
دلبر آفاقید و مفتون آن زلف مشکبار از شدت عشق با گریبانی چاک و چشمی گریان و
موی آشفته و پریشان و آهی پنهان و داغی نمایان شاهد انجمن شدید و سرگشته و
سودائی و پرشور و شیدائی دلبر آسمانی گشتید تا بجانفشانی بر خواستید و محفل
مشتاقان آراستید و سرخیل عاشقان گشتید حال وقت آنست که از حسیض صمت و
سکوت پرواز نمائید و در اطراف نغمه و آواز بلند فرمائید بهر چمنی بگذرید و مرغان
خوش الحان را بنغمه و آهنگ آرید و علیکما البهآء الابهی ع ع مقابله شد
۳۰۱ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه میر عبدالکریم زائر

جناب میرتاج الدین جناب میراسمعیل جناب میر عبدالغفار جناب میر عبدالرسول جناب
میر عبدالمهدی جناب آقا جلال جناب ملا محمد جعفر امة الله والده زائر اماء رحمن
همشیره های زائر امة الله ضلع آقا محمد اسمعیل امة الله ضلع آقا عبدالغفار علیهم و
علیهن البهآءالابهی

هوالله

* ص 256 *

ای یاران و اماء رحمن جناب میر عبدالکریم مسافه بعید طی نمود تا باقلیم نبأ
عظیم رسید الحمد لله بتقییل آستان حضرت یزدان فائز شد و زیارت تربت مقدسه مشرف
گردید همواره پیاد یاران بود و با چشمی گریان و قلبی سوزان طلب تائید بجهت احبای
رحمان نمود البته این عجز و نیاز مقبول درگاه حضرت بی نیاز گردید لهذا عبدالبهآء منتظر
آنست که آثار باهره این تضرع و زاری و تبتل و بیقراری ظاهر و آشکار گردد الحمدلله

خاندان هر شهید مجید و دودمان هر رجل رشید مشمول نظر عنایت رحمن و رحیمند و امید چنانست که جمیع منتسبین شهدا در ظل رایت کبری در آیند و بفضل و موهبت جمال ابهی سرفراز گردند گلستان توحید را گل و ریاحین گردند و بوستان تقدیس را اشجاری پر شکوفه و ثمر جدید شوند تا سبب خوشنودی شهیدان و محل تحسین اهل ملاء اعلی گردند عبدالبهاء بیاد یاران و اماء رحمن مشغول و بذکر ایشان مألوف و بمحبتشان مانوس همواره سر باستان نهد و از حضرت یزدان عون و عنایت بیبایان طلبد امروز جهان و جهانیان کل در بحر اوهام مستغرقند اما بهائیان با چشمی بینا و گوشی شنوا و دلی آگاه و جانی مهتر از بشارت کبری در ظل شجره مبارکه سدره منتهی محشورند باید بشکرانه این الطاف چنان رفتار نمایند که سبب حیرت دیگران گردند و علیکم و علیکم

البهَاء الابهی ع ع مقابله شد

۳۰۲ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 257 *

بواسطه جناب میر عبدالکریم زائر

سروستان احبای الهی زرقان احبای الهی مسجد بردی احبای الهی شمس آباد احبای الهی
شیراز احبای الهی آواده همت آباد کوشکیک چنا وزیر آباد درغوک علی آباد احبای الهی
علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

و اتی یا الهی قد قدرت لی السیر بغضک فی ملکوت الانفس و الآفاق و وفقتی علی امعان النظر فی مراتب الوجود حیث سطوع انوار الاشراق فاستغرقت فی بحار الحیره و الذهول بما رأیت آثاراً و شئوناتاً تذهل منها العقول رب اننی رأیت فی يوم الظهور الحشر والنشور والطامة الکبری قائمة فی کل ربوع و حدود و ثغور و سمعت صوت النفخ الصور و النقر فی الناقدور و اریتی قیام الاموات من القبور و شاهدت امتداد الصراط الممدود و میزان القسط الموضوع و کشفت تائق الریاض و تدقق الحیاض و تستعر النیران و تزین الجنان و اجتلیت ملائکه الرحمه و عذت بک من زبانیة النار و ابصرت الافق المبین و قرت عینای بمشاهدة الجمال المنیر و کشفت الایجاب و رایت اسراب الاحزاب ثلة مستغرقة فی فیض العظیم و عصبه والهة فی المشاهدة فی يوم الدین و قوم سایح فی بحر القدیم و حزب منجذب هائم من حبک الشدید و فرقة خائضه فی بحور الاوهام و رهط غریق فی بحار الاحلام و اناس ذاهلة عن الادراک ساقطة فی بیداء الضلال و لکننی

سانئى يا الهى منها المناظر الموحشه و الظلمات المدهشه التى احاطت النفوس المحتجبه
فى يوم اشرفت الارض والسماء
* ص 258 *

بانوار سطعت و لاحت بها الآفاق قد انطمست منهم الابصار و عميت منهم البصائر من
مشاهدة الانوار و صمّت آذانهم عن نفحات ملكوت الاسرار و ضاقت صدورهم بما سقطوا
فى حفرة الظنون و الاوهام و وقعوا فى زاوية النسيان ربّ انى اتدلل اليك ان تكشف
الاستار عن البصائر و الابصار و تنقذ النفوس من الغر و الاستكبار و تتجى الخائضين فى
غمار الظلمات ربّ كل عبادك و سكنة بلادك قد انشئتهم بانشأتك و برئتهم بقوتك و
اقتدارك ربّ قد خلقتهم آيات ربوبيتك و آثار الوهيتك و دلائل قدرتك و براهين قوتك
فكيف تركهم ان يخوضوا فى بحر الاوهام و ودعتهم يهيمون فى وادى الخسران و
ودعتهم فى بادية النسيان و لم تجعل لهم حظاً من الفضل و الاحسان اسئلك برحمتك
التي سبقت الاشياء ان تجعل لهم نصيباً من انوار الهدى و اهدهم الى سبيل الرشاد و
اجعلهم آيات حيك فى البلاد و احشرهم فى ظل راية الميثاق و لاتؤاخذهم بما غفلوا عن
ذكرك يا ربّ الآفاق انك انت الكريم انك انت العظيم انك انت الرحيم انك انت العزيز
الوهاب ع ع

مقابله شد ۳۰۳ خط كاتب و مهر و امضاء مبارك

بواسطة جناب آقامرتضای زائر سروستانی
جناب آقامحمد جناب آقابا عليها بهاء الله الابهى

هو الله

ای دو بنده درگاه کبریا جناب مرتضی مراجعت بان صفحات مینمایند و ارمغانی از
عبدالبهاء
* ص 259 *

میخواهند چون متوجه بملکوت ابهى و ناظر بعثه حضرت کبریا هستند و ثابت بر پیمان و
ناطق بنای حضرت رحمان خواهش ایشان مقبول على الخصوص در حق آندو شخص
متعارج باوج قبول این ایام قرن اول است و عصر جلیل اکبر نفوس باید بترتیل آیات جلال
مانوس و بمشاهده ملکوت جمال محظوظ شوند عین تسنیم در جریانست و جنت آحديه
در نهایت تزین مشهود و عیان حکمت الهیه در نبعانست و کوثر الهی در فیضان و طیور
قدس در نغمه الحان پس ناس را بیدار و هوشیار کنيد تا از این فیض بحرالبحور نصیب
موفور برند و از این نغمه و آهنگ نشئه کاس کان مزاجها کافور یابند و علیکما بهاء

سروستان جناب میرکریم زائر علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای زائر مشکین نفس رؤیا تعبیرش آنست که نفوسی قصد آن نمایند تا نارالله الموقده خاموش گردد از جهد و کوشش آنان شعله عظیمتر گردد و نفوذ کلمه الله بیشتر شود حضرت مسیح سالم ماند و ما قتلوه و ما صلیوه ولكن شبه لهم واضح و مشهود گردد جمال مبارک بر سریر سلطنت آسمانی جلوس فرماید و سطوت و شوکت امرالله آفاق را احاطه کند و علیک البهآء الابهی

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۸ عبدالبهآء عباس

مقابله شد

۳۰۵ خط کاتب و امضاء مبارک

* ص 260 *

عراق بواسطه جناب آقا محمد مصطفی و آقا محمد علی سروستانی

احبابی الهی در سروستان ملاحظه نمایند

هوالله

ای یاران روحانی من وقت افول آفتابست و من بینهایت خسته و ناتوان با وجود این این دل و جان چنان در هیجان و مهربانست که بی فتور این بتحریر سطور این سطور پرداخت مقصود اینست که غافلان و بیخردان دست تطاول بظلم و ستم گشوندند و هجوم عمومی نمودند زیرا از مقاومت حجت و برهان عاجز گشتند و دست بسلاح عجزه زدند و مقصدشان اینست که بدرندگی و خونخوارگی مانند گرگان اغنام الهی را بدرند و سراج الهی را خاموش نمایند هیئات هیئات این سبب شود که شعله شدیدتر شود و شعاع بیشتر تابد و نسیم جان پرور جنت ابهی شدیدتر وزد لهذا باید احبابی الهی باستقامتی مقاومت این طوفان نمایند که عجز جاهلان ظاهر و عیان گردد در آنسامان باید هر یک از یاران مانند عقاب اوج عزت ابدیه پیروز آید و صید مرغان پراکنده و پریشان نماید تا جمیع طیور در حدیقه رب غفور راه یافته بنفحات بدیعه ترانه آغاز نمایند و آوازی بلند کنند که اهل فردوس در بارگاه قدس بوجد و طرب آیند و هلهله و ولوله برافرازند و علیکم التحیة و الثنا ع ع

مقابله شد ۳۰۶ خط کاتب مهر و

امضاء مبارک

بواسطه جناب یونسخان
جناب آقامحمد علی سروستانی علیه بهاءالله

هوالله

ای زائر مشکین نفس آنچه بجناب خان نگاشتی ملاحظه شد سخن گفتی و در سفتی و الحمدلله خانه دل را از خس و خاشاک غفلت و نسیان رفتی و در دبستان عشق نزد ادیب الهی درس محبت آموختی رؤیایی که دیده بودی دلیل بر آنست که بعون و عنایت جمال ابهی بعبودیت درگاه کبریا موفق خواهی شد و امرالله را عنقریب انتشاری عجیب حاصل خواهد گشت صیت ظهور مجلی طور جهانگیر خواهد شد و ارض غیرآء روشن و منیر خواهد گشت و علیک التحیه والتناء ع

مقابلہ شد

۳۰۷ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطه بشیرالهی
جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخار سروستانی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای متمسک بعهد و میثاق نامه اخیر شما بجناب آقاسید اسدالله رسید و بدقت ملاحظه گردید از درگاه جمال مبارک طلب عفو از برای حرم محترمهء شما شد که اورا غریق بحر غفران فرماید و از برای والد

ماجد و والده مقربہ شما نیز الطاف بینهایت از درگاه احدیت طلبیدم تا در دریای فضل و احسان غوطه ور گردند مکتوب یاران در جوف بود جواب مرقوم گردید و در طی این مکتوبست برسانید شب و روز یاد تو از خاطر نرود در این انجمن مذکوری و در بین ملاء اعلی عالم بالا آستان مقدس جمال ابهی روحی لعنة تربته الفدا مشهوری و علیک البهء الابهی ع

۳۰۸ خط

مقابلہ شد

کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب آقامحمد مصطفی و جناب آقا محمد علی سروستانی
عراق ابوی محترمشان علیه بهاءالله

هوالله

ای بنده یزدان پسر پاک گهرت بادیه پیمود تا رخ ب خاک آستان مقدّس بسود و مشام معطر فرمود در آن مقام نورانی زبان بعجز و نیاز گشود و طلب عون و عنایت از برای تو نمود این پسر از عهده شکرانه الطاف پدر بدو آمد حال باید پدر بغایت با مهربان گردد و لطف بی پایان مبذول دارد و شب و روز دعا کند و طلب توفیق نماید تا پسر مانند اشجار فردوس درختی پر بارور گردد و ببرگ و شکوفه و ثمر مزین شود و در جویبار جنت ابهی در نهایت تر و تازگی جلوه نماید و علیک التحیة و الثناء ع ع
خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 263 *

سروستان بواسطه بشیرالهی

جناب حاجی محمدعلی باقر زائر جناب آقا بابا جناب خداداد جناب حاجی حسین جناب مشهدی قربانعلی جناب فتحعلی جناب ابوالقاسم جناب آقا جمال جناب غلامرضا جناب مشهدی نادعلی جناب حاجی علی جناب مصطفی جناب زین العابدین جناب قربانعلی جناب شکرالله جناب قاسم جناب رمضان جناب علیرضا جناب استاد ربیع جناب

قربانعلی جناب اکبر جناب عبدالرضا جناب استاد مرتضی جناب استاد علی حسین جناب باباخان جناب علیخان جناب فتح الله جناب حسینعلی جناب سلیمان جناب مهر علی جناب محمد جعفر جناب فتحعلی جناب درویش عزیزالله جناب محمد ابراهیم جناب اسد جناب آقا جان جناب آقا جان جناب کربلایی شکرالله فرزند ایشان محمدعلی جناب محمد تقی جناب سبزعلی جناب ملا محمدعلی جناب محمد حسن جناب فتح الله سلیل ایشان روح الله جناب محمد علی جناب مرتضی علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

ای یاران عزیز عبدالبهاء چون نام مبارک آن روحانیان تلاوت شد حالت عجیبی دست داد بقول سعدی این مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست جان و وجدان شادمان گردید که الحمدلله در جویبار سروستان در نهایت طراوت و لطافت سروهای روان میخرامند و مینالند و مانند مرغ

* ص 264 *

سحر مینالند و چون عندلیب بر شاخسار معنوی گلبانگ الهی میزنند انشاءالله سروستان
جنت الهی گردد و گلشن ملاءعلی شود و علیکم البهآء الابهی عبدالبهآء عباس
مقابله شد ۳۱۰ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب بشیر الهی
جناب استاد حسن فخّار و حرم محترمه اش علیهما البهآء الابهی

هوالله

ای دو حمامه همدم و همراز الحمدلله در گلشن الهی پرواز نمودید و بملکوت راز پی
بردید و مظهر الطاف حضرت بیناز گشتید اما شماتت و ملامت بدخواهان شنیدید و اذیت
زیاد کشیدید و سمّ مار ستمکار چشیدید ولی چون در سیل ربّ جلیل بود این زهر شهد
بود و این درد درمان نظر پایان حال نمائید این بلایا را نتیجه عطایای الهی است و این
ملامت و شماتت را ستایش و نیایش و پرستش در پی عاقبت واضح و آشکار گردد و
بنجل مجید قنبرعلی تحیت ابدع ابهی ابلاغ داری آن اشعار آبدار بود و مانند آب زلال و
همچنین سلیل جلیل حاجی محمدعلی را مع ضجیع و عباس را مع ضجیع و نصرت الله و
مرتضی را با صباای روحانی نهایت مهربانی برسانید و علیکما البهآء الابهی ع ع مقابله
شد ۳۱۱ خط کاتب و امضاء مبارک
* ص 265 *

بواسطه حضرت بشیر الهی
شیراز جناب آقامرتضی زائر سروستانی ملاحظه نمایند
مناجات طلب مغفرت بجهت آقاعباس و مشهدی رحیم و کربلانی محمد حسن علیهم
بهآءالله الابهی

هوالله

الهی الهی و سیدی و رجائی انّی ابتهل الی ملکوت رحمانیتک و اتذل الی جبروت
فردانیتک و الود بیاب احدیتک و استغیض من سحاب رحمتک ان تشمل هؤلاء العباد
لحظات حین رحمتک و الطافک و تغرقهم فی بحر عفوک و غفرانک و تجعلهم آیات
فضلک و احسانک انک انت الحنون انک انت الغفور انک انت العفو المقدر الکریم الرؤف
مقابله شد
ع ع
۳۱۲ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله بواسطه بينش عمادآبادی
سروستان جناب کربلانی باقر عليه بهاءالله الابهي

هو الله

ای سرمست باده پیمان نامه مخصوص ارسال میگردد تا سبب شعلهء نار محبت الله گردد اینعبد را نهایت آرزو اینست که در هر نفس بصد کس از احبای الهی نامه نگارد و این میسر نگردد ولی بخامه روحانی در هر آئی نامه رحمانی نگارد و این در نهایت سرعت انجام پذیرد زیرا عالم جسمانی تنگنای عجیبی است جمیع امورش
* ص 266 *

بطئی است نهایت در هر نفسی چند قدمی طی شود ولکن روح شرق و غرب را در لحظه ملاحظه می پیماید ملاحظه کنید که چقدر متفاوتست باری مقصود چنین است که آن سرمست پیمانه پیمان در میان یاران الهی بجان و دل بکوشد تا همیشه التیام روحانی دوام نماید و الفت رحمانی جلوه فرماید و علیک التحیه والتناء ع ع مقابله شد ۳۱۳
خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب زائر کربلانی محمد باقر
جناب آقابا و جناب آفاشکرالله و دو سلیل جلیل و دو صبیّه محترمه و امة
الله حرم موقنه ایشان علیهم و علیهن بهاءالله الابهي

هو الله

ای مشتاقان جمال دلبر مهربان معشوق عالمیان و محبوب روحانیان و مقصود ربانیان و موعود بیانان چون از عراق اشراق فرمود ولوله در آفاق انداخت و پرتوی نورانی بر اخلاق زد کون بحرکت آمد امکان مسرت یافت حقایق اشیاء معانی الهی جست ذرات کائنات دلبر ربانی یافت شرق مطالع انوار شد و غرب افق اشراق گشت زمین آسمان شد و خاک تیره تابناک گشت جلوه ملکوت در ملک گردید و عالم ناسوت انتباه از عالم لاهوت یافت جهان جهان دیگر شد و عالم وجود حیاتی دیگر یافت این آثار روز بروز ظاهر و آشکار شود و این انوار یوماً یوماً بتابد و این
* ص 267 *

نَفْحُهُ مُشْكَبَارٌ أَنَا فَاتَّأَبَّرَ بِرِاقْطَارِ عَنَبٍ بَارٍ غَرَّدَ وَلى افسوس که ایرانیان هنوز مانند کوران
و کران بخواب غفلت گرفتار نور نیبند و ندا نشنوند و اتباه نیابند
و هوشیار نگردند جهدی کنید سعیی نمائید که ایران موطن دلبر مهربانست و فارس مبدع
طلوع صبح تابان بلکه بهمت دستان اهل آسمان مشاهده پرتومه تابان نمایند و از
فیوضات ربّ الآیات بهره و نصیب برند و علیکم البهَاء الابهی ع ع
مقابله شد ۳۱۴ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

۱۱ ج ۱ بواسطه جناب بشیرالهی

۱۳۲۸

شیراز جناب غلامرضای سروستانی علیه بهاءالله

هوالله

ای بنده الهی نامه شما رسید جوابی بملا جهانزیر مرقوم گردید البتّه خواهد
رسید ولی آیا امتحان عبدالبهاء جاز است لاوالله مطلوب امتحان طالب نماید نه قاصد
امتحان مقصود عبدالبهاء باید دیگران را آزمایش نماید تا خلوص آرایش قلوب گردد
مرقوم نموده بودی که سوادى از قرآن دارند پس چگونه صریح قرآن ملاحظه نگردید
جمال محمدی بنصّ قرآن میفرماید لو كنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و ما ادری
ماذا يفعل بی و بکم غذا با چنین نصّ قاطعی چگونه امتحان بمیان آید حضرت امیرعلیه
السلام در محلّ بلندی ایستاده بودند شخص منکری گفت یا علی مطمئن بحفظ الهی
هستی فرمودند بلی پس گفت خود را از آن محل مرتفع بینداز و اعتماد بحفظ الهی نما
در جواب فرمودند مرا نرسد که امتحان حق نمایم بلکه حق را سزاوار امتحان عبد کند
باری

* ص 268 *

باری باوجود این چیزی مرقوم گردید اگر چنانچه بصر بصیرت باز شود ادراک شود قناعت
حاصل گردد و علیک البهَاء الابهی ع ع مقابله شد
۳۱۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه حضرت عندلیب گلبن معانی

شیراز جناب مشهدی محمد حسن سروستانی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده حق عون و عنایت حضرت احدیّت چون شامل گردد هر نفسی کامل شود و هر شخصی غنی و متمول چون تأیید رسد ولو انسان هر دم گنجی بخشد ثروت افزون گردد و غنا مانند رود جیحون شود و اگر مدد منقطع شود دریا بخشکد و فرات و سیحون سراب دشت و هامون شود پس مدد از او طلب و تا توانی احبای الهی را معاونت کن تا عون و عنایت حق را مستمرّ یابی و ربیع و برکت مشاهده نمائی اگر ممکن است در مسئله خانه با جناب محمد باقر اعانه نمائید و علیک التحیة والتساء

مقابله شد

بواسطه جناب بشیرالهی

جناب کربلانی باقر سروسستانی و آقامحمدرضا و آقا عبدالله و آقا شکرالله و آقابابا و جناب مرتضی و آقاحسین اصطهباناتی علیهم بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

۳۱۶ خط کاتب

* ص 269 *

هوالله

ای پروردگار مفتون جمال خویش محمد حسن را در جوار رحمت کبری پناه ده و باسرار ملکوت ابهی آگاه کن باب غفران بگشا و بعفو و احسان معامله نما بپرتو الطاف ظلام آتام زاهل کن و بنور موهبت جبین روشن و منیر نما ای خداوند باقر زائر را شمع باهر کن و محمدرضا را برضای خویش موفق فرما و عبدالله را مظهر موهبت الله کن و آقابابا و شکرالله را شمع هدی فرما و آقا مرتضی را غریق دریای الطاف نما و حسین را از آوارگی نجات ده و آزادگی بخش و عون و صون خویش را شایان کن توئی مقتدر و توانا ع

مقابله شد

بواسطه حضرت عندلیب هوالابهی

جناب حاجی محمد و جناب هادی سروسستانی علیهما بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای دو برادر یک روح در دو پیکر الحمدلله اخوت جسمانی و معنوی و جسدی و روحانی در آن دو برادر جمع شده است این اخوت صحیحه صمیمیه است مبارک و متمین است باری مکتوب شما بواسطه جناب عندلیب واصل و ملاحظه گردید از ضیق حال و تسلط

اهل وبال شكایت فرموده بودید این ضیق و تنگی عمومی در جمیع جهات واقع و باکتر اشخاص وارد حکمتی در اینست انشاءالله
* ص 270 *

زائل میگردد قدری صبر و تحمل لازم انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب و اما تسلط مشرکین سیزله الله بقدرته و العاقبة للمتقين والروح البهآء علیک وعلی کل من ثبت علی الميثاق ع ع
مقابله شد ۳۱۹ خط مبارک

هوالله

جناب آقاغلامعلی جناب آقامصطفی جناب آقامرئضی جناب عباسعلی خان علم
بهآءالله الابهی

هو الابهی

ای دوستان حقیقی در این دم که نفس رحمانی از ملکوت ابهی مشام عبدالها را معطر نموده بذکر شما پرداختم ملاحظه نمایند که چه مبارک دمی بیاد شما مشغول شدم قسم بروی و خوی دلبر ابهی که قلب بمحبت احباء چنان در وله و انجذابست که وصف نتوانم و از فضل قدیم و لطف عمیمش ملتمس هستم که چنان آتش محبتی دردل و جان شما برافروزد که چون عبد حقیرش عبدالها جہانی را پر شعله و آتش نماید و هر متزلزلی را ثابت و راسخ کنید والبهآء من الله علی اهل البهآء ع ع مقابله شد
۳۱۹ خط مبارک

* ص 271 *

بلوک سروستان و تزنک

احبای الهی علیهم بهآءالله الابهی

هو الله

ای پروردگار مہبان این عاشقان آوارہ کوی تو آشفته روی تو دلدادہ خوی تو پوینده سوی تو جوینده روی تو لب تشنه جوی تو و شب و روز در جستجوی تو نظر عنایتی فرما عاطفتی کن موهبتی بده نعمتی مبذول دار تا از حسرت فراق بیاسایند و بحلقه وصال در آیند آوارہ اند سرو سامان یابند بیچارہ اند آسایش جان یابند دردمندند درمان جویند آزرده اند شادمان گردند ہمدم آہ و فغانند بروح و ریحان رسند انیس نالہ و آہند بیمارگاہ رسند الها تو آگاهی کہ پناہی ندارند و در ہر شام و صبحگاہی بگریند و

بزارند و فضل و موهبت تو خواهند خدایا مهربانا رحیما کریما آنچه شایان موهبت است رایگان فرما و هرچه مقتضای رحمتست ارزان کن نسیم جانبخش بوزان و نفعه مشگ اذفری بفرست تا دماغ مشتاقان باغ جان گردد و مشام آزرندگان پرگل و ریحان شود قوتی بده که بخدمت پردازند قدرتی عطا کن که از عهده شکر آن بدر آیند و فریاد برآرند طوبی لنا بشری لنا و فرحاً لنا و طریباً لنا و طوعاً لنا و فوزاً لنا من هذه المواهب التي اشرفت بها الآفاق و تثلثت باشد اشراق و جمعتنا على الوفاق و ازالنا عن اهل الارض النفاق و اسال السيول

* ص 272 *

من الآفاق حباً و شغفاً بجمال تجلی فی یوم التلاق رب ادر علیهم کاساً دهاقا و رنجهم بصهباء الفضل و العطاء عهداً و میثاقاً انک انت القوی المتین لاله انت الغفور الرؤف العلی العظیم ع ع مقابله شد ۳۲۰ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

بواسطه بشیر روحانی ش جناب استاد جواد سلمانی من اهل الصاد علیه بهاء الله

هو الله

ای آواره من دشت و صحرا پیمودی و احرام کوی دوست بستی و بقدر مقدر رجوع نمودی ضرر ندارد من بالنیابه از تو در آستان پاک روی و موی را بخاک مشکبوی خوشبوی مینمایم و از الطاف غیبی رجا میکنم که مشام تو نیز معطر گردد اصل محبت الله است چون مؤید بانی انشاء الله بهر عنایتی موفّق و مؤید میشوی و هذا من فضل ربی تا توانی بذکر حق مشغول باش و از مادون بیزار و محرم اسرار و سر الهی عبودیت درگاهت و محویت و فنا انشاء الله فائز میگردد ع ع مقابله شد ۳۲۱ خط مبارک

هو الله

حضرت افنان سدره ربانیّه حسب الارادة المطلقة آنکه چون جناب ابراهیم افندی از * ص 273 *

نفوسی هستند که تازه بشریعه الهیه وارد و بر شاطی بحر احدیت نازل قلبشان بانوار هدایت کبری روشن و روحشان بنفحات خوش ریاض موهبت حضرت ربوبیت گلشن لهذا باید که آنجناب بجمیع و صائل متشبت که سبب ازدیاد روح و ریحان و اشتعال نار محبت الله در کینوتشان گردد البتّه او را راضی و ممنون فرمائید و الروح و البهائم و

العز و الثناء عليك و على سليلك الذي هو مذكور في قلوب اهل الله و على سائر الاحباء
ع والسلام
مبارك

مقابله شد

خط ۳۲۲

هو الله

پورتسعید حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی
البشاره محرمانه

هو الابهی

ای فرع جلیل سدره مقدسه مبارکه جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبانه الفدا در
وقتی که در حیفا تشریف داشتند موقعی را در جبل کرمل بکرات و مرات تعریف فرمودند
که آن محل بسیار با صفا و لطافت و نظارت است و امر فرمودند که آن محل را بهر
قسمت بگیرند بسیار بسیار میل مبارک بگرفتن آن محل بود چهار سال پیش بهر وسیله
بود آن محل گرفته شد و جزئی ترتیبی داده شد و مهیا گشت پس سفارش مخصوص
برنگونه داده شد و مکاتیب متعدده مرقوم گشت و نقشه صندوقی از رخام آن صفحات
که در جمیع جهات معروفست کشیده شد و ارسال
* ص 274 *

و ارسال گشت و بمشقت زیاد یکپارچه منبت اتمام شد و بوسائط چندی حمل باینجا
گشت و البته در بین راه در ورود بعضی از شهرها چه شد مسموع آن جناب گشته
خلاصه با صندوقی از بهترین خشب هندوستان چندی پیش وارد گشت و یک سال قبل از
اینجا جناب آقامیرزا اسدالله را مخصوص فرستادیم تا آنکه با تخت روان جسد مطهر
هیكل مقدس و عرش عظیم روحی لترابه الفدا را از ایران با کمال توقیر و خضوع و
خشوع و احترام

با چند نفر احباب حمل نموده وارد ارض مقدس نمودند حال در جبل کرمل مشغول بیناء
مقام مقدس هستیم و انشاء الله شما را نیز میخواستیم تا با ما در سنگ و گل کشی در آن
مقام مبارک شریک و سهیم گردی و اقتباس فیوضات غیر متناهیه نمائی و باین شرف
اعظم موفق گردی و هذه بشاره لاتقابلها سلطنة الملك و السموات فی الحقیقه چنان
سرور و جبوری دست داده که وصف نتوانم زیرا آن عرش مقدس بسیار مورد اهانت
اهل ظلمت شده بود الحمد لله بعون و عنایت جمال قدم چنین اسباب فراهم آمد که در

نهایت عزّت جمیع اسباب مهیا گشت که محلّ حیرت کل خواهد شد والبهاء علیک و علی
افنان السدرة المقدّسة هناك ع ع مقابله شد
۳۲۳ خط مبارک

* ص 275 *

هوالبهی

پورتسعید حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هوالبهی

ایها الفرع الجلیل من السدرة المبارکه خبر وصول محفوظ و مصون سبب فرح و سرور
گردید هذا من فضل ربی ان ربی لعلی صراط مستقیم در خصوص امور متوکل بر خدا
باشید و مطمئن بفیوضات ملکوت ابهی عنقرب ملاحظه خواهید کرد که آثار تأیید از
جمیع جهات احاطه خواهد نمود در خصوص ارسال حضرات حال ورقه مقدّسه قدری
تکسر پیدا نموده بود الحمدلله رفع شد ولی هنوز قدری ضعف باقی و از این گذشته هوا
گرم انشاء الله هواها معتدل شود و شما درست تمکن حاصل نمائید و امور منتظم گردد
که مشغولیت زیاد نداشته باشند و قتش خواهند آمد والبهاء علیک ع ع مقابله شد
۳۲۴ خط مبارک

هو الله

پورتسعید

حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هوالبهی

ایها الفرع من السدره مبارکه چند هفته پیش مکتوب مفصل مرقوم گشت و ارسال شد و
تابحال

* ص 276 *

و تا بحال خبر وصول نرسید چون مکتوب مهم بود لهذا تکرار مرقوم میشود مقصد اینست
که اینعبد نه بدرجه مشغول که بوصف در آید با وجود این مرقوم گشت شما ملاحظه مرا
نمائید خواه بنویسم و خواه فرصت نکنم شما همیشه مرقوم دارید ع ع
۳۲۵ خط مبارک مقابله شد

هو الابهی

ای بندگان الهی تمسک بذیل تقدیس جوئید و در ظل ملک توحید باهنگ ملاً اعلیٰ بتهلل و تکبیر مشغول گردید و در خدمات دوستان جانفشانی نمائید هر یک خادم یکدیگر شوید زیرا خدمت احباء الله خدمت حقست احبای پور تسعید فی الحقیقه سبب سرور این عبد هستند زیرا بخدمت یاران قائمند و در نصرت امرالله مشغولند طوبی لهم و حسن مآب والبهاء علیکم یا احباء الله و اودائه ع

مقابله شد

۳۲۶ خط مبارک

هو الابهی

حضرت افنان جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ایها الفرع الکریم من الشجرة المباركة التي اصلها ثابت و فرعها فی السماء و تؤتی اکلها فی کلّ حین آنچه مرقوم فرموده بودید ملاحظه شد نوایای آن حضرت شبهئی نیست که خالص لله بوده ورقه

* ص 277 *

مفصله مخاطباً للعموم مرقوم شد و ارسال گشت ملاحظه خواهید فرمود حال مقصد اینست که انشاء الله آن حضرت نوعی موقّق گردند که تعدیل و تحکیم امور حاصل و ضبط و ربط و صیانت در جمیع شئون ظاهر و محافظه حقوق و مراعات مراتب لائح و ملاحظه عواقب باهر و صیانت کمپانیه در جمیع مراتب کامل و رضایت قلوب و روح و ریحان نفوس حفظش بقدر امکان واضح گردد و یقین است بعون الهی و همت آنحضرت جمیع اینها حاصل میشود والبهاء علیک ع

مقابله شد

۳۲۷ خط مبارک

هو الابهی

ای فرع منشعب از سدره مبارکه علیک بهاء الله و جوده و عنایت اگر چه جواب نامه آنجناب از پیش ارسال شد و لکن حال چون جناب حاجی عازم موطن و قاصد آن ارض هستند و بخاطر داشتم که چون روانه شوند مکتوبی مرقوم شود که حکایت از کتاب قلوب کند و از درون بنماید لهذا باین چند کلمه پرداختم و بر زحمت شما بیفزودم آنی نمیگذرد که بخاطر دوستان معنوی نگذری و دمی نرود که بیاد محبان حقیقی نیائی در هر محفلی بیاد تو مشغولیم و از عنایات سابقه و فضل و موهبت لاحقه مستثنت مینمائیم که آن افنان

دوحه بقا را در جميع احيان بغيضان ابر رحمت سبز و خرّم دارد و باثمار طيبه مثمر و بارور سبب اعلاّء كلمه الهيه نمايد و واسطه نشر اخلاق رحمانيه گشايش قلب
* ص 278 *

قلب عنایت کند فسحت و وسعت دل و جان ارزان فرماید تا در انجمن یاران بانوار فضل
رحمن روشن و منور باشد و آثار یزدان مشهود و مصوّر والبهاء علیک ع
مقابله شد

خط مبارک ۳۲۸

هو الله

ش احبای الهی علیهم بهاء الله ابهی

هو الله

ربّ و منائی و الهی و رجائی هو لآء عباد سمعوا الندآء و لبوا بكلّ و لآء و وفآء و آمنو و صدّقوا بآياتك الكبرى و انجذبوا بالاشراق و توجهوا الى نيرالآفاق و ثبتوا على الميثاق و لم يكثرثوا بما فى اوراق الشبهات من النفاق و الشقاق بل ثبتوا و نبتوا و استقاموا و استفاضوا من حياض موهبتك التى شاعت و ذاعت آثارها و سطعت و لمعت انوارها و ماجت و هاجت بحورها و فاضت و امطرت غيومها و انهمرت و انسجمت غيوثها ايرب اجعل مجاورى بيتك الحرام مجارى ماء فيضك النازل من غمام الفضل و الاكرام ثم اجعلهم خدمة عتبتك المقدسة المقام و ساعين فى اعلاّء اركانه المعطرة الارجاء و مكبتين على تربة المغبرة الشدا و اجعلهم خضعًا خشعًا ركعا سجداً فى تلك الحضرة
الرحمانية
* ص 279 *

العالية البناء انك انت العزيز القدير ع
مقابله شد خط مبارک ۳۲۹

هو الله

حضرت افنان سدره مقدسه جناب آقا ميرزا آقا عليه بهاء الله الابهی

هو الله

ايها الفرع الجليل من السدرة المباركة مدتيست كه بان حضرت چيزى ننگاشتم هر قدر
كله و شكوه نمائيد حق با شماست زيرا اقلأً هر ماهى ارسال نامه واجب و لازم و در هر
دمى پيغامى فرض و متحتم ولى اگر بدانى كه عبدالبهاء در چه طوفان جفا مبتلا و در
چه بحران مصائب و بلايائى گرفتار البتّه در دهري بسطرى قناعت نمائى و معذور دارى

باوجود این هجوم الان که عازم تشرّف بآستان مقدّسم که روحی جدید یابم بیاد شما افتادم و بنگارش این نامه پرداختم و بوکالت شما بر خاک آستان تربت پاک افتاده و بالنیابه زیارت خواهم نمود حضرات افنان سدره مبارکه را تکبیر و تحیت ابلاغ فرمائید و همچنین سایر دوستان را ورقه مقدّسه کبری و صغری را تکبیر برسانید ع ع

مقابله شد

هو الله

* ص 280 *

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیزا آقا علیه بهاء الله الاهی

هو الله

ایها الفرع من السدره المبارکه الھی الھی هذا فرع من الشجرة المقدّسة التي اصلها ثابت و فرعها فی السماء و تؤتی فیکل حین اکلها ای رب اجعله ممتداً مرتفعاً مخضراً غصّاً رطباً بوابل المواهب و هاطل سواکب السحاب ای رب ایده علی نشر النفحات و وفقه علی ترویج الکلمات و تغریح القلوب بالمسرّات و تغریح الکروب بالبشارات ای رب ثبت به القلوب و رکّز به الامور و فرّج به الهموم و اجعله آیه الروح و الريحان بین ملاً الايقان و اجعله مشغولاً بما یریده عزّاً فی الامکان و احصر اوقاته علی اعلاء کلمتک بین اهل الاکوان انک انت الکریم المنان ع ع

۳۳۱ خط مبارک

هو الله

ایها الفرع المحترم الیوم بجمیع قوی بکوشید که احبای الھی نهایت اتحاد و اتفاق را حاصل نمایند چه که از اعظم فرائض زیرا ارباح تزلزل بشجره میثاق احاطه نموده ذره اختلاف یاران سم مارانست بهر وسیله باشد باید بطل کلمه وحدانیت دلالت بلکه مجبور

* ص 281 *

مقابله شد

کرد و البهآء علیک ع ع

هو الله

شیراز جناب افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله

هوالله

ايها الفرع الرفيع من الشجرة المباركة مكاتيب آن حضرت رسيد معانى مباني ثبوت بر پيمان الهی بود امید از تأييد ربّ مجيد چنانست که در جميع امکنه و ازمه و احوال موقّق بعبوديت آستان مقدّس گردید و خدمت بامرالله و احباء الله نمائيد اينست ثمره وجود و جوهر مقصود حضرات افنان شجره مقدّسه چندی بود در نزد ما بودند و بزيارت تربت طاهره مشرفّ مقصود اين بود که بیش از اين در اینجا بغوز عظيم طواف موقّق باشند ولی تنهائی آن حضرت و بخصوص که ميرزا بدیع ذکر اندک کسالتی نموده لهذا حضرات خواهش مراجعت نمودند اين عبد نیز بملاحظه اينکه شاید تنهائی سبب صدمه و دلتنگی باشد اجازه داد انشاءالله بنهات سرور و بشارت مراجعت ميفرمایند ع ع مقابله شد

۳۳۲ خط مبارک

* ص 282 *

ش حضرات افنان سدره مقدّسه مبارکه سینا عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

ای افنان سدره منتهی و ای احبای جمال ابهی بیت مقدّس و مطاف ملاءعلي را باید از هر جهت در کمال حکمت حفظ نمود و بحرمت و خدمت کوشید اين عبد از خدام آن آستانست ملاحظه نمائيد در ملکوت ابهی کن مطاف روحانيان چه قدر اهميت دارد باری اهل فارس کل در ظل آن مقام مقدّسند و اما بقعه مقدّسه معطره منوره حضرت حرم روحی تشناق استشمام رائحة قدس تراها باید در نهایت احترام آنرا محافظه نمود تا وقت ارتفاعش آید و آن مقام مطاف ارواح قدسيان را باید افنان سدره مبارکه از قبل اينعبد طواف نمایند و بقعه معطره مقدّسه حضرت حرم کبریا را زیارت نمایند ع ع مقابله شد

۳۳۳ خط مبارک

هوالله

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايها الفرع من السدرة المباركة چندی بود که حضرات افنان عليهم بهاءالله الابهی را احضار نموده بودم

* ص 283 *

در ارض اقدس بودند از قضا این ایام بلایای این عبد در شدت هیجان بود بقسمی که شب از روز ممتاز نه اینعبد نتوانست که از هر جهت ملاحظه اسباب روح و ریحان نمایم باری ارض مقصود بقسمی منقلب که وصف نتوانم ثبوت و رسوخ این عبد و سکون ثابتین نگه داشته است و چون اسباب تشّت و گرفتاری از هر جهت مهیا بود مبادا عند الصعوبات والشدائد مشکلات حاصل گردد مصلحت چنین دیده شد که اقلّاً حضرات نیز مبتلا نگردند ایشان را روانه بقطر مصر نمودیم که تا جواب از آنجناب برسد در آنجا صبر نمایند باری مختصر اینست که امور آنجناب و ایشان ترتیب و تمشیتش بدون تشریف آوردن شما ممکن نه و از پیش نیز مرقوم گردید از ثبوت و رسوخ احبای الهی و تمسک و تشبث بعهد و میثاق مرقوم نموده بودید معلومست نفوسی که مؤمن بالله و موقن بآیات الله هستند اگر جمیع من علی الارض قیام نمایند و بخواهند مقدار ذره بلغزاندن البتّه عاجز مانند چه که این نفوس از کأس عنایت سرمست گشتند جز بنفحات قدس الفت نجویند و جز بانوار الهی منجذب نگردند والبهاءعلیک ورقه مقدسه والده افنان را تکبیر ابیع ابهی ابلاغ فرمائید و همچنین جمیع دوستان الهی را از قبل این عبد کمال اشتیاق نمائید والبهاء علیهم اجمعین ع ع

۳۳۴ خط مبارک

مقابله شد

* ص 284 *

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ایها الفرع الرفیع من دوحه البقاء نورانیت امرالله جهان را بصبح منیر و نور مبین روشن نموده و نسیم رخیم حیات بخش جنت ابهی شرق و غرب را معطر فرموده صوت تهلیل و تکبیر است که بملأ اعلی میرسد و آهنگ تنزیه و تقدیس است که روحانیان را جذب و وله میدهد قلزم کبریا چنان موج انگیزته که سواحل کائنات را مستغرق نموده و نارالله الموقده چنان شعله زده که قلوب اهل ملکوت را محترق کرده جهان جهان دیگر شده و اقلیم و کشور حیات بشر نکهت روح پرور یافته لهذا همواره عبدالبهاء از کل جهات منتظر ظهور انوار شوق و شعف است و مترصد بروز آثار جذب و وله امیدوارم که آن اقلیم بنسیم الهی رشک بهشت برین گردد و آن کشور از فضل و موهبت جلیل اکبر فخر و مباحات عالم بشر شود لهذا باید جمیعاً شب و روز بکوشیم تا هر روز نوروز گردد و هر دم ساعت فیروز و نورانیت وجود یاران شمع شب افروز جمیع احبای الهی را بالطاق

نامتناهی بشارت دهید تا کل از این بشارت رحمانیه باهتزاز آیند و در ارض الفت و محبت
الله محشور گردند و عليك التحية والثناء ع ع
مقابله شد

۳۳۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 285 *

یا حضرت افنان مکتوبی که از پیش مرقوم شد و دلالت بر احزان عبدالبهاء مینمود سببش
این بود که اول گاه گاهی بعضی از یاران از یکدیگر شکایت ضمنی مینمودند و عبدالبهاء
سکوت میکرد و مناجات مینمود و ربّ و فوق بین عبادک بر زبان میراند تا آنکه در یک پوسته
مکاتیب متعدده از اشخاص چند وارد و معاذالله باشنع عبارات مذمت احباً چنان حالتی
دست داد که بی اختیار آن مکتوب مرقوم شد والا این گمگشته صحرای فنا از یاران
شیراز شکایتی ندارد بلکه نهایت محبت را دارد ع ع
مقابله شد

آخر لوح نمره ۱۳۵ این خط مبارکست

هو الله

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ایها الفرع الرفیع در این دم که از احزان مظلومیت شهداء چنان آتش حسرتی در دل این
مسجون مظلوم افروخته که ابداً مجال تحریر و تقریر نگذاشته معذک این عبد بنگارش
این نامه پرداخته زیرا مقصود این بود که مبلغی تدارک شده بجهت تعمیرات بیت مقدس
ارسال گردد و الا تأثر و تحسر نه بدرجه که قلم تجول و لسان تکلم تواند و این نظر
بصدمات و بلیات وارده بر حضرات شهداء روحی لهم الفدا است والا چه موهبتی اعظم از
این و چه الطافی اکمل از آن که جان

* ص 286 *

در ره جانان فدا شود و تن در محبت آن گل پیرهن در خاک و خون غلطلد عنقریب گل
ترک دغدغه این جهان ظلمانی مینمودند و بدرگاه احدیت بی زاد و توشه و ارمغان و
هدیه توجه میکردند حال هر یک با ارمغانی از سر فدا و هدیه خون شهادت کبری بدرگاه
کبریاء توجه فرمودند چه قدر فرق در میانست حضرت اعلی روحی له الفدا در احسن
القصص میفرماید یا سیدنا الاکبر قد فدیت بکلی لک و ما تمنیت الا القتل فی سبیلک باری
از برای شهداء موهبتی اعظم از این نه که روح را در سبیل محبوب بیهمتا فدا نمایند رب
و ففنی علی هذا انک انت الرحمن الرحیم و اما از جهت امرالله کلمة الله شجره مبارکه

سقایه کامله شد و عنقرب چنان نشو و نما نماید که امتداد و ارتفاع جوید که عقول حیران گردد و وقوعات پیش برهان عظیمست خلاصه موازی پنجاه لیره فرساوی ارسال گردید یعنی هزار فرنگ حال بیش از این ممکن نشد شاید از طهران جناب امین اگر ممکن بشود نیز خواهند فرستاد ع ع
مقابله شد ۳۳۶ خط مبارک

هو الله

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ایها الفرع من السدره الرحمانیه آنچه مرقوم گردید از روایات و حکایات
* ص 287 *

نه مسرور شوید نه محزون حرف همان حرفست ولن تجد لسنة الله تبديلا ان الله مع الصابرين این ایام عبدالبهاء سجنش تجدید شده و در طوفان بلا چنان مستغرق که وصف نتوان در بحران عظیمست حضرات افنان سدره مبارکه را تکبیر ابدع ابهی برسان در یوم اول رضوان از قبل عبدالبهاء زیارت بیت مقدس نمائید ع ع
مقابله شد ۳۳۷ خط مبارک

هو الابهی

جناب افنان سدره مبارکه آقامیرزا آقا علیه بهاء الله

هو الله

ایها الفرع الجلیل من السدره المبارکه یک نسخه از بیان جناب سید مهدی بدهید و اگر چنانچه موجود نه حضرات افنان تقسیم نموده مرقوم نمایند و تسلیم کنند والبهاء علیهم ع ع
مقابله شد

هو الابهی

ش حضرت فرع رفیع جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکہ مدتیست کہ آن جناب وارد ارض شین گشته اید و تا بحال
* ص 288 *

تا بحال تحریر وارد فوراً جواب مرقوم و ارسال گردید ما منتظر آن بودیم کہ بورود شما
آثار اشتعال نمودار گردد و احبای آن سامان در شور و شوق و فوران و ذوبان آیند ورود
آنجناب چون دخول موکب ربیع باشد کہ در تلال و دیار خیمه بر افرازد و در صحرا و دشت
با سپاه فیوضات بتازد هنوز خبری نرسید و اثری ظاهر نشد باری ظهور و بروزی لازم و
آثار ورود و وفوری واجب این عید در آستان مقدس شب و روز متضرع و مبتهل کہ جنود
تأیید ظہیر گردد و ملائکہ ملکوت نصیر انشاء اللہ من بعد تلافی مافات خواهد شد
حضرت میرزا حبیب حضرت میرزا بزرگ مکاتباتشان مرقوم شد این روزها احضارشان
نمودم عنقریب وارد خواهند گشت مصائب و بلا یای وارده بر اهل آن اقلیم فارس شدید
شده است و امتداد یافته است اگر چنانچه رفع این بلا و دفع
این مصائب بیمتھی را بخواهند باید مسجدي را کہ جنب بیت مقدس است تعمیر نمایند و
در آنجا تضرع و بتلی و ابتھال و توجھی و عجز و نیازی مجری دارند و دفع بلا خواهند و
کشف ضراء جویند تیر دعا در هدف استجابت کارگر گردد و بکلی این بلا یا مندفع شود و
ذلک وعد مکذوب بل مسطور فی لوح محفوظ عند ربک العزیز القیوم ای فرع رفیع
ملاحظه کن کہ عواقب تجارت و زراعت و صنعت چه بود و چه ثمر داشت سم هلاک بود
* ص 289 *

یا شھد نجات مضرت جان بود یا مسرت وجدان فاعتبروا یا اولی الابصار پس در فکر
تجارت و زراعت و صنعتی باشید کہ ثمرش شیرین و رائحه اش عنبرین و ربوح عظیم و
رواجش در ملکوت علین باشد ع ع
۳۳۹ خط مبارک

هو اللہ

ش حضرت افنان جناب آقامیرزا آقا علیہ بہاء اللہ البھی ملاحظه نمایند

هو اللہ

ایها الفرع الجلیل من السدرۃ المبارکہ مکاتیب متعدده واصل و بر مضامین اطلاع حاصل
شد تأخیر جواب از شدت تأثیر بلا یاست نہ از مسامحه در قضایا مختصر اینست کہ دقیقہ
فرصت و راحت و آسودگی خواطر نہ تا مکاتیب چنانکہ باید و شاید مرقوم گردد لهذا

بعهدۀ تأخیر افتد شما ملال و کلال نیارید و همچہ بدانید کہ عبدالہاء نہایت آمالش سرور و فرح احبّ و بالأخص افنان سدرہ مبارکہ است و شب و روز بجان و دل بکوشد کہ سبب روح و ریخان دل و جان گردد و چون از آن جناب کمال اطمینان حاصل لہذا تحریر مکاتیب را بوقت روح و ریخان مرہون مینمایم تا بکمال انشراح مکتوب مرقوم گردد از ضوضاء علما مرقوم نمودہ بودید این امریست مقرر کہ آن نفوس تحمل انتشار نجات اللہ نمایند و بتمام قوی مقاومت خواهند حمد خدارا کہ در مقابل تعرض شدید آنان

* ص 290 *

ثبوت و رسوخی بیاران عطا میفرماید کہ مقاومت سیل شدید کنند و چون بنیان حدید متانت عظیم بنمایند حضرت رئیس الحمدللہ بنفس نفیس مقاومت ہر خسی را نمودہ و مینمایند جہلای قوم در آن مدینہ البتہ تحمل نفوذ کلمہ ایشان را ننمایند لہذا باید کہ احبّ نوعی بحکمت با آنان برآیند و حرمت و رعایت کنند کہ بقدر امکان نائزہ حسد ساکن گردد زیرا این نفوس مبتلای حبّ ریاستند چون رعایت بینند از ہمہ چیز چشم پوشند و چون اندک رخنہ در ریاست خویش مشاہدہ کنند بمثابہ آتش شعلہ زند حضرت رئیس فی الحقیقہ کمال سلوک را دارند ولی مقتدای شہر صیت و شہرت طلبد و چون مخالف آرزوی خویش بیند بشرارت بر خیزد بہر قسمت تسکین شعلہ بنماید و صبر و تحمل فرماید و کمال حکمت را مجری داری باری الحمدللہ اعلیحضرت شہرباری در نہایت بردباری و بعدالت و انصاف مقاوم ظلم و اعتسافند و همچنین ارکان سلطنت قاہرہ و وزرای حکومت باہرہ البتہ راضی بتعدیّات و ستمکاری بیخردان نگردند و در امنیّت و راحت و آسایش رعیت کوشند دعا نمایند کہ اعلیحضرت مظفر منصور گردد و اعدایش مغلوب و مقهور زیرا فی الحقیقہ پادشاہ مہربانست و شہربار رعیت پرور پر احسان امیدواریم کہ احقاق حق فرماید و دست تطاول درندگان را مقطوع فرماید جناب میرزا عبدالحسین کہ در لسان انگریزی ماہرند مأذون حضورند از برای بعضی مکتوب خواستہ

بودید

* ص 291 *

مرقوم میشود مقام مقدّس حضرت اعلیٰ روحی لہ الفداء در کمال گرمی روز بروز بلند میشود و عنقریب یک قطعہ جسیمہ عظیمہ کہ محاط باماکن متعدّدہ در کمال متانت باتمام رسد ولی نمیدانید کہ بیوفایان چه قدر معارضہ کردند و چه قدر فساد نمودند کہ تا این بنیان بلند نگردد و این مقام مرتفع نشود الحمدللہ بعون و عنایت الہی بساختن مشغولیم تا بعد چہ شود الامر بیدہ و نحن راض بقضائہ حضرات افنان سدرہ مبارکہ را تکبیر برسانید و همچنین جناب عندلیب را از ہر جہت نہایت محبت و الفت بایشان مجری

فرمائید و از وقوعات علما محزون نباشید این یقین است سبب علویت امرالله گردد و ذل و هوان ستمکاران فسوف تری هؤلآء فی ذل عظیم و اگر تحریک و فساد آنان نباشد صیت امرالله بلند نگردد ان فی ذلک لحکمة لأولی الابصار و علیک التحیة و الشآء ع ع مقابله شد ۳۴۰ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

ش حضرت افنان جناب آقامیرزا آقا علیه بهآءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

یا من یسمع نیاحی و صیاحی و نوحی و حنینی الیه فی جنح اللیالی و صباحی و اسحاری و بکوری و ضحائی و زوالی و اصیلی و عشائی متذلاً باب احدیتک و رحمانیتک و خافضاً جناحی للذین آمنوا بک و آیاتک
* ص 292 *

و آیاتک و ثبتوا علی امرک و تمسکوا بدینک و تشبثوا بذیل رداء احدیتک و اخلصوا وجوههم لک و ترکوا کل شهواتهم و تقدسو عن کل الشبهات فی عهدک و میثاقک و تنزهوا عن کل ظن و ارتباب فی محبتک البیضاء و شریعتک السمحاء ربی ربی انت ترانی شدة بلائی و هجوم اهل الخصوم علی حمائی عن یمینی و یساری و جنوبی و شمالی من سائر الادیان و طغاة اهل البیان ای رب انی وحید فانصرنی ذلیل غرزنی حقیر احفظنی فقی اعطنی ضعیف قوئی عطشان فاسقنی سقیم فاشفنی ارحمنی یا الهی خلصنی من هذه البلیات و نجنی من هذه المصیبات و اجرنی من هذه الوهده فی جوار رحمتک و ارجعنی الیک و ارفعنی الی ساحة عزک و ادخلنی فی ظلك فی عوالم التي غفلت عنها طغاة خلقک و عصاة بریتک ایرب ضاقت علی الانحاء و سدت علی ابواب الرجاء و تبدلت بالشدة الرخاء و تعسر کل میسور و ظهر کل غم و هم معسور ای رب ای رب اسئلک بقدم ذانک و عزه قیومیتک ان لا تترکنی یا الهی مع هذه الحالة التي یرق و یرثی لها الصخرة الصماء انک انت الکریم الرحیم المقدر الحنان المنان الرحمن ع ع مقابله شد ۳۴۱ خط مبارک

الهی الهی هذا فرع من فروع سدره ربانیتک و آیه من آیات ملک و فردانیتک احفظه عن سهام الشبهات و ظنون اهل الاشارات و ادخله فی حصنک الحصین و رکنک المشید
* ص 293 *

المتمین و صنه بقوتک القاہرہ و قدرتک الباہرہ و اجعلہ سداً منیعاً مقاوماً للسیول المنحدرہ و

ممانعاً شدیداً لہجوم الجیوش الفاتکة الجائرة الهانکة لستر حرمتک بین الوری الشاکية السلاح باشد القوی ای ربّ ثبت اقدامنا علی الميثاق و احفظنا عن الشقاق و اجعلنا متمسکین بعروتک الوثقی و منقطعین عما سواک یا مالک الآخرة و الاولی اُنک سمیع الدعاء ع ع
مقابله شد

هوالله

حضرت افنان جناب میرزابزرگ و حضرت افنان آقا میرزا حبیب را اجازه حضور داده وارد شدند و بنفحات قدس مطاف ملاعلی مشام را معطر نموده چندی اینجا بودند و مراجعت کردند فی الحقیقه بسیار معقول و محجوب بودند از فضل و موهبت جمال قدم روحی لاجبانه الفدا امیدوارم که در جمیع مراتب و شئون روز بروز ترقی نمایند در خصوص اشغال و تجارت میل این داشتند که خود و برادر بکاری علیحدہ مشغول گردند و آزاد باشند و این عید گفت که مراجعت بآن جناب نمایند و استیذان کنند اگر چنانچه شما راضی باشید ضرری ندارد در خصوص تعمیر بیت مرقوم فرموده بودید که سبب ضوضا خواهد شد فی الحقیقه حضرت آقامیرزا آقای افنان علیه بهاءالله نهایت شکایت را از بلایای متتابعه بر بلاد فارس و یزد مرقوم نموده بودند و استدعای دعا در روضه مبارکه کرده بودند این عبد را منظور چنان بود که این بلایا باسابی رفع
* ص 294 *

شود که سبب علو امرالله و اعلاء کلمة الله باشد لهذا تعهد این کیفیت را نمودم که چون آن بیت معمور و مطاف جواهر وجود آباد و معمور گردد این بلایا بتمامها زائل شود و تا الیوم نفسی در هیچ عهد باین قسم واضح و مشهود تعهد اینگونه امور ننموده مراد این بود تا حجت الهیه بالغ شود و شرف منقبت آن بیت عظیم مقدس ظاهر و باهر گردد حال که اسباب ضوضاء و فساد اهل طغیانست البته ملاحظه حکمت لازمست پس تدبیری باید نمود که فی الجمله تسهیل و تخفیف در بلا حاصل گردد و تا این بلایا خدا نکرده استمرار نیابد و آن اینست که گفته شود که مسجد جدیدی که قرب آن بیت ربّ جلیل است و خرابست شخصی از اولیاء که در جفر جامع ماهر است استخراج کرده است که اگر چنانچه آن مسجد تعمیر تام گردد این بلایا مبرمه تخفیف یابد و این غیوم مظلمه کشف شود چاره اکنون آب و روغن کردنست زیرا این مسجد شرف قرب جوار دارد بقدر این جواریت حکم و تأثیر دارد بنیان بیت معمور نیست ولی آب پاشی آستانست و جاروب

کنشی میدان همچو بنظر نمیآید که از این چندان حرفی حاصل شود و اگر ملاحظه فرمائید که این نیز منجر بروایات و حکایات و فزع ناس و فزع خلق و ضوضاء میشود باید سر تسلیم داشت البته حکمت از اوامر الهیه است ملاحظه لازمست و محافظه الزم و آنچه الیوم اهم امور است
* ص 295 *

ثبات و استقامت کل بر عهد و میثاق الهی است اما نچنان ثبات بعضی که عبارت از لفظ است و بس چون شهادت برسالت حضرت رسول از بعضی واللّه یشهد انک لرسوله و ان المنافقین لکاذبون ع ع
مقابله شد

هوالبهی

حضرت افنان جناب آقامیرزا آقا علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الجلیل من السدرۃ المبارکة قد تلوت کتابک الذی بکت العیون حین اطلاعی علی مضمونه واحترق قلبی من حرقة نارك وشدۀ نیرانک و کثرت احزانک و ابتهل الی الملكوت الابهی ان یفرغ علیک الصبر فی البلاء و التحمل فی فراق اذ اشتد الساق بالساق و اقترب یوم الميثاق و ان یجعلک فرحاً لاحتیانه و سروراً لاودائه و سکوناً لارقائه و مسلیاً لاصغیانه کلمات پر حزن آنجناب سبب هجوم آلام و احزان گشت هر چند از اصل نار احتراق در شدت اشتعال بود و جنود هموم در نهایت هجوم و لکن از قرائت محررات شعله اش شدیدتر شد و سولتش قویتر گشت بعد صعود جمال مقصود دیگر طوفان بلاست که بر پاست راحت جستن و آسایش خواستن و آرامی طلبیدن در بحر اعظم خشکی تحری نمودن و در آتش
* ص 296 *

سردی و تری جستجو نمودنست باید ایذا امید راحت و مسرت و محفوظی نداشت باری همچنان که خواسته بودید بدرگاه احدیت تضرع و ابتهاج رفت که توفیقی عنایت فرماید که بکلی از زحمات و مشغولیت بعالم حسرات خلاص شوید تا فارغ و خالی و خالص بر خدمت امرالله قیام نمائید و بشئونی موفق گردید که از لوازم این فروع مکرم است محزون مشو دلخون مگرد هر بلائی چون سیف زنجیرهای تعلق را قطع مینماید فی الحقیقه این بلا نیست عطاست جای شکوه نیست جای شکر است تا بدانی که در جمیع شئون این عالم جز حسرات و خسارات نبوده و نیست و البهآء علیک ع ع
مقابله شد
خط مبارک ۳۴۲

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ایها الفرع من سدره المنتهی از کثرت مشاغل و قوت مصائب و عدم فراغت جواب قدری تأخیر افتاد سبب خجالت گشت ولكن المسجون معذور نامه آنحضرت که بتاریخ بیست و دویم صفر هزار و سیصد و نوزده بود واصل گردید و بر مضمون اطلاع حاصل شد شرحی مفصل از عدالت و انصاف حضرت ملک منصور مرقوم نموده بودید سبب سرور و حبور شد و البته سبب عون و عنایت رب غفور گشت و آوازه این عدل موفور شهرت اعصار و دهور گردد از خدا میطلبیم

* ص 297 *

بجنود لم تروها موفوق شود و بخدمت اعلیحضرت شهریار خلد الله ملکه مؤید گردد این عدالت را شکرانه باید و این دادپروری را خیرخواهی شاید پس باید جمیع یاران بدل و جان اطاعت و خدمت نمایند احبای الهی باید مانند اغنام رحمانی مطیع شبان باشند و بکمال صبر و بردباری حرکت نمایند از تشرف شهریار و تیرانداز فارسی بطواف بیت مکرم مرقوم نموده بودید بسیار سبب سرور گشت یا لیت کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً مکتوب جناب شهریار و تیرانداز قرائت شد سبب روح و ریحان گردید و جواب مرقوم شد و در طی این مکتوبست برسائید حضرات افنان سدره مبارکه مع ورقه نورا و والده شان تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید و علیک التحیة والثناء

مقابلہ شد ۳۴۳ خط کاتب و مهر و

ع ع

امضاء مبارک

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله ملاحظه فرمائید

هوالابهی

وانت تعلم یا الهی مبلغ حبی و فرط هیامی و عظیم ودادی و شدت تعلقی بافنان سدره رحمانیتک و شعوی دوحة فردانیک فو عزتک الظاهرة الباهرة التي ذلت الافاق لعلوها و عنت الوجوه لسموها و خضعت الرقاب لسلطانها اننی مستغرق فی بحر محبة کل ورقة من اوراق شجرة ربانیتک فکیف فنن

اخضر و انتشا و نضر و ازهر و اثمر فی فردوس حبّک و استروی من انهار الطافک و عاش بنفحات رياض احسانک ایربّ ایدّه علی خدمة امرک و ثبته علی کلمه وحدانیّک و ایدّه بتأییداتک و اشدد ازره علی القيام بطاعتک و نور وجهه بین معشر الافنان بشدّه ثبوتّه و رسوخه حتّی لاتأخذه لائم فی امرک و لا تحرّکّه شدّه العواصف القاصفة للاصول و الأروم فیکل الازمان و لا تزعه الزوابع الخاطفة للرواسخ من الالاساس فیکل الاحیان أنّک انت الکریم العزیز المنان ربّ اجعل الفروع النابتة من هذا الافنون خضرة نضرة ربّانة بفضلك و جودک الذی احاط العالمین

مقابله شد

ع ع

۳۴۴ خط مبارک

ایّها الفرع الرفیع من السدرة الرحمانیّه آنچه مرقوم شد ملحوظ افتاد و آنچه مسطور گشت منظور گردید از خبر حزن آنجناب نهایت احزان حاصل گردید چه که این عبد را منتهی آمال سرور و روح و ریحان افنان سدره رحمانیت است و حال این اثر حزن بسیار سبب تأثر اینعبد شد و آن مکتوب که بجهت آنجناب ارسال گردید ملفوف و محکم بود چگونه باز شد و قرائت گردید بسیار سبب استغراب شد فتح مکتوب و قرائت پیش از صاحب اصلی ابدأ جائز نه بلکه ممنوع و محذور و گذشته از آن مقصدی و مرادّی نبود و تعلقی بآنجناب ندارد گفتگو و روایاتی در مصر شده بود و رفع شد و محو شد و البته جناب

* ص 299 *

فرع لطیف افنان سدره رحمانیّه حضرت آقامیرزا حبیب الله و آقامیرزا بزرگ علیهما بهاء الله الابهی بشما مرقوم نموده اند قابلیت این نداشت که من چیزی بنویسم و خبر دهم لهذا اشاره شده بود مقصد اینست که شما باید در امور عظیمه فکر نمائید الیوم یومیست که باید کل اذکار را فراموش نمود و جمیع فکر و هوش را متوجّه امر واحد نمود و آن اعلآء کلمه الله و نشر نجات الله است در هر عهد و عصر امری مؤید الیوم جنود ملکوت ابهی ناصر نفوسیست که بکلی از خود و خویش و بیگانه بیخبرند چون شمع در جمع آفاق روشنند و چون گل معطر احمر زینت هر گلزار و چمن شب و روز جز ذکر دوست وردی ندارند و صباح و مساء بغیر از حیّ علی الفوز و الفلاح ذکری نکنند این نفوس مؤید بغریق ملائکه ملأ اعلی هستند و منظور بلحظات عین رحمانیت طلعة نورآء در ملکوت ابهی الآن تکلیف جمیع احباء رحمن اینست فکیف افنان سدره منتهی باری بموجب

تعلیماتی که وقت رفتن تلقین شد بقوه یقین قیام نمائید ابواب کل خیر را مفتوح یابید باری آنحضرت درجه محبت من را بخود میدانید با وجود این نباید چنین متأثر شوید همیشه در قلب و جان خویش ملاحظه نمائید از آن میزان وجدان من بدست میآید اینعبدا را مقصد چنانست که هر یک از افنان سدره الهیه شجر مبارکی شوند که مظهر آیه مبارکه اصلها ثابت و فرعها فی السماء گردند من بشئون جزئیة از آثار

* ص 300 *

از آثار علو و امتناع از حقیقت افنان دوحه بقا قناعت و کفایت نمینمایم بلکه میخوایم و بدرگاه احدیت عجز و نیاز میکنم که مظهر آیات کلیه گردند تا روح من مستبشر گردد و برهان این مطلب مکاتیبی که بافنان دوحه ربانیه مرقوم نموده‌ام منجمله بعد از شما چند مکتوب بجناب میرزا حیب و جناب میرزا بزرگ علیهما بهاء الله الاهی مرقوم شد سوادش در طی این مکتوبست ملاحظه فرمائید آن مکتوب که در آن بجهت بعضی مکاتیب خواسته بودید نرسیده است لهذا اسماء مجدداً مرقوم دارید انشاء الله بجهت کل مرقوم شده ارسال میشود از خبر تعمیر بیت معظم محترم نهایت مسرت حاصل است امیدوارم که باین موفقیت مؤید بظهور آثار عنایت الهیه در جمیع شئون گردید اگر خالی بودن آن محل پاک مقدس بکلی ممکن و میسر و موافق حکمت نباشد بقدر امکان در طهارت و نظافت و لطافت و احترام آن بکوشید و این بسیار مهم است و زیارتی که از قبل این عید نموده‌اید بینهایت سبب سرور و حور گردید در سالی یک مرتبه این نیابت را باید بکمال دقت اجری فرمائید ای رب هذا افنون من افنان سدره رحمانیتک و فرع من فروع شجرة وحدانیتک قد قام نیابة عن عبدک و زار بیتک الحرام و طاف حول حرم قدسک یا ربی العزیز العلام ای رب قدر له الاجر الجزیل والفضل العظیم فی ملکوتک الاهی و رفیقک الاعلی انک انت الکریم المتعال دیگر در خصوص وضع آن جهات مرقوم نموده بودید و اجازه تفصیل

* ص 301 *

و تحریر خواسته بودید البته مرقوم دارید در خصوص جمع نمودن الواح الهیه که تخصیص بان جناب دارد مرقوم نموده بودید بسیار خویست و موافق ولی طبع و چاپ الآن ابداموافق نیست زیرا بسیار نفوس باین فکر میافتند و از این مشکلات حاصل میگردد ولی شما یک نسخه جمع نمائید و بخط بسیار خوشی مرقوم نمائید و ارسال نزد این عید نمائید بعد ملاحظه خواهید فرمود که چه خوش واقع خواهد گشت و حضرت آقامیرزا حیب علیه بهاء الله الاهی بقائشان در پورت سعید خوشتر است در خصوص امورات شما بجناب اسمین علیهما بهاء الله مرقوم میشود بجناب فاضل علیه بهاء الله الاهی

و ثنائۀ تکبیر ابداع ایهی ابلاغ فرمائید و از لسان این عبد تبلیغ نمائید قدجآء موعدک و اتت دولتک و حانت ازمۀ صولتک و هذا میدان جولتک فاطلق الاعنه و اشرع الاسنة بیان فصیح بدیع ملیح ناله الحق هذه اسنة تخرق الصخرة و تتعب الجبال من جلمود الشدة ع

مقابله شد

ع

هوالله

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقای افنان ابوی آقامیرزا جلال علیه بهآء الله الابهی

هو الابهی

ایها الفرع الرفیع من السدرة المبارکه آنچه از قلم تحریر تسطیر شد ببصر دقیق ملاحظه گردید مضامین سبب

* ص 302 *

سبب تسلی قلب این حزین بود چه که ملاحظه گردید در احزان فی الجمله سهیم دارم و از جهتی سبب تأثر و تحسر شد که بلاپاء متواتره و مشاگل امور مصر و اسکندریه بکلی شما را غمگین و پرآه و اینین نموده و این عبد خداوند بیچون گواه است که امور آنجناب را بیش از شئون خویش اهم می‌شمارد و در فکر آسایش شما در جمیع احوال بوده از یوم مسافرت تا بحال مکاتیب و مراسلات را با فرعین سدره مبارکه مستمر داشته باوجود مشاغل و مشاگل عظیمه و صدمات و بلیات کلیه و هجوم اعدا از جمیع جهات و تزلزل متزلزلین در عهد و میثاق ولی بغایت تدابیر خفیه و توهین امرالله باز دقیقه غفلت نموده و نخواهد نمود و انشاءالله در تربیتشان بقوه رحمانیه میکوشم ولی آنجناب از تفصیل مطلع نیستید چون اندو افنان غریبان بانجا آمدند ذکر نمودند که بما آنچه تخصیص فرموده‌اند نمیرسد و امور منتظم نیست و ملاحظه میشود که اگر مدت عمر بر منوال حاضر بگذرد بهیچوجه ثمره حاصل نخواهد شد اگر مصلحت باشد ما خود بکاری مشغول گردیم و دکانی اداره نمائیم البته ثمری بخشد مختصر اینست که شکایت زیاد از بیثمری حال حاضرشان نمودند اینعبد نیز ملاحظه نمود که زیرک هستند در ابتدا هر چند معامله مختصر نمایند در استقبال توسیع حاصل خواهد شد باری آنچه مرقوم شود حقیقت محبت اینعبد بایشان بیان نشود و تا بحال در امور احدی مداخله ننموده‌ام اما در امور ایشان از هر جهت مداخله خواهم کرد لهذا علی العجاله ایشان را

* ص 303 *

در معیت نزدیک آرم که از جمیع حالاتشان متصل استفسار شود و این را محرمانه مرقوم مینمایم که بجهت انتظام امورشان و ترقیبشان در باطن و ظاهر حتی تجارتشان بهتر اینست که علی العجاله به بیروت بیایند و آنچه سهم آنها در شرکت است بگیرند و در بیروت مشغول کسب گردند و این قضیه را مستور بدارید و خودتان اگر مصلحت بدانید بایشان مرقوم نمائید و اما در خصوص شراکتان با حضرات اوراق ملاحظه گردید حق با شماست حضرات باید بموجب اوراق حساب بدهند و ربح معلوم گردد و بر من تفصیل واضح و از هر جهت محافظه حقوق آن جنابان را میخواهم ولی کار این عبد بسیار دشوار و مشکل شده است و زمام امور از دست رفته است بقسمی که بنفسی نمیتوان کلمه مخالف رضایش ذکر نمود اگر چنانچه فی الجمله تضییق نمائی آن نفس را فوراً متزلزلین میثاق بکمال تدابیر و خداع متزلزل مینمایند بلکه میکوشند تا آنرا بکلی از عهد الهی بری نمایند بلکه القای بغضا در قلبش مینمایند این سبب میشود که آن بیچاره بکلی محروم میگردد لهذا اینعبد تضییق نمیشود بکسی نمایم ولو بجهت محافظه حقوق دوستان باشد العذر عند کرام الناس مقبول و این کلمه را محرمانه بآنجناب نوشتم ملاحظه فرمائید که این عبد وحید فرید غریب در گوشه طبریا افتاده و بچه بلایا مبتلا قسم بجمال قدم که ذرات اشیا گریه و ناله و ندبه مینمایند پس مادام که چنین قرار میان شما و شرکاست بموجب

* ص 304 *

تفصیل که مرقوم نموده بودید حساب بخواهید تا معلوم شود چه عاید و حاصل شده این عبد بقدر امکان در امور آنجناب میکوشم و بحضرات مینویسم و از حق میطلبم که حقوق آنجناب محفوظ ماند حضرات نیز البته در صیانت حقوق فتور نخواهند کرد و اگر قصوری حاصل شود از فتور جبریست که در امور واقع شده است اسباب چنین فراهم آمده ایشان البته بقدر مقدور قصور نخواهند کرد دیگر آنکه بفرعین محترمین همیشه توصیه در ثبوت و رسوخ نمائید چه که بعضی تأویلات در محکمت حاصل شده است و اهل شبهات متصل در القآت هستند و الیوم اگر نفسی بقدر سم الخیاط گوش را بکلمات شبهات باز کند چنان بلغزد که ابدأ خویش را ضبط نتواند از جله القآت اهل شبهات اینست که بنفسی میگویند که باید مراجعت آیات کرد یعنی اجتهاد نمود باین معنی که هر کس مستغنی است آنچه بخواهد استنباط میکند یعنی احتیاج بمبین نیست ملاحظه نمائید که این کلمه چقدر سبب تضییع امرالله میشود و چه قدر سبب اختلاف خواهد شد با وجود کتاب عهد الهی مبین معلوم و منصوص مع هذا چه کلمه القا میشود و این کلمه را اول عمر ذکر نمود وقتی که حضرت رسول روح العالمین له الفدا در حین وفات فرمود اتونی بقلم و

در زاویه نسیان نهید وقت هوش و گوش است و خاموشی از هر ذکری جز نعت و ستایش حضرت دوست دع هذه الروایات و اتل على السامعين الآيات البينات و اکشف الغطا عن ابصار اهل الشبهات و اشتعل بالنار الموقدة فى السدرة الرحمانية و اطلق اللسان بالذكر الحكيم و ادخل فى جنة النعيم و اهد الى الصراط المستقيم و دل على النیر المنیر فى الافق المبین و اسق الطالبین من ماء معین حتى یخاطبک ربک من ملکوته الاعلی طوبی لک ایها الفرع الرفیع من هذا الفضل العظیم و بشری لک ایها القضیب الرطب من هذا الجود البدیع

* ص 307 *

والیهاء علیک و علی کل ثابت علی العهد القدیم ع ع مقابله شد
۳۴۶ خط مبارک

هو

ش بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای افنان سدره مبارکه در خصوص مکتوب آقا سید میرزا آنچه مرقوم نموده بود کل کذب و دسائس و مغتربات بود آن شاعر ماهری که میگوید نمی شناسد آن میرزا عبدالله است که شب و روز مجالس و مؤانس او بود دهم و شأنهم قابل خطاب و نصیحت و دلالت نیست شما او را می شناسید که بمنع قطعی جمال قدم کراراً از بیع افیون نگذشت و مخالفت نمود تا کن فیکون شد حال دیگر معلومست که چه عنادی دارد نسل الله بان یجعلہ راجعاً الى الميثاق قضیه متصاعد الى الله جناب میرزا حسین خان و دفنشان در خانه شان بسیار بجا واقع و جناب افنان سدره مبارکه آقا میرزا جلال بسیار موافق حرکت نموده اند و خدمت کرده اند در خصوص بیت مقدس در فارس از شیراز جمیع احباء نهایت جزع و فرع را مینمایند و دو ماه پیش جمعاً کل نوشته و استدعای تبصر در امر بیت مبارک نموده اند بقسمی که ملاحظه شد که اگر سواد آن ارسال نزد آنحضرت شود بسیار سبب حزن میگردد لهذا

* ص 308 *

نفرستادم ولی باید آن حضرت در این خصوص همّت عظیمه بفرمائید زیرا این امر بیت بسیار مهمست اهمیتش بدرجه که وصف نتوانم لابد باید آنجناب و یا یکی از اولادهای آنجناب در آنجا باشید نمیشود تسلیم زنی نمود ولو محافظه نماید باری بنوعی احباء فریاد میکنند که اینعبد عاجز مانده بهر قسمی هست یکی از حضرات افنان سدره مبارکه که

همراه هستند بفرستید بفارس که مواظب بیت مقدّس در نهایت احترام باشد بسیار در این خصوص همت نمائید تأخیر ابداً جائز نه حضرت افنان شجره مبارکه آقامیرزا جلال منصب دارند هر روز مأمور بجائی میشوند اختیارتان بدست خودشان نیست شما با ایشان مخابره نمائید هر یک از افنان اخوانشان را مصلحت بدانید و بدانند معین نمائید و بفرستید تا جمیع احباء بدانند که ایشان محض خدمت بیت در فارس هستند و کار دیگر ندارند دیگر آنکه احتراماتی که در حق مسافرین و مسافرات امریکا مجری فرمودید بسیار سبب سرور و روح و ریحان گردید و لملک ینبغی هذا الشأن العظیم جمیع دوستان که از آنست عبور مینمایند کل را مهربانی بفرمائید در خصوص تأخیر اجوبه محزون مشوید زیرا نمیدانید که در چه بلائی گرفتارم قسم بجمال قدم که از اول ابداع تا بحال چنین محن و مشاقی دیده نشده است ملاحظه فرمائید که اعداء خارجه بچه درجه در صدند و حضرات ناقصین از آنها صد درجه گذشته اند و متصل با

* ص 309 *

مأمورین حکومت در تحریک فسادند و مغتربات چندی هر روز ایجاد نمایند حال منتظر اینند که از فسادشان که باسلامبول نموده اند یا اینعبید را در دریا اندازند و یا بغیزان برند این را بدانید آنچه بر این عید وارد شود کل از ناقصین است هیچ کس مدخلی ندارد و از جهتی جمیع این مشاغل داخل و خارج و مخابرات و سنوال و جواب و از جهتی خدمات آستان مقدّس و ابلاغ و تبلیغ لازم واجب دیگر ملاحظه فرما که در چه دریائی مستغرقم فاعتبروا یا اولی الابصار ع

و اما در خصوص مراجعت آن حضرت بوطن مألوف مرا مقصد چنین بود که در این صفحات بلکه انشاء الله تمکن نمائید و امور بر محور مطلوب دوران نماید و بعضی زحمات عبدالها را ولو در آن صفحات باشد تحمل نمائید چنانچه در ورود مخدرات امریکائی ها تحمل فرمودید حال هم اگر ممکن باشد باز موافقت و اگر اسباب منتشّت و متفرّق و بقای شما بالذات مشکل و بجهت امور و تمشیت اسباب رجوع واجب و لازم جناب افنانان سدره مبارکه آقامیرزابزرگ و آقامیرزاحیب را در آنجا بگذارید مشغول بشغلشان باشند من خود متوجه آنها میگردم و تربیتشان مینمایم و شما باین ارض یعنی زیارت آستان مشرف شده بعد حرکت میفرمائید و در خصوص بیت مقدّس نیز قراری مناسب و موافق میدهم والیهاء علیک ع ع مقابله شد

۳۴۷ خط مبارک

* ص 310 *

جناب افنان سدره مبارکه حضرت آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه
نمایند

هو الابهی

ای فرع رفیع سدره مبارکه آنچه مرقوم فرموده بودید تلاوت و قرائت گردید و مکاتیب
جوف نیز ملاحظه شد جواب مرقوم گشت در طی این مکتوبست بجهة جناب حاجی
حسینعلی و حاجی لطفعلی اجازت زیارت روضه مطهره داده شد مکاتیب سابق را نیز
انشاء الله جواب ارسال مینمائیم تأخیر از کثرت مشغولیت حاصل اگر اینجا باشید
ملاحظه میفرمائید که دستگاه چاپخانه انگلیس اینقدر اوراق طبع ننماید که این قلم
مرقوم مینماید این گذشته از امورات جسمیه و مشاغل عظیمه و مقاومت اعدا در جمیع
نقاط ارض و مشغولی دائمی در امور داخل و خارجست و البهآ علیک ع مقابله
شد

۴۴۸ خط مبارک

هو

در خلیج سعید مصر جناب افنان آقامیرزا آقا ملاحظه فرمایند
ایها الافنون الشامخ الرفیع علیک بهاء الله و نوره و ضیانه و عنایه و جوده
* ص 311 *

و احسانه و الطافه و شملک فیکل الشنون بلحظات اعین رحمانیه خبر محزنی در این
ایام وارد و قلوب مضطرب و نفوس متحیر و ارواح متأسف گردید چه که نار فراق را
حرقت شدید است و مصیبت هجران را حسرت عظیمه و لکن چون آن روح لطیف باوج
عز تقدیس عروج نمود و آن شعاع ساطع بافق قدس توحید راجع شد در جیع شون باید
بجمل محکم متین صبر تمسک نمود و بقضای الهی راضی بود انما یوفی الصابرون
اجرهم بغير حساب و یقین است که آن افنان سدره الهیه و آن شجره روضه عنایت
رحمانیه در این مصیبت محزون و مغموم نخواهند ماند بلکه بشکرانه حسن خاتمه آن
متصاعده الی الله زبان گشایند و مناجات کنند ربی و رجائی ترانی متضرعاً بباب
رحمانیتک و مبهلاً الی ملکوت وحدانیتک ان تنزل علی التی شرفتها بمجاورة بیتک و
ایدتها علی معرفتک و سقیتها من اقداح محبتک و نسبتها الی شجرة صمدانیتک بان
تجیرها فی جوار رحمتک الکبری و تسکنها فی حدائق عنایتک العظمی و تخلدها فی
فردوس لقائک و تدخلها فی زمرة الهائمین فی نور جمالک انک انت الکریم الرحیم ع

هوالبهی

* ص 312 *

مصر حضرت افنان آقامیرزا آقا علیه بهاءالابهی

هوالبهی

حضرت افنان سدره منتهی علیه بهاءالله الابهی آنچه بقلم روحانی بر صفحه وجدان مرقوم نموده بودید بلسان محبت الله تلاوت شد نفعه خوش انجذاب استشمام گردید و حلاوة ذکر محبوب حقیقی مذاق یاران معنوی را شیرین نمود حمد و شکر جمال قدم را که افنان شجره مبارکه را به گلهای ذکر و بیان و اوراق مخضره شئون روحانیه مزین فرمود و از رحمت بیپایان آن ملیک وجود و سلطان غیب و شهود آمل و سائلیم که آن سرمست صهبای محبت الله را در انجمن عاشقان جمال رحمن بانجذابی عظیم ظاهر فرماید که کل بحرارت شدیدة آن مشتعل شوند تا در هر جمعی چون شمع برافروزند و بر هر شاخساری چون طیور حدیقه توحید بنغمات ذکر رب مجید مشغول گردند شئون روحانیه این رتبه بلند اعلاست الهم یا وله قلوب الموحدين اید افنان سدره توحیدک علی اعلاء کلمتک بین بریتک و نور و جوهم بانوار الانقطاع عما سواک والتخلق بشئون تجریدک واحفظهم فی ظل جناح حمایتک و اثبت کلمتهم فی صحائف عوالم الانشاء بحولک و قوتک و سلطانک و اقتدارک لانک انت القوی القدير ع ع

۲۵۰ خط مبارک

مقابله شد

* ص 313 *

هوالبهی

حضرت افنان سدره رحمانیه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الرفیع من السدره الرحمانیه چند روز قبل رقیمه ارسال گردید و مراتب شوق و اشتیاق بیان شد حال چون جناب حاجی علیه من کل بهاء ابهه عازم باین مختصر اظهار میروود که یک دقیقه از خیال شما فارغ نیستم شب و روز تضرع بافق اعلی میگردد که اسبابی فراهم آید که قدری راحت و آسایش بجهت آنجناب فراهم آید اگرچه در این عالم عنصری آسایش ممکن و میسر نه لکن کثرت و قلت مشغلات ممکن است جناب حاجی

عليه بهاء الله الابهي چندی در آنجا هستند انشاء الله موفق بر رفع اختلافات خواهند شد آنحضرت چون از افنان سدره الهیه هستید باید نظر تان همه بر ارضاء کل باشد هر چند زحمت حاصل گردد و مشقت پیش آید و مشکلات رخ دهد تحمل نمائید و بضرر راضی شوید ان لربك فضل عليك عظيم عظيم قدری در مشکلات و مشقات این عبد ملاحظه فرمائید جمیع مشقات و مناعب آسان میشود جمیع افنان سدره رحمانیه را از قبل این عبد تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید والبهاء عليك ع ع
مقابله شد ۳۵۱ خط مبارک

* ص 314 *

هوالابهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهي ملاحظه نمایند

هوالابهی

الهی و محبوبی قد خلقت شجرة مقدسة رحمانیه و دوحه کریمه ربانیه و سدره جلیله صمدانیه اغرستها فی الفردوس الاعلی و نصبها فی جنتک الابهی و سقیتها من انهار توحیدک الطافحه فی حدیقتک الغلبا و مررت علیها بالنسائم المنتشرة من ملکوتک الاسمی و اشرفت علیها بشمس حقیقتک النوراء و انشنتها بقوة و شعاع و حراره مثبته من تبرک الاعظم الابهی و انبتها نباتاً حسناً بموهبتک العظمی و اعلیتها بقدرتک التي اعجزت مظاهر النفی فی ملکوت الانشاء و انمیت و نشرت و رفعت افنانها الی اوج العلی و بسطت فروعها و اوراقها حتی تمتد و تملأ الارض و السماء و ازهرت تلك الفروع باوراد طریه لطیفه بهراء و اثمرت باثمار شهیه جنیه و ازهرت و انتشرت روحاتها و عبقت انفاس طیبها و مرت نسائم حبیبا و ارتفعت و اعتلت و تشامخت و تشاهقت حتی وصلت الی الرفرف الاعلی و هوآ عماء بهاء الاوج الاسمی ای رب فبما وهبت و اعطیت و اکرمت و احسنت احفظ افنانها من کل الاریاح الهابه بغير رضائك والاعصار المنتشر المار من شهبات اهل الاشارات بصونک

۳۵۲ خط مبارک

* ص 315 *

و حراستک ثابتین ثابتین راسخین علی عهدک و میثاقک انک انت المقدر العزیز القیوم
القادر الحافظ العظیم ع ع
مقابله شد

هوالبهی

مدینه حضرت افنان آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع المتدرج فی اعلاء کلمة الله از قرار مسموع از بغداد عزیمت بصفحات سرمن رای فرمودید و مقصد این بود که با شخص معهود در کمال حکمت گفت و شنود گردد

آنشخص هر چند در درجه انحطاط کلی جسمانیست و لابد نشاط و انبساط مکالمات و محاورات قلیل ولی نفعه الهی را قوتی دیگر است و جذبۀ رحمانی را نفوذی دیگر ارض هامده را حقیقه ناپته نماید و خطه میته یابسه را روضه مؤنقه فرماید فیض روح القدس مسیحائی عظم رمیم را حی قوی نماید و ریزش باران نیسانی در عمق بحار لؤلؤ فرید و در نضید پرورد و تری الارض هامده و اذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربت و انبتت من کل زوج بهیج پاری امیداریم که آنجناب در آن حوضه القای کلمه حقّی بنماید و نفعه در آن خطه و دیار نشر نماید که رائحه عطریه اش مشام جمیع را معطر نماید و اجسام میته را جان بخشد و البهء علیک و علی کل من ثبت علی العهد والميثاق ع ع

۳۵۳ خط مبارک

* ص 316 *

هوالبهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع من السدرة المبارکه از جهت بلایا و مشقات آن جناب نهایت تأثر و حزن را دارم حقیقه اسباب چنین فراهم آمد که زحمت زیادی کشیدید و لکن اگر جمیع زحمات و مشقات را قیاس باین بلایای بی پایان و داغ نمایان اینعبد نمائی حکم قطره و بحر دارد و قیاس ذره و شمس باشد قسم بجمال قدم که جمیع مشقات و زحمات خویش را فراموش نمائی و شب و روز بدعا دهان گشائی که خدایا عونی عنایت کن و طاقتی احسان فرما چه که جبل حدید این حمل ثقیل را حمل نتواند و قوآء عظیم وجود تحمل

نکند پس خدایا توانائی بخش و قوّت و قدرت ربّانی عطا فرما در خصوص ورقه طّیبه راضیه علیه بهاءالله الابهی مرقوم فرموده بودید بسیار خوب فکری کردید حقیقه در این ممالک بجهتشان راحت و آسایش محالست باز ایران از برای نسوان قیاس بجای دیگر نتوان نمود وطنست و اقربا و دوستان بسیار اسباب مشغولیت است تنها فرید وحید در خانه در مصر معلومست چه میگذرد باری حال بجهت زیارت روضه مبارکه و تغییر هوا باینجا بفرستید و بعد از تشرّف زیارت و حصول
* ص 317 *

راحت و صحت قصد ایران نمایند والیهاء علیک و علی اشبالک و اهلک و علی کل الاحباب ع ع
مقابله شد ۳۵۴ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقامیرزا آقا علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ایها الفرع النضر الخصل من الشجرة المبارکة چندی پیش بنفثات روح و جذبات قلوب تحریری ارسال شد و حال نیز چون جناب حاجی عازم بکلماتی چند پرداخته که بنفحات ذکر مجلس و محفل را خوشبوی و معطر نماید چندی است که از آنحضرت خبری نرسیده کثرت مشاغل و پریشانی خواطر گویا مانع و حائل گشته از این وقایع محزون
مشو

و متنکر مگرد عنقریب جمیع این امواج ساکن و مشغولیت ذهن زائل خواهد شد فاما الزید فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فی الارض آن شاخه سدره طوبی باید در فصل بهار و تابستان و خزان و زمستان یعنی در جمیع فصول سبز و خرم و تر و بارور باشید تا واضح و مشهود گردد که از فضل جمال ابهی در بهار دائمی واقع بلکه ربیعی که خزان از پی ندارد باری اثر کلک آن حضرت گاه گاهی اسباب روح و ریحان بود و این عبد با وجود قلزم اکبر و مشغولیت ها و طوفان بلایا باز بذکر
* ص 318 *

بذکر شما مشغولم والیهاء علیک علی فروغک الکریم ع ع
مقابله شد ۳۵۵ خط مبارک

هوالابهی

پورتسعید حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاءالله الابهی

هوالبهی

ایها الفرع المنجذب بنفحات القدس المنتسب الی السدرۃ المبارکة آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید الحمدلله بهمت آجناب بخوشی منتهی شد و لمثلک ینبغی هذا المقام الرفیع فروع سدره باید در جمیع شئون رابت انقطاع باشند و نور اهتداء اقتداء باصل شجره رحمانیت نمایند تا نسبت حقیقی خویش را در کل بمراتب باعمال و افعال و کردار و رفتار ثابت نمایند ملاحظه فرمائید که آن شمس حقیقت و حقیقت ربوبیت روحی و کینوتی و ذاتی لجسده الفدا چه مقامی را بجهت خود اختیار نمود که بر ملا در میدان آویختند و هزار گلوله بر سینه مبارکش زدند دیگر معلومست که باید بچه درجه منقطع از ماسوی باشیم باری الحمدلله بروح و ربان گذشت از فضل و تأیید جمال وحید فرید امید است که در جمیع امور موفق و مؤید گردید و حضرات افنان سدره الهیه را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید و همچنین ورقه مبارکه را در خصوص بیت معظم مطاف عالم روحی لثرابه الفدا مرقوم نموده بودید این مسئله بسیار مهم است بل اهم جمیع امور حال از قراری که مرقوم فرموده‌اید از برای رجال زیارت ممتنع و محال این قضیه بسیار سبب

* ص 319 *

حسرت یاران صادق و مشتاقان طواف آن بیت معظم گردید البتہ بهر قسم باشد اسبابی فراهم آرید که گاهگاهی بعضی داخل بشوند و اقلآ زیارت عادی بتوانند و الا قلیلاً قلیلاً عدم زیارت عادت شود و اهمیت عظمی از خاطرها برود باید احبائی که در شیراز هستند در ماهی اقلآ یک دفعه زیارت بیت را فرض دانند و واجب شمرند چنانچه اگر این عبد در فارس بود هفته یک مرتبه البتہ طواف میکرد ولو آنکه مخالفان سنگسار نمایند باری چون شما محافظ و ناظر بیتید باید در این خصوص بسیار همت فرمائید والبهاءعلیک ع ع

جواب مکتوب تأخیرش بسبب کثرت مشاغل و هجوم امور و تعرضات جمهور اهل فتور است

لهذا معذور دارید باحبای امریکان در وقت ورود بان صفحات رعایت را ملحوظ دارید و

احبای الهی را تکبیر برسانید ع ع

۳۵۶ خط مبارک

هوالله

پورتسعید حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ايها الفرع من السدرۃ المباركه آنچه مرقوم نموده بوديد مطابق واقع بود در اين خصوصات مطمئن
* ص 320 *

مطمئن باشيد انشاءالله بعون و عنایت جمالقدم نميگذارم که نفسی نفسی در امرالله بهوای خویش کشد زیرا حصن حصین امرالله رصین و متین است مقصود دل و جان

جانفشانی در سیل جانانست با وجود این دیگر چه ملاحظه در میان ولو صد هزار تیر و سنان برهدف دل و جان خورد در خصوص بیت مکرم آستان مقدس روحی لعتبة الفدا مرقوم فرموده بودید در هر دم از واردین مارین آن مدینه مقدسه مفصل التماس و رجاء وارد تفصیل سبب حزن و کدورت و آلام آن جناب گردد مقصود اینست که این آستان اهميتش از روح عبدالبهاء بیشتر دیگر ملاحظه فرمائید که چه قدر معزز و مکرم است لهذا آنجناب باید این امر را چنان مجری فرمائید که روح عبدالبهاء مهتز و مسرور گردد قسم بروح مبارک حضرت مقدس منزّه آن شمس حقیقت ربّ البیت روحی و ذاتی

و کینوتی لرتبة الفدا که منتهای آمال دل و جان آنست که بآن خاک پاک مشرف گشته بمژگان آن آستان را جاروب کنم پس جناب ضیا افندي را ارسال دارید برونند و آن آستان را از بیگانه مقدس نمایند و بالوکاله از اینعبد بخدمت مشغول گردند حضرات افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ و جناب آقامیرزا حبیب و جناب آقامیرزا ضیا را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید و همچنین ورقات مقدسات سدره رحمانیه را ع ع مقابله شد ۳۵۷ خط مبارک

هوالله پورتسعید حضرت افنان سدره مبارکه علیه بهاءالله

هوالمهین القیوم

الهی الهی ائی عبدک البائس الیائس عن نفسی و فرط خطائی و عظیم حوی و شدید عصیانی و غلو طغیانی
* ص 321 *

و لیس لی الا جلیل احسانک و عمیم غفرانک ربّ ربّ ترانی متحیراً فی امری و متشتتاً شملی و منفرداً جمعی و متشعناً لمّی و مضطرباً قلبی و مضطرباً احشائی و منسجماً

دمعی و متوجّهاً الیک وجهی ارحمنی بفضلک و جودک و کرمک و اعفرلی خطائی و اعف
 عنّی
 بزلاتی و عنراتی و ادخلنی فی حصن عفوک و صونک و ارفقنی عونک و اقطعنی عن
 دونک و اخلص وجهی لوجهک الکریم انک انت الرحمن الرحیم اربّ ایدنی بتأییداتک و
 وقفنی بتوفیقاتک و اجعلنی من عبادک المخلصین ع ع
 شد ۳۵۸ خط مبارک

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ایها الفرع الرفیع من السدره المبارکه مکتوب واصل و مضمون معلوم گردید کشفیه
 بجهت عمارت بیت مقدّسه ملاحظه گشت بسیار موافق بواسطه جناب معمارباشی در فکر
 کار باشید و تهیه و تدارک بینید و جناب معمارباشی باید نهایت همت را مبذول
 دارند و البتّه صد البتّه دقت کلی نمایند که مقدار رأس شعری از اساس و ترتیب
 وضع و هندسه و مساحت و اندازه اصلی تجاوز ننماید و در نهایت ظرافت و لطافت و
 اتقان ساخته شود و انشاءالله متدرّجاً مبلغ ارسال میگردد حال شما در تهیه و
 تدارک باشید تا یک ماه مبلغی ارسال میشود و زود زود اخبار دهید که چه کردید
 زیرا

* ص 322 *

زیرا این عبد جمیع امور را در وقت مرهون بنهایت اتقان متوکلاً علی الله تمشیت
 میدهد دقیقه واحده تأخیر جاز نماند مطمئن باشید از حق مبطلیم که موفّق گردیم
 و تهاون ننمائیم و علیک التحیه و الثناء ع ع
 ۳۵۹ خط مبارک

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ایها الفرع الرفیع من السدره المبارکه چندی از پیش در خصوص تعمیر مطاف
 ملکوتیان و کعبه رحمانیان مرقوم نموده بودید جواب مرقوم شد خبری هنوز از وصول
 جواب نرسید تعمیر بیت مکرم از فرائض فوریّه است طرفه العین تأخیر جاز نه

اما بر بنیان اصلی باید باقی و برقرار ماند قطعاً تغییر و تبدیلی نیابد پس باید آن حضرت بکمال سرعت کشفیه تعمیرات بیت مکرّم نمائید و بزودی ارسال بارض مقدّس فرمائید تا اینجا بهر قسمی باشد آن مبلغ ارسال گردد بزودی بتعمیر بیت مبارک مطاف روحانیان پردازید دقیقه تأخیر جایز نه بسیار مهمّ است تأثیرات روحانیه و جسمانیّه اش شدید است البتّه بوصول این مکتوب دقیقه فتور ننموده و بزودی کشفیه را ارسال دارید وضعیّت بیت از جهت ترتیب اطّاقها و دیوارها و وسعت و هندسه ابداً ذرّه تغییر و تبدیل جائز نه و علیک التّحیّة والثناء ع ع مقابله شد
 ۳۶۰ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 323 *

* تعمیر بیت مقدّس مبارک ملاحظه فرمائید که چقدر مهمّ است که اینعبّد تعهّد نمود که اهل فارس اگر تعمیر نمایند آفات مستولیّه بکلی زائل گردد و مرقوم نمود که این قضیه را مدار حقیقت و بطلان قرار دهند ع ع * مقابله شد

* این دو سطر عقب لوح نمره ۳۶۰ بخط مبارکست

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ایها الفرع الرفیع من السدره الرحمانیه آنچه نگاشتید معلوم و واضح شد حمد خدا را که مأمور به بنای بیت مکرّم گردیدید قدر این موهبت را بدانید واللّٰه الذی لاله الالهو که حقایق روحانیه نفوس مقدّسه در ملاء اعلی طوبی لک من هذا ندا مینمایند و یا حبّذا و یا حبّذا فریاد برآرند آنچه احبای الهی بجهت تعمیر بنای بیت معظّم تقدیم نموده اند مقبول و مرغوب و همچنین اگر من بعد نفسی بنهایت آرزو چیزی تقدیم نماید بجهت آن بنای مقدّس قبول نمائید هر چند این ایام ولوله در آفاق افتاده و زلزله در ارکان عالم انداخته ابواب بلایا و مصائب مفتوح و طوفان امتحان و افتتان موجود در چنین قیامتی بنای بیت محترم عظیمست و سبب فرح و سرور هر قلب حزین کار اینست زیرا در وقت امن و امان هرکسی هر کاری تواند ولی در وقتی که باد و باران شدید و برف و تگرگ و رعد و برق و صاعقه عظیم از هر جهت پی در پی و گردباد محیط در چنین مصیبتی در قطب دریا در طوفان اعظم اگر ناخدا شرع بگشاید قوتی عظیم بنماید والا در سکون دریا هر بینوا بادبان باز کند و کشتی براند ان هذا من فضل ربی الرحمن الرحیم ع ع مقابله شد

شیراز حضرت افنان من السدره المبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ایها الفرع الکریم من السدره المبارکه مکتوب مورخ بیست و پنجم جمادی الثانی
واصل گردید و بر مضمون اطلاع حاصل شد عبدالها از اهل شیراز یاران الهی نهایت
سرور را دارد ولی از اهل آن خاک پاک توقع اینست که بر جمیع اقالیم در شوق و وله
و جذب و طرب تفوق جویند و گوی سبقت و پیشی را از میدان محبت الله برابند
زیرا آن اقلیم موطن رب کریمست و آن کشور مشرق آفتاب انور اگر چنانچه کلمه از
قلم صادر گردد نظر باین توقعست و دیگر آن که بعضی سرا بمذمت دیگران بدون سبب
پرداخته بودند و این اشخاص کم کم تعدد یافت و روز بروز در تزايد بود ملاحظه
گردید که اگر حال بر این منوال باید این حال سرایت بعموم کند و در این یوم معلوم
چنین حال نباید و نشاید بلکه باید جمیع یاران نهایت ستایش را از یکدیگو نمایند
تا سبب فرح قلب عبدالهآء گردد و الا حزن غلبه نماید و بی اختیار از قلم نصایح
صادر گردد و اما در خصوص بیت مقدس البتّه باید طاهر و مطهر باشد محلّی در
جوار باشد که مسکن خادم و محفل زوار گردد و بیت معمور خالی و فارغ و مقدس ماند
مکتوبی در جوفست بحضرت افنان سدره الهیه آقامیرزا آقا نجل محترم حضرت فرع
شجره الهیه الفائز بالرَفیق الاعلی جناب

* ص 325 *

حاجی میرزا محمد علی برسانید و علیک التحیه و الثناء ع ع مقابله شد

۳۶۲ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله

هوالله

ايها الفرع من السدرۃ المباركه در خصوص خانه كه در جوار بيت معظم مبارك محترم مطهر مرقوم نموده بوديد و از پيش نوشته بوديد بمجرد وصول بحضرات افنان عليهم بهاء الله الابهي مرقوم شد هنوز جواب نرسيده جواب خواهد رسيد بعد بشما اخبار خواهام داد و عليك التحية والتشاء ع
مقابله شد

۳۶۳ خط كاتب و مهر و امضاء مبارك

هوالابهي

ايها الفرع المنشعب من السدرۃ المباركه نورالله بصرك بالفيوضات المقدسة المنزلة من غمام الفضل نوشته آنجناب تلاوت شد كمال روح و ربحان حاصل گشت از فضل وجود سلطان وجود اميدواريم كه در كل احيان بنساييم الطاف حضرت رحمن تازه و
تر باشيد و در جميع شئون ثبوت و رسوخ آل گرديد مكاتبيي كه ارسال نموده بوديد جوابش مرقوم شد و در جوف اين مکتوب ارسال ميشود واليهاء عليك و على افنان الرشيقۃ الخصرة النصرة الطرية

* ص 326 *

مقابله شد ۳۶۴ خط مبارك

و على احباء الله ع

شيراز حضرت افنان سدره مباركه جناب آقا ميرزابزرگ و جناب آقا ميرزاحبيب عليهما بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند
زيارت من فاز بالرفيق الاعلى حضرت افنان سدره مباركه آقا ميرزا آقا عليه بهاء الله الابهي

هوالله

النفحات المعطرة التي نفحت من رياض الملكوت الابهي والنسمات المغيرة التي تهب من حدائق الجنة المأوى تمر على قبرك المنور و مرقدك المشتهر ايها الافنون الكريم و القضيبي الرفيع المتفرع من السدرۃ الرحمانيه اشهد انك قد

انتبهت من الرقاد و هديت الى الرشاد و بعثت من مرقدك و سرعت الى مشهد اللقاء
و ادركت ايام ربك و توجهت الى الجمال الابهي و آمنت بربك الاعلى و قمت على
خدمة مولاك في هذه النشئة الاولى و تحمّلت مشقة الطعن في سبيل الله و ابتليت
بشماتة الاعداء و جفاء اهل البغضاء و هاجرت من وطنك الى البقعة المباركة
لمشاهدة آيات ربك الكبرى و خطوت بالوفود على عتبة ربك الودود و دخلت مشهد
اللقاء و سمعت الخطاب من الفم

* ص 327 *

المبارك الاعلى طوبى لك من هذا الفضل العظيم بشرى لك من هذا العطاء الجليل
اسئل

الله ان يرزقك في ملكوة الغيب الاخفى ما يغنيك عن كل شئ و يجعلك متحلّياً بحل
العطاء و يعطيك ربك فترضى و يشرق عليك بانوار المشاهدة في الجنة العليا طوبى
لمن يزور رمسك لنسبتك الى العتبة العليا حبا بالجمال الابهي و عليك التحية و الثناء ع ع
مقابله شد ٣٦٥ خط كاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الابهى

ش حضرت افنان سدره منتهى جناب ميرزا ج ل عليه بهاء الله الابهى ملاحظه
نمايند

هو الابهى

ايها الفرع النضير من الشجرة المباركة در جميع احيان در ظل الطاف و عنايت
جمال قدم روحى لاسمه الاعظم فدا بوده ايد و چون خازن بيت الله و خادم آستان حل
و حرم كبريانه بوده ايد هميشه مورد عنايات مخصوصه الهيّه بوده و هستيد لحظات عين
عنايت شامل است و توجهات فضل و رحمت ربوبيت متواصل چون بنظر دقيق ملاحظه
نمائيد مشهود گردد كه چه تاج و هاجى بر سر و هامة نهادى كه از تئلا جواهر مكنونه اش
عنقريب چشم بار و اغيار خيره گردد و شاهد عزت پايدار رخ بگشايد پس از خدا
بخواه و تضرع و ابتهال نما كه چنانچه سزاوار اين موهبت است باحترام و خدمت آن
بيت مقدس موفق و مؤيد گردى تا دیده ابرار روشن گردد و قلوب اشرا در حرقت و
حسرت افتد و اين عباد رائحه خوش خدمات

* ص 328 *

خدمات را در اين بقعه مباركه استشمام نمايم و البهائى على كل من قام بقلبه و

روحه و ذاته لخدمة بيته الحرام عبدالبهاء ع مقابله شد ۳۶۶ خط مبارک

هوالبهى

جناب متصاعد الى الله آقاميرزا عبدالحميد از انوار ايقان قلبى روشن داشتند و تا نفس آخر ثابت و راسخ بر دين الله بودند و در خدمات افنان سدره الهيه مشغول عليه بهاءالله الابهى عليه ثناءالله الابهى عليه نفحات الله المتهيجه من رياض الملكوت الابهى حال بازماندگان ايشان را از جميع جهات بايد رعايت و احترام نمود بقسمي که سبب مسرت ياران و عبرت بيگانگان گردد والبهاء عليك و على كل من قام خدمت بقيات احباءالله ع ع مقابله شد

هوالبهى

ش حضرت افنان جناب ميرزاجلال عليه بهاءالله الابهى ملاحظه نمايند

هوالبهى

اي خادم درگاه الهى مكاتيب متعدده مرقوم شد و ارسال گشت اين مظاهر لطف و عنايت

بآن جناب مستديمست و مستمر اگر بدانى که در چه آستان پاسباني و در چه درگاه دربان يقين کنى که بر سر اکليل جليل دارى و برتن خلعت سرورى از ملکوت عليين بر سرير بزرگواري جالسى و بر تخت شهريارى
* ص 329 *

مستقر چه که جاروکش بارگاهى که منزلگاه مليک ملکوت و اسماو صفات بود و بنده درگاهى که ملجا و ملاذ طالبان دیدار رب البرهان و الايات الواضحات بود روحى و ذاتى و کينوتى و حقيقتى له فدا شکر کن حضرت احديت را که بچنين فضلى موفقى و بچنين عنايتى مؤيدى شيبه که خادم حرم کعبه بود در آنزمان بنده حقير بنظر ميامد حال هر يك از سلاله او برکرسى عزت بر قرار و افتخار بجد نامدار خوبش مينمايد والبهاء عليك و على كل زائر فائز عبدالبهاء ع مقابله شد
۳۶۷ خط مبارک

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٔ رحمانیه جناب آقا جلال علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ایها الفرع من السدره الرحمانیه حضرت والد علیه بهاءالله الابهی در یوم لقا بشرف مثول بحضور حضرت کبریا فائز و در ساحت اقدس باصغای کلمات از فم مطهر و توجیه خطاب جمال قدم واصل و حائز و بانواع الطاف الهیه و مواهب جلیله ربّانیه مؤید بعد باذن و اراده بسمت مصر حرکت فرمودند مدتی بود که مصر یوسف از برای ایشان کنعان یعقوب و بیت احزان شده بود لهذا در این ایام از آنجا بجهت زیارت آستان مقدّس باین مطاف ملاً اعلی شتافتند و از تربت عتبه طاهره بصر را منور و دماغ را معطر فرمودند بعد از حصول این موهبت و وصول باین

* ص 330 *

باین عنایت بامید نشر نجات الله و اعلاء کلمات حال بآن صفحات مراجعت میکنند از فضل و تأیید ملکوت ابهی سائل و آملمیم که افنان سدرهٔ منتهی را برای اموری موقّق فرماید که سبب انتشار شئون رحمانیه در عوالم امکانیه گردد و علت انتباه غافلین و اشتعال منجمدین و طراوت و لطافت قلوب ارواح گردد علی الخصوص آن شاخ بلند

شاخسار احدیّت که خادم بیت سلطان وحدانیّت هستید باید از جمیع جهات در حرمت و رعایت بیت چنان قیام نمائید که محسود گنجهوران آسمان و مغبوط حاملان و طائفان حول

عرش گردید لعمر الله انّ هذا لشأن عظیم و مقام رفیع و الحمد لله ربّ العالمین ع ع

مقابله شد ۳۶۸ خط مبارک

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ علیه بهاءالله الابهی

هو الله

ای افنان سدره منتهی علیک البهآء الابهی و علی اخوتک و ذوی قرابتک الثابتین
علی الميثاق من هذا العبد المتضرع الی الله العزیز الوهاب قضیه فرع جلیل
شہید سبب حزن شدید شد و مورث مصیبتی جدید در وقتی کہ آلام و محن محیط باین
انجمن
بغته این خبر مدہش موہش وارد دیگر معلوم است چه تأثیری نمود و چه احزان حاصل
گشت
ولی چون آن فرع مجید فی الحقیقه شہید سبیل الہی گردید و در ایام حیات بخدمات
پرداخت و بعبودیت آستان مقدس موفق لهذا

* ص 331 *

نتیجہ زندگانی حاصل شد پس این وفات عین حیاتست و این شہادت حقیقت سعادت ای
کاش جمیع ما در راه خدا جان فدا نمودیم و کأس فنا نوشیدیم هذا منتهی آمال
المقربین و غایة مقصد مخلصین مناجات و زیارتی مرقوم شد حضرت فرع رفیع جلیل
ارسال خواهند نمود جمیع احبباً را از قبل عبدالبهآء تحیت مشتاقانه ابلاغ دارید
در خصوص اختلال و اختلاف احزاب در آن افطار مرقوم نموده بودید حزب الله باید
از کلّ کناره گیرند و ابدأً مداخله نمایند ذرہم فی خوضہم یلعبون ما را کار بجان و دل
است نہ بآب و گل و علیکم البهآء الابهی ع ع
مقابلہ شد ۳۶۹ خط کاتب و مہر
و امضاء مبارک

هو الله

قطر مصر حضرت افنان سدره مبارکہ جناب میرزا بزرگ علیہ بہآء الله الابهی

هو الله

ایہا الفرع البدیع من الشجرة المبارکة علیک بالتوکل علی ربک و التوسل بذیل
الکبریآء و التعلق باهداب ردآء الانقطاع عما سوی الله والتثبت فی الامور
والتبتل الی العزیز الغفور و ترتیل اللوح المحفوظ و الرق المنشور و البهآء علیک ع ع
مقابلہ شد

شیراز

* ص 332 *

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای افنان الهی مکتوبی که بجناب آقاسید تقی مرقوم نموده بودید ملاحظه گشت از تفصیل مجلس ذکر الهی نهایت روح و ریحان حاصل شد هر محفلی که بذکر حق آراسته گردد پرتوش شرق و غرب را منور نماید و نجاتش مشام حاضرین و غائبین را معطر کند باری جمیع یاران که در آن محفل انس حاضر بودند مظاهر الطاف حضرت رحمانند و مؤید

بجنود افق اعلی در کمال حکمت و ملاحظه اوقات هر وقت میسر گردد باید مجلس تذکر و تبتل آراسته شود و ترتیل آیات توحید گردد تا ذائقه ملأ اعلی متلذذ شود و قلوب اهل ملکوت ابهی مسرور و مشعوف گردد در یوم شهادت حضرت اعلی روحی لترتبه

الفداء از قبل این عبد طواف حرم مطهر نما و بکمال تضرع و زاری طلب تأیید و توفیق عبدالبهاء کن زیرا جنود نقض در هجو مند و بیوفایان در نهایت جفا این عبد را تأثر و تحسر از جهت ضرر امرالله است و الا آنچه بلا وارد بجان و دل آرزو نمایم و از سن رضیعی تمنای صد هزار بلا و هر گونه مصیبت و ابتلا در سبیل بها نموده تا آنکه الحمد لله این کأس طافح گشته و این جام سرشار شده و له الحمد علی ذلک احبای الهی را تکبیر ابدع ابهی برسان ع ع
مقابله شد
۳۷۱ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 333 *

هوالله

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزابزرگ علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای فرع شجره رحمانیت جناب آقا عبدالغفار مکرر نهایت شکایت از ابویشان حاجی محمد ابراهیم مینمایند و ناله و فریاد میکند بقسمی جزع و فزع میکند که وصف ندارد در این ایام نیز بواسطه شما شکایت نامهئی نگاشته و ناله و فغانی نموده حضرت افنان سدره مبارکه جناب ابوی خو بست در این قضیه همتی بفرمایند تا میانه آن پسر و پدر التیامی حاصل گردد و علیک التحیة و التناء ع ع
مقابله شد
۳۷۲ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ علیه بهاءالله

هوالله

ای شاخ شاخسار روحانی مکاتیب متعدده که بجناب منشادی مرقوم نمودید ملاحظه گردید

از خبر اتمام بیت مکرّم اطمینان قلب حاصل الحمد لله موقّق بآن شدیم و شدید دفتر حساب را مکمل و منتظم و مصدّق از بعضی از نفوس مهمّه حتی خال مکرّم نمائید و در نزد خود محفوظ دارید این لازمست و بکار شما خواهد خورد و جناب معمارباشی در

این خصوص نهایت همت را خواهند

* ص 334 *

نمود جناب آقامیرزا فخرالدین علیه بهاءالله باید در تحصیل لسان انگریزی نهایت همت را بنمایند و مطالب انجیل را از بدایت تا نهایت ضبط در ذهن کنند جواب حضرت مؤید از پیش مرقوم و ارسال گردید البته واصل شده است و علیک التحیّة و الثناء ع ع مقابله شد ۳۷۳ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالابهی

ش جناب میرزابزرگ علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ای فرع لطیف سدره منتهی هر چند بظاهر از بصر و نظر دوری و از این بساط مهجور لکن قسم بنور مشرق از ملاء اعلی که جمیع افنان شجره طوبی فی الحقیقه در کل احیان در این انجمن رحمن حاضر و در محفل روحانیان موجود و مشهودند در آستان مقدّس مطاف جواهر وجود در کل حین بذکر شما مشغولیم و بیاد روی شما مألوف و بلسان قلب مناجات مینمائیم ربّ اید افنان سدره رحمانیتک و فروع شجرة وحدانیتک علی التمسک بذیل فردانیتک و التثبث بعروة وحدانیتک ای ربّ نور وجوههم بانوار تقدیسک و اشرح صدورهم آیات توحیدک و قدّس قلبهم بمیاه تمجیدک و اجعلهم آیات ملکوتک و آیات جبروتک انک انت الکریم الرحیم الروف الفضال عبدالبهاء ع

مقابله شد

۳۷۴ خط مبارک

* ص 335 *

هو الله

مصر حضرت افنان سدره مبارکه جناب میرزا بزرگ علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ایها الفرع البدیع من السدره المبارکه از این جهت که در این سفر چنانچه باید و شاید بجهت آن افنان سدره راحت و آسایش حاصل نگردید بسیار محزون و مغمومم و البته معذورم چه که بلائی متابعه و رزایای مترادفه و هجوم عمومی بی انصافان از خارج و داخل نچنان زمام از دست برده بود که دیگر بتوان بخدمت دوستان پرداخت و یا بمحبت با یاران مشغول شد و چون ملاحظه گردید که وقوعات ناگهانی محتمل لهذا مصلحت چنان بود که تشریف ببرند ولی دائماً در این اندیشه ام که در آن غربت بشما چه میگذرد البته تفصیل احوال را مرقوم دارید ع ع مقابله شد

۳۷۵ خط مبارک

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ علیه بهاء الله

هو الله

ای افنان شجره مبارکه آنچه مرقوم نموده بودید ملحوظ گردید در این طوفان بلا که ابداً مهلت تنفس نیست و آرامی در میان نه باوجود این جواب نامه ها نگارم ملاحظه فرما که نظر عنایت بچه درجه است شکر کن خدا را و این فضل و احسان را فراموش منما

در خصوص خانه متعلق بحضرت فرع رفیع شجره

* ص 336 *

مبارکه آقاسید مهدی مرقوم نموده بودید آن خانه تعلق بابیشان دارد هر نوع مصلحت دانند و امر فرمایند مجری دارید ابداً سنوال از این جانب لزوم ندارد زیرا مال ایشانست و در تصرف ایشان و علیک التحیه والتناء ع ع مقابله شد

۳۷۶ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب میرزابزرگ علیه بهاء الله

هو الله

ای ثابت بر پیمان مکتوب شما رسید و بر مضمون اطلاع حاصل شد الحمد لله دلالت بر
فرح

و مسرت مینمود فرصت تفصیل نیست مختصر مرقوم میشود جناب علمدار را تحیت برسان
امیدوارم که از کأس سرشار محبت الله سرمست باشد جناب آقامیرزا محمد خباز را
بموهبت حضرت بی نیاز امیدوار کن در این ایام در حضور بارض مقدس محذور
انشاء الله در وقتش اجازه داده میشود حضرت افنان جناب والد و جناب اخوان را
تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نما ع ع
مقابله شد

۳۷۷ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 337 *

بتاریخ ۵ شعبان ۱۳۲۳

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه آقامیرزابزرگ علیه بهاء الله

هو الله

ای بنده جمال ابهی مکتوب مورخ ۲۳ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۳ که بجناب آقاسید تقی
مرقوم نموده بودی رسید از مصر فرستاده بود مطالعه گردید فرصت جواب مفصل نه
مختصر

اینست که مکاتیب جوف رسید جمیع احبای الهی را بتحیت ابدع ابهی در کمال اشتیاق
ذاکریم و از خدا خواهیم که کل بکمال استقامت برامر قیام نمایند و بتبلیغ مشغول
شوند و هر چه در ارض اقدس وارد گردد سبب فتور و قصور در تبلیغ نشود باید یاران
الهی هر یک مانند علمی در کشوری بنفحات قدس موج زنند و بخدمت امر پردازند بلکه
آنچه در بقعه مبارکه طوفان اضطراب بیشتر شود یاران قدم استقامت و ثبات بیشتر
نهند و علیک التحیه و التناء قبوضات رسید ع ع
مقابله شد

هو الله

فارس حضرت افنان سدره مقدسه جناب آقامیرزابزرگ و جناب حبیب الله و جناب

آقامیرزا ضیاءالله علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

* ص 338 *

ای افنان سدره مبارکه چندیست که از کثرت مشاغل و غوائل و مصائب و متاعب فرصت تحریر رسائل نبود و از این جهت جنود احزان و آلام هاجم و صائل حال که دم صبحست و

انوار فیض شمس حقیقت از هر جهت ساطع بیاد افنان سدره مبارکه افتادم و بخط خود بنگارش این نامه پرداختم تا بدانید که در خاطرید و همواره در پیش نظر حاضر از فضل و جود حضرت مقصود امیدوارم که شیراز را بنغمه و آواز آرد و یاران را مسرور و خندان و کامران فرماید ورقه مبارکه امة الرحمن والده محترمه را تحیت ابداعی ابهی ابلاغ داری ربّ اید افنان سدره رحمانیتک علی خدمة عتبة قدسک انک انت القوى القدير ع ع

۳۷۹ خط مبارک

هوالله

مصر حضرات افنان سدره مبارک جناب میرزابزرگ و جناب میرزاحیب علیهما بهاءالله

هوالله

ای دو شاخ خرم سدره مبارکه فی الحقیقه روزگار بشما بسیار تلخ میگذرد و ایام در نهایت حزن و آلام ولی این حزن و حرمان قطره از دریای آلام این عبد است لابد باید شماها نیز نصیب داشته باشید و بهره برید چه که مقتضای وفا اینست که در خوشی و ناخوشی

* ص 339 *

و زحمت و راحت و عزت و ذلت شریک و سهیم بود و البهآء علی البهآء ع ع

۳۸۰ خط مبارک

مقابله شد

شیراز حضرت افنان سدره منتهی جناب آقاسید آقا و جناب میرزابزرگ و جناب حیب الله و جناب میرزا ضیا و ورقه مبارکه طوی خانم علیهم و علیها البهآءالابهی

هوالله

ای افنان مبارک سدره منتهی نامه شما با صورت وصیتنامه حضرت افنان سدره بقا المتصاعد الی الله جناب ابوی ملاحظه گردید الحمدلله که ایشان اطاعة لامرالله پیش از صعود وصیتنامه بخط خویش مرقوم نموده اند و جمیع را راحت و آسوده گذاشتند اطاعت اوامر الهی سبب آسایش آفرینش است همین یک فقره را ملاحظه کنید که

وصیتنامه چه قدر سبب آسودگی قلوب و راحت جان و دل است هنیئاً لمن اطاع امر مولاہ و ترک نفسه و هواہ و شکر خدا را که ورث آن نفس مبارک مقدس نیز موفق بر عمل بموجب وصیت ایشان شدند طوبی لکم بما وقتم علی هذا الامر مرور و رضیتم بما وصی

به ذلك الشهم الغیور و اتی ادعوالله ان یرشدکم الی الخیر فی جمیع الامور و یهیاکم من شئونکم رشدا و علیکم البهآء الابهی رب رجائی و غایة
* ص 340 *

املی و منائی ان هولآء عباد انبتهم من سدرة فردانیتک و اخترتهم لحبک و اجتبتهم لذکرک و اصطفیتهم لعبودیة عتبه قدسک رب وفقهم علی الاستقامة فی امرک و الثبوت و الرسوخ فی خدمتک و الخلوص فی طاعتک و الانقطاع عن هذا النشنة الدنیا و التجرد عن کل ذکر و فکر یتعلق بالحضیض الأدنى رب اجعلهم خضعة لجلالک خشیعة لاجبائک منذرین بذکرک متنبهین فی امرک متنبهین لصون حصن میثاقک منجذبین الی جمالک محفوظین فی ظل سدرة فردانیتک انک انت القوی الکریم الرحمن الرحیم ع ع
مقابله شد

۳۸۱ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز حضرات افنان آقامیرزا بزرگ و آقامیرزا حبیب الله علیهما بهآء الله الابهی

ای افنان سدره مبارکه عبدالبها در این دو روزه عازم بلاد بعیده است ابدآ وقت تحریر نیست شما را در صون حمایت ملیک احدیت ودیعه میگذارم با نهایت ناتوانی مصمم چنین سفری هستم ولی اعتماد بر تأیید صمدانیت اهالی امریک از آشنا و بیگانه کل در نهایت الحاح خواهش حضور عبدالبهآء مینمایند یمکن بیش از هزار اوراق از احبآء و مجامع گوناگون حتی از بعضی کشیشهای کلیسا رسید لهذا مجبور بر این سفر گشتم و از برای شما گشایش از حق خواستم جار زمینی که جناب ارباب

اردشیر تقدیم نموده

* ص 341 *

بسیار مقبول گردید تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید ع ع مقابله شد ۳۸۲ خط مبارک

شیراز افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزابزرگ جناب حیب علیهما بهاءالله الابهی

هوالله

ای دو فرع رفیع دوحه مبارکه نامه شما رسید و معانیش دلالت بر ثبوت و رسوخ احبای الهی بر پیمان ربانی میکرد الحمدلله در موطن حضرت اعلی روحی و قلبی و جسمی له الغداء حرکت روحانی حاصل شده و نفوس مبارکی باهتزاز آمده اند بنهایت تضرع و نیاز بدرگاه الهی ابتغال مینمایم و رجا میکنم که آن اقلیم گلستان گردد و آن شهر بهارستان شود و آن مدینه مانند آسمان بنجوم ساطعه مزین گردد اینست نهایت آمال این آواره قبوضاتی که خواسته بودید ارسال میشود و علیکما البهآء الابهی عبدالبهآء عباس مقابله شد

۳۸۳ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب قابل زائر علیه بهاءالله الابهی

شیراز جناب آقاسیدحسین جناب حاجی میرزابزرگ جناب حاجی حیب الله جناب حاجی میرزا ضیا جناب آقامیرزا عبدالوهاب جناب آقامیرزامحمدعلی اخویشان جناب میرزامحمد حسین جناب میرزارحیمخان جناب میرزامحمد باقر صبیبه زاده مرحوم آقامیرزا آقا علیهم بهاءالله الابهی

* ص 342 *

هوالله

یا بادی الاکوان و بدیع الامکان و ملیک الملک و الملکوت و مالک العزة و الجبروت لک الحمد بما خلقت کینونات نورانیه و هویات رحمانیه و حقائق سماویه و مطالع اشراقیه من النفوس الزکیه ذی القلوب الطیبه الطاهره و البصائر النورانیه و الاسرار الصمدانیه و جعلتهم آیات التوحید و الوبه التجرید و الجوار المنشآت فی لجم التفرید تلك نفوس آمنت بریها و اطمئت بفضل بارئها و رضیت بقضاء مبدعها و نبتت من الشجرة المبارکه و الدوحه

المقدّسه ونشّت و طالت و تفرّعت و اورقت و ازهرت و اثمرت أكلها دائم و اصلها ثابت و نفتحها فأنحه خَصَلَة نصرَة ربّانة بفيوضاتك القديمة و رشحات سحائب الطافك العميمه و اُنّي ابتهل اليك مكبًا بوجهي على الارض معفرًا جيني بالتراب و اقول يا ربّ الارباب و مهياً الاسباب و حافظ هذه الشجرة المباركه مجلله بالانوار يغشيها اشعة ساطعة من ملكوت الاسرار و لك الشكر يا الهى بما جعلت هؤلاء الابرار من افنان سدره المنتهى و فروع دوحه البقاء و شعوب شجرة طوبى اصلها ثابت فى الارض و فرعها فى الاسماء ربّ ادم عليهم فيضك العظيم و اجعلهم

* ص 343 *

آيات تقديسك فى سفرك الجليل و حججك و ادلائك و ائمة المخلصين حتّى ينشروا آثارك و يربّتلوا كلماتك و يثبوا دلائلك و يشرحوا بيناتك بين الخلق اجمعين ربّ اشرح صدورهم و نور قلوبهم و ارح ارواحهم بفيوضاتك العامّة الغدقة على ملكوت السموات والارضين اُنّك انت الكريم اُنّك انت الرحيم و اُنّك لذو فضل عظيم ايّها الفروع الرفيعة الجليله من السدره الربانيه انّ عبدالبهاء يشتاقي اليكم اشتياق الظمآن الى الماء و يحنّ اليكم حنين الحمام الى الرياض او الحيطان المتعطّشة الى الحياض و ارجو الله انّ ينور بصرى بمشاهدة وجوهكم النورانيه و يلدّذ سمعى باستماع احاديثكم الروحانيه و يجمعنى و اياكم فى محفل السرور العتبه الرحمانيه بكل روح و ريحان انّ ربّي تؤيد من يشاء و هو اللطيف القدير

اي فروع سدره منتهى عبدالبها را در عبوديت آستانه حضرت اعلى و عتبه جمال ابهى سهيم و شريكيد و انيس و جليس چون اين موهبت شامله و عنایت كامله از اعظم مراتب وجود است و فيض عظيم مليك معبود لهذا هر دم هزار شكرانه بايد و محامد و نعوت شايد

شكرانه جانفشاني و در جانفشاني كامراني يعنى ترويج دين الهى هر يك بان موفق شويد تاجى مرصع از مواهب الهى بر سر نهيد و خلعتى از الطاف نامتناهى در بر كنيد از مقتصدین نباشيد بلکه از سابقين بالخيرات گردید اينست كه ميفرمايد و منهم مقتصد و منهم سابق الى الخيرات و عليكم ازكى التحيات والصلوة الطيبات

من

* ص 344 *

ربّ الارضين و السموات ٦ محرم ١٣٣٨ عبدالهآء عبّاس مقابله شد ٣٨٤ خط كاتب
وامضاء مبارك

هوالبهي

مصر حضرت افنان سدره تقديس جناب آقاميرزا حبيب الله عليه بهآء الله الابهي
ملاحظه نمايند

هوالبهي

اي فرع رشيق سدره الهيّه حضرت ابوي عليه بهآء الله الابهي با اخوان وارد و
بتراب آستان مقدّس فائز و بطواف مطاف ملاّعلى مشرف گشتند و شب و روز
بملاقائشان مشغول و مؤانستشان مألوف هستيم و از حق ميطلبم كه آنچه مشقت در
اين مدت كشيده اند من بعد مبدل براحت و روح و ريحان گردد و اگر چنانچه اسباب
تجارت غير رايجه بهم خورد اميدوارم كه وسائط تجارت الهيّه و مشاغل روحانيّه كه
سبب ربح عظيمست فراهم آيد اين كسب و تجارت حطام دنيا عاقبتش خسران ميبين است
و آن

تجارت سبب حصول كنز عظيم در ملكوت عليين مؤسس اين تجارتها سقيم است و مروج
آن تجارت جمال ابهي بسلطان ميبين پس شكر كن خدا را كه اسبابي بجهت ابوي فراهم
آورده كه بتواند بآن تجارت پردازد واليهآء عليك و على كل ثابت على عهدالله ع ع
از توقف در آن ارض محزون و مغموم باشيد ذلك تقدير العزيز العليم گر در عطا
* ص 345 *

بخشد اينك صدفش دلها ور تيربلا آيد اينك هدفش جانها و اميدوار بفضل جمال
مبارك هستيم كه اين تعب را سبب راحت عظمي فرمايد و اين مشقت را وسيله راحت
كبري

مطمئن بعنايت او باش لانّ فضله على افنان سدره لعظيم عظيم و لطفه لجليل جليل
واليهآء عليك ع ع
٣٨٥ خط مبارك
مقابله شد

هوالبهي

حضرت افنان سدره ربّانيه جناب آقاميرزا حبيب الله عليه بهآء الله الابهي

ملاحظه نمایند

هوالاهی

ای فرع لطیف از سدرهٔ رحمانیه آنچه مرقوم نموده بودید ملحوظ شد و آنچه مسطور بود مشهود گردید از فضل جمالقدم و عنایت اسم اعظم امیدواریم که منشعب از عنصر جان و دل سدرهٔ مقدسه شوی و منفصل و متصل از حقیقت روحیهٔ ظاهره در کلمهٔ قدسیه تا فرع در جمیع شئون تابع اصل گردد و جزء بر سیرت و روش کل ظاهر شود فطره موج بحر یابد و ثمره حکایت از شجره نماید هر فکری و هر ذکری را فراموش نماید

و بذکر و فکری مشغول شود که جان جهان باشد و روح عالم امکان بنظر الطاف منظوری و

مقابله شد

بلحظات عین التفات ملحوظی ع ع

۳۸۶ خط مبارک

هوالله

* ص 346 *

حضرت افنان سدرهٔ الهیه آقامیرزا حبیب علیه بهاءالله الاهی

هوالله

ایها الافنون من السدره المبارکه مکاتیب شما رسید و ملاحظه گردید همیشه جمال ملاطفت در حق شما بوده و خواهد بود مطمئن باش از الطاف حی قدیم امید است که در

کل فصول چو شاخ سرو آزاد سبز و خرم باشی هر چه ارباح شدیده بوزد و حرارت تموز بتابد باز تر و تازه مانی تأخیر جواب سئوالات از اینست که جواب مفصل بحضرت ابوی علیه بهاءالله الاهی مرقوم شده است ولی موجود در اینجاست نمیشود فرستاد چه که امنیت راه و سکون و قرار مجهولست انشاءالله عنقریب راحت و آسایش حاصل میگردد و جواب ارسال میشود حضرت اخوی را تکبیر ابداع ابهی ابلاغ نمایند و همچنین سائر دوستان را والبهاء علیک ع ع

مقابله شد

۳۸۷ خط مبارک

حضرت افنان میرزا حبیب علیه بهاءالله الاهی

هو الابهی

ای شاخ کاخ حدیقه الهی اگر بحقیقت الطاف جمال الهی و عنایات غیبیہ رحمانی در حق خود و اخوان خویش پی بری البتہ چون حمامہ فردوس بال و پر بگشائی و در این ریاض
* ص 347 *

قدس در اعلی الفروع بنفحات بدیعہ و الحان جمیلہ نغمہ بسازی و نعرہ برافرازی
والبہاء علیک

۳۸۸ خط مبارک

مقابلہ شد

ع ع

جناب افنان میرزا ضیا علیہ بہاء اللہ الابهی

هو الابهی

ای تازہ نہال حدیقه الهی از فضل محبوب عالم جمال قدم روحی و کینوتی و ذاتی
لاحبائہ فدا امیدوارم کہ در ریاض عنایت بارور و در حدائق رحمت درختی پر ثمر
گردی و از نسائم جود سلطان وجود دائمًا در اهتزاز باشی و از فیضان ابر رحمانیت
تر و تازہ گردی ع ع
مقابلہ شد ۳۸۹ خط مبارک

هو الابهی

حضرت افنان سدرہ منتهی جناب میرزا حبیب علیہ بہاء اللہ الابهی ملاحظہ نمایند

هو الابهی

ایہا الفرع اللطیف الحیب من السدرۃ الرحمانیہ قد اطلعت بمضامین کتابک
الکریم و تلوتہ ملتذًا بعباراتہ و اشاراتہ الّتی كانت ناطقۃ باجیج ناریک فی محبۃ
اللہ و ضجیح سرک من بعدک من طاف الملاء الاعلی و فرط ثبوتک فی دین اللہ و
شدۃ رسوخک فی شریعۃ اللہ و لمثلک
* ص 348 *

من انتسب الی ارومۃ الرحمانیہ و الجرثومۃ الفردانیہ ینبغی الاستقامۃ
و الثبات و البصیرۃ المؤدیۃ الدّالۃ الی النجات حتی یأمن من کل
الجهات من طوارق الشبهات لعمراللہ ایہا الفرع الرطیب قد قدر لافنان سدرۃ

الالهيه مقامات سترت عن الاعين و الابصار و مراتب لاترقى اليه طيور افكار
العقلآء من ذوى النهى و الوصول اليها منوط بالثبوت فى دين الله و القيام على
خدمة امرالله و اتى اتضرع الى ربى البهى الابهى ان يمن على عبده البائس
المضطر المستجير بالعروة الوثقى ان يرى افنان دوحه المباركة اشجاراً طيبة
ناشئه ثابتة الاصل مرتفعة الفرع خصرة نضرة خضلة ربانة من غيوث الفيض الاعظم و
ثمرة

بغواكه ما لارات عين و لاسمعت اذن انه كريم وهاب ع ع
در خصوص مشق و تحصيل خطّ شها همت كنيذ و همچنين در تحصيل علم و انشاء بقدر
امكان چون تأييد الهى ظهير و نصير افنانست زود در جميع جهات ترقى نمايند در
خصوص مشرف شدن در اين ايام چون هواء تابستان اين صفحات از شدت رطوبت
تغيير

ميكند و امراض متنوعه مسلط بر غربا ميگردد حال زيارت را بايام خنكى و زمستان
تاخير فرمائيد والبهاء عليك و على جميع افنان السدره المنتهى فى سائرالجهات
ع ع مقابله شد ۳۹۰ خط مبارك

* ص 349 *

هوالله

شيراز بواسطه جناب آقاميرزا بزرگ افنان امة الله ورقه مبارکه همشيره شان
عليها بهاءالله

هوالله

اي ورقه مبارکه حمد کن خدا را که از سدره مبارکه روئیدی ومنتسب عتبه مقدسه ني حال
بايد بشکرانه اين فضل و عطا بمحبت و وفا پردازی و شب و روز بذكر حق مشغول
گردی و به تبتل و تضرع پردازی آيات توحيد ترتيب نمائی و بجوهر تقدیس مبعوث
شوی و عليك البهءالابهى ع ع مقابله شد
۳۹۱ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

ورقه مبارکه سدره رحمانيه امة الله طوبى خانم عليها بهاءالله الابهى

هوالله

ای ورقه سدره مبارکه ابن رؤبا صادقست زنجیر کنبزی جمال مبارکست و مربوط باسم اعظم یعنی منسوب بان و کلید ها اشاره بآنست که این زنجیر کنبزی سبب فتوح ابوابست و جمیع حرز دل و جانست و حفظ روح و روان امة الله المحترمه والده جلیله را بالطاف حق خورسند نما و امة الله صیبه آقامیرزا محمد صادق خباز را بعنایت الهیه امیدوار کن و علیک بهاءالابهی ع ع فرصت تحریر ابداً نبود ع ع ۳۹۴ خط مبارک مقابله شد

هوالله

شیراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب میرزا حیب الله در بیت تلاوت شود مناجات طلب مغفرت بجهة امة الله خادمه بیت علیهما بهاءالله الابهی

هوالله

الهی الهی هذه امة اقبلت الی جوار رحمتک و توجهت الی عتبة قدسک اسئلک بفضلك و
جودک ان مکرم مثواها و تنزلها فی نزل مغفرتک و حدائق عفوک و فردوس رحمانیتک ای رب انها خدمت عتبتک المقدسة و تعبت و تحملت و قاست المشقات فی سنین معدودات و لم تنزل کانت ترجو رضاک محمية الی حماک و متوسلة الی ملکوت علاک متشبتة بذیل رداء * ص 352 *

نداک حتی انتهت انفاسها و کسرت افغاسها و طار روحها الی فضاء رحمتک الكبرى و اوج عفوک و عفرانک یا من سبقت رحمة کل الاشیاء ای رب عاملها بفضلك و جودک انک انت الکریم الرحیم الغفور العفو الوهاب و انک انت الرحمن المنان الجنان المستعان ع ع مقابله شد ۳۹۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز محفل تبلیغ نساء علیهن بهاءالله الابهی

هو الابهی

ای اماء رحمن نامه شما رسید دل و جان شادمان شد که جناب منیر تأسیس محفل تبلیغ نمود از این خبر نهایت شادمانی رخ داد و امید چنانست که این محفل باقی و برقرار باشد و جمیع نساء یاران بهره و نصیب از ملکوت اسرار برند و مقتدر بتبلیغ

دیگران شوند تأییدات جمال مبارک شامل شود و نصرت ملکوت ابهی جلوه نماید عالم
 نساء در دوره سابق بسیار تاریک بود در این دوره بالعکس روشن گردد و گوی
 سبقت را از میدان برابند نطق فصیح بگشایند و بیان بلیغ جویند و در نهایت شجاعت
 صف جنگ بیارایند و بقوت برهان و سطوة عرفان ممالک قلوب را مسخر نمایند و علیکن
 البهآء الابهی فرصت بیش از این نیست رمضان ۱۳۳۹ عکا بهجی عبدالبهآء عباس
 مقابله شد

۳۹۶ خط کاتب و امضاء مبارک

* ص 353 *

پورتسعید ورقه مبارکه امة الله ضلع حضرت افنان سدره مبارکه علیها بهآء الله الابهی

هو الابهی

ای ورقه مبارکه شجره سیناء شکر کن خدا را که در ظل ممدود داخل شدی و در
 تحت لوآء معقود رایت میثاق محشور گشتی و از مسجد حرام مطاف ارواح روحانیان
 بمسجد اقصی قبله ملاءاعلی توجه نمودی و بتربت مقدسه معطره معنیه جبین را
 نور مبین بخشیدی و بتقییل آستان حیات بدل و جان بذل نمودی حال در نهایت بشارت
 مراجعت بان عتبه مقدسه نما و از قبل ورقات مبارکه بالنیابه روی و موی را بترباب
 آن عتبه مقدسه بمال و امآء الرحمن را در آن کشور بشارت رب البشر بده تا کل
 در کمال وجد و طرب و جذب و فرح بذکر حضرت احدیت مشغول و مألوف گردند و در
 هدایت امآء مستعده با کمال حکمت کوشند و در تربیت اطفال بموجب احکام الهی جهد
 نمایند و بنماز و نیاز و صیام و قیام بموجب امر قطعی الهی بر خیزند ع ع
 مقابله شد

۳۹۷ خط مبارک

* ص 354 *

هو الابهی

ورقه مبارکه ضلع حضرت افنان جناب آقامیرزا آقا علیه بهآء الله الابهی
 ملاحظه نمایند

هو الابهی

یا امة الله الورقة النابته على سدرة المنتهى عليك بهآء الله و فضله و جوده

و احسانه فی اولادک و آخریک فی الحقیقه چون تصوّر مشقّات و بلیّات و محن و آلام و غربت و کربت آن ورقه مبارکه را مینمایم نهایت غموم و هموم حاصل میشود ولی ای ورقه مطهره محزون مباش زیرا حضرت اعلیٰ روحی له الفدا و جمالقدم کینوتی و ذاتی الاحبائه فدا در این عالم ملاحظه نما چه بلایا تحمل فرمودند جمیع مصائب ما حکم قطره و شبیم دارد و آن حکم بحر اعظم عنقریب ثنویات این زحمات را ببصر ممنونیت مشاهده خواهی نمود ملحوظ عین عنایتی و مشمول توجهات رحمانیت مطمئن باش و مستریح شو و البها علیک و علی اولادک و احفادک فی القرون الآتیة ع ع
مقابله شد

۳۹۸ خط مبارک

* ص 355 *

هو الله

ش حضرت آقامیرزا آقای افنان ورقه مبارکه علیها بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای ورقه مبارکه شکر کن که بالطاف جمال قدیم در ظل علم عظیم در آمدی و بحیل متین تشبث نمودی و بنور مبین هدایت یافتی حال وقت آنست که بميثاق قوم تمسک شدید نمائی تا بر صراط مستقیم ثابت مانی حضرات افنان در ظل لحاظ عنایتند و مشمول الطاف بینهایت دستورالعمل بحضرت افنان جناب آقامیرزا آقا مرقوم شد امید از ربّ مجید چنانست که موفق بر آنچه الیوم لازمست شوند و البهء علیک ع ع
مقابله شد

۳۹۹ خط مبارک

هو الابهی

ش ورقه مبارکه افنان سدره رحمانیه امة الله حرم جناب آقامیرزا آقای افنان علیهما بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای ورقه مقدّسه مبارکه سدره الهیه در بحبوحه فردوس رحمانیه بلند شد و شرق و غرب آفاق را احاطه نمود تا توانی باصل دوحه الهیه تعلق را محکم کن تا از مدد فیضاتش همیشه

* ص 356 *

سبز و خرم مانی و از نفحات تقدیسش تازه و معطر گردی شکر که باین فضل و موهبت
متباهی و مفتخر شدی ع ع
مقابله شد ۴۰۰ خط مبارک

هوالبهی

پورتسعید ورقه مقدسه نورا مریم سلطان بگم علیها بهاءالله

هوالبهی

ربّ ورجائی انّ هذا امة من امائک وورقة من ورقات شجرة رحمانیتک منبتت من
سدره فردائیتک اسئلک بکلمتک العلیا الّتی جعلتها آية وحدائیتک ان تتبها
نباتاً حسناً و توقفها علی الرضاعة من ثدی ربّائیتک و تربیتها فی مهد رحمة
وحدائیتک و تنشیهها فی حصن رحمانیتک و تسمیها من ملکوتک روحیه لتکن مستبشرة
بروح العرفان انک انت الکریم الرحمن ع ع
مقابله شد
۴۰۱ خط مبارک

شیراز

حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزابزرگ و جناب آقامیرزاحیب علیهما
بهاءالله الابهی

هوالله

ای دو قضیب رطیب سدره مبارکه نامه شما رسید و از اتمام بیت مکرم و انتهای
حساب نهایت روح و ریحان حاصل گردید حضرت مؤید فی الحقیقه مؤیدند و مظفر
موفقند و منور الحمدلله که در چنین طوفانی
* ص 357 *

و چنین هجوم عمومی که جمیع قلوب مشوّش و نفوس مضطرب عبدالبهاء در نهایت
اطمینان و سکون و قرار شما را بعمار بیت مکرم واداشت و حضرت افنان سدره مبارکه
جناب حاجی میرزامحمدتقی را بنای مشرق الذاکار مشغول نمود در چنین وقتی امری
که در زمان نهایت سلامت و امان و آسایش دل و جان مخلصین سابق پرداختند ما
درچنین

بلای ناگهانی بآرزوی دل و جان قیام نمودیم این نیست مگر از فضل بیمتھای جمال
مبارک روحی لاحبائه الغداء لهذا بجهت موفقیت باین امر عظیم باید بشکرانیت

درگاه ربّ قدیم پردازیم که موقّق بر چنین خدمتی فرمود له الحمد و له الشکر علی
ذلک از اشتداد مرضی امة الله الموقّنه والده آقامیرزا بهاءالدین متأثر شدیم
و در کمال تأثر و تأسّف مناجاتی در طلب مغفرت بدرگاه احدیت نمودم نصّ آن
مناجات در جوّفت اما مبلغی که آن محترمه وصیت نموده بود رسید ولی بسیار بموقع
در ارض اقدس کار تنگ شده بود و اعدا در نهایت هجوم در محلی بسیار لازم و
بشخصی

بسیار سزاوار تقدیم شد این نیز دلالت بر خلوص آن محترمه مینماید و علیکما التّحیّة
والثناء ع ع
مقابله شد

۴۰۲ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

ایها الفرعان من السدرة الرحمانیه ورقه مسطوره وارد و مضامین معلوم و مفهوم گردید
اذن حضور باستان مقدّس خواسته بودید مأذونید ولی در عید رضوان چون جمعیت است
قدری بلکه بر شما زحمتست اگر تحمل زحمت را داری بسیار خو بست و الا بعد از رضوان
و البهآء علیکم و علی کل ثابت راسخ
* ص 358 *

علی الميثاق ع ع مقابله شد ۴۰۳ خط مبارک

شیراز حضرات افنانهای سدره مبارکه

جناب آقامیرزابزرگ جناب آقامیرزا حبیب جناب آقامیرزا ضیاء علیهم بهاءالله
الابهی

هوالله

ای افنان شجره رحمانیه نامه شما رسید و بدقت مطالعه گردید این خانه که
الآن میفروشند البتّه باید بزودی خرید زیرا بسیار مهمست البتّه شما و احبّای
الهی در این مسئله مهمه نهایت کوشش را بنمائید اگر چنانچه در این جا نقداً
موجود بود فوراً جمیع مبلغ ارسال میگشت ولی مصارف اینجا بیحد و شمار و این
مبلغ حاضر نه ولی هزار تومان بهر قسم است ما میرسانیم بلکه انشاءالله احبّای
روحانی در این امر مهم جانفشانی نمایند یا شما موقّق بآن گردید که این مبلغ را
تقسیم بدو سال نمائید و این هزار تومان به حاجی امین تلغراف شد که فوراً برسانند

و این مبلغ هزار تومان بهر قسمی هست ارسال خواهد شد مطمئن باشید و اما مصارف بیت

مبارک هر سال مرقوم دارید از اینجا ارسال میگردد و از الطاف حضرت مقصود امیدوارم که حضرات افنان سدره مبارکه در جمیع شئون ممتاز باشند و سبب ترویج ایمان و پیمان تا تأییدات جمال مبارک احاطه کند و آنچه ثمره وجود است حصول یابد وعلیکم البهآء الابهی جناب استاد محمد بنا بخدمات مبروره مؤید و موقّق نهایت مهربانی و خلوص نیت و محبت از قبل

* ص 359 *

عبدالبهآء برسانید از عدم فرصت مختصر مرقوم گردید العذر عند کرام الناس مقبول عبدالبهآء عباس مقابله شده ۴۰ خط کاتب و امضاء مبارک

شیراز حضرات افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ و جناب آقامیرزا حبیب علیهما بهآء الله الابهی

هوالله

ایها الفرعان من السدره المبارکه نامه شما رسید از مضمون مفهوم گردید که الحمدلله در این سنین انقلاب خطه شیراز بثبوت و استقامت دمساز و وهن و فتوری حاصل نگشت و این سبب فرح قلوب شد اگر چه بعضی نوهوسان همهمه و دمدمه انداختند

ولکن این چون کف دریا فاما الزید فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فیمکت فی الارض با وجود صریح الواح الهیه که تا الف سنه ظهوری نه و عبدالبهآء بعبودیتی قائم که خود را تراب اقدام میشمرد و نفسی جز از خوف و خشیت حضرت کبریا

بر نیارد چگونه نفوسی ضعیفه بلند پروازی نمایند و اظهار هستی کنند اقلاً عبودیت محضه بی تأویل را از عبدالبهآء تحصیل کنند الی الآن کلمه که دلیل بر وجود باشد از فم او صادر نشد تا چه رسد بشئونی دیگر لا بد وقوعاتی احیاناً چنین واقع خواهد گشت و لکن احباً باید چنین اشخاص را بحال خود بگذارند نه پیروی نمایند و نه پرده دری کنند و

* ص 360 *

بالتی هی احسن معامله نمایند باری افنان باید در نهان ثبوت و استقامت باخلاق

الهی ناس را تشویق و تحریص نمایند نظر عنایت الهی شامل و نتایج و آثارش ظاهر و باهر خواهد گشت از صعود نفوسی از احبّاً که بملاءاعلی شتافتند از جهتی احزان هجوم نمود زیرا فراقشان بر یاران سخت واقع شد ولی از جهتی دیگر اطمینان بعفو و غفران حضرت رحمن است که آن نفوس مقدّسه در جهان نامتناهی مظاهر الطاف ربّانی

گشتند و آنچه در جهان عنصری کِشْتند در عالم الهی خرمی اندوخته یافتند از این جهان سست عناصر رها یافتند و حقیقتی از عنصر رحمانی جستند و مستغرق بحر انوار گردیدند اسئل الله ان یشملهم بلحضات اعین رحمانیه فی عالم الانوار ان ربّی لغفور رحیم و علیکما البهآءالابهی ۳ اذار ۱۹۱۹
این آیه قرآن را تلاوت نمائید فسوف یعطیک ربک فترضی مطمئن بفضل مخصوص باشید

مقابله شد ۴۰۵ خط کاتب

عبدالبهآءعبّاس

امضاء مبارک

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا بزرگ و جناب آقامیرزا حبیب علیهما بهآءالابهی

هوالله

ای دو افنان شجره مقدّسه مکاتیب شما رسید ولی جواب تأخیر افتاد زیرا کسالت مزاج بشدتّی بود که تحریر ممکن نه البته معذور خواهید داشت بجهت بناء بیت موازی * ص 361 *

صد لیره فرنگستانی ارسال شد خواهد رسید و همچنین قبوضاتی که خواسته بودید هر چند از پیش ارسال شده بود معلومست نرسیده لهذا نسخه ثانی ارسال میشود و اما در خصوص بیت بعضی سئوالات نموده بودید این سئوالات ابداً لزوم ندارد همانست که از پیش مرقوم شد باید از هیئت اصلیه ابداً تغییر ننماید مقصود تزیین نیست مقصود اینست که جمال اعلی حضرت نقطه اولی روحی له الفداء وقتی که در آن بیت محترم بودند همان وضع و کیفیت عیناً باقی و بر قرار بماند بهیچوجه من الوجوه از خصوصات جزئی و کلی تغییری نیابد البته این لازمست و الا اگر خشتی از ذهب و خشتی از فضّه و مرصع بنا شود سزاوار اعظم از آنست شما نظر باین داشته باشید مقصود حفظ هیئت اصلیه است که بهم نخورد و همچنین نقوش و ابواب و سایر متفرّعات و اما در خصوص زمین پورتسعید در زمانی که حضرت والده مرحوم در پورتسعید بودند

و خیال مراجعت بشیراز داشتند بمن نوشتند که شما بحناب آقا احمد امریکنید که زمین میرزا آقا را بخرند زیرا محتاج بمصروف راه هستیم من نیز در همانوقت با آقا احمد نوشتم و آقا احمد آن زمین را خرید و اوراق متبادله و رسمیه را پیش من فرستادند و آن در بین اوراق من است بعد از رفتن حضرت افنان آقا احمد آن اوراق را خواست نوشتم

که من فرصت ندارم که این اوراقی را که با کتب و الواح در محلی مستور گذاشته شده است

* ص 362 *

حال بدست آرم لهذا شما دوباره بحضرت افنان بنویسید که از جناب آقا میرزا آقا سندی گرفته ارسال دارند و همان وقت حضرت افنان ارسال نمودند و این معامله بواسطه من اجرا شد و آن اوراق اول در میان اوراق من محفوظ ولی مهلت لازمست که در وقت فرصت

جستجو شود و ارسال گردد و الآن اوراقی که دوباره در زمان حضرت والده بواسطه خود حضرت والده از جناب آقا میرزا آقا گرفته شده است در نزد آقا احمد موجود است و این باطلاع من شد اینست حقیقت واقع از قرائن چنین معلوم میشود که حضرت افنان این مسئله را از شما مکتوم داشتند البته گمان مفرمائید که جناب آقا احمد در این خصوص دسیسهئی نموده اند یا با جناب اخوی آقا میرزا آقا مواطنهئی کرده اند این معامله در نهایت کمال مجری شده و حضرت افنان کردند و اگر قصوری واقع در بدایت واقع که اطلاع بشما ندادند و جواب شما در این خصوص بجهت ضعف مزاج تا بحال تأخیر افتاد شما که افنان سدره مبارکه هستید باید در امور نهایت دقت را مجری دارید و در حق نفسی تا توانید گمان نبرید از خدا خواهم که روز بروز بر ایمان و ایقان و خضوع و خشوع و فقر و فنا و محویت تام بیفزائید و علیهما التحیه و التثاء ع ع
مقابله شد ۴۰۶ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 363 *

شیراز حضرات افنان سدره مبارکه آقامیرزابزرگ و آقامیرزاحیب الله و آقامیرزاضیاء الله علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

ایها الفروع من السدره الرحمانیه دو نامه از شما رسید که الحمدلله دلیل جلیل بر ثبوت و رسوخ بر امر رب کریم بود الحمدلله موقف بخدمات بیت هستید و

باین موهبت مؤیدید و در ملکوت ابھی مذکور و در نزد عبدالہیاء مقبول قدر این عنایت را بدانید و بشکرانہ جمال مبارک روحی لاجبائہ الغدآء پردازید الحمدللہ صیت امراللہ شرق و غرب را احاطہ نموده و رایت یابہآءالابھی در خاور و باختر موج میزند من بعد زحمت شما از کثرت زوآر بسیار خواهد شد از حالا باید کہ خود را حاضر نمائید تا جمیع زائرین و واردین نہایت سرور و فرح و روح و ریحان حاصل نمایند امید چنانست کہ مبلّغین در آن خطّہ و دیار موفّق بخدمات فائقہ گردند جناب منیر نجم ساطع اثر است فی الحقیقہ چنانچہ باید و شاید بخدمت پرداختہ جناب ناطق سراجی بازغ است در ہدایت نفوس میکوشد جناب نوش بنیّتی صادق و فکری ثاقب و

رخی بارق بہدایت نفوس میپردازد قدر این مبلغین را بدانید زیرا در امراللہ جانفشاند ہر مبلغی کہ بموجب نصایح و وصایای الہی سلوک و حرکت مینماید کوبک * ص 364 *

درخشندهٔ افق عنایتست مسائلی کہ در میان شما و محفل روحانی اندک اختلافیست حوالہ بجناب میرزامحمد باقرخان کردہ کہ ایشان بنہایت روح و ریحان التیام دهند و سبب راحت و آسودگی قلوب گردند زیرا اختلاف روزروز سبب نغار میگردد وعلیکم البہآءالابھی ۹ شعبات ۱۳۳۹ عبدالہیاء عباس مقابله شد ۴۰۷ خط کاتب و امضاء مبارک

ہوالابھی

ای فروع نابتہ از سدرہ منتهی نامہ اخیر شما رسید کہ خانہ معہود را در ۲۲ ماہ رمضان بہ دوهزاروسیصد و ہفتاد و پنج تومان بعنوان مصالحہ حق غبن کہ جمعش دوهزاروہفتصدوہفتادوپنج تومانت اتمام یافت این ہفتصدوہفتادوپنج تومان اخیر نیز بہر وسیلہ باشد ارسال میگردد حساب خرید خانہ را ناطق مرقوم دارید کہ درست دادہ شود اما قبالہ خانہ بغداد را دو مرتبہ است کہ ما خریدیم باز از دست درکار است میروید یکدفعہ بنام سید احمد مرحوم و یکدفعہ بنام حاجی حسین بعد از فوت ہر دو خانہ

از دست رفت نوعی مجری نمائید کہ در آیندہ مشکلاتی حاصل نگردد و علیکم البہآءالابھی ۲۶ ذی حجۃ ۱۳۳۸ حیفا عبدالہیاء عباس مقابله شد ۴۰۸ خط کاتب امضاء مبارک

* ص 365 *

هو الله

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه آقامیرزا حبیب الله علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای فرع شجره حقیقت مقبول بارگاه حبیب حقیقی گشتی و مقرب درگاه طیب روحانی
و

مظهر عواطف حضرت سبحانی زیرا مورد تعذیب و اذیت ستمکاران شدی و معرض
جفای جاهلان از سنگ پرتاب میغضان اثری در چشم و جبین حاصل شد و ضرری چون
ریح عظیم این سنگ هر چند سنگ ستمکاران بود ولکن دلیل بر هوش و فرهنگ آن
مظلوم مهربان چنانکه گفته اند و کم فی الارض من خضرآء و یابسة و لیس یرجم منها
الاماله ثمر در

وقت اذان در کور فرقان دست بنا گوش نهادن سنت قدیم و عادت دیرین مؤذنان است
زیرا در بدایت انتشار دین الله در مدینه چون بانگ اذان بلند شد از اطراف
مؤذن را سنگسار نمودند لهذا هر کس اذان گفتی دو دست را بنا گوش نهادی تا سر از
سنگ هر بد اختر محفوظ ماند باری این جفا را در راه وفا کشیدی و این محنت و اذیت
را در محبت حضرت احدیت تحمل نمودی شکر کن خدا را که باین عطیه کبری موفق و
مؤید شدی حضرت افنان سدره تقدیس جناب ابوی را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمایند و
همچنین

سائر اخوان و ورقات مبارکه را و علیک

* ص 366 *

التحیة والثناء ع ع مقابله شد
۴۰۹ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هو الله

حضرت افنان سدره مبارکه جناب میرزا حبیب علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای فرع سدره مبارکه از روزی که شما رفته اید همه بفکر شما هستم که در این سفر
بهیچوجه فرصت معاشرت و الفت با شما ننمودم اگرچه در هر دمی همدم بودم و در
هر
نفسی مونس و محرم ولی چون این ارض منقلب و این عبد در صد هزار گرفتاریها و

بلیات سَرّی و جهری مبتلا بظاهر شب و روز مصاحبت نتوانستم و مجبورا بزودی خوف از وقوعات ناگهانی چون واقعه روز صعود که حاضر بودید شمارا هرچند فرستادم ولی در قلب همیشه بیاد شما هستم و فراموش ننمودم از فضل جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبائِه الفدا امیدوارم که در ظل عنایت محفوظ و مصون باشید و شب و روز بحالتی باشید که اَنَا فَاثًا در مراتب قرب و ترقّی و صعود فرمائید ای فرع لطیف تکلیف الیوم عظیم است عظیم باید دامن خدمت بر کمر زد و در مراتب عرفان یومًا فیومًا ترقّی نمود تا بعون و صون حضرت قیوم چون سراج نورانی در زجاء امکان برافروخت والبهاء علیک و علی کل ثابت علی الميثاق ع ع مقابله شد
 ۴۱۰ خط مبارک

* ص 367 *

شیراز حضرات افنان سدره مبارکه آقامیرزا بزرگ و آقا میرزا حبیب الله و
 آقامیرزا ضیاء علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

ایها الافنان للشجرة الرحمانیّه نامه شما بتاریخ ۷ ربیع الاول ۳۳۹ وصول یافت ولی عبدالبهاء در جواب مجبور بر اختصار است شخص ازلی اگر خواهش زیارت بیت

الهی نماید و این نیتش صادقانه باشد نه اینکه مقصد عناد و جدال و القای شبهات باشد مساعده زیارت بنمائید این نفوس هر چند طواف بیت خواهند ولیکن از ربّ البیت غافلند باری بکمال رأفت هدایت این نفوس را بخواهید و چون جبل راسخ شبهات این نفوس را مقاومت نمائید ولیکن ملایمانه صحبت پدارید از روزی که مقام اعلی مرتفع و دیده عموم اهل ایمان روشن و علم عزّت امرالله بلند شده یک نفر از این نفوس غافله زیارت نیامده لهذا از این آمدن زیارت بیت مقصدی دارند شاید القاء شبهاتی نمایند دیگر فکر نمیکنند که کار از این درجات گذشته زیرا صیت و صوت امرالله شرق و غرب را احاطه نموده و در قطعات خمسّه عالم خاور و باختر نعره یابهاءالابهی و یا علی الاعلی بلند است و علم جاءالحق و زهق الباطل موج میزند ملاحظه کنید چقدر دسیسه است اهل شبهات بیانی یک عکس واهی درست کرده اند و بحضرت اعلی روحی له الفداء نسبت میدهند و حال آنکه شمائل صحیح حاضر و موجود و شما دیدید که این عکس موهوم چه قدر نامناسب

* ص 368 *

مثل شمس واضح که شمائل مبارک نیست و سواد این نامه را به نی ریز و شهرهای دیگر شیراز نزد محرمان عاقلان بفروستید و سفارش ستر و محافظه بنمائید در فقره بیت مکرم مطاف ملأ علی که از پیش مرقوم شد مقصود اینست که حال چنان مجری دارید که در استقبال شاید از اولاد و احفاد نفسی بمبارزه پردازد و مزاحمه‌ئی بکند و بگوید من وارثم می‌خواهم بفروشم مقصود این ملاحظه بود و علیکم البهآءالابهی ۷ جمادی الاولی ۱۳۳۹ عبدلهآء عباس مقابله شد ۱۱۴ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالبهی

حضرت افنان مناجاتی چند ماه پیش طلب عون و الطاف بجهت عموم افنان سدره^۳ تقدیس

و ذکر اوصاف فروع شجره رحمانی از درگاه احدیت گردید ولی خیر وصول نرسید و همچنین هزار تومان حواله بجهت خرید خانه جوار حواله گردید از شیراز در این خصوص نیز خبری نرسید حال مقصد تفصیل آن خانه و از امین تا بحال چه رسیده مرقوم دارید ولی بکمال عجله و اگر چنانچه فرصت ندارید بکس دیگر ممکن است که مرقوم دارد باو تکلیف کنبد مدتی است که از هیچیک از حضرات افنان سدره مبارکه شیراز بکلی نه خبری و نه نامه‌ئی بمن نرسیده باری باوجود اینکه من از کثرت غوائل و مشاغل و مهالک و مقتریات و مخابرات با جمیع اقالیم عالم دقیقه‌ئی وقت ندارم باز بخط خود مینگارم ملاحظه کنبد که چقدر مواظبت دارم مقصود اینست که بلکه انشاءالله آن خانه جوار حرم مقدس خریده شود

* ص 369 *

و کسی نه شفاها و نه خطاً جسارت القائی دارد مانند بنیان رزین رصین الابد بعون و عنایت جمال مبارک ثابت و مستقیم حضرات افنان سدره مبارکه را هر دم فوزی عظیم و فیضی مبین خواهیم من ...^۳ و علیکما البهآءالابهی عبدالبهآءعباس مقابله شد

۴۱۲ خط مبارک

الهی الهی انک تعلم بانّی احبّ بكل قلبی افنان سدره رحمانیتک و فروع شجره وحدانیتک و ارجوک ان تؤیدهم علی الوصول الی علی الدرجات فی النشاء الاولی

^۳ کلمه‌ای خوانده نشد.

و النشأة الاخرى ربّ اجعل وجوههم توقد و تضيئ كالسراج في الطف زجاج نور على
نور أنّك انت القوى القدير عبدالبهاء عباس مقابله شد

هو الله

حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهاء الله

هو الابهي

ايها الافنان النابته من السدره المبارکه نامہ مورخ به ۲۰ محرم سنہ ۳۳۹
رسيد از مضامين نهايت انبساط و انشراح حصول يافت زيرا دال برآن بود که در خصوص
خانه الحمد لله تمشيت حاصل و آن خانه ملحق به بيت مبارک گرديد اليوم سرور
عبدالبهاء باين است که تعلق بحضرت اعلى و نقطه اولی روحی له الغداء دارد يا
تعلق بعتبه مقدسه مبارکه حضرت بهاء الله روحی لعباده الغداء باری حمد کنيد
خدا را و شکر
* ص 370 *

نمائيد که بچنين موهبتی موقّيد و بچنين خدمتی مؤيد دوهزار تومان بواسطه امين
حواله شد الحمد لله رسيد از الطاف الهی اميدوارم که در جميع مراتب موفّق و مؤيد
شويد حسابی که ارسال نموده بوديد ناطق و واضح بود عبدالبهاء عباس
مقابله شد

۲۰ ع ۲ ۱۳۳۹ حيفا

۴۱۳ خط کاتب و امضاء مبارک

هو الله

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهاء الله

هو الله

ای افنان شجره بقا جناب محمود عصار مکتوبی بواسطه شما ارسال نمودند و
استدعای اذن حضور به بيت معمور نمودند مأذونند خبر کسالت و انکسار مزاج حضرت
افنان سدره بقا بسيار سبب حزن و تأسف گرديد از حق ميطلبيم که آنچه رضای جمال
محبوبست بان برسيم و در سبيل او جام فدا طلبيم و راه هدی پوئيم و ستايش او
گوئيم و هر سو که روان گرديم توجه باو نمائيم هر چند از خبر بنای مطاف عالميان

بیت مقدّس بسیار روح و ریحان حاصل شد ولی حوادث تکسّر مزاج حضرت افنان بسیار سبب

حزن شد امیدوارم که این حزن بسرور مبدّل گردد وعلیک التّحیّة والثّناء ع ع
مقابله شد

۴۱۴ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

* ص 371 *

هوالله

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزاحیب علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده حق آنچه جناب آفاسید تقی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید مطمئن بفضل و عنایت حضرت احدیّت باشید آنچه تقدیر فرماید خیر عموم باشد حکمت بالغه الهی بسیار است لابد ظاهر خواهد شد حرکت جناب بشیرالهی هر چند سبب حزنست اما حکمتی

در آنست شما توکل بخدا کنید و از هیچ امری محزون نگردید جوهر توکل حیات روحانیانست و حقیقت توکل سرمایه رحمانیان حضرت والد جلیل را تحیت روحانیّه ابلاغ دارید و همچنین حضرات اخوان را بابدع بیان تحیت مشتاقانه ابلاغ دارید و همچنین سائر احبای الهی را کمال اشتیاق از قبل این عبد اظهار فرمائید

و علیک التّحیّة والثّناء ع ع
مقابله شد

۴۱۵ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

قطر مصر حضرت افنان جناب میرزاحیب علیه بهاءالله الابهی

هو الابهی

ایّها الفرع اللطیف من السدره المبارکه استبشر بنفحات انتشرت من حدیقه التقدس و استسق من الغیث الهاطل من سحاب فیض ربّک و امش بین الخلق باطوار انجذب بها قلوب اهل توحید و عاشر

* ص 372 *

و عاشر كل حبيب يدعوك الى ربك الجليل ع ع مقابله شد
مبارك

هو الله

بواسطه جناب ميرزا علي اكبر زائر
جناب آقاميرزا حبيب الله افنان و اخوانشان عليهم بهاء الله الابهى

هو الله

جناب زائر حاضر خبر ندارد كه آنجناب نامه هاى متعدّد از عبدالبهاء دارد لهذا
باز خواهش نگارش اين نامه مينمايد محض خاطر ايشان باز خامه بحركت آمد و بتحرير
پرداخت تا بدانى كه در اين انجمن رحمانى مذكورى و در عتبه حضرت سبحانى مشهور
و عبدالبهاء در جميع احيان بيادت مألوف و عليك التحية والثناء ع ع
مقابله شد

۴۱۷ خط كاتب و مهر و امضاء مبارك

هو الله

آباده جناب افنان آقاسيد آقا ابن حضرت افنان سدره مباركه آقا ميرزا آقا عليهما
بهاء الله الابهى

الله ابهى

اي نابت از سدره مباركه چون بشرف انتساب فائزى بايد بصفت كمال در كل مراتب
ممتاز باشى تا انشاء الله سلاله جان و دل گردى و از آب و گل بكلى منقطع شوى
و آن شئون فائضه از تجليات

* ص 373 *

حي قيوم است بكوش تا از آن انوار مقتبس گردى و از آن آيات مهتر و البهء عليك
و على كل ثابت على الميثاق ع ع مقابله شد
مبارك
خط ۴۱۸

هو الله

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سیدآقا علیه بهاءالله

هو الله

ای افنون سدره رحمانیه در جمیع احوال و احیان بیاد شما مشغولیم و از فضل حضرت
ودود امیدواریم که بخدمت مربی غیب و شهود موفّق و مؤید گردی و آنچه سزاوار
آستان مقدّس است موفّق و مؤید شوی تا در خضوع و خشوع و تضرّع و تبتّل و تذلل و
نیاز دمساز عبدالبهاء گردی تلک سحیة کل عبد منیب اخلص وجهه لله رب
العالمین اسئل الله یوفّقک علیها ع ع
مقابله شد
۴۱۹ خط مبارک

هو الابهی

پورتسعید حضرت افنان سدره مبارکه جناب میرزا ضیاءالله علیه بهاءالله الابهی

هو الابهی

ای فرع سدره مبارکه ورقه مکتوبه ملاحظه گردید نفعه خوشی استشمام شد ایوم
نفوسی در ظل سدره الهیه مستظّل گشته اند که عنقریب حرارت قلبشان جهان را
باشتعال آرد امیدوارم که آن فرع بدیع
* ص 374 *

یکی از آن نفوس قدسیه و هیاکل روحیه گردد زیرا از شجره مبارکه نابت لهذا
اولی باین منقبت عظمی والبهاء علیک ع ع
مقابله شد
۴۲۰ خط مبارک

هو الله

پورتسعید حضرت افنان سدره مبارکه جناب میرزا ضیاء علیه بهاءالله

هوالله

الهي الهى انت الذى غرست شجرة رحمانيتك فى فردوس فردانيتك و سقيتها من
معين صمدانيتك حتى انتشت و نمت و طالت و تفرعت و تشعبت و امتدت و ملئت شرق
الوجود و غربه و من فروعها هذا الافنون الثابت الراسخ على ميثاقك المتشبه
بذيل عهدك ايرب انت تعلم بانى احب هذا الافنون من كل قلبى و من كل فؤادى
وانى منه اسئلك بفضلك و جودك ان ترض عنه و اجعله آية فضلك انك انت الكريم
الرحيم العفو الغفور ع ع مقابله شد
٤٢١ خط مبارك

شيراز جناب افنان سدره مباركه حضرت ميرزاصياءالله عليه بهاءالله الابهى

هوالله

يا من انتسب الى الشجرة المقدسه نامه رسيد و از معانى كلمات تتل بملكوت
رب آيات واضح گرديد دليل بر ايمان و ايقان و ثبوت بر عهد و پيمان بود اليوم
استقامت عين كرامتست و سبب
* ص 375 *

مقاومت امتحانات شديده و ثبوت بر عهد و پيمان تو چون در گلشن الهى نابتى البتّه
ثابتى خوشابحال تو كه خالصى و مخلصى و از خبر مولود جديد سرورى جديد پديد شد كه
الحمد لله اين طفل در ظل عنایت تولد يافته انشاءالله از ثدى محبت الله
پرورش خواهد جست و در مهد معرفت الله نشو و نما خواهد كرد نام ميرزا آقا بنهيد
تا يادگارى آن افنان سدره رحمانيه و مقرب درگاه حضرت احديه گردد امةالله
الموقنه الورقة المباركه والده و سايرين را تحيت محترمانه برسان و عليك
مقابله شد ٤٢٢ خط كاتب و مهر و امضاء مبارك
ع ع البهءالابهى

هوالابهى

ش حضرت افنان سدره منتهى جناب ميرزا ابراهيم عليه بهاءالله الابهى ملاحظه
نمايند

هوالابهى

ايها الفرع الجميل من السدره المباركة اليوم شأن نفوس منتسبه بشجره الهيه

اینست که چون ستاره صیگاهی از افق عالم و مشرق امم بدرخشند و چون آیت باهره و رایت ظاهره بر اتلال وجود لامع و مشهود باشند امواج بحر اعظم لئالی مبین نثار نماید و فیضان غمام اکرم غیث جلیل احسان کند سدره ایقان ثمار لطیف بار آورد و ارض طیبه طاهره گل و ریاحین بار آورد از فیض قدیم ربّ جلیل امیدواریم که افنان دوحه بقا را موقّق باستفاضه از ملکوت ابهی فرماید و در کشف حمایتش از جمیع طواری و موارد محفوظ دارد که در کمال ظهور محفوظ مانند عبدالهآء ع مقابله شد ۴۲۳ خط مبارک

* ص 376 *

جناب سلطان محمدخان جناب سلطان باقرخان جناب شاهزاده غلامحسین میرزا جناب

حاجی میرزابزرگ افنان جناب احسان الله پسر جناب آقامیرزا اسمعیل خان جناب آقامیرزا اسماعیل خان جناب حاجی میرزا حییب افنان جناب آقا میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب حاجی میرزا ضیا جناب آقا میرزا باقر اصغفانی جناب میرزا عبدالحسین جناب آقا میرزا علی آستانه دار جناب استاد میرزا خیاط جناب آقامیرزا محمدصادق خباز جناب آقا میرزا اسدالله جناب خادم باشی جناب نایب رضاقلی جناب آقا علی اکبر جناب میرزا حسین پسر آقامیرزا ابوالقاسم جناب آقا محمد برادر ایشان صبیّه ایشان جناب آقا میرزا یحیی خان جناب آقا میرزا علیمحمدخان جناب میرزا ابراهیم خان پسر جناب آقا میرزا اسمعیل خان جناب آقامیرزا محمد جعفرخان علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

ای بندگان جانفشان جمال ابهی صفحه نورانی و نقشه شمائل رحمانی یاران روحانی ملاحظه گشت از نورانیت آن وجوه روحانیت حاصل شد و سرور و فرح در قلوب جلوه نمود هرچند شمائل جسمانی بود ولی بحقیقت جمال روحانی مشهود زیرا در جبین محبت

نور مبین آشکار یا حیداً تلك الوجود النورانیة و یا فرحاً لتلك النفوس الرحمانیة و یا سروراً لتلك الحقائق الروحانیة انی اتوسل بالعروة الوثقی و اتشبت بذیل رداء الكبریاء و ارجو الله ان یؤید تلك الذوات المستبشرة بشارات الله
* ص 377 *

على اعظم مواهب قدره فى ملكوته الابهى ويجعلهم آيات باهرات و نقوشاً ثابتة فى اللوح المحفوظ و الكتاب المسطور و يجعل الوجوه خالصة التوجه الى الجمال الابهى فى النشئة الاولى والحيات الاخرى و عليكم التحية و التناء

الهى الهى هولاء قد بعثتهم من مرقد الهوى و حشرتهم فى يوم اللقاء و اجتبيتهم لمحبتك بين الورى و اخترتهم لظهور مواهبك على الملا اجعل تلك الوجوه النانره مرياء انوار موهبتك الكبرى و تلك الاعين الناظرة بمشاهدة انوارالافق الاعلى انك انت تؤيد من تشاء و انك انت المعطى الكريم العزيز الرحيم الوهاب .
ع ٤ مقابله شد ٤٢٤ خط كاتب و مهر و امضاءمبارك

بواسطه جناب بشير
شيراز محفل روحانى عليهم بهاءالله الابهى

هوالله

الهى الهى هولاء عباد اجتبيتهم لخدمة امرك و اعلاء كلمتك و نشر نفحات قدسك رب اخلص وجوههم لوجهك الكريم و تثبهم على صراطك المستقيم و اقمهم على خدمة نبأك العظيم و اجعلهم آيات الهدى بين الورى لينشروا آثارك و يقتبسوا انوارك و يطلعوا باسرارك و يتنورهم موطن نورك المبين و مقر جمالك العلى العظيم رب اعل درجاتهم و بشر ارواحهم و ثبت كلماتهم و انشر آثارهم بين خلقك انك
* ص 378 *

انك انت المقندر العزيز القوى القدير ع ٤ مقابله شد
٤٢٥ خط كاتب و مهر و امضاءمبارك

هوالله

اى ياران عزيز شيراز موطن حضرت بى نياز است بايد مطلع انوار اسرار گردد و انجمن عاشقان بايد در آن ديار آهنگ وجد و طرب را بملكوت انوار رسانند ع ٤
مقابله شد
آخر لوح نمرة ٤٢٥ و اين دو سطر خط مباركست

شیراز اعضای محفل روحانی علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

ای بندگان مقرب درگاه جمال مبارک شکر کنید خدارا که در موطن حضرت اعلی روحی
له

الفداء انجمن آراستید و الفت و یگانگی خواستید محفل روحانی تأسیس نمودید و
بخدمت آستان ربّانی قیام کردید آن اقلیم جنت النعیم است و آن کشور منور و معطر
از نسیم گلشن علیین آن خاک پاک است و آن حدود و ثغور تابناک زیرا موطن آفتاب
افلاکست شما چون در آن خطه قیام بر خدمات نموده‌اید و در عبودیت آستان شریک و
سهیم این گمنام گشته‌اید باید بینهایت شادمان باشید و کامران گردید و مفتخر و
مباهی بفضل نامتناهی الهی که بچنین امر عظیمی موقّف شدید که نهایت آمال مقربین
است و منتهی آرزوی اهل علیین اما عبدالبها را نهایت آرزو و آمال خادمی
آن محفل روحانیست تا بالطاف ربّانی و فیض صمدانی و نفعه رحمانی مصدر خدمات
پاران

آسمانی گردد دفتر اعانات اطراف بجهت ستمدیدگان نیریز رسید و بنهایت سرور
* ص 379 *

قرائت گردید و قبوضات ارسال میشود و علیکم بهاءالله الابهی ع ع مقابله شد ۴۲۶ خط
کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز اعضای محفل روحانی علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

ای بندگان جمال ابهی نامه شما رسید مضمون مفهوم گردید و همچنین نامه بی
حضرت افنان سدره مبارکه علیه بهاءالله الابهی مرقوم نموده بودید و همچنین
جواب نامه از آن حضرت بشما کل بنهایت دقت قرائت شد از عدم فرصت مجبور بر
اختصارم

از تائیدات غیبی جمالقدم روحی لاجبانه الفداء الحمدلله بیت مکرم از حالت
اندراس بیرون آمد تکرار بر اساس اصلی و ترتیب قدیم بنا و انشا شد و بقدر امکان

تفرّعات تزئید یافت و بتأییدات اسم اعظم کم کم توابع آن بیت معظم مانند شفاخانه و مدارس ایتام و بیت عجزه و غیره کل نیز اتمام و تکمیل میشود خانه‌ئی که تعلق بافنان سدره مبارکه جناب حاجی مهدی علیه بهاءالله دارد باید خود ایشان تعمیر بفرمایند سهیم و شریکی در آن تعمیر نداشته باشند لهذا خدمت ایشان مرقوم فرمائید تا بهر نوع مصلحت دانند مجری فرمایند تأخیر ابداً ننمایند در این گونه امور تهاون و تسامح جائز نه و از فضل وافی جمال قدم روحی لآحیانه الفداء امیدوارم که آن حرم مبارک در نهایت عظمت در مستقبل جلوه نماید و برداء عزت ابدی مخلع گردد شمول الطاف را ملاحظه نمائید که نهایت آمال نیر ملکوت صبح هدی نقطه اولی حضرت اعلی روحی له الفداء این بود که طلعت مقصود جمال معبود

شمس

حقیقت حضرت

* ص 380 *

من یظهره الله در یوم ظهور ذکری از آن شجره طور فرماید حال در ظل عنایتش حتی ترابی که منتسب بحضرت اعلی روحی له الفداست ارتفاع یافت و روز بروز معمور تر گردد و توابع حرم معظم اتساع یابد و علیکم البهاء الابهی ع ع مقابله شد ۴۲۷ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز اعضای محفل روحانی علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

ای مقرّبان درگاه کبریاء نامه شما رسید ورقه‌ئی که جوف بود بسیار سبب سرور گردید که آن شخص محترم چنین اقدامی فرمود و چنین انفاقی نمود آنچه در مدت حیات همت فرمودند و مجری داشتند و مبذول کردند جمیع فراموش میشود این امریست طبیعی ولیکن این همت که تعلق بماوراء الطبیعه دارد هرگز فراموش نخواهد شد و الی الابد در مرور قرون و اعصار مشامها را نافه مشکبار تثار خواهد کرد زیرا این قضیه در ظل وجه واقع کل من علیها فان و بیقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام و همچنین سبب عزت ابدیه در دو جهان خواهد گشت سلیل جلیل ایشان در پاریس ملاقات شد و نهایت الفت حاصل گشت فی الحقیقه شایان و سزاوار و بزرگوار است و همچنین ملاحظه نمائید که قوه امرالله چگونه در ظهور و بروز است که همچنین شخص جلیلی

از برای چنین موقعی که آن جسد معطر یک شب دو شب در آنجا امانت گذاشته شده بود
 این
 جسد مطهری که از خوف اهانت اعداء پنجاه سال ممکن نشد در جایی قرار یابد زیرا
 اعدا در صدد
 * ص 381 *

بودند و اگر بدست اعدا افتاده بود آتش میزدند حال بمقامی رسیده که چنین نفس
 محترمی در موقعی که رائحه‌ئی از آن جسد معطر وزیده چنین جانفشانی مینماید و هذا
 من فضل ربی فاعتبروا یا اولی الابصار و علیکم البهء الابهی عبدالبهء عباس
 ۱۰ رجب ۳۳۸ حیفاً
 مقابله شد ۴۲۸ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالله

الهی الهی ترانی خائناً فی غمار البلاء و غریقاً فی بحار البأساء و الضراء
 هدفاً للنصال مطعوناً برماح الجور و الجفاء مجروحاً بظباء الشدة و البغضاء
 و لم یبق یا الهی موقع من جسدی الا و هو جریح السهام و لم یبق موضع من کبدی
 الا و هو قریح الرماح و لم یزل علی هذه المصیبة الدهماء و لالرزبة
 العمیاء الال تبتلی و تضرعی الی حضرت احدیتک و توجهی الی ملکوت رحمانیتک
 و ما نقموا منی الا ان امنت بک و بآیاتک و ما انزلته من کتیبک و صحفک و ما
 ارسلته من رسلک هذا جرمی و خطائی و کربتی و بلائی مع ذلک ادعوک بلسانی و
 ارجوک

بجنانی ان تعفو عن اقربائی الذین افتروا و جاروا علی و اعتدوا بی و هتکوا و
 فتکوا رب اغفر ذنوبهم و اکشف کروبهم و سهل امورهم و انزل علیهم رحمتک و لا
 تحرمهم عن موهبتک لانهم جهلوا و غفلوا و لو علموا لم یفعلوا فینغی لرحمانیتک
 ان تستر عیوبهم و تعفو عن ذنوبهم انک انت الرحمن الرحیم ثم ادعوک ان تحفظ
 اولیائک فی صون حمایتک و تحرس اصفیائک فی کف رعایتک و تشمل ارقائک بلحظات
 اعین رحمانیتک لانهم تحت الهجوم و اهداف للرجوم احاط بهم الغافلون و هم من
 کل حذب ینسلون قم انی اعفر وجهی بتراب الذل و الفناء متمنیاً القرب و
 اللقاء راجیاً

* ص 382 *

جوار رحمتک الکبری فاجرنی یا الهی و قرب یوم لقائک و انقذنی یا مولائی و

یسر لی مشاهدۀ جمالک ان کان رأسی یلیق لعطآنک فاجعله یتهدی علی القنآة فی سبیلک و ان کان دمی حقیق ان یهدر فی سبیلک فاجعله مسفوحاً مرشوشاً مسفوحاً علی التراب فی محبتک و ان کان صدري حرّی ان یشتبک فی ولآئک فاجعله هدقاً للسہام بقضائک انک انت الکریم الرحیم العزیز الوہّاب و انک انت العلی العظیم التّواب

ای عزیز الهی در ایندم که زلزله امتحانات بقعه مبارکه را بحرکت آرده و طوفان عظیمی بر پاست نامه روحانی شما قرائت شد و نهایت مسرت حاصل گشت از فضل یزدانی

مستدعیم که روز بروز ترا نورانی فرماید تا مظهر الطاف رحمانی گردی و موقّق بر خدمت آستان الهی شوی مختصر اینست که از یوم صعود الی الان اخوی مهربان بهر وسیله تمسک جست و بهر اسبابی تشبّث نمود که سراج محبت اللّٰه را خاموش نماید در بدایت بنشر الواح شبّهات پرداخت و شرق و غرب را بکلمات مؤنّفکه ملوّث ساخت بگمان اینکه القاء شبّهات نسخ آیات باهرات کند مدتی در این قضیه جهد بلیغ نمود تا یرلیق جاء الحق و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقاً در جمیع حدود و ثغور منشور گشت و چون از این خائب و خاسر شد بدسیسهئی دیگر پرداخت و زبان بمفتریات گشود و

باطراف و اکناف آنچه توانست تهمت و بهتان انتشار داد که این عباد را معاذاللّٰه نسبت بعموم نیّتی غیر خیر مضمّر آنچه نوشت بوسائلی ابلاغ نمود و لوائحی ترتیب داد که معاذاللّٰه این عباد با دشمنان پادشاهی رابطه و مخابره دارند و آن لوائح ارسال بحکومت این سامان شد تکذیب گشت
* ص 383 *

بعد با جمعی بد خواهان این عبد در این شهر همداستان شد و شب و روز عاکف آستان آنان گشت تا آنکه در این ایام با آنان لائحه ترتیب داده که در هر صدی هشتاد و پنج از اهالی این صفحات بهائی گشته‌اند و با اجنبی روابطی بسته اند تربت مقدّسه را کعبه اتخاذ نموده‌اند و مقام کرمل را روضه مطّهره حضرت رسول علیه السلام قرار داده‌اند در اینجا طواف کنند و در آنجا سجده نمایند و از این قبیل بسیار باری جمعی بجهت تفتیش این وقایع مامور گشتند و از اسلامبول باینجا آمدند آنان سرّاً فحوص و جستجو نمودند ولی از بد خواهان یعنی کسانی که شریک در آن لائحه بودند و از این آوارگان ابداً سنوالی نکردند و توضیحی نخواستند و مراجعت باسلامبول نودند لهذا آریاح امتحان در بقعه مبارکه روز بروز در اشتداد است سبحان اللّٰه اگر دیگران

ندانند الحمدلله یاران واقف اسرارند و مطلع بر وصایا و نصائح جمال مبارک در
جمع الواح بوصیت صریحه و نصیحت صحیحه و اوامر قطعیه کل را از فساد که سبب
هدم

بنیاد عباد است منع فرموده و باطاعت و دولتخواهی و انقیاد و صداقت بسریر پادشاهی
امر قطعی فرموده که هر کس فسادی نماید و اینکه در اطاعت شهریار فتور و قصور کند
از رحمت پروردگار محرومست و از نظر عنایت حق دور و مهجور هادم بنیانست نه بانی
نومید از رحمت پروردگار است نه راجی محرومست نه محرم مجرمست نه مکرم و
الحمدلله این نصوص قاطعه در جمیع اقالیم منتشر و در نزد جمیع دانایان مسلم
حتی بنص صریح فرموده اند یاران الهی باید با سائر طوائف و ملل در نهایت مهربانی
رفتار کنند جفا را بویفا مقابله نمایند و خطا را بصواب ستر کنند تیغ
* ص 384 *

و شمشیر را بشهد و شیر مقابلی کنند و سمّ نقیع را بشریت بدیع مکافات
فرمایند هر دردی را درمان باشند و هر زخمی را مرهم دل و جان دشمنان را یار و
یاوری

کنند عوانان را غمخواری کنند و انتقام را خونخواری و درندگی شمرند سبحان الله ما
سالک در این سیل و خلق مشغول بچه بهتان عظیم ولی اگر بیگانگان بکذب و بهتان
پردازند تعجب نبود عجب در اینست که بیگانگان حسن شهادت دهند ولی آشنایان بدخواه
در نهایت شکایت باری باوجود این ما امیدواریم که بنهایت تمکین تحمل این جور
عظیم نمائیم و از صراط مستقیم مقدار جوی تجاوز ننمائیم متوکل بر خدائیم و
متشبهت بذیل کبریا و در این طوفان بلا صابریم و شاکر و جان در کف گرفته بجان
فشانی حاضریم و از برای کل رحمت و موهبت طلیم و عفو و مغفرت جوئیم ربّ ارحم
الخطاة و اعف عن الشّئات و لاتأخذهم بالسینات و بدلها بالحسنات انک انت
ربّ الآيات البینات و انک انت الرحمن الرحیم ع ع مقابله شد
۴۲۹ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هو الله

شیراز بواسطه حضرت افنان آقامیرزا حبیب الله میرزا ابوالقاسم و جناب میرزا
سید حسن افنان علیهما بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای دو نهال بوستان الهی شکر کنید خدا را که از شجره مبارکه انبات شدید و
برشحات سبحان عنایت در
* ص 385 *

آغوش انتساب بشجره حقیقت نشو و نما مینمائید این موهبت عظمی است و این عطیه
کبری قدر این را بدانید و آنچه لازم و واجب این نسبت است قیام نمائید و علیکما
البهآء الابهی ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۹ حیفاً عبدالبهآء عباس مقابله شد
۴۳۰ خط کاتب و امضاء مبارک

شیراز بواسطه بشیر الهی
جناب آقامیرزا محمدحسین نویسنده علیه بهآء الله الابهی

هو الله

ای مهندی بنور هدی جناب آقامحمدحسن فی الحقیقه حیات معنوی و زندگی ابدی
میدول
داشت از نفحات روح القدس استفاضه نمود و در دل و جان تو دمید وجدان گلشن
رحمانی
شد و ضمیر سربر ملیک جلیل گشت مقام اطمینان فوق ایمانست و حقّ الیقین فوق علم
الیقین حال چون از عین الیقین نوشیدی از فیوضات نامتناهی الهی البته بحقّ
الیقین خواهی رسید تا در دو جهان مظهر الطاف بی پایان گردی و علیک البهآء الابهی
مقابله شد

۴۳۱ خط کاتب

هو الله امة الله شیرین علیها بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای شیرین حلاوت شهد و شکر صفرا افزایش و علل ایراث کند اما حلاوت جمال الهی
روح بخشند
* ص 386 *

بخشد و سبب فتوح گردد پس شیرینی دلنشینی در غرفات فردوس است و حلاوت و ملاحظت

نضره رحمن در وجهات انس و البهآءعلیک ع ع مقابله شد ۴۳۲ خط مبارک

شیراز بواسطه بشیر الهی
سیرجان بواسطه جناب آقاسید مهدی نیریزی
حضرت آقاسیدعلی اکبر حفید حضرت وحید جلیل مجید علیه بهآءالله الابهی

هوالله

ای حفید آن نور مبین الحمدلله با نسبت جسمانی زاده عنصر جان و دل آنشخص جلیل هستی و دلیل براین اینکه بخدمت پرداختی و شمع آن بزرگوار را روشن نمودی و لملک ینبغی هذا منتسبان آن بزرگوار در نزد عبدالبهآء عزیز و مقرب درگاه پروردگار عین عنایت ناظر بانانست و الطاف بیمتھی شامل حال هر یک تاسی بانسرور ابرار نماید شمع روشن شود و ستاره درخشنده گردد و ثابت نماید که از عنصر پاک آن کوکب تابناکست لهذا تا توانی پیروی آن نما و در نشر نفات الهی بکوش جمیع احبا و یاران و امآء رحمن را تحت ابدع ابهی برسان و علیک البهآء الابهی مقابله شد

۴۳۳ خط کاتب

* ص 387 *

شیراز بواسطه جناب آقامحمدحسن بلورفروش و بواسطه جناب سلطان عبدالحسین خان برادر زاده من ادرك لقاء ربه فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر جناب آقاسیدابوالقاسم خان جناب آقامیرزاهدایت الله خان جناب آقامیرزاعبدالحسین بهمنی جناب آقاسیدعبدالله خان جناب آقامیرزانصرالله خان افنان جناب آقامیرزافتح الله خان افنان جناب استاد تقی نجار جناب آقامیرزا محمدحسین جناب آقا میرزاعبدالحسین عندلیب جناب آقاعلی آقای ناظر علیهم بهآءالله الابهی

هوالابهی

ای ثابتن ای راسخان درروز غوغا و ضوضا که جمعی بدون بینه و برهان هجوم

بمحل ثابت بر پیمان نمودند شما بحماییت و صیانت پرداختید و یتام توکل در قلوب مهاجمین خوف و خشیت انداختید این جان فشانی بود و از قوت و صلابت ایمانی بیخردان در کمینند تا فرصتی یابند و دست تطاول بگشایند و بظلم و عدوان پردازند این سلاح عاجزان است چون از قوت برهان بی نصیب گردند و در اقامه حجت عاجز و ضعیف و گنگ و لال گردند دست تطاول بگشایند همیشه این روش اهل بطلانست و مسلک اهل طغیان این آخر الدواء الکی شمرند ولی بخسران مبین افتند و ضرر و زیان شدید

یابند این تعرضات سبب ظهور آیات بینات و این اعتساف تمهید مقدمات و سبب انتباه غافلان و جستجوی طالبان گردد البتّه

* ص 388 *

البتّه اگر آنی تفکّری بنمایند ابدأً تعرض نمایند بلکه ساکت و صامت گردند و در حفره طنون و اوهام خزیده خود را از پرتو شمس حقیقت محروم و محجوب نمایند و قتیکه شهنای الهی منحصر در شیراز بود ستمکاران سبب شدند که این صیت عظیم باصفهان و طهران رسید و چون بیشتر کوشیدند و اذیت و جفا کردند و سیاست شدیده روا داشتند بجمیع صفحات ایران سرایت کرد نفوذ کلمه الله در خراسان علم افرات و چون باطفاء این سراج کوشیدند و بقتل و غارت پرداختند و خون مظلومان ریختند و سرها بر نیزه نمودند مردان شهید کردند اطفال اسیر نمودند نساء ذلیل کردند و مانند دشت بلا صحرای کربلا بخونریزی مظلومان پرداختند و باسارت صبیان و نسوان دست گشودند صیت امرالله بسائر بلدان در اطراف و اکناف عالم رسید و چون کوشیدند که نور مبین از ایران نفی و سرگون گردد علم مبین در عراق بلند شد و چون در عراق بنفاق پرداختند سبب شد که جمال قدیم بشهر شهیر نفی و تبعید شد و کوس اعظم و ناقوس اکبر در اسلامبول کوییده شد و چون از مرکز سلطنت عثمانیان با نهایت ظلم و عدوان برومیلی ارسال نمودند آن اقلیم نیز پرتو نور مبین یافت و چون از آن کشور بسجن اکبر نقل گردید و قلعه ویران سجن محبوب امکان شد و نهایت ذل و هوان حاصل گردید صیت امرالله و صوت کلمه الله در ممالک

* ص 389 *

اروپ و امریک انتشار یافت زلزله در آفاق انداخت و اهل نفاق خائب و خاسر گشتند و هنوز دست بر نمیدارند این تهکم و تعرض سبب شد که ندای الهی در جمیع آفاق بلند گردید هنوز در خواب غفلتند و گمان میکنند که این حرکت مذبوحانه سبب قلع و قمع

اساس خداوند یگانه است هیئات هیئات جمال مبارک روحی لاجبانه الغداء میفرمایند که این جوش و خروش علمای جاهل بر منابر و فریاد و نعره‌های وادینا و امدها در مسالک و معابر ندای بامرالله است این نفوس منادی حقد و لکن لایشعرون ذرهم فی خوضهم یلعبون باری الحمدلله شما بآنچه باید و شاید قیام نموده‌اید و مدافعه از هجوم یغماگران فرمودید طوبی لکم من هذه المنقبة العظمی و علیکم البهآء الابهی عبدالبهآء عباس ۱۲ صفر ۱۳۳۹ حیفا مقابله شد ۴۳۴ خط کاتب و امضاء مبارک

۹

شیراز جناب آقامیرزا فضل الله بنانی علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای بنده صادق آستان مقدس نامه اول را جواب کافی مرقوم گردید فی الحقیقه مضمون مورث سرور بود و دلیل بر حظ موفور امید چنانست که آهنگ و شهناز احبای شیراز بملکوت راز رسد و در بارگاه قدس ملاء اعلی را باهتزاز آرد حال این جواب نامه ثانیهست
* ص 390 *

آن نیز با برات ملغوف رسید از الطاف رب الاسعاف تمنا چنان که ابواب برکت باز شود و وسعت رزق آشکار گردد و علیک البهآء الابهی ۹ شوال ۱۳۳۷ عبدالبهآء عباس مقابله شد ۴۳۵ خط کاتب و

امضاء مبارک

۹

بواسطه جناب آقامیرزا قابل زائر علیه بهآء الله الابهی
جناب میرزا فضل الله خان بنان علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای حضرت بنان حقاً عضد یارانی و بازوی قوی ربانیان ایام لقا در خاطر است

همواره روی دلجویت در این محضر حاضر همیشه بیاد تو هستم که در نهایت تبّئ بدرگاه حضرت احدیت تضرع مینمودی و طلب عون و صون از بارگاه رحمانیت میفرمودی و با عبدالهآ شب و روز انیس و جلیس بودی و در انجمن یاران نفس نفیس الحمدلله ابواب مفتوح و تأییدات ملکوت ابهی در نهایت شمول امید و طید است که آیت باهره گردی و قوتی قاهره در هر دم شیمی از جنت ابهی بمشام رسد و در هر نفسی رشحاتی از سحاب عنایت بگلشن دل و جان بارد و علیک الهآءالابهی
 ۶ محرم ۱۳۳۸ عبدالهآعباس مقابله شد
 ۴۳۶ خط کاتب امضاءمبارک

* ص 391 *

شیراز بواسطه جناب عندلیب حدیقه توحید علیه بهآءالله
 جناب آفامحمدصادق خباز علیه بهآءالله

هوالله

ای صادق موافق چه اسم مبارکی داری هر نفسی مظهر معنای این اسم باشد یعنی صادق
 گردد کوکب شارقیست و نیر بارق و سیف فارق صفتی محبوبتر از این نیست و طریقه مقبولتر از این نه بسا کلمه صدقی که سبب نجات ملتی شد و بسا شخص خسیس را کلمه راستی عزیز و نفیس نمود چه بسیار که شخص عزیز محترمی را یک کلمه کذب بکلی از انظار ساقط کرد و از درگاه احدیت محروم نمود پس ای جان پاک پی صادقان گیر و پیروی راستان کن تا بصدق بمقعد صدق رسی و براستی بعزت ابدیه فائز گردی جمیع معاصی بیک طرف و کذب بیک طرف بلکه سینات کذب افزونتر است و ضررش بیشتر راست گو و کفر بگو بهتر از آنست که کلمه ایمان بزبان رانی و دروغ گوئی این بیان بجهت نصیحت من فی العالم است شکر کن خدا را که تو سبب صدور این نصیحت بجمیع نوع انسان شدی همیشه بنفحات قدس مشغول گرد و ناس را آنچه سبب علو و سمو انسانست و از اخص فضائل و خصائل اهل ایمان دلالت نما تا مربی نفوس گردی و هادی هر گمراه پر قصور شوی اذن حضور خواسته بودی

* ص 392 *

این ایام بسیار مشکل چه که بیگانگان در صدد این آوارگانند و هر روز کتابی تألیف نمایند و از هر قبیله افترائی بزنند و طبع و نشر نمایند و آشنایان نیز ناقض پیمان در سر سر نهایت فساد را میکنند دیگر معلومست با این دو مهاجم چه قدر

مشکل است انشاءالله قدری سکون حاصل میشود آنوقت شما را میخواهیم حضرت
عندلیب
را از قبل من تحیت مالانهایه برسان که همواره بیاد و ذکر ایشان مشغولم
وعلیک التحیه والثناء ع ع
مقابله شد ۴۳۷ خط کاتب و مهر
وامضاءمبارک

شیراز جناب فضل الله خان بنانی علیه التحیه والثناء

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه آن جوان نورانی والفتی الرحمانی رسید و بسیار مختصر و
مفید بود تحاریر باید چنین باشد در الفاظ بایجاز پردازند و در معانی اعجاز
نمایند جمیع یاران را بدل و جان مشتاقم و از جشن عظیم در ایام رضوان مسرور و
شادمان ولی حکمت را از دست مدهید و پرده دری مفرمائید هر چیز اعتدالش مرغوب تا
سبب حقد و حسد دیگران نگردد اما سه فقره عکس لوله اش وصول یافت و لکن عکسها
مفقود

معلومست که عکسها را ربوده اند ولی ضرر ندارد انشاءالله سبب اعلآء کلمة الله
است سرور کامکار دادپرور آن دیار فی الحقیقه آن اقلیم را در سایه عدل بلد امین
فرمودند احباً باید قدر امیر جلیل بدانند و ستایش
* ص 393 *

بر زبان برانند و از خدا بخواهند که پایدار فرماید و باقی و بر قرار دارد
امیدوارم که صیت دادپروری ایشان در مرور قرون و اعصار ورد زبان اخیار و احرار
گردد و این خاندان و دودمان محترم ایشان در نزد ابرار پر قدر و احترام در جمیع
قرون باشند وعلیک البهآءالابهی ۳ شوال ۱۳۳۷ عبدالبهآءعباس مقابله شد
۴۳۸ خط کاتب امضاءمبارک

بواسطه جناب بشیر

محفل خدام امر الله

هوالله

ای یاران روحانی در جهان محافل بسیار تشکیل شده محافل سیاسی محافل تجاری محافل
صناعی محافل معارف محافل جغرافی محافل یرّی محافل دفن اموات غرباء محافل
تعیش

مساکین و ضعفاء و قس علی هذا ولی محفل روحانی نورانی ربّانی مجمع احبّاً زیرا
این نفوس بمعشوق حقیقت دل بسته و از قیود عالم فانی رسته و اوضاع زاهدان در
شکسته و بملاً اعلی پیوسته با جمیع ملل و نحل ابواب صلح و آشتی گشوده و با نوع
انسانی بصدق و راستی برخوردسته و باخلاق رحمانی آراسته بقسمیکه بیگانه را آشنا
شمرده و اغیار را یار دانسته مقصودی جز خدمت بعموم عالمیان ندارند و راز و
نیازی جز ترقی عالم انسان نخواهند تا توانند خویش و بیگانه را یگانه شمرند و
دشمن را دوست ممتحن دانند

* ص 394 *

یعنی عدویّ تصوّر نمایند و بد خواهی بخاطر نیارند بجمیع بشر بنهایت محبت نظر
کنند ولو در خطر افتند بچفاکار وفا نمایند اگر اذیتی بکنند ستمکار را راحت و
نعمت طلبند اگر باین موفق گردید محفل رحمانیست و مجمع نورانی و انجمن سبحانی
امیدوارم که چنین باشد و علیکم البهّاء الابهی
* ای بهائیان این بایان یعنی ازلی ها که خود را بای قح میدانند مقاصد و عقائد آنان را
میدانید قطع ریشه انسانست علی الخصوصی شما زیرا اساس این فرقه خونخواریست و
اساس شما مظلومی و حلیمی و سلیمی حتی خیر خواهی هر دشمنی و نیکویی با هر
اهرمی و محبت با نوع انسانی هر دین و مذهبی و صداقت با جمیع بشر از هر آئین و
ملتی حضرت بهاءالله خطاب بجمیع ملل و ادیان میفرماید همه بار یک دارید و برگ یک
شاخسار ولی خود را از شرّ شیخ الملک ازلی حفظ نمائید زیرا بینهایت خفیا در صد
تعرض است ع ع

۴۳۹ خط کاتب

مقابلہ شد

* این پنج سطر و اند عقب لوح نمره ۴۳۹ خط مبارک است

شیراز بواسطه بشیر الہی
جناب آقامیرزا عیسی علیہ بہاءاللہ الابهی

هو الله

ای خادم محفل ملاقات نامه شما رسید چنان معلوم میشود که در شیراز فوج و موج است این از خطاهای حجج غیر بالغه و فتاوی غیر باهره است ملاحظه کنید که بر سر ایران چه آوردند
* ص 395 *

قومی را که چنین پیشوایان نادان و زمام امور جمهور بدست آنان بهتر از این نخواهد شد و هنوز آرام نگرفته اند باز در امور سیاست مداخله میکنند تا ایران را بکلی بباد ندهند دست بر نمیدارند شما بموجب عقل و فکر حرکت و روش نمائید عربده بیفایده چه ثمر دارد مشغول بکار خود باشید زیرا تبتل و نشر تعالیم الهی ایران را سود بی پایان حصول دهد و از خسران و زبان برهاند محفل ملاقات بیارائید و شب و روز بنشر نفات مشغول گردید آن جمع محترم را از قبل من نهایت اشتیاق و مهربانی و رضا و خوشنودی ابلاغ دارید وعلیک البهء الابهی ع ع مقابله شد ۴۴۰ خط کاتب مهر و امضا مبارک

هو الله

ش جناب میرزا علی محمد خان علیه بهاء الله الابهی

ایها الحیب الروحانی انی اخاطبک بلسانی و احبک بقلی و جنانی و انضرع الی الملكوت الربانی ان یؤیدک فی کل الشئون علی خدمة احبائه فی هذا العالم الامکانی فاستبشر بهذا الدعاء الذی یتلوه عبدالبهء بهذا الائتاء لیقرّبک ربک الی ملکوته الابهی وعلیک التحیة و الثناء ع ع مقابله شد
خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 396 *

فارس شیراز بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه آقامیرزا بزرگ جناب آقاعلی محمد علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده آستان مقدس آنچه نگاشتی ملاحظه گردید و بر تفصیل اطلاع حاصل شد
هفت

وادی بجهت سیر و سلوک نازل شده و سیر و سلوک بسیار محبوب اگر اهل فقر عبارت از

نفوسی باشند که در این وادی سلوک نمایند و باین اخلاق متخلق شوند روش راستان گیرند و سلوک آزادگان جویند هر نام که عنوان گردد ضرّی ندارد درویش که از قلم اعلیٰ تحریر یافت معنیش فحوای رساله سلوکست و بسیار مقبول ولی جمعی الآن در این جهانند و بظاهر و باطن سرگشته و پریشان و مهمل و معطل و بار گران بر سائر ناس بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی مألوف نگردند و خود را از آزادگان شمرند و حال آنکه از برای توت شمران و فواکه توپسیرکان و موسم خرماى عربستان دوپست فرسخ طی نمایند اینگونه نفوس مهمله البتّه مقبول نه زیرا هر نفسی باید کاری و کسبی و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیل شود و مانع علت کابوس مستولی گردد بری سیر و سلوک در وادی عشق و محبت الله بسیار محبوب و ذکر حق مقبول و از شدت فرح و سرور غزلخوانی و نغمه سرائی مطلوب و مادون آن اوهام و عیوب و علیک التحیة و الثناء ع ع مقابله شد ۴۴۲ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 397 *

هوالله

* ای دوست حقیقی بعضی از دوستان که حال صفت درویشی را بهانه نموده اند در گوشه و کنار و کوچه و بازار بر رمز و اشاره بستایش جمال قدم مشغول و بتشویق ناس مألوف غزلخوانی نمایند و نغمه روحانی سرایند این نفوس من بعد ترک این وضع خواهند نمود ولی حال سبب تشویق ناسست کسی نباید تعرض بانان کند ولی اگر چنانچه پرسیه زنی کند این بسیار مذموم است و مخالف دین الله و منافی استغنا و سبب ذل امرالله ع ع مقابله شد

* آخر لوح نمره ۴۴۲ این پنج سطر خط مبارکست

فارس شیراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه آقامیرزا بزرگ جناب آقاعلی محمد علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای سمی حضرت اعلیٰ چون باین اسم مبارک تسمیه گشتی باید بهره و نصیبی از فیض او

جوئی و مانند پروانه حول شمع روشن ملاء اعلیٰ بال و پر بسوزی آن سراج هدی جمال
 ابهیست که در ملاء اعلیٰ ساطع بر آفاق است حضرت اعلیٰ روحی و ذاتی له الفداء
 ملاحظه نما که چگونه جان بآن سراج وهاج باخت و عاشقان را بجان فشانی و قربانی
 دلالت و هدایت فرمود روحی و کینوتی و ذاتی و حقیقتی و هویتی و سر و علانیتی
 لقطره من دمه المظهر الفداء و علیک التحية و الشاء ع ع مقابله شد
 ۴۴۳ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

* ص 398 *

بواسطه جناب بشیر الهی
 جناب میرزا محمد علی منشی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده درگاه بها نامه شما ملاحظه گردید و باستان مقدس جمال قدم و اسم اعظم
 عجز و زاری گردید که تأییدی جدید رسد و شفای عاجل حاصل گردد و دلبر آرزو در نهایت
 صیاحت و ملاحظه جلوه نماید و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد
 ربّ ایدک عبدک المنشی علی انشاء آیات حبّک فی عالم الانشاء ع ع مقابله شد
 ۴۴۴ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

۹

بمبای جناب آقامیرزا علی محمدخان شیرازی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و از مضمون معلوم گردید که این سفر با ثمر بوده
 زیرا نفسی از آزادگان هندوستان را از قید احتجاب آزاد نمودی و سبب بینائی و
 حیات ابدیه او گردیدی حضرت رسول علیه الصلوة و السلام میفرماید یا علی لأن
 یهدی الله بک نفساً خیر لک من خیر النعم مقصود اینست اگر نفسی را هدایت نمائی
 بهتر از آن است که

* ص 399 *

نهایت ثروت و نعمت و غنا یابی حال الحمد لله تو بآن فائز گردیدی و امیدوارم که موفق
 بهدایت دیگران شوی نامه‌ئی در جواب سعید الحسن خان مرقوم گردید در جوف است

طهران بواسطه حضرت ادیب
جناب آقامیرزا علی محمد شیرازی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

رَبِّ رَبِّ تَرَانِي أَنْ صَلَاتِي وَ نَسْكَى لَكَ يَا مُلْجئِي وَ مَلَاذِي أَنْتَ ابْتَهَلُ إِلَيْكَ مُتَضَرِّعًا
بِعْتَبَتِهِ رَحْمَانِيَّتِكَ وَ مُتَبَتِّلًا إِلَى مَلَكُوتِ رَبَّانِيَّتِكَ أَنْ تَشْمَلَ عَبْدَكَ الصَّادِقَ لِحَضَاتِ عَيْنِ
عِنَايَتِكَ وَ تَخْتَصَهُ بِرَحْمَتِكَ وَ تُؤَيِّدَهُ بِمَوْهَبَتِكَ رَبِّ قَدْ ضَاقَ مِنَ الشَّدَّةِ ذَرْعًا وَ اشْتَدَّتْ
عَلَيْهِ الْاِزْمَةُ فَقَرًّا وَ ابْتَلَى بِالضَّرَاءِ بَعْدَ السَّرَّاءِ وَ الضِّيقِ بَعْدَ الرِّخَاءِ وَ لَيْسَ
لَهُ صَبْرٌ عَلَى هَذَا الْبَلَاءِ فَافْتَحْ عَلَيْهِ ابْوَابَ السَّمَاءِ وَ ارزُقْهُ بِرَحْمَتِكَ مِنَ النِّعْمَاءِ وَ
بَدِّلْ عَسْرَهُ بِالْيُسْرِ وَ الْغِنَا وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ بَيْنَ الْأَمْرَاءِ وَ اجْعَلْهُ آيَةً مَوْهَبَتِكَ الْكَبِيرِ
بَيْنَ الْوَرَى حَتَّى يَحْسَدَهُ الْقَرْنَا وَ نَيْسِرَ بِهِ الْأَقْرَبَاءَ أَنْتَ الْمَقْتَدِرُ الْمَعْطَى الْكَرِيمُ
الْوَهَّابُ أَي يَارَ مَهْرَبَانَ نَامَهُ هَايَ مُتَعَدِّدَهُ ارْسَالَ نَمُودِي وَ لِي فِرْصَتُ جَوَابِ نَشْدِ از فِقر
مِنَالِ وَ بِنَوَانْگَرِي مِبَالِ وَ از عَسْرَتِ دَر مَعِيشَتِ مَحْزُونِ مِبَالِشِ وَ از تَنْگِي
* ص 400*

دست دلخون مگرد ایامیست در گذراست و حیانتست بی اثر و ثمر مگر
نفوسی که بنفس رحمان زنده گردند و قلوبی که بذکر حق مشغول شوند و حیات ابدیه
یابند و موهبت سرمدیه جویند الطاف ربانی بینند عواطف سبحانی مشاهده نمایند
آیات هدی ترتیل نمایند تأیید ملاء اعلی ملاحظه فرمایند این نفوس بزرگوار و
بموهبت پروردگار باقی و برقرار خواه غنی باشند و خواه فقیر خواه اسیر باشند و
خواه امیر ولی در حق شما دعا نمودم تا این ضیق را وسعتی و این تنگی را گشایشی
حاصل گردد امیدوارم که ابواب برکت مفتوح شود و دل و جان مسرور و مشروح شود
وعلیک بهاءالابهی ع ع
مقابله شد

بواسطه جناب آقامیرزا محرم
هندوستان جناب آقامیرزا علی محمد شیرازی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده حقّ نامه شما رسید نافه مشکبار بود که مشام جان را معطر کرد زیرا
دلیل بر عبودیت صرفه درگاه الهی و برهان روح و ریحان جان و وجدان بنسیم
جانپرو حقائق رحمانی بود مطمئن بالطاف حضرت بدیع الاوصاف باش زیرا عنایتش
شامل

است و الطافش محیط

* ص 401*

بر عالم آفرینش تا توانی از عالم نفس و هوی بیزار شو و بملاء اعلی دمساز و همراز
گرد تا از فیوضات ملکوت ابهی نصیب بری و سبب هدایت جمی غفیر گردی وعلیک
البهاءالابهی ع ع مقابله شد ۴۴۷ خط کاتب مهر و
امضاء مبارک

بوشهر اداره گمرک جناب میرزا علی محمد شیرازی علیه بهاءالله الابهی
۴۴۸ خط مبارک

هوالله

ای بنده ثابت حقّ نامه که باقاسیداسدالله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید
آقا سیداسدالله پتبلیغ رفته مطمئن بعنایات خاصه الهیه باش و از وقایع حادثه
محزون مگرد اما مجلس فرض نیست مقصود خدمت بامرالله است و آن بحسن سلوک و
حسن

آمیزش و گفتگوی شیرین و مهربانی حقیقی بهتر حاصل میگردد و اگر چنانچه احبّا
مجلس مینمایند باید بسیار خفی و پنهان باشد تا ضوضاء بلند نگردد زیرا ناس
ضعیفند باید مدارا کرد عبدالبهاء عباس
مقابله شد

بمبائی بواسطہ جناب آقامیرزا علی محمد شیرازی زائر
شیراز جناب یحیی خان و جناب آقاعلی اکبر خیاط علیهما بہاء اللہ ابھی

ہوائے

ای دو بندہ آستان الہی الطاف نامتناہی شامل گشت تا حامل امانت عظمای الہی
گردید و آن
* ص 402 *

و آن محبت دلبر آفاق است فیضی در عالم وجود اعظم از حب نیست اینست آیت کبری
اینست امانت عظمی ولی چون شرائط و شواہد آن بسیار عظیمست لهذا جمیع کائنات
تحمّل آن نداشت و استعداد و قابلیت ظهور آن را نیافت لهذا از حمل آن عاجز و قاصر
بود این موهبت تخصیص بعالم انسان یافت اگر چنانکہ باید و شاید شرایط و شواہد در
نفسی تحقق یابد فتبارک اللہ احسن الخالقین ظاہر و آشکار گردد و علیکما بہاء الالبھی
ع ع مقابلہ شد ۴۴۹ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

۹

بمبائی بواسطہ جناب آقامیرزا علی محمد شیرازی زائر
امۃ اللہ ضجیع محترمہ ایشان علیہا بہاء اللہ الالبھی

ہوائے

ای امۃ اللہ قرین عزیز بارض مقدّس حاضر گشت و زیارت تربت مبارکہ مشرف گردید
در این بقعہ نورآء ذکر تو نمود و رجای تحریر این نامہ فرمود باید از او در نہایت رضایت
باشی کہ در چنین موقعی ارض مقدّسی بیاد و ذکر تو افتاد و در روضہ مبارکہ تمنّای
الطاف از حضرت بدیع الاوصاف نمود در عالم وجود محبت و رعایتی اعظم از این ممکن
نہ و علیک بہاء الالبھی ع ع مقابلہ شد
۴۵۰ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

* ص 403 *

بواسطہ جناب میرزا علی محمد خان شیرازی

جناب سعیدالحسن خان علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای سعید دو جهان شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله
میروند حمد کن خدارا که تو از آن طوطیان شکر شکن شدی و از مرغان خوش الحان
این

گلزار و چمن سبحان الله گوش شنوا از هزار فرسنگ ندای الهی بشنود و در باختر
چشم بینا انوار مشرقه از خاور مشاهده نماید ولی نابینا در نفس شرق پرتو نیر
اشراق نه بیند و گوش ناشنوا در گلشن وفا نغمه بلبل معانی نشنود و آهنگ ملاء
اعلی استماع ننماید پس حمد خدارا که نور هدی مشاهده نمودی و گلبانگ بلبل معانی
استماع نمودی و ندای الست را بجان و دل بلی گفتی و باین موهبت کبری فائز گشتی از
لطف خدا امیدم چنین است که سراج هدی گردی و جمعی را از خویش و بیگانه و یار و
اغیار بملکوت اسرار هدایت فرمائی و یقین بدان که تأیید و توفیق پیاپی رسد وعلیک

البهآءالابهی ع ع
مقابله شد

۴۵۱ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

* ص ۴۰۴ *

شیراز جناب آقامیرزا فضل الله خان علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید هر چند مختصر بود ولی مخابرات قلوب مفصل است
بیک روحانی و قاصد وجدانی متصل در عبور و مرور الحمدلله که یاران شیراز بدرگاه
احدیت پر عجز و نیازند و با یکدیگر محرم و دمساز از این جهت هیچ خبر مکدری از
آن کشور نمیرسد و احساسات قلوب باید روزبروز کاشف کروب گردد در جمیع اوقات
حکمت را منظور بدارید زیرا عزالان بر وحدت را کلابی در کمینند که بلکه فرصتی
یابند و دست تطاول بکشایند امیدم چنانست که یاران در صون حمایت رحمن محفوظ و
مصون مانند مدتی پیش نامه از شما رسید و جواب مرقوم گردید و وصول هدیه نگاشته
شد حال نیز آنچه ارسال نموده بودید وصول یافت وعلیک البهآءالابهی ۱۹ سبتمبر
۱۹۲۰ حیفا عبدالبهآءعباس
مقابله شد

۴۵۲ خط کاتب امضاء مبارک

هو الله

جناب آقامحمد باقر کوهنجانی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای مشتعل باتش محبت الله شعله ئی در آن مجمر زن تا بوی خوش عود و عنبر
مشام سگان آن کشور را معطر نماید شب و روز در تهذیب اخلاق و تقدیس نفوس اهل
وفاق و نصیحت معشر آفاق و تثبیت
* ص 405 *

میثاق بکوش تا از سروش ملکوت غیب الهی ندای و ابشری شنوی و چنان بجوش و
خروش

آئی که خروس سحری گردی و بانگ حیّ علی الصلاح حیّ علی الفلاح حیّ علی النجاح
در صباح میثاق برآری و البهّاء علیک و علی احباء الله ع ع مقابله شد ۴۵۳ خط
مبارک

لوح امنع اقدس ذیل که ظاهرًا در ایّام توقّف حضرت مولی الوری عبدالبهّاء روح ما
سواه فداه در قطر مصر بافتخار احباء فارس نازل گردیده و بحکمت بالغه در آن
ایّام ارسال و عنایت نگردیده و ناتمام هم هست در این اواخر در بین اوراق و
نوشته جات مبارک پیدا شده و توسط حضرت بشیر الهی علیه بهاء الله ایفاد شیراز
گردیده است و اینک عیناً طبع و انتشار مییابد محفل روحانی شیراز

شیراز بواسطه جناب قاسمعلی فاروقی
احبای الهی عموماً علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای یاران عزیز عبدالبهّاء جناب فاروقی بعد از زیارت عتبه مقدّسه و طواف مطاف
ملأعلی ذهاباً و ایاً وارد بر عبدالبهّاء شد و ایّامی چند مونس و انیس بود و در
نهایت تبّتل بملکوت ابهی و تضرّع بملاء اعلی بود و یاران الهی را یک یک بخاطر
آورد و با دلی پر درد جمیع را فرداً فرداً نامه مخصوص مطالبه کرد و با چشمی
اشکبار اصرار نمود ولی عبدالبهّاء را نه دمی سکون و نه آنی قرار

* ص 406 *

و فرصتی ابداً در کار ندارد اگر اوقات خویش را بجزء لایتجزی تقسیم نماید و هر جزئی را بمخاطبه و مکاتبه گروهی تخصیص کند باز از عهده بر نیاید الحمدلله بهائیان در شرق و غرب مانند دریا موج زنده اقلادّه فوج کاتب لازم تا تواند جواب رسائل ایشان را کماهو حقّه بنگارد در این صورت خواهش هر زائر بتمامه مجری داشتن از

قبیل ممتنعانست لهذا شرمسارم و بخجلت و حیا گرفتار که بچه زبان بجناب فاروقی بیان اعتذار کنم چاره ئی جز این ندیدم که یک نامه مفصل بجمع یاران نگارم تا این نامه نسخ متعدده نموده بهر یک از یاران نسخه ئی تقدیم نمایند چاره اکنون آب و روغن کردنست مثلی است مشهور القلیل یدل علی الكثير و القطرة تدل علی الغدير باری در این ایام که نار موقده الهیه شعله بافاق زده و پرتو اشراق شرق و غرب را روشن نموده و نفوذ کلمه الله ذوی العقول را حیران کرده و امرالله احاطه کبری یافته و خوف و خطری نمانده مدعیان فرصت یافته و مرد میدان گشته خواموشان زاویه نسیان و خفاشان خائف هراسان که بر رؤس مناہر در اصفهان و طهران تبرّی از حضرت اعلی روحی له الفداء نمودند بیرون دویده اند و ادعای اصالت مینمایند و بیخبرانی چند را خفياً اقناع نموده اند و بالقاء شبهات پرداختند در سیر سیر پایی این و آند که هر یک را بوسیله ئی از صراط مستقیم بگردانند و یا اذیتی برسانند رئیس قوم را جمیع آشنا و بیگانه میدانند که در ایام خطر بلباس درویشی

* ص 407 *

بهر بوم و بر سفر میکرد و در رهگذر کشکول بدست شیئا لله میگفت و قتیکه حکایت صادق و ناصرالدین شاه شد جمیع احباب را در تحت شمشیر و زنجیر در بلوک نور گذاشت و خود فوراً فرار بمازندران و نور نمود و رشته بر سر بست و پوست درویشی در بر و نام خویش درویش علی نهاد و در کوه و دشت سرگردان بود تا آنکه جمال قدم نغی و سرگون بعراق عرب گردید او نیز از پی بیعداد بیناه مبارک سفر کرد ولی مخفی و خائف از جمیع بشر پی جمال مبارک سفر بکردستان فرمودند و در ایام غیوبت اسم اعظم جمیع یاران عراق و ایران از قدمای احباب میدانند که گاهی در صفحات سوق الشیوخ و بصره بلباس تبدیل سفر مینمود و نام او حاجی علی بود و دسته ئی از کفشهای عرب در دست داشت و مشهور بحاجی علی کفش فروش گردید بعد بنجف شتافت و در آنجا لاص خرید و بلاص فروش مشهور گشت حتی بلباس عرب بود و اسم ایرانی را از خود سلب نمود و

بکلی در آن دو سال غیبت جمال مبارک نام و نشانی از امر نماند و بعد از شهادت حضرت اعلی و غیبت حضرت مقصود آن غیرحضور همتی مشکور نمود که حتی غیور بغدادی

مشهور از آن عمل منفور بود و آن اینست که بعد از شهادت کبری ازدواج بحرم حضرت اعلی ام المؤمنین که بصریح بیان حرام بر جمیع است نمود و چون مطبوع طبع نیفتاد کفایت باین تحقیر نگشت بلکه آن محترمه یعنی خواهر ملا رجبعلی حرم حضرت اعلی بسید محمد اصفهانی احسان شد

* ص 408 *

احسان شد این بود همت و اقتدار و قوت و اشتها او که شب و روز بتعدد زوجات اشتغال گردید و جمع بین الاختین شد و خواهر میرزانصرالله تفرشی بعقد و نکاح آمد و والده میرزا احمد نیز زوجه مشروعه بود و به بنت عربی نیز اقتران حاصل گشت و تجاوز از نص صریح بیان گردید این تزوجات متعدده بغداد است ماعدای زوجات طهران و مازندران اگر تحقیق شود این بیت واضح و مشهود گردد آفتی بود آن شکار افکن کزین صحرا گذشت ما شرح و بسط در این خصوص ننمائیم مقصود اینست که سید حضور

اجرای چنین امور مخالف نص قاطع رب غفور فرمود و شب و روز باین امر موهوم مشغول بود یالله در اینمدت چه نصرتی شد و چه خدمتی بامر حضرت اعلی گشت آیا یکنفس هست که بگوید او مرا تبلیغ نمود یا آنکه در مدت چهار سال در قبریس توانست که نفسی را هدایت نماید بلکه از تربیت اطفال خویش عاجز ماند دیگر آیا عجزی اعظم از این میشود یدعون من دون الله مالاینفعهم و مالایضرهم لبس المولی و لبس العشیر جمال

مبارک وقتی که از کردستان مراجعت فرمودند در ایران یاران عدتی معدود بودند و عراق منجمد و مخمود نه صدائی نه ندائی و اگر نفسی در اطراف بود در نهایت یأس و خوف و حذر بود ولی اسم اعظم

* ص 409 *

محض ورود بیغداد در را گشودند و صلاهی عمومی زدند ندای الهی بلند شد و صیت امرالله در اطراف منتشر گشت رؤسا و علمای جمیع ملل شب و روز در محضر حاضر و سؤال و جواب مستمر و جمیع بقناعت از جواب معترف تا کار بچائی رسید که خوف و هراس ناصرالدین شاه را بیصبر و قرار نمود و بجمیع وسائل تشبث کرد و بخط خویش بسطان عبدالعزیز نامه نوشت و رجای نفی جمال مبارک از بغداد کرد که ایران در خطر

است و حکومت پر حذر و عاقبت ضرر بهر دو دولت رسد این بود که فرمان عبدالعزیز وارد و قرار بر سفر جمال مبارک گردید باوجود آنکه مسئله نفی و سرگون بود ولی در نهایت اقتدار بیاغ نجیب پاشا نقل مکان فرمودند و دوازده روز در آنجا بقسمی امرالله اعتلا یافت و والی نامق پاشا و جمیع ارکان اردو و ولایت و علمای مملکت و وجهای ملت شب و روز بزیارت میامدند و مشرف میشدند و حال آنکه بظاهر سرگونی بود ولی از نفوذ امرالله در آن ایام معدوده و علو کلمة الله و انتشار نفعات الله آن ایام چنان بسرور و حبور گذشت که عید رضوان شد و بکمال اقتدار حرکت فرمودند و جمیع خلق عراق گواه و شاهدند اما حضرت حضور با لباس درویشی با ظاهر نامی عرب گاهی سفر هندی خواستند و گاهی مسافرت بممالک مصر اندیشه نمودند نهایت

خبر

فرستادند که من بعد از رفتن شما خانمم لهذا پیش از شما بموصل شتابم و در آنجا منتظر

* ص 410 *

منتظر هستم و چون در آن اوقات شهرت داشت که جمال مبارک و جمیع احبّاء را در کرکوک

که میانه بغداد و موصل است و نزدیکی حدود عجم تسلیم بدولت ایران خواهند نمود لهذا شخص معلوم میفرمود که من در موصل بشما ملحق خواهم شد زیرا ملاحظه مینمود که

هر واقعه‌ئی واقع شود پیش از موصل خواهد شد باری چون بموصل رسیدیم در کنار دجله

سراپرده بلند شد و بزرگان موصل از مأمورین و غیره دسته دسته بحضور مبارک مشرف میشدند نیمه شب ظاهر عرب مذکور آمد که جناب معلوم در خانی بیرون شهر منزل و ماوی دارد

و با یکی ملاقات خواهد جناب آقامیرزا موسای عمو نیم شب رفتند و او را ملاقات کردند سوال از اهل و عیال خویش کرد گفتند که همراهند و خیمه‌ئی مخصوص آنها گردیده اگر میل دارید بیائید گفت من ابداً مصلحت خویش را در این نمی بینم ولی قافله‌ئی موجود که با شما حرکت خواهند کرد من در میان آن قافله هستم تا آنکه بدیار بکر رسید و بر همین منوال رشته سیاهی در سر و کشکولی در دست و در میان قافله معاشر و مجالس ترک و عرب بود چون بدیار بکر رسیدیم خبر فرستاد که من شبها نزد متعلقین خویش خواهم آمد و صبح باز مراجعت بقافله نمایم آن نیز مجری شد و

چون حاجی سید محمد او را میشناخت دیده و دریافت و بعنوانی که این درویشی است
ایرانی و آشنای منست ملاقات نمود ولی سایر احباب
ص 411

چون او را ندیده بودند اول نشناختند تا آنکه در میان او و سید محمد نزاعی
حاصل گشت و جناب حضور در حضور احبّا که الان هستند آمد و شکایت از سید محمد
نمود چون سید محمد حضور یافت عرض کرد در مسئله‌ی میان من و او اختلافست او
میگوید که مرآت همیشه روشنست من میگویم میشود که مرآت محتجب از شمس گردد تا
مقابل است روشن است و چون منحرف گردد تاریک شود بعد جمال مبارک سید محمد را
خبر فرمودند که چرا نزاع و جدال میکنی و در این خیل ابرار منازعه بر پا مینمائی
بعد در کمال اقتدار موکب رحمانی وارد مقرّ سریر سلطانی گردی در نهایت استغنا حرکت
شد اسم اعظم ابداً بوزراو وکلا ملاقات نفرمودند و اعتنائی نکردند
مقابله شد

۴۵۴ خط مبارک

هو الله

حیفا جناب میرزا حیدر علی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای یار مهربان حضرات فارسیان و فاروقی عازم سمت مقصودند تا روی و موی بتراب
تربت پاک معطر نمایند در حق ایشان رعایت محبت طبیعی مجری خواهید فرمود ولی
اقامت زیاد لزوم ندارد زیرا باید مراجعت نمایند جناب آقا محمد حسن و سائر احباب را
تحیت مشتاقانه برسانید و علیکم البهاء الابهی ع
مقابله شد
۴۵۵ خط مبارک

ص 412

شیراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سید حسین
جناب قاسمعلی فاروقی علیه بهاء الله

هوالله

ای فاروقی الحمدلله حق را از باطل فارقی و در بوستان محبت الله نخلی باسقی
و در محفل محبت الله شمعی بارق لهذا همواره پیش منی و بزبارت آستان مقدس فی
الحقیقه فائزی زیرا جان و دلت در اینجاست روحت در پرواز و همیشه در سوز و گداز
طوبی لک من هذه الحالة یختص بها من یشاء ربّ السموات العلی و علیک البهَاء
الابهی ع ع
مقابله شد

۴۵۶ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

واشنگتن جناب مستر ریمی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای جوان نورانی و عزیز روحانی من نامه توریسید و از قرائتش چنان مسرتی
حاصل شد که وصف نتوانم زیرا دلیل بر علو فطرت و قوت همت و خلوص یت تو است
عبدالها را سرور باینگونه امور است اگر جمیع لذائذ جسمانی جمع شود بخاطر
عبدالها خطور نماید که راحت و لذتی در جهان هست ولی چون نفعه مشکباری از
گلشن قلوب یاران بمشام برسد چنان فرحی دست دهد که بی اختیار بشکرانه جمال
مبارک

پردازد که چنین بندگانی

* ص 413 *

تربیت فرموده است باری از نامه شما بی نهایت مسرورم این فکر شما بسیار موافق
امیدوارم که یک اهتزاز جدیدی در قلوب احباً حاصل گردد و ثبوت و استقامتی عظیم
حصول یابد و سبب هدایت دیگران شود پس با قوتی رحمانی و عزم و اراده ئی آسمانی
و لسانی ناطق و قلبی سرشار از محبت الله الواح را بدست گیر و بجمیع دیار سفر کن
حتی بجزائر هونولولو در جمیع شهرهای امریک سفر نما و جمیع را بر ثبوت بر میثاق
بخوان و جمیع را از باده میثاق سرمست کن و بنشر نفعات الله دلالت نما فریاد یا
بهاء الابهی بلند کن و نعره یا علی الاعلی بزن و یاران را بیدار کن که امتحانی
عنقریب بمیان آید شاید نفوسی ظاهر ثابت و باطن مذبذب بان صفحات رود تا یاران را در
میثاق الهی سست کند بیدار باشند هوشیار باشند بمجرد اثر نقض کناره گیرند شب و
روز بکوشند تا انوار ملکوت ابهی جهانگیر گردد و ظلمات ضلالت بکلی زائل شود
جمیع را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار علی الخصوص امة الله مسس پارسنز و امة الله

مسس دیکسن و امة الله مسس هنن و امة الله مسس هنی و سایر احبای الهی و
امآء رحمن را و علیک البهآء الابهی عبدالبهآءعبآس
Abdul Baha abbas

خط کاتب امضاء مبارک ۴۵۷

* ص 414 *

بواسطه جناب قابل
فاروق جناب آقا قاسم علی و جناب آقامنصور علیهما بهآء الله الابهی

هو الله

ای بنده با وفای جمال ابهی مدتی بود که از فاروق ----- مشاهده نشده بود تا
در این ایام یکی از یاران ستایشی از دوستان آنسامان نمود سبب سرور و حبور گشت و
صدور این نامه مشکور و امید است که رق منشور گردد یعنی آن دو بنده پروردگار
را عنوان انجذاب شود و سبب قیام بر خدمت امرالله ایام مانند اوهام میگذرد و
حیات کل نفوس ساقط نتیجه میشود ملاحظه کنید که هیچیک از ملوک و مملوک را
نتیجه حیات باقی لاوالله مگر نفوسیکه در ظل ملک الملوک آیند و دامن بالایش
این جهان فانی نیالیند و در سایه درخت امید بیاسایند محفل محبت الله
بیاریند و سرمست صهای معرفت الله گردند و در نشر نجات الله کوشند و باعلاء
کلمه الله بپردازند این نفوس از حیات خویش بهره و نصیب گیرند و نتیجه تحصیل
نمایند آثار باهره در ملک و ملکوت بگذارند و بحیات ابدیه سرمدیه موق و مؤبد
شوند پس ای یاران عزیز میاسائید و میارمید تا آنکه شعله نورانیه بزیند و روح
بآن کشور و اقلیم ببخشید تا علم مبین خافق گردد و نور بدیع بارق
* ص 415 *

و شارق شود و علیکما التحیه و الثناء ع ع مقابله شد

خط کاتب مهر و امضاء مبارک ۴۵۹

سطر اول لوح مبارک نمره ۴۵۹ جانی که خط قرمز کشیده شده اصل لوح یک کلمه همین
جا

محو بود و معلوم نبود چه بود نوشته نشد

هو الابهی

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب آقا سیدحسین علیه بهآء الله الابهی

ملاحظه نمایند

هوالابهی

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ الرحمانیہ جناب آقا سیدهادی امنا و سالمًا
واصل و در ظل آستان مقدس مستریح و مرتاح و فائز از فضل حضرت یزدان امید است
که

توفیقات بر خدمت امرالله یابد افنان سدره باید بجان و دل بکوشند و شب و
روز در تبتل و تضرع آیند که شاید تخم پاکی در این مزرعه عالم پیاشد تا
بفیوضات ابر بهمن ملکوت ذوالمنن آن خطه و دیار سبز و خرم گردد ربّ اید افنان
سدره فردائیک علی نشر نجاتک و عبوق طیب فوحاتک و سطوع مسک جذباتک و
شروق

انوار برکاتک و بزوغ کواکب مواهبک و حصول انطباق الملاء الادنی بصور ملکوتک
الابهی انک انت المؤید والموقّ و المعطی الکریم الرحیم ع ع مقابله شد
* ص 416 هوالله

حضرت افنان جناب آقاسیدحسین علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

حضرت آقاسید هادی در ظل عنایت جمال مبارک مستریح و از هر غائله فارغ و مطمئن
دعا در حق او نمائید که بخدمت موقّ گردد و یومًا فیومًا در مراتب عبودیت ترقّی
نماید و ما بتربیت او مشغول و آنجناب باید در جمیع احوال ملاحظه خدمات امرالله
را بنمائید احبای الهی را بسیار مراعات و ملاحظه فرمائید علی الخصوص جناب
عندلیب را که در آن ارض غریب است الیوم باید افنان سدره منتهی بخدمت امر مشغول
گردند و خدمت امر در خدمت احباءالله است این عبد بذاته و روحه و قلبه و جسده و
قلمه و لسانه بخدمت احبای الهی مشغول ع ع
والده جناب آقامیرزا هادی را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید و همچنین سائر
دوستان را و جمیع ورقات را و از عدم فرصت بسرعت دو کلمه مرقوم گردید ع ع
مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقاسیدحسین علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند
هوالابهی ایها الفرع المنجذب الی الاصل الکریم اگر چه این مصیبت
۶۱ خط مبارک

* ص 417*

شدیده بود و بلیه عظیمه در قلوب مشتاقان آتشی سوزان و اندوهی فراوان علی
الخصوص

چون بمصیبتی اعظم تر توأم گشت و بحسرتی تازه منضم عبرات و زفرات و حسرات
بمقامی

تتابع یافت که قلوب در سكرات افتاد بحر احزان هیجان نمود و انهار غم بی پایان
جریان یافت چشم حکم چشمه گرفت و جگر کانون اخگر ولی چون شمس حقیقت در
سماء

تقدیس صعود نمود و نیر اعظم بملکوت تغرید عروج این نجوم زاهره نیز بصعود آن اوج
مقامات باهره منجذبند و این اختران بافق ملکوت آسمان منعطف اجزاء متمائل مرکز
کلند و بلبلان مشتاق جمال گل بعد از صعود جمال قدم ممات حیاتست و فنا حقیقت بقا
زندگانی این حیات فانی هبوطست و هر امید و وسیله اعظم قنوط این عباد که بحسب
ظاهر باقی چه ثمر و چه فائده و چه نتیجه فتمنوا الموت ان کنتم صادقین حکمش
بتمامه الآن نافذ و مجری والبهاء علیکم ع ع
مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب آقاسید حسین افنان علیه بهاءالله الابهی
ملاحظه نمایند

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ الربانیۃ در شب و روز و صباح و مساء بلکه در ظلمات لیل
و اوساط نهار بدرگاه احدیت بهایت تضرع التماس مینمایم که خدایا این نفوس
* ص 418*

افنان سدره رحمانیت و فروع شجره فردانیت هستند خدایا بنسائم جود و رحمت و
نفحات تقدیس و موهبت و فیض سحاب لطف و مکرمت و حرارت آفتاب عنایت سبز و
خرم

فرما ولكن هر موهبتی را قوه جاذبه لازم و هر عنایتی را قوه طالبه واجب
مغناطیس موهبت الهیه در این ایام اشتغال بنشر نفحات الله است قسم بجمال قدم

که جسم تیره خاک نور پاک گردد و ظلمت شدید شعاع مبین شود عبدالبهاء ع
مقابله شد ۴۶۲ خط مبارک

هو الله

ش حضرت افنان سدره رحمانی جناب آقاسید حسین علیه بهاء الله الابهی
ملاحظه نمایند

هو الله

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ الالهیة چندیست که نظر بحکمت کلیه ابواب مکاتبه
را با کل جهات مقطوع نموده بودیم حال جناب میرزا هادی حاضر و خواهش تحریر این
نامه نمود لهذا مجبوراً مرقوم میگردد جمیع دوستان را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ
فرمائید و کل را مشام بنفحات الهیه معطر نمائید و بگوئید ای یاران الهی و
دوستان معنوی وقت ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان الهی است و هنگام تمسک و تثبث
بجبل متین میثاق رحمانی چه که جنود شبهاست که منتشر در جمیع جهات است و
ناقضین سرّی در القای توهمات و ایوم حامی میثاق
* ص 419 *

نفس مبارک اسم اعظمست که از ملکوت غیب ابهائش بجنود لن تروها قاصم ظهور
متزلزین

است هر متزلزلی یوماً فیوماً باسفل جحیم سرنگون و هر ثابتی مؤید بقیبل ملائکه
حیّ قیوم یک متزلزل سرّی در آن بلد موجود عنقریب خویش را در خسران مبین خواهد
یافت و هذا وعد غیرمکذوب مگر آنکه نادم و پشیمان گردد و توبه نماید باری ایوم
ملاءاعلی حامی ثابتین است و جنود غضب جبروت اسمی قالع و قامع متزلزین عنقریب
کل این نفوس را از جمیع جهات خائب و خاسر مشاهده خواهند نمود و البهاء علی کل
ثابت علی عهد الله و میثاقه العظیم ع ع

مقابله شد

۴۶۳ خط مبارک

هوالبهی

ايها الفرع المنشعب من السدرۃ المبارکة عليك بهاءالله و نوره و ضيائه و نور وجهک
بنصرة الرحمن في قطب الامکان انه على کل شئی قدیر جناب ميرزاهادی مدتی بود در
ظل سدره رحمانية ساکن و تحت لحاظ عنایت واقع و بکتابت آثار
الهيۃ مشغول و سلوکش معقول و مقبول حال از ساحت مقرّ و مستقرّ عرش اعظم
مرخصی

شده بان صفحات رجوع مینماید ما از او راضی و خوشنودیم از الطاف عنایت الهیه
مستدعی هستم که او را موفق برضای خود در جمیع احيان نماید و در کھف صون و
حمایتش حفظ فرماید انه لطیف حفيظ ای افنان دوحه بقا و شاخه های سدره منتهی
زبان بدعا بگشائید و عجز و ابتھال نمائید و از ملکوت ابھی استمداد طلبید
* ص 420*

طلبید و عون و توفیق جوئید که فیوضات شمس حقیقت در جمیع احيان نازل گردد و
امطار

غمام عنایت هاطل و باغبان الهی تربیت فرماید تا این فروع بهره ئی از الطاف اصول
برد و نصیبی از شئون شجره مبارکه یابد و آیتی از نیر اعظم گردد از این جهان فانی
باید منقطع شد بلکه منخلع گشت تا جهان الهی رخ بگشاید و از این سراب و همی چشم
باید پوشید تا شراب معنوی از خمخانه الهی بنوشاند حضرت اعلی روح ماسواه فداه
میفرماید لو تجعل الارض و من علیها فی ظلك فانک اداً قد وفیت بعهدی و الا ذلک
لا ینبغی لله ربک و ربّ ابانک الاولین ربّ وفق هذا الافنون الکریم المنشعب
من شجرة وحدانیتک علی رضانک فی جمیع الشئون و الاحوال انک اتن الکریم العظیم
مقابله شد
المتعالم ع ع
خط مبارک ٤٦٤

هوالابهی

ش حضرت افنان جناب آقاسید حسین علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ايها الفرع الکریم من الشجرة المبارکة در این جهان فانی ملجأ و مأمنی مجو و
در این خاکدان ترابی ملاذ و مسکنی مخواه اگر طیر فردوس بقائی جو در حدائق الهی
آشپانه نما و اگر حمامه ریاض قدسی جز در گلشن رحمانی لانه مجو درسبیل جمال
قدم

روحي لاحبائه فدا خار مغیلان را بستر پزند و پرنیان کن و در راه خدا سجن اعظم را

* ص 421 *

گلزار نسرین و سوسن بدان ثقل حدید را موهبت تأئید بین و زنجیر و شمشیر را
رحمت ربّ قدیر ملاحظه نما زهر هلاهل را شهید فائق بدان و سمّ قتل را ثمر نخل باسق
بین ای منتسب آن نور مبین ملاحظه فرما که آن جمال اعلیٰ روحی له فدا در راه خدا
سینه سینا را چگونه بهدف صدهزار تیر بلا فرمود و ایام را بچه مصائب و بلا
گذراند هر مشقت و مصیبت و اسارت و مسجونگی و شهادت را در محبت حقّ بجان و دل
قبول فرمود والبهاء علیک ع ع
مقابله شد ۴۶۵ خط
مبارک

هوالله

حضرت افنان کار جناب حاجی میرزا حسن علیه بهاء الله بطول انجامید البتّه زود
تمام نمایند و حضرات را حرکت دهید منتسبین مغربترین درگاه احدیت در نزد این
عبد بسیار عزیزند البتّه کمال احترام و رعایت مجری خواهد شد مطمئن باشند
وعلیک البهائے ع ع
مقابله شد
۴۶۶ خط و مهر مبارک

هوالله

ای ثابت بر پیمان حضرت یزدان مدّتیست که نامه مرقوم نگردید و مکتوبی ارسال
نگشت این از کثرت احزان و مشقت بیپایان و هجوم ستمکاران و ایذا و اذیت بی
وفایان است که فرصت نمیدهند که کلمه نگاشته شود ولی مکاتباتی که نهایت لزوم را
پیدا کند بهر قسم هست نوشته میشود مقصود اینست که آنحضرت همیشه همیشه در
نظرید ولو در مکاتبه فتور واقع گردد از عون و عنایت
* ص 422 *

جمال احدیت متوقعم که در کل احیان در صون حمایت یزدان محفوظ باشید و ورقه
مبارکه امة الله والده اقامیرزا هادی را تکبیر برسانید ع ع
مقابله شد ۴۶۷ خط
مبارک

هوالله

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا حسين عليه بهاء الله الابهي

هوالابهي

ايها الفرع المجيد من السدره المباركه اتضرع وابتهل الي الملكوت الابهي
والجبروت الاعلى ان يجعلك منقطعاً عما سوي الله و يهياً لك من امرك رشداً و
يجعلك كقبسة نار ملتهبه بحرارة محبت الله حتى تنفق روحك و جسمك و مالك و عليك
في سبيل الله الهى هذا قنن من افنان سدره رحمانيتك فاجعله خصباً نضراً رياناً بفيض
وابل الانقطاع عن دونك و الابتهاال اليك و الاشتعال بنار شجرة وحدانيتك اي رب
اجعله بكليته مشغولاً بك و مشغولاً بحبك و متذكراً بذكرك و منقطعاً عن دونك و
مستغيثاً ببابك و لائداً بجنابك انك انت المقتدر العزيز القيوم اليوم اعظم
امور اتحاد و اتفاق احبى الهيست بهر وسيله باشد كل بايد در جميع احوال متحد گردند ع
مقابله شد

٤٦٨ خط مبارک

هوالله

* ص 423

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاسيد حسين عليه بهاء الله الابهي

هوالله

ايها الفرع الرفيع من السدره الرحمانيه تالله الحق ان حوريات القدس في غرفات
الفردوس اخرجن رؤوسهن من الحجرات و صدحن كالطيور بمزامير آل داود و قلن ابشروا
ايها الروحانيون و استبشروا ايها الربانيون افرحوا ايها النورانيون سروا ايها الثابتون
الراسخون بنصرة ربكم الرحمن و نزول جنود مولنكم الحى القيوم من ملكوته الابهي و
جبروته الاسنى تالله قد خرقت الصوفوف و ارغمت
الانوف و تشتت شمل الاحزاب و تفرقت جميع ملل الافاق و نبتت الاباهر في جناح العقاب
و نسيل ريش الغراب و اشتدت الريح الذاريه على البعوض و الذباب قد سطح النور و
انكشف ظلام الديجور و دارت كأس مزاجها كافور و ظهرت آيات يوم النشور و انتشرت
اجنحة النسر و فتحت ابواب السرور و الثابتون فيما اشتهد انفسهم خالدون و يشكرون

رَبِّهِمْ بِمَا آتَاهُمْ وَهُمْ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ دَاخِلُونَ وَ مِنْ نِعْمَاتِ وَرِقَاءِ الْاِحْدِيَّةِ يَسْتَبْشِرُونَ وَ
بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ يَتَلَذَّذُونَ ع ع مقابله شد
۶۷۹ خط مبارک

ص 424

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاسیدحسین علیه بهاءالله

هوالله

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ الرحمانیہ مدتیست این خامه بآن حضرت نامه
ننگاشته سبب عدم فرصت و مهلت بوده والا همواره مرا آرزو چنانست که در هر روز
بافنان سدره مبارکه طوماری بنگارم و بیادشان مشغول و مألوف گردم و هر چند
بظاهر بخامه و مداد نپردازم ولی در قلب و فؤاد بیاد شما همدم و همرازم آنی
فراموش نکنم و دمی نیاسایم از خدا میطلبم که جمیع افنان سدره مبارکه را با
عبدالبهاء در عبودیت آستان جلیل رفیع شریک و سهیم فرماید تا کل بجان و دل
خدمت نمائیم و عبادت کنیم راه عبودیت پوئیم و رضای حق جوئیم و سر حقیقت گوئیم
ان ربی ینعم من یشاء علی ما یشاء و انه لهو القوی القدیر در خصوص خانه که
لانه و آشیانه حضرت الفرع المقدس الشہید خال جلیل جناب سیدعلی روحی له
الفداء مرقوم نموده بودید آن خانه لانه حمامه قدس بود مجاور مسقط رأس نیر
ملا اعلی نقطه اولی روحی و ذاتی و کینوتی له الفداء لهذا آن خانه از بقاع
مقدسه محسوب و احترامش امر مفروض جناب فرع روحانی حضرت میرزاعلیمحمدخان
را از

قبل عبدالبهاء تحیت مشتاقانه برسان و بگو ای فرع بدیع بتمام همت و رغبت و
اهمیت بکوش تا آن بیت معمور را از دست اغیار در آری و مشرق الاذکار ابرار نمائی
اگر واضح و آشکار سبب اغبرار و ضوضاء اشرار شود این راز
ص 425

را مستور و پنهان نمائید و آن بیت محترم را از دست غیر برناید و خفیا در آن
محفلی بیآرئید و باذکار در اسحار و نماز و نیاز در ابکار مشغول گردید تا
بمبارکی این عمل مبرور فضل موفور حاصل گردد و قلوب مشغول ذکر رب غفور گردد
فرحی رخ بکشاید و نشئه ئی در دماغ آید که نار محبت الله شعله شدید زند و شوری
دیگر در سرها اندازد چنانکه در سائر دیار مشرق الاذکار سبب فوران نار محبت الله
شد شوق و شعفی عظیم در دلها انداخت و بشارتی الهیه بجانها بخشید ولی در شیراز

باید نهایت حکمت و احتیاط مجری گردد که ابداً اغیار اطلاع نیابند حتی در میان احباب محفل روحانی عنوان کنید و اگر چنین نباشد ارادل قیام نمایند و سبب وحشت قلوب شود حضرت افنان سدره مبارکه جناب میرزا ابوالحسن را از قبل عبدالبهاء تحیت مشتاقانه برسان و بگو که همواره بیاد تومشغولیم و بذکر تو مألوف امیدواراز فضل پروردگاریم که همواره بنفَس رحمانی مانوس باشی و بنفحات قدس مألوف سبب عزت امرالله باشی و اسباب روح و ریحان یاران گردی و علیه التحية و الثناء ع ع
مقابله شد
۴۷۰ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هوالابهی

ای فرع سدره مبارکه باز از باختر بخاور باز گشتیم تا باستان مقدس در بقعه مبارکه فائز شویم باری همیشه در خاطر بوده و هستی از الطاف جمال ابهی آرزو نمایم که در نهایت روح
* ص 426 *

و ریحان مشتعلاً بنار محبت الله بعبودیت صمیمی الهی موقف شوی ورقه مبارکه والده آقامیرزاهادی را تحیت ابداع ابهی ابلاغ دارید و همچنین جناب آقا میرزارحیمخان را عبدالبهاءعباس مقابله شد
۴۷۱ خط مبارک

شیراز حضرت آقامیرزا محمد حسین علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ایها الفرع الرفیع من السدره المبارکه نامه شما رسید الحمدلله دلیل بر نشاط و انبساط وجود شریف بود از الطاف بی منتهای حضرت احدیت ملتمس چنانم که همواره در صون حمایت او محفوظ و مصون باشید و اما قضیه قطع علاقه از آن دیار و حضور ببقعه انوار حال سزاوار نه زیرا باید در آن صفحات بخدمت امرالله مشغول باشید و قنش خواهد آمد الامور مرهونه باوقاتها هنوز از شیراز چنانکه باید و شاید آهنگ ملأعلی بلند نشده هر وقت آن ساز و آواز در صوامع ملکوت گوش زد اهل راز گردد آن اقلیم باهتزاز آید و صبح هدی چنان بدرخشد که ظلام ضلال بکلی متلاشی گردد و کار

درست شود ورقه مبارکه والده محترمه را از قبل من تحیت ابدع ابهی برسان و علیک
البهآء الابهی عبدالبهآء عباس مقابله شد
۴۷۲ خط جانب امضاء مبارک

* ص 427 *

شیراز جناب آقامحمد حسین افنان جناب آقامیرزا بزرگ جناب آقامیرزا حبیب الله افنان
جناب حاجی میرزا ضیاء افنان جناب شاهزاده محمدباقرخان جناب میرزا محمد علیخان
جناب آقامیرزا آقای طیب جناب آقاشیخ آقای پیش نماز جناب شهریار وفادار جناب
میرزافضل الله خان جناب دکتر ضیاء علیهم بهآء الله الابهی

هوالله

ای نفوس مبارکه مغرب درگاه کبریا نامه شما رسید و از مضمون نهایت روح و
ریحان رخ داد زیرا بر ثبوت بر صراط مستقیم برهان مبین بود و بر اتحاد و اتقاف
بر عهد قویم دلیل جلیل الحمدلله یاران شیراز در این سالهای جنگ براز و نیاز
همراز بودند و همواره بالغت دمساز عبدالبهآء از خلوص نیت و ثبوت و استقامت
یاران شیراز پر اهتزاز است و از ملکوت ابهی تأیید و توفیق میطلبد که در این
ایام شعله تازه بر افروزند و آهنگی بملأ اعلی رسانند نفوس را بوجد و طرب آرند
و مستمعین را بتعالیم الهیه تربیت نمایند بنورائیت اخلاق و علویت فطرت و
شدت امانت و کثرت محبت و مهربانی بعموم انسانی تبلیغ امرالله نمایند و ترویج
دین الله کنند چندی پیش مکاتیبی بشیراز ارسال گردید و بواسطه جناب افنان سدره
مبارکه آقامیرزا حبیب الله طلب مغفرت از برای عموم متصاعدین احبای شیراز گردید
و نامه بحضرت عندلیب نگاشته شد و همچنین بچند نفر دیگر

* ص 428 *

امیدوارم که خبر وصول برسد و آن خطه مبارکه موطن حضرت اعلی روحی له
الغداست این عبد آرزو چنان که بهشت برین گردد و غبطه روی زمین شود بنص صریح
میفرماید و نراکم من افقی الابهی و نصر من قام علی نصره امری بجنود من الملاً
اعلی و قبیل من الملائکه المقربین جند منصور در این ظهور نفوسی هستند که
بقوتی الهی و تأییدی آسمانی و هممتی ربانی و اطوار و رفتار که سبب حیات
عالم انسانیت موقند امیدوارم که مرکز این جند شیراز گردد ۲۱ شعبان ۱۳۳۷

الهی الهی هوالآء عبادک المخاصون المنجذبون بنفحات قدسک المشعلون بنار محبتک

الناطقون بالثناء عليك الميئون بحجتك و برهانك المروجون لديك ابتهل اليك
 و اسئلك ان تؤيدهم بما وعدتهم بتأييدات صمدانيتك و نصرة جنود ملائكت الاعلى
 و قبيل المقربين رب نور وجوههم بنور لامع و عطر مشامهم بطيب ساطع و اقر
 اعينهم بمشاهدة آياتك و اسمع اذانهم ندائك الاحلى من ملكوتك الابهى حتى يكونوا
 عوناً لعبدك هذا فى نشر نفحاتك بين الورى و انك لتعلم يا محبوبى اننى احب
 عبادك المخلصين فى ارض الشين و افديهم بروحى و نفسى و ابتهل اليك فى جنح
 الليالى و بطون الاسحار ان تجعل هولاء الابرار سرجاً نورانية ساطعة
 بالانوار انك انت العزيز المختار انك انت الكريم المتعال و عليكم
 البهاء الابهى عبدالبهاء عباس
 ٤٧٣ خط كاتب امضاء مبارك
 مقابله شد

* ص 429 *

هو الابهى

ايها الفرع العظيم من الشجرة المباركة التى اصلها ثابت فى الارض و فرعها فى
 السماء و انها نطقت باننى انالله لاله الا انا قل يا عبادى اى فاعبدون
 هر چند مسافت مابين صدهزار فرسنگ است و بسى كوه و دشت و دريا حائل و حاجز
 ولكن
 در محفل انس حاضرید و در مجامع قدس موجود و ناظر و در انجمن ياران الهى ياد
 احبابى معنوى شمع روشن است و ذكر و فكرشان در صحراى قلوب گلزار و گلشن پى
 بفضل
 عظيم الهى مستبشر باش و بخلق كريم احبائيش مسرور و منشخ در دلها لانه و آشيانه
 دارى و در جانها خانه و كاشانه ديگر چه جوئى و چه خواهى بالطاف حضرت محبوب
 آفاق
 مطمئن باش و بعنايات ملكوت ابهى مسرور و منبسط عنقريب نفحات تأييد ميوزد و انوار
 توحيد بدرخشد و شمع الهى برافروزد و قلوب زجاجهاى انوار گردد و نفوس مطالع
 اسرار هنالك يستبشر المخلصون و البهاء عليك ع ع
 ٤٧٤ خط مبارك
 مقابله شد

جناب على اكبر

هوالله

ربّ ايدّ كل من توجه الى مطلع وحدانيتك بتأيدت قدس رحمانيتك و افتح عليه ابواب البركات من سائرالجهات انك انت المقتدر العزيز الوهاب عع مقابله شد

٤٧٥ خط مبارک

* ص 430 *

هوالابهى

ش جناب على اكبر عليه بهاءالله الابهى

هوالابهى

هل سمع النداء قد تزلزلت اركان الملاء الاولى لما ارتفع النداء من الملاء الاعلى و ترى القوم سكارى من الراجفة التي ارتجفت بها قوات الارض كلها و تتبعها رادفة كبرى كانت امر و ادهى فزادوا اغراقا و انصعاقا الامن رحم ربك فهم نالوا اتباها و زادوا يقظة و استبصارا فهم فى رياض العلم يرتعون و من عين التسليم يشربون و فى ما اشتهدت انفسهم خالدون والبهاء على الذين هم الفائزون ع ع مقابله شد

هوالابهى

٤٧٦ خط مبارک

ش اخوان جناب آقا مرتضى الذى صعد الى الله جناب آقا غلام حسين و جناب آقا محمد كريم عليهما بهاءالله الابهى

هوالله

الهى و مجبرى تعاليت و تجللت بعزة الوهيتك و عظمة ربوبيتك عن ثنائى و ثناء كل شئى و تقدست و تنزهت بحقيقة احديتك عن محامدى و نعوتى و نعوت كل شئى فما احلى يا الهى فى موارد

* ص 431 *

العجز الاعتراف بالذل و الانكسار و الاحتجاب عن العزة و الاستكبار كفانى يا الهى عجزى و فقرى و ذلى و هوانى و فئانى و اضمحلالى و حسبى يا محبوبى الطافك و احسانك و جودك و اكرامك اي رب اغنيتنى بفضلك القديم و جودك المبين و فيضك العظيم عما سواك بما هديتني الى معين رحمانيتك و اوردتني على شريعته فردانيتك و

انزلتني منزل صدق بسلطان وهابيتك و سقيتني من كأس العطاء من يد ساقى عنايتك و
رزقتني مائدة السماء على خوان موهبتك اي رب لك الحمد على ذلك و لك الشكر على
هذه الموهبة التي اختصاصت بها المخلصين من ارقائك و يشهد روحي و ذاتي و
كينوتني بانك اتممت على الرحمة و اكملت على النعمة و اسبغت على العطاء و
اكثرت على النعماء ولكن يا الهى اتدلل اليك و ابتهل بين يديك و اتضرع الي
ملكوتك الابهي و اترجى من سلطان جبروتك الاسمى ان تقدر لى غاية منائى و ما
هو جلاء بصرى و صفاء قلبى و راحة روحي و اعظم فتوحى و مسرة فؤادى و اكبر
رشادى

و نور جينى و افق ميبنى و هو سفك دمى و انفاق روحي فى سبيل محبتك و احتراقى
بنار

عذاب اعدائك فى سبيلك و ذلى و تليل جسمى على التراب اشتياقاً الى ملكوت لقائك
ايرب قدر لى هذا المنى و اسقنى هذه الكأس الطافحة بصهباء اللطاف
* ص 432 *

من فيض رحمتك الكبرى و اطعمنى من هذه المائدة التي رزقت جمالك الاعلى و
توج رأسى بهذا الاكليل الذى تتلألأ جواهره الباهرة فى قطب العوالم كلها و اجعلنى من
عبادك المخلصين المستشاهدين انك انت الرحمن الرحيم اي رب هذان عبدان انتسبنا
الى عيدك الذى انجذب بنفحات قدس احديتك و اشتعل بنار محبتك و اهتز من نسائم
التي هاجت من رياض معرفتك و استبشر بانوار سطعت من مشرق موهبتك وهام فى
هيماء

الشغف فى جمالك و توغل فى صحراء صاح و ناح فيه المشتاقون لزيارة طلعتك و ثمل
من كأس عطائك حتى سرع الى مشهد الغدا فى سبيلك و ركض الى ميدان الغدا حباً
بجمالك و انفق روحه شوقاً الى لقائك اي رب اجبت عليه السجن بسلطانك و جعله
جنة غناء و روضة غلبا له بقدرتك و برهانك و استقام فيه سنين متواليات تحت
السلال و الاغلال المثقلات و هوبستبشر بذلك و يتنهج فى كل ذلك الى ان ايده
بفضلك

و جودك ان يتصاعد الى ملكوت قدسك فاخرجه طفاة خلقك من قعر السجون الى
فضاء

الغداء فى سبيلك يا حى يا قيوم فخاطب و قال يا ايها الحاضرون لقتلى فى سبيل ربى
المحبيب ليس لى شئى اهدى لكم لهذه البشارة التي بشرتمونى بها الا هذا
الغطاء لرأسى فاهديه لكم مقابلة لعرفكم فتظاهروا بين الملاء كاسد الشرى و تطائر

فی السماء توجَّهًا الی الافق

* ص 433 *

الاعلی و صعد روحه الی الملكوت الابهی و جبروتک الاسمی طوبی ای ربّ هذان
المنتسبان الیه ایدهما علی الثبوت علی عهدک و میثاقک و وقفها علی اطاعة امرک و
اخْلِصهما فی دینک اَنْک انت الکریم الحیم الوهَّاب ع ع مقابله شد ٤٧٧ خط مبارک

جناب میرزا فتحعلی خان علیه بهاء الله

هو الله

یا ابا الفتوح هنیئا لک هذا الصُّبح هر چند فتح ملوک خونریزی مملوکست لکن فتح
اهل بها سلوک در سبیل هدی و خدمت اصغیا و عبودیت درگاه کبریا و تمشیت مهام
امور و حسن نیت و خیرخواهی جمهور الحمدلله شما موقِّق بآن بشهادت عموم علی
الخصوص جناب خان بینهایت از شما شادمان و مسرور است حتی عبدالبها از ستایش
ایشان آسایش دل و جان یافت که الحمدلله سرورستان چنین سروی آزاد دارد و چنین
نفسی نفیس معدن عدل و داد و امیدم و طید است که بهمت آن یار روحانی احبای رحمن
در نهایت روح و ریحان باشند و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد
٤٧٨ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هو الله

اله کل بسید رسل انا فتحنا لک فتحًا مبینا خطاب فرمود هر چند این فتح در عالم رؤیا
بشارت داده
* ص 434 *

شده بود ولی چون تأخیر افتاد بعضی را تردید حاصل گشت و چون مکه مفتوح شد یاران
مسرور شدند حال من نیز ترا فتوحی خواهم ربّانی رحمانی سبحانی کامرانی دو جهانی
مقابله شد ع ع
٤٧٨ سه سطر عقبه لوح خط مبارکست

هو الله

احبای سرورستان علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای یاران حقیقی چندیست خبری از شما نرسید و صبح پیامی از آن جهت ندمید حضرت طیر

حدیقه ملکوت جناب مرتضی روحی له الفدا را ملاحظه فرمائید که چه نار موقده در قطب آفاق بر افروخت که شعله اش تا دامنه ملکوت ابهی رسید و چنان پرتوی ساطع کرد که آفاق کائنات را روشن کرد پس معلوم گردید تا نسوزی نیفروزی و تا چون شمع نگدازی جمع را روشن نسازی ای دوستان انصاف باید بدهیم که در چه دوریم و در چه کور

در بحر الطاف الهیه مستغرقیم چرا پر بشارت نباشیم و در ظل سدره رحمانیه آرمیده ایم چرا پر مسرت نگردیم بر کنز مخفی پی بردیم چرا کیسه تهی گذاریم و در سایه آن سرو سهی در آمدم چرا بیچاره و منحنی مانیم لطف و عنایت حضرت مقصود باهل سروستان زیاد بود و لحظات عین عنایت شامل حال ایشان در جمیع احیان اظهار الطاف میفرمودند و منتهی لطف

* ص 435 *

مبذول میفرمودند دیگر چه غمی دارید و چه غصه آنچه را ملاء مقرین آرزو مینمودند شما بان فائز گردیدید و هرچه را که اهل علین در حسرتش مردند شما بان محفوظ و مرزوق شدید جمیع ملاء اعلی آرزوی یک خطاب جمال قدم را مینمودند که بشرف اصغا فائز شوند شما از سدره سینا این خطاب را اصغا نمودید و ندای الهی را بسمع قبول کردید آیا میدانید این چه فیضی بود و ساکتید و آیا میدانید این چه موهبتی بود و صامتید مسرو باشید و مستبشر گردید ع ع مقابله شد ۴۷۹ خط مبارک

هوالابهی

جناب حیدرعلی سروستانی جناب علی اکبر سروستانی جناب علی سروستانی جناب اسفندیار سروستانی جناب حسن سروستانی جناب میرزاعلیمحمد سروستانی جناب علی بابای سروستانی جناب میرزا تاج الدین سروستانی جناب محمد حسنخان سروستانی علیهم بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای یاران الهی آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید معانیش دال بر ثبوت بر عهد و پیمان بود مبانیس مؤسس بر محبت جمال بیمثال حقائقش ریاض عرفان بود دقائقش اشارات انجذابات جان و وجدان ای دوستان همتی نمائید که مظاهر توحید گردید و مطالع اسرار تجرید

* ص 436*

سُجّ لامعه زجاجات امکان گردید و نجوم ساطعه مشرق ایقان خدام آستان مبارک شوید و خزان کنوز عنایت آیات بینات کتاب مبین شوید و رایات شاهرات ظهور عظیم نسائم ریاض حدائق قدس گردید و روائج معطره غیاض انس مبشر بالطف جلیله ربّ قدیم باشید و مبلغ امر خداوند کریم ای دوستان وقت گلگشت بوستان الهی را از دست ندهید فرصت را غنیمت شمردید جهدی نمائید که در این جهان فانی شمع روشن جهان

جاودانی گردید و گل گلشن عالم باقی اگر بخدمت امرالله کمر را محکم بندید و بکمال ثبوت و رسوخ بر میثاق نیر آفاق قیام نمائید و از زوابع و اعصار امتحانات و افتتانات شدیدة نلغزید قسم بنور بهاء که هر یک آیت کبری گردید و رایت ملا اعلی و البهاء علیکم یا احباءالله روحی لکم الفدا ع ع مقابله شد ۴۸۰ خط مبارک

استدعای طواف مطاف عالمیان را نموده بودید انشاءالله در وقتش اجازه خواهد داده شد حال همّت را با جمال حکمت بر نشر نفعات الله بگمارید و در این امر مهم بکوشید چه که الیوم این قضیه مغناطیس تأیید ملکوت است و جاذب الطاف اسم اعظم از حیز جبروت والهاء علیکم ع ع مقابله شد

* ص 437*

جناب محمد صادق بیگ و ملا سلیمان و جناب عبدالله بیگ علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

ای یاران روحانی گویند که نسر طائر در این فلک با هر عبارت از سه ستاره روشنست

حال از الطاف ذوالمنن میطلبم که آن سه شخص محترم مانند آن سه نجوم از افق هدایت

درخشنده و روشن باشند جناب خان از محبت و خلوص شما نهایت شکرانه مینماید که فی الحقیقه بهائی پرستید و خدام هر سرمست پیمانه بدست یاران باید چنین باشند که یکدیگر را بنده کمترین گردند آئین وحدت عالم انسانی گیرند و بروش اهل علیین سلوک کنند الحمدلله شما چنینید و علیکم البهآءالابهی ع ع
مقابله شد
۴۸۱ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هو الله

سروستان جناب میرزا فتحعلیخان کلاتر علیه بهآءالله الابهی

هو الابهی

ای فتح بها رقی منشورت وصول یافت و چون کأس طهور مورث سرور شد حمد خدارا که موفق بهدایت کبری گشتی و مؤید بمنقبت عظمی از جام بشارت حضرت اعلی سرمست شدی

و از صهای محبت طلعت ابهی بوجد و طرب آمدی و در انجمن
* ص 438 *

عاشقان شمع روشن گشتی و از نفات قدس ریاض میثاق مشام معطر نمودی چون جیل

ثابتی و چون شجر نابت پس چون حلق در حلقهای زلف دلبر ابهی بدام افتاد با لب خندان و پیرهن چاک و غزلخوان در قربانگاه عشق برقص درآ و فریاد واطوبی لی واطربا لی واسرورا لی از جان و دل بر آر تا بشکرانه آن فضل و عطا زبان بگشائی و بویا رسم جفا را از صفحه کائنات براندازی و نفعه خوشی بوزانی و جمع یارانرا حصن حصین گردی و انجمن دوستانرا ملجأ امین شب و روز نار محبت برافروزی و چون شمع با چشمی اشکبار بنار محبت الله بسوزی و تا از افروختن و سوختن انوار بو آن افطار ساطع گردد و علم میثاق بر آن آفاق موج زند از فضل و عنایت حق امید است که از این نوید چون خورشید بدرخشی و در آن میدان فارس فرید گردی وعلیک البهآء
مقابله شد
ع ع

۴۸۲ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هو الله
سروستان احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

الله ابهی

ایدوستان سروستان جمال قدیم حضرت نورمیین بیاران آن اقلیم کمال عنایت را داشتند و چون چند نفر از آن دیار در یوم لقا حاضر شدند الطاف بینهایت فرمودند * ص 439*

و اظهار عنایت نمودند و چندی که در حضور بودند مورد عنایت حضرت احدیت گشتند و مظهر آیات موهبت شدند این دلایست که بی حذر آتش محبت الله در آنکشور شعله پر شر خواهد زد و نور معرفت الله در آن بوم و بر اشراق شمس و قمر خواهد نمود و این یقین و محتوم است چه که مشیت و قضای حی قیومست ولی ای دوستان موجود از خدا بخواهید که آن شعله در امروز زند و از حرارت الله و اعتدال خلق و خوی نوروز گردد و دلها پر سوز شود و هدف غمزه دلدوز گردد تا مظاهر آیات توحید گردیم و مطالع بیئات و مورد توجهات شویم و مشمول نظر عنایات چه که فضل جمال ابهی عظیمست عظیم و فیض اسم اعظم قدیمست قدیم و البهَاء علی الثابین ع ع مقابله شد

۴۸۳ خط مبارک

بواسطه جناب زائر آقارضا علیه بهاء الله
احبای سروستان احبای نیریز احبای خانکهدان احبای داریان علیهم
بهاء الله الابهی

هو الله

ای یاران عبدالبهاء الحمد لله از سروستان نجات گلستان محبت الله منتشر و رانحه معرفت الله ساطع و نور هدی لامع و آیات کبری ظاهر و باهر اقلیم جلیل فارس چون مطلع نیر آفاق بود * ص 440*

عبدالها را نهایت آرزو چنان که در قطب عالم خیمه برافرازد و علم سبقت و پیشی بر کل اقلیم بلند فرماید الحمد لله در این ایام حرکتی نموده بالاخص سروستان و نیریز حال از آن کشور هزیز ارباح لوافح محبت الله بگوش جان میرسد طوبی لکم و

حسن ماب و بشری لکم بفیض من ربّ الارباب عبدالبهاء بملکوت ابھی عجز و نیاز مینماید و تصرّع و ابتهاال میکند که کشت الھی در آن کوه و دشت روزبروز نشو و نما نماید و سبز و خرم گردد و خوشه و دانه و خرمن فرماید کزرع اخرج شطّاه فاستغلظ و استوی علی سوّقه یعجب الزرّاع و امیدم چنانست که هر خوشه خرمن گردد و هر دانه فیض و برکت حضرت ذوالمنن شود ای یاران جمیع طوائف و امم منجمد و مخمود و جمیع

قبائل و ملل گرفتار یأس و قنوط اهل بها باید چنان حرکت و جنبشی نمایند که کافه اهل ارضرا باهتزاز آرند و چنان پرتوی افروزند که شرق و غرب را منور نمایند و رفتار و کرداری پردازند که شهیر آفاق شوند و مظاهر فیض کوکب اشراق گردند وعلیکم البهّاء الابهی ع ع مقابله شد ۴۸۴ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شیراز سروستان جناب مهدی سروستانی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای منجذب بنفحات الله نامه مرقوم واصل گردید و مضمون مفهوم شد تمنای تحریری * ص 441*

از عبدالبهاء نموده بودی من نیز فوراً بترقیم این نامه پرداختم و از فضل و الطاف جمال ابھی امید داشته و دارم که یاران الھی چنان انجذابی حاصل نمایند که بی نامه اسرار الھی اقتباس کنند و کاشف راز گردند فیوضات ملکوت ابھی لوح محفوظ و کتاب مسطور و رق منشور است و جمیع اسرار در آن نامه مرقوم آن نامه مفصل را بدقت مطالعه نمائید تا بر اسرار ماکان و مایکون مطلع گردید جناب خان بابا و جناب ضیاءالله و امة الله والده شان را بذکر ابداع ابھی جان و وجدان مسرور و شادمان گردانید و جمیع احبای الھی را از شدت محبت این عبد خبر دهید و بالطف بینهایت حضرت مقصود بشارت فرمائید و علیک البهّاءالابهی ع ع مقابله شد ۴۸۵ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب زائر جناب آقاغلامحسین خان سروستانی
جناب آقاعلی اکبر علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان ایامی که در ارض مقدّس بودی و بشرف تربت مقدّسه فائز در خاطر است ایامی بنهایت محبت و الفت با ما سر بردی و در نهایت تبثّل و تضرّع بودی اوقاتی که بروح و ریحان و شادمانی و کامرانی گذرد هرگز از خاطر نرود یقین است که * ص 442*

فراموش نمودی بلکه شب و روز در خاطر داری و بموجب وصایا و نصایح که القا شد عمل مینمائی امروز هر بهائی حقیقی را نشان و برهان اعمال و افعالی که بموجب تعالیم الهیست اگر بآن موقّف شوند هر روز موهبتی جدید یابند و عنایتی بدیع جویند فرصت بسیار کم است لهذا مجبور باختصار هستم ولی هر کلمه فی الحقیقه نامه ایست نفس مطمئنّه را یک کلمه کفایت مینماید جمیع احبّای الهی را تحیت ابدع ابهی برسان و علیک البهّاء الابهی امة الله الموقنه ضجیح محترمه را نهایت مهربانی بنما و تحیت ابدع ابهی ابلاغ کن ع ع مقابله شد ۴۸۶ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطه جناب بشیرالهی جناب آقارضای سروستانی

هوالله

ای زائر مطاف ملاً اعلیٰ نامه شما رسید الحمدلله دلالت بر ثبوت و رسوخ احبّای الهی در امر جمال مبارک روحی لعتبه المقدّسه فدا مینمود امروز جمیع کائنات از فیوضات اسم اعظم در نشو و حرکت است و در استمداد و اهتزاز سروستان الحمدلله گلستان گردیده و بگل و ریاحین معرفت الله حدائق حقائق و معانی گشته امید چنانست که آن سروها روز بروز نشو و نما نموده در نهایت لطافت و خرمی از فیض سحاب

عنایت الهی در جویبار حقیقت باهتزاز و حرکت آیند جناب آقامیرزا عبدالرسول را از قبل من تحیت ابدع ابهی برسان و جناب درویش ابن شهید را نهایت * ص 443*

تمجید از این وحید فرید بکن و علیک البهّاء الابهی ع ع مقابله شد ۴۸۷ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

سروستان جناب زائر آقا رضا علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

مناجات طلب مغفرت بجهت جناب آقامحمد کریم اخوی حضرت آقا مرتضای شهید جناب
 حاجی خان ابن حیدر علی جناب قباد خان جناب عباسقلی جناب میرزا حسین بنا
 جناب
 حاجی هادی جناب حاجی علی نقی جناب آقاعلی ابن حسین اعمی جناب آقامهدی
 جناب
 علی رضا جناب مشهدی فضل الله جناب آقامحمد اسمعیل جناب کربلانی نادعلی

هوالله

حمداً لك يا ربّي الجليل شكراً لك يا ربّي العظيم عليّ فتحت ابواب الغفران
 بمقاليد العفو والاحسان و مفاتيح الفضل و الامتتان ربّ اخترت من عبادك
 الصالحين اناساً و فقتهم عليّ الدخول في ...⁴ الظليل و الوصول الي الفوز
 العظيم و اروتهم من ماء معين و سقيتهم من عين التسليم فالتذّت آذانهم باستماع
 النداء و قرّت اعينهم بمشاهدة نور الهدى و اطمئنّت نفوسهم بالاية الكبرى و
 انشرفت صدورهم بكلماتك العليا و اضطرمت قلوبهم باجيج نار محبتك فارفع منهم
 الضجيج بالتكبير و التهليل الي ملكوتك الجليل و انتشرت منهم نفحات حبّك فيكل
 صقع و اقليم اولئك يا الهي نفوس لم تتخذهم لومة لائم في امرك و لا زلزلتهم شماتة
 * ص 444*

شماتة كلّ عنود في ذكرك ول ارعدتهم شتائم كل ...⁵ زنيم في مملكتك بل ثبتوا
 على الصراط برشحات سحاب اللطاف يا ربّي الارباب و ذكروك جهاراً بين
 الابرار و الاشرار و ما فترت السنهم عن الاذكار و ابتهلوا بخفي الاسرار و حشروا
 مع الاخيار و تتلوا الي ملكوتك يا عزيز يا جبار ربّ انهم تجرعوا كأس
 المنون بما قلت و قولك الحق انك ميت و هم ميتون و قدرت لهم المقام المصون و
 انعمت عليهم بالسرا المكنون و ارجعتهم اليك فضلاً من عبدك يا ربّي الحنون رب
 اكرم لهم المثوى و ادخلهم في ظل سدرة المنتهى و اخلدهم في جنة المأوى و ادر عليهم
 كأس العطاء و قدر لهم الموهبة العظمى و شرفهم باللقاء يا ربّي الاعلى انك
 انت العفو الغفور و انك انت الكريم الرحيم البر الروف لاله الانت الغني
 المعطى لكل عبد شكور ع ع
 مقابله شد

٤٨٨ خط كاتب مهر و امضاء مبارک

⁴ کلمه ای خوانده نشد.

⁵ کلمه ای خوانده نشد.

هو الله
سروستان عموم احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای شیدائیان نیر آفاق و ثابتان بر میثاق جناب حیدر علی علیه بهاء الله نامه نگاشته و ذکر احبای الهی نموده که سروستان گلستان گشته و دوستان شب و روز بذكر رحمن * ص 445 *

مشغول این خبر سبب سرور و حبور شد و این نفعه مشام یاران را معطر نمود که الحمد لله در آن اقلیم محترم که وطن حضرت اعلی روحی له الفدا بود نفات قدس در انتشار است و نسیم جانپرور ریاض عنایت در اهتزاز باران عرفان در فیضانست و انوار مواهب درخشنده و تابان ای دوستان همی نمائید تا کشور شیراز مظهر مواهب خداوند بینا گردد و از حسیضش نغمه و آهنگ سبحان ربی الاعلی بملکوت ابهی رسد مطلع آیات توحید گردد و مهبط الهامات رب فرید تا شعله نار محبت الله از آن اقلیم بسائر اقالیم سرایت نماید و نفات ریاض قلوب آن یاران ولایات مجاوره را دلالت بر گلشن هدایت کند و این مواهب میسر نگردد مگر بانقطاع از ماسوی الله و انجذاب بنفات الله و اشتعال بنار محبت الله و محویت و فنا و خضوع و خشوع بین یدی احبای الله و خدمت یاران و عبودیت دوستان و البهآء علیکم جناب میرزا حسین بنا را که خادم انجمن احبایست تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید و بگوئید که خانه تو آشیانه مرغان چمن الهی گشته و کاشانه سودائیان جمال رحمانی طوبی لک من ذلک والبهآء علیک ع ع
مقابله شد ۴۸۹

خط کاتب مهر و امضاء مبارک

۴۹۰ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

سروستان احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای یاران عبدالبهآء هر چند مدتیست که بواسطه قلم و مداد با شما گفتگوئی ننمودم * ص 446 *

ولی در عالم روح و فؤاد همیشه بیاد یاران جمال الهی مألوف بودم دمی فراموش ننمودم و نفسی نیاسودم بلکه در نهایت تصرع و ابتهال بودم که آن احبای

رحمانی و دوستان الهی از ملال جسمانی و روحانی در جمیع شئون محفوظ و مصون باشند

و موفق بآن گردند که بگفتار و رفتار و کردار بر ابرار و اشرار هر دو ثابت و محقق گردد که این حزب مظلوم مفتون جمال ابهی هستند و منجذب نفاتح قدس از افق

اعلی زیرا این بیان و تبیان و خلق و خوی و روش و سلوک و فضائل و جمالات از فیوضات نور قدم و اشراقات اسم اعظمست مقصد آنست که حقیقت انسانیّه باید مانند آئینه از شعاع آفتاب حقیقت روشن باشد و الا سنگ سیاهی و ظلمت اندر ظلمت است و شعاع شمس حقیقت عرفانست ایمانست ایقانست اطمینانست انجذابست و استمرار در نشر

نجاتست ای یاران الهی ایام بسرعت اتمام یابد مالک و مملوک گمنام گردد نه اثری نه ثمری نه برگی نه شکوفه نی جمیع مظهر هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً گردند مگر نفوسی که بکلی از نفس و هوی بیزار شدند و مطلع انوار هدی گشتند مهبط اسرار شدند و سر حلقه ابرار گردیند آنان مانند نجم زاهر از افق حقیقت تا ابدالآباد باهرند پس بکوشید تا از صهباء استقامت کبری بنوشید قوت در جمیع موارد مقاومت اهل غفلت نمایند ولو اجتمع علیکم من علی الارض کله لاتخافوا * ص 447*

و لا تنهوا و اعتمدوا علی انجامد جنود من ملکوت الله راحت ایامی چند نجوید در عاقبت نگرید ملاحظه نمائید که نتایج محموده در اعمال و اطوار چه نفوسی موجود این دقت سبب عبرت شود و انسان بحقیقت پی برد الهی الهی هولا ارقاء لک اذلاء بیابک فقرآء الیک ضعفآء بین یدیک قدر لهم کل خیر و احفظهم عن کل ضیر و اجعلهم حماة حصنک الحصین و رعاة اغنامک فی تلک الاقالیم و رماة ناقض عهدک بسهام

سلطان مبین و برهان عظیم و اجعلهم سرجاً ساطعة یفیض النور المبین حتی یقوموا اشدّ القیام علی اعلاء کلمتک فیدلک القطر السحیق رب رب هولاء طیور ضعاف اجعلهم نسوراً فی اوج اللطاف و صقور الفضل و الانصاف و احمهم من الاعتساف انک انت القوى الوهاب و انک انت العزیز المهیمن المتعال ع ع مقابله شد

هو الله

سروستان احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

ای یاران رحمانی شمس حقیقت بر آفاق قلوب اشراق نورانیت محبت نمود و غمام
موهبت باران الفت مبذول داشت نسیم عنایت از مهپ ملاطفت
* ص 448 *

بمرور آمد و دریای رحمانی امواج تعلق روحانی زد تا یاران الهی بمثابه فیض
آسمانی قطرات جمع شده سیل فیض نامتناهی گردند و صحرا و دشت آفاق را سبز و
خرم

نمایند مقصد از ظهور مظاهر مقدسه الفت و محبت عالم انسانی بود حال احباء
باید در این میدان جانفشانی نمایند تا عالم انسانی را بصهای محبت یکدیگر سرمست
کنند و قلوب آفاق را شادمانی بخشند آنچه در الفت بیشتر کوشند پیشتر پویند و آنچه
در اتحاد همت مبذول دارند عون و عنایت بیشتر مشاهده کنند حضرت مسیح خطاب
بحواریین میفرماید انتم ملح الارض فاذا فسد الملح بماذا یملح میفرماید شما نمک
عالمیاید اگر شما فاسد گردید جهان بچه ملیح و نمکین گردد حال اگر احبای الهی
شمع محبت و الفت و یگانگی و اتحاد در محفل خویش نیفرزند چگونه جهان را
بنورانیت الهیه روشن نمایند و چگونه سبب الفت قلوب اهل عالم گردند ای یاران
عبدالبهاء شما را بملاحت و صباحت جمال ابهی قسم میدهم که مانند نجوم ثریا
مجتمع و مؤتلف گردید و سبب اتحاد و یگانگی عالمیان شوید بنیاد خلاف بر اندازید
و بنیان ائتلاف بلند سازید و بذیل محبت الهیه در آویزید و ساحت قلب را از
مغایرت و مخالفت پردازید تا محل اشراق شمس حقیقت گردد و نور موهبت بدرخشد
هر

یک خادم یکدیگر شوید و هر کدام در ره دیگر جانفشانی نمایند
* ص 449 *

جان و مال از یکدیگر دریغ ندارید تا یرلیغ عطا از ملکوت ابهی رسد و منشور سرور و
حور از ملا اعلی صادر گردد و علیکم التحیه و الثناء ع ع
مقابله شد
۴۹۱ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

۱۵ ج ۱ سروستان جناب زائر میرزا حیدرعلی سروستان علیه بهاءالله
الابهی ۳۱۲۸

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه نامی رسید از مضامین آشکار و پدید گشت که حین رجوع و

وصول از آشنا و بیگانه حسن استقبال و رعایت موفّر یافتی العزّة لله و لعباده
المخلصین عنقریب ملاحظه خواهید نمود که انوار عزت ابدیه بر رؤس یاران چنان
بتابد که شرق و غرب روشن شود و جمیع احزاب بندگان جمال قدم خطاب نمایند و
تالله لقد آثرکم الله علينا گویند سؤال از زوجات ثلاثه نموده بودید البتّه باید زوجه ثالثه را
طلاق داد و علیک البهَاء الابهی ع ع
مقابله شد
۴۹۲ خط کاتب مهر وامضاء مبارک

هو الله

سروستان جناب حیدرعلی زائر علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان بمجرد قرائت نامه شما سفارش در خصوص آقامیرزا فتحعلیخان
بنفس مبارکی
* ص 450 *

تحریر یافت فی الحقیقه آن مظلوم گرفتار گشته است هر چند مسجون است ولی مقرب
درگاه حضرت بیچون امیدوارم عنقریب گشایش حاصل گردد و بخشایش رخ دهد
فرصت پیش

از این نیست جناب آقارضا و جناب بقاء الله و اهل بیت محترمه را از قبل من تحیت
ابدع ابهی ابلاغ دار و علیک البهَاء الابهی ع ع
مقابله شد
۴۹۳ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

سروستان بواسطه زائر آقا حیدرعلی والده امة الله فاطمه ضلع امة الله
هاجر صبايا امة الله طاهره امة الله منيره امة الله فائزه بقاء الله کبری
طوبی والده مرحوم قیاد خان جناب میرزا علی محمد جناب مشهدی علی اصغر جناب
آقامحمد صادق جناب آقامحمد حسن

هو الله

ای مؤمنین و مؤمنات و ثابتین و ثابتات جناب حیدرعلی بدرگاه حضرت کبریا پناه
آورد و بکمال عجز و نیاز از برای شما موهبت کبری رجا نمود و آن موهبت کبری
موفقیت بر گفتار و رفتار است که مطابق تعالیم الهی و وصایای جمال مبارک و

نصایح اسم اعظمست اگر باین موهبت موفق شوید بهر خیری مؤیدید آرزوی این عبد چنانست که هر یک از شما آیت هدی گردد و نخلی باسق در بوستان الهی شود و در کمالات انسانی بر کل فائق گردد

* ص 451*

سلیل علی اصغر که در سبیل الهی شهید گشت سراج آن قبیله است و مرکز مباحثات جمیع آن خاندان عنقریب تأییدات غیبیه بسبب خون مطهر آن بزرگوار که در سبیل الهی سبیل شد آن دودمان را احیا نماید پس بشکرانه پردازید که الحمدلله نفس مبارکی از آن خاندان در سبیل الهی شهید شد و این شهادت سبب مفخرت و مباحثات در جمیع عوالم

الهیست و علیک و علیکن البهآء الابهی ع ع مقابله شد ۴۹۴ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

نیریز بواسطه جناب ملا احمد علی سروستان احبای الهی
جناب آقا حیدر علی جناب آقامیرزا علی محمد جناب آقامیرزا علیرضا خان جناب آقا
سید میر احمد جناب آقا علی نقی آنا ب آقامیرتاج الدین جناب حاجی محمد جناب
آقا علی اکبر جناب کر بلائی باقر جناب آقا علی نقی جناب آقا علی جناب
آقا عطاء الله جناب کر بلائی شکر الله جناب آقا غلام علی جناب آقامیر اسمعیل
جناب آقامیرزا حسین بنآء جناب آقا موسی جناب آقامهدی محمد حسین جناب
غلام حسین خان جناب آقا میرزا فتحعلیخان کلانتر جناب آقامشهدی عابد جناب
عباسعلیخان خادم جناب ملاقریانعلی علیهم بهآء الله الابهی

هو الله

ای یاران عبدالبهآء بشارت کبری رسید و خبر پر مسرتی عبدالبهآء شنید

* ص 452*

مژده الفت یاران سبب مسرت دل و جان گشت و خبر اتحاد و اتفاق دوستان بیک فرح
بیبیان گردی عبدالبهآء نهایت روح و ریحان یافت زیرا چون رائحه اغبرار در بین قلوب
ابرار استشمام کند چنان سرور و حیوری احاطه کند که قلب باهتزاز و جان بیرواز آید
زیرا تجلی اشراق بجهت الفت اهل وفاقست تا نفوس آفاق در ظل رایت اتفاق در آیند

و چنان نورانیت وحدت بدرخشد که حکم یک روح و یک جسم یابند و چون دلبر مواهب الفت

در انجمن یاران جلوه کند تائیدات الهیه و توفیقات صمدانیه از جمیع جهات احاطه فرماید انوار توحید بتابد و نسیم تجرید بوزد پرتو عنایت بدرخشد و حیات روحانی مبذول گردد هذا هو الفوز العظيم و هذا هو الفيض المبین یاران عبدالیها را بسبب الفت و اتحاد جدید بسیار راضی نمایند و سبب شوند که لسان تضرع و زاری بگشاید و از درگاه احدیت طلب تأیید نماید و علیکم التحیه و الثناء ع ع مقابله شد ۴۹۵ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطه حضرت عندلیب سروستان جناب حیدرعلی سروستانی

هوالله

ای ثابت بر میثاق مکتوب واصل گردید مضمون سبب انشراح صدور بود و دلیل بر * ص 453*

حصول موفور از تأسیس مشرق الاذکار نهایت سرور حاصل گردید و همچنین از ترک زرع

تریاک و ترک دخان زیرا افیون جز در معالجه امراض معلومه سبب هلاک نفوس و موت ابدی انسان گردد و همچنین از شرب دخان نتیجه و ثمری جز تضییع اوقات و حصول امراض فائده نه الحمدلله که احبای آن سامان از همه اینها گذشتند ای بنده الهی وقت را غنیمت دانید و فرصت از دست مدهید بنشر نفاتح الهی پردازید و به نیریز رفت و آمد نمایند تا این مرآده طرفین سبب انجذاب مدیتین گردد و هر یک دیگری را تشویق و تحریص بر استقامت و ثبوت و انجذاب قلوب نمایند جناب کاتب میرزا حسین را از قبل من نهایت محبت ابلاغ نما و جناب حاجی خان و آقارضا و بقاءالله جمیع را تحیت مشتاقانه برسان امیدوارم که موفق بخدمت یاران الهی و احبای رحمانی و تربیت و تنظیم مشرق الاذکار باشید و علیکم التحیه و الثناء ع ع ۴۹۶ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

مقابله شد

سروستان بواسطه جناب زائر آقاحیدرعلی

جناب آقاعبدالله جناب علی آقا جناب محمود جناب احمدعلی جناب آقامیرزا

آقا جناب آقا عبدالحسین جناب سهراب خان جناب آقامصطفی جناب صادقعلی جناب
کربلایی شکرالله جناب مشهدی اسدالله جناب حاجی آقا جناب کربلایی علی حسین
جناب هدایت الله
* ص 454 *
جناب آقا علی عرب جناب ملا محمد رفیع جناب هادی جناب عبدالرحیم

هوالله

ای یاران رحمانی جناب حیدرعلی در نهایت عجز و نیاز بدرگاه بی‌نیاز تضرع و ابتهاج نمود
و از برای شما رحمت بی پایان و عنایت بیکران طلب کرد چون این خواهش و رجا در عتبه
مقدسّه واقع البتّه روا گردد و نتایج حاصل شود این عبد نیز در آستان کبریا بهمین رجا
قائم و امیدم چنان است که نورانیت تعالیم الهیه و وصایای ربانیه چنان در بین احبّاء جلوه
نماید که رویها روشن شود و جانها بشارت یابد و دلها منور گردد و از اعضا و ارکان آثار
ایمان و ایقان ظاهر شود تا توانید بشیم حق پردازید و بدرگاه احدیت تضرع و زاری نمائید
که اخلاق نیر اشراق پرتوی بر قلوب اندازد و سنوحات رحمانیه در حقایق انسانیه جلوه
نماید و علیکم البهآءالابهی ع ع
مقابله شد
۴۹۷ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هوالابهی

سروستان جناب حیدرعلی و میرزا علی محمد و جناب میرزا حسین علیهم بهآءالله
الابهی

هوالابهی

ای یاران چه خوش بخت و بلند اختر و همایون طالع بودید که در چنین کور
* ص 455 *
و دوری مولود و در چنین قرن و عصری موجود و بر چنین موردی دارد و در چنین
آستانی ساجد و در سایه چنین شجری مستریح و از چنین ثمری مستفید شده‌اید کور ابهی
شجر شجر انیسا ثمرثمره سدره منتهی طوبی للغانزین بشری للواردین فرحاً للواصلین
سروراً للمستظلمین و الحمدلله رب العالمین جمیع دوستان را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید
ع ع
مقابله شد
۴۹۸ خط مبارک
در خصوص زرع تریاک استفسار نموده بودید زرع تریاک جز بجهت عالیج جائز نه زیرا در

اکثر معالجات مستعمل و از عدد ایام رضوان سنوال نموده بودید دوازده روز است و
یوم اولش همان یوم دوساعت بغروب مانده است دیگر در جمیع اوقات باید دوستان
الهی با یکدیگر با کمال حکمت معاشرت و ملاقات نمایند و بذکر حق مشغول گردند و از
یکدیگر راحه طیبه محبت الله استشمام کنند ع ع
مقابله شد

هو الله

جناب محمد جعفر جناب آقا باقر جناب حاجی آقا بهائی جناب آقا یحیی جناب
آقا علی جناب حاجی امین جناب محمد ابراهیم جناب حبیب الله جناب آقا علی نقی
جناب

* ص 456 *

جناب حیدر علی جناب میرزا علی محمد جناب آقا غلام حسین جناب عطاء الله جناب
میرزا علی رضا جناب میرزا فتح الله جناب محمد حسن خان جناب علی خان جناب مشهدی
سلیمان جناب محمد باقر جناب محمد رفیع جناب محمد تقی جناب علی اکبر
جناب موسی جناب بدیع الله جناب علی محمد جناب محمد کریم جناب تاج
الدین جناب علی بابا جناب محمود جناب میرزا حسین جناب احمد جناب حسن
جناب علی نقی حاجی محمد جناب فضل الله جناب نوروز علی جناب اسد الله
جناب علی نقی جناب رضا جناب حسن جناب مصطفی جناب علی بابا جناب نعمة
الله جناب قربان علی جناب هدایت جناب مصطفی جناب علی جان جناب رضا جناب
مشهدی عابد جناب فتح علی جناب حسین قلی جناب علی جناب مشهدی محمد حسین
جناب مشهدی باقر جناب آقا بابا جناب قاسم جناب جعفر جناب محمد اسمعیل
جناب محمد باقر جناب استاد حسن جناب غلام علی جناب حاجی جنابان عالم حسین و
صفر علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای دوستان الهی چندی پیش آشفته جمال حق آقا غلامرضا استدعا نمود که بآن یاران
الهی تحریری مرقوم گردد با جمال اشتیاق و شوق نامه مرقوم گردید و حال نیز رجای
نگاشتن مینماید و این بنده آستانه ابهی را چندان مشاغل و غوائل که فرست نگارش
کلمه نه باوجود این چون ذکر یاران الهی را

* ص 457 *

نموده بود چنان حالتی دست داد که بی اختیار نامه برداشته و بذکر یاران پرداختم

ای عاشقان جمالقدم وقت جوش و خروش چون دریای بی پایانست و هنگام احتراق
بآتش

سدره رحمن چشم بملکوت الهی باز کنید و گوش به آهنگ هاتفه رحمانی دهید تا از
ملکوت غیب صلاهی بیداری شنوید و تحسین ملاءعلی استماع نمائید ای دوستان اسم
اعظم

جمیع بلایای مبرم را حمل فرمود و تحمل کرد تا از ماء معین هدی بنوشیم و در سبیل
تقوی سلوک نمائیم و بانوار موهبت کبری در بسیط غیرآء مبعوث شویم و در ظل کلمه
وحدانیت بنشر نفاتح الله مشغول گردیم و در هر دم بروحی جدید زنده شویم

مقابله شد

ع ع

۴۹۹ خط مبارک

هوالله

جناب میرزا محمد باقرخان جناب محمد حسن خان امة الله بگم امة الله گوهر عليهم
بهاء الله الابهي

الله ابهي

ای یاران حقیقی چه نویسم که قلب در نهایت انجذابست و روح در غایت اشتیاق آتشی
از محبت الله در دل افروخته و شمعی در زجاجة قلب روشن گشته که چون یاد یاران
* ص 458 *

خطور کند شعله اش جهانسوز گردد و زبانهاش عالم افروز ملاحظه کنید که در این
بساط چه قدر محترمید زیرا بند بندگی جمال قدم بگردن دارید و حلقه عبودیت اسم
اعظم در گوش پس بآنچه سزاوار عبودیت و بندگیست مجری دارید تا رخ در ملکوت
ابهي بر افروزید ع ع
مقابله شد

۵۰۰ خط مبارک

هوالبهي

سروستان جناب میرزا فتحعلی علیه بهاء الله الابهي

هوالبهی

ای حامی اغنام الهی خدمات و زحمات و مشقّات تو در این انجمن مذکور و معروف علی الخصوص که در آستان الهی مثل غلامرضاخان وکیل مخصوص دارید دائماً ورد زبانش بلکه کلمات نمازش ذکر شماسست و یاد شما گاهی یعنی اکثر اوقات لسانا و دائماً مستمرا قلباً من این شهادت را میدهم و از عهده تئائجش بعون و عنایت جمال ابهی بر میآیم تو مسرور باش و مشعوف که در چنین آستانی رحمانی مطاف ملأعلی چنین یار صادقی و دعاگویی موافقی که الآن حاضر و همدست داری و لیس هذا الا من فضل ربك

و جوده العظیم ع ع مقابله شد

۵۰۱ خط مبارک

* ص 459 *

هوالبهی

سروستان میرزا فتحعلی علیه بهاءالله الابهی

هوالبهی

ای بنده آستان حضرت احدیت عریضه واصل و ملاحظه گردید عریضه نبود حدیقه انیقه بود بگلهای معانی مزین بود و بریاحین عین الیقین مشحون و مطرز مشام جان رائحه خوش عرفان استشمام نمود و دماغ وجدان انفاس طیبه طیب ایقان استنشاق کرد اگر تأیید ملکوت جمال ابهی جوئی بر عهد و میثاق ثابت باش و دیگران را راسخ دار اگر عزت قدیمه پایدار جوئی ترویج امرالله کن زیرا تبلیغ امرالله عبارت از افشاندن تخم پاک در زمین طیب طاهر است و البهآعلیک ع ع

مقابله شد

۵۰۲ خط مبارک

سروستان بواسطه جناب آقاعلی اکبر زائر

جناب وکیل الرعایا جناب آقاسید میر احمد جناب آقاموسی جناب آقامحمود جناب آقامهدی جناب آقایدیع الله جناب آقاحیب الله جناب آقاحسین جناب آقا زین العابدین جناب خانی جناب آقاعبدالحسین جناب آقاعلی

* ص 460 *

جناب حاجی علی جناب آقامحمد جعفر جناب حاجی امین جناب مشہدی قربانعلی
 جناب مشہدی حسن جناب آقابھائی جناب حاجی خان جناب آقاہدایت جناب خان بابا
 جناب حاجی آقا جناب آقاعلی اکبر جناب آقاعلی جناب استاد علی نقی جناب
 آقا علی شاہ جناب آقاجعفر علی جناب آقامحمد حسن جناب آقامحمد کریم جناب
 آقاعبدالوہاب جناب آقافتحعلی اناب آقا محمد تقی جناب آقارسول جناب
 مشہدی محمد تقی جناب کاکاخان جناب آقامحمد حسن جناب عبداللہ جناب سیاہ
 خان جناب مشہدی عابد جناب محمد علی جناب عباسعلی خان جناب عطا جناب
 عباس
 جناب حسین آقا جناب آفاکوچک جناب ہادی جناب کربلائی محمد علی حسین والدہ
 بدیع اللہ ضجیع آقاعلی اکبر ضجیع مشہدی محمد ہاشم ضجیع بدیع اللہ بہہ
 خانم فائزہ خانم رضوانیہ خانم

ہوالہ

لک الحمد یا الہی بما شغفت الاحباً حباً بجمالک و تجلیت علی الاصفیاء فی

یوم

* ص 461 *

الوصال بآیات جلالک و نفحت روح الحیوة فی قلوب الاولیاء بفضلک و رحمتمک
 وانزلت علیہم مائدۃ السماء بجودک و موهبتک واصطفیتہم من بین الوری لاعلاء
 کلمتک و اجتبتہم من بین الاحزاب لنشر نفحاتک و ارتضیت لہم مقامات القدس فی
 ایامک و رشحتہم لتبلغ امرک و انتخبتہم لانتشار ذکرک فقاموا فیکل الجهات علی
 بٹ الآیات البینات و رفعوا الرايات و نشروا الکلمات و هتکوا الحجابات و نطقوا
 بالبرهان فی اثبات ظهورک و انطقوا عن الراحة والرخا و احتملوا کل شدۃ و عناء
 و صبروا علی الرزیۃ و البلاء منجدین الی ملکوت احدیتک و مشتعلین بالنار
 الموقدۃ فی سدرۃ فردائیتک و مشتعلین بترتیل آیات التوحید اثباتاً لوحدانیک
 رب اخترہم للوفود علیک فی حدیقۃ البقاء و الورود علی ساحتک فی جنۃ اللقاء و
 الطلوع من افق عنایتک فی عالم العماء و الصعود الی اعلی فرع من فروع سدرتک
 المنتہی حتی یرتموا بابدع الأنعام و احلی الایقاع فی جنۃ الماوی بذکرک و
 ثنائک فی ملکوتک الابھی انک انت المعطى الکریم العزیر الوہاب و انک انت
 القوی القدیر الفاتح للابواب لالہ الا انت المعطى بلاحساب ای دوستان حقیقی و
 بندگان آستان الہی حضرات زائرین چو بسجن نور مبین رسیدند

* ص 462 *

بنهایت سرور بستایش موفور از آن طیور حدیقه الهی لب گشودند که یاران سروستان راستانند و سر باستان رسوائیند و شیدائی سودائیند و حریص در جان فشانئی مفتون روی یارند و مجنون زلف مشکبار اسیر زنجیر محبتند و امیر سریر کشور عبودیت هر یک را از عشق دلیر مهربان تاجی بر سر و خلعتی از الطاف مبارک در بر واله و حیرانند و سرمست صهبای رحمن شب و روز نهایت آرزو دارند که برضای اسم اعظم موفق

شوند و در سیل جمال قدم جان فدا نمایند این بیان نهایت روح و ریحان به اسیران زندان بخشید که الحمدلله موطن حضرت اعلی ولایت شیراز پر نغمه و آواز است و از پرندگان آن چمنستان شهناز بلند است احباء الله در جوش و خروشدن و یاران از دست ساقی عنایت باده نوش و رندان الهی سرمست و مدهوش امید چنین است که عنقریب نور

مبین آن کشور و زمین را باشراق بهشت برین نماید و هر یک از یاران مانند طاوس علیین شهپر تقدیس بگشاید و جلوه نماید و شب و روز بجان و دل بکوشد که بیگانگی بکلی از میان برخیزد و پرتو یگانگی بدرخشد وحدت اصلیه جلوه نماید و موهبت قدیمه پرده براندازد تا این اتحاد و اتفاق و وحدت و محبت سرایت بدیگران نماید و بیگانگان آشنا گردند و محرومان محرم راز شوند

* ص 463 *

و بی نصیبان از فیض قدم بهره گیرند و دوران بملکوت حق نزدیک شوند ای یاران الهی بموجب وصایا و نصایح ربانی باید سبب وحدت عالم انسانی گردید و بنیان بیگانگی بر اندازید اگر در بین خود غباری باقی گذارید چگونه موفق باین بزرگواری گردید پس از دل و جان سعی بلیغ نمائید و جهدی عظیم مبذول دارید که کل در ظل نباء توحید محشور شوید و آیات تفرید تلاوت کنید و بمقامات تجرید رسید لعمر الله ان عبدالبهاء یشتاق رؤیایکم و یتمنی اتحادکم و ائتلافکم و یضیق صدراً اذا لم یسمع بشرنکم و علیکم البهاء الابهی ع ع
مقابله شد
۵۰۳ خط کاتب امضاء مبارک

هو الله

بواسطه جناب میرزا جلال

جناب محمد حسن خان و جناب ملاجعفر سروستانی علیهما بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای دو نفس زکیّه ندای شما بسمع اشتیاق مسموع شد و لقای شما محبوب و مرغوب گشت

هر چند بصر محرومست الحمد لله بصیرت محرم اسرار حیّ قیوم در محضر حاضرید و در انجمن الهی موجود و مشهود پس ملاحظه فرمائید که مواهب حضرت احدیت چه * ص 464 *

تأثیری در عالم وجود نموده و فیوضات اسم اعظم چه قدرتی نموده که این عبد را با آن یاران در محفلی جمع فرموده و صد هزار فرسنگ را حکم قدمی داده این چه محبت است

و این چه الفت این چه انسیت است و این چه اتحاد و یگانگی و وحدت عنقریب ملاحظه نمائی که صد هزار نفوس حکم یک نفس یابد و صد کرور اشخاص در ظل یک خیمه درآیند پس ای یاران با کمال ثبوت بر میثاق در نشر نجات بکوشید تا این گوی خدمت امرالله را شما از میدان بریائید ع مقابله شد ۵۰۴ خط مبارک

شیراز بواسطه حضرت بشیرالهی
جناب آقامحمد علی سروستانی ملاحظه نمایند

هو الله

الهی الهی قد سبقت رحمتک و تمت نعمتک و کملت موهبتک علی الذین اعترفوا بوحدانیتک و اعترفوا من بحر رحمانیتک و اقتبسوا من نار محبتک ربّ انّ عبدک محمد علی یرجوا المغفرة لایبه و اخته الذین اجابا الدعاء و رجعا الیک بقلب مطمئن بالفضل و العطاء ربّ اغفر لهما برحمتک الّتی سبقت الاشیاء و ادخلهما فی جوار رحمتک الکبری انّک لطیف بعبادک الفقراء و انّک انت الرحمن الرحیم
عبدالبهاء عباس
مقابله شد

۵۰۵ خط کاتب امضاء مبارک

* ص 465 *

بواسطه جناب آقامیرزا هادی افغان علیه بهاء الله الابهی
سروستان جناب زائر حضرت حیدر علی سروستانی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان در ایام جنگ ابر سیاه حرب عرصه عالم را بر جمیع تنگ نمود مخابره مقطوع و راه مسدود شد و وسائل روابط مفقود و هر انسان بالطبع منجمد و مخمود نه خبری و نه اثری نه پیامی نه سلامی ارواح امداد خواهد و نفوس را نفس رحمانی شاید الحمدلله ابر سیاه حرب متلاشی شد و صبح صلح عمومی را بدایت طلوع متلائی گشت راهای بسته باز شد و دلهای خسته آسوده گشت مشامها برائحه طیبه معطر گردید و ابصار بمشاهده آثار منور آمد دوباره نسیم جان پرور وزید و نفوس به آرزوی خویش رسید و از ظلمات حرمان برهید مرقوم نموده بودید که از قلم عبدالبهاء تا بحال اثری بآن دیار نرسیده حال آنکه مکاتیب متعدده بجهت نفوس ارسال شده ولی هنوز چاپار و برید انتظام نیافته امیدوارم که من بعد منتظم گردد و مخابره دمیدم شود اما جان عبدالبهاء در آن اوان همیشه بنفحات رحمن که از قلوب دوستان میوزد در نهایت روح و ریحان بود و در آستان یزدان تضرع مینمود و یاران روحانی و یاوران

* ص 466*

رحمانی را تأیید سبحانی می طلبد که از فضل جلیل مرّبی امکان آفتاب لامکان نیر پنهان هر یک چون حضرت خلیل در نیران فراق برد و سلام یابند ای دوستان حقیقی من یاران سروستان را فیوضات عهد و پیمان و الطاف ربّ الآیات جویم امیدم چنان است که همواره مسلک ابرار پویند و از اغیار بیزار باشند الحمدلله زنجیر محبت وثیق است و علاقه قلب شدید و یاران ثابت سرمست از رحیق کأس انیق زادکم الله ثبوتاً و رسوخاً و انار وجهکم بضیاء شمس الحقیقه و افاض علیکم فی یوم الميثاق فیضاً و اشراقاً و سطوعاً و علیکم البهَاء الابهی

۲۰ صفر ۱۳۲۸ عبدالبهاء عباسی مقابله شد ۵۰۶ خط کاتب مهر وامضاء

مبارک

بواسطه جناب بشیرالهی

جناب آقا حیدر علی سروستانی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت نابت اثر خامه مشکین حلاوت شهد و انگبین داشت مذاق روحانی شیرین گشت از سختی و گرانی ایران ناله و فغان نموده بودید اما هیچ میدانی که ایرانیان چه کرده اند و هنوز غافلند در اقصی بلد امریکا نفوس بیدار

* ص 467*

شده‌اند و اهل ایران هنوز در خواب غفلت گرفتار سختی و گرانی از گران جان‌بست که مورث هر بلائی و سبب هر ابتلائی شما دعا کنید که نفوس بیدار گردند و بدرگاه پروردگار راه یابند همه این زخمها مرهم یابد و جمیع این دردها درمان جوید جناب حاجی آقارضا و بقاءالله را تحیت ابدع ابهی برسان جناب علی اصغر را از قبل عبدالبها تهنیت و رعایت ابلاغ نما حضرت آقامیرزا محمد باقر خان فی الحقیقه ثابت بر پیمان و معین مظلومان و فریادرس بیچارگانست در آنچه میتواند قصور نمینماید جناب استاد حسنت فخر و جناب استاد عبدالله سلمانی را تحیت روحانی برسانید این قلم ضعیف باید با جمیع احبای الهی مخابره نماید ملاحظه کنید اگر اسم تنها بنگارد البته از عهده بر نیاید لهذا از حضرات عذر بخواید که فرصت مکاتیب علیحه نیست و علیک البهآالابهی عبدالبهآعباس

مقابله شد ۵۰۷ خط کاتب امضاء مبارک

هوالله

حضرة ورقه مبارکه حرم جناب افنان شجره رحمانیه آقامیرزا عبدالوهاب علیه بهآالله الابهی

هوالله

ای ورقه مبارکه جناب فرع سدره مقدسه افنان دوحه رحمانیه عازم رجوع بان صفحاتت

* ص 468 *

و متذکر آیات بینات لهذا ارمغانی بجهت تو خواست و در وجود اعظم ارمغان الطاف حضرت رحمن و بشارت عنایت ربّ یزدانست الحمدلله فضل وجود سلطان وجود در حقّ شما و ایشان بیپایانست و عبدالبهآ با نهایت تصرّع و ابتهال افنان سدره وجود را در هر دم فصلی مشهود خواهد جمیع منتسبین دوحه تقدیس را از قبل من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار و علیک البهآالابهی ع ع

مبارک

هوالله

ارض یا حضرت فرع جلیل سدره مبارکه حاجی میرزا محمدتقی علیه بهآالله الابهی

هوالبهی

ایها الفرع الجلیل من السدرۃ الالهیہ الحمد لله که فیوضات ملکوت ابھی از
جمع ارجاء و انحاء چون باران نیشان متتابع و رایت میثاق در قطب آفاق مرتفع
نیر امرالله در اوج عزت ساطع و بساط امن و امان در کل بلاد مفروش و از جمع
طوائف از شرق و غرب در ظل امرالله داخل عنقریب سطوت
* ص 469 *

کلمة الله کائنات را بحرکت آرد و هیکل عالم را مرتعش کند و قلوب را منتعش نماید
حمداً له ثم شکرّاً سبحان الله اهل فتور همت گماشته اند که این نور مبین را از
دیده ها ستر نمایند و این بدر منیر را مخفی کنند علو امرالله را انکار نمایند
و سمو کلمات الله را احتجاج کنند قصد آن دارند این گلپارها کز عمه پوشند
خورشید ترا هیئات ابعمی الناظرون عن الضیاء باری اگر حزب شبها
بآن صفحات با جنود مفتریات و الواح محترقه هجوم آرند البته آن حضرت باید با
کمال قوت مقاومت فرمایند که مبدا حلول در ضعفاء نمایند علی الخصوص نساء را
باید بسیار محافظه از مسائل اوراق شبها نمود چه که آنان کینوناتشان بسیار رقیق
است اندک غباری تأثیر نماید باری اهل فتور شب و روز با کمال الحاح در سعی و
کوشند که نار محبت الله را خواموش نمایند و کتاب عهد و کتاب اقدس را که ناسخ
جمع الواح و زیر است فراموش کنند ای فرع تیر عدوان آشنایان از سهم بیگانگان
مسمومتر و زخم تیغ مدعیان از شمشیر دشمنان شدیدتر در هر دمی سهمی و در هر
نفسی

سنائی انما اشکو بتی

* ص 470 *

و حزنی الی الله ای افنان سدره رحمانی این طیر آشیان الهی را زاغان جفا
احاطه نموده اند و جعدان بی وفا هجوم کرده و این غزال مرغزار رحمانی را ذناب
کاسره مسلط شده اند از هر سمتی صد هزار تیر افترا پران و از هر جهتی هزاران
شمشیر بغضاء تند و تیز و پران و این جسم نحیف بی نصیر و معین و بیسر و سامان
جمع

طوائف عالم متصل در هجومند و یاران و آشنایان بیش از کل در اشد طغیان دیگر
ملاحظه فرمائید که این مظلوم در بین احزاب چگونه مبتلا رب ایدنی علی ثقل
البلآء و تحمل الجفاء و التجلد فی موارد البأساء و الصرآء ایرب قرب

أيام صعودى اليك و وفودى عليك و حضورى بين يديك حتى انجو من ظلام ظلم هؤلاء
و
ادخل فى فضاء انوار قريك يا ربى الابهى و استريح فيجوار رحمتك الكبرى ايرب ضاقت
على الارض برجها و اشدت على الازمة باسرها و تفاقت الامور و هجم جمهور اهل
الفتور بسهام و سنان و سيوف البغى و الطغيان و جعلونى هدفا للنبال و غرضا
للنصال ايرب انت معينى و نصيرى و انت ولى و مجيرى اجرنى من ظلم هؤلاء
الذين لم يرعوا عهدك و ميثاقك و لم يحفظوا حرمتك و لم يصونوا حماك بل اسندوا
اليك الخطاء و ادعوا لانفسهم الصواب و قالوا ان المنصوص فى الكتاب يستحق
السب و الاجتتاب و اول من نقض الميثاق و ترك امرك و خالف عهدك يستحق الاطاعة و
الانقياد ولو قام باشد الاحتجاج على مطلع انوار عهدك السراج الوهاج اى رب
افتح ابصارهم المطموسه و شق اذانهم المسدوده و طهر قلوبهم المظلة المحجوبه
انك انت القوى القدير ع ع

جميع ياران الهى را تكبير ابدع ابهى ابلاغ فرمائيد والبهاء عليك ع ع مقابله شد
٥٠٩ خط مبارك

هو الابهى

يزد حضرت افنان سدره مباركه جناب حاجى ميرزا محمدتقى عليه بهاء الله الابهى

هو الابهى الابهى

الهى الهى انى اناجيك بلسان الابتهاال متذللًا متصدعًا متمسكًا بحبل التذلل و الانكسار
* ص 472 *

والانكسار خاضعًا خاشعًا لعظمتك و سلطانتك و ربوبيتك يا عزيز يا غفار و اسغفر
يا الهى عن ذنوبى و خطيئاتي التى اخجلتني و ثقلت على و اشغلتني عن الفناء فى
فناء باب احديتك و منعتني عن الصعود الى ملكوت الشهود و حجبنتني عن مشاهدة
آياتك الكبرى فى حيز الشهود و حالت دونى و دون ملاحظة انوار قدسك التى نور
الاقطار و شاعت و ذاعت بها الآثار و سدت مشامى عن استشمام روائح تقديسك التى
عطرت الارحاء و احببت بها القلوب و الارواح اى رب استغرقت فى بحار الغفلة و
الخطاء هل لى من منقذ الا انت و قد وقعت فى وهدة الذلة والفناء و هل لى من
مغيث الا انت و ابتليت و غشت الابصار غطاء الحرمان و هل لى من كاشف الا انت

فو عزّتک قد ضاقت الآفاق نجّی بفضلک و عنایتک یا عظیم الوفاء قد اشتدّت ظلمات
الاکدار انغذنی و ارفعنی الی جوار رحمتک الکبری و احسنی بجنود کلائتک یا
ذا الرحمة العظمی و احمنی من سهام اهل الشبهات المصوّبة الی من جمیع الجهات
لاستریح بباب احدیتک فی ملکوتک الابهی و استرزق من موائد اللقاء أنّک انت
الکرم ذوالعطاء
* ص 473 *

۵۱۰ خط مبارک

مقابله شد

ع ع

هو الابهی

یزد حضرت افنان سدره مبارکه الفرع الجلیل جناب حاجی میرزا محمد تقی علیه
بهاء الله

هو الابهی

ای افنان سدره مبارکه الهیه الان که در ذیل جبل کرمل در کمال بشارت بخدمت
آستان مقدّس مشغول و در رفع بنیان مطاف قدسیان منهمک و مألوف شب و روز باین
عبودیتّ جدیده مسرور و مشعوف که نامه روحانی آنحضرت رسید و از اخبار استقامت
جمیع افنان سدره مبارکه آن سامان نهایت انبساط حاصل گشت و حضرات دیگر ترویج
امرالله را فراموش نموده خدمات آستان مقدّس را کنار گذاشته اعلاء کلمه الله
را نسیان نموده و تخلق باخلاق را عبث پنداشته عزّت قدیمه سرمدیه ثبوت بر
میثاق را اوهام انگاشته شب و روز بنشر اراجیف مشغول گشته و در نشر اوراق شبّهات
کوشیده از بعد از صعود الی الان جمیع اهل فتور یک نفس را
* ص 474 *

تبلیغ نموده سبحان الله این چه مسلکی و این چه غفلتی و این چه نادانی و
این چه بدبختی و فلاکتی قسم بجمال قدیم که قلب چنان بجهت این قوم متأسف که
وصف

توان نمود چاه را ببیند باز خود را در اندازند و سم را مشاهده کنند باوجود این
بی جرعه نوشند رسوائی و ذلت و خسران دنیا و آخرت را مشاهده کنند با وجود این
خود را در اندازند باری الحمد لله که احباب یزد بهمت آن حضرت جمیع ثابت و راسخ
انشاء الله سائر افنان متزلزل نیز ثابت گردند در خصوص الاذکار عشق آباد هر
نوع مصلحت بدانید امر فرمائید تا مجری دارند ع ع

ورقه جوف را ملاحظه نمائید بعد بحضرت افنان بدهید چون مشغول بنیان مرقد مقدّس مطهریم اگر چنانچه دو نفر از حضرات افنان سدره مقدّسه که ثابت بر پیمانند حاضر گردند و با این عبد بخاک کنشی و سنگ کنشی در مقام مبارک مشغول شوند بسیار سبب سرور قلب است و در خصوص مجلس در یزد هر نوع آنحضرت مصلحت دانند مجری فرمائید و کل

باید اطاعت کنند ع ع مقابله شد

۵۱۱ خط مبارک

۹

ص 475

یزد کنیز عزیز الهی فرح انگیز ورقه سدره رحمانیه علیها بهاء الله

هوالله

ای ورقه شجره طوبی منظمه بلیغه و ایات فصیحه شما رسید و در نهایت روحانیت در محفل تبیل ترتیل گردید فی الحقیقه فصیح بود و بلیغ و بدیع بود و ملیح مضمون اشارات بآیات توحید بود و مفهوم شعله نار محبت حیّ قدیر از خدا خواهم که بآبی از حقایق و معانی بر روی تو بگشاید و آن دل پاک را بجواهر معارف بیاراید تا زبانی بگشائی که اهل ملأ اعلی را حیران نمائی و روز بروز بر ایمان و ایقان و عرفان بیفزائی مؤید باشی و موفق گردی ع ع مقابله شد

۵۱۲ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هو

حضرات افنان شجره رحمانیه جناب آقامیرزا آقا و جناب آقامیرزا محمود و جناب آقامیرزا باقر علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

جناب امین علیه بهاء الله حاضر و زبان بستایش آن افنان *ص 476*

شجره مبارکه گشوده که الحمدلله هر یک در افق عرفان مه تابانند و هر کدام در ثبات بر پیمان مانند جبل ثابت و راسخ قوی البیان از فضل حق روشن و نورانی و روحانیند و از رشحات سبحان عنایت بمثابه اشجار فردوس احدیت در نهایت طراوت و

لطافت و تازگی این ستایش در جهان آفرینش اعظم زینت و آرایش است ربّ اید افنان
سدره رحمانیتک علی اعظم من هذا ع ع مقابله شد ۵۱۳ خط مبارک

شیراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا نجل جلیل من فاز بالرفیق الاعلی
علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ایها الفرع الرفیع من السدره الرحمانیه همیشه بدرگاه حضرت احدیه بکمال
تضرع و ابتهاج مناجات میگردد که آن فرع رفیع را نشو و نما بخشد و طراوت و لطافت
عنایت کند تا سایه بر آن اقلیم افکند و اثمار شجره طوبی بار آرد ان ربی
هوالمؤید الکریم مطاف ربّانیا و کعبه روحانیا یعنی بیت مقدس را از
هر جهت محافظه و صیانت لازم و واجب
* ص 477 *

و خدمتی الیوم اعظم از این در آستان مقدّس نه کل باید بآن قیام نمائیم لهذا
بقدر امکان بکوشید که محلی در جوار تعلق به بیت مقدّس داشته باش و مسکن خادم و
محل طائفین حول آن کعبه مقصود شود خانه که حضرت افنان سدره الهیه جناب
آقاسید مهدی علیه بهاء الله ابتیاع فرموده اند اگر ممکن باشد و مستحسن شمرند
بهر نوعی که رضای مبارکشان باشد خو بست تعلق به بیت مقدّس باید بسیار عمل
مبرورست زیرا بیتوتت در بیت مقدّس جائز نه بهر عنوانی باشد باید بیت مقدّس فارغ
باشد و علیک التحیّه و الثناء ع ع
* مقصود اینست که خادم در آن محلّ منزل نماید اما ملک جناب آقاسید مهدی باشد
مگر آنکه خود ایشان بکمال روح و ریحان آنرا وقف بیت مقدّس فرمایند ع ع
مقابله شد ۵۱۴ خط کاتب مهر و امضاء مبارک
* این دو سطر آخر لوح بخط مبارکست

شیراز حضرات افنان سدره منتهی علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
لم ادريا الهی ان اشکو الیک ای بلائی و ابّ ای حزنی و ابتلائی
اربتت یا محبوبی علی ای مصیبتی ابکی و علی ای بلبّتی اتأوه و انتحب فی غدوی و
أصالی ارفع نحیی علی تابع البلاء و هجوم الاعداء بهذا الاثناء
* ص 478 *

ام اسیل الدموع من الآماق علی ما اشتدّ الساق بالساق من اهل النفاق علی عبدک الذی

هو هلال الانحلال عند المحاق ء اناؤه و اتحسّر بما ودعتنى تحت مخالب الصقور
 الصارقة و ودعتنى فريداً وحيدا تحت برائن الذئاب الكاسره و قطعت علىّ السبل
 والطرائق و اخدنى حسد الخصماء الالءاء المتشبين بكل الوثائق ان يرمنى فى بئر
 ليس لها قرار من على الشوائق ام اتحسّر على توالى المصائب القاصمة للظهور
 الراعدة للفرائض ربّ ترانى مغلوباً مقهوراً تتلاعب بى ايدى الابعاد و الاقارب
 فما من يوم الا سهم مفوق مرشوق و ما من صبغ الاو سنان مصوبّ مشروع و ما من
 مساء الاو سيف شاهر مسلول و مامن عشاءِ الا و كأس مرير مسموم و انا فى هذه
 البليّة العظمى ذاهل الفكر و النهى و اذا صوت الناعى يبغي بالمصيبة الكبرى و
 ينبأ عن الرزية العظمى وهى شهادة فرع دوحك الرفيع و ماتم افنان سدره
 رحمانيك الجليل سمى رسولك الكريم احمد المحمود القوىّ المتين الذى انتبه من
 شجرة فردانيتك و نشأ و نما فى ظل سدره رحمانيتك و سمع نداءك و آمن بك و
 بآياتك و صدق بكلماتك و طفح قلبه سروراً ببشارتك و قام
 * ص 479 *

على خدمتك و استقام على عبوديتك و تحمّل كل بلاء فى سبيلك و تجلّد على كل
 مشقة فى محبتك فهاجر البلاد حباً بالرشاد الى ان ورد فى السجن الاعظم و استجار
 جمال القدم و دخل محفل التجلى و شاهد انوار المتجلّى و سمع الخطاب و سلك منهج
 الصواب و تشرف بالمثول بين يدي العزيز الوهاب و دام فى الجوار متمتعاً
 بمشاهدة الانوار الى ان ذاق امرّ المذاق فى يوم الفراق عندما اظلمت الآفاق
 بافول نور الاشراق و تضعضع اركانه و ترعرع اعضاء و تسعسع اجزائه و ذاب لحمه و
 اندقّ عظمه من تلك المصيبته الدهمأ و الرزية الظلماء ثم هاجر الى البلاد
 الشاسعة فى الآفاق خدمةً لامرك بين اهل الوفاق و قد وهن عظمه و انحنى ظهره و
 ابيض شعره فى خدمتك بين الورى و له غاية المنى ان يرجع الى الارض البيضاء و
 يتوارى حول البقعة المباركة النورا و يرجع اليك مشتتسرا بالبشارة الكبرى ولكن
 يا الهى سبق منك القضاء و تمت كلمتك عليه ان يستشهد فى سبيلك فى موطن
 النقطة الاولى روحى له الفداء فثلت يدامن اعتدى و بعداً و سحقا لمن تصدى على
 هذه الخطيئة التى اندفقت بها دموع الدم من آماق الاحباء ربّ افرغ الصبر
 الجميل على الفرع الجليل و افنان
 * ص 480 *

سدره رحمانيتك فى ماتم ذلك القتل النبيل وكن سلوةً لقلوبهم و ضماداً لجروحهم و
 وقّهم على الرضاء بالقضاء والتجلد فيهذاالبلاء و الصبر على الجمر المحرق

للاکباد ربّ نورٍ جدت ذلك الفرع المجید و طیب رمس ذلك الشہید الوحید بصیب
رحمتک المنہم المردار من سحاب الغفران و اسط له قوادم الانجذاب و اباهر
الاشتیاق و خوافی الارتیاح حتی یفرق ذلك الطیر الصدّاح فی سماء علاء بہاء
الارواح و یصل الی اعلی ذرۃ ملکوت الابہی و یؤای الی السدرۃ المنتہی و
یترنم بابدع الانغام فی قطب الجنان و یدخل فی محفل التجلی و یشہد نور الجمال
المتلالی و یتخلد فی جنۃ اللقآء و یرتزق نعمة البقاء الی ابدالآباد انک
انت الکریم العزیز الوہّاب و انک انت المعطی الغفور الرحیم التوّاب ع ع
مقابله شد خط کاتب مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطه بشیر الہی
جناب آقامیرزا آقای افنان علیہ بہاء اللہ الابہی

ہواللہ

ایہا الفرع الرفیع من السدرۃ الرحمانیہ نامہ ۱۱ رجب بعد از مدتی واصل
گردید لذا در جواب تأخیر افتاد از یوم حرکت الی الان این نامہ رسیدہ اما
* ص 481 *

عبدالہیاء ہموارہ بیاد تو مشغول و بذکر تو مألوف و از آستان مقدّس ترا تأئید
و توفیق طلبم تا در قطب امکان ثابت و محقق نمائی کہ فرع آن سدرہ مبارکہ نی و
شرف اعراق و علویّت اخلاق را جمع نموده نی نسبت حقیقی است و بعبودیت آستان
سہیم

و شریک منی ای حبیب روحانی حضرت بزرگوار افنان سدرہ مبارکہ جناب ابوی محترم
سرور ابرار بود و از ملکوت اسرار نظر و توجّہ تام بشما دارد و آرزوی آن میفرماید
کہ از رشحات سحاب عنایت و حرارت شمس حقیقت و نسیم جانپور عنایت در جویبار
امر

مبارک چنان نشو و نما نمائی کہ شاخ و برگ بعنان آسمان رسانی تا عزّت ابدیہ رخ
بگشاید افنان سدرہ ربّانیہ جناب میرزا کوچک را از قبل من روی و موی بیوس و
تشویق و تحریص نا کہ شب و روز بخدمت آستان پردازد و علیک بہاء الابہی ع ع
مقابله شد ۵۱۶ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

عشق آباد حضرت افنان سدرہ مبارکہ جناب آقامیرزا آقا

عليه بهاء الله الابهي

هو الله

ايها الفرع الرفيع من الشجرة الرحمانية مصائب جان سوز نيريز البتة بسمع
ص 482

شريف رسیده نفوس مقدسه و هياكل منزّهه ئى از جواهر وجود و سروران اهل سجود
بمشهد فدا منجذباً الى الملكوت الابهي شتافتند و جان را بگان در ره يزدان فدا
نمودند بكت عليهم السماء و الارض و ارتفع نجيب اهل البهاء في هذه المصيبة
الكبرى و اشتد الصجيج من الملكوت الاعلى في هذه الرزية العظمى فيا اسفى على
تلك الوجوه النورانية و يا حسرتى على تلك النجوم الربانية و يا ظمأى
للتجرع من تلك الكأس الطافحة فى مشهد الغداء و يا شوقى للفوز بذاك المقام
الاعلى رب ان هولاء نفوس زكت عناصرها و صفت ضمائرها و لطفت سرائرها و انجذبت
الى ملكوت الجمال محفل اللقاء معرض التجلى بانوار البهاء رب انهم اشتاقوا
السيوف المسلولة و السهام المسمومة و الرماح النواهل فى سبيلك حبا بجمالك و
طلباً لوصالك و شوقاً الى رجائك رب اجعلهم كواكب ساطعة من افق البقاء و
سرجاً لامعة فى الاوج الاعلى و آيات المؤيد الموفق من تشاء على ماتشاء
لا اله الا انت العزيز الوهاب اي فرع جليل بازماندگان شهدا بيسر و سامانند و
آوارگان متفرق و پريشان

ص 483

لهذا بايد فكري نمود احبای شيراز همتى نموده اند و ياران طهران اعانتى کرده
اند ولى كفايت كى كند اين باده ها بمستى ما على العجاله بوسانلى تشبث شد و هزار
تومان و اندكى تهيه و تدارك گشت از بادكوبه نزد شما ارسال ميدارند فوراً حواله
بشيراز دهيد كه صد تومان بجناب عندليب برسانند و مابقى را بيزماندگان شهدا و
آوارگان تقسيم نمايند تا بعد به بينيم خدا چه تقدير ميفرمايد الامر له فى الامور و الاحوال
و عليك البهاء الابهي ع ع مقابله شد ۵۱۷ خط كاتب مهر
وامضاء مبارک

هو الابهي

جناب حاجى شعبان عليه بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند

هوالبهي

ای خادم افنان سدره الهیہ شکر کن حیّ قدیم را کہ زیارت روضه مبارکه مشرف شدی و از نفعات آن گلستان الهی مشام را معطر نمودی دیده را روشن و قلب را رشک گلزار و چمن کردی از خدا بخواه کہ بآنچه سزاوار این شرف اعظم است موفق شوی و بجان و دل بخدمت افنان قیام نمائی چون نیت لله میگردد هر خدمتی راجع باصل شجره میشود پس تو اصل
* ص 484 *

نیت را خالص کن البتہ باجر جزیل و رضای الهی موفق میگردی والبهاء علیک و
علی کل ثابت راسخ علی عهدالله و میثاقه ع ع
مقابله شد
۵۱۸ خط مبارک

هوالبهي

هنکانک حضرات افنان سدره الهیہ جناب فرع جلیل حاجی میرزا محمد علی علیه
بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهي

ایها الفرع الجلیل من السدرۃ المبارکة المرتفعه فی سیناء الظهور قد غاب صبح
الفرح و السرور و خاب امل اهل الجبور و انطفأ سرح الصدور و ناحت الحور فی اعلی
غرفات القصور و نادت أوّاه أوّاه انّ الناعی نعّی قد وقعت مصیبة و هنت بها
شدائد القوی قد انخسف بدر الامال و انتشرت نجوم الجمال و کورت شمس الجلال و
صاح اهل سرادق الاجلال واحزنا واولا قد صدمت رزبة بها انهدم بنیان الاصطبار
و خسف بها صروح الافراح قد اشتدت ارباح البلاء و هاجت زوابع الابتلاء و مرت
عواصف القضاء و اقتلعت اشجار الوفاء فنادت الطيور علی افنان سدرۃ المنتهی یا
اسفا علی
* ص 485 *

تلك الوجهة النورآء و الغرّة الغراء و الخريدة الفريدة فی كل العلیآء قد سالت العبرات و
تسعرت
نیران الحسرات و اظلم انوار المسرّات و شفقت الجیوب طلعات مقدّسات و نحن و ارفع
ضحیجھن بالعویل یا حسرتنا بما انهدام الرکن الشدید و نکس علم مجید و طوی شرّاع
رفیع و انخدمت نیران الافراح اگرچه این ماتم را با چشم گریان و قلب سوزان و
بریان اهل سرادق رحمن تلقی نمودند و از آه و اینین و تاوه و حنین انجمن یزدان

دقیقه آرام نگرفتند در این صورت تسلی مشکل است ولی چون آن طیر حدیقه بقا
 بریاض ملکوت ابهی پرواز نمود و آن بلبل باغ بها بفردوس ملاءاعلی عروج فرمود باید
 آن حضرت جمیع فروع سدره را تسلی بخشند و دلداری دهند از فضل قدیم و جدید ربّ
 مجید امیدوارم که عنقریب کل در آن انجمن رحمن مجتمع گردیم و در آن ظل ظلیل
 مستظل شویم از عین تسنیم بنوشیم و در بساط اهل ملاء عالیّن داخل گردیم انّه
 هوالموفی المؤید الکریم ع ع مقابله شد ۵۱۹ خط مبارک

ص 486

هوالله

مناجات در ذکر فرع جلیل حضرت حاجی محمد علی افنان علیه بهاءالله الابهی

هوالله

وانت الذی یا الهی خلقت و برئت و ذرئت بفیض جودک و صوب غمام رحمتک حقائق
 نورانیّه رحمانیّه و رقائق کینونات ربّانیّه صمدانیّه و ربّیتیّه فی عوالم قدسک
 بید ربوبیتک و انشئها بصرف فضلک و انتیها من سدره فردانیتک و اخرجها من دوحه
 صمدانیک و جعلتها آیتک الکری و موهبتک العظمی بین خلقک و من تلك الحقائق هذا
 الفرع الکریم و الاسم العظیم و النورالمبین ذوالخلق البدیع والوجه المنیر ای
 ربّ اسمعه ندائک و اریته جمالک و هدیته الی صراطک و شرفته بلقائک و القیت علیه
 خطابک و جعلته مظهر الطافک و مطلع احسانک و مهبط الهامک و اصنت وجهه بنور
 عرفانک و عطرت مشامه بنفحاتک و انطقه بشائک و شرحت صدره بآیاتک و ارحت روحه
 بجودک و

روحک و روحک و شمیم نسیم حدیقه اسرارک و اثبتّه علی

ص 487

عهدک و میثاقک و مکتب له فی ارض الوجود بقوتک و اقتدارک ای ربّ لما هدیته
 الی النار الموقده فی سدره البقاء و اصطلی بنارالهدی فی سیناء الاعلی شرب کأس
 الوفاء و ثمل من سورة المشمولة الصهباء و صاح و نادى یا ربی الاعلی وفقنی
 علی ما تحب و ترضی و بیض وجهی فی النشأة الاخری كما نورته فی النشأة
 الاولى فلما تنفس صبح الهدی و اشرفت شمس ملکوتک الابهی و انتشرت انوارک علی
 کل الارحاء توجه الی ضیاء جمالک توجه الحریاء و اجاب ندائک ببلی و هام فی
 بیداء الولاء و استهام فی نور جمالک الساطع علی الانحاء و قام بالشاء بین

ملاً الاحبّاء و توكلّ عليك و توجه اليك و وفد عليك و تمثّل بين يديك و تشرف
بالاصغاء باذن واعيه و احتظى بالمشاهدة و اللقاء ببصيرة حديده كافية و شغفته
حباً و ملاً منك عشقاً و غراماً و ناجاك صباحاً و مساءً و غدواً و اصلاً اي ربّ
اكمل ايامه و انتهى انفاسه و ترك قميصه و خلع ثيابه و رجع اليك طيباً طاهراً
عرباناً خالصاً مشتعلاً منجذباً متشوقاً مهتزازاً بنفحاتك اكرم مثواه و انزله
منزلاً مباركاً خير نزل في جوار رحمتك الكبرى و ارفعه الى مقعد صدق ممكن قدس في
ملكوتك الابهي و ظلل عليه سدرتك المنتهى
* ص 488 *

و احشره مع الملاء الاعلى و اسقه كأس اللّقاء و قدر كل خير لمن يزور
رمسه الطاهر الميكي الشذا و اجب دعاء من يدعوك في بقعة روضة الغناء انك انت
الكريم الرحيم العظيم الوفاء و انك انت الرحمن يا ربّي الاعلى ع ع مقابله شد
٥٢٠ خط مبارک

هو الابهي

جناب افنان حضرت آقا ميرزا آقا عليه بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند

هو الابهي

ربّ مولائي و سيدي و منائي انت رجائي و انت بهائي فضلك غاية آمالي و جودك
اعظم سئوالي ذكرك سراجي و شوقك سبيلي و منهاجي حبك روحي و فيضك فتوحي
عرفانك
ايماني و افنانك سلوتي و اطميناني اسئلك بموهبتك التي خضرت بها كل الاشجار و
اثمرت بها كل حدائق الجنان و انتشبت بها كل رياض و اهتزت و ربت و انبت كل
غياض بان تجعل هذا الفرع خضلاً نصرّاً مخضراً ربّاناً مؤنقاً في ايكه قدس
فردانيتك و روضة انس رحمانيتك حتى تبهر الابصار و تحير الافكار و تشخص
الانظار نضارته و لطافته

* ص 489 *

و طراوته انك انت المفتر المتصرف المعطى الجواد الكريم ع ع مقابله شد
٥٢١ خط مبارک

هو الابهي

حضرت فرع شجره مبارکه جناب حاجی میرزا محمدعلی علیه بهاءالله الابهی ملاحظه
نمایند

هو الابهی

ایها الفرع الجلیل من السدرۃ الرحمانیة چند روزی پیش مکتوبی ارسال شد و حال
چون قلب و روح بنفحات روحانی محبت احبای الهی مستبشر خامه و مداد حاضر نموده و
بذکر آن محبوب فؤاد مشغول گردیدم و از الطاف خفیه سلطان احدیه امیدوارم که آن
فرع مبارکه شجره رحمانیه در جمیع احیان بنفحات قدس رحمن مهتر و زنده و تر و
تازه باشند و بنسائم ریاض جمال انفاس طیبه طیب فردوس یزدان مستبشر و منشرح
گردند در مدینه عشق آباد امرالله مشتهر و واضح و باهر و بهیچوجه ستر و حجابی
در میان نه حضرات در آنجا در بیت اعظم اساس مشرق الاذکارى نهادند و نا تمام
گذاشتند حال جمیع طوائف سائره در آنجا حتی بعضی اجزاء حکومت سنوال و استفسار
مینمایند که چرا

* ص 490 *

نا تمام گذاشته اند و بعضی حمل بر عجز این طائفه نموده اند که تا بحال قدرت
بنای یک مشرق الاذکار ندارند چه که مدینه تقیه نمانده که مدار اعتذار باشد و از
قضا مقداری که تعمیر شده آن نیز بر قواعد و اصول مشرق الاذکار بنا نگشته لهذا
نقشه آن در اینجا کشیده شد که در هر جا بخواهند که بنا کنند بر این منوال
تأسیس نمایند حال مقصد اینست که از آنحضرت در این خصوص مشورت گردد که چه
قسم

مصلحت میدانید و نقشه نیز ارسال میشود این نقشه نه باب و نه خیابان و نه باغچه و
نه حوض و نه ضلع و نه عمود و نه رکن و نه غلامگردش و نه رواق از داخل است که
جمعاً نه اندر نه است که ترتیب روضه مطهره خواهد بود حال چون اسباب مهیا نه
مقصد اینست که محلی در ارض اعظم عبرت از نه رکن در وسط ارض بنا شود من بعد
بمقتضای وقت و اسباب اکمال گردد و آن بنا که از پیش شده در کناره واقع بان
بهیچوجه تعرض نشود بر حال خود باقی ماند و البهء علیک ع ع مقابله شد ۵۲۲ خط
مبارک

* ص 491 *

هو الابهی

ش حضرت افنان سدره رحمانیه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاءالله الابهی

ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکۃ چندیست که خبری از آن فرع رفیع نرسیده و نفعه معطرّی بمشام مشتاقان نرسیده از الطاف خفیه و عنایات جلیله ملکوت ابهی امیدوارم که در جمیع امور مؤید بتأییدات غیبیه الهیه گردید و سبب نشر نفعات رحمانیه جناب عندلیب علیه بهاء ربّه الجلیل ببلیآء و ضراء و اضرار متعدده مبتلا شدند و از هر جهت دلتنگی و دست‌تنگی بجهتشان فراهم آمده است ملاحظه ایشان از هر جهت لازم و واجب لهذا اگر چنانچه از حقوق چیزی نزد آنحضرت حاضر گردد مبلغ هشتاد تومان تقدیم جناب عندلیب فرمائید ع ع مقابله شد

۵۲۳ خط مبارک

* ص 492 *

هوالبهی

حضرت افنان دوحه بقا جناب میرزا آقا علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الکریم من الشجرۃ المبارکۃ چون در این ایام سیل شدید در نیریز شده و اهل و عیال جناب حاجی میرزا حسن علیه بهاءالله الابهی آنچه داشته کل معدوم و مفقود گشته در نهایت درجه مشقتند لهذا اگر از حقوق چیزی نزد آنجناب موجود مبلغ سی تومان بعیال جناب مشارالله و سی تومان بجناب آقامیرزا احمدعلی که در نیریز است بهر وسیله که ممکن باشد برسانید و این کیفیت سبب حصول رضای جمال مبارک روحی لاجبایه فداست و البهآء علیک ع ع مقابله شد

۵۲۴ خط مبارک

هوالبهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقامیرزا آقا علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکۃ مکاتب متعدده
* ص 493 *

ارسال گشت و حال نیز بذکر شما مشغولیم ملاحظه بفرمائید که قلب در چه مقام از وله و انجذابست که صد هزار مشاغل و متاعب و موانع و مصائب دقیقه نی این قلب و روح را از یاد و ذکر افنان دوحه بقا مانع و حائل نگردد پس چون موج این بحر عبودیت و فنای ساحت کبریاء بان سواحل و شواطی ظمآء و عطاش رسد دامن طلب و اشتیاق را از

لثالی انجذاب مملو فرما و بتمجید و توحید و تسبیح و تقدیس جمال قدم و اسم اعظم روحی و ما ملکنی الله فی سبیل احبائه فدا زبان بگشا که این چه لطف عمیم و فضل عظیمست که هیاکل فنا را مظاهر انوار بقا فرمودی و نفوس مسکین را در ظل سدره منتهی مأوی دادی علیلان را درمان عنایت میذول داشتی و درماندگان را مرهم و رحمت احسان کردی بال و پر شکستگان را جناح قوت دادی و موران را بر تخت سلیمانی نشاندی ما بنده ضعیفیم و بنهایت نحیف و حقیر عبدالبهاء عباس ع چون لطف و رأفت شما در حق دوستان مبثوث و مسلمست لهذا از
* ص 494 *

حق میطلبم که شما را در جمیع شئون موفق فرماید حتی در تحصیل حقوق جناب درویش

از برادر بيمروّت و کیش و این عمل را اجر جزیل در پی و البهآء علیک ایها الفرع
العزیز عبدالبهآء ع
مقابله شد
۵۲۵ خط مبارک

هوالبهی

حضرت افنان الشجرة الرحمانیه جناب حاجی میرزا محمدعلی علیه بهآء الله الابهی
ملاحظه نمایند

هوالبهی

الهی الھی هذا فرع من فروع سدرۃ رحمانیتک و دوحۃ من حدائق کلمۃ وحدانیتک و سراج موفق ملتهب بالنار المتسعرۃ فی شجرة فردانیتک ای ربّ قد قضی الایام و هو

متبّل اليك و سهر الليالى و هو متضرّع بين يديك و يتعّظ فى الاسحار و هو مبتهل الى ملكوتك متوكلاً عليك كم هو ناجاك فى جنح الظلام و كم هو ناداك فى خلوات الليالى و الايام راجياً ان تحفظه من سهام الشبهات و تثبت قدمه على صراطك القويم و منهجك المستقيم بالآيات الباهرات و وضوح البشارات اى ربّ انه آواى الى كهف
* ص 495 *

عونك و عنايتك و التجاء الى جوار صونك و حمايتك و لاذ بحصن حفظك و كلائتك ايرب احرسه بجنود غيبك و ملائكتك و لاحظه بعين رعيتك و صياتك و احى قلبه بنفحات قدسك

و اشرح صدره بروحات انسك و انعش فؤاد بنسائم تقديسك و نور وجهه بانوار توحيدك و اقر عينه بمشاهدة آثار تأييدك و اسبغ عليه نعمتك و اشمله بلحظات طرف عنايتك و افتح عليه ابواب برکتك و اجعله مظهر آيات رحمتك بين بریتك انك انت المقتدى
المتعالى العزيزالكریم ع ع
مقابله شد ۵۲۶ خط مبارک

هو الابهي

جناب افنان ميرزا آقا عليه بهاء الله الابهي و جناب حاجى ميرزا على افنان عليه بهاء الله الابهي جناب غلامحسين خان عليه بهاء الله الابهي جناب فاضل عليه بهاء الله الابهي جناب ميرزا محمد باقر عليه بهاء الله الابهي جناب آقا ميرزا بزرگ عليه بهاء الله الابهي جناب آقا سيد محمد على عليه بهاء الله الابهي
اگر چه شمس حقيقت بظاهر بغمام غيبت مجلل لکن چون بچشم بينا نگری و گوش شنوا

بشنوی و قلب آگاه
* ص 496 *

بينديشى انوار نير اعظم شديدتر شد و شعاع سراج الهی روشتر بحر اعظم کبريا امواجش عظيمتر گشت و فيوضات سماء رحمن قویتر و ظاهر تر چه که تا بحال غمام هيكل بشری مانع مشاهده آفتاب حقيقت بود حال آن بدر منبر و آفتاب فلک اثير از افق ابهي فى الحقيقه مقدّس از جميع شئون و طالع و لائحست و نريکم من افقى و ننصر من قام على نصره امرى بجنود من الملاء الاعلى و قبيل من الملائكة المقرين نص قاطع چنانچه در ظهور مظاهر احديه من قبل مشهود واضح گشت که بعد از صعود

عروج معدودی قلیل و بحسب ظاهر عیدی ذلیل بودند چون این نفوس ضعیفه
باستقامت

کبری قیام نمودند از تأیید و توفیق الهی و فیوضات روح القدس معنوی از مشرق
امکان چنان طالع و لائح گشتند که انوار سرمدیه اش آفاق جهان باقی را روشن و منیر
مینماید البدار البدار یا احباء الله و امنائه الی هذا الفضل الاعظیم الوحی
الوحی یا خیرة الخلق و صفوتهم
* ص 497 *

الی هذا المقام المتعالی المفخّم ع ع
۵۲۷ خط مبارک
قابله شد

هو الابهی

ایها الفرع المبارکه من سدره المنتهی نور الله وجهک بالانوار الساطعة من
الملکوت الابهی اگرچه خزان احزانست و خریف اشجان وقت ناله و فغانست و هنگام
چشم

گریان با وجود این عندلیب وفا چگونه آغاز راز و نیاز کند و نغمه و آوازی بر آرد
که قلوب را تسلی بخشد و نفوس را سکون و قراری و ارواح را شکیب و اصطباری
ارزانی

کند و لکن چون عنایات سلطان احدیت و مواهب و فیوضات حضرت رحمانیت در جمیع
شئون

شامل آن فنون شجره مبارکه بوده و هست و انوار هدی از افق ابهی ساطع و لامع و
فیض حقیقی و تأیید الهی از ملکوت الهی متتابع باید بشکرانه این نعمت عظمی و
عنایت ابهی دست ستایش بر افراخت و زبان نیایش گشود و بمحامد و نعوت الهیه در
مایین برّه مشغول گشت تا انا فانا این تأیید تزئید یابد و این فیض تهدید شود
احبای الهی را جمیعاً یعنی هرکس که در آنجاست بتکبیر ابداع ابهی مذکرم
والبهاء علیک ایها الفرع المبارک العظیم
ع ع

* ص 498 *

مقابله شد ۵۲۸

ع ع

هو الابهی

هند حضرت افنان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهاء الله

الابهی ملاحظه فرمایند

هوالبهی

ایها الفرع الجلیل من السدرۃ مبارکه قلب مشتاقان طالب و مانل که در هر ساعتی
ورقی نگارد و در هر دمی رقمی زند مراتب اشتیاق را بیانی کند و انبعاثات دل و
جان را شرح و تشریحی نماید لکن فرصتی دست ندهد و زمان کفایت نکند یک نقطه
است

الواح و زبری تفصیل و تفسیر در هرآن لازم و یک جذوه است صد هزار شعله در هر دمی
واجب در هر دقیقه این معین مداد اگر چون بحر محیط امواجی چون جبال زند کفایت
نکند و در هر نفسی این خامه اگر چون سیل فیضان نماید از عهده بر نیاید مقصد
اینست اگر فرصتی بود در هر طرفه العین کتاب مبینی ارسال میشد اما فی الحقیقه در
عوالم روح و فؤاد در جمیع اوقات مکاتبات و مخابرات مستدام و بر قرار است فتوری
* ص 499*

ابدأ نیست و در کل حین و آن بکمال عجز و ابتهال بملکوت ابهی تضرع و نیاز
میشود که آن فرع رفیع باوراق تأیید و ازهار تجرید و روانح توحید مؤید شوند و از
افق این کور اعظم بانوار ساطعه ثبوت و رسوخ و قیام بر خدمت امرالله چنان مشرق
و لامع گردند که آفاق اکوان را روشن نماید ربّ ایدّه بتأییداتک و ووقه
بتوفیقاتک انک انت الکریم الرحیم ع ع
مقابله شد
۵۲۹ خط مبارک

هوالبهی

حضرت افنان سدره الهیه جناب میرزامحمد علی علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الجلیل من السدرۃ المنتهی علیک بهاءالله و ثنائه و نور و ضیاء و
فضله و جوه و نواله در این وقت که هویت قلب از حغیف سدره منتهی در اهتزاز است
و حقیقت روح از نفحات ملکوت ابهی در نهایت انجذاب چشم از مشاهده آیات کبری
روشن
و جان و وجدان بیاد آن شاخ بزرگوار سدره

* ص 500 *

سدره رحمانیه گلزار و گلشن این عبد خامه برداشته که نامه نگارد و آنچه در حقیقت فؤاد مودوع بیان نماید و حال آنکه قلم و مداد از عهدۀ بیان اشواق قلب و فؤاد بر نیاید و صفحه و اوراق حقیقت هیجان دل و جان را ننگجد بلکه جوهر تیبان این موهبت رحمن منوط بغیض روحانی و ارتباط معنویست که در سر وجود مودوع و مستور

است ربّ و سلطانی و مولای و رحمانی هذا فرع جلیل من سدرة رحمانیتک و فنن رفیع من شجرة وحدانیتک اشمله بلحظات عین عنایتک و ارسل الیه فی کل حین نسائم ریاض احدیتک و ادرّ علیه غمام فیض صمدانیتک و الق علیه شعاع شمس حقیقتک حتی یخضر باوراق الطافک و یزهر بازهار احسانک و یثمر باثمار عرفانک و ینشأ فی ریاض آثارک و یمتد الی سمآ جودک و اکرامک ای ربّ خصّصه بآیات فضلک و عطائک و ایدّه بمظاهر الطافک و انعامک و انصره بجنود ملکوتک و انجده بملائکة قدسک و اجعله آیه باهرة فی ملکک و رایة متدفقة فی اعلى الاعلام بین عبادک و نور وجهه بانوار توحیدک و اشرح صدره باسرار تغربدک و اسمعه من نغمات طیور القدس من جبروت

* ص 501 *

تقدیسک و اجعله مظهر نورک و مقتبساً من نار طورک و اثر ظهورک و نفة ریاضک و جریة میاه حیاضک و آیه فیضک و فضلک لعبادک انک انت المعطى الکریم الوهاب
عبدالبهآ ع مقابلہ شد ۵۳۰
خط مبارک

هوالبهی

قاب نقره که از صنایع بدیعۀ چین و بجهت وضع اثر شمائل جمال انور بود بواسطه جناب حاجی سید جواد علیه بهآء الله رسید و بانوار ساطعۀ او شمائل مقدسه مزین گردید و در حین زیارت بیاد آنجناب مشغول میشوم فی الحقیقه آن حضرت موفق باین موهبت شده اند سه قاب موجود دو تا به شمائل مبارکه جمال قدم و یکی بشمائل مبارکه حضرت اعلى روحی لاحتیائهم الفدا مشرف شده اند و هر سه مرسله آن حضرتند لعمرک هذا فضل عظیم وجود مبین والبهآء علیک عبدالبهآء ع مقابلہ شد

هوالبهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب حاجی میرزامحمد علی علیه بهاءالله الابهی ملاحظه
نمایند
* ص 502 *

هوالبهی

یا الهی ورجائی اعلم سرّی و علانیّتی و خفائی و جهاری و تعرف مبلغ حبّی و شغف
و دّی بفرع سدره فردانیّتک و افنون شجرة وحدانیّتک و فضیلة دوحه رحمانیّتک ای ربّ
طیب منبته بصیّب الطافک و رطبّ اوراقه بفیض سحاب احسانک واجعله مورقاً بمطار
ربیع اکرامک و مزهراً بنسائم جنّته عنایتک و مثمراً فی فردوس وفائک ای ربّ عطر
الافاق بفوحات ریاض قلبه و نور الارجاء بسطوع شعاع شوقه و اشعل الافئدة من
النار الموقدة التي اشتدت لواعجها من نیران محبتک و ارح الارواح من استماع
نداء الذي ارتفع من عشقتک و شوقک ای ربّ ادم علیه انعامک و تمّم علیه نعمک و
آلائک انک انت الکریم الجواد الرحیم ع ع
۵۳۲ خط مبارک

هوالبهی

در خصوص مشرق الاذکار جواب مرقوم بود بسیار مقبول انشاءالله بهمین قسم مجری
میشود و از فضل و عنایت جمال قدم روحی لتراب تربة فدا امیدوارم که در جمیع امور
مؤید و موفق گردید و ابواب کل خیر بر وجه آن جناب
* ص 503 *

فتوح گردد و البهّاءعلیک و علی کل ثابت راسخ علی میثاق الله ع ع
مقابله شد

هوالبهی

حضرت افنان سدره مبارکه الهیّه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهاءالله الابهی
ملاحظه نمایند

هوالبهی

ابها الفرع المجید من الشجرة المباركة الناطقة فی سدرۃ السینا علیک بهاءالله و ثنائه و فضله و جود و احسانه حضرت افنان کبیر فرع جلیل علیه بهاء ربّه العظیم و محبوه الکریم از این

ظلمتکده فراق بخلوتگاه محبوب آفاق صعود فرمودند و بمنتهای شوق ربّ ادرکنی گویان بملکوت ابهی و افق اعلی شتافتند آن منجذب الی الله از بدایت نشئت بچه فضل و موهبتی موفق و مؤید شدند و بچه خلعتی مخلع گشتند از اشرف اعراق بودند و باکمل اخلاق مشهور شدند از سن طفولیت و بدو صباوت منجذب ملکوت اعلی بودند و متوجه جبروت اسمی و چون
ص 504

نشو و نما نمودند در تحصیل علوم کوشیدند و جام عرفان را از ید ساقی عنایت چشیدند و چون انوار صبح الهی بغیض نامتناهی آفاق اکوان را منور نمود و نفحات قدس مشام مشتاقان را معطر کرد چشمی روشن نمودند و جانی گلشن کردند اقتباس انوار از
مشکاة

الهی نمودند و اکتساب فیض نامتناهی از غمام رحمانی و چون شمس قدم از افق اسم اعظم طالع و لانج گردید چون نجم بازغ باز استفاضه انوار از آن نیر بزرگوار نمودند و بنور هدی در بقعه سینا مهتدی شدند فرع جلیل این سدره مبارکه شدند و افنون رفیع این دوحه مقدسه سائق توفیق و دلیل موهبت ربّ کریم در آفاق گرداند تا آنکه در ظل جمال قدم و پناه اسم اعظم روحی لاحبانه فدا منزل و ماوی عنایت فرمود مدتی از عمر را در جوار جمال مبین و سایه حصن حصین بسر بردند و مظهر الطاف جلیله و عنایات عظیمه و احسانات متابعه بودند و چون زلزله بر ارکان وجود افتاد و کینونت اکوان و امکان از فراق
ص 505

جمال رحمن بگداخت و این جهان سرور ظلمتکده غوم گشت و این گلشن ازهار گلخن آتشیار گشت ارکان حقائق نفوس مقدسه متلاشی شد و بنیان حیات ذوات منجذبه مهودم گشت صبر نماند و قرار بباد رفت از آن ایام حضرت افنان حالش دگرگون شد و شدت حرقش انا فانا افزون گشت تا آنکه فی الحقیقه مدتی بود مدهوش و بیهوش بودند تا آنکه در این ایام پر اشتیاق باز نمودند و برفیق اعلی و افق ابهی پرواز نمودند و در آن گلشن تقدیس در سدره منتهی آشیانه ساختند و در جوار رحمت کبری منزل و ماوی گرفتند و مظهر آیه مبارکه والسلام علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حیا

شدند طوبی له ثمَّ طوبی له بشری له ثمَّ بشری له ربَّ ورجائی و ملجئى و ملاذی
 هذا افنون من افنان شجرة رحمانیتک و فرع من فروع سدره ربانیتک قد احترقت کبده
 من نارالفراق و هزته نسائم الاشتیاق حتّی تاجت نیران الاشواق بین الصلوع و
 الاحشاء و اتهل الی ملکوتک الابهی ربّ ارجعنی الیک و نجنى من وهدة النوى و
 شدّة الجوى و ورطة الاسی بفضلك و جودک
 * ص 506 *

یا جمال الاعلی و ربّ الآخرة و الاولی و ادرکنی ادرکنی و فی جوار رحمتک اسکنی
 و من موائد لقانک ارزقنی و من موائد عنایتک اطمعنی بروح مشاهدتک احنی و بنور
 و صلک نورنی و من كأس البقاء فی ساحة اللقاء اسقنی و من نغمت طيور القدس
 فاسمعنی ربّ اجب دعائه و استجب مسئوله و یسرّ له امره و اشرح صدره و نور وجهه و
 افرح قلبه و سرّ روحه برحمتک الکریری و فضلک و جودک یا من یدک ملکوت الاشیاء
 انک انت الفضال المتعالی الکریم ع ع مقابله شد ۵۳۲ خط مبارک

هو الابهی

ای افنون منشعب از سدره الهیه جعلک الله خَصْرًا نَصْرًا رَطْبًا طَرَبًا
 مُزَهَّرًا مَثْمَرًا این جهان ترابی هر چند نزد نادانان وسیع و دلگشاست لکن فی الحقیقه
 بسی تنگ و تاریک است شرابش سرابست و عذبش عذاب شهدهش حنظل است و حیاتش
 مَمَاتٌ مَعْجَلٌ راحت و سرورش دمبست و دریای پر خروشش عبارت از شبنمی بقسمی
 تنگ است که گیاه ضعیف ریشه ندواند و حتّی مرغ حقیر لانه و آشیانه نتواند لهذا
 * ص 507 *

افنان سدره مبارکه باید انشاءالله در فردوس الهی قدی بفرزند و در حدیقه بقا
 سبز و خرم گردند و باثمار وله و جذب و اشتعال مزین گردند در انجمن دوستان شمع
 فروزان باشند و در مجامع تقدیس و شبستان توحید مشعلی سوزان ای افنان شجره
 مبارکه شما مطالع آیات ربّ مجید و مشارق انوار ربّ فرید سرو بوستان عنایتید و
 گل گلستان احدیت لثالی اصداغ عزت قدیمه اید و جواهر معادن حضرت وحدانیت
 باید در جمیع احیان از افق امکان کوکب لامع باشید و ستاره هدایت ساطع ان فضل
 ربکم علیکم عظیم عظیم و البهاء علیک ع ع مقابله شد
 ۵۴۳ خط مبارک

هو الابهی

اینها الورقة المبارکه حضرت فرع شجره رحمانیه آقامیرزا عبدالوہاب در بقعه مبارکہ زیارت عتبه مقدسه مشرف و فائز است و بقیه ملا اعلی ساجد و راکع و در جمیع اوقات بیاد شما مشغول و بذکر شما مألوف امیدوارم من بعد شما نیز مشرف گردی الحمدلله از سدره مقدسه نابتی و
* ص 508*

در ظل عصمت فرع دوحه مبارکه طیبه الہیہ و مؤمنه و موقنه و ثابتہ و راسخہ
فاشکری اللہ علی هذا الفضل العظیم ع ع
۵۳۴ خط مبارک

حوالہ

ایہا الفرع النجیب من السدرۃ الرحمانیہ در کمال استعجال مرقوم میشود نفوس مقدسی در نیریز هدف سهام درندگان خونریز گردیدند و در سیل فدا جام لبریز نوشیدند و بمنتها آرزوی مقرین رسیدند ولی بازماندگان بی سر و سامان و آوارگان نیریز در سروسنجان در نہایت احتیاج لهذا بقدر ہزار تومان و کسری تدبیر شد و از بادکوبہ نزد آنحضرت ارسال خواهند داشت بوصول حوالہ بشیراز دہید کہ تأخیر نشود صد تومان از این وجہ تعلق بجناب عندلیب دارد تسلیم ایشان نمایند و مابقی تعلق ببازمانگان شہدا و آوارگان نیریز دارد و علیک بہاء الابیہ ع ع مقابلہ شد
۵۳۵ خط مبارک

* ص 509*

حضرت افنان شجره مبارکہ جناب حاجی میرزا محمد علی علیہ بہاء اللہ الابیہ
ملاحظہ نمایند

حوالہ الابیہ

ایہا الفرع الرفیع المنشعب من سدرۃ المنتہی علیک بہاء اللہ و ثنائہ و نورہ و ضیائہ و فضلہ و جودہ و علائہ قد تلوت ما ناجیت بہ ربک المجید و تصرعت الی مولاک القدیم و ابتہلت الی ساحة قدس محبوبک العظیم و رتلت آیات شوقک و الواح

انجذابك و سعت اينيك و حينيك شوقاً الى لقاء ربك و توقاً الى الملكوت الابهي
 فهنيئاً لك بما ثبت على امرالله و استقامت على حبه و رسخت قدماك في موقف
 الرجفة الكبرى و الرادفة العظمى اذ تزلزلت اركان الارض و السماء و زلت اقدام
 اولي النهي و انفصمت ظهور الفحول من شدائد الامتحان و قوة الافتتان من وقوع
 المصيبة الدهماء الصماء العمياء اذاً ايها الفرع المجيد فاحفظ
 احباء الله و اودائه

* ص 510 *

لو تهفّ فراش شبّهات اهل البيان حول سراج قلوبهم ليحترق جناحه و ان يسترق السمع
 شياطينهم فلتكن نفحات قلوب احباء الله و انوار اسراره شهياً ثاقبة تطردهم و
 تتضرّع الى ملكوت الابهي ان يحشر الموحدين في هذه الايام تحت لواء الاستقامة
 الكبرى و الثبوت و الرسوخ على امرالله و يجعلهم مطالع ذكره و مشارق نوره و
 مظاهر برهانه و مهابط الهامه حتى يتور الامكان بانوار وجوههم و يشتعل قلب
 الاكوان بنار حبه و ينجذب ارواح الوجود من شوقهم و توقهم لعمرالله يتهلل وجه
 السماء بوجود هولاء و يصيح وجه الغبراء جنة الابهي بوجوه هولاء و صلى
 اللهم على شجرة وحدانيتك و اغصانها و افنانها و اوراقها و ازهارها و اثمارها
 بدوام سلطنتك العظمى انك انت المقدر القدير ع مقابله شد ٥٣٦ خط مبارك

هو الابهى

قونسول ايران در بمبئی و چند نفس مجهول خيال رخنه در امرالله دارند افنان
 سدره منتهى مظهر آيه مبارکه و قل جاء الحق و زاهق الباطل ان الباطل كان
 * ص 511 *

زهوفا الحمد لله هستند لکن مع ذالك در جميع هندوستان بايد مواظب بود که دسائس و
 حيل و خداع اين حزب تاثير نمايد در اسلامبول چند نفر بيسر و پا بودند جناب
 افنان آقاسيد احمد را بسيار اذيت نمودند چون جناب آقاسيد احمد مظلوم بودند
 نهايت فساد را از جميع جهات در حق ايشان از طعن و افترا و تحريك الواط و جهال
 و ظلام نمودند حال در بمبئی و سائر بلاد هند نیز چون دستى پيدا نمايند بانواع
 دسائس بفتنه و فساد مشغول خواهند شد لهذا حضرات افنان سدره مبارکه در جميع
 اوقات بايد متنبه و بيدار باشند که اين حزب بمفتریات و شبّهات و القآت خویش
 رخنه نمايند آنچه ارسال فرموده بوديد رسيد والبهاء والروح عليكم يا افنان
 سدره المنتهى
 مقابله شد

هو الابهی
حضرت فرع جلیل شجره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهاء الله الابهی
ملاحظه نمایند

هو الابهی
ايها الفرع الجليل من السدرۃ الرحمانیہ در چندی پیش در تعزیت فرع شجره
* ص 512 *

مبارکه نامه مرقوم و ارسال گردید امید از فضل و مواهب ربّ مجید چنان است که
بنفحات قدس از ملکوت ابهی تسلی در این مصیبت عظمی حاصل گردد و چنان روایح
رحمانیّه اصل شجره مبارکه مشام آن فرع جلیل را معطرّ دارد که این فراق بخاطر
نیاید عنقرب بفضل و جود سلطان وجود کل در آن ظل ممدود و مقام محمود جمع
شویم و

در ملکوت ابهی و افق اعلی و حدیقه بقادر جوار ملیک اسماء روحی لاحتبائه الفدا
انجمن ائیم ربّ قرّب یوم لقاؤک و عجل فی صعودی و وفودی علی باب رحمانیتک و
ورودی فی ملکوت فردائیتک و ارزقنی مشاهدۃ جمالک و متعنی بوصالک انک انت
الکریم الرحیم بحضرت فرع شجره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی
امر بفرمائید که بقدر الامکان اعانتی بجناب عندلیب علیه بهاء الله الابهی
بفرمایند چه که بسیار پریشانست و معاونت مقبول درگاه حضرت کبریاء ع ع

صندوقهای چای مذاق و مشام دوستان را شیرین و معطرّ نمود و میوه چین کام آشنایان
را شیرین کرد در نزد مامورین عثمانیین بسیار جلوه نموده متصرف

* ص 513 *

خواهش کرده اگر چنانچه سهولت ممکن قدری ارسال شود مقابله شد ۵۳۷ خط
مبارک

هو الله
زیارت حضرت فرع جلیل سدره منتهی الذی طار روحه الی ملکوت الابهی جناب حاجی
میرزا محمد علی افنان علیه بهاء الله الابهی

هو الابهي

ايا نفحات الله تنسّمى ايا نسمات الله تنفّسى و اقصدى ديار الطرف القبلى ارضاً
فيها توارت نفس نفث فى روعه روح من الله و تضمّنت هيكلًا حشر تحت راية الله و
قلبًا انجذب بنفحات الله و احشآء و اضالع تسعرت بينها نار محبت الله و حىي
ذلك القبر المنور و الرسم الطاهر المطهر و قولى النور الساطع من الافق
الاعلى و الشعاع اللامع من ملكوت الابهي جلل ضربحك المعطر و سطح فوق رمسك
المعبر و تابعت طبقات النور من شمس الظهور بالنزول على بقعة تنورت بجسدك و
تضمّنت جسمك و احتوت بهيكلك الزكى الطاهر المجلل الكريم المظلّ بغمام الطاف
ربك الرحمن الرحيم طوبى لديار اغتربت

* ص 514 *

فيها و بشرى لبقاع اقتربت اليها و يا شرفا لارض تواربت فيها و عزًا لبقعة اختفيت
فيها عليك بهآء الله و رحمة و رضى الله عنك و خصك بموهبة و اراح روحك بنفحات
فاحت من رياض احديته و الاح و جهك فى حدائق رحمانيته و تنور بصرك بمشاهدة جمال
هويته على سدره فردانيته بما سمعت النداء و اجبت الدعاء و ليبت لربك
الاعلى و خضعت لسלטنة محبوبك الابهي و اشتعلت بنار محبة الله و توكلت على
الله و احترقت بنيران الهجران و لظى الحرمان حتى رجعت الى الله و توجهت اليه
و استجرت جوار رحمته الكبرى كل ذلك بما وفيت بميثاق الله و ثبت و رسخ قدمك
على عهد الله و التحية والسلام و الثناء عليك فى الاولى و الاخرى ع ع
مقابله شد

٥٣٨

خط مبارك

هو الابهي

هنكانك حضرت افنان جناب حاجى ميرزا بزرگ عليه بهآء الله الابهي ملاحظه
فرمايبد

هو الابهي

* ص 515 *

اللهم يا الهى هذا فرع خصل نضر اخضر ريان من سدره فردانيتك رشيق انيق
مزين بازهار الهيام فى جمال وحدانيتك و الغرام فى محبوبيتك و متوجه بكله
اليك و متوكل عليك و منقاد بين يديك و راجع منك اليك و مبتهل الى ملكوتك الابهي

و جبروتک الاسمی اسئلک ان تجعل تأییداتک العظمی کاشف غمّته و شفّاء علته و
رُوءاً غلّته و برد لَوَعته و ان تجعل الطافک الکبری عذب فراته و روح نجاته و
روح حیاته و حیات رُفاته فاجعله یا الهی آیه حبّک الباهره و رایة معرفتک الخافقة
الرافعه و ظُبة قدرتک الشاهره و اجعله ناطقاً بشائک فی جمیع الشئون حتّی
یدلّ علیک بلسانه و جناحه و ارکانه هذا الافنون الذی انبتّه من شجرة وحدانیتک
انک انت المعطى الرؤف الرحیم ع ع
مقابله شد

۵۳۹ خط مبارک

هوالبهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقامیرزا آقا علیه بهاءالله
* ص 516 *

الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایّها الفرع الرفیع من السدرة المبارکه هر چند مکاتیب متعدّدّه تا بحال ارسال
گشته است با وجود این قلب سکون ندارد بلکه منجذب نفحات محبت کلبّه بافنان سدره
مبارکه است بقسمی که در کل اوقات و ساعات بذکرشان روح و ریحان جوید و بیادشان
شادمان گردد قسم بجمال قدم که چون لفظ افنان بر زبان گذرد دریای حبّ بجوش آید و
قلوب در حرکت و خروش آید که خدایا این افنان دوحه رحمانیت را در جنت رضوان
مستقر گردان و این فروع طوبای عنایت را اشجار بارور کن این نهالهای بوستان موهبت
را نشو و نمائی بخش و این شاخهای سرو رحمانی را سبزی و خرمی عطا فرما و بر عهد
و میثاق عظیمت باقی و استوار بدار آنک انت الکریم ع ع
مقابله شد

۵۴۰ خط مبارک

هوالبهی

ش حضرت افنان آقامیرزا آقا علیه بهاءالله الابهی
* ص 517 *

ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الرفیع من الشجرة المبارکة نغمت حمامه حدیقه ذکر که بر شاخسار ریاض ایقان نمود بسمع مشتاقان رسید از آن لحن بدیع جذب لطیفی در قلوب پیدا گشت و از آن ریاض نفعه خوشی در مشام آمد لسان بشکر جمال رحمان مشغول شد که الحمدلله آن فرع طری لطیف از فیوضات غمام الطاف ربّ جلیل مهتر است و مختصر است و مظهر آیه مبارکه و انبته نباتاً حسناً ای فرع لطیف شکر کن جمال مبین و نبأ عظیم را که از فروع سدره منتهی هستی و در ظل عنایت جمال ابهی جهدی کن که در این حدائق موهبت الهی بطراوت و لطافتی موقّق گردی که زینت این ریاض باشی و موهبت این غیاض از نفات قدس متحرک گردی و از جذبات انس متمائل مستمد از اصل

کریم باشی و مستفیض از غمام مبین ذلک خیر لک عما فی الوجود من الغیب و الشهود والبهاء علیک و علی المتمسکین بالجبل المتین ع ع
مقابله شد

۵۴۱ خط مبارک

* ص 518

هوالبهی

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب آقامیرزا آقای افنان علیه بهاء الله
ملاحظه نمایند

هوالبهی

ایها الفرع الرفیع من السدره الرحمانیه لو تعلم بعین الیقین یا یا یختلج فی هذا القلب الحزین و العؤاد الجریح من احساسات الحب لافنان دوحه البقا و فروع سدره السیناء تالله الحق لشفقت الجیب و ازلت الریب و خلعت العذار و هتکت الاستار و فککت الازرار و عربت البدن و نادیت بالسر و العن هلموا یا اهل الارض الی معین موهبه الله هلموا الی کوثر رحمة الله الی فیض سحاب عنایة الله هلموا الی ریاض منحة الله هلموا الی الحیاض الطافحة بفیض عنایة الله هلموا الی غیاض مخضرة بغيث نعمة الله و اسئل الله ان يجعلک مشعلاً نورانياً و سراجاً منیراً و معیناً صافياً و فنناً مثمراً مزهراً مورقاً و الیهاء علیک
عبدالبهاء ع
مقابله شد

زيارت حضرت افنان سدره مبارکه جناب آفاسيد احمد عليه بهاء الله الابهي

هو الله

ايا نسمات اللطاف و ايا نفحات قدس الاسرار هبى الى اشرف الاوطان بقعة الرحمن
موطن الكوكب الساطع اللامع على الاكوان و ايا سحائب الرحمة و الرضوان مرى
على اقليم الشين من ايران و فيضى بالديم المدار و الدموع الغدق المنهمر السيب
الداقق السيل فى الوهاد و المهاد من كل واد على ذلك اجدر المطهر و الرمس
المنور و الضريح المعطر المتضمن للجسد المعنبر و طيبى بغيث الغفران الهاطل
و حى يد يم الرضوان الوايل و قولى عليك بهاء و عليك الثناء ايها الفرع
الجليل من السدرة الرحمانية و القضيبي الرشيق الرشيد من الشجرة الربانية
و السراج المضىنى فى الزجاجة النورانية و الثمرة الياضعة من الدوحة الفردانية
اشهد انك و لدت من الاصلاب الطيبة و الارحام الطاهرة و رضعت من ثدى العناية
و نشئت فى حصن الرعاية
ص520

و تربيت فى حجر الولاية و بلغت الرشيد فى الظل الظليل من الدوح
الجليل و سمعت نداء الله المرتفع بين الارض و السماء و لييت دعوة رب
السموات العلى و آمنت بالرب الاعلى و حشيت تحت لواء رب مايرى و ما لايرى
و لما قامت القيامة الكبرى و زلزلت الارض و انفطرت السماء و كورت الشمس و
انتشرت النجوم و امتد الصراط و وضع الميزان و ازلقت الجنان و سرعت النيران و
انشقت الاقمار و ذاعت الاخبار و شاعت الآثار و هتكت الاستار و اشرفت الشمس فى
رابعة النهار و انتشرت اجنحة الطاوس و نعت الغراب سرعت الى اليمين و تبرت
من الشمال و آمنت بالنور الساطع من ملكوت الابهي و قمت على خدمة ربك العزيز
المختار و حشرت مع الابرار بوجه سطعت منه الانوار و دعوت الى ربك بلسان يندفق
منه الاذكار و قلب طافح يتفجر منها الانهار و قصدت مشارق الارض و مغاربها و
سعيت فى اعلاء كلمة الله فى جنوبها و شمالها و عاشرت المخلصين بوجه مستبشر
بطلوع النور المبين و آنتت المقرين بلسان دافق بالماء

* ص 521 *

المعين و قمت على عبودية ربك الحمن الرحيم بقلب قوى متين و فزت بلقاء و سمعت النداء و خوطبت بخطاب اشهى و احلى من غسل مصفى و حضرت بين يدي نير الآفاق و شاهدت تجلى الاشراق و دخلت محفل الوفاق و سلكت فى سلسلة العشاق و سالت بالدموع منك الآماق و رايت ما لا يتم ذكره بالاوراق الى ان غابت الشمس و هى فى نقطة الاحتراق عن الاعين و الاحداق و ليس لها افول و لابكور و لاغياب بل انما تغشى الافاق سحائب الغيبه و الفراق و تحرم الابصار عن مشاهدة و الابصار و اشهد ايها الفرع الجليل انك و فيت بالميثاق و ناديت به بين اهل الوفاق و ابيت النفاق و اجتبت الشقاق و جنيت اثمار الوفاء من شجرة الحيات النابتة فى الحديقة النوراء و حميت الحصن الحصين من سهام الناكثين و سنان المارقين الى ان سرعت الى الخطة التى سفك فيها دمآء الشهداء و بذلت الجذ و الجهد فى اعانة الذرية الضعاف من تلك النفوس المقدسة التى يتباهى بتربتها ملائكة السماء من ملكوت الابهى ثم سعيت الى الموطن المبارك الامنى منبت الشجرة

* ص 522 *

المباركة النقطة الاولى حتى تجرى الاقتران بين الافنان و الورقات المباركة من سدره السيناء و وفقك الله بهذا و لعلو شأنك و سمو علاك قدر الله لك ان يتجرع كأس الغداء و تستشهد فى مشهد الكبرياء فهنيئا لك هذه الكأس الممزوجة بكافور العطاء و مريئا لك هذه المائدة النازلة من السماء فاشكر ربك الاعلى بما قد جعل ختام الحيوه الدنيا مسكا ذكيا يتعطر بطيب انفاسه كل الارحاء فطوبى لمن يزور مرقدك المسكى المشام و يدور فى مضجعك المنير فى اشرف ايام و يدعوا لله بخضوع و خشوع و يتمنى الغفران و يرجو العفو و الرضوان و عليك البهاء

الابهى ع ع مقابله شد ٥٤٣ خط كاتب مهر و امضاء مبارك

هو الله

حضرت افنان سدره مباركه جناب ميرزا عبدالوهاب عليه بهآ الله الابهى
ملاحظه نمايند

ای موقن بآیات الله گویند که قوای اعظم عالم قوه سلطنت قاهره و سطوت حکومت باهره است و حال آنکه نهایت اقتدارش اینست
* ص 523*

که اجسام را محاصره نماید و قلاع حصینه را مسخر کند و این قوت و قدرت نیز بواسطه جیوش جراره و جنود قهاره ظاهر میشود اما تو در قوت و قدرت و سطوت و سلطنت اسم اعظم ملاحظه نما و تفکر کن که با وجود آنکه وحید و فرید و بی ناصر و معین بود بقوتی الهیه و قدرتی ربانیه و سطوتی ملکوتیه ملکوت وجود را مسخر فرمود و مدائن قلوب را فتح نمود آفاق امکان را بگشود و کشور هستی را تحت تصرف آورد یک سواره بر صف عالم زد و تنها جنود ضلالت را شکست داد ولی آثار این فتوح الیوم در غیب وجود است و در استقبال در حیز شهود خواهد آمد آنوقت ملاحظه خواهد شد چند هنالک مهزوم من الاحزاب میفرماید در صحراها سیر و تماشا نمائید مثل مدائن صالح و ثمود و احقاف قرارگاه قوم هود و مدائن لوط و مدینه سبا و مدائن اصحاب رس و مدین و سائر جهات را سیر و تماشا نمائید که مثل اردوهای شکسته در این بیابان ریخته و پاشیده اند مقصد اینست که انبیای الهی و اولیای رحمانی در هر عهد و عصری ولو اینکه فرید و وحید بودند و جمیع قبائل و شعوب مهاجم

* ص 524*

باوجود این نورشان ساطع شد و کوکبشان لامع و سراجهای عالم جمیع خاموش شد
ع ع
مقابله شد
۵۴۴ خط مبارک

هوالله

ای جناب ناظم دراری اشعار آقا میرزا علی اکبر اشعار آبدار قرائت گردید ملیح بود و شیرین و شکرین بلیغ بود و فصیح و دلنشین ولی در مذاق عبدالبهاء انگین عبودیت گوارا تا توانی مخمس عبودیت و مسدس رفیت و مثن محو و فنای صرف انشا نما که چون مسمن مرغ بهشت لذیذ و خوش طعم است ولی بشرط آنکه خورش دیگر در

مقابله شد

میان نباشد ع ع

هوایه

ای شیدای جمال الهی مکتوب قرائت گردید معانی بدیع بود و مضامین دلنشین ولی
خطاب

بعبدالبهاء باید سر عبودیت باشد

* ص 525 ع ع مقابله شد

۵۴۸ خط مبارک

ای پرده نشینان بنده حق شکر کنید که در سایه عصمت نفسی هستید که مقبول درگاه
احدیت است ع ع

ایدو طفل خان مشمول نظر عنایت حق گردید و مجتبه الله میراث از پدر برید

ع ع

ای دو اخوات بنده الهی همشیره و پاک شیر آن آشفته جمال ابهی هستید باید در
کمال روح ریحان و عصمت و عفت و ایقان و انقطاع در بین اماء الله محشور گردید

ع ع

ای برادر پاک گوهر آن آشفته موی محبوب ابهی اخوی خواهش خطابی بشما نمود رجا
مقبول گردید و اختصار از کثرت مشاغل و غوائل حاصل البتّه معاف میدارید العذر

مقبول ع ع

اللهم یا الهی اسئلک العفو و الصفح عن عبدک الذی قضی ایامه

* ص 526

متذکراً بآیاتک و اغرقه فی بحر رحمتک و اجره فی جوار رحمتک و اهده الی جنته
لقائک کما سمیتّه هادياً بین عبادک ع ع مقابله شد

هوایه

ش جناب علیرضاخان علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوایه

یا من ثبت علی العهد القدیم فابسط اکفّ الابتهاال الی ملکوت الجلال و مطلع
الجمال و قل لک الحمد یا ربی المتعال علی ما اولیت و اعطیت و اطعمت و اروبوت و

دللت و هديت و عافيت و شفيت اوليت احبائك اعظم شأن في الابداع و اعطيتهم
عطاءً موفوراً في عالم الاختراع و اطعمتهم من موائد قدسك النازلة من السماء
و سقيتهم من معين صاف عذب فرات و دللتهم الى مشرق رحمانيتك يا فالق الاصباح و
هديتهم الى سبيل فردانيتك يا محيي الارواح و شفيتهم
* ص 527*

من امراض النقض و اعراض النكت يا ربّ الميثاق و بهاء عليك و على كل منجذب
الى نير الآفاق ع ع
مقابله شد

٥٤٩ خط مبارک

شيراز جناب عيرضاخان عليه بهاء الله الابهي
اي خان عزيز آقامهدي حسين الآن حاضر محفل و دليل واضح بر اينكه شمارا فراموش
نموده است همين تحرير مختصر است زيرا الان ذكر شما را مينمايد ع ع
مقابله شد

٥٥٠ خط مبارک

هو الابهي

الهي الهى هولاء عباد انجذبوا بنفحات قدسك فى ايامك و اشتعلوا بالنار
الموقدة فى سدره فردانيتك و لبوا لندائك و نطقوا بشناك و انتهوا من نسماكت
و سمعوا كلماتك و ايقنوا بظهورك و اطمننوا بعنايتك اي رب اعينهم شاخسة الى
ملكوتك الابهي و وجوههم موجهة الى جبروتك الاعلى و قلوبهم خافقة من شغف حب
جمالك الانور الاسنى و اكبادهم محترقة بنار محبتك
* ص 528*

يا رب الآخرة و الاولى و احشائهم مضطربة بنيران الشوق الملتهبة اللظى و دموعهم
منسجمة كالديم المدرار من السماء فاحفظهم فى حصن صونك و حمايتك و احرسهم
فى كهف حفظك و كلاتك و انظرهم بعين وفايتك و رعايتك و اجعلهم آيات توحيدك
الباهرة فى ارجاء الانشاء و رايات تجريدك فوق صروح الكبرياء و السرج الموقدة بدهن
حكمتك فى الزجاجة الهدى و طيور حديقة معرفتك الصادحة على اعلى فروع الاشجار
فى الجنة المأوى و حيتان بحر موهبتك الخائضة فى العمق الاكبر برحمتك الكبرى اي رب
هولاء عباد ارقاء اجعلهم كبراء فى ملكوتك الاعلى و ضعفاء اجعلهم اقوياء بقدرتك
العظمى و ادلاء اجعلهم اعزاء فى اقليمك الجليل و فقراء اجعلهم اغنياء فى ملكك

العظيم ثم قدر لهم كل خير قدرته في عالم الغيب والشهود وهياً لهم من امرهم رشداً
في حيز الوجود و اشرح منهم الصدور بالهامك يا مالك كل موجود و نور قلوبهم ببشارتك
المنتشرة من المقام المحمود و ثبت اقدامهم على ميثاقك
* ص 529 *

العظيم يا عزيز يا ودود و قو ظهرهم على عهدك الوثيق بجودك و فضلك الموعود انك
انت الكريم الفضال المعبود ع ع
مقابله شد
٥٥١ خط مبارک

هو الابهى

يا من انجذب بنفحات القدس المنتشرة من ملكوت الابهى قد رتلت آيات الشكر لله
لما تلوت بلحن طيور حدائق القدس تلك الكلمات و قرئت العبارات الناطقة بانجذابك
بنفحات الله و اشتعالك بنار محبة الله و ثباتك على العهد و ميثاق الله و
تمسكك بالعروة الوثقى و اهتزاز قلبك من نسائم موهبة الله و لمثلک ينبغى هذا
الشان الجليل و يليق هذا التأييد العظيم لعمر ربك لو اطلعت بما قدر الله
لك فى كتابك العليين و صحف ملكوته القديم لنزعت ثياب الامكان و هزعت الى مقعد
صدق في ظل الطاف ربك الرحمن الرحيم و تركت هذا المركز الادنى و صعدت بجناح
النجاح شوقاً الى الملكوت الاعلى و توقفاً الى الجبروت الابهى فطهر
* ص 530 *

يثابك و نزه مشامك و قو سماعك و حدّ نظرك و دقّق بصرک و قدّس قلبك و لطف
روحک لتسمع نداء ربك من ملكوت الغيب طوبى للثابتين طوبى للمتمسكين باوثق
عروتى طوبى للمتشبّثين بجبلى المتين ع ع
مقابله شد
جناب عليرضاخان عليه بهاء الله الابهى بزيارت مطاف ملاء اعلى فائز و بنفحات
مقدسه ان تربت پاک مشام جان را خوشبو فرمودند و حال بمراجعت مأذون گشتند از
الطاف الهية و عنايات رحمانه مستدعى و ملتسميم که آنجناب و جميع متمسكين را
بانچه اليوم لائق و سزاوار است مؤيد و موفّق فرمايد اليوم اعظم امور ثبوت و
رسوخ بر عهد و ميثاق الله است و نشر نفحات الله چه که امر مؤيد بجنود ملكوت
ابهى اين امر اعظمست حمد خدا را که تأييدات چون امواج قلزم اكبر متتابع است و
توفيقات چون فيض محيط اعظم متوالى در يوم لقاء يوم سرور و صفاست در زمان
غيبت

وقت ثبوت و رسوخ و سعی در اعلآء

* ص 531

مقابله شد ۵۵۲ خط مبارک

کلمه الله ع ع

ش جناب قاسم خ ا علیه بهآءالله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

الهی الهی هذا روح اهتَزَّ من تجلیاتِ یوم لقائک و هذا سراج اشتعل من النار الموقدة من سدره رحمانیک ای ربَّ ایدہ فی جمیع الشئون و اجعله مطلقاً باسرار لوحک المنشور و اشدد ازره علی اعلآء کلمتک یا حیّ یا قیوم و انطق لسانه ببیان حججک و برهانک یا ذا العزّ و الجبروت و وفق ابنائه و اشباله و سلالته علی خدمة امرک یا ربّ الآیات و الملکوت انک انت المؤید الموفق الکریم ع ع
بجهت زیارت روضه مبارکه مسافرت اگر بکمال امنیت و راحت و روح و ریحان در موسم حج میسر بسیار مقبول و اگر سبب مشقت و هجوم اعدآء میگردد صبر داشته باشند اتی اتضرع من کل روحی الی ملکوت الابهی ان یقبل زیارتک و قصدک
* ص 532

و یقدر لک اجر من فاز باللقاء البهآء علی اهل البهآء ع ع

مقابله شد

۵۵۳ خط مبارک

جناب آقا لطفعلی خان علیه بهآءالله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای ناظر الی الله جناب علیرضا خان علیه بهآءالله الابهی حاضر و خواهش تحریری نمودند این بنده درگاه جمال ابهی نیز قلم برداشته و بنگاشتن پرداخته که شاید از اثر خامه و نقوش نامه رائجہ وفا ساطع گردد و مشام آن مشتاق ملکوت ابهی را معطر نماید ای سرگشته صحرای محبت الله دماغ جان را از رطوبات فاضله عالم امکان منزّه و پاک نما تا عطر گلستان ملکوت ابهی معطر نماید و چشم را از حجاب ساتره اهل اوهام بری کن تا مشاهده آیات کبری نماید و اقدام را بر عهد و میثاق الهی محکم و استوار نما تا در بین انجمن مقررین مشهور و محشور گردی و البهآء و

علی کل ثابت جسور ع ع

* ص 533 *

مقابلہ شد

هو الله

ش جناب میرزا علیرضاخان علیہ بہاء اللہ الابهی

هو الابهی

ای ثابت بر میثاق آنچه مرقوم نمودی ملاحظہ گردید نشئه روحانی داشت و نفعه رحمانی و اثر کلک مشکبار بود و ریزش ابر عنبر بار فی الحقیقہ حقیقہ معانی بود و سنوحات وجدانی سبحان اللہ خامہ و نامہ کہ حکایتی از جهان جان و دل مینمود حکم رق منشور و ورق مسطور یافته بود از فضل و جود جمال احدیت میطلیم کہ این معانی لطیفہ و حقایق بدیعہ در کینونت آن جناب تحقق یابد تا آثار باہرہ اش در سماء رفیع ساطع و لامع گردد ائہ ولی المخلصین ع ع
000 خط مبارک

جناب علیرضاخان علیہ بہاء اللہ الابهی ملاحظہ نمایند

هو الابهی

قد القیت نفسی یا الہی علی عتبتک الطاہرہ و مرغت وجهی و ناصیتی

* ص 534 *

علی تلک الحضرة القدسیة الباہرہ منکسراً الیک و مناجیاً بین یدیک متذلاً
بباب احدیتک طالباً شمول عواطف رحمانیتک لعبدک الذی تمسک بذیل تقدیسک و
تعلق باہداب رداء توحیدک و رجاء ان تؤیدہ علی السلوک فی سبیل رضائک و
الثبوت فی قدیم عہدک و میثاقک و النهوض لاعلاء امرک بین عبادک و الرسوخ علی
کلمتک بین ارفائک ای ربّ هذا مستجیر اجرہ فی جوار بیت احدیتک و اسیر اطلاقہ فی
فضاء مملکتک و ضعیف ایدہ بقوتک القاہرہ و سقیم عاجلہ بدریاق موهبتک الباہرہ
انک انت الکریم الرحیم الوہاب والبهاء علیہ فی المبدء والمآب ع ع مقابلہ شد
001 خط مبارک

هو الله

ش کربلانی محمد ہادی علیہ بہاء اللہ الابهی ملاحظہ نمایند

هوالبهی

یا من استنشوق رائحة العرفان در این ساعت که جمعی از دوستان
* ص 535 *

حاضر و ناظر اینعبد خامه برداشته و این نامه نگاشته تا بخوانی و بدانی و یقین
نمائی که رفیق روحانیت و ندیم ربانیت جناب علیرضاخان چقدر از تو ستایش نموده که
مرا مجبور کرده که در مجمع و محفل بنگارش این نامه پردازم پس بدان که آن یار
مهربان ترا چون دل و جان عزیز و محترم دارد و از هر جهت علو و سمو از برای تو
خواهد محبت و دوستی چنین شاید از لطف حضرت دوست امید است که مطلع انوار
فضل

مقابلہ شد

گردی ع ع
۵۵۷ خط مبارک

هوالبهی

امۃ اللہ ورقہ طیبه مطمئنۃ والدۃ علیرضاخان

هوالبهی

ای کنیز آستان ابهائی شکر کن خدا را که موفق پیسری گشتی که متوجّهاً الی
اللہ کوه و دشت و بیابان طی نمود و چون باد بادیه پیمود تا آنکه بتراب تربت
پاک بصیرت را روشن نمود و بصر را مجلا و پاک از هر غبار کرد چنین مادری را چنین
پسری لازم و چنان
* ص 536 *

پسری را چنین مادری واجب طویبی ثدی را که شیر داد و خوشا باغوشی که او را پرورش
نمود طویبی لک و له فی کل الاحوال ع ع
مقابلہ شد
۵۵۸ خط مبارک

امۃ اللہ ورقہ ضلع خان علیهما بهاء اللہ الابهی

هوالبهی

ای موقنه بآیات الله از فراق نوردیدگان ناله و فغان منما و از هجران جگرپارها آه و حنین مکن اگر بدانی که آن در دانهای محبت الله در صدف چه بحری مکنونست و آن نوگلهای الطاف در چه ریاضی شکفته البته از شدت سرور پرواز نمائی و البهآءعلیک ع ع
مقابله شد
۵۵۹ خط مبارک

امة الله ورقه طیبه همشیره خان شمس علیها بهآءالله

هوالبهی

ای مشتعلهُ بنار محبت الله در این قرن الهی و حشر رحمانی نسائی مبعوث شدند ای که چون هزبر صائب و غضنفر غالب و مردان باسل در میدان معرفت حمله نمودند و صفوف جهل را بسطوتی از حجة بالغه الهیه بدریدند انشاءالله تویکی از آنها گردی و از فوت آن دردانه بحر
* ص 537*

محبت الله محزون و دلخون مباحش اگر نفعهُ از آنعالم بمشام انسان رسد ابدأ از عروج پدر و صعود پسر و فوت امهات و موت بنات مغموم و مکدر نگرده جمع این آه و فغانها و زاری و نالها از عدم اطلاع از مواهب الهیه در عوالم غیب رحمانیه حاصل میگردد والبهآءعلیک ع ع مقابله شد ۵۶۰ خط مبارک

شیراز جناب علیرضاخان علیه بهآءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نمیقهُ غرآء واصل و بکمال روح و ریحان قرانت گردید مدتیست که این قلم بظاهر بذکر آن یار مهربان مشغول نگشته و این از کثرت هجوم اعدا و فظایع و تعدیات اهل شرور و ظلم حزب غرور و اصحاب فتور رخ داده و الا دمی بی یاد یاران نیاسیم و دل جز بمحبت حضرت رحمان نیاریم و از فضل و عنایت حی قیوم رجاء محتوم است که همواره در ظل ممدود مستریح باشید و جمیع یاران را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید و علیک
* ص 538*

ش جناب میرزا علیرضاخان علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای ثابت بر میثاق ورق مسطور منظور گردید و فغان و شکوی مسموع هیچ دانی که در چه طوفان بلا غوطه ورم و در چه بیابان ابتلا سرگشته و گمگشته اثر مشاغل خارج و داخل خارج از حصر و مهام امرالله بیش از تصور بشر و مکاتبات و سئوالات و جوابات احباء چون موج بحر و هجوم اعداء و فتنه احزاب چون جراد منتشر و فساد اهل عناد چون آتش پر شرر اوراق شبها در جمیع جهات جزو جزو مشتهر و آیات متشابها مرجع هر بیخبر عهد و میثاق الهی از نفوس مغرضه متروک و غیر معتبر و طوفان تزلزل و نقص مسلط با وجود این صدمات و آفات این فرید وحید در این چار موج اضطراب مستغرق دیگر کجا فرصت تحریر و تقریر و نگاشتن جواب
ص 539

هر حبیب و سمیر و البهآء علیک و علی کل ثابت مستقیم ع ع مقابله شد
۵۶۲ خط مبارک

حضرت حبیب روحانی جناب محمد قبل ق را از قبل این عبد تکبیر ابدع ابهی
ابلاغ دارید و البهآء علیه ع ع

از صعود ورقه منجذبه متصاعده بملکوت ابهی محزون مابشید و دلشکسته نگردید چه که آن موقنه در جوار رحمت کبری مقرر گرفت و در ظل سدره منتهی مستقر یافت
والبهآء علیها فی محضر اللقاء ع ع مقابله شد

شیراز بواسطه عبدالحسین خان
جناب مؤید جناب علیرضاخان جناب بهائی و سائر احبای الهی علیهم
بهاءالله الابهی

هوالله

ای عزیزان عبدالبهاء جناب عبدالحسین خان وطن مألوف را فراموش نمود و سرگشته کوه و بیابان گشت و در سبیل حق بیسر و سامان شد تا آنکه بان صفحات بنیت نشر نفعات توجه کرد و بقدر امکان قصور و فتور نمود
* ص 540 *

سرگردانی سبب پریشانی شد و بیقاراری علت بیماری گردید رنجور گشت و ناتوان و مهجور گردید و بیدرمان تا آنکه آن یاران مهربان جویای حال او گشتند و جستجوی راحت و آسایش او نمودند و بمنتهای همت بر پرستاری برخاستند و در ایام بیماری نوازش و مهربانی نمودند فی الحقیقه درد او را درمان شدند و زخم او را مرهم نهادند و نهایت ممنونیت را از همت شما بیان نمودند این پرستاری خدمت بحق بوده و این مهربانی از مقتضای عبودیت آستان مقدس زحمات و مشقات شما در درگاه کبریا مقبول و محبت و مهربانی شما در ملکوت ابهی ممدوح و مرغوب و علیکم التحیه
والتساء ع ع
مقابله شد
۵۶۳ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

بواسطه جناب میرزا علیرضاخان علیه بهاءالله
شیراز جناب میرزا جلال الدین خان ناظم دفتر علیه بهاءالله

هوالله

ای سرمست جام هدی شکر کن حضرت کبریا را که از ضلالت و ظلماء نجات یافتی و بنورانیت هدی موفق گشتی از جهالت و عمی رهائی
* ص 541 *

یافتی و بصر هدایت بینا شدی گوش را از تلقین شبهات مقدس نمودی و هوش را از بمغتربات منزّه کردی شاهراه شریعت و طریقت پیمودی تا بحقیقت رسیدی و از اوهام دیگران خلاص شدی و بجوهر عرفان پی بردی ملاحظه کن چه بسیار نفوس که دعوی عرفان مینمودند و بخيال خویش سالها سلوک نمودند و آرزوی دیدار بزرگواری میکردند و منتظر اشراق انوار بودند و تجلی شمس حقیقت را در جماد و نبات و حیوان قائل

بودند از خار شمیم گل گلزار استشمام مینمودند و از زهر شهد فائق میچشیدند چنین میگفتند حال که آن آفتاب جهان افروز در یوم نوروز از مطلع انوار ظاهر و پدیدار شد و سلطان گل با خیل و حشم و چتر و علم در وسط گلشنی خیمه برافروخت و حلاوت شهد

الهی جهان را شیرین نمود آن عرفای کهنه سر برهنه پا برهنه فرار اختیار فرمودند و عار و ننگ هر عارفی گشتند یکی گفت این آفتاب مانند چراغ کور سیر و سلوک نمود دیگری گفت این محیط عظیم گنجایش یک جرعه صهباء نغمود دیگری گفت این مشرق

بر
آفاق و انفس نو هوس است دیگری گفت این نفس
* ص 542 *

نغیس خدمت یک مرشد خسیس نکرد باری هر یک بهانه فرمود و بحفره خمول و خمود
دوید

و عاقبت کل محو و ناپدید شدند اما پاک یزدان تو را بیدار کرد و هشیار نمود
واقف بر اسرار کرد پس ستایش باد او را که جان و دل یاران را بنور هدایت آرایش
بخشید و بیرستش و نیایش شمس حقیقت موفق فرمود این ایام حضور در این حدود و
تغور از شدت تعرض اهل غرور معسور و محذور است انشاء الله در آینده مقصد حاصل
گردد جناب سر حلقه راستان علیرضاخان را تحیت و اشتیاق من برسان از خدا خواهم که
همیشه در پناه حق مصون و محفوظ باشد و علیک التحیة و الثناء ع
مقابله شد

۵۶۴ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هو الله

ش طلب مغفرت بجهة ورقه متصاعده الی الله امة الله والده
میرزا علیرضاخان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای پروردگار یک ورقه از سدره رحمانیت ترک گلخن فانی نمود
* ص 543 *

و بگلشن باقیت پرواز کرد و چون حمامه حنین و انین نمود تا بشاخسار احدیت سدره
نشین گشت ای آمرزگار غفرانی ای کردگار احسانی ای بزرگوار عطای بی پایانی

هو الله

شیراز بواسطه جناب میرزا علی رضا خان
میرزا علی محمد و میرزا صدرالدین و صبایای جناب خان علیهما و علیهن بهاء الله

هو الله

ای سلاله بنده درگاه بها شکر کنبد خدارا که از اصلاب طیبه و ارحام طاهره
تولد یافتید از پستان محبت الله شیر خوردید و در آغوش معرفت الله پرورش
یافتید البته قدر این موهبت را خواهید دانست و بشکرانه این رحمت خواهید بر
خواست از فضل حق امید چنانست که در جنت ابهی گل و ریاحین شوید و شکوفه رنگین
برآرید و میوه شکرین بدهید و در ظل حفظ و حمایت حق محفوظ
* ص ۵۴۴ *

مقابله شد

و مصون مانند ع ع

خط کاتب مهر و امضاء مبارک ۵۶۶

هو الله

شیراز جناب میرزا علی رضا خان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده صادق جمال ابهی خدماتی که در صعود حضرت افنان سدره مبارکه جناب
آقامیرزا آقا مجری داشتید در عتبه مقدسه جمال ابهی مقبول و محبوب افتاد
امیدوارم که همواره موقّق و مؤید بخدمات گردی اینست سبب روشنائی روی انسان در
عالم امکان شکر کن خدارا که ملحوظ نظر عنایتی و مشمول الطاف حضرت احدیت و
علیک

مقابله شد

التحیة و الثناء ع ع

خط کاتب مهر و امضاء مبارک ۵۶۷

شیراز بواسطه جناب قابل جناب میرزا علی رضا خان

هو الله

ای مونس عبدالبهاء دمی از یادت فارغ نشینم و بذکر روی و خویت همدم و همنشینم و
از خدا میطلبم که آیت هدی شوی و موهبت
* ص 545 *

ملکوت ابهی و منقطع از دنیا و منجذب ملاءاعلی و ناطق بشاء و مظهر اسماء حسنی
و جمیع این فضائل طائف حول محبت الله است و علیک التحیة و الشاء ع ع
مقابله شد

۵۶۸ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هو الله

بواسطه علیرضاخان

ش امة الله ضجیع قدیم و امة الله همشیره علیرضاخان علیهما بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای دو خادمه احباء الله سزاوار این است که افتخار و مباهات بر ملکه های
اقطار نمائید زیرا سلطنت باقی سرمدی شماراست که بکنیزی جمال ابهی و خدمت
اصفیاء الله فائزید این کنیزی جمال قدم خدمت دوستان اوست الحمدلله بان فائزید
و این عقد لثالی کریمه را در گردن دارید و این
* ص 546 *

طوق مرصع را بر ترائب مزین حمد کنید او را که بچنین موهبتی موفق شدید ع ع
مقابله شد

۵۶۹ خط مبارک

بواسطه علیرضاخان

هو الله

ش کربلانی محمد هادی علیه بهاء الله الابهی

هوالبهی

ای دوست حقیقی تا چند اهل نقض در وساوسند و تا چند اهل شقاق مخمور خمر
نفاق
سبحان الله برهان واضح و دلیل لائح و سیل واسع و انوار و سراج لامع و رحمت
سابق و نعمت کامل و حجت قاطع و پیمان ظاهر و حکم اطاعت صارم مع ذلک الوضوح
اهل
نقض بوساوس اوهن از بیت عنکبوت متوسل و از موهبت میثاق محروم جهول و ظلوم
در
وادی خسران و خذلان مبعوث و محشورند دعهم فی خوضهم العظیم ع ع مقابله شد
۵۷۰ خط مبارک

* ص 547 *

علیرضاخان

هو

ش امة الله ضجیع جدیده علیرضاخان علیهما بهاء الله الابهی

هوالبهی

ای امة الله در ظل عصمت مؤمن بالله و موقن بآیات الله در آمدی و از کأس
عطا نوشیدی و مظهر الطاف حضرت اعلی و مطلع انوار بخشش جمال ابهی گشتی چه
خوش بخت و خوش طالع بودی که مطلع چنین عنایتی شدی که بانوهای ملوک و ملکه
های آفاق
آرزو مینمودند و مینمایند حال ندانند ولی عنقرب آگاه گردند ع ع مقابله شد
۵۷۱ خط مبارک

علیرضاخان

هو الله

ش مناجات طلب مغفرت لمن عرج الی الله مرحوم محمدقاسم خان علیه بهاء الله
الابهی

* ص 548 *

هوالبهی

الهی الاهی انک انت الغفور انک انت العفو ان عبیک هذا آمن بکلمة رحمانیتک

و توجّه الى ملكوت فردائيتك و انجذب بايات قدسك و اشتعل بالنار الموقدة فى شجرة وحدائيتك و سمع خطابك و لبى لندائك و تحمل كل مشقة و بلاء فى سبيلك ثم عرج اليك و صعد الى مقعد الصدق فى ملكوتك اى رب اجزه فى جوار رحمتك الكبرى

و اسكنه فى فى شجرة الطوبى و اسقه من كوثر اللقآء و اجعله آية رحمائيتك فى ملكوتك الابهى اُنك انت سامع الدعآء يا جمال الابهى ع ع مقابله شد
۵۷۲ خط مبارک

هوالله

ايرب ترى هجوم الامم و جولتها و غرور الملل و صولتها على عبدك الفريد الوحيد الغرب فى سجنك الاعظم و تنظر توارد السهام و تتابع الرمل و تكاثر السيوف و تكاشف الصغوف من كل الارجآء و الانجآء فاصبحت النصال هالة حول الجسم النجيل كالهلال و غدت تكاثر توارد
* ص 549 *

السيوف عداد تجغله تحت الظلال و مع هذه البلية الدهماء و المصيبة العمياء قام الاحباء على اشد الجفاء و دخلوا يا الهى فى ميدان الكفاح بسهام و سنان و سيوف و رماح و صوبوا النبال الى عبدك الاعزل من السلاح و طنوا يا الهى بان هذا هو الفلاح و النجاح هيهات هيهات فسوف يرون انفسهم فى مهادى الردى و حفرات الشقى و غمرات العمى و ينوحون و يبكون على ما فرطوا فى جنب الله و هتكوا حرمة الله و نقضوا ميثاق الله و نكسوا راية الله و فرقوا كلمة الله و شئتوا شمل مركز العهد و ثروا مانظمه يد الفضل اى رب اتخذوا ميثاقك هزواً و عهدك ملعباً و صعودك مغنماً و مركز ميثاقك سخرى ايرب اغفر ذنوبهم و استر عيوبهم و كفر عنهم سيئاتهم و ارجعهم اليك و اجمعهم تحت لواء ميثاقك و اخلع عنهم القميص الرثيث و البسهم رداء التقديس اُنك انت الكريم الرحيم ع ع
اى رفيق اكر بدانى كه بچه حبى قلم گرفته و بتحرير اين نميقه پرداخته البته بمجرد ملاحظه در شوق و شعف آئى و وجد و طرب كنى كه الحمدلله چنين غمخوار غمگسارى دارم و چنين يار مهربانى كه در چنين احزانى و بلاياى و مصائب بى كرانى و گرداب
* ص 550 *

عذابى باين محبت بنگارش جواب نامه پرداخته و با ياد ياران همدم گشته در يومى كه

تذهل کل مرضعة عما ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری ولكن عذاب الله شديد او بذکر دوستان سدید پرداخته و بدرگاه احدیت عجز و نیاز مینماید که تأیید و توفیق بخش و عنایت فرما ع ع

ای رفیق آبا یادت میآید که در ایام تشرّف بلقاء الله بچه اشتعال و انجذاب با تو ملاقات مینمودم و بچه مهربانی صحبت میکردم و چه قدر محبت بشما داشتم آن الفت و محبت و مؤانست فراموش نشود قدر آن را بدان اگر تو فراموش نمائی من ننمایم و از فضل وجود حضرت احدیت ملتسمم که آثار و آیات آن ملاقات را الیوم ظاهر و عیان فرماید ای رفیق در هر کور اگر چه امرالله ظاهر ولی بوضوح این کور اعظم در هیچ کوری امر واضح و عیان نبود چه که این دور مبین در جمیع شئون ممتاز و در کل مراتب بیمثل و بی نظائر و اشباه و در این کور نیز هیچ امری بوضوح و ثبوت و قوّت و عظمت عهد و میثاق نه جمال قدم و اسم اعظم روحی لعباده الفدا * ص 551*

از جمیع جهات ابواب و ساوس و دسائس و شبهاترا مسدود فرمودند و از برای نفسی محلّ

تردد نگذاشتند سی سال قبل از صعود در مواضع متعدّده از کتاب اقدس که ناسخ و مهیمن بر جمیع کتب است بصراحت و توضیح من دون تأویل و تلویح سیل را واضح و دلیل

را لائح فرمودند و تکلیف الهی و دینی و روحی و ظاهری و باطنی کل را تعیین کردند و سی سال جمیع اطفال ملکوت را از پستان کتاب اقدس شیر عنایت فرمودند تا این ضوابط و روابط الهیه در کینونات بشریه تمکّن تام حاصل نماید و حصن رزین امرالله چون سدّ سدید حدید حصین و متین شود و کسی رخنه نتواند مبین کتاب مبین را با وضوح تصریح تعیین فرمودند و مرکز میثاق را شهره آفاق کردند و گذشته از بیان شفاهی باثر قلم اعلی و نصّ صریح ابهی کتاب عهد نازل و جمیع شبهات محتمله را زائل فرمودند بقسمی که دور و نزدیک و اهل افریک و امریک و ترک و تاجیک کل از این آوازه در غلغله و ولوله افتادند و صیت این عهد و صوت این میثاق گوشزد جمیع آفاق شد با وجود این معدودی محدود هوس سروری نمودند و اوهام مهتری * ص 552*

با کلاه تتری تاج برتری جویند و بقولی چون بعوض نفوذ در میثاق خواهند و راه ستمگری جویند که مرکز میثاق را منسی آفاق کنند و قطب دائره عهد را خارج از محیط اشراق

هیئات هیئات هرگز آفتاب عهد بقوت اهل مهد پوشیده نشود و رخ مهر تابان بهمسات
خفشان رنجیده نگردد و سیل فیض باران بمشتی خاک مسدود نشود و نسیم ریاض
میثاق

مقطوع نگردد فسوف یسمعون نقرات هذا الناقرور و نغمات هذا السافور من الملاء
الاعلی سبحان ربی الابهی هنالك ینطقون المؤمنون و المتزلزلون تالله لقد
آثرک الله علینا حال ملاحظه فرمائید که این تزلزل و تردد چه ثمری بجهت اهل
فنون دارد آیا در بحر رحمت اخروی مغمور گردند یا خود در شئون دنیوی مغمور شوند
لاوالله بلکه عاقبت هر متزلزلی در تحت اطباق خذلان ابدی مظمور گردد یا لله نسیان
عهد و عصیان میثاق سبب نورانیت وجه در جبروت اعلی و ابهیست یا افترای مرکز
میثاق و ابتلای وحید فرید آفاق سبب روشنائی روی در ملاً اعلیست اگر این دلائل و
براهین کفایت نه نص کتاب اقدس و کتاب عهد را نشان
ص 553

هر ملتی از ملل عالم می‌دهیم و بدون گفتگو سؤال مینمائیم که بموجب این نصوص
الهیّه چه اقتضا مینماید آیا چه حکم خواهد نمود خواهد گفت که این نصوص بجهت
اطاعت است یا مخالفت بجهت اعانت است یا اهانت بجهت خصومت است یا رعایت آیا در
هیچ کوری نصوص کتاب اقدسی بود و یا نصوص خاتم عهدی بود با وجود این آباء و
اجداد

حضرت اعلی و جمال قدم و اسم اعظم روحی لهم الفدا چون شیعه بودند بجهت کلمه
من

کنت مولاه فهذا علی مولاه از سائرین متّفر بودند و حال حضرات متزلزلین آباء و
اجداد جمال قدم و حضرت اعلی را بجهت اینکه عمری نبودند شیعه شنیعه دانند و در
جمیع اوراق شبهاتشان تکفیر حزب شیعه نموده‌اند بلی در آثار مبارک ذکر شیعه شنیعه
است ولی مراد شیعیانی بود که اعراض از حضرت اعلی در یوم ظهورش نمودند و صد
هزار

نفوس شهید کردند نه شیعیانی که تابع حضرت امیر و ائمه اطهار علیهم السلام
بودند چه که جمیع اجداد جمال قدم و اسم اعظم و حضرت اعلی روحی لعبادهما الفدا
شیعه بودند و بری از هر مخالفی پس در اینصورت اصلاّب طاهره چه شد باید گفت این
ص 554

دو شمس حقیقت استغفرالله از اصلاّب شیعه بودند سبحان الله ملاحظه فرمائید که
غرض چه میکند که بکلی انسان کور میشود و تمیز میان صحیح و سقیم و غث و ثمن

نمیدهد و این کلمه کفایت کتاب من دون مبین اصلش از عمر است که گفت حسبنا کتاب الله و بجزیر دیگر محتاج یعنی مبین نیستم و اساس نزاع و جدال و خصومت و تشبیت و تفریق را گذاشت و عداوت و بغضاء بین دوستان و اصحاب حضرت انداخت این کلمه اساس

جمع ظلمها و طغیانها و عصیانها بلکه سبب خون ریزها گشت و چون مطلع بر حقایق وقایع بعد از حضرت رسول گردید شهادت میدهد که اس اساس دین الله از این کلمه برهم خورد و جنود نفس و هوی هجوم آورد و راسخ در علم معزول و مهمول گشت هر شخص

مجهول و مخمول چون ابوهریریره و ابو شعیون معزز و مقبول گردید اللهم وال من والاه و عاد من عاداه اسیر و حقیر و خانه نشین شد و لعن الله الناقه و راکبها و قائدها یار دلنشین گشت لافتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار سرگشته تلال و قفار شد و الشجرة الملعونة

* ص 555*

فی القرآن بر عرش خلافت و سریر سلطنت استقرار یافت الفاطمة بضعة منی من آذاها فقد آذانی در بیت الحزن گریست تا هلاک شد و عایشه بی باک بحرب آن جان پاک با قومی سفاک و هتاک شتافت و به تبغلت و تجملت و لوعشت تفتلت معزز و مکرم گشت این کلمه حسبنا کتاب الله تیغ شمشیر شد و بر سر مبارک حضرت امیر خورد و سیف صارم ابن آکله الاکباد گشت این کلمه در لیلۃ الهریر نار سعیر برافروخت و چهار هزار نفر حفظه قرآن اجله اصحاب حصرت امیر را هزله و رزله و خذله خوارج کرد این کلمه تشبیت شمل احباً نمود و تفریق اهل ولا کرد این کلمه حب احبای جمال محمدی را بسیف سنان و سنان و حیف و عدوان تبدیل نمود این کلمه خنجر کین شد و در ارض طف حنجر جمال مبین را قطع کرد و خاک را بخون مطهرش رنگین

نمود این کلمه در صحرای کربلاء آن مصیبت کبری و آن فضیحه عظمی را بر پا نمود این کلمه جمیع ائمه اطهار را اسیر و مسجون و مظلوم و محکوم هر غدار کرد این کلمه سبب شد که در بین امت مرحومه جدال و نزاع

* ص 556*

و قتال و حرب و ضرب انداخت و خون کرورها از مسلمانان ریخت این کلمه کور فرقان را زیر و زیر نمود و بوستان الهی و جنت محمدی را جنگل سباع و ذئاب تیز چنگ کرد این کلمه هزار و دویست سال بخونریزی غبراء را گلگون و حمراء نمود این کلمه

صد هزار گلوله گشت و بر سینه مبارک حضرت اعلیٰ خورد این کلمه زنجیر شد و در گردن مقدّس جمال قدم افتاد این کلمه غربت عراق و کربت بلغار و مصیبت سجن اعظم شد زیرا خلیفه ثانی چون خواست که مبین کتاب حضرت امیر را مقهور و در زاویه نسیان محصور نماید و راسخ در علم را مبتذل و فاسق پر جهل را معزز و محترم کند و منصوص من کنت مولاه فهذا علی مولاه را محتقر نماید در مقابل نصّ یکفینا کتاب الله و حسبنا القرآن گفت و استدلال به لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین نمود و تمسک به الیوم اکملت لکم دینکم جست و تشبّث به اولم یکفهم انا انزلنا الیک الکتاب کرد و مبین کتاب راسخ در علم حضرت امیر را خانه نشین نمود و هر راوی ضعیف را شیرگیر کرد یکی لو کان نبی من بعدی لکان عمر روایت کرد دیگری حدیث عشره مبشره قرائت نمود دیگری عثمان ذوالنورین و عثمان

* ص 557 *

رفیقی فی الجنّة تلاوت دیگری لو اتّخذت غیر الله خلیلاً لاتّخذت اباکر خلیلاً از قول حضرت

حکایت نمود خلاصه مجتهد زیاد شد و فتاویٰ بیشمار گشت غبار کذب و اراجیف بلند شد و نور آفتاب صدق مکدر گشت اختلاف شدید شد و ابتلاف ناپدید گشت آراء مختلفه بمیان آمد و اختلاف کلمه عیان شد شریعت الله متروک شد و مبین کتاب الله مخدول گشت ابن عقّان مقتول شد ابن آکله الاکباد منصوب گشت حرب جمل برخواست مکر و دغل بمیان آمد حمیراء بر ناقه شهباء سوار شد و جولان در میدان عصیان نمود و خونخواهی ابن عقّان کرد معاویه سر از زاویه بیرون کرد و در ماتم عثمان از دیده خون بیارید بر سر منبر رفت و اصبع مقطوع دختر پیغمبر بنمود پیرهن پر خون عثمان نشر کرد و با چشمی گریان آغاز فریاد و فغان نمود که این قمیص پر خون ذوالنورین است و این اصبع مقطوع نورعین و اوایلا وادینا و شریعتا جمیع حاضرین گریستند و در مقاومت بحضرت امیر زیستند غبار تیره لیلۃ الهریر بفلک اثر رسید و هزاران اصحاب رسول در خاک و خون مقتول افتاد

* ص 558 *

و علی هذا المنوال سائر الاحوال و اگر خلیفه ثانی اطاعت براسخ در علم و مبین کتاب حضرت امیر مینمود و حسبنا کتاب الله بر زبان نیراند ابدأ این فتن و فساد رخ نمینمود و این فتن و هتک بمیان نیامد و سی هزار مجتهد در مقابل راسخ در علم

بمنازعه و محاججه بر نمیخواست چه که هر یک از اصحاب رسول خویش را مجتهد مستقل

شمرده از آیات و احادیث استنباط حکام و عبادات و اعتقادات مینمود در این میان کسی که مهمول و معزول بود حضرت امیر بود و همچنین ملامحمد ممقانی و سائر مجتهدین

حسبنا کتاب الله میدانستند و از مبین کتاب حضرت اعلیٰ روحی له الفدا خویش را مستغنی میشمردند لهذا بایه مبارکه ولکنه رسول الله و خاتم النبیین تشبث و تمسک جسته فتوی بر قتل حضرت اعلیٰ دادند و اگر چنانچه از برای آتاب مبینی واجب میدانستند اعتماد بر فهم خویش نمیکردند در حکم قتل تردد مینمودند پس معلوم و واضح گشت که جمیع این فساد و فتن و بلایا و محن از عدم اطاعت مبین مبین و عبارت حسبنا کتاب الله منبعث گشت باری اگر چنانچه کتاب کفایت میکرد مبین منصوص

* ص 559 *

چه لزوم و آیه کتاب اقدس چه لازم بجهت چه این آیات که در نزد کل احباء موجود میخواندند و بموجیش عمل مینمودند نهایت هر یک از احباء مجتهدی میشد و استنباطی میکرد و حکمی مجری میداشت و نهایتش این بود که استنباطها مختلف میگشت کارمجادله

میرسید مجادله بمنازعه منجر میشد و منازعه بمقابله میانجامید و عاقبت صد هزار خون ریخته میشد و چیز دیگر نمیشد حال با وجود عهد و میثاق نیر آفاق حسبنا کتاب الله میگویند وای اگر آیات کتاب اقدس و کتاب عهد در میان نبود آنوقت والله گوشت و پوست این عبد را با درفش فوراً پاره پاره مینمودند و از غرائب و قووعات اینکه یکی از احباب گفته بود که این رساله چگونه اوراق شبهات است با وجود آنکه صد آیه در آن مندرج چگونه آیات بینات شبهات میشود در جواب بفرمایند تیر شهاب ردّ علی الباب تألیف شخص کرمانی نیز محتوی بر صد آیات بینات قرآن در این صورت تیر شهاب را کتاب صواب باید خواند گذشته از این رساله یکی از یحیائی که در ردّ جمال مبین و نبأ عظیم مرقوم نموده جمیع اعتراضات

* ص 560 *

و احتجاجات خویش را مستند بر آیات بیان نموده و بزعم خود نصوص بیانرا ردّ قاطع بر جمال مبارک شمرده و آیات حضرت اعلیٰ روحی له الفدا را درج کرده در اینصورت باید گفت آن رساله مهمله آن شخص کتاب مبین است یا الهام علیین و از اغرب غرائب

آنکه اعتراضات اهل زلزال بر این عبد مطابق احتجاجات اهل ضلال بر جمال ذوالجلال است طابقوا النعل بالنعل ولی از برای این عبد مفترباتی جعل کردند و بر آن رد نوشته‌اند و ولوله در آفاق انداخته‌اند و آتشی بر افروختند و خرمن بیگانه و خویش بسوختند و اذا قيل لهم لاتفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون ولكن لايشعرون ملاحظه نمائید ادعائی از برای این عبد خلق نمودند پس محاجه بآیه من يدعی قبل الالف نمودند و حال آنکه جمال قدم و اسم اعظم روحی لثربته الفدا این عبد را از کودکی رضیع ثدی عبودیت فرمود و در آغوش خضوع و خشوع و رقیّت پرورش داد و بخلعت بندگی درگاه احدیت الهیه هیکل محویت را زینت بخشید * ص 561*

تا در قطب امکان علم میثاق بنسیم عبودیت کبری مواج گردد و سراج عهد در زجاج رقیّت بمحویت عظمی وهّاج شود عبودیتی در ابداع ظاهر گردد که در جمیع عوالم تحقّق یابد و شبیه و مثل و نظیری در این عهد نداشته باشد لهذا این عبد سلطنت عزّت ابدیه را باین عبودیت صمیمیه تبدیل ننمایم و سریر اثیر را باین حصیر حقیر مبادله ننمایم و این حسیض ادنی را باوج اعلی تحویل نجوم راه بندگی پویم و اسرار عبودیت گویم در دامن کبریا در آویزم و اشک حسرت ریزم و عجز و نیاز آرم که ای دلبر یکتایم و خداوند بیهمتایم قوّت و قدرتی بخش و تاب و توانی عطا فرما قوی را نیروی ملاءاعلی بخش و اعضا را تأیید ملکوت ابهی جوارح را سوانح غیبی ده و ارکان را لوائح ملکوتی فرما تا بر عبودیت جمال احدیت چنانکه لائق و سزاوار مؤید گردم و بر بندگی آستان مقدّست چنان که باید و شاید موفق شوم ای محیط در بسیط فقر و فنا راه ده ای مهیمن در خلوتکده محو و هباء مسکن بخش خاک ره دوستانت کن و غبار آستانت فرما عبودیت ملکوتی بخش که فوق توانائی بشریست * ص 562*

و رقیّت ناسوتی ده که انزل مراتب بندگیست تویی قوی و قدیر تویی مقتدر و بی نظیر شمعی بر افروز که پرتوش روشنی آفاق شود و ناری ایقاد کن که حرارتش شعله بر سب

طباق زند دلها را مهبط الهام کن و جانها را مشرق انوار ای پروردگار دردمندان را درمان کن و هوشمندان را محرم ایوان افق علین را بنور مبین روشن نما و ساحت دلها را رشک گلزار و گلشن کن هر یک از احبا را نجم هدی نما و هر یک از اهل وفا را کوکبی ساطع در افق اعلی نهالهای حدیقه رحمانیت را طراوت و لطافت بخش و نورسیدگان بارگاه احدیت را صباحت و ملاحظه ده بندگان دیرینت را انوار علین

فرما و آزادگان قدیم را شهریاران اقلیم نعیم کن رویشان برافروز و خویشان را مشک
جان فرما و آفاق را معطر نما دستشان ید بیضاء نما و لفظشان لؤلؤ لئلاء
برهانشان ثعبان مبین کن و دلیلشان سنوحات علیین ظهیرشان شدیدالقوی کن و
نصیرشان جنود ملکوت ابهی باری مقصد متزلزلین این که باین وسائل و اراجیف بنیان
میثاق را بکلی
* ص 563 *

از بنیاد براندازند و اساس عهد را از بیخ و بن برکنند ولی از این غافل که
فیض شامل نجم آفل نگردهد و غیث هاطل شئی باطل نشود انوار ملکوت ظلمات لیل
دیجور

نشود و آیات لاهوت منسوخ اهل غرور نگردهد عنقریب آیات عهد موّاج گردد و
انوار ساطع میثاق کوکب و هّاج این سیل عظیم آبیاری هفت اقلیم نماید و این نور
مبین پرتو افشانی بر زمین بسیط غبراء محیط سماء گردد و کشور خاک سپهر افلاک
شود آجوی ماء معین شود و شعله دلجوی نور مبین باری ای همدم قدیم این عبد را
امید و طید بود که یاران مهربان در تهاجم بلایاء و تتایع رزایا و هجوم عموم
برایا و شدت مصیبت کبری و بلیه عظمی و تسلط اعداء و تموّج بحر قضا هر یک
زهر هلاهل را درمان گردند و زخم هائل را مرهم کامل شوند عدو صائل را سپر حائل
گردند و تیر و شمشیر دشمنان را مانع و دافع حال آنان نیز تیغ جفا کشیدند و نصیحت
میر وفا نشنیدند و محو و اضمحلال این عبد بها را پسندیدند عهد و میثاق را مدار
شفاق کردند و واسطه ایتلاف
* ص 564 *

را اس اختلاف نمودند نور مبین را لیل بهیم خواندند و اشراق علیین را احراق
سجّین شمردند حصن حصین را گذاشتند و دخمه گلین را ملجأ متین گمان نمودند نصّ
قاطع را نسباً منسباً نمودند و برهان لامع را هزأ سخریاً گرفتند مبین منصوص
را مقصوص الجناح کردند و بنیان مرصوص را مهدوم الاساس انگاشتند یکی رئیس
المشربین
نامید و دیگری عدو مبین شورد یکی بی عصمت گفت و دیگری بی عفت خواند یکی
شکایت

کرد و دیگری روایت از بدو صعود آتش فساد برافروخت و مرکز جحد نقض عهد آموخت
اطفال مهد آئین سروری گذاشتند و بوهم و گمان مهتری خواستند و برتری جستند و بهر
وسیله تخدیش اذهان و تشویش یاران نمودند جمیع اوراق اخبار در اقطار و اشطار خبر

صعود نیر آفاق را با نقض میثاق توأم اعلان نمود از جمله اختر روزنامه ایرانیان در اسلامبول این خبر مهول را با طبل و دهل اعلان کرد و در اروپا بعضی رساله تألیف نمودند و این متاع کثیف را در انتظار عموم عرضه کردند این ناقصین مدتی در کمین نشستند

* ص 565 *

عاقبت بعد از سه سال ادعائی از برای این عبد فرض و تخمین نمودند و با کوس و کرنا عربده در روی زمین انداختند و این عبد را مصداق آیه مبارکه من یدعی امراً قبل اتمام الف سنة كاملة انه کذاب مفتر نسل الله ان یؤیده علی الرجوع ان تاب انه هو التواب و ان اصر علی ما قال یبعث الله علیه من لایرحمه انه شدیدالعقاب دانسته‌اند و این آیه را در کل رسائل خویش با قلم جلی مرقوم نموده‌اند ولی دقت نمایند که چه فتوی در حق این عبد فرید وحید داده‌اند در درون رساله ذکر ادعای الوهیت و ربوبیت و شرکت با جمال مبارک امر نموده‌اند و در ظاهر رساله‌ها و داخل این آیه را مرقوم نموده‌اند دیگر تا کی این فتوی مجری گردد و من لایرحمه بشدید حدید حبل ورید این وحید را مقطوع نماید ولی این عبد در حق نفسی فتوی ندهم و تکفیر و تغسیق ننمایم و اسناد شرک ندهم نهایت اینست که نصیحت کنم و بر جوع بر میثاق دلالت نمایم فمن شاء فلیعمل و من شاء فلیترک ان الله غنی عن

العالمین و ما انت علیهم بوکیل

* ص 566 *

گویم و لست علیهم بمسیطر خونم و علیکم بانفسکم دانم و دست تضرع گشایم و زبان ابتهال باز کنم و ربّ اهد قومی فانهم لایعلمون گویم و سینه را هدف صد هزار تیر جفا نمایم و چهره وفا تیره ننمایم و زخم افترا را مرهم ابتهال نهم و درد اهل بغضا را درمان سریع العلاج جویم صبر و تحمل خواهم و نسک و تبیل جویم گریه و زاری کنم و مویه و بیقراری نمایم عجز و نیاز آرم و فریاد و فغان نمایم که ای پاک یزدان این قوم در ظل سدره منتهای بودند و در ریاض جنت ماوی آتشی در قلوبشان شعله زد و مغلوب الهوی و مسلوب النهی عربده انداختند و علم ولوله افراختند و نرد اوهامی باختند که شاید علم میثاق منکوس گردد و حقیقت رجا مایوس نور مبین افول نماید و ظلام لیل بهیم حصول جوید مرکز پیمان فراموش شود و نارالله الموقده خاموش گردد زمام عهد در دست اطفال مهد افتد و شمع شب افروز پیمان از ارباح

بقضاء محمود گردد نیر میناق غروب کند و خفاش شقاق خیمه به بیرون زند پرتو
حقیقت

* ص 567*

مفقود و مکتون گردد و ظلمت مجاز سراپرده بگردون زند مرکز عهد تبدیل یابد و محور
میناق تحویل حال این عبد را در صون حمایت مصون نمودی و میناقت را محفوظ و
مشبوت

بنیان پیمان را برافروستی و دست تطاول ناقصین را کوتاه ساختی ولی نقض عهد گردن
گیر

شد و مانند اغلال و زنجیر و انا جعلنا فی اعناقهم الاغلال فهی الی الاذقان فهم
مقمحون تحقّق یافت ای پروردگار بقوّت و اقتدار این زنجیر بردار و اعناق را از
اغلال رهائی بخش گردنها را آزاد کن و دل‌های قیرگون را روشن و شاد فرما خفتگان را
بیدار کن و بیهوشان را هوشیار اطفال رضیع را بشدی عزیز دلالت فرما و کودکان بیخرد
را بدبستان عنایت هدیت نما مست باده غرور را رسم خضوع و خشوع آموز و زنجیرشکن
کبر و محن را آداب عبودیتّ تعلیم نما این بیچارگان نادانند و این کودکان نو
هوسان و بی خردان ندانند و نشناسند و انجام نیینند نام جویند و راه جفا پویند تو
انتباه بخش و اشتباه را از میان بردار هدایت کن و عنایت فرما و بظل سدره میناق
* ص 568*

دلالت نما تا کل در سایه شجره انیسا راحت جان یابند و کام دل جویند و بمسرت
بی پایان رسند و مقامشان بلند گردد و قدرشان ارجمند عزت قدیمه یابند و موهبت
عظیمه از آغاز سرفراز تر گردند و از پیش عنایت بیشتر یابند ای پروردگار تأیید
بخش و توفیق عنایت کن این ابر تیره را زائل کن و این غمام حائل را متلاشی و
باطل نسیم جان بخش بوزان و دل‌های مرده را زنده کن باران رحمتی بیار و این گیاه
افسرده را تر و تازه نما حدیق قلوب را جنت ابهی کن و حقائق نفوس را ریاض
ملاءعلی ای قدیر رجای این عبد بپذیر تویی توانا تویی بیهمتا و از اغرب غرائب
آنکه سه سال قبل نوشته از مدینه الله عراق نزد جناب آقامصطفی علیه بهاءالله
ارسال میشود و از ایشان سنوال مینمایند که این لوح مبارک است یا دون آن جناب
مذکور آن ورق مزبور را نزد جناب آقامیرزا اسدالله ارسال مینمایند و استفسار از
حقیقت کیفیت میکنند آن ورقه چون ملاحظه گردید بعضی از آثار مبارکه را پراکنده
نفسی جمع نموده یعنی چند فقره از اینجا چند فقره از آنجا جمع نموده و در میان
این فقرات ع ع مرقوم نموده و آن ورقه بعضی فقراتش اینست

* ص 569 *

سرالله من سدره النار من وراء قلمز النور علی بقعه الامر قدکان بالروح مشهودا و بعد این مرقوم فسبحانک اللهم اسئلك بذاتک الغیب فی مکن البقاء و بذكرک العلی الاعلی ع و بجمال القدس فی فردوسک الابهی باری در جواب باقا میرزا اسدالله تأکید شد و باقا محمد مصطفی علیه بهاءالله مرقوم گردید که این لوح بعضی فقراتش از جمال قدم و بعضی نه این را بعضی از متزلزین مخصوص

ترتیب داده‌اند و در افواه احبای الهی انداخته‌اند تا شیوع یابد و چون شایع گشت خواهند گفت که اینرا ثابتین ترتیب داده‌اند و این را سبب تخدیش اذهان ضعفا خواهند نمود پس باید هر کس این نوشته در دستش آمد محو نماید این قضیه در سه سال پیش واقع و الآن جواب در بغداد موجود و جمیع احبای بغداد مطلع و چون جناب فروغی در این ارض بزیارت آستان مقدس مشرف شد در نزد جمعی ذکر این نوشته شد بکرات و مرات و تکرار گفته شد و تأکید گشت که این نوشته اصل ندارد بلکه ترتیب متزلزین است و باید بکلی محو شود حال این ایام سر مکتوم مکشوف شد حضرات آن نوشته را * ص 570 *

دست آویز کرده و ضعفا را تشویش میدهند که تحریف شده و حال آنکه تحریف متزلزین چون آفتاب مشهود و واضح و مطبوع و در جمیع آفاق منتشر آیات سوره هیکل بعضی را بکلی از سوره هیکل برداشته و بعضی را تغییر داده‌اند حال ملاحظه فرمائید که این مظلوم ساکت و صامت و اهل فتور چه قدر جسور و اعظم شرور را بثابتین نسبت داده‌اند و حال آنکه در اکثر اوراق بخط کاتب تحریف واقع و آنچه خواستند کرده‌اند و بنص جلیل این عبد مبین کتاب مبین است و آثار آنچه در تحت تصدیق این عبد نه شایان اعتماد نیست مگر باثر قلم اعلی آن نیز باید نهایت دقت و فحص دقیق شود که نقطه تزئید و تقبیس و تصحیف نگرده قضیه فاقبلوه بتصحیف فاقتلوه شد از خاطر نرود پادشاه شام نورالدین سلجوقی امر نامه بحلب نگاشت عبارتش این بود اذا وصلکم امری هذا فاحصوا کل الیهود فی حلب یعنی جمیع یهود حلب را بشمارید کاتب بعد از توفیق و تمهیر فرمان غفلت نمود مگسی نقطه از فضلات بالای حی احصوا گذاشت و احصوا شد بورود فرمان جمیع یهود مظلوم را جمع نموده بلای عظیمی بر آن

* ص 571 *

بیچارگان وارد آوردند چون کیفیت منتشر و مسموع پادشاه گشت بسیار برآشفت و دشنام

گفت و از غضب برافروخت و کاتب را مورد عتاب ساخت چون حقیقت مسئله معلوم گشت

مشهود شد که این تصحیف و تحریف را یک ذبابه ضعیف نموده ملاحظه فرمائید تصحیف و

تزیید نقطه چه ظلم و فساد شدید بر پا نمود از این قیاس کنید علی الخصوص جمیع امانات و اوراق این عید را متزلزلین غضب و ضبط نمودند حقیقت این قضیه آنکه جمال قدم و اسم اعظم روحی و ذاتی و کینوتی لعته المقدسه الغدا در ایام اخیره وقتی که در فرارش تشریف داشتند این عبد بقصر رفت و شب و روز در ساحت اقدس بودم دلها

پر خون و اشک مانند جیحون و با این حالت باکتر خدمات مبارک مشغول بودم روزی فرمودند اوراق من را جمع کن از این فرمایش چنان طپش و اضطرابی در قلب حاصل گشت که

شرح نتوانم مکرر امر قطعی فرمودند محض اطاعت با کمال ارتعاش دل و دست مباشرت

بجمع اوراق نمودم و دو جانپله بسیار بزرگ بود که در وقت تشریف بردن * ص 572 *

بقصر و مرجعت بعگا جمیع اوراق و مایتعلق محبوب آفاق در آن دو جانپله گذاشته میشد باری این عبد مشغول بجمع کردن بود که میرزا مجدالدین وارد شد این عبد چنان متأثر و مضطرب بود که خواست بزودی از تأثرات جمع اوراق خلاص شود بی اختیار باو گفتم تو نیز معاونت نما باری جمیع اوراق و امانات و خواتم و سجعهای مهرهای مقدس را در آن دو جانپله گذاشته بستیم فرمودند تعلق بتو دارد بعد رزیه کبری رخ نمود و ارکان عرش متزلزل و ظلمت فراق آفاق را احاطه نمود صبح نورانی بشام ظلمانی تبدیل گشت شمس حقیقت بظاهر از ابصار افول نمود و بر آفاق بصائر سطوع فرمود سراج هدی از ملا ادنی صعود نمود و در زجاجه ملا اعلی برافروخت دلها غرق خون شد و جگرها پر سوز و گداز گشت ناله و حنین بلند شد و گریه و زاری باوج اثر رسید جمیع ملل از وضع و شریف در قصر جمع شدند و کافه متأثر و متحیر مصیبت کبری و لاتسمع لهم همسا فضلا و علما و ادبای ملل شتا از سنه و شیعه و نصاری قصائد غرا در ماتم و رزیه کبری انشا

* ص 573 *

نموده در کمال تأثر و تأسف و تحسّر علی ملاء الاشهاد قرائت و تلاوت مینمودند و جمیع در ستایش و نیایش و بزرگواری نیر آفاق و اعتراف بر عظمت و جلال و جمال و کمال حضرت کبریا و الفضل ما شهدت به کل البرایا باری این عبد در این فزع عظیم و اضطراب شدید با چشمی گریان و قلبی سوزان و کبدی بریان وارد غرفه مبارک با اغصان شد چون خواستیم جسد مطهر را غسل و آب پاک و ماء طهور را بنفحات آن تن چون بلور

معطر نمایم یکی از اهل فتور باین عبد گفت این دو جانپه را بدهید بدهم میرزا بدیع الله بغرفه خویش برد و محافظه نماید زیرا در اینجا آب موج خواهد زد این عبد از شدت صدمه کبری و قوت رزیه عظمی مدهوش و محو و فانی گشته و بهیچوجه گمان چنین ظلم نمیگشت لهذا آن دو جانپه را بتمامه تسلیم نمودم باری دیگر میرس که در آن روز چه حسرت و ماتمی بود و آن بامداد چگونه شام گشت گر گویم قلبها

پر خون شود و نویسم اشکها جیحون شود قسم بجمال قدم که بکلی از حواس و احساس

بیزار و بیگانه گشتم و تا الی صباح گریستم و یوم ثانی و ثالث نیز بر این منوال گذشت لیله
* ص 574 *

رابع نصف شب از بستر با خون جگر برخواستم که قدری مشی نمایم بلکه فتوری در حرقت

و سوزش جگر حاصل شود ملاحظه کردم که اوراق را باز نموده اند و جستجو مینمایند چنان

حالتی دست داد که وصف نتوانم دوباره رجوع بفراش نمودم که مبادا ملتفت شوند که این عبد این قضیه را مشاهده نمود در پیش خود گفتم که چون حضرات کتاب عهد جمال قدم را ندیده اند گمان میکنند که بواسطه اوراق مبارک میتوانند در امرالله اختلافی کنند لهذا بهتر اینست که این عبد سکوت نماید و یوم تاسع تلاوت کتاب عهد گشت و معانی میثاق در مذاق اهل وفاق شهد بخشید حزبی مسرور و مستبشر گشتند و بعضی

مغموم و متحسّر آثار بشارت کبری در وجود احبّا ظاهر گشت و غبار کدورت عظمی در بشره اهل هوی نمودار گردید بقسمی که جمیع حاضرین ملتفت شدند و از همان یوم اساس

نقض گذاشته شد و دریای وهم بموج آمد آتش فساد برافروخت و قلوب مخلصین

* ص 575 *

بسوخت روز بروز این آتش شعله ور گشت و این غبار بلند تر شد تا یکی از حضرات افغان توقیعی جدید داشت و استدعا نمود که فوق توقیعی بخاتم مبارک مزین گردد ذکر شد که یک خاتم از خاتمهای مبارک بدهید تا این توقیع را مزین نمایم در جواب گفتند خبری از خاتمهای مبارک ندارم گفته شد جمیع خاتمهای مقدس در جانپه و در گنجه مبارک بود و جانپه را من تسلیم شما نمودم گفت من ندیدم و نمیدانم از این جواب قسم بروح صواب چنان ارتعاشی در بدن حاصل شد که وصف نتوانم حیران و سرگردان

ماندم و گریان و نالان شدم که این چه فتنه عظمی بود و چه ظلمت دهما که ظاهر گشت

باری جمیع آثار مقدسه و الواح متعلقه عبد و سائر دوستان جمیع را از میان بردند حتی احکامی که تعدیلش در نزد این عبد موجود ملاحظه فرمائید که تعدی بچه درجه رسید و این عبد ساکت و صامت بود که مبدا این رائحه کریهه بکلی نشر در آفاق گردد و این حوادث مخیفه بتمامه معروف در نزد اهل شقاق شود در آتش میسوختم و میساختم میگریستم و میزیستم بعد ملاحظه

* ص 576 *

شد که بلائی که بر جمال قدم وارد یک یک پی در پی مستولی بر این عبد میگردد تا آنچه در علو ربوبیت ظاهر گشته انعکاساتش در دنو عبودیت نمایان و عیان شود صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی چون این مصیبت بعینها بر جمال قدم وارد پس باید صدمه از آن نصیب این عبد گردد تا عیدی اطعنی حتی اجعلک مثلی تحقق یابد چنانچه در مناجات بیان میفرماید و فی الحقیقه این فقره مناجات از لسان این عبد است قال و قاله الحق قد اخذتني الاحزان على شأن منع القلم الاعلى عن الجريان و لسان الابهی عن الذكر و البیان و قد رایت یا الهی فی حبک ما لارنت عیون الاولین و سمعت ما لا سمعت اذن العالمین و قد اری یا الهی عبادک الذین نزلت علیهم البیان و خلقتهم لنفسی احجب من ملل القبل کلهما بحیث یفتخرون بخاتمک و یضربونه علی الالواح لاثبات ریاساتهم بعد الذی انی ارسلته الیهم لعل یتشعرون لا فو عزتک لم یکن خاتمک الا فی اصبعی و لا یفارق منی ابداً و لن یقدر احد ان یأخذہ منی طوبی لمن یقرء ما نقش فیه من اسرارک المستوره و آیاتک

* ص 577 *

الاحديه و ثنائك المستودعه انتهى بيانه البديع ملاحظه بفرمائيد كه چگونه اين عبد را از بلاياء وارده بر جمال قدم نصيب عظيم است آنچه بر آن مطلع انوار وارد بعينه بر اين خاكسار وارد قد تجليت دموع الملاء الاعلى لبلائي و تلهبت زفرات اهل الملكوت الابهي لكربى و ابتلائي و اعين اهل سرادق القدس تذرف بالعبرات من حسراتى و اكباد الملاء العالين تتفتت من احزانى و آلامى الهى الهى ترى اجيج نارى و ضجيج سرى و احتراق كبدى و شعله قلبى و كى احشائى و فيض دموعى و

سيل عيونى و شدة كربى و بلائى و حرقة فؤادى و ابتلائي اى رب اكمنوا لى فى المراصد و فوقوا الى سهام المفاسد و سلوا على سيف العدوان من كل جانب و اطلقوا العنان و اشرعوا السنان و اغاروا على هذا العبد الذليل بكل طغيان اى رب ليس لى نصير و لا ظهير و لا مجير الا انت و بقيت فريداً و حيداً اسيراً ذليلاً بين احبائك و حيراناً فى امرى كلما انظر الى اليمين ارى نبالاً طائره و انظر الى اليسار ارى نصالاً

* ص 578 *

متابعه و التفت الى الامام اجد سيوفاً شاهره و اتوجه الى الخلف احسّ رماحاً نافذه و ارفع رأسى ارى غيوماً متكائفه و اطرق الى الارض ارى حبال و اشراك متواصله و ضعوها لى مصائد اولى العدوان حتى يرمونى فى اخدود النيران و يعذبونى باشد هوان اى رب و غاية رجائى اتضرع اليك و ابتهل اليك و ضجيجى يرتفع الى ملكوتك الابهي و صريخى يتصاعد الى ملك الاعلى ان تقرب ايام رجوعى اليك و ورودى عليك و وفودى بين يديك اى رب ضاقت على الارض برحبها و اشدت على الازمة باسرها و احاطتنى جنود الشبهات من جميع الجهات و اغارت على جموع الخصماء من كل الانحاء انجذنى بقبيل من الملائكة المقربين من ملكوتك الابهي و انصرنى بنزول جيوش متوسمين من ملك الاعلى كما وعدتنى حين اندك طور وجودى من تجليك على سيناء الظهور مشهد اللقاء و انى مطمئن القلب و متقين الفؤاد انك تتجز و عدك الحق و قولك الصدق يا محبوب من فى الارض و السماء فاخلق اللهم نفوساً زكية و قلوباً صافية و وجوهاً نوراً و جهاً بيضاء

* ص 579 *

و صدوراً منشرحةً بآيات قدسك يا ربى الابهي و السنأ ناطقة بذكرك يا ذالاسماء الحسنى و كينونات لطيفة صافية مستتبئة عنك يا رب السموات العلى ليقوموا على

نشرالآیات و اعلآء الكلمة و اشهار البینات متمسکین بالمیثاق و متشبثین
 بعهدک یا ربّ الرايات و یفتحوا قلاع القلوب و معاقل النفوس و یسخرّوا الارواح
 فانّهم جنود ملکوتک الاعلیٰ یا ربّی الابهی این عبد در ساحت اقدس جمال قدم از
 شدت خجلت و شرمساری سر بردارد و از کثرت قصور در حسرت فتور نیارد چه که با
 دستی تهی و گناهی عظیم و ذنوب و عصیان و نسیان قائم در آستانم و جز عفو و غفران
 ملجأ و پناه ندارم ای یزدان مهربان سراپا گنھیم و خاک رهیم و متضرع در هر
 صبحگھیم ای بزرگوار خطا بیوش عطا ببخش وفا بفرما صفا عنایت کن تا نور هدایت
 تابد و پرتو موهبت بیفزاید شمع غفران برافروزد پرده عصیان بسوزد صبح امید دم
 ظلمت نومید زائل گردد رویها منور شود توئی
 * ص 580 *

بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان انتھی ولی حمد نمایم حضرت احدیت را که اهل
 فتور پس از پنج سال غور و شور و شور قصوری که بر این عبد وارد آوردند این بود
 که بکنایه و اشاره و عباره و تلویح و حال بتوضیح تفهیم کل مینمایند که این عبد
 مدعی مقامی و شأنی و ظهور جدیدی و طلوع بدیعی هستم یعنی خود را مطلع وحی
 میدانم و مظهر الهام شمرم و بنص کتاب الله وحی مختص بحضرت اعلیٰ و جمال مبارک
 است و تا هزار سال وحی منقطع و بعث مظاهر ممتنع است پس بسبب این ادعآء وحی
 کفر

ثابت و حکم بیعث الله علیه من لایرحمه لایق چه که این متمم آیه من یدعی
 امرآ قیل تمام الف سنة کامله است باری چنین افتراء صریحی زدند و تهمت شدیدی
 روا داشتند و فتوای عظیمی دادند فنعم ما قال طوعاً لقاض اتی فی حکمه عجباً افتی
 بسفک دمی فی الحل والحرم چون قلم در دست غدارى فتاد لاجرم آن یار بر داری
 فتاد باری در سنه صعود بعراق مکتوبی ارسال

* ص 581 *

گشت که مضمونش باین معانی مشحون اعلم انّ العبودیة فی عبته السامیه هی تاجی
 الوھاج و اکلیلی و بها افتخر بین الملاء العالین و همچنین صفحہ مرقوم گشت که
 از عنوان تا ختام عبدالبهآء بود و مضمونش از این عبارات دالله بر فقر و فنا اعلم
 انّ اسمی عبدالبهآء و لقبی عبدالبهآء و نعتی عبدالبهآء و کینوتی عبدالبهآء
 و ذاتیتی عبدالبهآء و مسجدی الاقصی عبدالبهآء و سدرتی المنتھی عبدالبهآء و
 جنتی الماوی عبدالبهآء و امثال ذالک الی الانتهاء و این دو نوشته در عراق

الآن بخطّ این عبد موجود و همچنین مکتوبی که سه چهار سنه قبل بجناب آقامحمدعلی المشهور برجال الغیب مرقوم گردید صورتش اینست هوالابهی ای طالب صادق و حبیب

موافق آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه گشت و بمنتهای دقت تلاوت گردید الیوم تکلیف کل اینست که آنچه از قلم اعلی نازل آن را اتباع نمایند و آنچه بیان صریح این عبد است اعتقاد کنند ابداً تاویل
* ص 582 *

و تفسیر نمایند و تلویح ندانند قسم بمری غیب و شهود هر نفسی تصویری نماید و یا تخطری کند سبب احتجاب او گردد و علت ارتیاب شود اینست اعتقاد صمیمی حقیقی صریحی بدیهی اهل ملکوت ابهی و سگان جبروت اعلی که ظهورات کلیه که نقاط اولیه و شمس حقیقیه و مبادی فیوضات رحمانیه هستند منتهی بظهور اعظم و جمال قدم روحی لاقدام احبانه الفدا شد تا قبل از موعد مذکور در کتاب الله یعنی الف سنه جمیع نفوس مقدسه که موجود شوند ادلاء و عباد و ارفاء بل تراب آستان جمال مبارکند کل در نزد آن آفتاب حقیقی بمنزله سراج مستضیه و نجوم مستنیره هستند که بشعاعی از اشعه آن شمس حقیقت مستفیض گشتند کل عباد له و کل بامرہ يعملون سبحان الله چه نسبت است بین تراب و رب الارباب و چه مشابهت است بین ذره و آفتاب جهانتاب و اما این عبد مقامش عبدالهاست و ذره از خاک آستان جمال ابهی در ساحت احبایش محو و نابودم و در آستان
* ص 583 *

بندگانش تراب بی وجود استغفرالله عن ذلک یا احباء الله ولی این مطلب را بکمال محبت و رأفت تفهیم کل نمائید نه بعنف و زجر که سبب اختلاف شود عبدالها ع ملاحظه بفرمائید که اینعبد در چه مقام قائم و در چه فکر و اندیشه و مستغرق بحور متلاطم با قوت تأیید ملکوت ابهی چون اضعف ناس فانی و محو و نابود و با ظهور قوت نصرت جمال ابهی چون احقر عباد در صقع وجود مشهود با وجود این اهل فتور چه قدر مفتری و جسور که انتشار میدهند این عبد نعوذ بالله مقامی فوق مقام جمال ابهی ادعا نموده و این قضیه بر اهل فتور گران آمده الهی انت تعلم و تشهد بان طینه عبدک مخمره بماء العبودیه لعنتک العالیه و جمله رقیق مربیه بروح الفناء و المحویه فی حضرتک القدسیه و حقیقه عبدک کالطفل الرضيع قد رضع من ثدی العبودیه و نما فی حصن التعبد لطلعتک المنیره و نشأ فی حجر التخشع بسطلتک القدیمه مع ذلک کیف سلوا سیوف

* ص 584 *

الستهم المؤتفكه على عبدك و رشقوا سهام الطعن المسمومه على ابن امتك اي رب
افتح بصيرتهم و طيب سيرتهم و نظف ضمائرهم و لطف بواطنهم و ظواهرهم و
اهداهم

الى المنهج القويم و صراطك المستقيم انك انت الكريم الرحيم باري ملاحظه
فرمائيد كه اين قضيه بعينها بر جمال قدم در عراق وارد كه صدهزار تير طعن بر
سينه مبارك زدند و مغترباتي چند اعلان نمودند كه ناس را از ماء معين محروم
نمايند و از نور مابين محجوب كنند چنانكه در مناجات قلم بيان ميفرمايند
بل قضيت على ما لا قضى على احدٍ من قبلى و جريت ما لا يجرى على نفس من بعدى
ولكن

لن يعرفه احد دونك ولن تحصيه نفس سواك لانك كما لا تعرف بالابصار و كذلك فعلك
لا يدرك بالافكار و انك انت العزيز الجبار و نزل كل ذلك حين الذى اسمعنى
اختلاف عبادك فى شأنى بعد الذى ما قدرت لى من شأن دون العبودية لنفسك
والخضوع لى باب رحمتك والخشوع عند ظهورات انوار وجهك لانك لم تنزل كنت سلطاناً
* ص 585 *

على و لاتزال كنت عابداً لوجهك و كنت مالكاً لنفسى و كنت مملوكاً لنفسك و
ذليلاً عند جنابك و حقيراً لسلطنتك و معدوماً لى ظهور قدرتك و مفقوداً عند
تجلى انوار عز ازليتك رغماً للذين يريدون ان يفسدون فى ارضك و يعلون فى
بلادك و يحدثون فى الملك مالا قدرت لانفسهم و مراتبهم فسبحانك سبحانك عن كل
ذلك

و عن كل ما وصفك به لانك لاتدرك حتى تذكر بالوصف و لاتعرف لى تدرك بالنعته
هل ان عبدك هذا يكون عابداً لمن بعبدك و ساجداً لمن يسجدك و خادماً لمن يكون
خادماً لنفسك و خاضعاً لسلطنتك و معيناً لمن يطلبك و ناصرراً لمن ينصرك فى سمائك
و يربد نصرک فى بلادك فو عزتك لم اجد لنفسى عزاً اكبر من ذلك و لارتبة اعظم من
هذا و من كان فى قلبه و له شوقك و شغف فى حبك يعرف حب الذى شرفتنى به من
جواهر رحمتك و مجرد مكرمتك و يستششق من هذه الورقة الوردية ارباح حديقه
البقاء و اطياب مدينة الوفاء و يشهد كيف يحرق و يذوب هذا الشمع فى مصباح قلبه
فيما ورد عليه و نزل فى امر مولاه انتهى باري اينعبد با اين

* ص 586 *

عبردیّت عظمی در کمال محویت و فنا در آستان اقدس قائم و چون ذرّه مفقود و معدوم و نابود در مقام بندگی ثابت و راسخ و دائم هیچ اسمی نخواستم و خویش را بهیچ لقبی نیاراستم و ادّعی وحی ننمودم حتی خویش را ملهم نخواندم نه مستضیی دانستم و نه مستتیر نه مستشرق نه مستبرق در جمیع احوان خود را عبّاس نامیدم و در بین ناس خود را باین اسم شهیر نمودم بلکه منتهای آرزوی این عبد انعدام صرف و فنا بحت است که بینام و گمنام شوم و بی اثر و بی نشان گردم تا بحقیقت عبودیت که عدم بحت و فنای صرف است متحقّق شوم ولی بانصاف ملاحظه نمائید که نفوسی که افتری باین عبد

روا داشتند چه ادّعاها نموده‌اند و چه عربده‌ها کرده‌اند و چگونه دعوی ظهور جدیده نموده‌اند و چه قسم ادّعی نزول آیات و وحی کرده‌اند بقسمی تعجیل نمودند که فرصت صعود بجمال مبارک روحی لم‌رقده المّطهر فدا ندادند در وقتی که آن شمس حقیقت در افق

مبین طالع و لائح و سلطان ملکوت توحید بر سربر تفرید در حیّز شهود جالس پرتو آفتاب اوج

* ص 587*

عزت شرق و غرب را منور نموده و نیر اعظم باشد اشراق ابرار را خیره فرموده در چنین وقتیو چنین روز فیروزی اظهار وجود نموده‌اند و علم ادّعا برافراختند و دعوی وحی نمودند و چنان عربده معهوده در قزوین انداختند و توقیعات نوشتند و عبارات خود را آیات الهیه خواندند و خویش را سلطان روح نامیدند و چون از این تغوّهات و حرکات آشوب و فتنه در قزوین برخواست توقیع ساطع چون سیف قاطع صادر گشت قوله جل

ذکره اگر آتی از ظل امر منحرف شود معدوم صرف خواهد بود انتهی و این سواد کلماتیست که بخطّ و مهر مدّعی عیناً موجود هوالعزیز ان یا علی اسمع ندآئی و لاتکن من الغافلین قد انزلنا الیک کتابا بلسان عربی مبین و ما ارسلناه لحکمة لک ینالها الا الذین انقطعوا عن کل من فی السموات والارضین فسوف نرسله عندک اذا شاءالله و اراد و انه ما من اله الا هو یحکم مایشاء و انه لعلم حکیم مهر محمد علی هو البدیع فی افق عزّ منبع ح ع ب د

* ص 588*

تبارک الذی ارتفع السموات بغیر عمد و استوی علی الماء عرشه و انه بکلشیئی شهیدا و انه لاله الا هو و انه بکل علم علیما قل یا عبد اتّع ما ینطق لک

الروح بلسان صدق عظيما ثم ابلغ الناس بهذه الآيات ليذكروا في انفسهم و لن يتبعوا خطوات كل كافراً ائتما قل يا قوم آمنوا بالله الذى خلقكم ورزقكم و لا تعرضوا به على قدر نقيرا و قطميرا قل يا ملأ لم تكفرون بالله بارئكم و تعرضون بهذا الآيات لأن هذا قد نزل من عند الله المقتدر العليم الحكيم ثم قل يا قوم تالله قد ظهر غضنفر الله فى الارض و فر منه كل حمير ذى رجلين و ملأ قلوبهم من خيفة الله المقتدر القديرا و ما امن احد منهم اياكم ان لا تكونوا بمثلهم مشركاً مرتداً كفورا الى ان قال ثم اشرب ما يسقيك ساقى الروح من هذا الكوب الذى كان من ذهب الايقان مصنوعا ثم ارزق من ثمرات هذه الشجرة التى غرست فهذه السبأ بيد ربك العليم الحكيم الرحيم ثم قل يا قوم اسمعوا ندأ هذا الذى ظهر بين السموات و الارض و يقول بان

* ص589*

يا قوم آمنوا بالله الذى خلقكم بامرہ و كونوا بقوله سماعا سامعا سميعا و بجماله بصارا باصراً بصيرا و بجلاله نظاراً ناظراً الى قال و انه توأبا كريما علما رحيماً من النبيل قبل على مهر محمد على هو الله الرفع الابهى الاعلى ذكر الله عبده علياً ليستقيم على امر مولاہ و يكون ربه صديقا الى ان قال ان يا عبد اسمع ندائى ثم انقطع عن نفسك و هواك و وجه بشطر مولاك و ان هذا القول الصدق ان انت له سميعا و الروح عليك وعلى من استشرق من هذه النور الذى ظهر عن هذه الشمس التى كانت فى قطب الزوال مضينا عبد الله العلى محمد على مانزل على فؤاد محمد قبل على ان يا غلام الروح اسمع ندأ ربك الكريم عن هذه المنظر العظيم الى ان قال ثم ابلغ الكائنات الى مولاك فمن صدق بقولك و آمن باياتك الله بشره بلقاء ربك الرحمن الرحيم و من كفر فانذرہ بالنار و ان ربك سيجزيه عذاب عظيم و ما عقبى الظالمين الا الجحيم والله مخبر عليم قل يا عبد اسمع ما يلهمك قلم الامر فى آخر اللوح ان استقم على امره ان يمطر على رأسك السيف لاتباع خطوات الشيطان

* ص590*

و اتبع لله الرحمن و انه لاله الهو و انه لسلطان حق بينا ثم اشكر ربك بانه ينصرک بنصره و انه ينصر من يشاء و انه لعلى كل شئى شهيدا و انه لناصر كل عبد فقير و الروح و التكبير و النهاء عليك و على كل مؤمن منيبا مانزل على فؤاد محمد قبل على هو البهى الابهى فى الافق الاعلى ع م ص سبحان الذى خلق كل شئى بمقدارهم و انه لعلى كل شئى قديرا و انه لاله

الاهو و انه لعلی کل خلق علیما ان یا قوم آمنوا بالله و صدقوا بایاته بانه لاله الالذی فطر السموات بغير عمد و استوی علیه عرش العلی عظیمًا قل یا قوم اسمعوا ندائی و کونوا علی صراط الله قائمًا مستقیمًا یا ملأ آمنوا بالله الذی خلقکم و رزقکم و صورکم و انه بکل شیئی شهیدًا له الخلق والامر من قبل و من بعد و انه لسلطانًا مقتدرًا عزیزًا عظیمًا کبیرًا ان یا ملأ البیان اسمعوا ندائی و لاتکونوا کالملا الفرقان کافرًا مرتدًا اثمًا ثم اشهدوا بانه لاله الاهو و انه لسلطان حق مبینا یا قوم اسمعوا ندائی و لاتکفروا بایاته و بیئاته بانه قد خلقکم من قبل من قطرة ماء و طینا آمنوا

* ص 591*

بالله یا ملاء المشرکین و لا تکذبوا بهذا الآيات لان هذا قد نزل من عندالله المقتدر العليم القديرا و انه لا صرف الطوفان عن فلك النوح و انه لاصرف ریح العاصف عن اليهود والذین معه و اوراد المشرکین فی الجحیم و انه جعل نار الخلیل رضوانا و انه لاغلب علی النمرود بعوضة من السما قتله و انه لجعل البحر لبني اسرائيل سبيلا و غرق الفرعون و ملأ کلهم اجمعینا و انه لارسل علی الخلق من عنده الانبياء حتى يدعوا الخلق اليه و انه لقادر علیما یا قوم هذه آيات الله لاتکفروا به و لاتعرضوا بالله نازله هيننا لمن صدق به و يشهد بانه لاله الاهو و انه لعلی کلشیئی قديرا ان یا معشر البشر تالله قد اشرق شمس الله الاکبر و انتم اعرضتم عنه و کتم من اصحاب الکفر و انه لاله الاهو و انه لسلطانا مقتدر و کل خلقتم بقولی و انه لعلی قاهر مقتدر الا اله الا هو و انه لسر الله المستسر قد ورد فی الجحیم کل من اعرض به ثم ادبر ان یا ملأ المشرکین لم تعرفون من هذاالمشرق الانور تالله لم یکن لاحد مفر لا اله الا هو سبحانه و تعالی عما یصفون هؤلاء الکفر فسبحانک اللهم یا الهی انت الذی

* ص 592*

خلقتی و رزقتی و انک لقادرا مقتدر یا من لاله الا انت فاطهر لنا السر المستر و انک لسلطان ملک الوهاب لن تنهر قل یا قوم تالله قد ظهر ظهور الله الاکبر عن مشرق القدس کشمس لائح انور و کشف النقاب عن وجه الاطهر و انه من کل الشمس

و

الاقمار و النجوم انور اکبر بل انه لسلطان السموات و الارض و انه لنورالله الانور بل الشمس عنده من کل صغیر اصغر قل یا ملاءالبیان اليوم قد غفرالله ذنوبکم الله الذی کان بکل شیئی علیما ایاکم ان لاتفتروا علی كما افتروا

المشركين من قبل و لا تقولوا فى حَقِّى بانك درست كما قالوا الكفار اذ جاء على
 بالحق بايات الله و بيناته خافوا عن الله و لاتفتروا على و انى كتبت
 هذا اللوح حين الذى كنت صغيرا يا قوم انتم كبراء فى الارض اياكم ان لاتختلفوا
 فى الدين و كونوا على صراط الله قائما مستقيما
 و مكتوب ديگر چون مفصل بود اين مختصرى از آن است كه نوشته ميشود
 قل يا قوم انى سمندر نارى امشى فى النار و اكل من النار و اسير فى النار و ان مقصودى
 من
 النار هو حب الله المهيمن القيوم و من كل النار

* ص 593 *

هو اكل معارف ربى و المشى فى النار هو المشى فى سبيل حبه و السير فى النار
 هو السير فى درجات شوقى و جذبى الى محبوبى الباقي المحبوب اذا لاتقتلونى باسياف
 شرككم اتقوالله و لا تتكرونى و لا آياتى التى اوحيت الى من عند ربى و انزله
 على لسانى و نطقت بها فى ايام صغرى اذا فارحموا على و لاتقطعوا راسى بسيوف
 النفس و الهوى و هذا بما نصحتكم به بما امرت من لدى الله المقتدر القيوم ان
 انتم تسمعون

حال اى اهل انصاف قدرى انصاف دهيد نفسى كه نوشته است واضحا مشهودا قل يا
 قوم

تالله قد ظهر ظهور الله الاكبر عن مشرق القدس كشمس لائح انور و كشف النقاب عن
 وجه الاظهر و انه من كل الشمويس و الاقمار و النجوم انور و اكبر و همچنين بل
 الشمس عنده من كل صغير اصغر و همچنين كل خلقتم بقولى و همچنين ولاتتكرونى و
 آياتى التى اوحيت الى من عند ربى و انزله على لسانى اين نفس اعتراض بر نفسى
 كه خويشرا عبد عبد بهاء خوانده مينمايد كه تو دعواى الوهيت نمودى و خود را صاحب
 آيات و وحى دانستى و شريك جمال قدم روحى له الغدا

* ص 594 *

شمردى اى منصفين انصاف دهيد اى بى بصران قدرى تبصر در امور نمايد كسى كه
 طينتش

و فطرتش بماء حیات عبوديت جمال قدم مخمر متهوم بادعاست و نفسى كه واضحا
 مشهودا در

ايام مبارك ادعا نموده و در حَقِّش نازل شد كه اگر آنى از ظل امر منحرف شود

معدوم صرف خواهد بود این شخص حال مثبت توحید شده و قولش میزان گشته و مرکز
میثاق که کل مامورند که حتی این شخص باطاعتش مَهان و مضطهد و مبعوض فاعتبروا
یا

اولی الابصار برهان از این واضحتر و دلیل از این لائحترا لاوالله ولكن لاتغنی
الآیات والنذر ولو تأتیهم بكل آیه لن یومنوا بها ملاحظه نمائید که امر چگونه
بر اشتباه است و افترا بچه درجه است قسم بآن روی و خوی مبارک جمال ابهی روحی
عباده الغدا که جمیع متزلزین عکاً بحق الیقین میدانند که این عبد در عالم روح
و قلب و فؤاد و کینونت هیچ آرزویی جز عبودیت جمال ابهی نداشته و ندارد یعرفون
نعمه الله ثم ینکرونها ولی متزلزین هر یک در هوائی پرواز مینماید و هر یک را
هوس اوج و سمائی

* ص 595 *

ای ربّ تعلم و تشهد انّ هذا المتذلّ مکب بوجهه علی التراب و یناجیک فی خفیّات
سرّه و یقول الھی الھی حقّنی بعبودیّة عبتیک الطیّبة الطّاهره و ثبت رفیتی
بحضرتک المقدّسه العاطره و اجعلنی فانیاً فی ساحة احبتک الرّحیة و قاتناً فی
رحبة ارقائک الفسیحة ای ربّ قدر لی الفناء البحت و الاضمحلال الصّرف فی امرک
حتی یندک طود وجودی عند سجودی بیاب احدیتک من سطوات آیات فردانیتک و یضمحل
حقیقة ذاتی عند مناجاتی بفناء حضرت ربوبیتک ای ربّ لیس لی نار اشدّ من بقائی
عند ظهور آیات توحیدک و لیس لی جحیم اعظم من وجودی عند ثلثاً انوار تفریدک
ای ربّ خلصنی من هذه الورطة الموحشة و نجنی من هذه اللجة المدهشه انک انت
الکریم انک انت الرّحیم یا ذا الفضل العظیم باری ملاحظه فرمائید که این عبد در
چه عالمی و متزلزین در چه وادی شتّان بین مشرق و مغرب هرگز انوار چنین
عبودیتی مستور نماند و شمع چنین محوبتی خاموش نکرده امواج چنین بحری ساکن
نشود

و هبوب چنین نسیمی مقطوع نشود فباطل

* ص 596 *

ماهم یعملون ملاحظه فرمائید که متزلزین هر یک از دوستان ارض مقدّسه را میکوشند
که بانواع وسائل متزلزل نمایند و باطراف مینویسند که این عبد بزخرف دنیا نفوس را
بمیثاق الھی دلالت مینماید شما را بحق قسم میدهم در آن سفر که بساحت اقدس
مشرف

شدید در نزد این عبد آثار زخرف مشاهده نمودید و این عبد را باین هوسها مبتلا دیدید و یا متزلزلین را این دائم روش متزلزلین بود و الآن نیز واضح و مشهود جمیع داخل و خارج میدانند خلاصه شخص مکرمی نوشته یکی از احباب که مبلغ سیصد تومان بفلان یعنی شما داده شده است ثابت بر میثاق شوید و الآن خط آن شخص حاضر و موجود

و گله از این عبد نموده این کیفیت اگر چنانچه بر کل مشتبه باشد بر شما که مشتبه نمیشود که کذب است ملاحظه نمایند که بچه افتراها میخوانند که بنیان میثاق را بر اندازند هیئات بنیان میثاق از زیر حدید است و اساس پیمان تأسیس خداوند مجید اگر جمیع علی الارض جمع شوند و بقوای وجود قیام نمایند در این اساس متین رخنه نتوانند قدری ملاحظه نمایند که ملوک بنی امیه

* ص 597 *

بچه دسائس و وساوسی بر خواستند و چه روایت کذب از بعضی از اصحاب حضرت ترتیب دادند و چه ولوله در عالم انداختند و چه فتها بر پا نمودند بقسمی که نائره فساد و عناد بعنان آسمان رسید و بقوت حکومت نفاق را در آفاق منتشر نمودند و جمیع خلق را بر بغض من کنت مولا فهدا علی مولا دلالت نمودند تا آنکه آن مظلوم را مقهور نمایند حضرت امیر طعمه شمشیر شد و حضرت سیدالشهداء هدف صد هزار تیر بغضا

گشت آل و حریمش دستگیر و اسیر شدند و هفتاد سال در کل منابر اسلام سب و لعن آن جمال منیر نمودند یا وجود این عاقبت چه شد حضرت امیر چون بدر منیر تابان شد و سر شهادت حضرت سید الشهداء آفاق را عنبر بار کرد چشمها در مصیبتش گریان و دلها سوزان گشت خاندان اموی بر افتاد و دودمان سفیانی محو و نابود شد حتی ابناء نفس

اعداء بنکوهش آباء و اجداد بر خواستند نور تقدیس بتابید و ظلمت تلیس محو و نابود شد و جاء الحق

* ص 598 *

و زهق الباطل تحقق یافت منکری باقی نماند و معرضی استقرار نیافت با وجود آنکه نه عهد و میثاقی بود و نه پیمان و ایمانی بلکه حضرت فرموده بودند که هر کس مرا دوست دارد باید علی را دوست بدارد حال آنکه در این کور عظیم ایمان و پیمان الهیست و عهد و میثاق حضرت ربانی جام الست است که بید جمال ابهی در بزم الهی

بدور آمد و نوشانوش در گرفت هر کس سرمست آن صهباء شد باهنگ ملکوت ابهی لک الحمد
یا ربی ابهی گفت و هر کس محروم شد هر روز بهانه جست و هر دم بدام و دانه
افتاد نه نصیحت تأثیر داشت نه ملاطفت تغییر داد عاقبت در غمرات نقض مستغرق شد و
در بادیه رفض سرگردان گشت ای احبای الهی ملاحظه فرمائید که نص عهد الهی
متروک و مهمول و قول عمر و عمروبن عاص یکفینا کتاب الله مقبول فاعتبروا یا اولی
البصار و همچین عند الاختلاف مرجع منصوص مخصوص در کتاب عهد مرکز میناقست و
مبین آیات نیر آفاق و حال مرجع و مبین سائر
* ص 599 *

جهات و حال آنکه بنص صریح کل مأمور بتوجه علی الخصوص اغصان و افنان و آل
حال بعوض توجه رد بر مرکز میثاق مرقوم میشود و نشر در آفاق میگردد فانتبهوا
یا اصحاب القلوب آیا بگمان میرفت که بعد از نص صریح کتاب اقدس که مهیمن بر کل
کتب است و سلطان مبین کتاب عهد که مبین آیات کتاب اقدس است دیگر کسی اشتباه
نماید و یا نفسی رخنه نماید لوالله حال آیات صریحه کتاب اقدس نسیاً منسیا شد و
نص قاطع کتاب عهد اضغاث احلام گشت و قول عمر شریعت الله شد و دسیسه عمروبن
عاص روش و سلوک عام و خاص گردید میگویند آیات الله میزان است که میگوید نیست
لکن

از برای این آیات مبین منصوص مخصوص تعیین شده نه آنکه هر مغل مبغضی و یا
جاهل

طالب عوض دخل و تصرف در آیات الله نماید و بهوای خود معنی نماید لایعلم
تأوله الاالله و الراسخون فی العلم حال راسخ در علم بموجب نص صریح کتاب
عهد و کتاب اقدس واضح و مشهود باوجود این چگونه جائز که
* ص 600 *

مبغوض و متروک گردد و ابوشعیون و ابوهریره و مالک مبین کتاب و مجتهد العصر و
الزمان کردند ای احباب شما را بخدا قسم تبسم نمائید اذا غیض بحر الوصال و قضی
کتاب المبدء فی المأل توجهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل
القدیم منسوخ گشت و حسنا کتاب الله عمر مثبت شد و آیه منصوصه یا اهل
الانشاء اذا طارت الورقاء عن ایک الثناء و قصدت المقصد الاقصى الاخفی ارجعوا
ما لاعرفتموه من الكتاب الی الفرع المنشعب من هذا الاصل القوم مهمول و فراموش
شد و

دسیسهٔ عمرو بن عاصی که قرآن سرنیزه کرد و ندعوکم الی کتاب الله گفت مقبول و معمول شد و وصیت الله آنکه باید اغصان و افنان و منتسبین طراً بغصن اعظم ناظر باشند انظروا ما انزلناه فی کتابی الاقدس اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المال توجّهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القديم مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده کذلک اظهرنا الامر فضلاً من عندنا * ص 601*

و انا الفضال الکریم از لوح قلوب محو شد و روایات کعب الاخبار مشهور اقطار شد و البهآ علیک و علی من یخدمک و یطوف حولک و الویل و العذاب لمن یخالفک و یؤذیک

هبآء منبثا شد و اقوال هر بی تمکین منتشر در روی زمین گردید طوبی لمن والاک و السفر لمن عاداک منسی هر خس و خاشاک شد و مبعوض حق بمنزله خواجه لولاک گشت

و هو الناطق علی مایشآء یا غصنی الاعظم قد حضر لدی المظلوم کتابک و سمعنا ما ناجیت به الله رب العالمین انا جعلناک حزراً للعالمین و حفظاً لمن فی السموات و الارضین و حصناً لمن آمن بالله الفرد الخیر نسئل الله بان یحفظهم بک و یغنیهم بک و یلهمک ما یریدون مطلع الغنی لاهل الانشآء و بحر الکریم لمن فی العالم و مشرق الفضل علی الامم انه لهو المقتدر العلیم الحکیم و نسئله ان یرحمنا بک الارض و ما علیها لتثبت منها کلاء الحکمة و البیان و سنبلات العلم و العرفان انه ولی من والاه و معین من ناجاه لا اله الا هو العزیز الحمید از افکار زائل شد و حکایات و قصص مؤتفکه ورد

* ص 602*

زبان حاضر و غایب گردید و امثال این بسیار حال نص کتاب اقدس و صریح کتاب عهد که اس اساس شریعت الله و دین الله و حکم الله و امر الله است مهجور و مهمول و غیر مذکور و اموری مشهور و منشور که حتی اهل قبور از آن منفور تاچه رسد باصحاب رب غفور ای خدا تو بینائی که در چه عذابی و بلائی گرفتارم و از چه درد و محتنی مضطرب و بیقرار یار و اغیار هر دو تیر و کمان کشیده و آشنا و بیگانه هر دو بهانه جسته بلکه یار سهمش مسمومتر از اغیار و آشنا زخمش شدیدتر از بیگانه ای پروردگار تو گواهی که درد هریک را درمان بودم و زخم هریک را مرهم دل و جان هر

بیماری را طیب و پرستار بودم و هر بیقراری را حیب اشکبار هر دلشکسته را سبب تسلی بودم و هر ماتم دیده را وسیله تعزی هر مسمومی را دریاق بودم و هر مغمومی را علت سرور در آفاق خادم کل بودم و صادق کل غمخوار کل بودم و دوست غمگسار کل و چون مبتلا بهجران جمالت گشتم و در وادی حرمان افتادم و بنیران فراق بسوختم و چون شعله آتش برافروختم مرهمی
* ص 603*

ندیدم جز صد هزار تیر پرتاب داروئی ندیدم جز صد هزار خروار زهر سریع الاهلاک ای پروردگار تو بیامرز و عفو فرما چه که نادانند و صبیان کودکانند و بیخردان شب و روز این عبد بخدمت امرت مشغول و آنان در صدد اذیت عبت که بتدبیر و تعمیق چه فتنه بر پا نمایند مختص اینکه از اول ابداع تا بحال چنین عهد صریحی و پیمان واضحی و میثاق آشکاری واقع نشد و ظهور نیافت و همچنین نقضی و چنین نکئی دیده و شنیده نشد بلی عهود واقع ولی در ظل شجره انیسا نه و در سایه سدره منتهی نه و مرکز میثاق مجهول بود و مرجع پیمان غیر معروف ابداً تصریح و توضیح نشده بود بلکه باشاره تلویح گشته که در اواخر ایام شخصی ظاهر گردد با علامات عظیمه آسمانی و شروط شدید قهر و سطوت نامتناهی و او مرجع میثاق مشهور آفاق و مرکز پیمان اهل جهان ابداً گمان نمیرفت که چنین فتنه و ولوله در میان افتد و چنین اشتباه کاری پیش آید اینست
* ص 604*

که میفرماید روحی و روح الوجود لاحبائه الفدا قوله تعالی هل یمکن بعد اشراق شمس وصیتک من افق اکبر الواحک تزّل قدم احد عن صراطک المستقیم قلنا یا قلمی الاعلی ینبغی لک ان تشتغل بما امرت من لدی الله العلی العظیم و لا تسئل عما یدوب به قلبک و قلوب اهل الفردوس الذین کانوا حول امری البدیع لاینبغی لک ان تطلع علی ماسترناه ان ربک لهو الستار العلیم ملاحظه بفرمائید که چه میفرماید آیا ممکن است که بعد از اشراق شمس وصیت تو از افق بزرگترین الواح دیگر قدم کسی بلغزد یعنی دیگر نفسی نقض میثاق کند پس میفرماید ای قلم اعلی آنچه ماموری مشغول باش

و سؤال مکن از چیزی که دل مبارکت از آن میسوزد و میگذارد و قلب منبر اهل فردوس از استماعش خون میگردد سزاوار نیست اطلاع شود آنچه بعد از شمس وصیت واقع خواهد شد و ما ستر نمودیم و پروردگار ستار علیم است ملاحظه فرمائید که جمالقدم روحی لاحبائه الفدا که چگونه اخبار از وقوعات نقض و نکث فرموده و قلب مبارک

چگونه محزون بوده حال ملاحظه کنید

* ص 605 *

که تیر جفا چگونه از جمیع جهات پُرانست و آتش فتنه چگونه سوزان هنوز از صعود چند روزی نگذشته بود و قمیص مبارک هنوز تر بود که در روزنامه ها نقض و اختلاف را اعلان نمودند از جمله روزنامه اختر بمجرد وصول خبر صعود اختلاف را نیز اعلان نمود ملاحظه فرمائید چه قدر اهل نقض سریع النکت بودند فسوف تری الناقضین فی خسران مبین والحمدلله رب العالمین ع ع
مقابله شد
خط مبارک ۵۷۳

هو الله

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب میرزا بزرگ
شیراز جناب میرزا محمدابراهیم علیه بهاء الله

هو الله

ای بنده الهی اثر کلک آن ثابت بر پیمان سبب روح و ریحان گردید مضمون بدیع بود و معانی مطبوع و شیرین چه که دلالت بر جوهر هدایت میکرد و حکایت مراتب عشق و محبت مینمود سبحان الله صهای بیان چون در خمخانه محبت الله پرورده شود چه نشئه خوشی دارد و چه نشاط
* ص 606 *

و طربی انگیزد دل را مسرت بخشد و رخ را طراوت دهد و چهره را حلاوت عنایت کند و نطق را ملاحظت دهد جمیع از موهبت بدیع جمال ابهی روحی لاجبائه الغداسه و علیک التحیه والثناء ع ع
مقابله شد
خط کاتب مهر ۵۷۴
وامضاء مبارک

شیراز بلبل معانی عندلیب الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بلبل خوش الحان اشعار فصیح و بلیغ ملاحظه گردید الحان بدیع بود و ملیح و ابیات بلیغ بود و فصیح هر چند عبدالبهاء ابداً فرصت ندارد باوجود این بنگارش این نامه پردازد تا سبب سرور آن حبیب روحانی گردد و باعث ازدیاد جریان و سربان

قریحہ روحانی گردد و در محامد جمال مبارک روحی لاجباتہ الغدآء قصاد بنظم آری و اهل ملاعلی را بوجد و طرب آری درخطہ ماه کنعانی بذکر یاران رحمانی مشغولیم و بنهایت عجز و نیاز از الطاف حضرت یزدان استدعا مینمائیم کہ یاران موفّق

* ص 607 *

گردند تا از شیراز شهنازی بلند گردد کہ آذان اهل آفاق را متلذذ نماید و قلوب شرق و غرب را باهتزاز آرد نجل سعید را در حیفا در مدرسه ئی نهادم و بتحصیل لسان و علوم مشغول است ع ع مقابله شد ۵۷۵ خط کاتب مهر وامضاء مبارک

۵۷۶ خط مبارک

هوالله

ای عندلیب حدیقہ معانی اشعار فصیح معانی بدیع داشت و در ثنای آستان اسم اعظم جامع جمیع صنایع شعریه بود یاران و امآء رحمن در نهایت وجد و سرور ترتیل و ترنیم نمودند این عبد با عدم فرصت بخطّ خویش تحسین مینگارد عید رضوان بدایت اعلان ظهور من یظہره الله بود و جمال قدم با وجود آنکہ نفی و سرگون بودند در کمال سرور و عظمت و عزّت الهیہ در باغ نجیب پاشا در خارج عکا تجلی و اشراق بکل آفاق فرمودند و جمیع اعناق خاضع بود و کافہ اصوات خاشع لهذا این ایام بسیار مبارک است احبّا نهایت وجد

* ص 608 *

و سرور مجری دارند سبحان الله الی الآن در هیچ تاریخی دیده نشده است کہ باوجود آنکہ حرکت اسم اعظم از بغداد بعنوان نفی و سرگون برد ولی بدرجہ ئی عزّت و اقتدار و عظمت حضرت کبریاء ظاهر و آشکار بود کہ والی و مشیر نامق پاشا با جمیع ارکان ولایت و امرآء لشکر کافہ خاضع و خاشع بودند ولله العزّة من قبل و من بعد مشهود جمیع انظار و ابصار بود کافہ دوستان را بجهت حلول این یوم مبارک از قبل عبدالہیاء تحیت ابدع ابھی و تهنیت کبری ابلاغ دارید و علیک الہیاء الابیہ مقابله شد ع ع

آقامیرزا عبدالحسین در حیفا در مدرسه معتبری بتحصیل لسان عربی و فرانسواوی مشغول

هو الله ش جناب مشهدي شكر الله عليه بهاء الله الابهي
هو الله

يا من سجن في سبيل الله مع من استشهد في سبيل الله ان
ص609

الذي ثمل من سلاف الشهادة الكبرى يخاطبك من الرفيق الابهي و بقول يا صاحبي
و خديني و قريني في السجن عليك التحية و الشاء و عليك الرحمة و البهاء من
هذا الملاء الاعلى قبيل الشهداء و جيش السعداء فو عزتك لما ضيقوا على
الفضاء و عاملوني بالجفاء و اخرجوني من سجن النعمة العظمى و ربطوني بغم
حجيمي ناري ينفث بالنيران فانفجرت تلك المواد الجحيمي انفجار جهنم
الحمراء و اعدت كصوت الرعود في الاصفاذ و طيرتني في الهواء كالكرة المندفعة
الى العلى و تلاشت منى الاعضاء و تناثرت منى الجوارح و الاجزاء لعمرك ما
ادركت حالي الا و انا في الافق الاعلى جالسا على سرير العزة الكبرى في ملكوت
الابهي مكللا باكليل السلطنة العظمى و مجللا بتاج الموهبة الكبرى مظللا
بغمام رحمة ربك الكريم متمتعا بالمشاهدة و اللقاء لعمرك يا خليلي المحبوب
ان الحوريات من بحبوحة الفردوس اخرجن رؤوسهن من الغرفات و هتفن بابدع
النعيمات و نطقن باحلى كلمات
ص610

و قلن طوبى لك يا ايها الشهيد السعيد بشرى لك يا ايها القليل المجيد في سبيل
الله تالله الحق ان اهل حظائر القدس احتفلوا بقدمه و اهل حدائق الأنس
استبشروا بوفوده و هو الآن في بحبوحة الجنان بين حياض و رياض يفسر آيات الرحمة
الكبرى و يشرح صحيفة الموهبة العظمى بين الملاء الاعلى و السلام عليه يوم دخل في
النشأة الدنيا و يوم استشهد في سبيل الله و نال النشأة الايدية الكبرى
انه لبا الافق الاعلى في ظل السدرة المنتهى طوبى له ثم طوبى ع ع
از جهت شدت عسرت مرقوم نموده بويدي بكارى چون مشغول گرديد انشاء الله باب رزق
مفتوح ميگردد و بدون تشبث اسباب سنه الله جارى نشده است ما در روضه مبارك
دعا خواهيم نمود و البهاء عليك ع ع مقابله شد ۷۷۵ خط مبارک

لاهیجان جناب آقامحمد تقی صهر حضرت عندلیب

* ص 611*

علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ربیب حضرت عندلیب از حضرت دوست استدعای شب و روز اینست که دوستان
راستان را ثابت بر عهد و پیمان فرماید و راسخ بر میثاق حضرت رحمن چه طوفان
امتحان شدید
است و لوح سنه شداد عبره للناظرین پس ای سرمت صهباست بنطق و بیانی
موفق باش که چون اشعه ساطعه سحاب وهم هر مترلزلی را خارق و چون نور بارق
باشی
مظهر تأیید گردی و مطلع توفیق و مشرق انوار توحید و البهآ علیک ع ع
مقابله شد

بواسطه حضرت عندلیب هوالله

جناب خواجه محمد رضای کازرونی علیه بهاءالله الابهی

الله ابهی

الله الذی اصطفی و اجتبتی نفوساً قدسیة رحمانیه و حقائق

۵۷۹ خط مبارک

* ص 612*

انسیة نورانیة و جعلها آية التوحید و سمة التفرد و ارومة الايقان و جرثومة
العرفان والتحية والثناء على النور الساطع فى دائرة معدّل النهار
والكوكب اللامع فى خط الاستواء جماله الاعلى و نقطة الاولى و على كل فرع
انجذب الى الاصل بقوة مغناطیس الهدی و على الاحباء الذین حصروا الانظار الى
ملكوت الابهی یا ايتها النفس الزكية توصل باوثق العرى و تعلق باهداب رداء
الكبریا و انطق بالثناء على ربك الاعلى و ادع الى الافق الاسمى و احی الناس
بروح انبثق من ملكوت الابهی تالله ان الحق ظهیرك و ربك مجیرك و مولاك نصیرك و

يُؤدِّك بجنود من ملكوة و أنّك لمشمول بالطاقف ربّك الكريم ع ع

مقابله شد

والتكبير على الورقة الموقنه الفاطمة المطمئنه و سليلها احمد المتوجّه الى
الوجهة الرحمانيه و على سائر الاقرباء الهى هولاء قد سجدوا لكلمة وحدانيتك
و خروا على الارض تعظيماً لحضرة فردانيتك
ص613

واكبوا على التراب تذلاًّ و تخشعاً الى عتبة ربّانيتك اى ربّ اقبل منهم كل
صالح في امرك أنّك انت الكريم ع ع
مقابله شد

هو

شوقى افندى عليه بهاءالله الابهى

يا صغيرالسن و منير الوجه از قرار معلوم نفاهتي از براى شما حاصل لهذا مجبور
بر راحت شده ئى ضرر ندارد گاه گاهى راحت لازمست و الا مانند عبدالبهاء از
شدت تحمّل مشقات بنبيّه بكلّى ضعيف و ناتوان شود و از كار باز مانى حال چند
روز راحت كنى ضرر ندارد اميدوارم كه در حفظ و حمايت جمال مبارك باشى ع ع
مقابله شد

۵۸۰ خط مبارك

هوالله

ش مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعد الى الله جناب آقاميرزانهالله نجل شهيد
سعيد عليه بهاءالله الابهى
ص614

الهى الهى قد خلقت نفوساً من جواهر الوجود فآمنوا بك و باياتك و طفحت قلوبهم
بسلسيل عرفانك و انشجرت صدورهم بايات توحيدك فاطمئثوا بموهبتك و رجعوا اليك
تلك نفوس راضيه مرضيه مبتهجة مستبشرة بالدخول فى ملكوتك و الصعود الى مقعد
الصدق بفضلك و استجارت جوار رحمتك و احسانك و منهم هذا العبد الذى تهلّل وجهه
بانوار هديتك و قرّت عينيه بمشاهدة آياتك و رنحته صهباء محبتك و انتهت انفاسه
فى خدمتك اى ربّ ائر جيبته بنور مغفرتك المبين و بيض وجهه فى ملكوتك الكريم
و البسه رداء العفو بفضلك العظيم و احشره مع عبادك المقربين و اسقه من

المَاءُ المَعِينُ وَ آرُوهُ مِنْ عَيْنِ التَّسْنِيمِ وَ ارزُقْهُ لِقَائِكَ فِي جَنَّةِ النِّعِيمِ أَنْتَ أَنْتَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَ أَنْتَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحْمَنُ الْكَرِيمُ ع ع
مقابله شد

رشت

۵۸۱ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

* ص 615 *

رشت جناب عندلیب علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای عندلیب گلشن رحمانی حمد خدا را که در این سفر موقفی ستایشی که از ترقی
احبابی رشت نموده بودی بسیار سبب سرور شد چون این سفر باراده عبدالبهاء نموده‌ئی
امیدوارم که تأییدات غیبیه متتابعاً برسد و سبب سرور و حبور یاران گردد و
خاطرت از هر جهت راحت و فارغ باشد آنچه بجناب بشیرالهی مرقوم شد جواب نوشته‌اند
که انشاءالله طبق مطلوب معمول میگردد باری شما باید در نهایت بشاشت و سرور و
گشایش قلب و متانت تام بتبلیغ امرالله مشغول شوید در نزد عبدالبهاء محبوب و مقبول و
بهر ستایشی نفوسی منعوت هستند که باعلاء کلمه الله مشغولند اینست موهبت عظمی
اینست منقبت کبری اینست قوه جاذبه تأییدات ملکوت ابهی و علیک البهء الابهی
عبدالبهاء عباس مقابله شد

۵۸۲ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

* ص 616 *

بواسطه جناب بشیرالهی

جناب عندلیب علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای عندلیب معنوی همواره در نغمه و ترانه ئی و در گلشن معانی گلبانگ میزنی
فصاحت و بلاغت اشعار واضح و آشکار است اما آرزوی عبدالبهاء خاکساری در عتبه
بهاءالله است هذه نهاية آمالی و غایة منائی و نور جبینی و صبح مبینی و ماء
معینی پس تا توانی در این گلستان نغمه سرائی کن و از عبودیت حقیقی عبدالبهاء
بدون تأویل و تفسیر ترانه ئی بنواز و علیک البهء الابهی عبدالبهاء عباس
مقابله شد

۵۸۳ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

شیراز جناب عندلیب علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای عندلیب گلشن معانی نامه‌ئی که بعد از رجوع از سروستان مرقوم نموده بودید
ملاحظه گردید از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم میشود الحمد
* ص 617 *

لله یاران سروستان الفتی یافتند امیدوارم که دیگر کلفتی حصول نیابد یاران
باید سبب اتحاد ملل و قبائل من علی الارض شوند البته خود باید متحد باشند تا
دیگران را متحد کنند شمع خواموش شمعهای دیگر روشن نکند شخص بیهوش دیگران
را علم

و دانش نیاموزد پس باید اول مابین خویش بکلی بیگانگی براندازند و یگانگی عالم
انسانی را ثابت نمایند از قبل من جمیع را تحت ابداع ایهی برسان امیدم چنان است که
جناب آقا حیدر علی صفدر گردد و غضنفری بنماید تا دلها برابرد قصیده‌ئی که در تهنیت
عید رضوان انشا فرموده بودید انشاد شد و در محفل یاران ترتیل گشت حضرت بشیر
الهی

فی الحقیقه خادم صادق و یار موافق است در حقّ کلّ قصور نمینماید الآن در دلیلی
هستیم و شب و روز مشغول نداء بنور مبین انجمنهای خوش تشکیل میشود و نفوس
مهم

قابل و لائقی حاضر میشوند در هر محفل در بدایت صحبتی از امرالله میشود بعد هر
کس سئوالی دارد جواب داده میشود از جمله دیروز سئوال از حقیقت حضرت رسول علیه
السلام بود زیرا آن
* ص 618 *

حضرت در این صفحات بنهایت توهین ذکر میشدند و مغتربات بسیار بود در هزلیات ضرب
المثل بودند آن نور پاک را فسیسهای این خاک چنان نکوهش نموده‌اند که جز قوه
روح القدس این اوہامات را زائل ننماید باری دیروز صحبت مفضلّی در اثبات آن حضرت و
قوه کلمه و نفوذ کلمه او گردید و براهین واضحه و دلائل ساطعه بیان گشت و
مقابله شد

علیک البهآء الابهی ع ع

۵۸۴ خط کاتب مهر وامضاء مبارک

هو الله

شیراز جناب عندلیب گلشن معانی ملاحظه نمایند
مناجات طلب مغفرت بجهة امة الله المتصاعده الى مقعد الصدق والده
حضرت عندلیب گلبن معانی رحمانی علیهما بهاء الله

هو

الهی الهی ان امتک الرحمانیّ و الورقة النورانیّ المنتسبة الی طیر حدیقة
العرفان و عندلیب ابکة الايقان قد رجعت الیک اوابة توابة مبتهله مشتاقه
لمشاهدة جمالك محترقة بنار فراقک مضطرمه
ص 619

القلب بنار محبتک منصرمة الصبر من فرقتک ای ربّ اوردها علی الورد المورود و
انها الرfid المرفود و اغرقها فی بحار رحمتک یا ربی الودود و ادخلها فی بحیوة
بفضلک الموعود و ارزقها لقائک فی الملكوتک المحمود و اکتب لها ما کتبه لورقات
القدس فی ملا الاعلی و قدر لها ما قدرته لطلعات الانس فی محفل الاسمی انک
انت العفو الرحمن الرحیم ع ع مقابله شد ۵۸۵ خط مبارک

هو

جناب عندلیب گلشن معانی علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای بلبل معانی قصیده غرّاء و فریده نورآء ملاحظه گردید در نهایت فصاحت و
بلاغت بود و ورقات مبارکه بالحن بدیع در نهایت ملاحظت قرائت نمودند و ورقه
علیا جائزه خواست یعنی بقلم میثاق تحسین مرقوم شود من نیز کلک ضعیف برداشته و
بچند سطر و جیز تصدیع مینمایم که قدح باده معانی را باید خالص بذكر محبوب آفاق
ص 620

نمود علیک بها صرفاً و ان شئت مزجها فعد لک عن ظلم الحیب هو الظلم و علیک
البهآء ع ع مقابله شد
۵۸۶ خط مبارک

بواسطه جناب عندلیب

ضجیع محترمه امة الله المنجذبه والده ميرزا عبدالحسين عليها بهاءالله
الابهی

هوالله

یا امة الله المقربه الورقة النورانیة حضرت عندلیب در اعیاد الهیه
قصائدی تنظیم نموده ارسال میفرمایند و از جمله قصیده نوروزی در این سنه
مبارکه ارسال نموده اند فی الحقیقه عاشقانه و مشتاقانه و بلیغانه بود در محفل
یاران بابدع الحان ترتیل و ترنیم گردید قلوب شادمانی یافت و نفوس متلذذ از
حقایق و معانی گشت امید چنان است که آن عندلیب گلشن الهی دائماً بگلبانگ معنوی
بمحامد و نعوت اسم اعظم و ستایش و نیایش جمال قدم موقوق و مؤید باشد و ستایش
خداوند آفرینش باید محصور در محامد و نعوت جمال قدم و اسم اعظم باشد و مادون
آن
ضمناً در

* ص 621 *

ظل مذکور ستایش مخصوص نباید باده رحمانی را صرف باید نوشید و تو نیز از این بحر
بیکران نصیبی گیری و از این قلزم بی پایان بهره ئی بری و علیک بهاءالله الابهی

مقابله شد

ع ع

۵۸۷ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

شیراز بواسطه محمدرضا میرزا علیه بهاءالله الابهی
حضرت عندلیب گلشن الهی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

یار قدیما و مونس و ندیما مدتیست که موسم خزان بود و حرب عوان لهذا طیور
شکور در آشیان صمت و سکوت غنوده با یکدیگر مخابره ننمودیم ولی حال بهار جانپرور
آمد نسیم سحری میوزد صبح امید میدمد باد صبا پیام یار مهربان میدهد ابر نیسان
میگیرد و چمنستان میخندد تمام وقت ساز و آواز است و آهنگ شهناز تا گلبانگ
عندلیب بملکوت راز واصل گردد اگرچه مصیبت وارده و رزیه حاصله مورث احزانست و
مکدر دل و جان ولی الطاف حضرت رحمن شامل و فیض ابدی حاصل و کامل هرچند
شب تار

است ولی شمع پرانوار و ملکوت اسرار بفیض عظیم آشکار

تأييدات ابهى روحى لاجبانه الغداء هر محزون دلخونى را سرور و حبور بخشد و هر ساكت و صامتى را بنطق آورد و عليك البهآء الابهى عبدالبهآء عباس ١١ آدار ١٩١٩ جمال مبارك روحى لتراب اقدام اجبانه الفدا وقتى مزاحاً حكائى ميفرمودند اگر ممكن بشود پياماً آن حكائى گفته خواهد شد لهذا محزون مباحيد مقابله شد ٥٨٨ خط كاتب مهر و امضاء مبارك

مناجات

طلب مغفرت بجهت حضرت اديب لبيب جناب عندليب ايده الله بالرفيق الاعلى و اناله مقعد صدق علياً

هوالله

ربى ربى ترانى ان اقصى اربى و اعظم امالى التبتل اليك و ترتيب آيات رحمتك بين برتتك حتى يتجلى صفة رحمانيتك بابدع معانيها بين خلقت و اناجيك يا ربى القريب و افول ان عبدك عندليب الحبيب قد اعترف بفردانيتك و لى لندائك بوله و انجذاب الى عتبة رحمانيتك و قال لبيك اللهم يا قريب و يا مجيب * ص 623 *

و نطق بالثناء عليك و قضى نحه بالمحامد و النعوت بين يديك و ما فتر فى اعلاء كلمتك و اقامة الحجة و لبرهان للطالين و اظهر بيينة و سلطان للراغبين و تحمل كل مشقة فى وطنه المألوف و اجبر ان يهاجر الى مركز الظهور معهد الطور مطلع النور الكينونة الرحمانية و الحقيقة الصمدانية النبر اللائح الساطع الفجر على الآفاق الشاسعه رب انه تحمل فى زاوية الخمول كل مشقة و ذبول و قلبه مشتعل بنار محبتك و لسانه ناطق بذكرك و قريحة سيالة بمحامدك و نعوتك بين اجبتك رب اجعل له مقاماً علياً و رياض قرب عبرياً حتى يستجير بذيل غفرانك فى جوارك و يدخل فى فردوس لقائك و يستغرق فى بحر عفوك و احسانك و انزل السلوة والتعزية على اهله و احفظهم بجودك و رحمتك انك انت القوى المقترالعزير الوهاب عبدالبهآء عباس

۲۰ جمادی الاولی ۱۳۳۸ حیفا

مقابله شد ۵۸۹ خط کاتب مهر و

امضاء مبارک

* ص 624 *

شیراز حضرت عندلیب گلشن الهی علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای هزار گلزار الهی همیشه منظور نظر عنایت رحمانیه بوده‌ئی و مشمول الطاف سبحانیه خواهی بود در ایام الله بابدع الحان در گلشن توحید تغنی فرمودی و بمدح و ستایش یزدان لب گشودی یاران رحمانی را سبب سرور و شادمانی بودی و محفل انس روحانی را مطرب خوش آهنگ ملکوتی گشتی الحمدلله مظهر الطافی و منظور لحظات

عین رحمانیت پروردگار در عهد و پیمان ثابتی و مانند جبال راسیه مستقیم و راسخ همواره در مجامع علیا و محافل روحانی بستایش و ثنای جمال ابهی لب بگشا و بابدع انغام نغمه و آوازی بلند کن که روحانیان بشور و وله و انجذاب آیند و کل بنشر نجات قدس مشغول گردند تا آوازه شیراز بملکوت پی‌نیاز رسد و صیت محبت الله از آن اقلیم در روی زمین منتشر گردد و علیک التحیه و التثناء ع ع مقابله شد

* ای حضرت عندلیب ناله و حنین عبدالیها را سببی عظیم بود و موجبی * ص 625 *

شدید هر چند بعضی اوقات یاران از یکدیگر بلسان ادب مختصر شکوه مینمودند ولی بعد اظهار رضایت نیز میفرمودند اما در یک پوسته شکایتنامه‌های متعدده در نهایت قدح وارد ولی از اشخاص دیگر بمحض قرائت چنان حزن و حسرتی دست داد که قلمی بفریاد آمد مقصود این بود که بعضی نفوس مهمله دست از این شکایت‌ها بردارند و الحمدلله قطع

شد احبای الهی باید از کل ستایش نمایند آن حضرت باید کل را بیدار نماید که ستایش احبا در حق یکدیگر سبب روح و ریحان عبدالیهاست آنچه این عبد مرقوم مینماید مقصد نهایت محبت است و نتیجه اش مستحسن و علیک التحیه و التثناء ع ع مقابله شد

* ۵۹۰ این چند سطر عقب لوح خط مبارک است

جناب ابن عندلیب میرزا عبدالحسینخان علیه بهاءالله الابھی

هوالله

یابن عندلیب نامه شما رسید مضمون معلوم گردید که جناب عندلیب از این جهان تنگ و تاریک بعالم وسیع شتافتند هرچند از این واقعه حزن شدید رخ داد ولی از این جهت که آن روح عزیز از باده محبت الله
* ص 626 *

جام لبریز بود از مشقت عظمی درین حیز ادنی نجات یافت و باوج عزت ابدیه شتافت این ملاحظه سبب تسلی خاطر گشت شما نیز محزون مباشید مغموم ننماید مناجاتی طلب مغفرت در حق آن حضرت بدرگاه احدیت گردید و از پیش فرستاده شد البتّه تا حال رسیده و بر حجر قبر آن ذات محترم اینعبارت مرقوم دارید ان عندلیب الحیب قد ضاق علیه الفضا فی وکر هذه الدنيا فطار الی مطار الملاء الاعلی اوج لایتناهی حتی یتغرّد علی افنان شجرة طوبی بفنون الالحن علیه التحیة و الرضوان باخوی آقامیرزا عبدالعلی و امة الله نورآء خانم و همشیره های صغیر و اخوی کوچک از قبل من نهایت نوازش و مهربانی مجری دارید و علیک البهآءالابهی
عبدالبهآء عباس ۶ ج ۲ سنه ۱۳۳۸ حیفا مقابله شد
۵۹۱ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

شیراز سلیل جناب عندلیب جناب آقامیرزا عبدالحسین علیه بهاءالله الابھی

هوالله

ای سلیل عندلیب جلیل ناله و فغان از فراق بگوش این مشتاق رسید و تأثیر
* ص 627 *
شدید نمود حمد خدارا که زاده جان و دل آن پدری نه همین از عنصر آب و گل مظهر الولد سر ایه هستی و نسبت حقیقی داری و اخلاق مطابق اعراق من نیز مشتاق دیدن روی توام ولی پدر مهربان باید این آیام انفکاک از آن سامان ننماید زیرا امروز روز خدمت است یوم زیارت آید و آن عندلیب الهی در این گلشن بسراید حال بجان و دل باید بعبودیت پردازد و در آن باغ و راغ تا تواند گلبانگ زند و از حقائق و معانی دم زند حال صبر کن انشاءالله روزگاری در نهایت حلاوت روی دهد و آنچه منتهای

آرزوی تو و پدر مهربان است حاصل گردد و علیک بهاءالابهی ع ع مقابله شد
۵۹۲ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هوالابهی

امة الله ورقه موقنه همشیره حضرت عندلیب علیها بهاءالله الابهی

هوالله

ای ورقه متهله موقنه قومی برآند که رجال افضل از نساء و بآبه مبارکه
الرجال قوامون علی النساء استدلال نمایند ولی اینعبد را
* ص 628 *

یعین چون نور مبین است که این حکم قاطبه نه بسا نساء که الیوم بر میثاق ثابت
گوهر انور صدف فضائل است و بسا رجال متزلزل که خزف قعر بحار ردائل پس
فضیلت

بذکور و انائی نه بمواهب اسم اعظمست روحی لاحبانه الفدا تا توانی قدم بر عهد
ثابت نما و اماء سائره را راسخ گردان ع ع مقابله شد
۵۹۳ خط مبارک

هوالله

لاهیجان جناب مشهدی غلامعلی صهر حضرت عندلیب علیه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای متوجه الی الله حضرت عندلیب خواهش نگارش این سطور نمودند ولی فرصت
صدور

کجا با وجود این از جذب محبت ایشان بتحریر پرداختم ولی تقریر عاجز از آنچه در
ضمیر اینقدر بدان که موفقیت حضرت عندلیب و من انتسب الیه را از آستان مقدس
جمال مبارک روحی لاحبانه الفدا را خواسته و میخواهم رب آید من انتسب الی
* ص 629 *

حمامه ایکه ثنائک و عندلیب حدیقه وفائک علی ما تحب و ترضی فی جمیع الشئون و
الاطوار یا ربی المتعال ع ع مقابله شد

هو

عندلیبا حبیباً اریبا لبیبا از کثرت مشاغل موفّق الی الآن بقرائت جمیع اشعار نشدم
انشاءالله جمیع را خواهم خواند چون اندکی الآن وقت دارم بتحریر جواب پردازم
از قریحه آن حضرت معانی صریحه و ایات ملیحه مانند آب زلال جاری و ساریست و
زجاج قصائد و غزل را این بلاغت سراج بيمثال منظوم باید چنین لؤلؤ مثور باشد و
الا فلا الحمد لله که ایات اشعار شما آیات حقایق و معانی است و کلمات مانند درر غوالی
و علیک البهاء الابهی ع ع
مقابله شد

۵۹۵ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

(ای غزلخوان محامد و نعوت را رونق بحصر معانی در ستایش)
(جمال ابهائی بقول ملاّ چون کرور آید یک نیز پیش ماست ع ع)
مقابله شد

این دو سطر خط مبارک است

* ص 630 *

شیراز حضرت عندلیب گلشن محبت الله علیه بهاءالله

هوانه

ای ثابت بر پیمان مکاتیب ملاحظه گردید و بر معانی اطلاع حاصل گشت فی الحقیقه
مدتیست در آن صفحات مشغول بخدمات هستید و مألوف بترتیل آیات بینات مکث و
سکون
در محلی معلوم چون امتداد یابد لابد قدری ملال حاصل گردد حقّ با شماست جمیع
کائنات متحرکند و بسبب حرکت عمومیه انتظام عالم وجود بر قرار هر کائنی از
کائنات اگر در مقرّی استقرار یابد و از حرکت باز ماند لابد فتوری حاصل شود نسیم
باید دائماً بوزد دریا باید موج و حرکت نماید نجوم باید انتقال در بروج کند پس
از برای انسان نیز گاهی حرکت لازم لهذا همچنان که مرقوم نموده بودید اگر ممکن
گردد که براحث و آسایش مدّتی بجهات دیگر سفر نمایند بسیار مقبول و همچنین جناب

میرزا شکوهی اگر بصفحات لرستان و کردستان و بختیاری مرور و عبور فرمایند شکوهی تازه یابند و امیدوارم که فتوحی * ص 631*

جدید فرمایند زیرا در طرف لرستان و ایلات آن صفحات و بختیاری نفوس مستعدی موجود

ولی مبلغی عبور و مرور ننمود اگر جناب شکوهی یعنی در نهایت تنزیه و تقدیس بلباس عرفان بآن نواحی سفر نمایند امید است ثمر حاصل گردد و لیس ذلک علی الله

مقابلہ شد

بعزیز ع ع

۵۹۶ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

شیراز جناب عندلیب گلشن رحمانی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بلبل معانی در خصوص مطلوب شما از جناب صحیح فروش بحضرت بشیر الهی سفارشی

مرقوم گردید حال مکتوب ایشان رسید که صد تومان تحصیل نموده ارسال داشتند و با سایر احباً همّت نموده ما بقی مطلوب را نیز انشاء الله کاری خواهند نمود مقصود اینست که بجهت امور آنجناب نهایت سعی و کوشش خواهد گردید و علیک البهء الابهی

مقابلہ شد

ع ع

۵۹۷ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

* ص 632*

شیراز جناب عندلیب الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای یارمهربان از کثرت مشاغل مجبور بر اختصارم بیقین بدان که اشتیاق عبدالبهاء بیش از شماست همواره از درگاه حیّ قدیم رجای عظیم مینمایم که در وقتی قریب مشاهده آن وجه ملیح را مقدر فرماید و حکمت موافق اذن حضور گردد اما الآن قدری تأمل فرما زیرا کل را از حضور منع نمودیم و اهل فتور بفساد مانع از فیض حضورند تباً لقوم خاسرین و سحفاً للناقضین و تعساً للناکثین و علیک التحیة و

مقابلہ شد

الثناء ع ع

هوالله

شیراز جناب عندلیب جنت ابھی علیہ بہاء اللہ الابیہ

هوالله

ای عندلیب حدیقہ حقایق و معانی فی الحقیقہ بانواع بلایا و مصائب معدّب و مبتلائی و معرض بأساء و ضرائی ولی امید
* ص 633 *

چنین است کہ قدری این مشقت من بعد خفت یابد و نوعاً مراحتی حاصل گردد این بلایاً بجهت این است کہ قدری شریک و سہیم عبدالہاء گردی ضرری ندارد ملاحظہ فرما کہ جمال مقصود دمی نیاسود و نفسی راحت نغرمود چون خورشید رخشندہ و ماہ درخشندہ را چنین کسوف و خسوفی دیگر امثال ما بینوایان را از بلا چہ پروائی باری مطمئن باش عبدالہاء غمگسار تو و شب و روز بیاد تو و علیک الہاء ع ع
مقابلہ شد

۵۹۹ خط مبارک

هوالله

حضرت عندلیب ورق مسطور رق منشور شد بر مضمون مطلع گردیدم مقصود اینست کہ

بہر قسم و اسباب ممکنہ کہ باشد ملاحظہ نفوس را باید داشت خبر از حال عبدالہاء نداری ولو کنت فظاً غلیظ القلب لانفصوا من حولک باری قدوم مولود مبارک و محمود باد در شہود و عالم غیب وجود البتہ سبب میمنت است و نامش در ملکوت بندہ حضرت مقصود یعنی عبدالہاء و در بین

۶۰۰ خط مبارک

* ص 634 *

خلق عبدالعلی و علیک التحیة و الثناء ع ع مقابلہ شد

هوالله

ش امة الله ورقه طیبه بلقیس اخت حضرت عندلیب علیہا بہاء اللہ الابیہ

هو الله

يا امة البها فاستبشري بما فاض عليك سحاب الرحمة و سبغت عليك النعمة و اشرفت
عليك انوار الهدى و تموجت عليك بحور الموهبة الكبرى فأمنت بالله و صدقت بكلمة
الله و اطمنت بايات الله و توجهت الى الملكوت و دخلت فى خيام العز حمى
ربك العزيز الودود توكلى على مولاك و تشيئى بذيلى العطاء تالله الحق ان
فضله احاط عباده المخلصين و الحمد لله رب العالمين و البهاء عليك على و على
كل ورقة ثابتة على العهد القديم ع ع
مقابله شد ٦٠١ خط مبارك
ص635

هو الله

اي رب هاتان الورقتان ابنتا من سدرة رحمتك و تحركتا من نسيم عبق من وادى
معرفتك و انجذبتا الى ملكوتك بنفحاتك اي رب اشرح صدرهما بمشاهدة ظهور آيات
عظمتك و خفوق رايات قدرتك و قرر عينيهما بوصولهما الى كهف حفظك و امانك انك
انت المليك الحى القدير و انك انت الرحمن الرحيم ع ع
مقابله شد
٦٠٢ خط مبارك

هو الابهى

ش حبيب دوستان الهى جناب عندليب بوستان رحمانى عليه بهاء الله الابهى
ملاحظه نمايند

هو الابهى

اللهم اشرح صدور عبادك المخلصين بنفحات التأييد و احي قلوبهم بروح التقديس
و نور وجوههم بنور التوحيد و انعش نفوسهم بنسائم التفريد و جد ارواحهم
بفوانح التجريد ليستعدوا فيكل
ص636

الشئون لظهور مواهبك و يستحقوا فى كل الاطوار و الاحوال لحصول عواطفك يا حى
يا قيوم و اعطف على عبدك هذا بلحظات اعين رحمتك و ايده بقوتك القايره و
قدرتك الظاهره على نصره امرك و نشر اوامرك بين خلقك و انطقه بشئاك بين عبادك و
اجذبه بنفحاتك بين ارقائك و اجعل باطنه ظاهره قلبه و روحه و جسمه و عظمه و لحمه
و دمه ملتبه بنار محبتك التهاباً يسلب منه السكون و القرار حتى يرتفع منه
ضجيج النداء باسمك فى قطب الامكان و صرخ الشاء بذكرك ملأ الاكوان و حتى
يتلأأ وجهه فى ملكوت الانشاء انك انت المؤيد الكريم اي عندليب حديقته

رحمانی اگرچه بظاهر مهجور و آواره دریا و صحرا و هامون شدی لکن در جمیع اوقات در انجمن دوستان مذکورید از یاد دوستان حقیقی فراغتی نه از خدا بطلید که موقّق برآن فرماید که بآنچه الیوم لائق و سزاوار است قیام نمائیم و در سبیل الهی بنثار دل و جان موقّق گردیم تا چون سراج پر نور تسلیم و رضا
* ص 637 *

آقامرتضی جان رایگان در مشهد فدا نثار کنیم تا در زجاجة تقدیس برافروزیم و در مشکاة ملکوت روشن شویم و در افق ابهی و ملکوت اعلی چون زهره زهراء بدرخشیم هنیئا له و مرثیا له هذه الکأس الّتی طفحت و فاضت برحیق محبة الله و
الهَاء علیک ع ع
مقابله شد
۶۰۳ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب عندلیب گلستان رحمن علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند
هوالابهی

ای شمع انجمن عرفان در این ساعت که طیر حدیقه وفا بال و پر گشوده که در فضای جانفزای یاد یاران پروازی نماید و بر شاخسار ذکر و ثنا لحنی آغاز کند که بحر اعظم محبت الله چنان موجی زد که طوفان از سر بگذشت و نار موقده در سدره رحمن چنان شعله ئی برافروخت که خامه و نامه و فؤاد و مداد را جمیعاً بسوخت لکن چون امطار رحمت نازل بود و معین عنایت نابع آن حرارت باین فیض رحمت
* ص 638 *

اعتدال یافت و مجال تحریر حاصل گشت از عدم ارسال جواب شکوه فرموده بودید و این

را دلیل فتور در آنچه محکم تر از بنیان مرصوص است نموده بودید و حال آنکه آنی نمیگذرد مگر آنکه بخاطر میآید فراغت از ذکر احبای الهی ممکن نه و بیقین مبین خود مطلعید که از کثرت اشغال مجال آه و ناله ندارم و زاری و فغان مهلت نیست و فرصت و آرامی آنی میسر نه با وجود این مکتوبی بشیراز ارسال شد که وصول یافت و حال نیز بتحریر این ورقه پرداختم بیقین بدان که بلحاظ فضل ملحوظی و بمنتهای حبّ این قلوب مشمول از فضل جمالقدم سائیم و از صمیم قلب آمل که موقّق بر رضای الهی

شوی و مؤید بر اثبات و بیان قوت و سلطان عهد و پیمان حضرت یزدان گردی الیوم

این امر اعظم امور و اهم شئون است چه که اساس امرالهی و بنیان دین رحمانیست
الیوم ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق الله چنانکه باید و شاید لازم و قوت و قدرتش
را ادراک و تفهیم واجب تا حصن حصین امرالله
* ص 639 *

محفوظ و مصون از رخنه شبهات ماند در خصوص مکاتیب که بهمراه داشتید مرقوم
نموده

بودید همین قدر از جانب آقا عزیرالله سؤال شد که مکاتیب ارسال شیراز نموده‌اند یا
آنکه پیش خودشانست و بس مقصود این بود اگر مکاتیب رسیده است دیگر لزوم مکتوب
جدید نه ع ع
مقابله شد ۶۰۴ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب عندلیب حدیقه عرفان علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ای عندلیب حدیقه الهی چندیست که نغمات آن طیر معانی بسمع مشتاقان نرسیده و
الحن بدیعی استماع نگشته سبب حیرت گردید باری یوم عظیمست و قرن و عصر
حضرت

ربّ کریم جوش و خروش از جمیع جهات بلند است و نفحات از جمیع صفحات در نشر
* ص 640 *

و عبوق نسائم محبت الله از کل آفاق در مرور و آثار باهره از کل اطراف در
ظهور آن ارض با وجود آنکه مبداء ظهور فیض الهی و مشرق آفتاب رحمانی بود و باید
اشراقش شدید و انوارش یوماً فیوماً در سطوع و مزید باشد چگونه افسرده پژمرده
ماند فوران این تنور و طلوع این ظهور و جوش این خمر ظهور و دور این کأس
مزاها کافور در آن صقع جلیل آغاز شده و این راز پرده برانداخته پس باید امواج
بحرش باسماں رسد و افواج امرش محیط بر عالم امکان سطوع کوکبش جهانتاب گردد
و

طلوع موکبش جهان آراء جام محبتش لبریز باشد و حرارت معرفتش شورانگیز نهر
تقدیسش بحر توحید گردد و عین تحدیدش چشمه سلسبیل آیاتش باهره شود و
رایاتش

شاهره حدائقش مؤنّقه گردد و حیاضش متدقّقه ما منتظر این ظهور و بروزیم و سطوع

این انوار و حظوظ پس آن یار موافق باید بقوتی ملکوتی و قدرتی جبروتی و لسانی
فصیح و بیانی بلیغ و روحی الهی
* ص 641 *

و نوری آسمانی و جندی رحمانی و موهبتی ربّانی و حرارتی وجدانی و بشاراتی
سبحانی جمیع احبای الهی را بحرکت آرید و بوجد و شور و جذب دلالت فرمائی که این
شمع روشن امرالله روز بروز روشتر گردد و اَنَا فَاَنَا ساطعتر تا عالم امکان
منور شود دیگر شاید در آن صفحات باشارات در کمال ستر و خفی نفعه شبهاتی بوزد و
بعضی القاء سری نمایند بسیار دقت و احتیاط لازم که در حصن حصین امرالله
رخنه حاصل نگردد و جمیع را بر عهد و میثاق محکم نمائید ع ع
۶۰۵ خط مبارک

هوالبهی

جناب عندلیب حدیقه معانی علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند
ربّ و رجائی و غایه مطلبی و منائی و ملاذی و ملجئی و مهربی و مجیری و معینی و
منجذی و ظهیری استلک بضجیح قلوب اصفیائک و اجیح النار المضطرمة بین احشآء و
ضلوع احبائک و عبرات منهمرات
* ص 642 *

من عین مشتاقیک و جمرات مضطرمات فی افئدة عاشقیک بان ترفع زئیر لیوٹ العرفان
فی
غیاض مقرّ ظهورک و سیح حیتان الایقان فی حیاض اندفقت منها میاه فیضک یوم
طلوعک و اضرم نیران محبتک فی تلك البقاع و نور تلك الارجآء بانوار تثللاً بین
الارض و السماء و عطّر تلك الانحاء بنفحات قدسک یا ذا الاسماء الحسنی و ادّر
على تلك الصحارى و الربی و المعاهد من نقتکت الاولى سحاب موهبتک العظمی و
غمام
عنایتک الکبری و اجعلها من حدائق رحمتک الغنآء و ریاض مرحمتک الغلبآء ای ربّ
اجعل احبتک فیها آیات توحیدک الناطقة و رایات تغریدک الشاهرة الباهرة
الباذخه و معالم دینک المبین الشامخه و شعائر آثارک الظاهرة الزّاهره ای ربّ
اشدد ازهرهم بقوتک القاهرة لكل الاشیاء و قوّ ظهرهم بقدرتک
المحیطة على من فی الارض و السماء و اجعلهم انواراً ساطعة فی افقک الابهی و
سرجاً لامعة فی زجاجات ذکرک الاحلی انک انت المقدر العزیز المنان ع ع

مقابله شد

* ص 643 *

هوالبهی

ش جناب عندلیب گلستان عرفان علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هو القیوم

ای عندلیب حدیقه عرفان آن مربی امکان و مهربان سرور لامکان آن مرغ چمنستان ایقان را طیر دست آموز فرمود و انواع نغمات و ترمیمات و الحان آموخت و درس مقامات معنوی داد که بگل بانگ رحمانی در گلشن ربانی صمدانی آغاز آواز نمائی و دمساز شهنواز گردی در این ایام شور و ولوله افکنی و مرغان چمن را شوق و وله دهی و بنغمه و آهنگ آری تا نعوت و محامد حضرت احدیت و ستایش و مدایح جمال مبارک از حیز حسیض ادنی بتهلل و تکبیر تا اوج ابهی بلند گردد و انوار تنزیل آفاق وجود را احاطه کند و صیت جهانگیر الهی باطباق ملأعلی تبشیر انتشارش رسد و ولوله

* ص 644 *

در ارکان عالم افتد و زلزله در اعضای آدم افکند و شرق و غرب امکان گلشن رحمن و گلبن یزدان گردد با وجود این چه شد که خاموشی و بی جوش و خروش باری از زاویه خمول بیزار شو و اوج قبول بطلب و از گوشه سکوت بدر آ و الحان بدیع در گلستان لطیف آغاز کن بلکه در جوق طیور شوق و شور اندازی و کل را باهنگ ملأ اعلی دمساز کنی و صیحه یابها یابها در اطراف گلشن افکنی و نغمات آل داود آموزی و علم بر اعلام ستایش و ثنای جمال قدم افرازی جمیع احبا را از این ذکر بدیع و بیان فصیح باهتزاز آر ع ع

مقابله شد

جناب عندلیب این وجه بیست و پنج تومانش را خدمت جناب رفیع یعنی فاضل تقدیم نمائید و بیست و پنج تومانش را خود آنحضرت صرف فرمائید ع ع

هو الله

ورقه موقنه والده حضرت عندلیب علیهما بهاءالله الابهی

* ص 645 *

هو الله

یا امة الله شکر کن حضرت مقصود را که چنین ابن محمود داری که هزار هزار

دستان حدیقه وجود و ثنا خوان ملیک معبود است شب و روز بستایش جمالقدم و اسم اعظم پرداز که بنور توحید خلوتخانه دل را منور نمودی و بنفحه محبت الله مشام را معطر ع ع
خط مبارک

هو الله

ش جناب عبدالبهاء علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
هو الله

الهی و ملجنی و ملاذ المقبلین الی ملکوت تقدیسک العظیم ترانی مستغینا بعثتک السامیه و مترجیا بحضرتک القدسیه ان تحفظ و تصون هذا العبد الصغیر قره عین عیدک عندلیب و فلز کبده فی صون حمایتک فی حصن عنایتک و حجر موهبتک ای رب * ص 646*

رضعه من ثدی الطافک و انبته نباتاً حسناً بفضلک و جودک و احسانک و اجعل له مخرجاً و نور وجهه بنور توحیدک و اشرح صدره بآیات تقدیسک و جعله محشوراً تحت لواء میثاقک و مستظلاً فی ظل لوائک الکریم ع ع
ایرب سمه فی ملکوتک باسم عبدالبهاء فی ملکک باسم عبدالحسین حتی یقوم بفرائض عبودیتک و شرائط رفیتک فی ملکوت الانشاء انک انت المؤید لمن تشاء و موفق من تشاء علی ماتشاء و انک انت الکریم المتعال ع ع
مقابله شد خط مبارک

هو الابهی

ش جناب عندلیب حدائق عرفان علیه بهاء الرحمن ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای عندلیب بوستان الهی دیروز مکتوبی مرقوم و فردا ارسال میشود و الآن حضرت افنان خواهش تکرار فرمودند با وجود * ص 647*

تحریر لازمه بیحد و شمار و مشاغل چون بحر زخار همه را گذاشته و بیاد و تحریر و ذکر و تقریر روی و خوی تو مشغول شدم و اگر بدانی که سورت گرما و شدت تاب آفتاب در این گوشه انزوا بچه درجه است یقین فرمائی که ذکر یاران روحانی هوا را نیز طراوت و لطافت و اعتدال بیمتها بخشد چه که این محبت منبعث از ارتباط

حبّ جمال قدم است و فی الحقیقه موجی از امواج بحر اعظم در این حشر اکبر چون کل

در ظل سدره مبارکه محشور و بلحظات عین رحمتیّت منظور و در جنت ابهی از صهبای
طهور مخموریم انبعاثات وجدانیّه و انجذابات قلبیّه و روحانیّه باین درجه رسیده
سبحان من موجّ هذه البحور سبحان من هذه التهور سبحان من نزل هذه الغیوث
سبحان من احیی هذه النفوس بهذه النفحات
المعطرّة الهابّة من مهّب العناية سبوح قدّوس عبدالبهّاء ع مقابله شد
خط مبارک

* ص 648 *

هوالبهی

ش جناب عندلیب بوستان عرفان علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ای عندلیب گلستان عرفان جمال الهی مدتیّ مدید خبری از شما نرسید بعد مراسله‌ئی
واصل و از حقیقت حال اطلاعی حاصل گشت حال نیز از جناب میرزا عبدالله رقمی
بیک دوستی رسید آن نیز ارسال نزد این عید نمود ذکر آن جناب در آن بود بادی روح و
ریحان گشت الیوم امثال آن جناب باید بقوه روح تأیید در شب و روز احبای رحمن
را چون روح حیات باهتر از و حرکت آرند و نار مخموده قلوب را مشتغل و روشن نمایند
چه که الیوم ساعتی خمودت و جمودت تأثیرات شدیده نماید چه که پیش حرارت شمس
بی

حجاب در قلب امکان آتش پر شعله میزد احتیاج باشتعال و شعله و لمعه‌ئی نبود
لکن حال زمانیست که سراجها باید
* ص 649 *

پر شعله و افروخته و ساطع باشند تا ظلمات متراکمه را مقاومت توانند و زائل
نمایند و الیوم اهم امور تنبیه بر ثبوت و رسوخ و تثبیت بعهد و میثاق الهیست و
بیان قوت و عظمت این عهد و پیمان و ایمان والبهّاء علیک ع خط مبارک

هوالله

ای عندلیب حدیقه معانی مدتیّ بود که نغمه از آن مرغ سحری بسمع مشتاقان نرسیده

بود که ناگاه برید جدید وارد و بواسطهٔ نمیقهٔ مرسلهٔ بجناب سید هادی خبر مختصری مسموع و قلب مجروح و کبد مقروح را مرهمی حاصل گردید حمد حضرت حیّ قدیر را که بشارت صحت و سلامت داشت و بر صفحات قلوب نقوش و خطوط محبت قدیمه مینگاشت سبب روح و ریحان
* ص 650*

گردید و بادی مسرت و وجدان چه که ناطق بثنای محبوب لامکان و دال بر ثبوت بر عهد و پیمان بود اگر از حال این مظلوم آواره پرسشی نمائی و یا خواهش شرحی فرمائی بلاپایه و رزآبایه چون محیط اکبر و امواج انکار و استکبار در اوج اعلی و طوفان هجوم و جفا در نهایت اشتداد و این مظلوم چون سفینه شکسته در گرداب سدهزار

افتراء و اسناد افتاده و وحید فرید و بی ناصر و معین در دست متزلزلان مبتلا و مستغرق در بحر بلاء و متضرع بملکوت ابهی که بزودی کأس فنا عنایت گردد و بعالم دیگر رحلت شود و امید از رحمت سابقه و نعمت سابقه که این آمال و آرزو بزودی میسر گردد و این کأس عذب گوارا فوراً عنایت شود چه که جام بلا سرشار شد بلکه جان در ره جانان ایثار شود ع
اللهم یا راوی غلیل کل ظمآن من عین عنایتک و یا شافی
* ص 651*

کل علیل دریاق رحمتک و یا کافی کل مستجیر بجوارعفوک و مغفرتک قد آویت الی کھف

المنیع الرفیع متذلاًّ بیاب ربوبیتک خاضعاً خاشعاً بعبتة الوھیتک متضرعاً لدیک ان ترفعنی الیک و توقینی و تجعل و فودی علیک و حضوری بین یدیک لاشکو بثی و حزنی الیک عما ورد علی عبدک البائس الفقیر و رقیقک الضعیف الحقیر من ناقض میثاقک من بعدک المارقین من دینک المبین بعد صعودک المتزلزلین فی عهدک القدیم بعد ما توارى شمس جمالك بغمام جلالک العظیم ای ربّ فوقّ السهام و صوّب السنان

و تطلی نیران الطغیان فابعث من احبتک نفوساً مؤبده بقوّتک القاھرة و قدرتک الباھرة حتّی یصبحوا سدّاً تیناً رصیناً من زبر الحدید هاجزاً مانعاً دافعاً لیأجوج الشبھات و مأجوج الاشارات المتمسکین بالمتشابهات ای ربّ احفظ دینک المبین من شرّ المهاجمین المارقین انک انت المقدر العظیم ع ع مقابله شد
خط مبارک

ص 652

جناب عندلیب بوستان عرفان علیه بهاءالله الاهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای عندلیب حدیقه و فاء آنچه مرقوم فرموده بودید قرائت و تلاوت گردید بستایش حضرت ربّ قدیم و ملیک عظیم مشغول گشتم که ای خدای مهربان شکر ترا نیایش ترا که

بندگان درگاه احدیت را از هر آلائش پاک و مقدّس فرمودی و بتأیید ملکوت غیب جمال ابهات مؤید کردی از باده آماده در خمخانه وله و انجذاب سرمست نمودی و در بزم ذکر و ثنایت مخمور صهای الست کردی در قلوب شمع افروختی و کل را رسم و رفتار و گفتار ابرار آموختی و جگرها را باتش محبت سوختی ای پروردگار وقت هجوم جنود ملکوت ابهائست و زمان تأیید و نصرت بملائکه ملا اعلی آنچه وعده فرمودی وفا فرما و این جامهای دردآلود را صهای عنایت افاضه کن این جمع پریشان تواند و این حزب بیسر و سامان تو ملجأ و پناهی جز

ص 653

رکن شدید ندارند و مرجع و ملاذی جز کھف منیع نجویند اگر یاری و یاوری فرمائی این مرغان ضعیف عقاب کاسر گردند و اگر مدد غیبی رسانی این موران نحیف شکوه سلیمانی بنمایند ذره نابود در ظل عنایت آفتاب انور است و قطره ناچیز بغیض اعظمت بحر اخضر اگر حقیریم اگر فقیریم اگر ذلیلیم اگر اسیریم در سایه الطاف باسم مبارکت معروف و شهیر و تویی دستگیر و مجیر هر مستجیر خدایا تو واقفی و دانا که جز خیر نبئی نداریم و بغیر صلح و صلاح با عموم مقصدی نجوئیم طیوریم بال و پر شکسته بال و پری عطا فرما تا سبب راحت و آسایش عالم شویم و علت خیر خواهی کل نفوس گردیم خدمت بعالم انسانی کنیم و همت در منفعت عمومی نمایم اطاعت سروران

عادل نمایم و بصدقت در خیرخواهی دولت کوشیم چه که اطاعت و صداقت و امانت و انقیاد بحکومت را فرض و واجب فرمودی خدایا ما را موفّق بعمل گردان تا بآنچه امر فرمودی قیام نمایم جز تو نجوئیم و نگوئیم جز در بیان محبت نپوئیم در خصوص فساد بعضی از

ص 654

مفسدین فرمودید البتّه ظاهر و آشکار گردد و وجوه اهل فساد سپاه شود خدا حقیقت

هر عملی را مشهود نماید خود سرکار رکن الدوله میدانند که دشمنش کیست و مقصودش از این فسادها چه فسوف تری المفسدین فی خسران مبین فساد عاقبت ندارد و ثمری نبخشد تا بحال نفسی از فساد خیر ندیده و فساد هیچ نفسی مکتوم نمانده آفتاب حشر است اسرار مکنونه را آشکار میفرماید این نفوس همیشه ادعای خیرخواهی دولت و ملت مینمودند حال خدا واضح فرمود که مصلح کیست و مفسد که الحمدلله رب العالمین والبهاء علیک ع ع
مقابله شد

هوالبهی

جناب عندلیب حدیقہ رحمانی علیہ بہاء اللہ الابهی ملاحظہ نمایند

هوالبہی

ای شمع روشن محفل احبّاء اللہ آثار قلمیہ آن ورقآء حدیقہ عرفان مورث روح و ربحان گردید حمد جمال قدم روحی لاحبّائہ فدا را کہ بموہبت کبری احبّای مخلصین را بر خدمت امرش موقّ

* ص 655 *

فرمود ای حمامہ ریاض عنایت وقت تغنی و ترنی و نغماتست و هنگام اشتعال نار محبت اللہ اگر در این قرن اعظم کہ چون آفتاب بین قرون سائره ساطع و روشن است انسان خواموش و مدہوش ماند در چه قرنی ناطق و منکلم و مبین گردد و اگر نفسی در

این بہار الہی از نسائم قدس مہترز نگردد و از فیض سحاب رحمت رحمانی چون گل صد برگ خندان نشکفد و از اشعہ ساطعہ شمس حقیقت روشن و منور نگردد در چه عہد و موسمی بحرکت آید و در چه ایامی از افق عالم چون ستارہ صباگاہی بدرخشد حکمت مذکورہ در الواح مقصود آنست کہ و اتتوا البیوت من ابوابها و لا تأتوا البیوت من ظهورها باید چون شمع در زجاجہ حکمت برافروخت نہ آنکہ خاموش و مخمود ماند آن دو نفر از احبّاء اللہ کہ اذن زیارت روضہ مطہرہ خواستہ اند مأذونند باولادشان دیگر جمیع احبّای آن ارض را از قبل این عبد تکبیر ابدع الہی ابلاغ فرمائید جواب مکاتیب تعویق افتاد این از جهت ضعف شدید و علل جسمانی بود حال رفع

* ص 656 *

شده است ع ع
مقابله شد خط مبارک

هو الابهي

ش جناب عندليب حقيقه الهيه عليه بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند

هو الابهي

يا من اجتهد بروحه و ذاته و كينونته في نشر نفحات الله احسنت احسنت بما استقمت
على عهد الله و ميثاقه و ثبت بقوة من الله على هذا الصراط الممدود
لعمرك الله يؤيدك على ذلك جنود الملكوت الابهي و الملائكة المقربون فاشدد ازرك
بقدره من الله و قو ظهرك بسلطنة من الله و مر على القلوب مرور نسيم الصبا و
بشرهم بنفحات الله و اشعل في القلوب نار محبة الله و نور الابصار بنور معرفة
الله و اشرح الصدور بفيض موهبة الله و احي الارواح بالمياه الطافحة من حياض
رحمة الله في رياض امراك و البهاء عليك و على كل من افتقر في سبيل الله و
اصابته الضراء و الباساء في محبة الله حقيقة مشقات و زحمت ان
ص 657

جناب بيحد و پايان گشته صبر جميل لازم از استقامت و ثبوت و اشتعال جناب افنانها
مرقوم فرموده بوديد سبب نهايت روح و ريحان گرديد مقابله شد
خط مبارک

هو الابهي

ش جناب عندليب حقيقه توحيد عليه بهاء الله الابهي

هو الابهي الابهي

اي حمامه حقيقه توحيد و عندليب رياض تجريد جمال قديم اوراق بديعه که باحسن
معاني و ابداع حقايق اسرار رحمانی مزین و مطرز بود تلاوت و قرائت گرديد نشر
نفحات روح و ريحان شد و سبب گشايش وسعت وجدان گرديد چه که مشعر بر شوق و
شعف و

جذب و وله قلوب ياران الهی و احبای رحمانی بود و ناطق بثبوت و رسوخ کل بر امر
رباني در زمان سکون و سرور ثبوت و رکود هر کس تواند در وقت آسایش و سلم
بسالت و شجاعت هر کس تواند لکن مؤيدین بجنود ملکوت ابهي نفوسی هستند که در
طوفان اعظم امتحان و افتتان

ص 658

چون علم مبین مرکوز و متین و قائم و در میدان مجاهده با نفس چون حصن حصین ثابت

و راسخ و مقاوم فنعم مقال سوی آن دلبر نبود هیچ دل با آرزو با چنان گلرخ
نخسید هیچکس در پیرهن یا برو همچون زنان رنگی و بوئی پیش گیر یا چو مردان
اندرا و گوی در میدان فکن حال الحمدلله که احبای الهی در اطراف و اکناف
مستقیماً علی امرالله و ثابتاً علی محبة الله مرد میدانند و مشتعلین
بنار محبة الله آنجناب باید در کل حین محرک قلوب باشید و مبشر نفوس جسم
افسرده امکان را جان باش و جان پژمرده انسان را روح و ریحان اگر از بعضی نفوس
فتوری مشاهده فرمائید محزون مشوید و مأیوس مگردید چه که حرارت در آن نفوس
چون

شعله در شمع پنهانست وقتی آید که روشن گردد و شعله برافرازد و چهره برافروزد
والبهاء علیک ع ع مقابله شد خط مبارک

هو الله

ش حضرت عندلیب ریاض احدیه علیه بهاء الله الابهی
* ص 659 *

هو الله

یا من انجذب بسطوع نور اشراق من مطلع الاسرار حی علی الفوز العظیم حی علی
النور المبین حی علی الحظ الجلیل حی علی الفضل البدیع حی علی البدر المنیبر
حی علی السراج المضیی حی علی العهد القدیم حی علی الميثاق الغلیظ قد اخذت
الزلزل و تتایعت النوائب و نفاقم الامتحان و تعاضم الافتتان و اظلمت آفاق
قلوب اهل النسیان بغیوم کثیفة من الطغیان و نصب ماء الایقان و نبع حمیم
الظنون و الاوهام شاعت الشبهات و ذاعت المتشابهات قد ترکوا المركز المنصوص
والبیان المرصوص و اتبعوا کل خابطة عشواء و ناطقة صماء و حادیة عمیاء
احسبوا انهم ترکوا صدی کلا اذا صدح الوراقاء فی ریاض البقاء و غنت حمامة
القدس فی غیاض الکبریاء و سطعت انوار التأيید فی قطب السماء و اشرفت مصابیح
الانجذاب و نقر فی ناقور الحیات و صال جنود
* ص 660 *

الملكوت الابهي و حال خيل ملائكة الملاء الاعلى و خفق علم الميثاق و انتشر شرع
العهد والوفاق يومئذ ترى الثابتين فى جنّة النعيم فى ظل ممدود و مقام محمود و
عطآء مشهود و ترى المترلزين فى ظل يحموم و مقام مشنوم و صنك و غموم و
خسران

الى يوم يبعثون ع ع
خط مبارك

مقابله شد

هو الابهى
ش حضرت عندليب حديقهُ معانى عليه بهآء الله الابهى
هو الابهى

اللهم يا الهى ترانى كليل اللسان عن بيان المواهب التى خصّصت بها اصفيائك و
اختصت بها من تشآء من احبائك و نشكرك على الطافك فى هذه الايام التى زلت
فيها اقدام المستكبرين على عهدك و ميثاقك بحيث يا الهى اشرفت انوارك و اشتهرت
آثارك و ظهرت اسرارك و انتشرت نفحاتك و علت كلمتك و عبق طيب انفاس قدسك و
تعطّر

الشرق و الغرب

* ص 661 *

من رائحة قميص تقديسك و اهتّرت الافاليم لتعليمك ايربّ لك الحمد على ذلك و لك
الشكر على كل ذلك اى ربّ ايد المقربين على الاجتماع فى محافل الانس لذكرك و
ثناك و وفق الثابتين على الاحتفال فى مجامع القدس لحبك و ولائك اى ربّ اجمع
شملهم و لم شعثهم و ارفع كلمتهم و اظهرهم على امم آلافاق بعونك و معرفتك و نفوذ
كلمتك و اجعل مجامعهم انعكاسات جوامع الملكوت و محافلهم آيات صوامع اللاهوت
ليسجوك و يقدسوك و يمجدوك و يشكروك انك انت الكريم الودود ع ع
مقابله شد خط مبارك

هو الابهى
شيراز حضرت عندليب رياض الهى عليه بهآء الله الابهى

هو الابهی

ای ربّ هذا عندلیب ریاض ثنائک و لیث غیاض ذکرک و ورقآء فردوس محامدک و نعوتک
قد تغرّد علی افنان دوحه الییان باحسن التبیان و ترنم فی حدیقه العرفان بابدع الالحن
و نادى بمیناقک فی قطب الافاق
* ص 662 *

و ثبت علی عهدک و قاوم اهل الشقاق ایربّ ابّده فی جمیع الشنون یا ربّی
الحنون و انطقه فی محافل التقدیس و مجامع التوحید بذکرک و ثنائک و اشدّد ازره
علی خدمتک و البسه خلج التشریف برحمتک و توجه بتاج العبودیة فی عتبة قدسک
العلیه و قدر له خیراً یتباهی به بین الملاء المقربین و بشرق وجهه بالنور
المیین یا رحمن و یا رحیم ای ربّ هب له هذه الورقة البدیعه امتک الجدیده و
سمّها فی ملکوتک نورآء انک انت الواهب المقتدر الکریم و انک انت الرحمن
الرحیم ع ع مقابله شد خط مبارک

هو الله

شیراز حضرت عندلیب گلشن الهی علیه بهآء الله الابهی

الله ابهی

ای عندلیب گلستان الهی موسم بهار الهی هنوز در نهایت طراوت و لطافت و گلشن
رحمانی در غایت نضارت و حلاوت و دوستان روحانی چون شاهدان انجمن یزدانی در
نهایت
ملاحت و صباحت
* ص 663 *

و بلبل معنوی در ابداع الحان فصاحت و بلاغت باوجود این زاغانی چند میدان گرفته و
بنعیق و نعیب عربده در این چمن انداخته اند که این گلشن رحمانی را گلخن ظلمانی
نمایند و این فردوس الهی را مزبله شیطانی نمایند طیور شکور را لاشخور منفور کنند
و بازان غیور را زاغان کفور نمایند طوطیان شکرستان الهی را کلاغان قبرستان ترابی
کنند و گلزار حقائق و معانی را خارستان ردائل غیر متناهی نمایند دانه که در این
دام انداخته اند توحید عوامست و تفرید متبادر باذهان انعام که از امم قدیمه کهنه
میراث مانده باوجود آنکه در جمیع الواح و زبر الهی بیان توحید بابدع معانی موجود
و مشهود حال این قوم عنود بذیل تلمود یهود تثبیت نموده اند جواب شیخ سلمان علیه

به‌آءالله الابهی را ملاحظه نمایند و اگر مقصود عظمت و بزرگواری و بی مثل و نظیری جمال مبارک روحی لعتبة المقدسه الفداست این مسلم کل و متفق علیه عموم اهل هداست لایختلف فیه اثنان در تصور ذات او را گنج کو تا در آید
* ص 664 *

در تصور مثل او او مقدس از توحید و تکثیر و اطلاق و تقلید و ترکیب و بسیط است کل هذا اوصاف ادنی خلقه این بیچاره ها نه از بیان اولیای سلف خبر دارند نه از معانی و حقائق حضرت اعلی روحی له الفدا و نه از جواهر تبیان جمال ابهی فدیت احبائه بكل الوجود و القوی توحیدشان معنی متبادر باو هام ع ع
الیوم اعظم فرائض اتحاد احبای الهی البتة سعی بلیغ مبذول بفرمائید بهر وسیله باشد الفت تامه بین دوستان حاصل گردد این امر را آنجناب باید نهایت همت بفرمائید ع ع

و الیوم لم تکن خدمة اعظم من هذا ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت عندلیب حدیقه ملکوت علیه به‌آءالله الابهی

الله ابهی

جناب عندلیب چون آنجناب اهل راز این عبد هستید لهذا از اسرار بیانی نمایم و آن اینست که این عبد را نهایت آمال و آرزو اینست که

* ص 665 *

عبودیت خویش را در آستان مبارک در جمیع عوالم ثابت نمایم و این عبودیت محضه را بهیچ رتبه و مقامی تبدیل ننمایم آنچه از عبودیت این عبد ذکر شود سبب مسرت دل و جانست و علت روح و ریحان و خیمه امرالله بستون عبودیت بلند گردد و سدره امرالله بعبودیت صرفه و فناء بحت خدمت شود آزادگی این عبد در بندگیست و عزت مقدسه اش در عبودیت آستان مقدس پس کل باید بمنتهای قوت بر بندگی و عبودیت جمال قدم روحی لاحبائه الفدا قیام نمایم تا بانوار عبودیت آفاق را روشن نمایم و بروح فقر و فنا و عجز و ابتهاج جهان وجود را روح بخشیم و باهنگ الحان بدیع عبودیت زلزله بر ارکان عالم اندزیم و قلم آن جناب باید ترجمان قلم این عبد باشد و آنچه از این قلم ترشح نماید از آن قلم بترآود یعنی در ذکر عبودیت این عبد قلم آن جناب انشاءالله آیت عظمی گردد اینست که میفرماید تا نگردي فانی از وصف وجود ای مرد راه کی چشی خمر بقاء از لعل نوشین نگار لهذا قصیده که تازه

بجهت عشق آباد انشاء فرموده‌اید این را تبدیل بقصیده ذکر بندگی
* ص 666*

و عبودیت این عبد نمائید یعنی از بدایت تا نهایت ذکر عبودیت این عبد باستان
مقدس باشد بهذا یفرح روحی و ینتشر صدوری و تعش نفسی و هذا سدرتی المنتهی و
مسجدی الاقصی و حتی الماوی و هذا مذهبی و دینی و طریقتی و حقیقتی و حیاتی و
نجاتی منذ نعومة اظفاری ع ع
مقابله شد
خط مبارک

هوالابهی

شیراز جناب عندلیب گلستان الهی علیه بهاءالله الابهی
ای عندلیب گلشن ابهی چون روحانیان محفل طرب آریند و بهائیان در سایه طوبی
آسایند بزم میثاق بر ترتیب ظل شجره انیسا مزین گردد چنگ الهی بدست گیر و آهنگ
ملکوت ابهی ساز کن که ای بهائیان وجد و طرب نمائید ای الهیان جذب و وله خواهید
که نغمه ناقور حق شرق و غرب را بحرکت آورد و صوت صور و صافور حق جنوب و
شمال را
زنده نموده صوت تهلیل و تکبیر و رنه تقدیس و تسبیح
* ص 667*

از جمیع ارجاء بملکوت ابهی متواصل و صیت جمال ابهی بهفت اقلیم متابع
والبهاء علی کل من یستبشر بهذا الحدیث ع ع
مقابله شد خط مبارک

هوالله

شیراز جناب عندلیب ریاض عرفان علیه بهاءالله الابهی

هوالابهی الله ابهی

ای عندلیب حدیقه ابهی در این مدت مدیده هرچند با کمال فصاحت و بلاغت قصائد
غرائی انشاء نمودید ولی این منظوم اخیر لؤلؤ منثور منیر است و جواهر بینظیر
مقبول واقع شد ولی بعد او تصحیح باری همیشه در چمنستان عرفان بانواع نغمات و
ابدع الحان بذکر عبودیت این عبد تغنی فرما تا روح مهتر گردد و قلب مستبشر
شود و جان روح و ریحان یابد و انوار سرور بتابد و فیض حبور بیفزاید ای عندلیب

وقت ساز و ترانه است و هنگام چنگ و چغانه دم بشارتست و روز فیروز فیض و عنایت
در شوق و شغف آ
* ص 668 *

و در طرب و شغف وقت آنست که از فیض الطاف جمال ابهی دم زنی و از اسرار میثاق
قلوب اهل وفاق را زنده نمائی والبهاءعلیک ع ع
مقابله شد خط
مبارک

هوالبهی

ش حضرت عندلیب ریاض الہی علیہ بہاءاللہ الابھی
جناب عندلیب حدیقہ معانی پیک امین رحمن حضرت شیخ سلمان علیہ نفحات ربّہ
المنان خدمات فائزہ بامراللہ نمود در مجامع روحانیان ہمیشہ باید ذکرش باقی
باشد زیرا در ملکوت ابھی چون سراج و ہّاج روشن است حال بازمانگانہ دارد کل
احباء باید رعایت آنها را ملحوظ دارند علی العجالہ حضرت افنان آقاسید حسین
علیہ بہاءاللہ و شما باید مطالبات آن متصاعد الی اللہ کہ در آن حوالی دارد
بزودی تحصیل نمائید و بازمانگان او برسانید البتہ نہایت ہمت نمائید و تا
پارہ آخر بزودی برسد و قبض و وصول گرفته شود و ارسال
* ص 669 *

ارض اقدس گردد والبهاءعلیک ع ع
مقابله شد خط
مبارک

هواللہ

ش جناب عندلیب حدیقہ معانی علیہ بہاءاللہ الابھی

هوالبہی

ای عندلیب حدیقہ معانی ای جای تو خالی در بقعہ بیضاء ای جای تو خالی در قبہ
نورآ ای جای تو خالی در موقع منعوت بلسان انبیاء ای جای تو خالی الرب مجد
لبنان و بہاء کرم ای جای تو خالی در ارض مقدس ای جای تو خالی در وادی ایمن
ای جای تو خالی در ذروہ علیا ای جای تو خالی در جبل کوم اللہ ای جای تو خالی
در بہترین نقطہ حیفا ای جای تو خالی در بنیان حضرت کبریا ای جای تو خالی در
خاک کشی بدوش مبارک ای جای تو خالی غصہ مخور چند کش بالنبیہ از جناب شیخ

الرئيس و جناب افنان و جناب فاضل و جناب غلامرضا خان و جناب شما و جناب
معمارباشی
و سائر احباً میکشم و این نیابت عین عنایت و صرف موهبت از حضرت احدیت است
* ص 670 *

که عبدالبهاء را موقّق بآن نموده که بالنیابه از نفوس زکیّه در این مقام قیام
نماید رب اقبل من عبدک الخاضع الخاشع البائس الفقیر هذه النيابة لاجباء الله
انک انت المقتدر العزیز القابل الغفور ع ع مقابله شد خط مبارک

هو الابهی

ش حضرت عندلیب ریاض توحید علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ایها الطیر المغرّد فی حدائق العرفان لعمرک انّی بکل وجد و اشواق و حنین
لا یطاق احن الی ایک اللفاء لاسمع صیاح دیک الوفاء عند تبلج لوانح الصباح
لتتذکر الارواح تلك الالفة الروحانیة فی الروضة الغنّاء والحدیقة الغلبا
و الدسکرة الخضراء و نحن نجتمع کالنجوم فی تلك البروج و نألف کالطیور فی تلك
المروج و نترنم بابدع الالغان فی المحامد و النعوت لرینا الرحمن و نتلو قصائد
کالفرانید النوراء و الخرائد الغراء بکل سرور فی ظل ربنا الابهی روحی
مقابله شد
لا حباؤه فدا ع ع
* ص 671 *

هو الحقّ القديم

ای ثابت بر پیمان حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقامیرزا آقا در کمال روح و
ریحان و ثبوت بر پیمان و خدمت باستان یزدان عازم آن سامان میشوند حین ورود باید
حضرات افنان شجره مقدّسه و جمیع یاران در کمال حبّ و احترام بملاقات شتابند و
بجمیع وسایط حییه تشبّث فرمایند و ابدأً اغبرار ماضی را بخاطر خطور ندهند و آن
حضرت باید در نهایت همّت واسطه عقد این الفت گردند که انشاء الله کل چون جنود
ملاً اعلیٰ بر نصرت کلمة الله در جمیع مراتب وجود و شئون غیب و شهود از اخلاق و
اطوار و احوال و کردار و گفتار قیام نمایند و شریک و رفیق و وفیق عبدالبهاء در
عبودیت و فنا و رقیّت و وفا گردند تا عماد خباء تقدیس مرتفع شود و جنت ابهی
در نهایت طراوت و لطافت و نظافت چهره گشاید ع ع

خط مبارک

هو الله

شیراز حضرت عندلیب ریاض میثاق علیه بهاء الله الابهی

* ص 672 *

هو الابهی الابهی

ایها عندلیب حدیقه التوحید طوی لک بما تغنیّت فی ریاض العرفان بابدع الالخان
و تغرّدت فی غیاض المیثاق باحسن الانغام و الإیقاع تالله الحقّ یستمع لالخانک
أذان الملاء الاعلی فی التهلیل و التسبیح فی ثنائک علی ربّک الابهی اذّا فادلع
کدیک الملکوت و تغرّد کحمامة القدس فی ریاض الجبروت مثیا علی ربّ العظمة
و اللاهوت النیر الابهی و مینّا لعبودیتی لتلك العتبة السامیه التی اکبت
علیها الملاء العالین بالوجوه النوراء ع ع
خط مبارک

هو الله

ایها عندلیب الصادح فی ریاض المیثاق هرچند این عبد در تحریر تأخیر مینماید
ولی در عالم قلب و روح دائماً مستمراً بذكر اصغیاء الله مشغول و مسرور زبرا
غوانل و مشاغل و شواغل بدرجه که وصف مستحیل و ممتنع بلایاء و رزایاء لیل و
نهار چون سیول و نهور و بحار با وجود این چگونه فرصت مخابره شرق و غرب و مجاوبه
* ص 673 *

با جمیع ملل عالم باری مقصود اینست که عبدالبهاء در آستان مقدّس دائماً بیاد
شما مشغول و طلب تأیید مینمایم که در جمیع شئون مؤبد بر نشر میثاق نیر آفاق
باشید و سبب تنبیه و تذکر و خضوع و خشوع غافلین شوید ع ع
خط مبارک

هو الابهی

جناب عندلیب ریاض توحید علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهى الابهى

لا بتهلنّ اليك يا الهى و اتضرعن بين يديك متذلاً منكسراً الى ملكوتك الاحلى و جبرات غيبك الاسمى و ذروتك العلياء و عدوتك القصى ان تنزل كل بركتك و تحيتك و موهبتك على الذين ثبتوا على ميثاقك من ارقائك رب رب انهم فقراء بباب احديتك و اذلاء في رحمة الوهبتك و ساحة ربوبيتك البسهم رداء العزة القديمة بقيوميتك و زين هامتهم باكليل جليل من الفرائد النوراء و الخرائد الغراء و البتيمه العصماء على سرير موهبتك
* ص 674 *

العظمى في عوالمك الاخرى في ملكوت الاعلى اي رب نور جبينهم بالنور المبين و اسقهم كأوساً من ماء معين و ادخلهم في جنة النعيم و اجعلهم هداة الى صراطك المستقيم و حماة لحصنك الحصين و رماة للمردة المذبذبين و حراساً لبنيانك العظيم حتى تلوح وجوههم كالنجوم في مشارق ارضك و مغاريها و تنتشر بهم نفحات قدسك في مطالعها و مناطقها انك انت المؤيد المقدر العزيز الكريم اي رب اجعل كل حبيب سهيما لعبدك هذا في عيودية عتبة قدسك السامية البناء و التذل من جميع الجهات بباب احديتك التي تزدهت عن المحامد و النعوت و الشاء اي رب اجعلني فانياً قانتاً ساجداً متذلاً خادماً خاضعاً خاشعاً مكياً بوجهه على التراب ثابتاً على عيودية حقيقية كينونية ذاتية باطنية ظاهرة اولية آخرية سرمدية ابدية لان هذه هي ذروتى العليا و منتهى عروجى الى اوج نقبتي العظمى و هذه حياتى الابدية و نشتى السرمدية و سرورى و حورى و قره عيني و شفاء صدرى و براء علتي و برد لوعتى و راحة روحى و اعظم فتوحى
* ص 675 *

رب اجعل قلوب احبائك تتعقد على هذا الصراحة الكبرى و العقيدة المقبولة فى باب موهبتك العظمى حتى ينطقوا بهذا النص الصريح من غير تأويل او تفسير او تشريح او تلويح و ايدنى عليها و وققنى على الثبوت فيها انك انت مؤيد من تشاء على ماتشاء و انك انت المقدر القدير
اي ثابت بر ميثاق آنچه مرقوم نموده بويدي تلاوت شد و مذاق حلاوت يافت گلشن قلوب را چون رشحات غيوم سقايت نمود و طراوت بخشيد زيرا بشارت تو قد شعله سينا در موطن نقطه اولى روحى له الغدا بود و دلالت بر انتشار نفحات الله در آن اطراف بيار حقيقى ميرزا على اكبر خان تحيت و ثنا برسان و بگو اي دوست توفيقات الهيه تورا در دشت و صحرا و كوه بگرداند تا بسر چشمه حى قيوم وارد كرد و از ماء حيات

روزی بخشید سبیل نجات بنمود و آیات بیّنات مشهود کرد و از سهم شبهات محفوظ داشت
فاشکرالله علی ذلک انه ولیک فی دنیاک و اخریک و نصیرک و مجیرک و سمیرک فی
الاسحار گل گلشن جمال محمدی حفید مرحوم آقامیرزاعلی جناب میرزا ابوالقاسم
* ص 676*

را تحیت کبری برسان و همچنین عمّ محترمشان را و بگو قد تلونا قصیدتک الغرّاء
و خریدتک الفریدة الزهرّاء لله درک ما افصحها و ابغها کأنّها ماء زلال مسکوب
من السماء و شهد فائق مصفّاء اوجزت و اعجزت اسهبت و اطربت و انّ عبدالیهّاء
یتمّنّی العبودیّة الصرفة المحضّة العظمی من جمیع الجهات فی الساحة السامیة
الشاسعة الارحاء فان کنت احببت ان یطیر قلبی فرحاً و یتستقیم ظهری سروراً و
ینجلی بصری ابتهاجاً و یتنزّ نفسی انشراحاً اطلق اللسان دائماً فی میدان
عبودیّتی و فنائی و اضمحلالی فی کل الشئون و الاحوال عند ذلک تطرب من طربی و
تتجذب من فرحی و تطیر بجناحی و تتعارج باباهری و قوادمی و ترفرف فی الارجح الاعلی
بعبودیتک للحضرة الرحمانیّه فی هذه النشأة الانسانیّه أنّها نشأة لامعة الصیح
ساطعة الفجر فی عالم الکیان و العیان و به دو ابناء آقامیرزا حسین جراح تکبیر
برسان و بگو ای دو پسر چون دو پیکر منطقه البروج الحمدلله چون مرغ سحر هم پر
پدر شدید و بغضّاء بیابان عرفان
* ص 677*

طیران نمودید پس بشکرانه این فضل و کرم زبان بگشائید و ممنون پدر گردید و
البهّاء علیکما و بحیب ادیب آقامیرزا آقای طیب کمال اشتیاق را ابلاغ دارید و
بگوئید ای طیب علل و امراض روحانی نفوس انسانی را مریض و علیل نموده معجون
برءالساعه بکار بر و مفرّح لاهوتی مبدول دار دریاق فاروق بده و کأس راوق
بنوشان بلکه هر مسموم از این طیب مسموم صحت ابدی یابد و هر محروم از این فضل
نصیب موفور یابد و همچنین حکیم حاذق و حیب صادق یار موافق میرزا محمد رضای
طیب

را تکبیر برسان و بگو طنزور در ختاست و جدوار در چین و مشک در ختن ولی عقاقیر
سریع التأثير شافی امراض و علل در بقعه مبارکه وادی ایمن طور سیناء بقعه
بیضاء ارض میعاد صحرای طور موجود که هر یک طنزور را مقهور کند و جدوار را بیدار
نماید و رشک مشک شود ای پزشک دانا این درمان را داروی هر درد نما و این مرهم را
ضمداد هر زخم کن تا انفس و آفاق صحت تامه
* ص 678*

و عافیت کامله یابد و جناب شمس ابلاغ فرما که آفتاب حقیقی جمال ابهی بر افاق بتافت کوکب فلک اثیر حقیر شد و فقیر گشت زیرا پرتو این در دائره محدود و اشراق آن در این فضای غیر متناهی نامحصور دائره کوکب اثیر صغیر است و دائره اعظم محیط بر دوائر صغیر و کبیر حال چون موسوم شمسی از حرارت دمسی بنما و رمس غرباء را فضاء

خضراء کن و دیگر یار معنوی جناب محمد کریمخان را تکبیر مشتاقانه برسان و بگو ای دوست مهربان پرتو یزدان دلها را روشن نموده رانحه رحمن جانها را گلبن و گلشن کرده نسیم عنایت میوزد و شمیم ریاض موهبت جان میبخشد آیات توحید در ترتیل است و رایات تقدیس در تشهیر صبح حقیقت افق امکان را منور نمود صبای جانبخش از سیای ملکوت ابهی بر بسیط غرباء مرور نمود کون خلق جیدی گشت و کائنات بقمیس بدیع محشور شد حمد خدا را که از این فیض موفور نصیب مغرور داشتی و رزق مقسوم بردی و

حضرت پرنیاز جناب پیشنماز را با حرارت ابدی در مسجد بردی ابلاغ اشتیاق
عبدالبهاء بنمائید

* ص 679 *

و یگوئید وقت عجز و نیاز است و طرب و ساز و آهنگ و آواز و بلندی شهناز باز اوج عزتی صغیری بزن و طاوس ریاض عبودیتی شهیر تقدیسی بگشا و البهء علیک حضرت جلیل

جناب رئیس دائماً انیس عبدالبهاست و دمیدم بیادشان همدمست و شب و روز طلب توفیق

مینماید تا بنصرتی از ملاء اعلی و بموهبتی از ملکوت غیب ابهی جمیع حواس و قوای اسرای نفس و هوی را بجنت ابهی متوجه فرماید ان ربه یؤیده و یوفقه بجنود لم تروها و جیوش عرمرمه متتابعة من الملاء الاعلی اگر حکمت در حرکت از آن ولایت دانند بهتر چنان است که باقالیم ایران بشتابند چه که در آن کشور استعداد عظیم حاصل شده و بالاخص در طهران چنان جوش و خروشی است که تصور نتوان اگر مدتی قلیله در آن مدینه بخدمت امرالله قیام نمائید آذان مستعد است و نفوس منتظر وقت خرمن است و هنگام ظهور فیض و برکت و البهء علیک و بحضرت شیخ محمد فاضل ابلاغ

فرما که وقت خدمت است و هنگام نشر نفحات در آن مملکت
* ص 680 *

حال در آنجا که موطن حضرت اعلیٰ روحی لاجبانه الغداست امرالله قوامی یافته و سبب سرور قلب عبدالیها گشته زیرا نهایت آمال این بود که در آن کشور که مطلع مهر انور است انوار حقیقت منتشر گردد اگر شما و حضرت رئیس و جناب عندلیب از آن اقلیم سفر کنید شاید روخاتی در قوت پیدا گردد انشاءالله در وقتش میسر خواهد شد ای حضرت عندلیب جواب شما در این ضمن داده شد باواز هزار الحانت قسم که عبدالیها از شدت قوائل و کثرت مشاغل و هجوم اهل فتور و فتن و فساد اهل غرور فرصت نگارش

سطری از سطور ندارد تا بهر یک از یاران روحانی و دوستان رحمانی نامه مخصوص نگارد

لهذا البتہ معذور دارند ولی در آستان پاک طلب تأیید بهر هر یک مینمایم مطمئن باشید که تأییدات متابعاً میرسد و البهآء علیکم اجمعین ع ع مقابله شد خط کاتب مهر و امضاء مبارک

شیراز جناب عندلیب گلشن معانی علیه بهآءالله الابهی

هوائه

ای هزارستان در این عید رضوان سنه قمری شصت ظهور
* ص 681*

قصیده که انشا فرموده بودید فی الحقیقه بدیعست و بلیغ و فصیحست و لطیف در نهایت سلامت و حلاوت و بلاغتست و مضمون در نهایت اعتدال ایّدک الله علی ابدع النغمات فی فسیح الجنان بغنون الالحن انشاءالله همواره محافل یاران را باین ترانه مستغنی از شراب شبانه و الحان چنگ و چغانه نمائی و علیک التحیة
مقابله شد
والثناء ع ع

خط کاتب مهر و امضاء مبارک

ش حضرت عندلیب گلستان عرفان علیه بهآءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوائه

ای عندلیب گلستان عرفان مشاغل بی پایان و وقایع ناگهان و مقتضیات زمان و انتشار عظیم امر رحمن عبدالیها را مجبور بر قصور نمود لهذا چنانچه باید و شاید

از عهدهٔ مکاتبهٔ مستمره با یاران بر نیاید چکنم جمال ابهی امرش را در آفاق
منتشر نموده و صیت عبودیت عبدالها را باستان مقدّسش جهانگیر فرموده و باین
سبب مشاغل را بیحد و پایان کرده لهذا المجبور
* ص 682 *

معذور و قبول العذر امر مبرور بنور ملکوتش قسم که آرزویم چنان است هر دم بذكر و
یاد و مکاتبهٔ یاران رحمانیش پردازم دمی نیاسایم و نفسی بر نیارم مگر آنکه همدم
رازشان شوم و هم آهنگ و هم آوازشان از فضل بی متتهایش امیدوارم که روابط
روحانیه را

چنان محکم و متین فرماید که احتیاج بخامه و نامه نماند مقصود اینست که همواره
همدمی و ندیم و دایماً جلیس و قرین و علیک التّحیّة والثّناء
رَبِّ سَمِّ قَرَّةٍ عین احسنت به علیه بالحیب فی ملکوتک و ربّه فی مهد الروحانیّة فی
حیز اشراق انوار لاهوتک انک انت الرّؤف الکریم الوهّاب ع ع مقابله شد
خط کاتب مهر و امضاء مبارک

هوالبهی

ش ورقهٔ نورانیّه سدرهٔ ربّانیّه والده حاجی میرزا علی افغان علیهما
بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

اینها الورقة الروحانیّه از فیض تجلی شمس افق
* ص 683 *

توحید بانوار ساطعهٔ مطلع تفرید حقایق نورانیّه در ظل کلمهٔ جامعه تریبیت شده
اند که کواکب مشرق عالم وجودند و نجوم بازغ فجر شهود آیات باهرهٔ جمال قدمنند و
رایات شاهره اسم اعظم سرج نورانیّه زجابهٔ امکانند و شهب ثاقبهٔ سماء رحمن
آن حقائق مقدّسه بقوتی رحمانیه و قدرتی ربّانیه و عزّتی صمدانیه و شوکتی
ملکوتیه و نفسی روحانی و انبعائی وجدانی و روحی ربّانی در اعلاء کلمهٔ الله و
نشر نجات الله کوشند و ایوم این خدمت عظمی را بجمع شئون باید نمود یعنی
بافعال و اعمال و اخلاق و اطوار و اقوال تا انوار فیوضات قدم از اسم اعظم در
هیاکل توحید از جمیع جهات ساطع گردد پس ای ورقهٔ روحیهٔ سدرهٔ مبارکه از خدا
بخواه که از نجات این مقام مشام را معطر نماید تا آن ورقهٔ نورانیّه بطرازی

مقابلہ شد
مزین گردد کہ نورانیت آن اقلیم شود عبدالبہاء ع
خط مبارک

* ص 684 *

ہواللہ

شیراز امة اللہ المہيمن القیوم الورقة المقدّسه والدہ حاجی میرزا علی افنان و
امة اللہ المہيمن القیوم الورقة المقدّسه زیورسلطان و امة اللہ العزیز الرحمن
بنت شیخ علی میرزا علیہن بہاء اللہ الابہی

ہواللہ

ای ورقات نورآء آنچه مرقوم داشتید ملحوظ گردید و فریاد و فغان از شدت اشتیاق
نمودہ بودید و آرزوی طواف دو مرقد منور آفاق ہر چند در این ایام موانع بسیار
و جمیع ممنوع از حضور در این دیار ولی نظر بامر محکم متین در کتاب مبین آت ذوی
القربی حقہ مآذون حضورید ولی بشرط ایام معدود تا آن طیور پرواز باین بیت
معمور نمایند و توجہ ببلدہ طیبہ و ربّ غفور لکل عبد شکور کنند جمیع افنان
سدرہ مبارکہ را علی الخصوصی فرع دوحہ بقا جناب حاجی میرزا علی را تحیت ابدع
ابہی ابلاغ نمایند و علیکنّ التّحیّة والتّناء ع ع
خط کاتب مہر و امضاء مبارک
مقابلہ شد

* ص 685 *

ہواللہ

ش جناب آقامیرزا جعفرخان علیہ بہاء اللہ الابہی

ہواللہ

ای بندہ ثابت ثابت جمال ابہی خدماتت در یوم عروج حضرت افنان در آستان حضرت
رحمن رحیم مذکور و ممدوح و در ملأ اعلیٰ معروف و مشہود یاران الہی باید در چنین
موقعی جانبازی نمایند تا سبب انتباه اغیار گردد و علت حیرت بیگانگان شود و
علیک التّحیّة و التّناء ع ع
خط کاتب مہر و امضاء مبارک
مقابلہ شد
۶۳۵

ہواللہ

جناب میرزا محمد جعفر منشی علیہ بہاء اللہ الابهی

ہوالابھی

ای منشی بلیغ شعر و انشاء از تعلقات فن بدیع و بیانست و این عیانست کہ
آوارگان را نصیب از ربیع این بدیع نہ و تاب و توان تصور نکات فن نیست ولی
الحمدلله حقائق اسرار بیان یزدان
* ص 686 *

و صحیفه رحمن مشہود و عیان و آن خرق حجاب و ہتک نقاب و کشف سحاب در یوم
طلوع

آفتاب جہانتاب رب الارباب انشاء اللہ از این بیان نصیب و فیر داریم و بہرہ
کثیر فیوضات ربیع این بیان مستغنی از آن بدیع و بیان مینماید پس قلم بلیغ را بگیر
و بر لوح بسیط جوہر بیان و بدیع بنگار تا حق فصاحت و بلاغت و حلاوت عبارت
بدھی و معجزہ بدیع و بیان الہی بنمائی والہیاء علیک ع ع
مقابلہ شد
۶۳۶ خط مبارک

بتاریخ سیزدہم (۱۳) شہر الجلال سنہ ہشتاد و پنج (۱۸۵) مطابق اول ماہ اردی
بہشت سال ہزار و سیصد و ہفت (۱۳۰۷) و سلخ شہر شوال ہزار و سیصد و چہل و
شش (۱۳۴۶)

جلد اول الواح مبارک حضرت عبدالہیاء ارواحنا لرمسہ الاطہر فدا عبد فانی سید
احمد عطوفت جہرمی استنساخ نمود

(شماره ۵۲، حضرت عبدالہیاء)